القرآن الكريم
وترجمة معانيه إلى
اللغة الفارسية

Translation of the Meanings of

THE NOBLE QURAN

in the Farsi Language

القرآن الكريم
وترجمة معانيه إلى
اللغة الفارسية

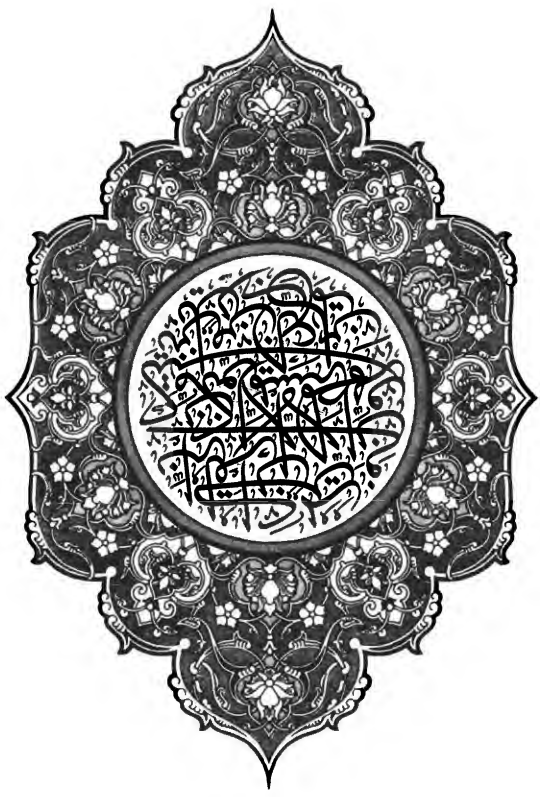

چاپخانه قرآن کریم مجمّع ملکِ فهْد

بسم الله الرحمن الرحيم

پیش گفتار ،

نوشته عالیمقام دکتر عبدالله بن عبدالمحسن الترکی .

وزیر امور اسلامی واوقاف و دعوت وارشاد

سرپرست عمومی مجمع (چاپ و ترجمه قرآن کریم) .

حمدو ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است که درکتاب خود فرموده است ،

﴿ ... قَدْ جَاءَكُم مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ ﴾ به تحقیق که آمد شمارا ازطرف خداوند نوری و کتاب روشن بیان و درودسلام برأشرف انبیاء پیامبر مان محمد (ﷺ) که فرمودند :

"خیرکم من تعلّم القرآن و علّمه" بهترین شماکسی است که قرآن را بیآموزد وبه دیگران آموزش دهد، أما بعد:

برای تحقق رهنمود های خادم حرمین شریفین شاه فهد بن عبدالعزیز آل سعود ـ حفظه الله .

دراهتمام راجع بقرآن کریم و چاپ و نشرآن و تقسیمش بین مسلمانان دراقصی نقاط جهان و همچنین ترجمه و تفسیر معانی آن به زبانهای مختلف جهان، .

وبنابر اعتقاد وزارت أمور اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد مملکت عربستان سعودی دراهمیت ترجمه معانی قرآن کریم به تمامی زبانهای مهم جهان و تسهیل فهم آن برای مسلمان غیر عرب زبان و تحقق مصداق رهنمودپیامبرگرامی اسلام ـ ﷺ ـ که فرمودند (بلغواعنی ولو آیة) ابلاغ کنید ازمن حتی یك آیه .

و برای خدمت برادران فارسی زبانمان باعث مسرّت است که این ترجمه فارسی را تقدیم خوانندگان فارسی زبان کنیم که بوسیلهٔ شیخ شاه ولی الله دهلوی ترجمه، وباز بیني و بررسی مجدد ازجهت مجمع توسط د/ عبدالغفور عبدالحق بلوچ و شیخ محمد علی داری شده است .

شکر و سپاس خدارا داریم که توفیق این کار بزرگ را عطا فرمود، وامیدواریم که خالص برای رضای خداباشد و باعث منفعت مسلمانان قرارگیرد .

والبته ماخوب درک می کنیم که ترجمه معانی قرآن کریم هر چند که دقیق باشد فراگیرندهٔ مفهوم اصلی معانی وسیع نصوص پراعجاز قرآن نخواهد بود، وأما معانی ایکه ترجمه دربر دارد خلاصه ای اززرسائی علم مترجم درفهم قرآن کریم است .

ودربرگیرندهٔ نقص و اشتباهاتی خواهد بود که عموم بشر ازآن مصون نیست .

پس بنابراین ازتمامی خوانندگان محترم این ترجمه خواهشمندیم درصورت مشاهدهٔ هرگونه اشتباهاتی ازقبیل کمی و بیشی وغیره لطفا آنرا به مجمع ملك فهد برای چاپ قرآن کریم در مدینه منوره ارسال نموده تاکه درچاپهای آینده از ملاحظات شما استفاده گردد إن شاء الله تعالی .

والله الموفق و الهادی إلی سواء السبیل ،

خدااست توفیق دهنده و اوست راهنمابه راه راست ،

سُوْرَةُ الْفَاتِحَةِ

سوره فاتحه مکی وآن هفت آیات ست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝١

ستائش برای خدای است پروردگار عالمها ☆ [1](۱)

الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝٢

بخشاینده مهربان (۲) .

مٰلِكِ يَوْمِ الدِّيْنِ ۝٣

خداوند روزِجزا (۳) .

اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ ۝٤

(تنها) ترا می پرستیم و(تنها)ازتو مدد می‌طلبیم (٤) .

اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ ۝٥

بنما مارا راه راست (٥) .

صِرَاطَ الَّذِيْنَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ۝٦

راه آنانکه اکرام کرده ای برایشان (٦) .

غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّآلِّيْنَ ۝٧

نه راه آنانکه خشم‌گرفته شد برآنها و نه راه گمراهان[2] (۷) .

(☆) توضیح : ستائش خداوندی راسزاست که پروردگار جهانیان است .

(۱) مترجم‌گوید یعنی عالم انس و عالم جن و عالم ملائکه و علیٰ هذاالقیاس فتح الرحمٰن .

(۲) مترجم‌گوید مراداز آنانکه اکرام کرده شد برآنها چهار فرقه اند نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین ومراد ازآنانکه خشم‌گرفته شد برآنها یهود اندوازگمراهان نصاری، آمین قبول کن دعای مارا فتح الرحمٰن .

فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿١٠﴾

در دلهای ایشان بیماری ست پس افزون داد بایشان خدا بیماری وایشان راست عـذاب درد دهنـده بسبـب آنکـه دروغ می گفتند (۱۰) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾

وچون گفته شود ایشان را تباه کاری مکنید درزمین، گویند جزاین نیست که ماا صلاح کاریم (۱۱) .

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾

آگاه شو به تحقیق ایشانند تباه کاران ولیکن آگاه نمی شوند (۱۲) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ ۗ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَٰكِن لَّا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾

وچون گفته شود ایشان را که ایمان آرید چنانکه ایمان آوردند مردمان، گویند آیا ایمـان آریـم چـنانچـه ایمـان آوردنـد بیخردان؟ آگاه شوبتحقیق ایشانند بی خردان ولیکن نمی دانند(۱۳) .

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ ﴿١٤﴾

ووقتیکه ملاقات می کنند بااهلِ ایمان گویند ایمان آورده ایم و چون تنها شوند بـاشیـاطین خـود[1] گـوینـد هـر آئینـه ماباشمائیم جزایـن نیسـت که ماتمسخر می کنیم(۱٤) .

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٥﴾

خدا تمسخرمی کند به ایشان و مهلت میدهد ایشان را در گمراهی خویش سرگشته شده(۱۵) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٦﴾

ایشان آنکسانند که خریدند گمراهی را عوضِ هدایت پس سود نیافت تجارت ایشان و راه یاب نشدند (۱٦) .

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ

داستانِ ایشان مانند داستانِ کسی ست که

---

(۱) یعنی رئیسانِ خود .

ازشمابوده اند تادرپناه شوید[1] (٢١) .

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۖ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾

آنکه ساخت برای شما زمین را بساطی و آسمان را سقفی و فرود آورد ازآسمان آب پس بیرون آورد بسبب وی ازانواع میوه ها روزی برای شما پس مقرر مکنید همتایان برای خدا درحالیکه شمامیدانید (٢٢) .

وَإِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٣﴾

واگر هستید درشبهه ازآنچه فرود آوردیم بربندهٔ خود (یعنی ازقرآن) پس بیاریدیك سوره مانندآن وبخوانید مددگاران خودرا بغیراز خدا اگر هستید راست گو (٢٣) .

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَن تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۖ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾

پس اگرنکردید والبته نتوانید کردن پس حذرکنید ازآن آتشی که آتش انگیز وی[2] مردمان وسنگهاباشند آماده کرده شده است برای کافران (٢٤) .

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِن ثَمَرَةٍ رِّزْقًا قَالُوا هَٰذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِن قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا ۖ وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ ۖ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥﴾

وبشارت ده آنکسان را که ایمان آورده اند وکردند کارهای شائسته بآنکه ایشان راست بوستانها میرود زیرآن جویهاهر گاه داده شوند ازآنجاروزی ازقسم میوه، گویند این هما نست که داده شده بودیم پیش ازین وآورده شود بایشان آنروزی مانند یکدیگر[3] وایشان راست درآنجازنان پاك کرده شده وایشان درآنجاجاویدند (٢٥) .

---

(١) تاپرهیزگارشوید .

(٢) یعنی هیزمهای وی .

(٣) یعنی غبارِفقد ان مرغوب هیچ ساعت بخاطرایشان نه نشیند والله اعلم .

بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّيٓ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾

کسی را که فساد کند دروی وخونریزی کند وما تسبیح می گوئیم بحمدتووبه پاکی اقرارمی کنیم برای تو- فرمود هر آئینه من میدانم آنچه شما نمی دانید (۳۰) .

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنۢبِـُٔونِى بِأَسْمَآءِ هَٰٓؤُلَآءِ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٣١﴾

وبیاموخت خدا آدم را نامهای همه مخلوقات باز عرضه کرد آن چیزهارا برفرشتگان پس گفت خبردهید مرا بنام های این چیزها اگرشماراست گوهستید (۳۱) .

قَالُوا۟ سُبْحَٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَآ إِنَّكَ أَنتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٣٢﴾

گفتند به پاکی یاد می کنیم ترا هیچ دانش نیست مارا مگر آنچه توآموختی بما هر آئینه توئی دانای باحکمت (۳۲) .

قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ أَنۢبِئْهُم بِأَسْمَآئِهِمْ فَلَمَّآ أَنۢبَأَهُم بِأَسْمَآئِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّيٓ أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٣﴾

فرمود ای آدم خبرده فرشتگان را بنام های این ها، پس چون خبرداد ایشان را به نام های این ها فرمود آیانه گفته بودم شمارا که هر آئینه من میدانم پنهان آسمان ها وزمین را ومیدانم آنچه آشکارا می کنید و آنچه پوشیده می داشتید (۳۳) .

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ ٱسْجُدُوا۟ لِـَٔادَمَ فَسَجَدُوٓا۟ إِلَّآ إِبْلِيسَ ۖ أَبَىٰ وَٱسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَٰفِرِينَ ﴿٣٤﴾

وچون گفتیم به فرشتگان سجده کنید آدم را، پس سجده کردند مگرابلیس قبول نکرد وسرکشی نمود وگشت ازکافران (۳٤) .

وَقُلْنَا يَٰٓـَٔادَمُ ٱسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا ۖ وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّٰلِمِينَ ﴿٣٥﴾

وگفتیم ای آدم بمان تو و زنِ تو دربهشت وبخورید ازبهشت خوردن بسیار هرجاکه خواهید ونزدیك مشوید باین درخت که خواهیدشد ازستمگاران (۳۵) .

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَٰنُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ ۖ وَقُلْنَا

پس بلغزانید هردورا شیطان ازآنجاپس برآورد ایشان را ازآن نعمتهاکه بودنددرآن

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾

وخلط مکنید راست را باناراست وپنهان مکنید راست را درحالیکه شمامیدانید، (٤٢) .

وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرّٰكِعِينَ ﴿٤٣﴾

وبرپادارید نمازرا وبدهید زکوٰة را ونماز گذارید بانمازگذارندگان (٤٣) .

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتٰبَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾

آیامی فرمائید مردمان را به نیکوکاری و فراموش میکنید خویشتن را و شما می‌خوانید کتاب (یعنی تورات) راآیا نمی فهمید (٤٤) .

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخٰشِعِينَ ﴿٤٥﴾

ومددطلبید[1] به شکیبائی ونماز- وهرآئینه نماز دشوار ست مگربرفروتنان (٤٥) .

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلٰقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رٰجِعُونَ ﴿٤٦﴾

آنانکه میدانند که ایشان ملاقات خواهند کرد باپروردگار خویش و آنکه ایشان بسوی وی بازخواهندگشت (٤٦) .

يٰبَنِي إِسْرَآءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعٰلَمِينَ ﴿٤٧﴾

ای فرزندان یعقوب یادکنید آن نعمت مرا که ارزانی داشته ام برشما وآنکه فضل دادم شمارا برهمه عالم ها[2] (٤٧) .

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْـًٔا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٤٨﴾

وحذرکنید ازآن روزکه کفایت نه کند هیچکس ازکس چیزی را و پذیرفته نه شود ازهیچ کس شفاعت و گرفته نشود ازهیچ کسی عوض ونه ایشان یاری داده شوند (٤٨) .

وَإِذْ نَجَّيْنٰكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوٓءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَآءَكُمْ وَفِي ذٰلِكُمْ بَلَآءٌ مِنْ

(یاد کنید نعمت من) آنوقت که رهانیدیم شمارا از آلِ فرعون میرسانیدند بشما سخت ترین عذاب ذبح میکردند پسرانِ

---

(١) یعنی درجمیع حاجات و مصائب والله اعلم .

(٢) یعنی عالمیان آن زمان .

مهربان (٥٤) .

وَإِذْ قُلْتُمْ يٰمُوسىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتّٰى نَرَى اللّٰهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصّٰعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٥﴾

و[1] آن وقت که گفتید ای موسیٰ هرگزباورنداریم ترا تاآنکه به بینیم خدارا آشکارا پس گرفت شمارا صاعقه وشما میدیدید (٥٥) .

ثُمَّ بَعَثْنٰكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾

باز زنده گردانیدیم شمارا پس ازمردنِ شما، تاشماشکرگزاری کنید[2] (٥٦) .

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوىٰ كُلُوا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾

وسایبان ساختیم برشما ابررا وفرود آوردیم برشما مَنْ و سلوی را، گفتیم بخورید ازپاکیزه های آنچه دادیم شمارا- وایشان ستم نه کردند برما ولیکن بر خویش ستم میکردند (٥٧) .

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطٰيٰكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾

وآن وقت که گفتیم درآئید درین ده[3] پس بخورید ازآنجا بافزونی هرجاکه خواهید خوردنی گوارا ودرآئید به دروازه سجده کنان وبگوئید سوالِ ماآمرزش ست تا بیامرزیم شمارا گناهان

---

(١) مترجم گوید موسیٰ علیه السلام هفتاد کس راازبنی اسرائیل با خود بُرد تاباوی کلام الهی استماع نمایند ایشان بعد ازشنیدن خواهانِ رویت شدند ودرطلب آن پاازحدِ ادب بیرون نهادند خدای تعالی آن همه رابصاعقه بسوخت وبازبدعای موسیٰ زنده ساخت اشارت باین قصه است این آیت .

(٢) بنی اسرائیل مامورشدند به جهاد عمالقه وایشان درآن باب تغافل کردند پس معاقب شدند بافتادن دربیابان چهل سال و آنجاچون آب و طعام وخیمه ها مفقود شد خدای تعالی به دعای موسیٰ علیه السلام مَنّ وسلویٰ نازل ساخت وازسنگی دوازده چشمه روان کردوابرراسایبان گردانید قدراین نعمتها نشناختندوکفرانِ نعمت کردند اشارت بدین قصه است این آیت .

(٣) یعنی دهی که درزمان حضرت موسیٰ فتح شده بود .

داشتند آیت های خدارا ومی کشتند پیغامبران را به ناحق این بسبب گناه کردن ایشان است وآنکه ازحد در می گذشتند (٦١) .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾

هر آئینه آنانکه مسلمان شدند وآنانکه یهود شدند و نصاریٰ و بی دینان هرکه ازایشان ایمان آردبخدا وبروزبازپسین وکردکارِ شائسته پس ایشان راست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان ونه ترس بُوَدبرایشان ونه ایشان اندوهگین شوند[1] (٦٢) .

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾

وآن وقت که گرفتیم پیمان شمارا وبرداشتیم بالای شما طوررا گفتیم بگیرید آنچه داده ایم شمارا باستواری[2] وباد کنید آنچه درآنست تابُوَد که درپناه شوید (٦٣) .

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٤﴾

باز روگردانیدید بعد ازین پس اگر نمی بود بخشائش خدا برشماومهربانی او هر آئینه می شدیداز زیان کاران (٦٤) .

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٥﴾

وهر آئینه دانسته اید آن کسانرا که ازحد درگذشتند ازشما درشنبه[3] پس گفتیم ایشان را بوزینه شوید خوارشده (٦٥) .

---

(١) حاصل معنی آیت آنکه آدمی دراصل ازهرفرقه که باشد چون ایمان آورد ازاهل نجات بود خصوصیتِ فرقه معتبر نیست .

(٢) یعنی احکام تورات .

(٣) یعنی شکار کردند وشکار کردن در روزشنبه دردین بنی اسرائیل حرام بود .

يافتگانيم (٧٠) .

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شِيَةَ فِيهَا ۚ قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ ۚ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾

گفت هر آئينه خدا ميفرمايد كه وى گاويست نه محنت كشنده كه شخم زند زمين را ونه آب مى دهدزراعت را سلامت ست هيچ خال نيست دروى ، گفتند حالا آوردى سخن درست (☆) پس ذبح كردند و نزديك بودكه اين كارنكنند (٧١) .

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا ۖ وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٧٢﴾

و آنوقت كه كشتيد شخصى را پس نزاع كرديد دروى ـ وخدا بيرون آرنده است چيزى‌را كه پنهان ميكرديد (٧٢) .

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا ۚ كَذَٰلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾

پس فرموديم بزنيداين شخص را به پاره اى ازگـاو ايـن طـور زنـده ميكنـد خـدا مُردگان را ومى نمايد شمارا نشانهاى خود تابُوَدكه دريابيد (٧٣) .

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً ۚ وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ ۚ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ ۚ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٧٤﴾

بازسخت شد دلهاى شما بعد ازين پس آنها مانند سنگ اند بلكه زياده تردر سختى ، وهر آئينه از سنگ هاآنست كه روان مى شود ازوى جويها۔ وهر آئينه از سنگهـا آنسـت كه مى شگافدپـس بـيرون مى‌آيدازوى آب، وهر آئينه ازسنگهاآنست كه فرومى افتد از ترس خدا ونيست بيخبر ازآنچه مى كنيد (٧٤) .

أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ

(ای مومنان) آياامیدی داريدكه (يهود) منقادشوند به دين شما وهر آئينه گروهى ازايشان مى شنيدندكلام خدارا (يعنى

(☆) توضيح : وى گاويست كه پرورده نگشته تا زمين را شخم كند و نه كشت را آبيارى كند و ازهرعيبى پاك و نباشد دروى رنگ ديگرى .

نمی دانید[1] (٨٠) .

بَلٰى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَّاَحَاطَتْ بِهٖ خَطِيْٓـَٔتُهٗ فَاُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٨١﴾

آری هرکه کرد کاربد وبه احاطه گرفت اورا گناه او پس ایشان اند باشندگان دوزخ ایشان درآنجا جاویدند (٨١) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٨٢﴾

وکسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شائسته ایشانند باشندگان بهشت ایشان درآنجا جاویدند (٨٢) .

وَاِذْ اَخَذْنَا مِيْثَاقَ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ لَا تَعْبُدُوْنَ اِلَّا اللّٰهَ ۖ وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا وَّذِى الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ وَقُوْلُوْا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَّاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ ۭ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ اِلَّا قَلِيْلًا مِّنْكُمْ وَاَنْتُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٨٣﴾

وآنگاه که گرفتیم پیمانِ بنی اسرائیل که نه پرستید مگرخدارا وبوالدین نکوئی کنید وباهل قرابت و یتیمان وبی نوایان وبگوئید بمردمان سخن نیك وبرپادارید نمازرا وبدهیدزکوة را پس برگشتید روگردان شده مگر اندکی ازشما (٨٣) .

وَاِذْ اَخَذْنَا مِيْثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُوْنَ دِمَآءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُوْنَ اَنْفُسَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ اَقْرَرْتُمْ وَاَنْتُمْ تَشْهَدُوْنَ ﴿٨٤﴾

وآنگاه که گرفتیم پیمان شمارا که مریزیدخون یکدیگررا وبیرون مکنید قوم خویش را ازخانه های خویش پس قبول کردید وخود شما گواهی میدهید (٨٤) .

ثُمَّ اَنْتُمْ هٰٓؤُلَآءِ تَقْتُلُوْنَ اَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُوْنَ فَرِيْقًا مِّنْكُمْ مِّنْ دِيَارِهِمْ تَظٰهَرُوْنَ عَلَيْهِمْ بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۭ وَاِنْ يَّاْتُوْكُمْ اُسٰرٰى تُفٰدُوْهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ اِخْرَاجُهُمْ ۭ اَفَتُؤْمِنُوْنَ بِبَعْضِ الْكِتٰبِ وَتَكْفُرُوْنَ بِبَعْضٍ ۚ فَمَا جَزَآءُ مَنْ يَّفْعَلُ ذٰلِكَ مِنْكُمْ اِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ وَيَوْمَ

بازشما آن گروهید که می کشید قوم خویش را وبیرون می کنید گروهی را ازقوم خود ازخانه های ایشان یکی مددگار دیگری می شوید برستم کردن درحق ایشان بگناه وتعدی واگراسیرشده بشمامی آیند فدا میدهید عوض ایشان

---

(١) مترجم گویدیکی ازعقائدباطله یهود آن بود که می گفتند یهودنبا شند در دوزخ مگرروزی چند واین خطااست زیراکه دخولِ جنت موقوف برایمان بخدا وروزقیامت و پیغامبرآخرزمان ست جنس یهود وغیرآن اعتبار ندارد واشارت بهمین معنی است درین آیت والله اعلم .

فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

نفرین کرده است ایشان را خدا بسبب کفر ایشان پس اندکی ایمان آرند (۸۸) .

وَلَمَّا جَآءَهُمْ كِتَٰبٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا۟ مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا۟ فَلَمَّا جَآءَهُم مَّا عَرَفُوا۟ كَفَرُوا۟ بِهِۦ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَٰفِرِينَ ﴿٨٩﴾

وآنگاه که آمدبایشان کتاب ازنزدیك[1] خدا باورکننده آنچه بایشان است و پیش ازین طلب فتح می کردند برمشرکان پس هرگاه آمدبایشان آنچه میدانستند منکرشدند ویرا پس لعنت خدا است برآن کافران[2] (۸۹) .

بِئْسَمَا ٱشْتَرَوْا۟ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا۟ بِمَآ أَنزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَن يُنَزِّلَ اللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ فَبَآءُو بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ ۚ وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٩٠﴾

بدچیز است آنچه فروختند عوض وی خویشتن راکه کافرشوند بآنچه فرودآورده است خدا بسبب حسد برآنکه فرودآورد خدا برحمت خود برهرکه خواهد ازبندگان خود پس بازگشتند بخشمی بالای خشمی وکافران راست عذاب خوارکننده (۹۰) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا۟ بِمَآ أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا۟ نُؤْمِنُ بِمَآ أُنزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَآءَهُۥ وَهُوَ ٱلْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ ۗ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنۢبِيَآءَ اللَّهِ مِن قَبْلُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾

وچون گفته شود ایشان را ایمان آریدبآنچه فرود آورده است خدا گویند ایمان می آریم بآنچه فرود آورده شدبرما وایشان کافرمی شوند بآنچه غیرأز ویست حال آنکه او راست است باورکننده آنچه بایشان است بگو پس چرامی کشتید پیغمبران خدارا پیش ازین اگر شمامؤمن بودید (۹۱) .

وَلَقَدْ جَآءَكُم مُّوسَىٰ بِٱلْبَيِّنَٰتِ ثُمَّ ٱتَّخَذْتُمُ ٱلْعِجْلَ

وهرآئینه آمد به شما موسیٰ به نشانه های

= ازایشان ظاهر نمی شدواشارت بهمین معنی است درین آیات .

(۱) یعنی قرآن .

(۲) تعریض است بآن قصه که یهود خیبر باغطفان جنگ میکردند و هزیمت می یافتند آخردعا کردند که به بعثت نبی آخرالزمان مارانصرت بده .

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾

بگو[1] هرکه باشددشمن جبرئیل چه زیان می کند پس به تحقیق جبرئیل فرود آورده است قرآن رابردل تو بحکم خدا باور دارنده آنچه پیش ازوی است ورهنما ومژده دهندهٔ اهل ایمان (۹۷).

مَن كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾

هرکه باشد دشمن خدارا وفرشتگان ویرا و پیغامبران ویرا و جبرئیل و میکائیل را پس هر آئینه خدا دشمن کافران است (۹۸).

وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۖ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ﴿٩٩﴾

وهرآئینه فرودآوردیم بسوی تو نشانه های روشن وکافر نمی شوند بآنهامگر بدکاران (۹۹).

أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُم بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٠﴾

آیاهرگاه که بستند پیمانی را برانداخت آن را گروهی ازایشان بلکه اکثرایشان باورنمی دارند (۱۰۰).

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾

وهرگاه که آمد بایشان پیغامبری اززندخدا باوردارنده آنچه بایشان است افگند گروهی ازآن قوم که داده شده اندکتاب آن کتاب خدارا پس پشت خویش، گویا نمی دانند (۱۰۱).

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ ۖ

وپیروی[2] کردند آنچه می خواندند

---

(۱) دیگر ازهفوات یهود آن بود که جبرئیل را دشمن میداشتند که عذاب برامم سابقه فرود آورده این خطااست که جبرئیل مامور است ازبارگاه حق عزوجل ویراچه اختیار.

(۲) دیگراز هفوات یهود آن بود که سحر میکر دند وسلیمان علیه السلام راساحر می دانستند این افترابود بر سلیمان علیه السلام و اشارت بهمین معنی است درین آیت.

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾

دوست نمیدارند آنانکه کافرشدند از اهل کتاب ونه مشرکان که فرود آورده شود برشما هیچ نیکی از پروردگارشما وخدا مخصوص می کند به بخشائش خود هرکراخواهد وخدا خداوندفضل بزرگ است (۱۰۵) .

مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنْسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٦﴾

هرچه نسخ می کنیم ازآیتی یا فراموش می گردانیم آنرامی آریم بهتر ازوی یا مانندوی آیاندانسته ای که خدا برهمه چیز تواناست[1] (۱۰۶) .

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٠٧﴾

آیاندانسته ای که خداراست پادشاهی آسمانها وزمین ونیست شمارا بجزوی هیچ دوست ونه یاری دهنده (۱۰۷) .

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٠٨﴾

آیامی خواهید که سوال کنید پیغامبر خودرا چنانکه سوال کرده شد موسی پیش ازین وهرکه بستاند کفررا عوض ایمان پس هر آئینه گم کرد راه میانه را (۱۰۸) .

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٩﴾

دوست داشتند بسیاری ازاهل کتاب که کافر گردانند شمارا بعد ازایمان شما بسبب حسد ازنزدیك نفوس خود پس ازآنکه واضح شد برایشان حق پس عفوکنید ودرگذرانید تاآنکه آردخدا فرمان خودرا[2] هر آئینه خدا برهمه چیز تواناست (۱۰۹) .

---

(۱) مترجم گوید درین آیت تعریض است بجواب یهود که انکار نسخ می کردند والله اعلم .

(۲) یعنی امرکند بجهاد ایشان والله اعلم .

وَاَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ ۭ وَمَا تُقَدِّمُوْا لِاَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوْهُ عِنْدَ اللّٰهِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ۝١١٠

وبرپادارید نمازرا و بدهید زکوٰة را وآنچه پیش می فرستید برای خویشتن ازنیکوکاری خواهیدیافت آنرا نزد خدا هر آئینه خدا بآنچه می کنید بیناست (۱۱۰).

وَقَالُوْا لَنْ يَّدْخُلَ الْجَنَّةَ اِلَّا مَنْ كَانَ هُوْدًا اَوْ نَصٰرٰى ۭ تِلْكَ اَمَانِيُّهُمْ ۭ قُلْ هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۝١١١

وگفتند هرگز به بهشت درنیاید مگرآنکه یهودباشد یاترساباشد این آرزوهای باطله ایشانست بگوبآرید دلیل خودرا اگر هستید راستگو (۱۱۱) .

بَلٰى مَنْ اَسْلَمَ وَجْهَهٗ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهٗٓ اَجْرُهٗ عِنْدَ رَبِّهٖ ۠ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ۝١١٢

بلی هرکه منقادکرد روی خودرا برای خدا ووی نیکوکار باشد پس اور است مزد او نزد پروردگار خویش، ونیست ترس برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (۱۱۲) .

وَقَالَتِ الْيَهُوْدُ لَيْسَتِ النَّصٰرٰى عَلٰى شَيْءٍ ۠ وَّقَالَتِ النَّصٰرٰى لَيْسَتِ الْيَهُوْدُ عَلٰى شَيْءٍ ۠ وَّهُمْ يَتْلُوْنَ الْكِتٰبَ ۭ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۚ فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ۝١١٣

وگفتند[1] یهود نیستند ترسایان برهیچ چیزی، و گفتند ترسایان نیستند یهود برهیچ چیزی وایشان همه می خوانند کتاب را هم چنین گفتند آنانکه نمی دانند،[2] مانند قول ایشان، پس خدا حکم کندمیان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می کنددرآن (۱۱۳) .

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ مَّنَعَ مَسٰجِدَ اللّٰهِ اَنْ يُّذْكَرَ فِيْهَا اسْمُهٗ وَسَعٰى فِيْ خَرَابِهَا ۭ اُولٰۗىِٕكَ مَا كَانَ لَهُمْ اَنْ يَّدْخُلُوْهَآ اِلَّا خَاۗىِٕفِيْنَ ۭ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَّلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ

وکیست ستمگارتر ازآنکه منع کرد مسجد های خدارا ازآن که یاد کرده شود نام خدا درآنها و کوشش کرد در ویرانی آنها، این گروه نمی سزد ایشان را که درآیند

---

(۱) دیگر از هفوات اهل کتاب آنبود که هر فرقه از یهود و نصاریٰ دیگر را انکارمی کردو اشارت به همین معنی است درین آیت .

(۲) یعنی مشرکان گفتند .

عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١٤﴾

بمسجدها مگر هراسان ایشان راست دردنیا خواری وایشان راست در آخرت عذاب بزرگ[1] (١١٤) .

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾

وخداراست مشرق و مغرب هرسوکه روآرید همانجاست روی خدا هر آئینه خدا فراخ نعمت داناست[2] (١١٥) .

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَل لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَّهُ قَانِتُونَ ﴿١١٦﴾

وگفتند بگرفت خدا فرزند را، پاکی او راست بلکه او راست آنچه درآسمانها وزمین است، همه فرمانبردار اوهستند[3] (١١٦) .

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿١١٧﴾

آفرینندهٔ آسمان ها وزمین است، وچون می کندکاری پس جزاین نیست که می گویداورابشو پس می شود (١١٧) .

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿١١٨﴾

وگفتند آنانکه هیچ نمیدانند (یعنی مشرکان) چراباماسخن نمی گوید خدا یانمی آیدبما نشانه ای هم چنین گفتند کسانیکه پیش ازایشان بودند مانند قول ایشان بیکدیگر مشابهت دارند دلهای ایشان، هر آئینه بیان کردیم نشانه هارا برای گروهی که یقین می کنند (١١٨) .

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ

هر آئینه مافرستادیم ترا براستی مژده

---

(١) درین آیت تعریض است بکفارمکه و بشارت است به مغلوب شدن ایشان والله اعلم .

(٢) دیگر ازهفوات یهود آن بود که چون استقبال بیت المقدس منسوخ شد استهزاء میکردند اشارت بهمین معنی است درین آیت .

(٣) دیگر ازهفوات اهل کتاب آن بود که یهود عزیز راو نصاریٰ عیسیٰ را پسرخدامی گفتند دردّ ایشان خدای تعالی این آیت نازل کرد .

وَإِذِ ابْتَلَىٰٓ إِبْرَٰهِـۧمَ رَبُّهُۥ بِكَلِمَٰتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۖ قَالَ إِنِّى جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۖ قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِى ۖ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِى ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٢٤﴾

ویادکن چون بیآزمودابراهیم را پروردگار او بسخنی چند، پس ابراهیم بانجام رسانید آنهارا، گفت خدا هر آئینه من می گردانم ترا پیشوای مردمان گفت ابراهیم واز اولاد من نیز (پیشوایان پیداکن ـ) فرمود نه رسد عهد (وحی) من بظالمان (١٢٤) .

وَإِذْ جَعَلْنَا ٱلْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا ۖ وَٱتَّخِذُوا۟ مِن مَّقَامِ إِبْرَٰهِـۧمَ مُصَلًّى ۖ وَعَهِدْنَآ إِلَىٰٓ إِبْرَٰهِـۧمَ وَإِسْمَٰعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِىَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلْعَٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ﴿١٢٥﴾

وآنگاه که قرار دادیم کعبه را مرجع مردمان ومحل امن وبگیرید ازجای قدم (ایستگاه) ابراهیم نمازگاه و وحی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسمعیل که پاك سازید خانه مرا برای طواف کنندگان واعتکاف کنندگان ورکوع سجده کنندگان (١٢٥) .

وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِـۧمُ رَبِّ ٱجْعَلْ هَٰذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَٱرْزُقْ أَهْلَهُۥ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُم بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ ۖ قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُۥ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُۥٓ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلنَّارِ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٢٦﴾

وآنگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بسازاین مکان را شهر باامن و روزی ده ساکنان وی راازمیوه ها و روزی ده آنرا که ایمان آورد ازایشان بخدا وروز بازپسین فرمود خدا و کسیکه کافر شود بهره مند گردانمش اندکی پس به بیچارگی برانم اورا بسوی عذاب آتش ووی بدجای بازگشت است (١٢٦) .

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَٰهِـۧمُ ٱلْقَوَاعِدَ مِنَ ٱلْبَيْتِ وَإِسْمَٰعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّآ ۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿١٢٧﴾

آنگاه که بلندمی کردند ابراهیم واسمعیل بنیادهای خانه راگفتند ای پروردگار ماقبول کن ازما هر آئینه توئی شنوا دانا (١٢٧).

رَبَّنَا وَٱجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةً مُّسْلِمَةً

ای پروردگارما وبگردان مارا فرمان

= درانبیاء نهی میفرمایدیعنی معتقد بعضی باشد ومنکر بعضی .

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْـَٔلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٤﴾

این گروهی است که درگذشت وی راست آنچه کسب کردند وشمارا است آنچه کسب کردید وشماپرسیده نخواهید شد ازآنچه آن گروه می کردند (١٣٤) .

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٣٥﴾

وگفتند شوید یهودیاترسا تاراه بیابید، بگو بلکه پیروی می کنیم بملت ابراهیم که حنیف بود ونبود ازاهل شرك (١٣٥).

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٦﴾

بگوئید ایمان آوردیم بخدا و بآنچه فرود آورده شده بسوی ماو آنچه فرود آورده شده بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و ذریت یعقوب وبآنچه داده شد موسیٰ و عیسیٰ را وآنچه داده شدند پیغامبران از پروردگار خویش تفریق نمی کنیم درمیان هیچ کس ازایشان وما برای حق عزوجل منقادیم (١٣٦) .

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣٧﴾

پس اگر باور دارند اهل کتاب بآنچه باور داشتید شما پس راه یافتند واگر برگشتند پس جزاین نیست که ایشان در مخالفت اند پس زود با شد که کفایت کند ترا خدا بانتقام از ایشان واوست شنوا دانا (١٣٧) .

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ﴿١٣٨﴾

قبول کردیم رنگ خدارا[1] وکیست بهتر ازخدا باعتبار رنگ وما اورا پرستندگانیم (١٣٨) .

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا

بگو آیا مکابره می کنید با ما درباب خدا واو پروردگار ماوشمااست وماراست

---

(١) یعنی دین اورا .

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَٰكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُوا۟ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِ وَيَكُونَ ٱلرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ۗ وَمَا جَعَلْنَا ٱلْقِبْلَةَ ٱلَّتِى كُنتَ عَلَيْهَآ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعُ ٱلرَّسُولَ مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ ۚ وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُ ۗ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَٰنَكُمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤٣﴾

وهم چنين ساختيم شمارا گروهى مختار تا گواه باشيد برمردمان وتاباشد رسول گواه برشما ومقرر نكرديم آن قبله راكه بودى برآن (يعنى بيت المقدس را) مگر براى آنكه بدانيم كسى را كه پيروى پيغمبر كند جداازآن كس كه بازگردد بر هردوپاشنه خودوهر آئينه هست اين خصلت دشوار مگر برآنانكه ايشانرا راه نموده است خدا وخدا ضائع نمى سازدگرويدنِ شمارا هر آئينه خدا بمردمان بخشاينده مهربان است (١٤٣) .

قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِى ٱلسَّمَآءِ ۖ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَىٰهَا ۚ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ ۚ وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّوا۟ وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُۥ ۗ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ ۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٤﴾

به تحقيق مامى بينيم گشتن روى تو درجانب آسمان[1] پس البته متوجه گردانيم ترابآن قبله كه خوشنود شوى بوى پس متوجه گردان روى خودرا بطرف مسجد حرام وهرجاكه باشيد پس متوجه گردانيد روهاى خويش رابطرف وى و هر آئينه اهل كتاب ميدانند كه اين راست است ازپروردگار ايشان ونيست خدا بى خبر ازآنچه مى كنند (١٤٤) .

وَلَئِنْ أَتَيْتَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ بِكُلِّ ءَايَةٍ مَّا تَبِعُوا۟ قِبْلَتَكَ ۚ وَمَآ أَنتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ ۚ وَمَا بَعْضُهُم بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ ۚ وَلَئِنِ ٱتَّبَعْتَ أَهْوَآءَهُم مِّنۢ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ

وهر آئينه اگر بيارى پيش اهل كتاب هرنشانه هرگز پيروى نكنند قبله تراونيستى تو پيروى كننده قبلهٔ ايشان را

(١) يعنى آنچه در سابق علم الهى مقرر شد آنست كه قبله امت محمد مصطفى صلى الله عليه وسلم كعبه باشد وتوجه به بيت المقدس يك چند مدت بنابر حكمت امتحان است .

مترسید از ایشان وبتر سید ازمن وتاتمام کنم نعمت خودرا برشما وتابود که راه یابید[1] (۱۵۰) .

كَمَآ أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾

چنانکه فرستادیم پیغامبری درمیان شماازقوم شما میخواند برشما آیت های مارا پاك می سازد شمارا ومی آموزدشمارا کتاب وحکمت ومی آموزد شمارا آنچه نمی دانستید (۱۵۱) .

فَاذْكُرُونِىٓ أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِى وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٥٢﴾

پس یادکنید مراتا یادکنم شمارا و سپاس گوئید مراو ناسپاسی من مکنید (۱۵۲) .

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَوٰةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٣﴾

ای مسلمانان مددجوئید درتحصیل ثواب آخرت به صبر و نماز وهر آئینه خدا باصابران است (۱۵۳) .

وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِى سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَٰتٌ بَلْ أَحْيَآءٌ وَلَٰكِن لَّا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾

ومگوئید کسی را که کشته شود درراه خدا که ایشان مرد گانند بلکه ایشان زنده اند ولیکن شما درك نمی کنید (۱۵۴) .

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَىْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَٰلِ وَالْأَنفُسِ وَالثَّمَرَٰتِ ۗ وَبَشِّرِ الصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٥﴾

وهرآئینه بیازمائیم شمارا به چیزی ازترس و گرسنگی ونقصانِ مال ها وجان ها ومیوه ها و بشارت ده صابران را (۱۵۵) .

الَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُوٓا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ ﴿١٥٦﴾

آنانکه چون برسد بدیشان سختی گویند هر آئینه ما ازآن خدائیم وهر آئینه مابسوی وی بازخواهیم گردید (۱۵۶) .

أُولَٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَٰتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۖ وَأُولَٰٓئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾

این گروه برایشان است درودها از

---

(۱) مترجم گوید در تورات مذکور است که امتی از بنی اسرائیل پیدا خواهد شد که تعظیم کعبه کند پس توجه آنحضرت صلی الله علیه وسلم به کعبه حجت باهره است برصدق نبوت آنحضرت صلی الله علیه وسلم نزدیك احبار یهود اگرچه سفهاء یهود طعن کنند که قبله انبیاء را گذاشت والله اعلم فتح الرحمن .

وَالٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ ۚ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ﴿١٦٣﴾

و معبود شما خدا یگانه است نیست هیچ معبود برحقی بجزوی بخشاینده مهربان است (١٦٣) .

اِنَّ فِيْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِيْ تَجْرِيْ فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ مَّآءٍ فَاَحْيَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيْهَا مِنْ كُلِّ دَآبَّةٍ ۖ وَّتَصْرِيْفِ الرِّيٰحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ﴿١٦٤﴾

هر آئینه در آفرینش آسمانها و زمین وآمدورفت شب و روز و آن کشتی که میرود در دریا بآنچه سود میدهد مردم را(یعنی بتجارت) ودرآنکه فرود آورد خدا ازآسمان آب پس زنده ساخت بسبب وی زمین را پس ازمردن آن و پراگنده ساخت در زمین هر نوع جنبنده و درگردانیدنِ بادها و در ابررامِ کرده شده میانِ آسمان و زمین هر آئینهَ نشانه هاست آن گروه را که درمی یابند (١٦٤) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّتَّخِذُ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَنْدَادًا يُّحِبُّوْنَهُمْ كَحُبِّ اللّٰهِ ۭ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَشَدُّ حُبًّا لِّلّٰهِ ۭ وَلَوْ يَرَى الَّذِيْنَ ظَلَمُوْٓا اِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ ۙ اَنَّ الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِيْعًا ۙ وَّاَنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾

وازمردمان کسی هست که میگیرد بغیراز خدا همتایان را، دوست میدارند ایشان را مانند دوستی خدا وکسانیکه ایمان آوردند قوی تراند در دوستی خدا واگر ببینند ستمگاران هنگامیکه مشاهده کنند عذاب را (می فهمند) اینکه قدرت و توانائی همه خدا را است واینکه خدا صاحب سخت عقوبت است (١٦٥) .

اِذْ تَبَرَّاَ الَّذِيْنَ اتُّبِعُوْا مِنَ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْا وَرَاَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْاَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾

درآن حالت که بیزار شوند پیشوایانِ کفر ازتابعان وببینند عذاب را وبریده شود به نسبت ایشان همه اسباب یعنی وسیلها (١٦٦) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْا لَوْ اَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّاَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوْا مِنَّا ۭ كَذٰلِكَ يُرِيْهِمُ اللّٰهُ اَعْمَالَهُمْ حَسَرٰتٍ عَلَيْهِمْ ۭ وَمَا هُمْ بِخٰرِجِيْنَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾

وگویند پیروی کنندگان کاش مارا باز گشتی باشد تابیزاری کنیم ازآن پیشوایان چنانکه بیزار شدند ایشان ازما هم چنین بنماید خدا در نظر ایشان کردارهای

لِغَيْرِ اللَّهِ ۖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٧٣﴾

آواز بلندکرده شود براوبغیر نام خدا پس هرکه مضطر شود نه تعدی کننده ونه ازحد درگذرنده پس‌گناه نیست بروی [1] هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است [2] (۱۷۳) .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾

هر آئینه کسانیکه می پوشند آنچه فرود آورده است خدا از کتاب ومی ستانند عوض وی بهای اندك، آن جماعت نمی خورند در شکم های خود مگر آتش را وسخن نگوید بایشان خدا روز قیامت و نه پاك کند ایشان را و ایشان راست عذاب درد دهنده (۱۷٤) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ ۚ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿١٧٥﴾

ایشانند آنانکه خرید کردند گمراهی را عوض هدایت وعذاب را عوض آمرزش پس چه شکیباانداینشان بردوزخ (۱۷۵).

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ ۗ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿١٧٦﴾

این همه بسبب آنست که خدا فرود آورد کتاب را براستی وهر آئینه آنانکه اختلاف کردند در کتاب البته درمخالفت دوراند ازصواب (۱۷٦) .

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

نیست نکوکاری آنکه متوجه کنید روی خودرا بطرف مشرق و

---

(۱) یعنی درخوردن آن چیزها .

(۲) مترجم گوید که اگرگوئی که درین آیت حصر کرده شد تحریم را دراشیاء مذکوره حالانکه درحدیث سباع وحمار و مانند آن را نیز حرام شمرده است پس وجه تطبیق چه باشد گویم حصراضافی است به نسبت بحائرو سوائب که حرام می دانستند پس دربهیمة الانعام هیچ چیز حرام نیست غیراشیاء مذکوره و درخبائث و سباع ومانند آن سخن نه داشتند والله اعلم .

ازپروردگار شماو مهربانی است پس هرکه ازحد گذرد بعد ازین ویراست عذاب درد دهنده (۱۷۸) .

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يٰٓاُولِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۱۷۹﴾

وشمارا بسبب قصاص زندگانی است ای خداوندانِ خرد تاباشیدکه پرهیزگاری کنید[1] (۱۷۹) .

كُتِبَ عَلَيْكُمْ اِذَا حَضَرَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ اِنْ تَرَكَ خَيْرَا ۨ الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ بِالْمَعْرُوْفِ ۚ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِيْنَ ﴿۱۸۰﴾

لازم کرده شد برشما و قتیکه پیش آید کسی را ازشماموت اگر مال بگذارد وصیت کردن برای پدرومادر ونزدیکان به نیکوئی لازم شد این کاربرمتقیان (۱۸۰) .

فَمَنْۢ بَدَّلَهٗ بَعْدَمَا سَمِعَهٗ فَاِنَّمَآ اِثْمُهٗ عَلَى الَّذِيْنَ يُبَدِّلُوْنَهٗ ۭ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿۱۸۱﴾

پس هرکه بدل کند وصیت را بعدازآنکه شنیدش پس جزین نیست که گناهِ تبدیل برآنکسان است که بدل می کنندآن وصیت را هر آئینه خدا شنوای داناست (۱۸۱) .

---

(۱) اهل جاهلیت شریف را در مقابله وضیع نمیکشتند ودر مقابله شریف چند کس ازوضیع میکشتند خدای تعالی نازل فرمودکه حکم الهی باعتبار مماثلت است دراجناس کشتگان باین معنی که احراررا حکم جداست که هرحرمثل حر دیگرست درآن حکم وعبید را حکم جداست که هر عبد مثل عبد دیگرست درآن حکم و زنانرا حکم جداست که هرزن مثل زن دیگرست درآن حکم وامتیاز زنان ست حکم و درباب دیات نه در باب قود یعنی قصاص پس هر فردی ازین اجناس مساوی ست بافرد دیگر هرچند بعضی شریف باشد و بعضی وضیع و بعضی جمیل وبعضی ذمیم بعضی مالدار و بعضی فقیر وسنت زیاده کرده است دوجنس دیگر مسلمان درمقابله مسلمان است و کافر در مقابله کافر پس اگر بعض ورثه عفوکنند یا ازکشتن گذشته خون بها قبول نمایند ولی دوم را باید که بحسن معامله مطالبه کند نه بدرشتی و قاتل را باید که بخوشخوئی اداکند نه به بدخوئی .

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِیْٓ اُنْزِلَ فِیْهِ الْقُرْاٰنُ هُدًی لِّلنَّاسِ وَبَیِّنٰتٍ مِّنَ الْهُدٰی وَالْفُرْقَانِ ۚ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْیَصُمْهُ ۚ وَمَنْ كَانَ مَرِیْضًا اَوْ عَلٰی سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ اَیَّامٍ اُخَرَ ۗ یُرِیْدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْیُسْرَ وَلَا یُرِیْدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللّٰهَ عَلٰی مَا هَدٰىكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿۱۸۵﴾

ماه رمضان آن است که فرود آورده شد دروی قرآن راه نمای برای مردمان وسخنان روشن ازهدایت وازجداکردن حق و باطل پس هرکه دریابد ازشما آن ماه را پس البته روزه دارد آن را وهرکه بیمارباشد یا مسافر پس بروی لازم است شمار آنچه فوت شد از روزهای دیگر میخواهد خدا به شما آسانی ونمی خواهد بشما دشواری و میخواهد که تمام کنید شمار را وبه بزرگی یاد کنید خدارا به شکر آنکه راه نمود شمارا وتاباشدکه شما شاکر شوید (۱۸۵) .

وَاِذَا سَاَلَكَ عِبَادِیْ عَنِّیْ فَاِنِّیْ قَرِیْبٌ ۗ اُجِیْبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ ۙ فَلْیَسْتَجِیْبُوْا لِیْ وَلْیُؤْمِنُوْا بِیْ لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُوْنَ ﴿۱۸۶﴾

وچون استفسار کنندترا بندگان من ازحال من پس هر آئینه من نزدیك ام قبول می کنم دعای دعا کننده را وقتیکه دعاکندمرا پس باید که فرمانبرداری من کنند و باید که بگروند بمن تاباشد که راه یابند (۱۸۶) .

اُحِلَّ لَكُمْ لَیْلَةَ الصِّیَامِ الرَّفَثُ اِلٰی نِسَآئِكُمْ ۗ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَاَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ ۗ عَلِمَ اللّٰهُ اَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُوْنَ اَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَیْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ ۖ فَالْـٰٔنَ بَاشِرُوْهُنَّ وَابْتَغُوْا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَكُمْ ۚ وَكُلُوْا وَاشْرَبُوْا حَتّٰی یَتَبَیَّنَ لَكُمُ الْخَیْطُ الْاَبْیَضُ مِنَ الْخَیْطِ الْاَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ۖ ثُمَّ اَتِمُّوا الصِّیَامَ اِلَی الَّیْلِ ۚ وَلَا تُبَاشِرُوْهُنَّ وَاَنْتُمْ عٰكِفُوْنَ فِی الْمَسٰجِدِ ۗ تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ فَلَا تَقْرَبُوْهَا ۗ

حلال کرده شد برای شما درشبِ روزه مخالطت کردن با زنان خود ایشان بمنزلهٔ پوشش اند شمارا وشما بجای پوشش اید ایشان را دانست خدا که شماخیانت می کردید درحق خویشتن پس بمهربانی باز گشت برشما و درگذشت ازشما پس الآن مخالطت کنید بازنان و طلب کنید آنچه مقدر کرده است خدا برای شما(یعنی اولاد) و بخورید و به نوشید تاآنکه روشن شود برای شما رشتهٔ سفید ازرشتهٔ سیاه (مراد از رشتهٔ سفید

وَلَا تَعْتَدُوٓا ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِينَ ﴿١٩٠﴾

دوست نمی دارد ازحد گذرندگان را (۱۹۰) .

وَٱقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُم مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ ۚ وَٱلْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ ٱلْقَتْلِ ۚ وَلَا تُقَٰتِلُوهُمْ عِندَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَٰتِلُوكُمْ فِيهِ ۖ فَإِن قَٰتَلُوكُمْ فَٱقْتُلُوهُمْ ۗ كَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿١٩١﴾

و بکشید مشرکان را هرجاکه بیابیدایشان را وبیرون کنید ایشان را ازآنجا که بیرون کردند شمارا(یعنی ازمکه) و غلبه شرك سخت تر است ازقتل [۱] وکارزار مکنید باایشان نزدیك مسجدحرام تاآنکه کارزار کنند باشما درآن جا پس اگر بجنگند باشما پس بکشید ایشان را هم چنین است سزای کافران (۱۹۱) .

فَإِنِ ٱنتَهَوْا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩٢﴾

پس اگر بازماندند پس هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است (۱۹۲) .

وَقَٰتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ لِلَّهِ ۖ فَإِنِ ٱنتَهَوْا۟ فَلَا عُدْوَٰنَ إِلَّا عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٩٣﴾

وبجنگیدباایشان تاآنکه نابودشود شرك و شود دین محض برای خدا پس اگر باز ماندند [۲] پس نیست دست درازی مگر برستمگاران (۱۹۳) .

ٱلشَّهْرُ ٱلْحَرَامُ بِٱلشَّهْرِ ٱلْحَرَامِ وَٱلْحُرُمَٰتُ قِصَاصٌ ۚ فَمَنِ ٱعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَٱعْتَدُوا۟ عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا ٱعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلْمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾

ماه حرام عوض ماه حرام است وحرمت شکنیهادارای قصاص است پس هرکه تعدی کند برشما پس دست درازی کنید بروی مانند دست درازئ وی برشما وبترسید ازخدا و بدانید که خدا باپرهیزگاران است [۳] (۱۹۴) .

---

(۱) یعنی در مقابلهٔ او قتل جائزاست .

(۲) یعنی ازشرك .

(۳) حاصل این آیات آنست که درمسجد حرام ودرشهرحرام ابتداء به قتال نباید کرد وچون کافران ابتدا کنند در مقابله ایشان باید جنگ کردن که این معنی باحرمت مسجد وشهر نزاع ندارد چنانکه ابتداء ازکشتن مسلمان درست نیست و اگر خون=

اَلْحَجُّ اَشْهُرٌ مَّعْلُوْمٰتٌ ۚ فَمَنْ فَرَضَ فِيْهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوْقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ ۗ وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ يَّعْلَمْهُ اللّٰهُ ۗ وَتَزَوَّدُوْا فَاِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوٰى ۡ وَاتَّقُوْنِ يٰٓاُولِي الْاَلْبَابِ ﴿١٩٧﴾

حج موقت است بماه های دانسته شده[1] پس هر که لازم کردبرخود درین ماه هاحج را (یعنی احرام بست) پس مخالطت زنان جائز نیست ونه بدکاری ونه باهم مشاجره کردن درحج وهرچه می کنید ازنیکی میداند او را خدا وتوشه همراه گیرید هر آئینه بهترین فوائد توشه پرهیزگاری است (یعنی ازسوال و دزدی) وازمن بترسید ای خداوندان خرد (۱۹۷).

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَبْتَغُوْا فَضْلًا مِّنْ رَّبِّكُمْ ۭ فَاِذَآ اَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفٰتٍ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ۠ وَاذْكُرُوْهُ كَمَا هَدٰىكُمْ ۚ وَاِنْ كُنْتُمْ مِّنْ قَبْلِهٖ لَمِنَ الضَّاۗلِّيْنَ ﴿١٩٨﴾

نیست شمارا گناهی درآنکه طلب کنید درموسم حج روزی ازپروردگار خویش پس آنگاه که باز گردید ازعرفات پس یادکنید خدارا نزدیك مشعر حرام (یعنی بمزدلفه) ویاد کنید خدارا به شکر آنکه راه نموده است شمارا وهر آئینه بودید پیش ازین ازگمراهان (۱۹۸) .

ثُمَّ اَفِيْضُوْا مِنْ حَيْثُ اَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٩٩﴾

پس بازگردیدازآنجا که باز میگردند عامه مردمان[2] وآمرزش طلب کنید ازخدا هرآئینه خدا آمرزنده مهربانست (۱۹۹).

فَاِذَا قَضَيْتُمْ مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَذِكْرِكُمْ اٰبَاۗءَكُمْ اَوْ اَشَدَّ ذِكْرًا ۭ فَمِنَ النَّاسِ

پس چون ادا کردید ارکان حج خویش را پس یاد کنید خدا را (یعنی درمنیٰ) مانند یاد کردن شما پدرانِ خویش را بلکه

= وحکم احصار وکفارت ارتکاب امورممنوعه احرام به عذر مرض و ماهیت تمتع ووجوب قربانی برمتمتع والله اعلم .

(۱) یعنی شوال و ذیقعده و عشره ذالحجه .

(۲) مترجم گوید یعنی از عرفات نه ازمزدلفه چنانکه قریش تحریف کرده بودند و الله اعلم .

ومواشی را وخدا دوست ندارد تباه کاری را (۲۰۵) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٢٠٦﴾

وچون گفته شود اورا بترس ازخدا حمل کندش تکبر برگناه پس کفایت کنندهٔ وی دوزخ است وهر آئینه وی بدجائیست (۲۰۶) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾

وازمردمان کسی هست که میفروشد خویش را برای طلب رضامندی خدا و خدا مهربان است بر بندگان (۲۰۷) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٠٨﴾

ای کسانیکه ایمان آوردید درآئید باسلام همه یك جا وپیروی مکنید گامهای شیطان را هر آئینه اوشمارا دشمن آشکاراهست (۲۰۸) .

فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾

پس ا گر لغزیدید بعد ازآنکه آمد به شما سخنان روشن پس بدانید که خدا غالب داناست (۲۰۹) .

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٢١٠﴾

انتظار نمی کنند اهل عصیان مگر آن راکه بیاید بایشان خدا در سایبان ها از ابر وبیایند فرشتگان و بانجام رسانیده شودکار وبسوی خدا بازگردانیده میشوند کارها (۲۱۰) .

سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾

بپرس از بنی اسرائیل چه قدر دادیم ایشان را از نشانه های روشن وهرکه بدل کند نعمت خدارا پس ازآنکه بیاید بوی یعنی کفر پیش گیرد تانعمت مفقود گردد پس هر آئینه خدا سخت عقوبت ست (۲۱۱) .

زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ

آراسته کرده شده است کافران را زندگانی این جهان وسخریه می کنند

خدا نزديك است (٢١٤) .

يَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ ۖ قُلْ مَآ أَنفَقْتُم مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَٰلِدَيْنِ وَٱلْأَقْرَبِينَ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينِ وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ ۗ وَمَا تَفْعَلُوا۟ مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٌ ﴿٢١٥﴾

سوال می کنندترا که چه چیزرا خرج کنند بگو آنچه خرج کردید ازمال پس مادر و پدر را باید و خویشاوندان و یتیمان و درویشان ومسافران را و آنچه کنید ازنیکی پس هر آئینه خدا بوی دانااست (٢١٥) .

كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ ۖ وَعَسَىٰٓ أَن تَكْرَهُوا۟ شَيْـًٔا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّوا۟ شَيْـًٔا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ۗ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾

لازم کرده شد برشما جنگ وآن دشواراست شمارا و شاید که شمانا خوش دارید چیزی راحال آنکه وی بهتر باشدشمارا وشاید که دوست دارید چیزی را حال آنکه وی بدباشدشمارا وخدا میداند وشمانمی دانید (٢١٦) .

يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهْرِ ٱلْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ ۖ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ ۖ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَكُفْرٌۢ بِهِۦ وَٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِۦ مِنْهُ أَكْبَرُ عِندَ ٱللَّهِ ۚ وَٱلْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ ٱلْقَتْلِ ۗ وَلَا يَزَالُونَ يُقَٰتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ ٱسْتَطَٰعُوا۟ ۚ وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِۦ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُو۟لَٰٓئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فِى

سوال می کنند ترا ازماه حرام از جنگ کردن درآن[1] بگو جنگ کردن دروی سخت کاری است و باز داشتن ازراه خدا وناگرویدن بخدا و باز داشتن از مسجد حرام وبیرون کردن اهل این مسجد ازوی سخت تر است نزدیك خدا وفتنه انگیختن [2] سخت تر است ازکشتن [3] وهمیشه باشند که جنگ می

---

(١) یعنی رجب، ذی القعده و ذی الحجه و محرم که درشریعت حضرت ابراهیم جنگ کردن درین ماه ها حرام بود پس سوال کردند که در شریعت محمدیه حکم تحریم باقی مانده یانه ؟ الله اعلم .

(٢) یعنی ترویج شرك .

(٣) حاصل جواب آنست که قتال کفار جائز است و تحریم قتالِ مسلمین مغلظه میشود والله اعلم .

خدا غالب استوار كاراست (٢٢٠).

وَلَا تَنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَّ ۚ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ ۗ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا ۚ وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ ۗ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ۖ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ ۖ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢١﴾

وبزنی مگیرید زنان مشرك را تاآنکه ایمان آرند و هر آئینه کنیز مسلمان بهتر است اززن مشرك اگر چه بشگفت آورده باشد شمارا و بزنی مدهید به مشرکان تاآنکه ایمان آرند (یعنی زنانِ مومنه را) و هر آئینه غلام مسلمان بهتر است از مشرك اگرچه به شگفت آورده باشد شمارا[1] گروه مشرکان می خوانند به سوی دوزخ وخدا می خواند بسوی بهشت و بسوی آمرزش بقدرت خود وبیان می کند آیتهای خودرا برای مردمان تاباشدکه پندپذیر شوند (٢٢١)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ ۖ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ ۖ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ ۖ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٢٢﴾

و سوال می کنند ترا از حیض بگو که وی نجاست است پس یکسو شوید اززنان درحال حیض و نزدیکی مکنید بایشان تاآنکه پاك شوند پس چون نیك پاك شدند[2] پس نزدیکی کنید باایشان ازآن راه که مباح کرده است شمار خدا (یعنی در قُبُلْ) هر آئینه خدا دوست میدارد توبه کنندگان را و دوست میدارد پاك شوندگان را (٢٢٢) .

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ ۖ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُم مُّلَاقُوهُ ۗ وَبَشِّرِ

زنانِ شما کشت زارِ شمایند پس بیائید به کشت زار خویش هر روش که خواهید[3]

---

(١) یعنی هربنده از بندگان خداکه مومن باشد وهرکنیز از کنیز های‌خدا که مومنه باشد بهتر است ازمشرك و مشرکه والله اعلم .

(٢) یعنی غسل بجاآرند .

(٣) یعنی بهرگونه که بخواهید می‌توانید جماع کردن (نزدیکی باهمسران خود) یعنی =

لَهُنَّ اَنْ يَّكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللّٰهُ فِيْٓ اَرْحَامِهِنَّ اِنْ كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ۭ وَبُعُوْلَتُهُنَّ اَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِيْ ذٰلِكَ اِنْ اَرَادُوْٓا اِصْلَاحًا ۭ وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِيْ عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوْفِ ۠ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۭ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ۲۲۸

پنهان کنندآنچه خدا آفریده است در رحمهای ایشان (یعنی ولد وحیض) اگر ایمان آورده اند بخدا و روز بازپسین وشوهران ایشان سزاوار تراند به بازآوردن ایشان درحباله خود درین مدت اگر خواهند نیکوکاری وزنان را هست مانند آنچه برزنان است بوجه پسندیده[1] ومردان راهست برایشان بلندی یعنی فرمانروائی وخدا غالب استوار کا راست (۲۲۸) .

اَلطَّلَاقُ مَرَّتٰنِ ۠ فَاِمْسَاكٌۢ بِمَعْرُوْفٍ اَوْ تَسْرِيْحٌۢ بِاِحْسَانٍ ۭ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ اَنْ تَاْخُذُوْا مِمَّآ اٰتَيْتُمُوْهُنَّ شَيْـــًٔا اِلَّآ اَنْ يَّخَافَآ اَلَّا يُقِيْمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ ۭ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا يُقِيْمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ ۙ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيْمَا افْتَدَتْ بِهٖ ۭ تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ فَلَا تَعْتَدُوْهَا ۚ وَمَنْ يَّتَعَدَّ حُدُوْدَ اللّٰهِ فَاُولٰۗىِٕكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ۲۲۹

طلاق (رجعی) دوباراست پس ازآن یانگاه داشتن ست بخوش خوئی یارها کردن به نکوئی وحلال نیست شمارا که بگیرید چیزی راازآنچه داده ایدزنان را[2] مگرآنگاه که بترسند مرد و زن که برپا نتوانند داشت احکام خدارا[3] پس اگر بترسید ای مسلمانان ازآنکه برپاندارند این هر دو احکام خدارا پس گناه نیست برایشان درآنچه عوض خود داد زن، این حدهامقرر کرده خداست پس بیرون مروید ازآنها وهرکه بیرون رود ازحدود خدا پس آن گروه ایشانند ستمگاران (۲۲۹) .

فَاِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهٗ مِنْۢ بَعْدُ حَتّٰى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهٗ ۭ فَاِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَآ اَنْ

پس اگرطلاق داد (یعنی بارسوم) پس هرگز حلال نمی شود این زن آن مرد را تا آنکه درآید به نکاح شوهر دیگر (یعنی

---

(۱) یعنی زنان را برمردان حق است چنانچه مردان را برزنان حق است .

(۲) یعنی حلال نیست که بدل طلاق از مهر بگیرد .

(۳) یعنی در معاشرت .

کارخوشتراست وپاکیزه تر وخدا می داند وشمانمی دانید (۲۳۲) .

وَالْوَالِدٰتُ يُرْضِعْنَ اَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ اَرَادَ اَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ ۚ وَعَلَى الْمَوْلُوْدِ لَهٗ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ ۭ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ اِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَا تُضَاۗرَّ وَالِدَةٌۢ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُوْدٌ لَّهٗ بِوَلَدِهٖ ۚ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذٰلِكَ ۚ فَاِنْ اَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ۭ وَاِنْ اَرَدْتُّمْ اَنْ تَسْتَرْضِعُوْٓا اَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِذَا سَلَّمْتُمْ مَّآ اٰتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوْفِ ۭ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ۲۳۳

ومادران باید که شیردهند فرزندان خویش رادوسال تمام این حکم آن راست که خواهد تمام کردن مدت شیر را وبر پدر نفقه و پوشاك این زنان شیرده است بوجه پسندیده تکلیف داده نمی شود برهیچ کس الاقدرتوانائی او رنج نبایدداد مادر را بسبب فرزند وی ونه پدررا بسبب فرزند وی ولازم است بروصی مانندااین پس اگر بخواهند مادر و پدر ازشیر بازگرفتن (یعنی پیش ازدوسال) بعد رضامندی میان یکدیگر و مشورت کردن بایکدیگر پس هیچ گناه نیست برایشان وا گر خواهید که دایه گیرید برای فرزندان خویش پس هیچ گناه نیست برشما چون تمام تسلیم نمودید آنچه دادنش را مقررکردید بخوش خوئی وبترسید ازخدا وبدانید که خدا به آنچه می کنید بیناست (۲۳۳) .

وَالَّذِيْنَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُوْنَ اَزْوَاجًا يَّتَرَبَّصْنَ بِاَنْفُسِهِنَّ اَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ وَّعَشْرًا ۚ فَاِذَا بَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيْمَا فَعَلْنَ فِيْٓ اَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوْفِ ۭ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ۲۳۴

وکسانی که بمیرند ازشما وبگذارند زنان را بایدکه انتظارکنانندااین زنان خویشتن را چهارماه و ده روز پس چون رسید ند به میعاد[1] خویش پس گناه نیست برشما درآنچه کردند درحق خویشتن بوجه پسندیده یعنی نکاح بطور شرع وخدا

(۱) یعنی به انقضاء عدّت .

لَا تَنسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٧﴾

یادرگذرد کسیکه بدست اوست عقد نکاح یعنی زوج حق خود گذاشته تمام دهد و آنکه درگذرید نزدیك تراست به پرهیزگاری وفراموش مکنید احسان کردن را درمیان خویش هر آئینه خدا بآنچه می کنید بیناست (۲۳۷) .

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ﴿٢٣٨﴾

پایبندی‌کنید برهمه نمازها وبرنماز میانه (یعنی خصوصًا برنماز عصر) بایستید برای خدا فرمان بردارند گان (۲۳۸) .

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا ۖ فَإِذَا أَمِنتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣٩﴾

پس ا گر ترسیدید یعنی از دشمن ومانند آن پس روان برپاهای خود نماز گذاریدیا سواره پس چون ایمن شوید پس یاد کنید خدارا چنانکه آموخته است شمارا آنچه نمی دانستید (۲۳۹) .

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِّأَزْوَاجِهِم مَّتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ ۚ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنفُسِهِنَّ مِن مَّعْرُوفٍ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٤٠﴾

وآنانکه قبض روح ایشان کرده شود ازشما و بگذارند زنان را لازم کرده شد برایشان وصیت کردن برای زنان خویش بآنکه بهره دهند ایشان را تایکسال بدون بیرون کردن پس ا گر بیرون روند پس گناه نیست برشما درآنچه کردند درحق خویشتن ازکار پسندیده یعنی نکاح بطور شرع و خدا غالب استوار کاراست[1] (۲۴۰) .

وَلِلْمُطَلَّقَاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ ۖ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿٢٤١﴾

طلاق داده شدگانرا لازم است بهره مند ساختن بخوشخوئی یعنی نفقه وسکنی لازم کرده شد بر پرهیزگاران (۲۴۱) .

---

(۱) مترجم گوید این آیت نزدیك جمهور منسوخ است بآیت ﴿أربعة أشهروعشرا﴾ والله اعلم .

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللّٰهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ۚ قَالُوٓا أَنّٰى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ ۚ قَالَ إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰىهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ۖ وَاللّٰهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَآءُ ۚ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾

وگفت مرایشان را پیغامبرایشان هر آئینه خدا پادشاه مقررکرده است برای شما طالوت را گفتند چگونه باشد اورا پادشاهی برما وماسزاوار تریم به پادشاهی ازوی وداده نشده است وی رافراخی درمال گفت هر آئینه خدا برگزیده است اورابرشما وداده است اورا فراخی دردانش و افزونی دربدن وخدا می‌بخشد پادشاهی خودرا بهر که خواهد وخدا جواددانا است (٢٤٧) .

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسٰى وَآلُ هٰرُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلٰٓئِكَةُ ۚ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾

وگفت ایشان را پیغامبرایشان هر آئینه نشان پادشاهی اوآنست که بیاید به شماصندوقی که درآن آرام دلست از پروردگار شما وباقیمانده ازآنچه که گذاشتند آل موسیٰ و آل هارون برمیدارند اورا فرشتگان هر آئینه درین صورت نشانه است شمارا اگر باوردارنده اید (٢٤٨) .

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ ۙ قَالَ إِنَّ اللّٰهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ ۖ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي ۖ وَمَنْ لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ ۚ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۚ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ ۚ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُّلٰقُوا اللّٰهِ كَمْ مِّنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ

پس چون جدا شد (یعنی ازوطن) طالوت بالشکرها گفت هر آئینه خدا آزمائش کننده است شمارا بجوئی پس هرکه بنوشدازآن جوی پس نیست ازآل من وهرکه نچشد آنرا پس اوازآل من است الّاآنکه برداردیك کف آب بدست خود پس آشامیدند ازآن جوی مگراندکی ازایشان پس آنگاه که گذشتند ازجوی طالوت و مومنان همراه اوگفتند نوشندگان نیست توانائی مارا امروز بمقابله جالوت و لشکر های او گفتند آنانکه می

كافرشده واگرمی‌خواست خدابایکدیگر نمی جنگیدند ولیکن خدا میکند آنچه می خواهد (۲۵۳) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقْنَٰكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَٰعَةٌ ۗ وَٱلْكَٰفِرُونَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٢٥٤﴾

ای مسلمانان خرج کنید ازآنچه روزی دادیم شمارا پیش ازآنکه بیاید روزی که خرید و فروش نیست درآن روز ونه دوستی ونه سفارش و کافران ایشانند ظالمان (۲۵٤) .

ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْحَىُّ ٱلْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُۥ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ ۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشْفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ ۚ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ ۖ وَلَا يَـُٔودُهُۥ حِفْظُهُمَا ۚ وَهُوَ ٱلْعَلِيُّ ٱلْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾

خدا آنست که هیچ معبود برحقی نیست بجزوی زندهٔ تدبیر کنندهٔ عالم نمی گیرد او را (پینکی) یعنی خواب سبك ونه خواب اوراست آنچه درآسمانهاست وآنچه در زمین است کیست آنکه شفاعت کند نزد اوالابحکم او میداند آنچه پیش دست ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است وفرانمیگیرند مردمان از معلومات حق چیزی را مگر بآنچه وی خواسته است فرا گرفته است کرسی اوآسمان ها و زمین را و گران نمی شود بروی نگهبانی این هردو واو بلند مرتبهً بزرگ قدراست (۲۵۵) .

لَآ إِكْرَاهَ فِي ٱلدِّينِ ۖ قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشْدُ مِنَ ٱلْغَيِّ ۚ فَمَن يَكْفُرْ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسْتَمْسَكَ بِٱلْعُرْوَةِ ٱلْوُثْقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَا ۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾

نیست جبرکردن برای دین[1] هر آئینه ظاهر شده است راه یابی ازگمراهی پس هرکه منکر طاغوت شود (یعنی معبودان باطل) وایمان آرد بخدا پس هر آئینه

---

(۱) یعنی حجت اسلام ظاهر شدپس گویاجبر کردن نیست ا گر چه فی الجمله به صبر باشد والله اعلم .

اَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۖ قَالَ بَلْ لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ اِلٰى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ ۖ وَانْظُرْ اِلٰى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ اٰيَةً لِّلنَّاسِ ۖ وَانْظُرْ اِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوْهَا لَحْمًا ۚ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهٗ ۙ قَالَ اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٢٥٩﴾

پس میراند اورا خدای تعالی صدسال بعد ازآن برانگیختش گفت چه قدر درنگ کردی گفت درنگ کردم یك روز یا پاره ای ازروز گفت بلکه درنگ کردی صدسال پس نگاه کُن به سوی طعام خود وآشامیدنی خود که متغیر نشده ونگاه کُن بسوی الاغ خود ومی خواهیم که گردانیم ترانشانه ای برای مردمان ونگاه کُن بسوی استخوانها چگو نه به حرکت درمی آوریم آن رابعد ازآن می پوشانیم برآن گوشت راپس چون واضح شدش این حال گفت به یقین می دانم خدا برهمه چیز تواناست (۲۵۹) .

وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اَرِنِىْ كَيْفَ تُحْىِ الْمَوْتٰى ۖ قَالَ اَوَلَمْ تُؤْمِنْ ۖ قَالَ بَلٰى وَلٰكِنْ لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِىْ ۖ قَالَ فَخُذْ اَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ اِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلٰى كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَاْتِيْنَكَ سَعْيًا ۚ وَاعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٢٦٠﴾

وآنگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بنما مرا چگونه زنده می کنی مردگان را گفت خدا آیا باور نداری گفت آری باور داشته ام لیکن می خواهم که آرام گیرد دل من[1] گفت خدا پس بگیر چهارعدد از پرندگان پس بهم آورهمه را نزدیك خود قطعه قطعه بعد ازآن بگذار برهر کوهی پاره ای ازیشان بعد ازآن ندا کن ایشان را البته بیایند پیش توشتابان وبدان که خدا غالب استوار کار است (۲۶۰) .

مَثَلُ الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ اَنْۢبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِىْ كُلِّ سُنْۢبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ ۗ

صفت آنانکه خرج می کنند اموال خودرا درراه خدا مانند صفت یك دانه است که برویاند هفت خوشه رادرهرخوشه صد

---

(۱) یعنی عین الیقین میخواهم والله اعلم .

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾

وصفت آنانکه خرج می کنند مال های خویش راازجهت طلب رضامندی خدا وبسبب اعتقاد ناشی ازدلِ خویش مانند صفت باغی است بمکان بلند که رسید بوی بارانی عظیم پس آورد میوهای خودرا دوچندان وا گر نمی رسید اورا باران عظیمی پس شبنم کفایت میکرد و خدا بآنچه می کنید بیناست[1] (٢٦٥) .

أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾

آیا دوست میدارد یکی ازشماکه باشد اورا باغی ازدرختانِ خرماوانگور می رود زیرآن جویها مراورا هست درآن باغ هر جنس ازمیوها ورسیده باشد اورا کلان سالی و باشد اورا اولاد ناتوان پس درین حالت رسید آن باغ را گردبادی که درآن آتش است پس پاك بسوخت همچنین واضح می سازد خدا برای شما آیتها را تاباشد که تأمل کنید[2] (٢٦٦) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الْأَرْضِ ۖ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ وَلَسْتُم بِآخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُوا فِيهِ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾

ای مومنان خرج کنید ازپاکیزه های آنچه شما کسب کردید واز پاکیزه های آنچه بیرون آوردیم برای شما اززمین وقصد مکنید ناپاك را ازآن خرج میکنید آن را ونیستید گیرنده آن مگر وقتیکه چشم پوشی کنید در گرفتن آن وبدانید که خدا

---

(١) مترجم گوید حاصل این مثل آن ست که عمل اهل اخلاص فائده ها میدهداز سابقین باشد یا ازاصحاب یمین .

(٢) حاصل این مثل آن ست که عمل منان و مرائی دروقت شدت احتیاج نابود شود چنانکه بوستان این شخص دروقت شدت احتیاج به سوخت .

شد (٢٧٢) .

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢٧٣﴾

خیرات برای آن فقیرانست که بندکرده شدند در راهِ خدا[1] نمی توانند سفر کردن در زمین، توانگر می پندارد ایشان رانادان بسبب طمع نه کردن تومی شناسی ایشان را به قیافه ایشان سوال نمی کنند ازمردمان بالحاح وآنچه خرج کنید ازمال پس هر آئینه خدا بآن دانا است (٢٧٣) .

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٤﴾

کسانیکه خرج می کنندا موال خویش را شب وروز پنهان و آشکارا پس ایشان راست مُزدایشان نزد پروردگار ایشان ونیست ترس برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (٢٧٤) .

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَىٰ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧٥﴾

کسانیکه میخورند سودرا برنه خیزند یعنی از گور مگر چنانکه برمی خیزد کسی که دیوانه ساخت اورا شیطان به سبب آسیب رسانیدن، این بسبب آنست که سود خوران گفتندجزاین نیست که سودا گری مانند سود است وحالانکه حلال کرده است خدا سودا گری را و حرام ساخته سود را پس کسی که آمد بوی پند ازجانب پروردگاراو پس بازماند ازین کار پس اوراست آنچه گذشت و کاراو مفوض است بخدا[2] وهر که

---

(١) یعنی بسبب اشغال بجهاد کسب کردن نمی توانند والله اعلم .

(٢) یعنی سودی که قبل آیت تحریم گرفته بازگردانیدنش لازم نیست والله اعلم .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيْنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى
فَٱكْتُبُوهُ ۚ وَلْيَكْتُب بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌۢ بِٱلْعَدْلِ ۖ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَن
يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ ٱللَّهُ ۚ فَلْيَكْتُبْ ۚ وَلْيُمْلِلِ ٱلَّذِى عَلَيْهِ ٱلْحَقُّ
وَلْيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْـًٔا ۚ فَإِن كَانَ ٱلَّذِى عَلَيْهِ
ٱلْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ
وَلِيُّهُۥ بِٱلْعَدْلِ ۚ وَٱسْتَشْهِدُوا۟ شَهِيدَيْنِ مِن رِّجَالِكُمْ ۖ فَإِن
لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَٱمْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ
ٱلشُّهَدَآءِ أَن تَضِلَّ إِحْدَىٰهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَىٰهُمَا ٱلْأُخْرَىٰ ۚ
وَلَا يَأْبَ ٱلشُّهَدَآءُ إِذَا مَا دُعُوا۟ ۚ وَلَا تَسْـَٔمُوٓا۟ أَن تَكْتُبُوهُ
صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰٓ أَجَلِهِۦ ۚ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِندَ ٱللَّهِ وَأَقْوَمُ
لِلشَّهَٰدَةِ وَأَدْنَىٰٓ أَلَّا تَرْتَابُوٓا۟ إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً حَاضِرَةً
تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا
تَكْتُبُوهَا ۗ وَأَشْهِدُوٓا۟ إِذَا تَبَايَعْتُمْ ۖ وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٌ
وَلَا شَهِيدٌ ۚ وَإِن تَفْعَلُوا۟ فَإِنَّهُۥ فُسُوقٌۢ بِكُمْ ۗ
وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ۖ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُ ۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾

ای مومنان ا گرمعامله کنید بایکدیگر به وام دادن تامیعاد مقرر پس بنو یسید آن را وباید که بنویسد میان شما نویسنده بانصاف وسربازنزند نویسنده ازآنکه نویسد چنانچه آموخته است اورا خدا پس بایدکه وی بنویسد واملاء کندآنکه وام بذمهٔ وی است وبایدکه بترسد ازخدا پروردگار خود و نقصان نکند ازآن وام چیزی را پس ا گر باشد کسیکه وام بذمهٔ وی است بی خرد یا ناتوان یا نمی تواند املاء کردن پس باید که املاء کند کارگذاراو بانصاف و گواه گیرید دوشاهد را ازمردان خویش[1] پس ا گر نه باشند دومرد پس یك مرد ودوزن کفایت است ازکسانیکه رضامند باشید از گواهان[2] تا ا گر فراموش کندیك زن یاد دهاند یکی دیگررا وباید که سرباز نه زنند گواهان آنگاه که طلبیده شوند وماندە مشوید ازآنکه نویسید حق را اندك باشد یابسیارتا میعاد وی این باانصاف تر است نزدِ خدا ودرست تر برای گواهی وقریب تر ازآنکه درشك نشوید مگر وقتیکه باشد آن معامله سوداگری دست بدست که دستگردان می کنید آن رامیان خویش پس نیست برشما گناه درآنکه نه نویسید آن را و گواه گیرید هرگاه که خرید و فروخت

---

(١) یعنی ازمسلمانان .

(٢) یعنی از مسلمانان امین متقی .

بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا
غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾

گذاریم میان هیچ کسی ازپیغامبران او[1] وگفتند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم میخواهیم آمرزش توای پروردگار ماوبسوی تواست بازگشت (٢٨٥) .

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا
اكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ۚ رَبَّنَا
وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن
قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۖ وَاعْفُ عَنَّا ۖ
وَاغْفِرْ لَنَا ۖ وَارْحَمْنَا ۖ أَنتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

خدا واجب نمی کند برهیچ کس الامقدار طاقت او مراوراست آنچه عمل کرد و بروی باشد آنچه گناه کرد گفتند ای پروردگار مابعقوبت مگیر مارا اگر فراموش کنیم یا خطاکنیم ای پروردگار ماومنه برسرمابار گران چنانکه نهادی آنرا برکسانیکه پیش ازمابودند ای پروردگار ماومنه برسرماآنچه توانائی آن نیست مارا و درگذرازما وبیامرزمارا وبه بخشای مارا توئی خداوند ماپس غلبه ده مارابر گروه کافران (٢٨٦) .

سورة آل عمران

سوره آل عمران مدنی است و آن دو صد آیت و بیست رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓمٓ ﴿١﴾

الٓمّ (١) .

اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿٢﴾

خدا آن ذات است که نیست هیچ معبود برحقی مگر اوزندهٔ تدبیرکنندهٔ عالم است (٢) .

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ
وَأَنزَلَ التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ ﴿٣﴾

فرود آورد برتو کتاب را براستی باور دارندهٔ آنچه پیش دست وی است و فرود آورد تورات و انجیل را (٣) .

---

(١) یعنی بعض را معتقد و بعض رامنکرنمی باشیم .

الْمِيعَادَ ۝٩

درآن هر آئينه خدا خلاف نميكند وعده را (٩) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ۝١٠

هر آئينه آنانكه كافر شدند دفع نكند ازايشان اموال ايشان ونه اولاد ايشان از عذاب خداى تعالى چيزى را وايشانند آتش انگيز دوزخ (١٠) .

كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝١١

حال ايشان مانند حال آل فرعون است وآنانكه پيش ازايشان بودند دروغ داشتند آياتِ مارا پس گرفت ايشانرا خدا بسبب گناهان ايشان وخدا سخت عقوبت است (١١) .

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَى جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝١٢

بگو كافران را كه مغلوب خواهيد شد وبرانگيخته خواهيد شد بسوى دوزخ وبدجايگاه است او (١٢) .

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ ۝١٣

بتحقيق هست شمارا نشانه درآن دو قوم كه بهم آمدند[1] يك گروه جنگ ميكرد در راه خدا و گروهِ ديگر كافر بودند مى ديدند مسلمانان آن كافران را دو برابر خويش بديدهٔ چشم وخدا قوت ميدهد به نصرت خود هركرا خواهد هر آئينه درين واقعه پندى هست خداوندانِ بصيرت را (١٣) .

زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

آراسته كرده شده است براى مردمان دوستى آرزوهاى نفس اززنان و فرزندان و خزانه هاى جمع ساخته اززر وسيم واسپانِ نشانمند ساخته وچهار پايان

---

(١) يعنى روزبدر والله اعلم .

بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿۱۹﴾

اهل کتاب مگر بعد ازآنکه آمد بایشان دانش[1] ازروی حسد درمیان خویش وهرکه کافر باشد بآیت های خدا پس هر آئینه خدا زود گیرندهٔ حساب است (۱۹) .

فَاِنْ حَآجُّوكَ فَقُلْ اَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلّٰهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ ۗ وَقُلْ لِلَّذِينَ اُوتُوا الْكِتٰبَ وَالْاُمِّيّٖنَ ءَاَسْلَمْتُمْ ۚ فَاِنْ اَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا ۖ وَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلٰغُ ۗ وَاللّٰهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿۲۰﴾

پس ا گر مکابره کنند باتو (یا محمد) پس بگومنقاد ساختم روی خود را برای خدا وهر که پیروی من کرد نیز منقادساخت وبگو باهل کتاب وبناخوانندگان آیا اسلام آوردید پس ا گر اسلام آوردند به تحقیق راه یافتند وا گر روی گرانیدند پس جزاین نیست که برتوست پیغام رسانیدن وخدا بیناست به بند گان(۲۰) .

اِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيّٖنَ بِغَيْرِ حَقٍّ ۙ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَاْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ ۙ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِيمٍ ﴿۲۱﴾

هر آئینه کسانیکه کافر می شوند بآیتهای خدا ومی کشند پیغامبران را بناحق ومی‌کشند آنان را که بعدل می‌فرمایند ازمردمان پس خبرده ایشانرا بعذاب درد دهنده (۲۱) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ۖ وَمَا لَهُمْ مِنْ نّٰصِرِينَ ﴿۲۲﴾

این گروه آنند که نابود شد عمل های ایشان در دنیا و آخرت ونیست ایشان را یاری دهنده (۲۲) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِينَ اُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتٰبِ يُدْعَوْنَ اِلٰى كِتٰبِ اللّٰهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلّٰى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿۲۳﴾

آیاندیدی بسوی آنانکه داده شدند پاره ای ازعلم کتاب خوانده می شوند بسوی کتاب خدا تاحکم کند میان ایشان پس رومی گرداند گروهی از ایشان اعراض کنان (۲۳) .

---

(۱) یعنی حقیقت حال دانستند .

نَفْسَهُ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿٢٨﴾

وبرحذر می‌دارد شمارا خدا از خود و بسوی خدا باز گشت است (۲۸) .

قُلْ إِنْ تُخْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمْهُ اللَّهُ ۗ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾

بگوا گر پنهان کنید آنچه درسینه های شماست یا آشکار کنیدش می داندآن را خدا و میداند آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و خدا برهمه چیز تواناست (۲۹) .

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا ۖ وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا ۗ وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۗ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٣٠﴾

آن روزیکه حاضر یابد هرکس آنچه عمل کرده است از نیکی وآنچه کرده است ازبدی دوست داردکه کاش بودی درمیان وی ودرمیان آن بدی مسافتی دور وبرحذ رمی دارد شمارا خدا ازخود و خدا بسیار مهربان است بربند گان (۳۰) .

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣١﴾

(ای محمد) بگو ا گر دوست می دارید خدارا پس پیروی من کنید تا دوست دارد شمارا خدا وبیامرزدشمارا گناهان شماو خدا آمرزندهٔ مهربان است (۳۱) .

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ ۖ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾

بگوفرمان برید خدارا و پیغامبر را پس ا گر روگر دانند پس هر آئینه خدا دوست ندارد کافران را [۱] (۳۲) .

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٣﴾

هر آئینه خدا بر گزید آدم را و نوح را و آل ابراهیم را و آل عمران را برعالمها (۳۳) .

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾

درحالتیکه این جماعت نسلی بودند

---

(۱) مترجم گوید که نصاریٰ باحضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم درباب عیسیٰ علیه السلام گفتگو کردند حق سبحانه این آیات نازل ساخت بعد از نزول این آیتهانصاریٰ را بمباهله دعوت کردند همه عاجز شده جزیه قبول نمودند .

خودنسل پاك هر آئينه تو شنواى دعائى (۳۸) .

فَنَادَتْهُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيٰى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ الصّٰلِحِينَ ﴿۳۹﴾

پس ندا كردند اورا فرشتگان واوايستاده بود نمازمى گذارد در عبادت گاه، كه خدا بشارت مى دهدترا به يحيى باشد باوردارنده كلمه ازجانب خدا[1] وسردار وپارسا و پيغامبرى ازنيكوكاران (۳۹) .

قَالَ رَبِّ أَنّٰى يَكُونُ لِي غُلٰمٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذٰلِكَ اللّٰهُ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ ﴿۴۰﴾

گفت اى پروردگار من چگونه پيدا مى‌شود براى من فرزندى و رسيده است مراكلان سالى وزن من نازاهست، گفت همچنين خدا ميكند آنچه مى خواهد (۴۰) .

قَالَ رَبِّ اجْعَل لِّيٓ ءَايَةً قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَاذْكُر رَّبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكٰرِ ﴿۴۱﴾

گفت اى پروردگار من معّين كن براى من نشانى[2] فرمودكه نشان تو آنست كه سخن نه توانى گفت بامردمان سه روزمگر باشارت ويادكن پروردگار خودرابسيار و تسبيح بگوبه شام و صباح (۴۱) .

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يٰمَرْيَمُ إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفٰكِ عَلٰى نِسَآءِ الْعٰلَمِينَ ﴿۴۲﴾

وآنگاه كه گفتند فرشتگان اى مريم هر آئينه خدا بر گزيدترا وپاك ساخت ترا وبر گزيدترا برزنان عالمها (۴۲) .

يٰمَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرّٰكِعِينَ ﴿۴۳﴾

اى مريم فرمانبردارى كن پرورد گار خودرا وسجده كن ونمازگذار بانماز گذاران (۴۳) .

ذٰلِكَ مِنْ أَنۢبَآءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ

(اى محمد) اين ازخبرهاى غيب است وحى مي كنيم آنرا بسوى تو وتو نبودى

---

(۱) يعنى عيسىٰ راباور دارد .

(۲) يعنى نشان حمل آن فرزند .

را) وزنده می سازم مُرد گان رابه حکم خدا وخبر می دهم شمارا بآنچه میخورید وآنچه ذخیره می نهید درخانه های خود هر آئینه دراین کار نشانه است شمارا ا گر باور دارند ه اید (٤٩) .

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَلِأُحِلَّ لَكُم بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُم بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿٥٠﴾

وآمده ام باور دارندهٔ آنچه پیش دست من است از تورات و آمده ام تاحلال گردانم برای شما بعض آنچه حرام شده بود برشما وآوردم نزد شمانشانه از پرورد گار شما پس بتر سید ازخدا و فرمان من برید(٥٠) .

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٥١﴾

هر آئینه خدا پرورد گار من و پرورد گار شماست پس پرستش کنید اوراین است راه راست[1] (٥١) .

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسٰى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنصَارِي إِلَى اللَّهِ ۖ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنصَارُ اللَّهِ ۖ آمَنَّا بِاللَّهِ ۖ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٥٢﴾

پس آنگاه که دریافت عیسیٰ ازقوم خود کفررا گفت کیستند یاری دهند گان من بسوی خدا گفتند حواریان مائیم یاری دهند گان خدا ایمان آوردیم به خدا وگواه باش که ما فرمانبرداریم (٥٢) .

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٣﴾

ای پروردگار ما ایمان آوردیم بآنچه فرود آوردی و پیروی کردیم پیغمبررا پس بنویس ماراباشاهدان[2] (٥٣) .

وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ ۖ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ﴿٥٤﴾

نقشه کشیدند و خداوند چاره جوئی کرد و خداوند[3] بهترین چاره جویان

---

(١) القصه این بشارت درحق عیسیٰ علیه السلام متحقق شد و یهود را بدین خوددعوت نمود .

(٢) یعنی درزمرهٔ شهداء که اکمل امت اند والله اعلم .

(٣) یعنی بآن کافران .

تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿٦١﴾

بعد ازآنچه آمد بتو از دانش پس بگوبیائیدتابخوانیم فرزندانِ خودرا و فرزندانِ شمارا وزنانِ خودرا و زنانِ شمارا وذات های خودرا و ذات های شمارا پس همه بزاری دعا کنیم پس لعنت خدا گوئیم بردروغگویان (٦١) .

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ ۚ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٢﴾

هر آئینه این ست خبرراست و نیست هیچ معبود برحقی بجزخدا وهر آئینه خدا غالب استوار کاراست (٦٢) .

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٦٣﴾

پس ا گر روگردانیدند پس خدا داناست به تباه کاران (٦٣) .

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ ۚ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾

بگوای اهل کتاب بیائید بسوی سخنی مسلّم میان ما وشما که نه پرستیم بجز خدا و شریك نسازیم باوی چیزی دیگررا و پروردگار نگیردبعض ازما بعض دیگررا بجز خدا پس ا گر روی گردانیدند پس بگوئید که گواه باشید ما مسلمانیم (٦٤).

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنْزِلَتِ التَّوْرَاةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٥﴾

ای اهل کتاب چرامکابره می کنید دربارهٔ ابراهیم[1] وفرود آورده نه شده است تورات و انجیل مگر بعد ابراهیم آیا نمی‌فهمید (٦٥) .

هَا أَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾

آ گاه شوید شما ای قوم مکابره کردید درآنچه شمارا بوی دانش است پس چرامکابره می کنید در آنچه شمارا بوی دانش نیست و خدامی داند وشما

---

(۱) یعنی بعض گفتند یهودی بود و بعض گفتند نصرانی بود .

وَلَا تُؤْمِنُوٓا إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ ۗ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَى اللَّهِ ۙ أَن يُؤْتَىٰٓ أَحَدٌ مِّثْلَ مَآ أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَآجُّوكُمْ عِندَ رَبِّكُمْ ۗ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ ۖ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ ۗ وَاللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٣﴾

ومنقاد مشوید مگر کسی را که پیروی دین شماکند بگو (یامحمد) هر آئینه هدایت، هدایت خدا است گفتند باور مکنید آنکه داده شود کسی مانند آنچه داده شده اید شما، یا گروهی الزام دهند شمارا نزد پروردگار شمابگونعمت بدست خدا ست می دهدآن را بهرکه خواهد و خدا فراخ نعمتِ داناست (۷۳).

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِۦ مَن يَشَآءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾

مختص می گرداند به بخشائش خود هرکراخواهد و خدا صاحبِ فضلِ عظیم است (۷٤) .

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَٰبِ مَنْ إِن تَأْمَنْهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ ۖ وَمِنْهُم مَّنْ إِن تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَآئِمًا ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا۟ لَيْسَ عَلَيْنَا فِى الْأُمِّيِّۧنَ سَبِيلٌ ۖ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾

وازاهل کتاب کسی هست که ا گر امین داری اورا بخزانه بازدهداو را بتو وازایشان کسی هست که ا گر امین داری اورا بیك دینار بازندهد آنرابتو مگر تاوقتیکه باشی برسراوایستاده واین خیانت بسبب آنست که گفتند نیست برمادرحق ناخواندگان هیچ راه[1] ودروغ می گویند برخداوحال آنکه ایشان (این را) میدانند (۷۵) .

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِۦ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٧٦﴾

آری هرکه وفاکند بعهدخود وپرهیزگاری کند پس هرآئینه خدا دوست میدارد پرهیزگاران را (۷٦) .

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَٰنِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُو۟لَٰٓئِكَ لَا خَلَٰقَ لَهُمْ فِى الْءَاخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنظُرُ

هر آئینه کسانیکه می ستانند عوض پیمانی که باخدا بستند و عوض سوگندان خویش بهای اندك را آن گروه هیچ نصیب

---

(۱) یعنی مارابرمال عرب که هم دین مانیستندمؤاخذه نخواهد شد .

عَلٰى ذٰلِكُمْ اِصْرِىْ ۭ قَالُوْٓا اَقْرَرْنَا ۭ قَالَ فَاشْهَدُوْا وَاَنَا مَعَكُمْ مِّنَ الشّٰهِدِيْنَ ۝۸۱

والبته یاری دهید اورا، فرمود خدا آیا اقرار کردید و گرفتید براین کار عهد مرا[1] گفتند اقرار کردیم فرمود پس گواه باشید[2] ومن باشما ازگواهانم (۸۱) .

فَمَنْ تَوَلّٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰۗىِٕكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ۝۸۲

پس هرکه بر گردد بعد ازین پس آن گروه ایشانند بدکاران (۸۲) .

اَفَغَيْرَ دِيْنِ اللّٰهِ يَبْغُوْنَ وَلَهٗٓ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَّكَرْهًا وَّاِلَيْهِ يُرْجَعُوْنَ ۝۸۳

آیااین کافران غیر دین خدا می‌طلبند و خدارا منقاد شده اند آنانکه درآسمان ها و زمین اند بخوشی یا نا خوشی وبسوی او گردانیده شوند (۸۳) .

قُلْ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَآ اُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَآ اُنْزِلَ عَلٰٓى اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَالْاَسْبَاطِ وَمَآ اُوْتِيَ مُوْسٰى وَعِيْسٰى وَالنَّبِيُّوْنَ مِنْ رَّبِّهِمْ ۚ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْهُمْ ۚ وَنَحْنُ لَهٗ مُسْلِمُوْنَ ۝۸۴

بگوایمان آوردیم بخدا وبآنچه فرودآورده شده است برماو بآنچه فرود آورده شده بود برابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نبیرگان وی و آنچه داده شد موسیٰ و عیسیٰ و پیغامبران را از پروردگار ایشان فرق نمی گذاریم میان هیچ یك از ایشان وماخدارا منقادیم (۸٤) .

وَمَنْ يَّبْتَغِ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِيْنًا فَلَنْ يُّقْبَلَ مِنْهُ ۚ وَهُوَ فِي الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ۝۸۵

وهرکه طلب کند غیر اسلام دینی دیگررا پس هرگزقبول کرده نخواهد شدازو واودر آخرت از زیان کاران است (۸۵) .

كَيْفَ يَهْدِي اللّٰهُ قَوْمًا كَفَرُوْا بَعْدَ اِيْمَانِهِمْ وَشَهِدُوْٓا اَنَّ الرَّسُوْلَ حَقٌّ وَّجَاۗءَهُمُ الْبَيِّنٰتُ ۭ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ۝۸۶

چگونه راه نماید خدا گروهی را که کافرشدند بعد از اسلام خود و بعد از اینکه گواهی دادند که پیغمبر برحق است وبعد ازآنکه آمدبایشان حجت، وخدا راه نمی‌نماید گروه ستم گاران را (۸٦) .

---

(۱) یعنی قبول کردید .

(۲) یعنی بریکدیگر .

اگر هستید راست گوی[1] (۹۳) .

فَمَنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩٤﴾

پس هرکه دروغ بندد بر خدا بعد ازین پس آن گروه ایشانند ستم گاران (۹٤) .

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ ۗ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۖ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٥﴾

بگوراست گفت خدا پس پیروی کنید ملت ابراهیم را حنیفی کیش شده ونه بود ازمشرکان (۹۵) .

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿٩٦﴾

هر آئینه اول خانه ای که مقررکرده شدبرای مردمان آن ست که درمکه است برکت داده شده و هدایت مرمردمان را (۹٦) .

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ ۖ وَمَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ۗ وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٩٧﴾

درآن خانه نشانه های روشن است ازآن جمله جای ایستادن ابراهیم[2] وهر که درآید آنجاایمن بود وحق خدا ست برمردمان حج خانه کعبه هرکه توانائی دارد رفتن بسوی آن ازجهت اسباب راه وهرکه کافرشود پس هر آئینه خدا بی نیاز است ازعالم ها (۹۷) .

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٨﴾

بگوای اهل کتاب چرا کافر می شوید بآیاتِ خدا وخدا حاضر است برآنچه می‌کنید (۹۸) .

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنتُمْ شُهَدَاءُ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ

بگوای اهل کتاب چرا بازمی دارید از راه خدا کسی را که ایمان آورد می طلبید

---

(۱) مترجم گوید یهود برحضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم طعن می کردند که شما دعوی ملت ابراهیم می کنید و آنچه درخاندان ابراهیم نمی خوردندمانند گوشت شتر وشیر آن میخورید حق تعالی جواب دادکه همه چیزحلال بود پیش اززنزول تورات الّا گوشت و شیرشتر و تحریم گوشت و شیر شتر ملتِ ابراهیم نیست خاصه بنی اسرائیل بود بسبب تحریم جدّ ایشان والله اعلم .

(۲) یعنی نقشی که درسنگ ظاهر شده .

وَلْتَكُنْ مِّنْكُمْ أُمَّةٌ يَّدْعُوْنَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿١٠٤﴾

وبایدکه باشد ازشما گروهی که بخوانند بسوی نیکی وبه فرمایند به کارپسندیده ومنع کنند از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران[1] (۱۰٤) .

وَلَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ تَفَرَّقُوْا وَاخْتَلَفُوْا مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْبَيِّنٰتُ وَأُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿١٠٥﴾

ومباشید مانند کسانیکه پراگنده شدند واختلاف بایکدیگر کردند بعد ازآنکه آمد بایشان حجت ها وآن گروه ایشان راست عذاب بزرگ[2] (۱۰۵) .

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوْهٌ وَّتَسْوَدُّ وُجُوْهٌ ۚ فَأَمَّا الَّذِيْنَ اسْوَدَّتْ وُجُوْهُهُمْ ۖ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيْمَانِكُمْ فَذُوْقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ ﴿١٠٦﴾

آن روزکه سفید شودیك پاره رو یها و سیاه گرددیك پارهٔ روی ها اماآنانکه سیاه گشت روی های ایشان بدیشان گفته شود آیا کافر شدیدبعداز اسلام خویش پس بچشید عذاب را بسبب کافرشدن خویش (۱۰٦).

وَأَمَّا الَّذِيْنَ ابْيَضَّتْ وُجُوْهُهُمْ فَفِيْ رَحْمَةِ اللّٰهِ �ؕ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿١٠٧﴾

واماآنانکه سفید شد روی های ایشان پس دررحمت خدا باشند ایشان درآنجا جاویدند (۱۰۷) .

تِلْكَ آيٰتُ اللّٰهِ نَتْلُوْهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۗ وَمَا اللّٰهُ يُرِيْدُ ظُلْمًا لِّلْعٰلَمِيْنَ ﴿١٠٨﴾

این آیاتِ خداست می خوانیم آن رابرتوبراستی ونمی خواهد خدا ستم کردن برمردمان (۱۰۸) .

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْأُمُوْرُ ﴿١٠٩﴾

وخدا راست آنچه درآسمان هاست و آنچه در زمین است وبسوی خدا باز گردانیده می شود همهٔ کارها (۱۰۹) .

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ

هستیدشما بهترین امتی که بیرون آورده شد[3] برای مردمان می فرمائید بکار

---

(۱) یعنی واجب بالکفایه است که جمعی بامرمعروف ونهی از منکر قیام نمایند .

(۲) یعنی مانند یهود و نصاریٰ مشوید که هفتاد وچند فرقه گشتند .

(۳) یعنی مقرر کرده شد .

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ ۖ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٤﴾

می‌فرمایند بکار پسندیده ومنع می کنند ازناپسندیده و سبقت می کنند درنیکی ها وایشان از شائسته کارانند (۱۱٤) .

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿١١٥﴾

وآنچه می‌کنند ازنیکی پس ناقدرشناسی کرده نه شود بایشان به نسبت آن عمل و خداداناست به پرهیزگاران (۱۱۵) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١٦﴾

هر آئینه کسانیکه کافرشدند دفع نکند ازایشان مالهای ایشان ونه فرزندانِ ایشان ازعذاب خداچیزی راوایشانند دوزخیان ایشان درآنجاجاویدند (۱۱٦) .

مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَٰذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ ۚ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِنْ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٧﴾

مثالِ آنچه خرج می کنند درین زندگانی دنیا مانند مثالِ بادیست که درآن سرمای سخت است برسید زراعت گروهی راکه ستم کردند برخویشتن پس نابود ساخت آن را وستم نه کرد برایشان خدا و لیکن برخویشتن ستم می کردند[1] (۱۱۷) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ ۖ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ ۖ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ ۚ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١١٨﴾

ای مسلمانان دوست پنهان مگیرید غیراز خویش[2] کوتاهی نمی‌کنند درفتنه انگیزی میان شما دوست داشتند رنج شمارا هر آئینه ظاهر شد دشمنی ازدهان ایشان وآنچه پنهان کرده است سینه های ایشان سخت تراست هر آئینه بیان کردیم برای شمانشانه ها اگر دانا هستید (۱۱۸) .

هَا أَنْتُمْ أُولَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ

آگاه شوید شمای قوم که دوست میدارید ایشان را وایشان دوست

---

(۱) حاصل آنست که صدقات ایشان نابود می شود .

(۲) یعنی ازغیر مسلمانان .

اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢٢﴾

کنند وخدا کارساز ایشان بود وبرخدابايد که توکل کنند مسلمانان[1] (۱۲۲) .

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢٣﴾

وهر آئينه خدا فتح داد شمارا روزبدروشما خواربوديد پس به ترسيد ازخدا تابُوَد که شکر گذاری کنيد (۱۲۳).

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ ﴿١٢٤﴾

چون می گفتی به مسلمانان آيا کفايت نه خواهد کرد شمارا که امداد کند شمارا پروردگار تان به سه هزار کَس از فرشتگان فرود آورده شده (۱۲۴) .

بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَٰذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ﴿١٢٥﴾

بلی اگر صبر کنيد وپرهيزگاری نمائيدو بيايند کافران بسوی شمابااين جوش خودامداد کند شمارا پروردگار شما به پنج هزار کَس ازفرشتگان نشان مندکرده (۱۲۵) .

وَمَا جَعَلَهُ اللهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ ۚ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١٢٦﴾

ونه ساخت خدای تعالی اين مدد را مگر برای مژده دادن شماوبرای آنکه آرام گيرد دلهای شمابآن ونيست فتح مگر اززنزد خدا غالب استوارکار (۱۲۶) .

لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ ﴿١٢٧﴾

چنين کردتاهلاك کند طائفه ای را از کافران يا مغلوب سازد ايشان را پس باز گردند به مراد نارسيده (۱۲۷) .

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٢٨﴾

نيست تراازين کار چيزی يا بمهربانی توبه ايشان را می پذيرد يا غالب کندايشان را زيرا که ايشان ستمگارند (۱۲۸) .

وَلِلهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ

و خدا راست آنچه درآسمان هاست و

---

(۱) يعنی بنی سلمه و بنی حارثه که خيال فرار بخاطر ايشان گذشته بودباز خدای تعالی ايشان رااز جبن محفوظ داشت .

فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿١٣٧﴾

سیر کنید درزمین وبنگرید که چگونه بودآخرکار تکذیب کنند گان (۱۳۷) .

هَٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾

این پیامی است برای مردمان وهدایتی و پندی برای پرهیزگاران (۱۳۸).

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾

وسست مشوید واندوهناك مباشید وشمائید غالب اگر مسلمان هستید (۱۳۹).

إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ ۚ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ ۚ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٠﴾

اگربرسد شمارا زخمی پس رسیده است جماعت کافران را زخمی مانند آن[1] واین حادثه ها که می گردانیم آن را درمیان مردمان برای فوائد بسیاروتا متمیز سازد خداومنان را وشهید گرداند بعضی را ازشما و خدا دوست نمی داردستمگاران را (۱٤۰) .

وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿١٤١﴾

وتاکه سره و خالص کندخدا مسلمانان را[2] ونابودسازد کافران را (۱٤۱) .

أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٢﴾

آیا گمان کردید که درآئید به بهشت وهنوز متمیزنه ساخته است خدا مجاهدان را ازشما و پیش ازآنکه متمیزسازد صابران را (۱٤۲) .

وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِن قَبْلِ أَن تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ ﴿١٤٣﴾

وهر آئینه شما آرزومی کردید مرگ را[3] پیش ازآنکه ملاقات آن کنید پس دیدید آن را و (درحالیکه) شمامی نگریستید (۱٤۳).

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ ۖ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ ۚ

ونیست محمد مگر پیغمبر هر آئینه گذشته

---

(۱) یعنی دربدر .
(۲) یعنی ذنوب ایشان راامحوکند .
(۳) یعنی شهادت را .

يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾

باز گردانند شمارا برپاشنه های شما پس باز گردیدزیان کارشده (۱٤۹) .

بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ﴿١٥٠﴾

بلکه خدا یاری دهندهٔ شمااست واو بهترین یاری دهندگان است (۱۵۰) .

سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا ۖ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ۖ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ ﴿١٥١﴾

خواهیم انداخت دردل کافران بزدلی بسبب آنکه شریك مقررساختند باخداچیزی را که هیچ حجت فرونه آورده است خدا برای او وجای ایشان دوزخ است واو بد اقامت گاه است ستمگاران را (۱۵۱) .

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّن بَعْدِ مَا أَرَاكُم مَّا تُحِبُّونَ ۚ مِنكُم مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۚ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ ۖ وَلَقَدْ عَفَا عَنكُمْ ۗ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥٢﴾

وهر آئینه راست کردخدا درحق شما وعده خودرا چون می کشتید کافران را بحکم خدا تاوقتیکه بزدلی کردید و نزاع کردید درکارخویش ونافرمانی کردید بعدازآنکه عطا نمود به شما آنچه می خواستید ازشماکسی بود که می خواست دنیارا وازشما کسی بودکه می خواست آخرت را آنگاه باز گردانید شمارا از ایشان[1] تاامتحان کند شمارا وهرآئینه درگزرانید ازشما وخدا صاحب رحمت است برمومنان (۱۵۲) .

إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ ۗ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٥٣﴾

آنگاه که دورمی رفتید درگریختن ومتوجه نمی شدید برهیچ کس وپیغامبر می خواندشمارا درجماعت که پس پشت شمابود پس جزا داد شماراباندوهی بالای اندوهی این پنددادن برای آنست تااندوهناك نشوید برآنچه ازدست

---

(۱) یعنی فرار کردید .

ازایشان هر آئینه خدا آمرزندهٔ بُردباراست (١٥٥) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَقَالُوا۟ لِإِخْوَٰنِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ أَوْ كَانُوا۟ غُزًّى لَّوْ كَانُوا۟ عِندَنَا مَا مَاتُوا۟ وَمَا قُتِلُوا۟ لِيَجْعَلَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِى قُلُوبِهِمْ ۗ وَٱللَّهُ يُحْىِۦ وَيُمِيتُ ۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٦﴾

ای مومنان مباشید مانند آنانکه کافر شدند و گفتند درحق برادران خویش وقتیکه سفر کنند درزمین یاباشند بجهاد بیرون آمده[1] اگر می‌بودند ایشان نزد ما نمی‌مردند وکشته نمی‌شدند تا گرداندخدا این سخن را حسرتی دردل های ایشان وخدازنده می کندو می‌میراندوخدا بآنچه می کنید بیناست (١٥٦).

وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١٥٧﴾

وا گر کشته شدید درراه خدا یامُردید هر آئینه آمرزشی ازخدا وبخشایشی بهتراست ازآنچه جمع می کنند(١٥٧) .

وَلَئِن مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى ٱللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٥٨﴾

و ا گرمُردید یاکشته شدید البته بسوی خدا برانگیخته خواهید شد (١٥٨) .

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمْ ۖ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلْقَلْبِ لَٱنفَضُّوا۟ مِنْ حَوْلِكَ ۖ فَٱعْفُ عَنْهُمْ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِى ٱلْأَمْرِ ۖ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾

پس به سبب مهربانی از خدا نرم شدی برای ایشان وا گرمی بودی درشت خوسخت دل پرا گنده می شدند ازدوروبر تو پس در گذرازایشان وآمرزش خواه برای ایشان و مشورت کن بایشان درین کار پس آنگاه که قصد محکم کردی پس اعتماد کن برخدا هر آئینه خدا دوست می دارد توکل کنند گان را (١٥٩).

إِن يَنصُرْكُمُ ٱللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ ۖ وَإِن يَخْذُلْكُمْ فَمَن ذَا ٱلَّذِى يَنصُرُكُم مِّنۢ بَعْدِهِۦ ۗ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾

اگر نصرت دهدشمارا خدا هیچکس غالب نیست برشماوا گربغیر نصرت وا گذارد شمارا پس کیست که نصرت دهدشمارا بعدازوی وبرخدا باید که

---

(١) یعنی چون بمیرند درین حالت .

وَمَآ أَصَابَكُمْ يَوْمَ ٱلْتَقَى ٱلْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ ٱللَّهِ وَلِيَعْلَمَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٦٦﴾

و آنچه رسید به شما روزیکه بهم آمدنددو گروه پس باراده خدا بود وتامتمیزسازد مومنان را (١٦٦) .

وَلِيَعْلَمَ ٱلَّذِينَ نَافَقُوا۟ ۚ وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا۟ قَٰتِلُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أَوِ ٱدْفَعُوا۟ ۖ قَالُوا۟ لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَّا ٱتَّبَعْنَٰكُمْ ۗ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَٰنِ ۚ يَقُولُونَ بِأَفْوَٰهِهِم مَّا لَيْسَ فِى قُلُوبِهِمْ ۗ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ﴿١٦٧﴾

وتامتمیز سازدآنان را که منافق شدند و گفته شدایشان را بیائید بجنگید در راه خدا یادفع کنید کافران را[1] گفتند اگرمی دانستیم جنگ کردن[2] هر آئینه پیروی شما می کردیم این گروه بسوی کفرآن روز نزدیك تر بودند نسبت به ایشان بجانب ایمان می گویند بدهان های خویش آنچه نیست دردل های ایشان وخدا داناتراست بآنچه می پوشند (١٦٧) .

ٱلَّذِينَ قَالُوا۟ لِإِخْوَٰنِهِمْ وَقَعَدُوا۟ لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا۟ ۗ قُلْ فَٱدْرَءُوا۟ عَنْ أَنفُسِكُمُ ٱلْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿١٦٨﴾

آنانکه خود ازجنگ بازنشسته گفتند درحق برادران خویش که اگر فرمان مامی بردند کشته نمی شدند بگودفع کنید ازخویشتن مرگ را اگر هستیدراست گو (١٦٨) .

وَلَا تَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمْوَٰتًۢا ۚ بَلْ أَحْيَآءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿١٦٩﴾

ومرده گمان مکن کسانی را که کشته شدند درراه خدا بلکه زنده اند نزد پروردگار خویش روزی داده می‌شوند (١٦٩) .

فَرِحِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِٱلَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا۟ بِهِم مِّنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٧٠﴾

شادان بآنچه عطا کرده است خدا ایشان را از فضل خود و خوش وقت می شوند به آنانکه بایشان نه پیوسته اند ازپس ایشان به سبب آنکه هیچ ترس نیست برایشان ونه ایشان اندوهناك شوند (١٧٠) .

---

(١) یعنی ازبلادخویش .

(٢) یعنی مصلحت می دانستیم .

مومن هستید (۱۷۵) .

وَلَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ ۚ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا ۗ يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٦﴾

واندوهگین نه کنند ترا (یامحمد) آنانکه می شتابند در نصرت کفر هر آئینه ایشان هیچ زیان نه رسانند خدارا[1] می خواهد خدا که نه دهد ایشان راهیچ بهره در آخرت وایشان راست عذاب بزرگ (۱۷۶) .

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٧﴾

هر آئینه آنانکه خریدند[2] کفررا عوض ایمان هیچ زیان نه رسانند خدارا وایشان راست عذاب درد دهنده (۱۷۷) .

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ ۚ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٧٨﴾

و گمان نه کنند کافران که مهلت دادن ماایشان را بهتر است درحق ایشان جزاین نیست که مهلت می دهیم ایشان را تازیاده شوند درگناهگاری وایشان راست عذاب خوار کننده (۱۷۸) .

مَّا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ ۗ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ ۖ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٩﴾

هرگز نه گذاردخدا مسلمانان را برآن حال که شماهستید برآن تاآنکه جداکند ناپاك را ازپاك وهرگز مطلع نه کند خداشمارا برغیب ولیکن خدا برمی گزیند ازپیغامبران خود هرکرا خواهد پس ایمان آریدبه خدا و پیغامبران او واگر ایمان آرید و پرهیزگاری کنید شمارا باشد مزدبزرگ (۱۷۹) .

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُم ۖ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ ۖ سَيُطَوَّقُونَ

وبایدکه گمان نکنند آنانکه بخل می کنند بآنچه عطاکرده است خدا ایشان را ازفضل خود این بخل را بهتر برای

---

(۱) یعنی دین اورا .

(۲) یعنی اختیار کردند .

بِالْبَيِّنٰتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتٰبِ الْمُنِيرِ ﴿١٨٤﴾

پیش ازتو آوردند حجت هارا وصحیفه هارا وکتاب روشن را (۱۸٤) .

كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ ۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۖ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَآ إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿١٨٥﴾

هر نفسی چشندهٔ موت است وجزاین نیست که تمام داده خواهید شدمزد خویش را روز قیامت پس هرکه دورداشته شد ازدوزخ و درآورده شدبه بهشت پس هر آئینه بمراد رسید ونیست زندگانی دنیا مگر بهره فریبنده (۱۸۵) .

لَتُبْلَوُنَّ فِيٓ أَمْوٰلِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتٰبَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوٓا أَذًى كَثِيرًا ۚ وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٨٦﴾

البته آزمائش خواهید کرده شود شمارا درمالهایتان وجانهایتان و خواهید شنید از آنانکه کتاب داده شده اند پیش ازشما وازمشرکان سرزنش بسیار واگر صبر کنید وپرهیزگاری نمائید هر آئینه این خصلت ازکارهای مقصود است (۱۸٦) .

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَٰقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ ﴿١٨٧﴾

ویادکن چون گرفت خدا عهد اهل کتاب را که البته بیان کنید کتاب را برای مردمان ونه پوشید آن را پس بانداختند آن عهد را پس پشت خویش وگرفتند عوض وی بهای اندك پس بدچیزی است که می‌ستانند (۱۸۷) .

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَآ أَتَوا وَّيُحِبُّونَ أَن يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُم بِمَفَازَةٍ مِّنَ الْعَذَابِ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨٨﴾

هرگز مپندار کسانی را که شادمان می شوند بآنچه کردندو دوست میدارند که ستوده شوند بآنچه نه کرده اند هرگز مپندار ایشان را نجات یافته ازعذاب وایشان راست عذاب درد دهنده (۱۸۸) .

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾

وخداراست پادشاهی آسمان ها و زمین وخدا برهمه چیز تواناست (۱۸۹) .

لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّاٰتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿١٩٥﴾

آنانکه هجرت کردند وبیرون کرده شدند ازخانه های خویش ورنجانیده شدند در راه من وجنگ کردند وکشته شدند البته دورکنم ازایشان گناهانِ ایشان را والبته درآرم ایشان را درباغ هائی که میرود زیر آن جوی ها پاداشی ازنزد خدا وخدا نزد اوست پاداش نیك (۱۹۵) .

لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ ﴿١٩٦﴾

بایدکه نه فریبد ترا آمدوشد کافران درشهر ها (۱۹۶) .

مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ۚ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٩٧﴾

این بهره مندی اندك است بعد ازآن جای ایشان دوزخ باشد ووی بدجائی است (۱۹۷) .

لٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنّٰتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ خٰلِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ ۗ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ ﴿١٩٨﴾

لیکن آنانکه ترسیدند از پروردگار خود ایشان راست بوستان ها میرودزیر آن جوی ها جاویدان درآنجا مهمانی از نزد خدا و آنچه نزد خدا ست بهتر است نیکوکاران را (۱۹۸) .

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خٰشِعِينَ لِلّٰهِ لَا يَشْتَرُونَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۚ أُولٰٓئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ إِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩٩﴾

وهر آئینه ازاهل کتاب کسانی اندکه ایمان می آرند بخدا وبآنچه فرودآورده شدبسوی شما و بآنچه فرود آورده شدبسوی ایشان فروتنی کنندگان برای خدا نمی ستانند عوض آیتهای خدابهای اندك آن گروه ایشان راست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان هر آئینه خدا زود حساب گیرنده است (۱۹۹) .

يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا ۟ وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢٠٠﴾

ای مومنان صبر کنید ومحنت کشید وبرای جهاد آماده باشید و بترسیداز خدا باشد که رستگار شوید (۲۰۰) .

عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيٓـًٔا مَّرِيٓـًٔا ﴿٤﴾

اگر زنان در گذرندبخوشدلی برای شما از بعضی از آن مهر پس بخورید آن راساز گار وخوشگوار (٤) .

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَآءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِى جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَـٰمًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٥﴾

ومدهید بی خردان را اموال خود که کرده است خدا آن را سبب استقامت معیشت برای شماوبخورانید وبه پوشانید ایشان را ازآن اموال وبگوئید بایشان سخن نیکو[1] (٥) .

وَابْتَلُوا الْيَتَـٰمَىٰ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ ءَانَسْتُم مِّنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوٓا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ ۖ وَلَا تَأْكُلُوهَآ إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا ۚ وَمَن كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ ۖ وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٦﴾

وامتحان کنید یتیمان را[2] تاآنگاه که رسند به حدنکاح[3] پس اگر دریافتید ازایشان حسن تدبیر پس برسانید بایشان اموال ایشان را ومخورید آن اموال را[4] باسراف وشتاب ازترس آنکه بزرگ شوند وهرکه باشد توانگر پس بایدکه پرهیزگاری کند[5] وهر که فقیر باشد پس بایدکه بخورد بوجه پسندیده پس چون رسانید بایشان اموال ایشان را گواه گیرید برایشان وبس است بحقیقت خدا حساب گیرنده (٦) .

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ ۖ

مردان را حصه هست ازآنچه بگذارند پدرومادر وخویشان وزنان را نیز حصه

---

(١) یعنی برسفهاحجرباید کردواموال ایشان که بحقیقت همه مسلمانان بآن منتفع اندبی واسطه یا بواسطه بدست ایشان داده ضائع نه باید ساخت والله اعلم .

(٢) یعنی درایام کودکی .

(٣) یعنی بالغ شوند .

(٤) یعنی درخردسالی ایشان .

(٥) یعنی وصی یتیم اگر توانگر باشدازاموال یتیم چیزی نگیرد .

كَانَ لَهُۥ وَلَدٌ ۚ فَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُۥ وَلَدٌ وَوَرِثَهُۥٓ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ ٱلثُّلُثُ ۚ فَإِن كَانَ لَهُۥٓ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ ٱلسُّدُسُ مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِى بِهَآ أَوْ دَيْنٍ ۗ ءَابَآؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا ۚ فَرِيضَةً مِّنَ ٱللَّهِ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١﴾

میت گذاشته است[1] واگر ذریتش یك دختر باشد پس اوراست نیم ترکه وهست پدرومادر میت راهریکی راازایشان یك ششم آنچه بگذاشته است اگر باشدمیت را فرزندی، پس اگر نباشداورافرزندی ووارث اوپدرو مادراوشوند پس هست مادرش رایك سوم ترکه[2] پس اگر باشند میت رابرادران هست مادرش رایك ششم ترکه[3] واین تقسیم بعد از ادای وصیتی است که میت بآن فرموده یابعد از ادای دَین[4] پدران شماو پسران شما نمید انید که کدام یك ازایشان نزدیك تراست به شما درنفع رسانیدن حصه معین کرده شدازجانب خداهر آئینه هست خدادانای استوارکار (١١) .

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَٰجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ ۚ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ ٱلرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَآ أَوْ دَيْنٍ ۚ وَلَهُنَّ ٱلرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ ۚ فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ ٱلثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُم مِّنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَآ أَوْ دَيْنٍ ۗ وَإِن كَانَ رَجُلٌ

وشماراهست نیمه آنچه بگذاشته اند زنان شما اگرنباشدایشان را فرزندی پس اگر ایشان را فرزندی باشدشمارااست یك چهارم آنچه بگذاشته اند بعد از ادای وصیتی که بآن فرموده باشند یا بعد از ادای دَین وزنان را ست یك چهارم آنچه

---

(١) مترجم گوید حکم دو دخترنیزثلثان است والله اعلم .

(٢) یعنی مابقی برای پدراست .

(٣) یعنی برادران و خواهران حصه مادررا ناقص می سازند اگر چه خود چیزی نیابندویك برادر ویك خواهر ناقص سازد و الله اعلم .

(٤) یعنی اگر وصیت باشدنخست ادای وصیت کنندو اگر دین باشد نخست ادای دین کنند .

فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنكُمْ ۖ فَإِن شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ﴿١٥﴾

طلبید برایشان چهارمرد ازجنس خویش[1] پس اگر گواهی دادند محبوس کنید ایشان را درخانه ها تاآنکه عمر ایشان را تمام کند مرگ یا مقررکند خدای تعالی برای ایشان راهی[2] (۱۵) .

وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِهَا مِنكُمْ فَآذُوهُمَا ۖ فَإِن تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿١٦﴾

وآن دوکس که زنا می کنندازشماپس آزار دهید ایشان را پس اگر توبه کردند ونیکوکاری پیش گرفتند پس اعراض کنید ازتعذیب ایشان هر آئینه خدا هست توبه پذیر مهربان[3] (۱۶) .

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧﴾

جزاین نیست که وعده قبول توبه لازم برخداست برای آن کسان که میکنند معصیت را به نادانی بعد ازآن توبه کنند بزودی[4] پس آن گروه است که خداوند توبه وبازگشت آنان رامی پذیرد وهست خدا دانای استوارکار (۱۷) .

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ ۚ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٨﴾

ونیست وعده قبول توبه آن کسان را که می کنندمعاصی تاآنگاه که پیش آیدکسی را ازایشان مرگ، گفت هر آئینه من توبه کردم الحال ونه آن کسان را ست که کافر بمیرند این گروه آماده ساختیم برای ایشان عذاب درد دهنده (۱۸) .

---

(۱) یعنی از مسلمانان .

(۲) بعد این آیت خدای تعالی راهی مقررکردو آن رجم ثیب وجلد بکر است پس اکنون حکم حبس نیست والله اعلم .

(۳) این آیت مجمل است ودراحادیث آمده است که بکر آزاد را صدتازیانه، بایدزد و ثیّب آزاد را سنگسار باید کرد وغلام راپنجاه تازیانه بایدزد والله اعلم .

(٤) یعنی پیش ازحضور مرگ .

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهٰتُكُمْ وَبَنٰتُكُمْ وَأَخَوٰتُكُمْ وَعَمّٰتُكُمْ وَخٰلٰتُكُمْ وَبَنٰتُ الْأَخِ وَبَنٰتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهٰتُكُمُ الّٰتِيٓ أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوٰتُكُمْ مِّنَ الرَّضٰعَةِ وَأُمَّهٰتُ نِسَآئِكُمْ وَرَبٰٓئِبُكُمُ الّٰتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّن نِّسَآئِكُمُ الّٰتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَٰٓئِلُ أَبْنَآئِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَٰبِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٣﴾

حرام کرده شدند برشما مادران شما ودختران شماوخواهران شما و خواهران پدران شما وخواهران مادران شما ودختران برادر ودختران خواهر و آن مادران شماکه شیر داده انـد شمـارا[1] وخـواهـران شمـا ازجهت شیرخوارگی ومادران زنان شما ودختران زنـان شمـا کـه درکنـار شمـا پرورش می یابند ازبطن آن زنان که شما وطئ کردید بایشان پس اگروطئ نکرده باشید بایشان پس هیچ گناه نیست برشما وزنان پسران شما که ازپشت شماباشند[2] وحرام کرده شد آنکه جمع کنید میان دوخواهر مگر آنچه گذشت (عفواست) هر آئینه خدا هست آمرزندهٔ مهربان (۲۳) .

وَالْمُحْصَنٰتُ مِنَ النِّسَآءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتٰبَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَآءَ ذٰلِكُمْ أَن تَبْتَغُوا بِأَمْوٰلِكُم مُّحْصِنِينَ غَيْرَ مُسٰفِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِۦ مِنْهُنَّ فَـَٔاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرٰضَيْتُم بِهِۦ مِنۢ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٢٤﴾

وحرام کرده شدند زنان شوهردار مگر آنچه مالك اوشده است دست های شما[3] لازم ساخته است خدا برشماو حلال کرده شد شمارا ماسوای این همه محرمات (حلال کرده شد) که طلب نکاح کنید باموال خویش عفت طلب کنان نه به شهوت رانی[4] پس کسی که استمتاع کردید باوی اززنان بدهید ایشان را مهر

---

(۱) یعنی دایه ها .

(۲) یعنی پسرخوانده نه باشد .

(۳) یعنـی اگـرزنـی رااز دارالحـرب اسیرکـرده انـد نکـاح وتَسَرّی اوصحیـح بُوَدهرچندآنجازوج داشته باشد والله اعلم .

(٤) یعنی نکاح صحیح آن ست که مهرباشدومؤبدباشدبحسب ظاهر زیراکه چون حاجت جماع همیشه است واحصان بدون عقدمؤبّدحاصل نشودوالله اعلم .

يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوْبَ عَلَيْكُمْ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿٢٦﴾

می خواهد خدا که بیان کند برای شما وبنماید شمارا راه های کسانیکه پیش ازشمابودندوبرحمت بازگرددبرشما وخدادانای استوار کاراست (٢٦) .

وَاللّٰهُ يُرِيْدُ اَنْ يَّتُوْبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيْدُ الَّذِيْنَ يَتَّبِعُوْنَ الشَّهَوٰتِ اَنْ تَمِيْلُوْا مَيْلًا عَظِيْمًا ﴿٢٧﴾

وخدا می‌خواهد که برحمت بازگردد برشما ومی خواهند آنانکه پیروی شهوات می کنند که کجروی کنید کجروی عظیم (٢٧) .

يُرِيْدُ اللّٰهُ اَنْ يُّخَفِّفَ عَنْكُمْ ۚ وَخُلِقَ الْاِنْسَانُ ضَعِيْفًا ﴿٢٨﴾

می خواهد خداکه سبك کند ازشما وانسان ضعیف آفریده شده است (٢٨) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَاْكُلُوْٓا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ اِلَّآ اَنْ تَكُوْنَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ ۣ وَلَا تَقْتُلُوْٓا اَنْفُسَكُمْ ۚ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيْمًا ﴿٢٩﴾

ای مؤمنان مخورید اموال خودرا درمیان خویش بناحق[1] مگر اینکه آن دادستد تجارت باشدبعدرضامندی یکدیگر ازشما و مَکُشید خویشتن را هر آئینه خدا هست به شمامهربان (٢٩) .

وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ عُدْوَانًا وَّظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيْهِ نَارًا ۭ وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرًا ﴿٣٠﴾

وهرکه چنین کند به تعدی وستم پس بزودی درآریمش به دوزخ واین برخدا آسان است (٣٠) .

اِنْ تَجْتَنِبُوْا كَبَاۗىِٕرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُّدْخَلًا كَرِيْمًا ﴿٣١﴾

اگراحتراز کنید ازکبائر منهیات نابود سازیم ازشما صغائر شمارا ودرآریم شمارا بمحل گرامی[2] (٣١) .

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللّٰهُ بِهٖ بَعْضَكُمْ عَلٰي بَعْضٍ ۭ لِلرِّجَالِ نَصِيْبٌ

وآرزوی مکنید مرتبه ای را که خداوند به آن برتری داده بعضی را از شمابربعضی

---

(١) یعنی مال یك دیگر بناحق نباید خورد .

(٢) گناه کبیره آنست که برآن حدمشروع شده یا وعده دوزخ کرده آمده یابکفرمُسمّی شده در قرآن یا سنت صحیحه وهرکه از کبائر اجتناب کند صغائر اورا نمازوروزه وصدقه نابودمی سازد والله اعلم .

مکنید برایشان را هی را[1] هر آئینه خداهست بلند مرتبهٔ بزرگ قدر (٣٤) .

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا ﴿٣٥﴾

وا گرترسیدید (ای حاکمان) اختلاف میان زن و شوهر پس برگزینید صلاح کاری ازخویشان مرد وصلاح کاری ازخویشان زن اگر این صلاح کاران بخواهند صلح را البته موافقت آردخدا درمیان ایشان هر آئینه هست خدا دانای آگاه (٣٥) .

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ﴿٣٦﴾

وبپرستید خدارا وشریك او مقررمکنید چیزی را وبه پدرو مادر نیکوکاری کنید وبخویشان ویتیمان و گدایان وهمسایهٔ خویشاوند و همسایه اجنبی وبه هم نشین برپهلو نشسته وبه مسافر وبآنچه دست شما مالك اوشد[2] هر آئینه خدادوست ندارد کسی راکه باشد متکبر خود ستاینده (٣٦) .

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿٣٧﴾

کسانیکه آنان بخل می کنند و مردمان را به بخل وامی‌دارند ومی پوشند آنچه خدا داده است ایشان را ازفضل خود و آماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسواکننده (٣٧) .

وَالَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ﴿٣٨﴾

وآنان راکه خرج می کنندا موال خودرا برای نمودن مردمان ومعتقدنیستند بخدا ونه بروزقیامت وهرکه شیطان یار اوباشد

---

(١) یعنی به حیله ایذادادن تجسس مکنیدوالله اعلم .

(٢) یعنی غلامان و کنیزکان .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ اُوْتُوْا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتٰبِ يَشْتَرُوْنَ الضَّلٰلَةَ وَيُرِيْدُوْنَ اَنْ تَضِلُّوا السَّبِيْلَ ﴿٤٤﴾

آیاندیدی[1] کسانیکه داده شده اند بهره ای ازکتاب (یعنی یهود) می ستانند گمراهی را ومی خواهند که شما گم کنید راه را (٤٤).

وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِاَعْدَآئِكُمْ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَلِيًّا وَّكَفٰى بِاللّٰهِ نَصِيْرًا ﴿٤٥﴾

وخدا داناتراست به دشمنان شما وخدا دوست بس است و خدایاری دهنده بس است (٤٥).

مِنَ الَّذِيْنَ هَادُوْا يُحَرِّفُوْنَ الْكَلِمَ عَنْ مَّوَاضِعِهٖ وَيَقُوْلُوْنَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَّرَاعِنَا لَيًّا بِاَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِى الدِّيْنِ ؕ وَلَوْ اَنَّهُمْ قَالُوْا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاَقْوَمَ ۙ وَلٰكِنْ لَّعَنَهُمُ اللّٰهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْنَ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٤٦﴾

از یهود گروهی هستند که تغییرمی دهند کلمه هارا ازجای آن ها ومی گویند[2] شنیدیم ونافرمانی کردیم ومی گویند «اسمع غیر مسمع وراعنا» می پیچانند سخن را بزبان خویش وطعنه می زنندردین واگر ایشان می گفتند شنیدیم وفرمانبرداری کردیم و بجای «اسمع غیر مسمع» اسمع می گفتند وبجای «راعنا» انظرنا هر آئینه بهترمی بود ایشان را و درست تر ولیکن لعنت کرده است ایشان را خدابسبب کفر ایشان پس ایمان نمی آرند مگراندکی[3] (٤٦).

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ اٰمِنُوْا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ نَّطْمِسَ وُجُوْهًا فَنَرُدَّهَا عَلٰۤى اَدْبَارِهَاۤ

ای اهل کتاب ایمان آرید بآنچه فرودآوردیم، باور کنندهٔ آنچه باشماست

---

(١) مترجم گوید که خدای عزوجل در ردّیهود و تعدادقبائح ایشان آیات فرستاد .

(٢) یعنی بزبان حال .

(٣) مترجم گوید پیچانیدن سخن آنست که سَب راچنان درکلام خلط کنند که کسی نشناسد «واسمع غیر مسمع» دومعنی دارد یکی آنکه بشنو در حالتیکه معظم ومحترمی و کسی باتوخلاف رضای تونتواند گفت دیگرآنکه بشنودر حالتی که محقری وکسی باتوسخن نمی گوید وراعنانیزدومعنی دارد یکی آنکه رعایت کن ما رادیگراحمق رعونت دارنده غرض ایشان سَب بود کلمهٔ محتمل معنیین می گفتند والله اعلم .

نَقِيرًا ﴿٥٣﴾

آن هنگام ندهند بمردمان مقدار نقیری[1] (٥٣) .

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَآ ءَاتَىٰهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ ۖ فَقَدْ ءَاتَيْنَآ ءَالَ إِبْرَٰهِيمَ الْكِتَٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَءَاتَيْنَٰهُم مُّلْكًا عَظِيمًا ﴿٥٤﴾

آیاحسدمی کنند برمردمان بر آنچه ایشان را داده است خدای تعالی ازفضل خود پس هر آئینه ماداديم آل ابراهیم را کتاب ودانش وداديم ایشان را پادشاهی بزرگ (٥٤) .

فَمِنْهُم مَّنْ ءَامَنَ بِهِۦ وَمِنْهُم مَّن صَدَّ عَنْهُ ۚ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ﴿٥٥﴾

پس ازکفار کسی هست که ایمان آوردبآن کتاب و ازایشان کسی هست که باز داشت ازوی و کفایت ست دوزخ آتش افروخته (٥٥) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم بَدَّلْنَٰهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا۟ ٱلْعَذَابَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾

هر آئینه کسانی که کافر شدند بآیاتِ ما زود درآریم ایشان را بآتش هر گاه که پخته گرددپوستهای ایشان بعوض پیداکنیم برای ایشان پوستهای دیگر غیرازآن تابچشند عذاب را هر آئینه خدا هست غالبِ استوارکار (٥٦) .

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ الصَّٰلِحَٰتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۖ لَّهُمْ فِيهَآ أَزْوَٰجٌ مُّطَهَّرَةٌ ۖ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ﴿٥٧﴾

وکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند زود درآریم ایشان را به بوستانهائی که میرود زیرآن جوی ها جاویدان آنجاهمیشه، ایشان راست آن جا زنانِ پاك کرده شده و درآریم ایشان را بسایه نیك (یعنی راحت تمام) (٥٧) .

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤَدُّوا۟ ٱلْأَمَٰنَٰتِ إِلَىٰٓ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُوا۟ بِٱلْعَدْلِ ۚ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِۦٓ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًۢا بَصِيرًا ﴿٥٨﴾

هر آئینه خدا می فرماید شمارا که اداکنید امانت هارا به اهل آن ومیفرماید که براستی حکم کنید چون حاکم شوید میان

---

(١) نقیرغلاف نازکی است که برپشت خسته خرمامی باشد .

ازتوباعراض (٦١) .

فَكَيْفَ إِذَآ أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَآءُوكَ يَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنْ أَرَدْنَآ إِلَّآ إِحْسَٰنًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٢﴾

پس چه حال است آنگاه که برسد بایشان مصیبتی بسبب آنچه پیش فرستاده است دستهای ایشان پس هرگاه بیایندنزد توقسم می خورند بخدا که نخواسته بودیم مگر نیکوکاری وموافقت کردن را[1] (٦٢) .

أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَعْلَمُ ٱللَّهُ مَا فِى قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُل لَّهُمْ فِىٓ أَنفُسِهِمْ قَوْلًۢا بَلِيغًا ﴿٦٣﴾

این گروه آنانندکه می داندخدا آنچه دردل های ایشان است پس اعراض کن ازایشان[2] وپنده ایشان راوبگوبایشان سخنی مؤثر در دلهای ایشان (٦٣) .

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ ٱللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَٱسْتَغْفَرُوا۟ ٱللَّهَ وَٱسْتَغْفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُوا۟ ٱللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿٦٤﴾

ونه فرستادیم هیچ پیغامبری را مگر برای آنکه اطاعت کرده شود بحکم خدا واگر این جماعت وقتیکه ستم کردند برخویشتن می‌آمدندنزد تو پس آمرزش طلب می کردند ازخداو طلب آمرزش کرد برای ایشان پیغمبر هر آئینه می یافتند خدارا توبه پذیر مهربان (٦٤) .

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا۟ فِىٓ أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

پس قسم به پروردگار توکه ایشان مسلمان نه باشند تاآنکه حاکم کنند ترادراختلافی که واقع شد میان ایشان بازنیابند در دلهای خویش تنگی ازآنچه حکم فرمودی وقبول کنند بانقیاد (٦٥) .

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ ٱقْتُلُوٓا۟ أَنفُسَكُمْ أَوِ ٱخْرُجُوا۟

واگرمامی نوشتیم[3] برایشان که بکشیدخویشتن را یا بیرون شوید ازخانه های

---

(١) یعنی مردمان خصوم .
(٢) یعنی ازقتل ایشان .
(٣) یعنی واجب میکردیم .

فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧٣﴾

وی دوستی کاش می‌بودم باایشان پس می‌یافتم مطلب بزرگ را (۷۳) .

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۚ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٧٤﴾

پس باید که جنگ کنند درراه خدا آن مومنان که می فروشند زندگانی دنیارا بآخرت وهرکه جنگ کند درراه خدا پس کشته شودیاغالب آید بدهیمش مزدبزرگ را (۷٤) .

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا ۚ وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا ۚ وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا ﴿٧٥﴾

و چیست شمارا که جنگ نمی کنید درراه خدا وبرای بیچارگان از مردان وزنان وکودکان[1] آنانکه می گویند ای پروردگار مابیرون آرمارا ازین دِه که ستمگاراند اهل آن ومقررکن برای ما از نزد خود کارسازی و مقرر کن برای ما از نزد خودیاری دهنده (۷۵) .

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ ۖ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ﴿٧٦﴾

مومنان می‌جنگند درراه خدا وکافران می جنگند درراه معبود باطل پس جنگ کنید بادوستانِ شیطان هر آئینه حیلهٔ شیطان سست است (۷٦) .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً ۚ وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ

آیاندیدی بسوی کسانیکه گفته شد ایشان را بازدارید دستهای خود را[2] وبرپاکنید نماز را وبدهید زکوٰة را[3] پس چون نوشته شد برایشان جنگ ناگاه گروهی ازایشان می ترسند ازمردمان مانند ترسیدن از خدا یابیشتر و گفتند ای

---

(۱) یعنی گرفتاران بدست کفار .
(۲) یعنی جنگ مکنید .
(۳) یعنی پس قبول کردند .

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٨١﴾

ومی گویند دردل ما فرمانبرداریست پس چون بیرون روندازنزد تو گروهی از ایشان بوقت شب رای زنند غیرآنچه تومی فرمائی وخدامی نویسد یعنی درنامهٔ اعمال آنچه شب می گویند پس اعراض کن ازایشان وتوکل نمابر خدا وخدا کارسازنده بس است (٨١) .

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿٨٢﴾

آیاتأمل نمی کنند قرآن را و اگرمی‌بود ازنزد غیر خدا البته می‌یافتند دراواختلاف بسیار (٨٢) .

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٣﴾

ووقتیکه بیاید نزد ایشان خبری ازایمنی یاترس مشهور سازندآن را واگر برمیگردانیدند آن رابسوی پیغامبر و بسوی فرمان روایان ازاهل اسلام هر آئینه می‌یافتند مصلحتِ آن خبررا آنانکه ازایشان میتوانند بر آوردن مصلحت آن واگر نمی‌بود بخشائش خدابرشما ورحمت اوالبته پیروی می کردیدشما شیطان را مگر اندکی (٨٣) .

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا ﴿٨٤﴾

پس جنگ کن (یامحمد) درراه خدا برتومؤاخذه نیست مگرازجان تووترغبت ده مسلمانان را[1] نزدیك است که موقوف سازدخدا جنگ کافران را وخدا سخت تراست باعتبار جنگ و سخت تراست باعتبار عقوبت (٨٤) .

مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ

هرکه شفاعت کند شفاعتی نیك باشداورابهره ای ازثواب آن وهر که

(١) یعنی برترورغبت دادنست وبس ا گر همراهی نکنند برتو مؤاخذه نیست والله اعلم.

خدا[١] پس اگر اعراض کردند (یعنی ازاسلام و هجرت) پس اسیر گیرید ایشان را وبکشید هرجا که یابید ایشان را ودوست ویار مگیرید کسی رااز ایشان (٨٩).

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَن يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ ۖ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ ۙ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ﴿٩٠﴾

(اسیر گیریدوبکشید) مگر آنان را که پیوند دارند باگروهی که میان شما ومیان ایشان عهد است یابیایند نزد شما حالانکه تنگ آمده است سینه های ایشان ازآنکه بجنگند باشمایا بجنگند باقوم خویش[٢] واگرخدامی‌خواست هر آئینه مسلط می‌ساخت ایشان را برشماپس می‌جنگیدند باشما پس اگراین فریق یکسوشوند ازجانب شماو نجنگندباشماو بیفگنند بسوی شماپیغام صلح را پس خداوند برضدایشان را هی دراختیار شما نگذاشته است[٣] (٩٠).

سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَن يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ ۖ كُلَّمَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا ۚ فَإِن لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوا

خواهید یافت قومی را که می خواهند ایمن شوندازشما وایمن شوندازقوم خود هرگاه باز گردانیده می شوند بسوی فتنه انگیزی نگونسارانداخته شونددرآن[٤] پس اگر یکسونه شوندازجنگ

---

(١) یعنی مسلمان شوند وهجرت کنند .

(٢) مترجم گوید و کسی که ایمان آردوهجرت نه کندحکم اوبطریق اولی فهمیده شد والله اعلم .

(٣) یعنی اگراسلام آرندوهجرت کنندایشان را دوست باید گرفت واگر اسلام نیارندمی باید کشت مگرآنکه پیمان داشته باشند وثابتانرا برعهدوحلفای معاهدان رابه هیچ وجه نتوان ایذاداد والله اعلم .

(٤) صلح می کنندوبازنقض عهد می‌نمایند والله اعلم .

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَآؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ﴿٩٣﴾

وهركه بِكُشَد مسلمانى را بقصد پس جزاى او دوزخ است جاويدباشدآنجا وخشم گرفته است براوخداو لعنت كرداورا وآماده ساخته است براى اوعذابى بزرگ (٩٣) .

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوٓا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِى سَبِيلِ اللّٰهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَىٰٓ إِلَيْكُمُ السَّلَٰمَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَٰلِكَ كُنتُم مِّن قَبْلُ فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوٓا إِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٩٤﴾

اى مسلمانان چون سفر كنيد درراه خدا(يعنى براى جهاد) پس نيك تحقيق كنيد ومگوئيد كسى را كه بسوى شماسلام انداخته است نيستى مسلمان مى طلبيد متاع زندگانى دنيا را پس نزد خداغنيمت هاى بسياراست هم چنين بوديد پيش ازين پس انعام كردخدا برشماپس تحقيق كنيد هر آئينه خداهست بآنچه كنيدآگاه (٩٤) .

لَّا يَسْتَوِى الْقَٰعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِى الضَّرَرِ وَالْمُجَٰهِدُونَ فِى سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَٰهِدِينَ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ عَلَى الْقَٰعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَٰهِدِينَ عَلَى الْقَٰعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٩٥﴾

برابرنيستند نشينندگان غير معذور ازمسلمانان وجهاد كنندگان درراه خداى تعالى به مالهاى خويش وجانهاى خويش برترى داده است خداىمجاهدان را به مال و جان خويش برنشينندگان درمرتبه وهريكى را وعدهٔ نيك كرده است خدا وافزون داده است خدا مجاهدان را به نسبت نشينندگان مزدبزرگ[1] (٩٥) .

= سبيل ميراث است و بندهٔ ضعيف مى گويد تمهيد مسئله به (وما كان لمؤمن ان يقتل مؤمناالاخطأ) وتقيد به «وهومؤمن» درنظير مانحن فيه ظاهر است درآنكه اينجاقيدايمان معتبر است ولزوم ديت بجهت وفابعهدست نه برسبيل ميراث ونظيرش وجوب مهرست درمسئله مؤمنه ازقوم متعاهدين درسوره ممتحنه الله اعلم .

(١) فائده قيد غيراولى الضررآنست كه دراولى الضرراين حكم مطرد نيست بلكه جمعى باشند ازاولى الضرر كه نيت صحيحه دارند ثواب عمل كامل يابندوالله اعلم .

تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلٰوةِ ۖ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ إِنَّ الْكٰفِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا ﴿١٠١﴾

گناهی درآنکه قصر کنید قدری ازنماز اگر بترسید ازآنکه دربلاافگند شمارا کافران هر آئینه کافران هستند شمارادشمن آشکار[1] (۱۰۱) .

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلٰوةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ ۖ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرٰى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ ۗ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضٰى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ ۖ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ ۗ إِنَّ اللّٰهَ أَعَدَّ لِلْكٰفِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿١٠٢﴾

وچون باشی درمیان مؤمنان[2] پس برپاکردی برای ایشان نمازرا پس باید بایستد گروهی ازایشان باتو وبایدکه برگیرند سلاح خویش را پس چون سجده کردند آنان پس بایدکه باشندپشت سرشما[3] وبایدکه بیاید آن گروه دیگرکه هنوز نمازنخوانده اند پس نماز گذارندباتو وبایدکه بگیرند حذر[4] وسلاح خودرا آرزوکردندکافران کاش غافل شوید ازسلاح خویش و متاع خویش پس حمله کنند برشما یك باره و هیچ گناه نیست برشما اگر باشد شمارا رنجی ازباران یا بیمارباشید درآن که بنهید سلاح خویش را والبته بگیریدحذرخودرا هر آئینه خدا آماده کرده است برای کافران عذاب رسواکننده[5] (۱۰۲) .

---

(۱) مترجم گوید مشهور آن ست که این آیت درصلوٰة مسافرنازل شده است وخوف قید اتفاقی است و آنچه نزدیك این بنده رجحان یافته است آنست که این آیت درصلوٰة خوف نازل شده است وسفرقیداتفاقیست و مراد از قصردرکیفیت رکوع وسجود است که بایمای ادامیتوان کرد نه درکمیت رکعات والله اعلم .

(۲) یعنی وقت خوف .

(۳) یعنی مقابل عدو .

(٤) وحذرخوذوزره وسپررا گویند .

(٥) مترجم گوید این راصورتهااست یکی آنکه امام دوبارنماز گذاردیك بار =

وَّاسْتَغْفِرِ اللّٰهَ ۚ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿١٠٦﴾

وآمرزش خواه ازخدا هر آئینه هست خدا آمرزندهٔ مهربان (١٠٦) .

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِيْنَ يَخْتَانُوْنَ اَنْفُسَهُمْ ۚ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا اَثِيْمًا ﴿١٠٧﴾

وخصومت مکن ازجانب آنانکه خیانت می کنند خویشتن را هر آئینه خدا دوست نداردآنرا که باشدخیانت کنندهٔ گنهگار (١٠٧) .

يَّسْتَخْفُوْنَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُوْنَ مِنَ اللّٰهِ وَهُوَ مَعَهُمْ اِذْ يُبَيِّتُوْنَ مَا لَا يَرْضٰى مِنَ الْقَوْلِ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُوْنَ مُحِيْطًا ﴿١٠٨﴾

پنهان می کنند ازمردمان و پنهان نمی کنند ازخدا واوبایشان ست آنگاه که به شب مشورت میکنندآنچه خدانمی پسنددازتدبیر وهست خدابآنچه میکنندر بر گیرنده (١٠٨) .

هٰٓاَنْتُمْ هٰٓؤُلَآءِ جٰدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۣ فَمَنْ يُّجَادِلُ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَمْ مَّنْ يَّكُوْنُ عَلَيْهِمْ وَكِيْلًا ﴿١٠٩﴾

آ گاه باشید شمااى قوم که خصومت کردید ازطرف خیانت کنند گان درزندگانی دنیا پس کیستکه خصومت کندباخدا ازطرف ایشان روزقیامت یاکیست که باشدبرایشان کارسازنده (١٠٩) .

وَمَنْ يَّعْمَلْ سُوْٓءًا اَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهٗ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ يَجِدِ اللّٰهَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿١١٠﴾

وهرکه انجام دهد کاربدیاستم کندبرخویش بازآمرزش طلبدازخدا بیابد خدارا آمرزندهٔ مهربان (١١٠) .

وَمَنْ يَّكْسِبْ اِثْمًا فَاِنَّمَا يَكْسِبُهٗ عَلٰى نَفْسِهٖ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿١١١﴾

وهرکه بکند گناهی پس جزاین نیست که می کندآن رابرجان خویش وهست خدا دانای استوارکار (١١١) .

وَمَنْ يَّكْسِبْ خَطِيْٓـَٔةً اَوْ اِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهٖ بَرِيْٓـًٔا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَّاِثْمًا مُّبِيْنًا ﴿١١٢﴾

وهرکه بکند خطائی یا گناهی بازتهمت زندبآن بیگناهی را پس برخود برداشت افتراو گناه ظاهررا (١١٢) .

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهٗ لَهَمَّتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْهُمْ اَنْ يُّضِلُّوْكَ ۚ وَمَا يُضِلُّوْنَ اِلَّآ اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّوْنَكَ مِنْ شَىْءٍ ۚ وَاَنْزَلَ اللّٰهُ عَلَيْكَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ

وا گرنمی‌بود فضل خدابرتو وبخشائش او قصدکرده بودند گروهی ازایشان که گمراه کنندترا و گمراه نمی کنند مگرخویشتن

الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللّٰهِ ۚ وَمَنْ يَّتَّخِذِ الشَّيْطٰنَ وَلِيًّا مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِيْنًا ﴿١١٩﴾

باطل افگنم ایشان را والبته بفرمایم ایشان را تابشگافند گوش چهارپایان راوالبته بفرمایم ایشان راتاتغییردهندآفرینش خدارا[1] وهرکه دوست گیردشیطان را بجزخدا پس زیان کارشد زیان ظاهر (۱۱۹) .

يَعِدُهُمْ وَلَمُنَّيِّهِمْ ۚ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطٰنُ اِلَّا غُرُوْرًا ﴿١٢٠﴾

وعده می دهدایشان راودرآرزوی می اندازد ایشانراو وعده نمی دهدایشان راشیطان الابفریب (۱۲۰) .

اُولٰٓئِكَ مَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَلَا يَجِدُوْنَ عَنْهَا مَحِيْصًا ﴿١٢١﴾

آن جماعت جای ایشان دوزخ است و نیابند ازآن راه نجاتی (۱۲۱) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ۭ وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا ۭ وَمَنْ اَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ قِيْلًا ﴿١٢٢﴾

وآنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند درآریم ایشان را به بوستانهائی که می رود زیرآن جویها جاویدان آنجا همیشه وعده کرده است خدابراستی وکیست راست‌گوترازخدادرسخن (۱۲۲) .

لَيْسَ بِاَمَانِيِّكُمْ وَلَآ اَمَانِيِّ اَهْلِ الْكِتٰبِ ۭ مَنْ يَّعْمَلْ سُوْۗءًا يُّجْزَ بِهٖ ۙ وَلَا يَجِدْ لَهٗ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلِيًّا وَّلَا نَصِيْرًا ﴿١٢٣﴾

نیست کاربوفق آرزوی شما ونه بوفق آرزوی اهل کتاب هرکه بکندکاربد جزاداده خواهدشدبه آن ونیابدبرای خود بجز خدا هیچ دوستی ونه یاری دهنده (۱۲۳) .

وَمَنْ يَّعْمَلْ مِنَ الصّٰلِحٰتِ مِنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَاُولٰٓئِكَ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُوْنَ نَقِيْرًا ﴿١٢٤﴾

وهرکه بکندازکارهای شایسته مرد باشد یا زن واومسلمان است پس آن جماعت درآیند به بهشت وستم کرده نه شوندمقدارنقیری (۱۲۴) .

وَمَنْ اَحْسَنُ دِيْنًا مِّمَّنْ اَسْلَمَ وَجْهَهٗ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ

وکیست نیکوتر باعتباردین ازکسی که

---

(۱) مترجم گوید یعنی مانند خصی کردن و سوزن زدن بربدن تاسرخ یاکبود گردانند والله اعلم .

وَأُحْضِرَتِ الْأَنفُسُ الشُّحَّ ۚ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٨﴾

وصلح کاری بهتراست، وحاضرکرده شده اند نفوس نزدیك بخل[1] واگر نیکوکاری وپرهیز گاری کنیدپس هر آئینه خدا هست بآنچه می‌کنیددانا (۱۲۸) .

وَلَن تَسْتَطِيعُوا أَن تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ ۖ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ ۚ وَإِن تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٢٩﴾

ونه توانید هرگز عدل کردن میان زنان اگرچه نهایت رغبت کنید پس باری کجی مکنید تمام کجی تاآنکه بگذارید آن زنان را مانند معلقه[2] واگر اصلاح کنید وپرهیزگاری نمائید پس هر آئینه خداهست آمرزندهٔ مهربان (۱۲۹) .

وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ﴿١٣٠﴾

و اگر مردوزن ازیکدیگرجداشوندکفایت کندخدای تعالی هریکی راازتوانگری خودهست خداجواد استوارکار (۱۳۰) .

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا ﴿١٣١﴾

وخدای راست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین ست وهرآئینه حکم فرمودیم آنانراکه داده شدند کتاب پیش ازشما وشمارانیزکه بترسید ازخدا و اگر کافر شوید پس هرآئینه خداراست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است وهست خدا توانگر ستوده شده (۱۳۱).

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٣٢﴾

وخداراست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است وخدا کارسازبس است (۱۳۲) .

إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا ﴿١٣٣﴾

اگر خواهد دورکندشمارا ای مردمان وبوجود آرد دیگران را وهست خدا براین کار توانا (۱۳۳) .

---

(۱) یعنی ازبخل غائب نمی شوند وآن رانمی گذارند والله اعلم .

(۲) مترجم گوید معلقه زنیست که نه بیوه باشدونه باو شوهر موافقت کند .

راهی (۱۳۷) .

بَشِّرِ الْمُنٰفِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣٨﴾

خبر[1] ده منافقان را بآنکه ایشان را باشدعذاب درد دهنده (۱۳۸) .

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكٰفِرِينَ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۚ أَيَبْتَغُونَ عِندَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿١٣٩﴾

آن منافقان که کافران را دوست میگیرند بجز مؤمنان آیانزد ایشان ارجمندی می طلبند پس هرآئینه ارجمندی خدارااست همه یکجا (۱۳۹) .

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتٰبِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايٰتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتّٰى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِۦٓ ۚ إِنَّكُمْ إِذًا مِّثْلُهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنٰفِقِينَ وَالْكٰفِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿١٤٠﴾

وهرآئینه فروفرستاده است خدابرشما درقرآن که چون بشنویدآیاتهای خدارا که به آنهاکفر ورزیده میشود وتمسخرکرده میشودبآنهاپس منشینید باایشان تاآنکه شروع کنند درسخنی غیراز آن هرآئینه شما اگرچنین نکنید مانندآن کافران باشیدهرآئینه خدابهم آرنده است منافقان وکافران را همه یك جادردوزخ (۱۴۰) .

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ ۖ فَإِن كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوٓا أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ ۖ وَإِن كَانَ لِلْكٰفِرِينَ نَصِيبٌ ۙ قَالُوٓا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ۚ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ وَلَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكٰفِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴿١٤١﴾

آن منافقان که انتظارشمامی کشند پس اگر باشدشمارا فتحی ازجانب خدا گویندآیانبودیم باشما[2] واگر باشدکافران را نصیبی گویند یعنی بکافران آیاغالب نه شدیم برشما[3] وآیا باز نه داشتیم شمارا ازضرر مسلمانان[4] پس خداحکم خواهد کردمیان شما روزقیامت وهرگز

---

(۱) مترجم گوید ازینجاوعید منافقان بیان می فرماید .

(۲) یعني اززمره شماایم والله اعلم .

(۳) یعنی خواه مخواه شمارا مصلحت دانستیم که بامسلمانان بجنگیدونه گذاشتیم که بمصلحت دیگرعمل کنید والله اعلم .

(٤) یعنی سعی کردیم که ضرر مسلمانان بشمانه رسد والله اعلم .

لَا يُحِبُّ اللّٰهُ الْجَهْرَ بِالسُّوْٓءِ مِنَ الْقَوْلِ اِلَّا مَنْ ظُلِمَ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ سَمِيْعًا عَلِيْمًا ﴿١٤٨﴾

دوست نمی داردخدا بلند گفتن سخن بدرا مگر سخت گفتن مظلوم که عفواست وهست خداشنوا دانا (۱۴۸) .

اِنْ تُبْدُوْا خَيْرًا اَوْ تُخْفُوْهُ اَوْ تَعْفُوْا عَنْ سُوْٓءٍ فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيْرًا ﴿١٤٩﴾

ا گرآشکاراکنیدکارنیك را یاپنهان کنیدآن را یا عفوکنیدازظلمی پس هرآئینه هست خداعفوکننده توانا (۱۴۹) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْفُرُوْنَ بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَيُرِيْدُوْنَ اَنْ يُّفَرِّقُوْا بَيْنَ اللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَيَقُوْلُوْنَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَّنَكْفُرُ بِبَعْضٍ ۙ وَّيُرِيْدُوْنَ اَنْ يَّتَّخِذُوْا بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيْلًا ﴿١٥٠﴾

هرآئینه کسانی که کافرمی شوند بخدا وپیغامبران اوومی خواهند که تفرقه کنند درمیان خدا و پیغامبران او[1] می گویندایمان می آریم به بعض پیغامبران ونامعتقدمی شویم بعض راومیخواهندکه راهی گیرند درمیان این وآن (۱۵۰) .

اُولٰٓئِكَ هُمُ الْكٰفِرُوْنَ حَقًّا ۚ وَاَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابًا مُّهِيْنًا ﴿١٥١﴾

آن جماعت ایشانندکافران به حقیقت وآماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسوا کننده (۱۵۱) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَلَمْ يُفَرِّقُوْا بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْهُمْ اُولٰٓئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيْهِمْ اُجُوْرَهُمْ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿١٥٢﴾

وکسانیکه ایمان آوردندبخدا وپیغامبران او وتفرقه نه کردنددرمیان هیچ یکی ازایشان آنجماعت خواهددادخداایشان را مزدایشان وهست خدا آمرزنده مهربان (۱۵۲) .

يَسْـَٔلُكَ اَهْلُ الْكِتٰبِ اَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتٰبًا مِّنَ السَّمَآءِ ۚ فَقَدْ سَاَلُوْا مُوْسٰٓى اَكْبَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَقَالُوْٓا اَرِنَا اللّٰهَ جَهْرَةً فَاَخَذَتْهُمُ الصّٰعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ۚ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ

در[2] خواست می کنندازتواهل کتاب که فرود آری برایشان کتابی ازآسمان یعنی یکدفعه پس سوال کرده بودند ازموسیٰ سخت تر ازین گفتندخدارا بنمابماآشکارا

---

(۱) یعنی بخداایمان آرند وبه پیغامبران ایمان نیارند والله اعلم .

(۲) مترجم گوید ازین جا خدای تعالی ردّشبه یهودمیکند که قرآن چرایکدفعه مثل الواح موسیٰ نازل نه شدواین سخن ممتداست تایااهل الکتاب لاتغلوا .

رابآن یقینی لیکن پیروی ظن میکنندوبه یقین نه کشته انداورا (۱۵۷) .

بَل رَّفَعَهُ اللّٰهُ إِلَيْهِ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٥٨﴾

بلکه برداشت اوراخدای‌تعالیٰ بسوی خود وهست خدا غالب استوارکار (۱۵۸) .

وَإِن مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ ۖ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ﴿١٥٩﴾

ونباشدهیچ کس ازاهل کتاب الّا البته ایمان آورد بعیسی پیش ازمردن عیسیٰ[1] وروزقیامت باشد عیسیٰ گواه برایشان (۱۵۹) .

فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ اللّٰهِ كَثِيرًا ﴿١٦٠﴾

پس به سبب ظلمیکه به ظهورآمدازیهود حرام ساختیم برایشان چیزهای پاکیزه که حلال بودندایشان را وبسبب بازداشتن ایشان مردمان بسیارازراه خدا (۱۶۰) .

وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ ۚ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦١﴾

و گرفتنِ ایشان سود را وحال آنکه منع کرده شده اندازآن وخوردن ایشان اموالِ مردمان را بناحق ومهیاکردیم برای کافران ازایشان (یعنی مصرّان برکفر) عذاب درد دهنده[2] (۱۶۱) .

لَٰكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ

لیکن ثابت قدمان درعلم ازاهل کتاب ومومنان ایمان می آرندبآنچه فروفرستاده شده است بسوی تووآنچه فروفرستاده

---

(۱) مترجم گوید یعنی یهودی که حاضرشوند نزول عیسیٰ را البته ایمان آرند والله اعلم.

(۲) مترجم گویدا گرگوئی انکار عیسیٰ بعدنزول تورات کرده بودند وتحریم لحوم ابل وتحریم ذی ظفردر تورات مذکور بودپس چگونه جزای انکار عیسیٰ باشد گویم نزدیك این بنده ظاهر آنست مراد ازتحریم طیّبات موقوف داشتن نعمت هااست که سابقًا ایشانرا داده بودند ازپادشاهی ونبوت ونصرت و غیرآن واین مشابه آن آیتیست (ضربت علیهم الذلةوالمسکنه) الایه واین آیت (وحرام علی قریة اهلکناها) وحینئذٍ جمیع کلام باهم مربوط باشد والله اعلم .

شدند گمراهی دور (١٦٧) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللّٰهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ﴿١٦٨﴾

هرآئینه کسانیکه کافرشدند وستم کردند هرگز نیامرزد ایشان را خدا ونه نمایدایشان راراهی (١٦٨) .

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرًا ﴿١٦٩﴾

مگرراه دوزخ جاویدان آنجا همیشه وهست این آسان برخدا (١٦٩) .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧٠﴾

ای مردمان هرآئینه آمدبه شما پیغامبر براستی ازجانب پروردگار شما پس ایمان آریدتاایمان آوردن بهتر باشدبرای شماو ا گر کافرشویدپس هرآئینه خدارا است آنچه درآسمانها وزمین است وهست خداداناواستوارکار (١٧٠) .

يَا أَهْلَ الْكِتٰبِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللّٰهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللّٰهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقٰهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلٰثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللّٰهُ إِلٰهٌ وَاحِدٌ سُبْحٰنَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللّٰهِ وَكِيلًا ﴿١٧١﴾

ای[1] اهل کتاب ازحدمگزرید دردین خود ومگوئیدبرخدا مگرسخن راست جزاین نیست که مسیح عیسیٰ پسرمریم پیغامبر خداست وکلمهٔ اوست انداخت آن را بسوی مریم وروحی است ازجانب خدا پس ایمان آریدبخداوپیغامبران او ومیگوئید خدایان سه اند بازآئید ازین قسم گفتار تااین باز ماندن بهتر باشد شمارا جزاین نیست که خدامعبود یگانه است پاکیست خدارازآن که باشداورا فرزندی مراو راست آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین است وبس است خداکارسازنده (١٧١) .

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلّٰهِ وَلَا الْمَلٰئِكَةُ

هز گزننگ ندارد عیسیٰ ازآنکه باشد بندهٔ

---

(١) مترجم گوید ازینجاشروع می فرماید در ردّ شبه نصاریٰ والله اعلم .

ا گرنباشد آنرافرزندی پس ا گرخواهران دوباشند پس ایشان را ست دوسوم حصه آنچه بگذاشته است وا گرایشان جماعت باشندمردان و زنان پس مردراست مانندِ حصه دوزن بیان می کندخدای برای شما تا گمراه نشوید وخدابهمه چیز داناست (۱۷٦) .

سوره مائده مدنی است وآن یکصد وبیست آیت وشانزده رکوع است

سُورَةُ المَائِدَة

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ۚ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ ①

ای مومنان وفاکنید بعهد ها(یعنی عهدی که باخدابسته ایددرالتزام احکام اوتعالی) حلال کرده شده برای شما چهار پایان ازقسم اَنعام مگر آنچه خوانده شد برشما[1] نه حلال دارندِه شکار درحالتی که محرم باشید هرآئینه خدا حکم میکند آنچه می خواهد (۱) .

يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِّينَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا ۚ وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا ۚ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا ۘ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۖ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ

ای مسلمانان هتك حرمت مکنید نشانهای خدارا ونه ماه حرام را[2] ونه قربانی را وآنچه درگردن اوقلاده می اندازند ونه قصد کنندگان بیت الحرام راکه می طلبند فضلی ازپروردگار خویش وخوشنودی ازوی[3] وچون احرام کشادید پس شکار

(۱) یعنی شتر و گاؤ و گوسفند واین سه قسم رااَنعام گویند حلال است مگرمیته، موقوذه وآنچه بیاید والله اعلم .
(۲) یعنی قتال دررجب وذیقعده وذی الحجه ومحرم نه بایدکرد والله اعلم .
(۳) یعنی تعرض حاجیان ومعتمران مسلمانان نبایدکرد ولقطهٔ ایشان نباید گرفت =

وتمام کردم برشمانعمت خودرا واختیار کردم اسلام را دین برای شما پس هرکه ناچار شود در گرسنگی غیر مائل به گناه پس هرآئینه خدا آمرزنده مهربان است[١] (٣) .

يَسْـَٔلُونَكَ مَاذَآ أُحِلَّ لَهُمْ ۖ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ ٱلطَّيِّبَٰتُ ۙ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ ٱلْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ ٱللَّهُ ۖ فَكُلُوا۟ مِمَّآ أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَٱذْكُرُوا۟ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَيْهِ ۖ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ ﴿٤﴾

سوال می کنندتراچه حلال کرده شد برای ایشان بگوحلال کرده شد برای شماپاکیزه ها[٢] وآنچه آموخته باشید اورا ازجانوران شکاری درحالتیکه شکار تعلیم کنندگانید می آموزیداین هارا بعض آنچه خدای تعالی شمارا آموخته است پس بخورید ازآنچه نگاهداشتندبرای شما[٣] ویادکنید نام خدارا برآن[٤] وبترسیدازخدا هرآئینه خدا زودحساب کننده است (٤) .

ٱلْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ ٱلطَّيِّبَٰتُ ۖ وَطَعَامُ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ حِلٌّ لَّكُمْ ۖ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَّهُمْ ۖ وَٱلْمُحْصَنَٰتُ مِنَ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ وَٱلْمُحْصَنَٰتُ

امروزحلال کرده شدبرای شماپاکیزه ها وطعام اهل کتاب حلال است برای شما وطعام شما حلال است برای ایشان[٥]

---

(١) مترجم گوید یعنی درمخمصه خوردن مردار جائزاست ونزدیك ابی حنیفه فائده لفظ غیر مائل بگناه آنست که زیاده ازضرورت نخورد ونزدیك مالك وشافعی آنست که قاطع طریق و سارق رارخصت نیست واین آیت آخر قرآنست بعد ازین هیچ آیت نازل نه شد والله اعلم .

(٢) آنچه عرب پاکیزه دانند والله اعلم .

(٣) مترجم گوید یعنی نخورده وندریده باشند برای خوردن خود والله اعلم .

(٤) مترجم گوید یعنی نزدیك ارسال جانوران شکاری والله اعلم .

(٥) مترجم گویدیعنی آنچه براهل کتاب حلال بود برشماحلال ست مثل گوسفندو گاؤ وآنچه برشما حلال کرده شد بر کسیکه ازایشان مسلمان شود حلالست مثل شترو ذی ظفروقبیله ها یهود و نصاری را دریں باب اعتبارنیست والله اعلم.

وَاذْكُرُوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَمِيْثَاقَهُ الَّذِيْ وَاثَقَكُمْ بِهٖٓ ۙ اِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا ۡ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ۝

و یادکنید نعمت خدارا برخویش وپیمان خدارا که عهد بسته است باشمابآن پیمان آنگاه که گفتید شنیدیم وفرمان برداری کردیم[1] وبترسید ازخدا هرآئینه خداداناست بآنچه درسینه هاباشد (۷) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُوْنُوْا قَوّٰمِيْنَ لِلّٰهِ شُهَدَاۗءَ بِالْقِسْطِ ۡ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰٓي اَلَّا تَعْدِلُوْا ۭ اِعْدِلُوْا ۣ هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى ۡ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ۝

ای مسلمانان متعهد حق خدا باشید گواهی دهند گان براستی وحمل نکند شمارا دشمنی قومی برترك عدل عدل کنید عدل نزدیك تراست به پرهیز گاری وبترسید ازخدا هرآئینه خداآگاه است بآنچه می کنید (۸) .

وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ۙ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ عَظِيْمٌ ۝

وعده کرده است خدابه کسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند باین مضمون که ایشان راست آمرزش و مزدبزرگ (۹) .

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰۗىِٕكَ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ۝

وکسانی که کافرشدند وبدروغ نسبت کردند آیات مارا ایشانند اهل دوزخ (۱۰) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ هَمَّ قَوْمٌ اَنْ يَّبْسُطُوْٓا اِلَيْكُمْ اَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ اَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۭ وَعَلَي اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ۝

ای مومنان یادکنید نعمت خدارا برخویشتن آنگاه که قصد کردند قومی که درازکنند دستهای خودرابسوی شما[2] پس باز داشت دست های ایشان را ازشما وبترسیداز خدا وبرخدا باید که توکل کنند مومنان[3] (۱۱) .

---

(۱) یعنی عهدیکه وقت بیعت بستید والله اعلم .

(۲) یعنی قتال کنند والله اعلم .

(۳) این معجزه چند نوبت متحقق شدازآن جمله آنست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم به تقریبی بمحلهٔ یهود رفته بودند شخصی ازایشان خواست که سنگی =

الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ ۚ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١٤﴾

درمیان فرقه های نصاریٰ دشمنی وکینه تاروزقیامت و زود خبرخواهدداد ایشان را خدا بآنچه می کردند (١٤) .

يَٰٓأَهْلَ الْكِتٰبِ قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتٰبِ وَيَعْفُوا عَن كَثِيرٍ ۚ قَدْ جَآءَكُم مِّنَ اللهِ نُورٌ وَكِتٰبٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾

ای اهل کتاب هرآئینه آمدبه شما پیغامبرمابیان می کند برای شما بسیاری ازآنچه پنهان می داشتید ازکتاب یعنی ازکتاب الهی واودر گذر میکنداز تقصیرات بسیار (ای اهل کتاب) هرآئینه آمد به شماازجانب خدا نوری وکتابی روشن (یعنی قرآن) (١٥) .

يَهْدِي بِهِ اللهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُۥ سُبُلَ السَّلٰمِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمٰتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِۦ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾

بسبب آن دلالت می نماید خدا کسی راکه طلب رضای اوکرد بسوی راه های نجات وبیرون می آردایشان را ازتاریکی ها بسوی روشنی بارادهٔ خود ودلالت می کند ایشان را بسوی راه راست (١٦) .

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوٓا إِنَّ اللهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۚ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ مِنَ اللهِ شَيْـًٔا إِنْ أَرَادَ أَن يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُۥ وَمَن فِى الْأَرْضِ جَمِيعًا ۗ وَلِلهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ وَاللهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾

هرآئینه کافرشدند کسانیکه گفتند که خدا همون مسیح پسر مریم است[1] بگو کِه می تواند از خداچیزی را (ازانتقام) ا گر بخواهد که هلاك کند عیسیٰ پسر مریم را ومادرش را که مریم است وآنان را که درزمین اندهمه یکجا وخدا راست پادشاهی آسمان ها وزمین وآنچه درمیان این هردواست می آفریند هرچه میخواهد وخدا برهمه چیز تواناست (١٧) .

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصٰرَىٰ نَحْنُ أَبْنٰٓؤُا اللهِ وَأَحِبَّٰٓؤُهُ ۚ قُلْ فَلِمَ

و گفتند یهود وترسایان ماپسران خدائیم و دوستان اوئیم[2] بگوپس چرا عذاب می

---

(١) یعنی حلول کرده است دروی والله اعلم .

(٢) مترجم گوید یعنی خداراپدرخودمی گفتند والله اعلم .

ا گر ایشان ازآن جا بیرون شوند هرآئینه مادرآئیم (۲۲) .

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ ۚ وَعَلَى اللهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾

گفتند دومردازاهل تقویٰ که انعام کرده بود خدا برایشان[1] درآئید ای قوم براین جماعت ازراهِ دروازه چون درآمدید به دروازه پس هرآئینه شماغالب باشید وبرخداتوکل کنید ا گر مسلمان هستید (۲۳) .

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ ﴿٢٤﴾

گفتند ای موسیٰ ماهرگز در نه آئیم درین زمین هیچ گاه مادامی که ایشان درآنجااند پس تووپروردگار توبروید وجنگ کنید هرآئینه ماایناجانشته گانیم (۲٤) .

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٥﴾

گفت (موسیٰ) ای پروردگار من قادر نیستم الّابرخود وبرادر خود (یعنی هارون) پس فیصله کن میانِ ماومیانِ گروه گناهگاران (۲۵) .

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً ۛ يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ ۗ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾

گفت خدا پس آن زمین حرام کرده شده است برایشان چهل سال سرگردان می شوند درزمین پس اندوهناك مباش بر گروه ستمگاران[2] (۲٦) .

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ �قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ ۖ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٢٧﴾

وبخوان برقوم خودخبر دوپسرآدم را براستی چون نیازحق کردند قربانی را پس قبول کرده شدازیکی وقبول کرده نه شد ازدیگر[3] گفت قابیل البته بکشم

---

(۱) یعنی یوشع وکالب .

(۲) یعنی حکم کردیم که بآن زمین منتفع نشوند چهل سال .

(۳) یعنی هابیل نیکوترین گوسفندی به نیازبُرداز غیب آتشی ظاهر شدوبخورد وقابیل بدترین گندم پیش آورد و آتش نیازش راقبول نکرد واین سبب حسد شد=

آمدند به بنی اسرائیل پیغامبران مابه نشانه های روشن بازبسیاری ازایشان بعد ازین درزمین تجاوز کنندگانند[1] (۳۲) .

إِنَّمَا جَزَٰٓؤُا۟ ٱلَّذِينَ يُحَارِبُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَسْعَوْنَ فِى ٱلْأَرْضِ فَسَادًا أَن يُقَتَّلُوٓا۟ أَوْ يُصَلَّبُوٓا۟ أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُم مِّنْ خِلَٰفٍ أَوْ يُنفَوْا۟ مِنَ ٱلْأَرْضِ ۚ ذَٰلِكَ لَهُمْ خِزْىٌ فِى ٱلدُّنْيَا ۖ وَلَهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٣٣﴾

جزاین نیست جزای کسانیکه جنگ می کنند باخدا ورسول اوو می شتابند درزمین بقصد فساد (یعنی قطع طریق می کنند) آنست که کشته شوند یا بردار کشیده شوند یابریده شود دست ها وپایهای ایشان ازجانب مخالف[2] یا دور کرده شوندازوطن این رسوائی است ایشان را دردنیا وایشان راست درآخرت عذابِ عظیم (۳۳) .

إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُوا۟ مِن قَبْلِ أَن تَقْدِرُوا۟ عَلَيْهِمْ ۖ فَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٤﴾

مگر کسانیکه توبه کردند پیش ازآنکه دست یابید برایشان پس بدانیدکه خدا آمرزنده مهربان است[3] (۳٤) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَٱبْتَغُوٓا۟ إِلَيْهِ ٱلْوَسِيلَةَ وَجَٰهِدُوا۟ فِى سَبِيلِهِۦ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣٥﴾

ای مسلمانان بترسید ازخدا وبه طلبید قرب بسوی او وجهادکنید درراه اوتارستگار شوید (۳۵) .

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُۥ مَعَهُۥ لِيَفْتَدُوا۟ بِهِۦ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ

هرآئینه کافران ا گرباشد بدست ایشان آنچه درزمین است همه یك جا وهمراه او مانند اومهیابرای آنکه عوض خود دهند

---

(۱) یعنی چون از قابیل رسم قتل پیداشدهرقتلی که در جهان واقع شود او را بدان مواخذه کنند همچنین در هر زمانه کسی که رسم کشتن نومی کند بحکم من سَنَّ سنة سیئة کان لهُ کفلٌ منها- درقتلی که بعد ازوی آمدشرکتی پیدامی نمایدپس این جا من اجل ذالك بجای علی قیاس ذالك واقع شده است والله اعلم .

(۲) یعنی دست راست و پای چپ والله اعلم .

(۳) یعنی حدساقط است وحقوق آدمیان ساقط نیست والله اعلم .

مَوَاضِعِهٖ يَقُوْلُوْنَ اِنْ اُوْتِيْتُمْ هٰذَا فَخُذُوْهُ وَاِنْ لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوْا ؕ وَمَنْ يُّرِدِ اللّٰهُ فِتْنَتَهٗ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهٗ مِنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا ؕ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَمْ يُرِدِ اللّٰهُ اَنْ يُّطَهِّرَ قُلُوْبَهُمْ ؕ لَهُمْ فِى الدُّنْيَا خِزْىٌ ۖ وَّلَهُمْ فِى الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ۴۱

برای گروه دیگران که هنوز پیش تونیامده اند[1] تغییر میدهند کلمات را(بعد ازثبوت آنها) درموضع خویش گویند ا گرداده شوید این حکم محرف قبول کنید و ا گرآنرا داده نه شوید پس احترازنمائید وهرکه خداضلالت اورا اراده کرده است پس هرگز نه توانی برای اوازخدا چیزی ازهدایت ایشان آنانند که نخواسته است خدا که پاك کند دلهای ایشان را ایشان راست دردنیارسوائی وایشان راست درآخرت عذابِ بزرگ (٤١) .

سَمّٰعُوْنَ لِلْكَذِبِ اَكّٰلُوْنَ لِلسُّحْتِ ؕ فَاِنْ جَآءُوْكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ اَوْ اَعْرِضْ عَنْهُمْ ۚ وَاِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَّضُرُّوْكَ شَيْـًٔا ؕ وَاِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِيْنَ ۴۲

ایشان شنوندگانندسخن دروغ را خورندگانند حرام را(یعنی رشوت را) پس ا گر بیایند پیش توحکم کن میان ایشان یا اعراض کن ازایشان وا گر اعراض کنی ازایشان هیچ زیان نه رسانند بتو وا گر حکم کنی پس حکم کن میان ایشان بانصاف هرآئینه خدادوست میدارد عدل کنندگان را[2] (٤٢) .

وَكَيْفَ يُحَكِّمُوْنَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرٰىةُ فِيْهَا حُكْمُ اللّٰهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ ؕ وَمَآ اُولٰٓئِكَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ ۴۳

وچگونه حَکَم می کنند ترا ونزدیك ایشان تورات است که درآن حکم خداست بازاعراض می کنند بعد ازین ونیستند ایشان معتقدان[3] (٤٣) .

---

(١) یعنی جاسُوسان حربیان اند والله اعلم .

(٢) مترجم گوید یعنی اهل ذمه ا گرقضیه خویش بامام رفع کنند ا گر خواهد حکم کند و ا گر خواهد بزعمای ایشان مفوّض نماید والله اعلم .

(٣) یعنی ا گر غرض ایشان طلب رضای خدای تعالی بودی بر تورات عمل =

باشد وهدایت وپند متقیان را (٤٦) .

وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فِيهِ ۚ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٤٧﴾

وفرمودیم بایدکه حکم کنند اهل انجیل بآنچه فروفرستاده است خدای‌تعالی دروی وهرکه حکم نکند بآنچه فروفرستاده است خداپس ایشانند بدکاران (٤٧) .

وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ ۚ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۖ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾

وفروفرستادیم بسوی توکتاب را براستی باوردارنده آنچه پیش وی است ازکتاب ونگهبان بروی[1] پس حکم کن درمیان ایشان بآنچه فروآورده است خدا وپیروی مکن خواهش های ایشان را اعراض کنان ازآنچه آمدبتوازحکم الهی برای هر گروهی ازشمامقررساخته ایم شریعتی وراهی و ا گرخواستی خدا گردانیدی شمارا یك امت ولیکن خواست که بیازماید شمارا درآنچه به شماداده است پس شتاب کنید بسوی نیکوکاری[2] بسوی خدا رجوع شمااست همه یك جا پس خبردهدشمارا بآنچه درآن اختلاف می کردید (٤٨) .

وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَن بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۖ فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ﴿٤٩﴾

وفرمودیم که حکم کن میان ایشان بآنچه فرودآورده است خداوپیروی مکن خواهش های ایشانرا و بترس ازایشان ازآنکه گمراه کنند ترا ازبعض آنچه فروفرستاده است خدا بسوی توپس ا گر اعراض کنند پس بدان که می خواهد خداکه عذاب کند ایشان را به سبب

---

(١) یعنی تحریف راازغیر تحریف جدامی سازد والله اعلم .

(٢) یعنی اتباع فرمان الهی درشریعت پیغمبرزمان والله اعلم .

شدعملهای ایشان پس گشتند زیان کار (۵۳) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِۦ فَسَوْفَ يَأْتِى ٱللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُۥٓ أَذِلَّةٍ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ يُجَٰهِدُونَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَآئِمٍ ۚ ذَٰلِكَ فَضْلُ ٱللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ ۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾

ای مومنان هرکه ازشمابر گردد ازدین خود پس خواهد آورد خدا گروهی را که دوست می دارد ایشان را وایشان دوست می دارند اورامتواضع اند بر مومنان درشت طبع اند برکافران جهادمی کنند درراه خدا ونمی ترسندازملامتِ ملامت کننده این بخشائش خدااست میدهد آن را بهرکه خواهد وخدا جواد داناست[1] (۵۴) .

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُمْ رَٰكِعُونَ ﴿٥٥﴾

جزاین نیست که دوست شماخدااست ورسول اوومومنانی که برپامی دارند نمازرا ومی دهنده زکات راوایشان پیوسته نماز گزارند (۵۵) .

وَمَن يَتَوَلَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ فَإِنَّ حِزْبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلْغَٰلِبُونَ ﴿٥٦﴾

وهرکه دوستی کند باخدا وبارسول او وبا مومنان پس هرآئینه گروه خداهمونست غالب (۵۶) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَتَّخِذُوا۟ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلِكُمْ وَٱلْكُفَّارَ أَوْلِيَآءَ ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾

ای مسلمانان دوست مگیرید کسانی را که تمسخرو بازی گرفته اند دینِ شمارا ازکسانی که داده شده ایشان را کتاب پیش ازشماونه سائر کافران را وبترسید ازخدا ا گر مسلمان هستید (۵۷) .

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ ٱتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ ﴿٥٨﴾

وچون نداکنید بسوی نماز تمسخروبازی گیرندآن را[2] این بسبب آن ست که ایشان

---

(۱) مترجم گوید این وعده درزمان حضرت ابو بکر صدیق متحقق شد ومهاجران وانصار وتابعان ایشان بامرتدان جهادکردند والله اعلم .

(۲) مترجم گوید یعنی باذان استهزاکنند والله اعلم .

قَالُوا يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ ۚ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا ۘ بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ ۚ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا ۚ وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۚ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ ۙ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا ۚ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٦٤﴾

است[1] بگردن بسته باد دست های ایشان و لعنت کرده شد ایشان را بسبب آنچه گفتند بلکه دودستِ اوکشاده است خرج می کندچنانچه میخواهد والبته بیفزایددرحق بسیاری ازایشان آنچه فروفرستاده شدبسوی تواز پروردگار تونافرمانی وکفررا وافگندیم درمیان فرقه های یهود دشمنی وناخوشی تاروزقیامت هر گاه که برمی افروزند آتشی را برای جنگ فرومی نشاندش خدا[2] ومی شتابند درزمین برای فساد وخدادوست نمی دارد مفسدان را (٦٤).

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٦٥﴾

و ا گر اهل کتاب ایمان می آوردند و پرهیزگاری میکردند نابود ساختمی ازایشان گناهان ایشان را ودرآوردمی ایشان را به بوستان های نعمت (٦٥) .

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِم مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِم ۚ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ ۖ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ ﴿٦٦﴾

و ا گرایشان برپامی داشتند حکم تورات وانجیل را وآنچه فرودآورده شده است بسوی ایشان ازپروردگار ایشان[3] خوردندی ازبالای خود واززیرپایهای خود ازایشان گروهی هست میانه رو و بسیاری ازایشان بدچیزیست که می کنند[4] (٦٦) .

---

(١) یعنی بخل دارد .

(٢) یعنی چون می خواهند که بادشمنان خود که متدین به یهودیت نیستند جنگ کنند مقهور ومغلوب می شوند .

(٣) یعنی سائر کتب سابقه .

(٤) مترجم گوید حاصل آن است که ا گر برپامی داشتند حکم تورات و انجیل را =

جَآءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰٓ أَنفُسُهُمُ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ ﴿٧٠﴾

وفرستاديم بسوی ایشان پیغمبران را هر گاه آمدی بایشان پیغامبری بآنچه دوست نمی داشت نفس ایشان گروهی را به دروغ نسبت کردندوگروهی را می کشتند (۷۰).

وَحَسِبُوٓا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُّوا كَثِيرٌ مِّنْهُمْ وَاللهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٧١﴾

وپنداشتند که هیچ عقوبت نخواهد بودپس کورشدند وکر گشتند پس باز گشت برحمت خدابرایشان[1] پس بازکورشدند و کر گشتند بسیاری ازایشان وخدا بیناست بآنچه می کنند (۷۱).

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوٓا إِنَّ اللهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَٰبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ اعْبُدُوا اللهَ رَبِّى وَرَبَّكُمْ إِنَّهُۥ مَن يُشْرِكْ بِاللهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَىٰهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ ﴿٧٢﴾

هرآئینه کافرشدند کسانیکه گفتند خدا همان است عیسیٰ پسر مریم و گفته بود عیسیٰ ای بنی اسرائیل بپرستید خدارا پروردگار من و پروردگار شماهرآئینه کسیکه شریك خدا مقررمی کند حرام کرده است خدابهشت رابروی وجای اودوزخ است ونیست ستمگاران را هیچ یاری دهنده[2] (۷۲).

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوٓا إِنَّ اللهَ ثَالِثُ ثَلَٰثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّآ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٣﴾

هرآئینه کافرشدند کسانیکه گفتند که خدا سوم سه کس است[3] وهیچ إله برحق نیست مگراله یگانه وا گرباز نه آیند ازآنچه می گویند خواهدرسیدکافران را ازایشان[4] عذاب درد دهنده (۷۳).

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُۥ

آیارجوع نمی کنند بسوی خدا وآمرزش

---

(۱) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم را فرستاد والله اعلم.

(۲) اعتقاد حلول نوعی ازشرك است.

(۳) یعنی درمرتبه الوهیت سه کس هستند یکی خداودیگری عیسیٰ وسوم روح القدس والله اعلم.

(٤) یعنی اهل اصراررازایشان.

لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿٨٠﴾

بدچیزیست که پیش فرستاده است برای ایشان نفوس ایشان آن چیزخشم گرفتن خداست برایشان وایشان درعذاب جاویدانند (٨٠) .

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٨١﴾

و اگرایمان آوردند به خدا و پیغامبر (یعنی پیغامبر خود) وآنچه فروفرستاده شده است بسوی وی البته دوست نه گرفتند مشرکان را ولیکن بسیاری ازایشان فاسقانند(٨١) .

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا ۖ وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٨٢﴾

هرآئینه بیابی سخت ترین مردمان درعداوت بامسلمانان یهود و مشرکان را وهرآئینه بیابی نزدیك ترین مردمان دردوستی مسلمانان کسانی را که گفتند مانصاریٰ ئیم این بسبب آن ست که ازجنس ایشان هستند دانشمندان و گوشه نشینان وبسبب آنست که ایشان تکبر نمیکنند (٨٢) .

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ ۖ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨٣﴾

وچون بشنوند آنچه فروفرستاده شده برپیغامبر به بینی چشم های ایشان را اشك میریزد به سبب آنچه شناختند ازحق می گویند ای پروردگار ما ایمان آوردیم پس بنویس مارا باشاهدان[1] (٨٣) .

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَن يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ ﴿٨٤﴾

وچیست ماراکه ایمان نیاریم بخداوآنچه آمده است بماازدین راست وچیست مارا که طمع نه کنیم که داخل کند مارا پروردگار[2] باقوم صالحان (٨٤) .

---

(١) یعنی جماعتی که اکمل امت باشند والله اعلم .

(٢) یعنی به بهشت .

آيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿۸۹﴾

روزه داشتن سه روزاینست کفارت سوگندِ های شماچون سو گند خورید (یعنی وحانث شوید) ونگاهدارید سوگند های خودرا[1] همچنین بیان می کند خدابرای شماآیتهای خودرا تابود که شماشکرکنید (۸۹) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْاَنْصَابُ وَالْاَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطٰنِ فَاجْتَنِبُوْهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿۹۰﴾

ای مسلمان جزاین نیست که خمروقمار ونشانهای معبودان باطل وتیرهای فال پلیداست ازکردار شیطان است پس احتراز کنید ازوی تابود که شما رستگارشوید (۹۰) .

اِنَّمَا يُرِيْدُ الشَّيْطٰنُ اَنْ يُّوْقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَعَنِ الصَّلٰوةِ فَهَلْ اَنْتُمْ مُّنْتَهُوْنَ ﴿۹۱﴾

جزاین نیست که می خواهد شیطان که بیندازددرمیان شما دشمنی وناخوشی بسبب خمر وقمار وبازدارد شمارا ازیاد خدا وازنماز پس آیاالحال شماباز ایستادگانید (۹۱) .

وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ وَاحْذَرُوْا فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوْٓا اَنَّمَا عَلٰى رَسُوْلِنَا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ﴿۹۲﴾

وفرمانبرداری کنید خدا را وفرمانبرداری کنید پیغامبررا وبترسید پس اگر روگردانیدید پس بدانید که برپیغامبر مانیست مگرپیغام رسانیدن آشکار (۹۲).

لَيْسَ عَلَى الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جُنَاحٌ فِيْمَا طَعِمُوْٓا اِذَا مَا اتَّقَوْا وَّاٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَّاٰمَنُوْا ثُمَّ اتَّقَوْا وَّاَحْسَنُوْا وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿۹۳﴾

نیست برکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند گناهی درآنچه خوردند[2] چون پرهیزگاری کردند وایمان آوردند وکارهای شائسته کردند بازپرهیزگاری کردند وایمان آوردند بازپرهیزگاری کردند ونیکوکاری نمودندو خدادوست

---

(۱) یعنی تامقدورحانث نه شوید والله اعلم .

(۲) یعنی قبل ازتحریم .

أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ ۚ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩٦﴾

حلال کرده شدبرای شماشکار دریا و خوردن آن تامنفعت باشدبرای شما وبرای قافله وحرام کرده شدبرشما شکاربیابان تاوقتیکه احرام بسته باشید وبترسیدازآن خداکه بسوی وی حشرکرده خواهیدشد (۹۶) .

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ۚ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٩٧﴾

گردانیدخدای تعالی کعبه را که خانه بزرگوارست سبب انتظام امورمردمان وماه حرام را وقربانی راوآنچه درگردنش قلاده اندازنداین بیان برای آنست که تابدانیدکه خدا میداند آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمین است و تابدانیدکه خدا بهمه چیزداناست (۹۷) .

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩٨﴾

بدانیدکه خدا سخت است عقوبتِ او و آنکه بدانید که خداآمرزنده مهربان است (۹۸) .

مَّا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٩٩﴾

نیست برپیغامبر مگر رسانیدن پیغام وخدامی داندآنچه آشکارا می کنید وآنچه پنهان می کنید(۹۹) .

قُل لَّا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ ۚ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠٠﴾

بگو(ای محمد)برابرنیست پلید وپاك وا گر چه درعجب آردترابسیاری پلید پس بترسید ازخدا ای خداوندان خردتارستگار شوید[1] (۱۰۰) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِن تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ

ای مسلمانان سوال مکنیدازآن چیزها که ا گر ظاهر کرده شودحقیقت آنهاپیش شماغمگین کندشمارا و ا گر سوال کنید

(۱) مترجم گوید یعنی مال حرام ومال حلال برابرنیست ا گرچه حرام بسیارجمع می شود والله اعلم .

اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾

شدچون شماراه یاب شدید بسوی خداست رجوع شماهمه یك جا پس خبردهد شمارا بآنچه عمل می کردید[1] (۱۰۵).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْآثِمِينَ ﴿١٠٦﴾

ای مسلمانان نصاب شهادت درمیان شماوقت وصیت چون برسد به یکی ازشماموت دوکس اندکه صاحب عدالت باشندازشما یادیگران ازغیرشما ا گرشما سفرکرده باشید درزمین پس رسدبه شمامصیبتِ موت ا گرشك داشته باشید بازدارید ایشان را بعد ازنماز(یعنی نمازعصر) پس قسم خورند بخدا که خرید نمی کنیم عوض سوگند خدابهای دنیا را و ا گرچه کسیکه برای نفع او گواهی میدهیم صاحب قرابت باشدوپنهان نمی کنیم گواهی خدا[2] هرآئینه ماآنگاه از گنهگاران باشیم (۱۰۶).

فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا

ا گر * اطلاع واقع شدبرآنکه این دو گواه

---

(۱) یعنی ا گرشماصلاح کردید و شرط امرمعروف بجاآوردید مخالفتِ مخالفان ضررنمی کند والله اعلم.

(۲) ایضًا مترجم گوید ا گر مسلمانی رااتفاق سفر افتاد ودرجائی که هیچ مسلمان نبود محتضر شد ناچاردوذمی را ترکه خود سپرد وبروصیت خود گواه ساخت، ایشان ازآن ترکه جام نقرهٔ ای را خیانت کردند وچون اولیای میت ازایشان مطالبه نمودند قسم خوردند که مابآن اطلاع نه داریم بعد ازآن آن جام نزدیك صواغی پیداشد گفت که این دوذمی بدست من فروختند درین باره آیت نازل شدودوکس ازاولیای میت قسم خورده آن جام را گرفتند.

(*) توضیح: پس ا گراطلاع حاصل شد که آنها مرتکب گناهی شده اند پس دو گواه ازاقارب نزدیك میت که نسبت به اقارب دیگر میت مستحق میراث اویند جانشین آن دو گواه شوند.

يَوْمَ يَجْمَعُ اللّٰهُ الرُّسُلَ فَيَقُوْلُ مَاذَآ اُجِبْتُمْ ۖ قَالُوْا لَا عِلْمَ لَنَا ۖ اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ﴿۱۰۹﴾

یادکن آن روز راکه جمع کندخدا پیغامبران را پس بگویدچه جواب داده شدشمارا گویند هیچ دانش نیست مارا هرآئینه توی داننده امر پنهانی[1] (۱۰۹) .

اِذْ قَالَ اللّٰهُ يٰعِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِيْ عَلَيْكَ وَعَلٰى وَالِدَتِكَ ۘ اِذْ اَيَّدْتُّكَ بِرُوْحِ الْقُدُسِ ۖ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا ۚ وَاِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِيْلَ ۚ وَاِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِاِذْنِيْ فَتَنْفُخُ فِيْهَا فَتَكُوْنُ طَيْرًا بِاِذْنِيْ وَتُبْرِئُ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ بِاِذْنِيْ ۚ وَاِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتٰى بِاِذْنِيْ ۚ وَاِذْ كَفَفْتُ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ عَنْكَ اِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ اِنْ هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿۱۱۰﴾

آن وقت که گوید خدای‌تعالی ای عیسیٰ پسر مریم یادکن نعمت مرا برخویش و بروالدهٔ خویش چون قوت دادم ترا بروح القدس (یعنی به جبریل علیه السلام) سخن می گفتی بامردمان در گهواره ودرحالت معمری وچون آموختم ترا کتاب و دانش وتورات وانجیل وچون پیدا می کردی ازگِل مانند شکل مرغ به حکم من پس دم می زدی دروی پس می شد مرغی به حکم من وبِه میکردی کورمادرزاد را وبرص دارا را به حکم من وچون بیرون می آوردی مردگان را بحکم من[2] وچون بازداشتم شربنی اسرائیل را ازتو آنگاه که آوردی نزدیك ایشان معجزه هاپس گفتند کافران ازایشان نیست این مگرسحر آشکارا (۱۱۰) .

وَاِذْ اَوْحَيْتُ اِلَى الْحَوَارِيّٖنَ اَنْ اٰمِنُوْا بِيْ وَبِرَسُوْلِيْ ۖ قَالُوْٓا اٰمَنَّا وَاشْهَدْ بِاَنَّنَا مُسْلِمُوْنَ ﴿۱۱۱﴾

وچون الهام فرستادم بسوی حواریان که ایمان آریدبه من و به پیغامبر من گفتند ایمان آوردیم و گواه باش یا عیسیٰ برآنکه

= والله اعلم .

(۱) یعنی نخست ازسر خضوع ونیایش ایشان گویند دربرابرتوبه نسبت دانش ماراهیچ دانش نیست بعد ازآن گواهی دهند براست خویش والله اعلم .

(۲) یعنی از گور زنده برمی آوردی والله اعلم .

مَا لَيْسَ لِيْ بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِيْ نَفْسِيْ وَلَآ أَعْلَمُ مَا فِيْ نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ﴿۱۱۶﴾

گفت به پاکی یادمی کنم ترانه سزد مرا که بگویم آنچه لائق من نیست ا گر گفته باشم این قول پس تو آن را دانسته ای می دانی آنچه درضمیر من است ونه می دانم آنچه درضمیر تست هرآئینه تودانندهٔ امور پنهانی (۱۱۶) .

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَآ أَمَرْتَنِيْ بِهٖٓ أَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ رَبِّيْ وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيْدًا مَّا دُمْتُ فِيْهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِيْ كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيْبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ﴿۱۱۷﴾

نه گفته ام بایشان مگر آنچه فرموده بودی مرابآن که پرستید خدارا پروردگار من وپروردگار شماوبودم برایشان نگاهبان مادامی که درمیان ایشان بودم پس وقتیکه بر گرفتی مرا[1] توبودی نگاه بان برایشان وتو برهمه چیز نگاه بانی (۱۱۷) .

إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿۱۱۸﴾

ا گر عذاب کنی ایشان را پس ایشان بندگان تواند و ا گر بیامرزی ایشانرا پس توی غالب استوارکار (۱۱۸) .

قَالَ اللّٰهُ هٰذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصّٰدِقِيْنَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنّٰتٌ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ أَبَدًا رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوْا عَنْهُ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿۱۱۹﴾

گویدخدا امروز روزی است که نفع کند راست گویان را راستیٔ ایشان ایشان رابا شد بوستانهامیرود زیرآن جویها جاویدان آنجا همیشه خوشنود شد خدا ازایشان وخوشنودشدند ایشان ازخدا این ست رستگاری بزرگ (۱۱۹) .

لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيْهِنَّ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۱۲۰﴾

خدا راست پادشاهی آسمان هاو زمین وآنچه درآن هاست واوبرهمه چیز تواناست (۱۲۰) .

= ازآن سوال کند که خود را اله می گفتی یا نه بجهت تاکید و برای قطع شبهه نصاریٰ بابلغ وجوه والله اعلم فتح الرحمن .

(۱) یعنی برآسمان بردی مرا .

مَا لَمْ نُمَكِّن لَّكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِم مِّدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ٦

پیش ازایشان ازاُمتهاکه استقرار داده بودیم ایشان را درزمین آنقدر که استقرارنداده ایم شماراوفرستاده بودیم باران برایشان پی درپی ریزنده وپیداکردیم جویها میرفت زیرایشان[1] پس هلاك کردیم ایشان را به گناهان ایشان وپیداکردیم بعدازایشان امتی دیگر یعنی مردمان دیگر (٦) .

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ٧

واگر فروفرستادیم برتونوشته درورقی پس مساس میکردند آن رابدست خودگفتندی کافران نیست این مگر سحر ظاهر[2] (٧).

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ ۖ وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَكًا لَّقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ ٨

و گفتند کافران چرا فرودنه آورده شدبرپیغامبر فرشته ای[3] و اگر فروفرستادیم فرشته را البته بانجام رسانیده شدی کارباز مهلت داده نه شوند[4] (٨) .

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبِسُونَ ٩

وا گر میکردیم آن فرستاده را فرشته ای لازم می شدکه کنیمش مردی (یعنی به شکل مردی) وهرآئینه مشتبه میکردیم برایشان آنچه الحال اشتباه میکنند(٩) .

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ

وهرآئینه تمسخرکرده شدبه پیغامبران پیش ازتو پس فرود آمد به تمسخر کنندگان

---

(١) یعنی زیر مساکن ایشان .

(٢) یعنی تعصب ایشان بمرتبه ای است که ا گر نزول کتاب را بحس ظاهر به بینند نیزانکار کنند .

(٣) یعنی بوجهی که ماآنرابحس ظاهر به بینیم والله اعلم .

(٤) یعنی ظهور ملائکه باین وجه مستلزم هلاك ایشان است درحکمت الهی والله اعلم.

يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾

رساند به تو پس اوبرهمه چیز تواناست (۱۷) .

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١٨﴾

واوست غالب بالای بندگان خود واوست دانا آ گاه (۱۸) .

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً ۖ قُلِ اللَّهُ ۖ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۚ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُم بِهِ وَمَن بَلَغَ ۚ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَىٰ ۚ قُل لَّا أَشْهَدُ ۚ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾

بگوچه چیزبرتراست درباب شهادت[1] بگوخداست وی اظهار حق کننده است میانِ من ومیانِ شماووحی کرده شد بسوی من این قرآن تابیم کنم شمارا بآن وبیم کنم آن را نیز که قرآن باوبرسد آیاشمااثبات می کنید که باخدا هستند معبودان دیگر بگو من اثبات نمی کنم بگوجزاین نیست که او معبود یگانه است وهرآئینه من بیزارم ازآنچه شما شریك مقررمیکنید (۱۹) .

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ ۘ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾

آنانکه ایشان را کتاب داده ایم می شناسند حقیقت این قول را[2] چنانکه می شناسند پسران خودرا آنانکه زیان کارشدند درحق خویشتن پس ایشان ایمان نمی آرند (۲۰) .

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢١﴾

وکیست ستمگارتر ازکسی که بربست برخدا دروغ را یا بدروغ نسبت کرد آیاتِ اورا هرآئینه رستگار نمی شوند

---

(۱) یعنی اظهار حق کردن والله اعلم .

(۲) یعنی کلمه توحید، همینطور تفسیر کرده است مترجم وبرای توضیح گوئیم که بسیاری ازمفسرین مراداز (یعرفونه کما یعرفون ابنائهم) که می شناسند اورا یعنی رسول خدارا که درکتابهای آنان وصف ونعت او موجوداست همین معنی را گرفته اند والله اعلم .

وهرآئینه ایشان دروغگویانند (٢٨) .

وَقَالُوْٓا اِنْ هِيَ اِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوْثِيْنَ ﴿٢٩﴾

و گفتند نیست هیچ حیات مگر زندگانی این جهانی ماونیستیم مابرانگیختگان[1] (٢٩) .

وَلَوْ تَرٰٓى اِذْ وُقِفُوْا عَلٰى رَبِّهِمْ ۭ قَالَ اَلَيْسَ هٰذَا بِالْحَقِّ ۭ قَالُوْا بَلٰى وَرَبِّنَا ۭ قَالَ فَذُوْقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ ﴿٣٠﴾

وتعجب کنی اگر به بینی آنگاه که بازداشته شوند بحضور پروردگار خویش گویدخدا آیااین درست نیست گویند آری درست است وقسم پروردگار ما گوید بچشیدعذاب رابسبب آنکه کافربودید (٣٠) .

قَدْ خَسِرَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِلِقَاۗءِ اللّٰهِ ۭ حَتّٰٓى اِذَا جَاۗءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوْا يٰحَسْرَتَنَا عَلٰي مَا فَرَّطْنَا فِيْهَا ۙ وَهُمْ يَحْمِلُوْنَ اَوْزَارَهُمْ عَلٰي ظُهُوْرِهِمْ ۭ اَلَا سَاۗءَ مَا يَزِرُوْنَ ﴿٣١﴾

به تحقیق زیان کارشدند آنانکه بدروغ نسبت کردندملاقات خداراتاآنگاه که بیایدبایشان قیامت ناگهان گویند ای پشیمانی ما برتقصیر ما درباب قیامت وایشان بردارندبارهای خویش را[2] برپشتهای خویش آگاه شوید بدچیزیست آنچه برمیدارند[3] (٣١) .

وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَآ اِلَّا لَعِبٌ وَّلَهْوٌ ۭ وَلَلدَّارُ الْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ يَتَّقُوْنَ ۭ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿٣٢﴾

ونیست زندگانی دنیا مگربازی ولهو وهرآئینه سرای آخرت بهتر است متقیان را آیادرنمی یابید (٣٢) .

قَدْ نَعْلَمُ اِنَّهٗ لَيَحْزُنُكَ الَّذِيْ يَقُوْلُوْنَ فَاِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُوْنَكَ وَلٰكِنَّ الظّٰلِمِيْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ يَجْحَدُوْنَ ﴿٣٣﴾

هرآئینه میدانیم که اندوهگین میکندترا آنچه ایشان می گویندپس هرآئینه ایشان به دروغ نسبت نمی کنند ترافقط ولیکن این ستمگاران آیاتِ خدارا

---

(١) یعنی منکر حشراند والله اعلم .

(٢) یعنی گناهان خویش را .

(٣) یعنی عمل بدبشکل خیری نهایت زشتی وناخوشی شده برپشت اوبنهند .

أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿٣٨﴾

پرنده که می پرد بدو پَر خود مگر ایشان جماعت هااند مانندشما فرو گذاشت نکرده ایم درکتاب (یعنی لوح محفوظ) هیچ چیزی رابازبسوی پروردگار خود حشر کرده خواهند شد (۳۸) .

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَإِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ وَمَنْ يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٣٩﴾

وکسانیکه بدروغ نسبت کردند آیاتِ مارا کرانند و گنگانند درتاریکی ها هرکراخواهد خدا گمراه کندش وهرکرا خواهد براه راست گرداندش (۳۹) .

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٠﴾

بگوآیادیدید ا گر بیاید بشما عذاب خدا یابیاید به شما قیامت آیا بغیر خدا تضرع می کنید ا گر راست گوهستید (٤٠) .

بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ﴿٤١﴾

نه بلکه خاص بجناب اودعامی کنید پس دفع می کندآنچه دعامی کنید برای دفع آن ا گر خواهد و فراموش می کنید آن چیزرا که اوراشریك مقررکردید (٤١) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ﴿٤٢﴾

وهرآئینه فرستادیم بسوی امتان پیش ازتو[1] پس در گرفت کردیم ایشان را به تنگی معیشت و بیماری تازاری کنند (٤٢) .

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾

پس چرا زاری نکردند و قتیکه آمدبایشان عذابِ ما ولیکن سخت شددلهای ایشان وزینت داد درنظرایشان شیطان آنچه می کردند (٤٣) .

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ

پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدایشان را بآن کشاده ساختیم برایشان

---

(١) یعنی پیغامبران .

وَلَآ أَقُولُ لَكُمْ إِنِّى مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَىَّ ۚ قُلْ هَلْ يَسْتَوِى ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ ۚ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٠﴾

غیب راونه می گویم بشما که من فرشته ام پیروی نمی کنم مگر چیزی راکه وحی کرده شد بسوی من بگوآیابرابرمیشود نابینا وبینا آیاتأمل نمی کنید (۵۰) .

وَأَنذِرْ بِهِ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوٓا۟ إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِىٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٥١﴾

و بترسان بقرآن یعنی پند ده بقرآن کسانی را که می ترسندازآنکه حشرکرده شوند بسوی پروردگار خویش نباشد ایشانرا بجز خدا هیچ دوستی ونه سفارش کننده تاپرهیزگاری کنند (۵۱) .

وَلَا تَطْرُدِ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِٱلْغَدَوٰةِ وَٱلْعَشِىِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُۥ ۖ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَىْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَىْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥٢﴾

(۱) ودورمکن کسانی را که مناجات می کنند به پروردگار خویش بامداد وشام می طلبند رضای اورا نیست برتو ازحساب ایشان چیزی ونیست ازحساب تو برایشان چیزی تابرانی ایشان را که آنگاه باشی ازستمگاران (۵۲) .

وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوٓا۟ أَهَٰٓؤُلَآءِ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَيْهِم مِّنۢ بَيْنِنَآ ۗ أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِأَعْلَمَ بِٱلشَّٰكِرِينَ ﴿٥٣﴾

وهمچنین امتحان کردیم بعض مردمان را به بعض تا گویند آیااین جماعت انعام کرده است خدا بریشان ازمیان ما خدای‌تعالی فرمودآیا نیست خدا داناتر بشکر کنندگان (۵۳) .

وَإِذَا جَآءَكَ ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِـَٔايَٰتِنَا فَقُلْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ ٱلرَّحْمَةَ ۖ أَنَّهُۥ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوٓءًۢا بِجَهَٰلَةٍ

وچون بیایند پیش توکسانیکه ایمان آورده اند بآیتهای ما پس بگو سلام علیکم لازم کرده است پروردگار شمابرخود مهربانی را (لازم کرده است) که هرکه بکند ازشماکار بد به نادانی

---

(۱) رؤسای کفار بآن حضرت گفتند که مارا عارست که با فقرای مسلمین صحبت داریم ایشانرا ازمجلس خود یکسوکن تاباتوبنشینیم خدای تعالی آیت فرستاد .

الاثبت است درکتاب روشن (٥٩) .

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفّٰكُمْ بِالَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضٰٓى أَجَلٌ مُّسَمًّى ۚ ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾

واوست آنکه قبض روح شمامی کندبه شب[1] ومی داند آنچه کسب کردید بروزبازبرمی انگیزدشمارا در روزتابانجام رسانیده شود میعاد معین بازبسوی اوباز گشت شمااست بازخبر دهدشمارا بآنچه می کردید (٦٠) .

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتّٰٓى إِذَا جَآءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ﴿٦١﴾

واوست غالب بالای بندگان خود و می فرستد برشما ملائکه نگاهبان تاوقتیکه بیاید به کسی ازشمامرگ قبض روح اوکنند فرستادگان ماوایشان تقصیرنمی کنند (٦١) .

ثُمَّ رُدُّوٓا إِلَى اللّٰهِ مَوْلٰهُمُ الْحَقِّ ۚ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحٰسِبِينَ ﴿٦٢﴾

باز گردانیده شوند مُردگان بسوی الله خداوندایشان که حق است مر او راست حکم و اوشتاب ترین حساب کنندگان ست (٦٢) .

قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِّنْ ظُلُمٰتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنْجٰنَا مِنْ هٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشّٰكِرِينَ ﴿٦٣﴾

بگوکیست که می رهاند شمارااز تاریکی های بیابان ودریا[2] مناجات می کنید بجناب اوبزاری ونیازپنهانی می گوئید ا گر رهای دهدمارا ازین محنت هر آئینه باشیم ازشکر کنندگان (٦٣) .

قُلِ اللّٰهُ يُنَجِّيكُمْ مِّنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٦٤﴾

بگوخدامی رهاند شمارا ازآن محنت وازهر اندوهی بازشما شریك مقررمی کنید (٦٤) .

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلٰٓى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ

بگواوست توانابرآنکه فرستدبرشما عذابی

---

(١) یعنی وقت نوم .

(٢) یعنی ازمصیبت های بیابان ودریا .

لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾

کرده است نیست اورابجز خدا هیچ دوست ونه شفاعت کننده و ا گر عوض خود دهد هرفدای که تواند گرفته نه شود از وی آن جماعت آنانند که بمهلکه گذاشته شدند به وبال آنچه کردند ایشان راست آشامیدنی ازآب جوشانیده وایشان راست عذاب درد دهنده بسبب آنکه کافربودند (۷۰) .

قُلْ أَنَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا ۗ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ۖ وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾

بگوآیامناجات کنیم بجز خداکسی را که نفع نه دهدمارا و زیان نه رساند مارا وباز گردانیده شویم برپاشنهای خود بعدازآنکه راه راست نموده است مارا خدامانند کسی که گمراه کرده باشند اوراپریان درزمین حیران مانده مر اورایارانند که می خوانندش بسوی راه راست که بیابسوی مابگوهرآئینه هدایت خداهمان است هدایت حقیقی وفرموده شده است ماراکه منقاد شویم پروردگار عالمهارا (۷۱) .

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ ۚ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٢﴾

وفرموده شدکه برپادارید نمازرا وبترسید ازخداواوست آنکه بسوی اوحشر کرده خواهید شد (۷۲) .

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۖ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ ۚ قَوْلُهُ الْحَقُّ ۚ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ۚ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿٧٣﴾

واوست آنکه بیافرید آسمانها و زمین بتدبیر محکم وروزیکه بفرماید[1] که بشو پس می شود سخن اودرست است و مراوراست پادشاهی روزیکه دمیده شوددرصور

(۱) یعنی چیزی را .

وَحَآجَّهُۥ قَوْمُهُۥ ۚ قَالَ أَتُحَآجُّوٓنِّى فِى ٱللَّهِ وَقَدْ هَدَىٰنِ ۚ وَلَآ أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَشَآءَ رَبِّى شَيْـًٔا ۗ وَسِعَ رَبِّى كُلَّ شَىْءٍ عِلْمًا ۗ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٨٠﴾

وجدال کردند بااوقوم او گفت آیاجدال می کنید بامن درباره خدا وتحقیق هدایت کرده است مراونمی ترسم ازآنچه شما شریك مقررمی کنید باخدا ولیکن می ترسم ازآنکه خداارادہ کند چیزی[1] واحاطه کرده است پروردگار من بهمه چیزازجهت دانش آیاپندنمی گیرید (۸۰).

وَكَيْفَ أَخَافُ مَآ أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِٱللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِۦ عَلَيْكُمْ سُلْطَٰنًا ۚ فَأَىُّ ٱلْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِٱلْأَمْنِ ۖ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨١﴾

وچگونه ترسم ازکسی که اوراشریك مقررمی کنید وشمانمی ترسید ازآنکه شریكِ خدا مقررکردید چیزی را که فرونه فرستاده است برشمادلیلی برای آن پس کدام یك ازین دو گروه سزاوار تراست بامن بگوئید ا گر می دانید (۸۱).

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَلَمْ يَلْبِسُوٓا۟ إِيمَٰنَهُم بِظُلْمٍ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلْأَمْنُ وَهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٨٢﴾

خدای تعالی فرمودکسانیکه ایمان آوردند ونیا میختند ایمان خودرا به شرك آن جماعت ایشان راست ایمنی وایشانند راه یافتگان (۸۲).

وَتِلْكَ حُجَّتُنَآ ءَاتَيْنَٰهَآ إِبْرَٰهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِۦ ۚ نَرْفَعُ دَرَجَٰتٍ مَّن نَّشَآءُ ۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٨٣﴾

واین است حجت مادادیمش ابراهیم را برقوم او وبلند می کنیم درمراتب هرکرا مـی خـواهیـم هـرآئینـه پـروردگـار تواستوارکار داناست (۸۳).

وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ ۚ كُلًّا هَدَيْنَا ۚ وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ ۖ وَمِن ذُرِّيَّتِهِۦ دَاوُۥدَ وَسُلَيْمَٰنَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٨٤﴾

وعطاکردیم ابراهیم را اسحاق و یعقوب هریکی را ازایشان هدایت کردیم ونوح را هدایت کردیم پیش ازین وازاولاد ابراهیم راه نمـودیـم داؤد و سلیمـان وایـوب

---

(۱) یعنی ازانواع محنت .

وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖٓ إِذْ قَالُوْا مَآ أَنْزَلَ اللّٰهُ عَلٰى بَشَرٍ مِّنْ شَيْءٍ ۗ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتٰبَ الَّذِيْ جَآءَ بِهٖ مُوْسٰى نُوْرًا وَّ هُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُوْنَهٗ قَرَاطِيْسَ تُبْدُوْنَهَا وَتُخْفُوْنَ كَثِيْرًا ۚ وَعُلِّمْتُمْ مَّا لَمْ تَعْلَمُوْٓا أَنْتُمْ وَلَآ اٰبَآؤُكُمْ ۖ قُلِ اللّٰهُ ۙ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِيْ خَوْضِهِمْ يَلْعَبُوْنَ ﴿٩١﴾

وصفت نکردند یهودخداراحق صفت او چون گفتند فرو نه فرستاده است خدا برهیچ آدمی چیزی بگوکه فروفرستاد کتابی که آورده است اورا موسیٰ روشنی و هدایت مردمان رامی گردانید اورا دوقسم ورقهاآشکارا می کنید آن را وپنهان می کنید بسیاری راواموخته شدید (یعنی درقرآن) آنچه نمی دانستید شما ونه پدران شمامی دانستند[1] بگوخدا فرودآوردباز بگذار ایشان را دربحث ایشان درحالتیکه بازی میکنند[2] (۹۱) .

وَهٰذَا كِتٰبٌ أَنْزَلْنٰهُ مُبٰرَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِيْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرٰى وَمَنْ حَوْلَهَا ۗ وَالَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ يُؤْمِنُوْنَ بِهٖ وَهُمْ عَلٰى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُوْنَ ﴿٩٢﴾

واین قرآن کتابیست که فرستادیم او را برکت باور دارنده آنچه پیش ازوی بود وتابیم کنی اهل مکه را وکسانی را که گردمکه ساکن اند ومعتقدان آخرت البته ایمان می آرند بقرآن وایشان برنمازخود محافظت می کنند[3] (۹۲) .

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوْحِيَ إِلَيَّ

وکیست ستمگار تراز کسی که بربست برخدا دروغی[4] یا گفت وحی فرستاده

---

(۱) یعنی کتمانِ آیات تورات راقرآن اظهار کرد و الّاسابق بیقین نمی دانستند .

(۲) حاصل آنست که ا گر یهود گویند که خدای تعالی بهیچ بشر وحی نمیفرستد نقض کرده میشود بتورات و ا گر گویند میفرستد استبعاد فرستادن قرآن مجرد تعصب است پس اِذقالوابجای اِن قالو ا گفته شد .

(۳) مترجم گوید انذاراولاً عرب را کرده شدکه زبان عربی می فهمند ثانیًا جمیع اهل ارض را بواسطه ترجمه پس این جا انذارِ اول مراد است مانند آیت "هوالذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته الآ یة" ودرآیت "ومارسلناك الارحمة للعلمین" از اولیٰ وثانوی والله اعلم .

(٤) یعنی اعتقاد کردمثلاً که بحائر وسوائب از امرالهی است واتفاق سلف دلیل =

ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٩٦﴾

آرامگاه و گردانید خورشید وماه رامعیار حساب این ست تقدیر خدا غالب دانا (٩٦) .

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٩٧﴾

واوست آنکه بیافرید برای شما ستاره ها تا راه بیابید به سبب آنها درتاریکی های بیابان ودریا هرآئینه به تفصیل بیان کردیم نشانه هارا برای‌گروهی که می دانند (٩٧) .

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿٩٨﴾

واوست آنکه پیدا کردشمارا ازیك شخص پس شماراقرار گاهی است وودیعت جائی هرآئینه به تفصیل بیان کردیم نشانه هارا برای گروهی که می فهمند (٩٨).

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انْظُرُوا إِلَىٰ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾

واوست آنکه فرودآورد ازآسمان آبی پس بیرون آوردیم بسبب آن آب گیاه هرچیزراسپس بیرون آوردیم ازآن گیاه سبزه راکه بیرون می آریم ازآن سبزه دانها یکی بردیگری پیوسته وازشکوفه های درخت خرما خوشه های آویزان نزدیك بهم ودردسترس است وبیرون آوردیم بوستانهاازدرختان انگور وبیرون آوردیم زیتون وانار مانند یکدیگر وغیرمانند یکدیگر[1] بنگرید بسوی میوهٔ درخت چون میوه آردوبسوی پختگی اوهرآئینه دراین نشانه هاست گروهی راکه ایمان دارند (٩٩) .

---

(١) یعنی درصورت درخت وثمرمانند یکدیگر است و درطعم مخالف یك پاره شیرین ویکپاره ترش یاتلخ والله اعلم .

إِتَّبِعْ مَآ أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٦﴾

(یامحمد) پیروی کن چیزی را که وحی کرده شد بسوی توازجانب پروردگار توهیچ معبود برحق نیست مگراو واعراض کن از مشرکان (۱۰۶).

وَلَوْ شَآءَ اللَّهُ مَآ أَشْرَكُوا۟ ۗ وَمَا جَعَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ ﴿١٠٧﴾

و اگر خواستی خدا شریك مقرر نمی کردند ونگردانیدیم ترا برایشان نگاهبان ونیستی تو برایشان متعهد (۱۰۷) .

وَلَا تَسُبُّوا۟ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَسُبُّوا۟ ٱللَّهَ عَدْوًۢا بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٠٨﴾

وای مسلمانان دشنام مدهید کسانی را که مشرکان می پرستند بجز خدا زیراکه ایشان دشنام خواهند داد خدا را ازروی ظلم بغیر دانش همچنین آراسته کردیم درنظر هرگروهی کردار آنگروه باز بسوی پروردگار ایشان باشد رجوع ایشان پس خبردهد ایشان را بعاقبت حال آنچه می کردند (۱۰۸) .

وَأَقْسَمُوا۟ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ لَئِن جَآءَتْهُمْ ءَايَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا ۚ قُلْ إِنَّمَا ٱلْـَٔايَٰتُ عِندَ ٱللَّهِ ۚ وَمَا يُشْعِرُكُمْ ۖ أَنَّهَآ إِذَا جَآءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٩﴾

وسوگند خوردند کافران به سخت ترین سوگندان خویش که اگر بیاید بدیشان معجزه البته ایمان آرند بآن بگوجزاین نیست که معجزه ها نزدیك خداست وچه مطلع ساخته است شمارا ای مسلمانان آیا نمیدانید که آن معجزها چون بیایدایشان ایمان نیارند (۱۰۹) .

وَنُقَلِّبُ أَفْـِٔدَتَهُمْ وَأَبْصَٰرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا۟ بِهِۦٓ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِى طُغْيَٰنِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١٠﴾

وصرف کنیم دلهای ایشان را وچشمهای ایشان را چنانکه ایمان نیاوردند بقرآن اول بار وبگذاریم ایشان را درگمراهی خود سرگردانگشته (۱۱۰) .

= قسم بیان ازخواندن کتب سابقه نمی آید بدون وحی الهی والله اعلم .

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦ ۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿١١٥﴾

وتمام است سخن پرور دگار تودرراستی وانصاف هیچکس تغیر کننده نیست سخن های اورا واوست شنوادانا (۱۱۵).

وَإِن تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِى ٱلْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿١١٦﴾

و ا گر فرمانبرداری کنی بساکسانی را که در زمین انـد گمـراه کننـد تـرا ازراه خـداپیروی نمـی کننـد مگـر گمـان را ونیستند مگردروغگو[1] (۱۱٦) .

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِۦ ۖ وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ ﴿١١٧﴾

هرآئینه پروردگار داناتراست بکسی که دورمی شود ازراه وی واوداناتراست براه یافتگان (۱۱۷) .

فَكُلُوا۟ مِمَّا ذُكِرَ ٱسْمُ ٱللَّهِ عَلَيْهِ إِن كُنتُم بِـَٔايَٰتِهِۦ مُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾

پس بخورید ازآنچه ذکرکرده شدنام خدا بروی (یعنی هنگام ذبح وی) ا گر مومن هستید بآیاتِ خدا (۱۱۸) .

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا۟ مِمَّا ذُكِرَ ٱسْمُ ٱللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُم مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا ٱضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَآئِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُعْتَدِينَ ﴿١١٩﴾

وچیست شمارا که نمی خوریدازآنچه ذکرکرده شده است نام خدابروی وحال آنکه به تفصیل بیان کرده است برای شماآنچه برشماحرام ساخته است الّاآنچه مضطـربـاشیـد بسـوی او[2] وهـرآئینـه بسیاری گمراه می کنند بخواهش نفس

= قرآن را ودرسورتهای مدنیه مذکور است که یهود تکذیب میکنندآنراووجه تطبیق آن ست که چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم درمکه بود هنوز دعوت یهودنکرده بودهمه بصدق قرآن معترف بودند که حکم آن برعرب لازم است وهیچکس ازایشان انکارنکرده وچون هجرت فرمود ایشانرا دعوت کرد بعناد درآمدند درسیرت ابن اسحاق چند قصه باین مضمون مذکوراست والله اعلم.

(۱) یعنی آنچه کافران درباب تحریم وتحلیل اشیا شبهات میکردند باطل است والله اعلم.

(۲) مترجم گوید یعنی میته حرام است الاوقت ضرورت تناول آن رخصت است والله اعلم .

مَآ أُوْتِىَ رُسُلُ اللَّهِ ۘ اَللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُۥ ۗ سَيُصِيبُ ٱلَّذِينَ أَجْرَمُوا۟ صَغَارٌ عِندَ ٱللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌۢ بِمَا كَانُوا۟ يَمْكُرُونَ ﴿١٢٤﴾

ایمان نیاریم تاوقتیکه داده شودمارا مانندآنچه داده شده است پیغامبران خدارا[1] خدادانا تراست بمحل نهادن پیغامبری خود خواهد رسید این گناهگاران را رسوائی نزدیك خدا وعذابی سخت بسبب آنکه بدمی اندیشیدند(۱۲٤) .

فَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يَهْدِيَهُۥ يَشْرَحْ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَٰمِ ۖ وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُۥ يَجْعَلْ صَدْرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِى ٱلسَّمَآءِ ۚ كَذَٰلِكَ يَجْعَلُ ٱللَّهُ ٱلرِّجْسَ عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢٥﴾

پس هرکه خداخواهد که هدایت کندش کشاده کندسینه اورابرای اسلام[2] وهرکراخواهد که گمراه کندش تنگ کندسینه اورا درنهایت تنگی گویا بالامیرود درآسمان همچنین می اندازد خدا ناپاکی را بر کسانیکه ایمان نمی آرند[3] (۱۲۵) .

وَهَٰذَا صِرَٰطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا ۗ قَدْ فَصَّلْنَا ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٢٦﴾

واین اسلام راه پروردگار تست راست آمده هرآئینه تفصیل کردیم نشانه هارا برای گروهی که پندپذیر میشوند (۱۲٦).

لَهُمْ دَارُ ٱلسَّلَٰمِ عِندَ رَبِّهِمْ ۖ وَهُوَ وَلِيُّهُم بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٢٧﴾

ایشان راست سرای سلامتی یعنی بهشت نزدیك پروردگار ایشان واو کارسازِ ایشانست بسبب آنچه میکردند (۱۲۷).

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ۚ يَٰمَعْشَرَ ٱلْجِنِّ قَدِ ٱسْتَكْثَرْتُم مِّنَ ٱلْإِنسِ ۖ وَقَالَ أَوْلِيَآؤُهُم مِّنَ ٱلْإِنسِ رَبَّنَا ٱسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَآ أَجَلَنَا ٱلَّذِىٓ أَجَّلْتَ لَنَا ۚ قَالَ

وروزی که حشر کندخدا ایشانرا همه یك جا گویدای گروه جن[4] تابع خودبسیار گرفتید ازمردمان ومیگویند دوستان ایشان ازآدمیان[5] ای پروردگار مابهره مند

(۱) یعنی برهرکسی ازماجبرئیل فرودآیدووحی نازل بشود والله اعلم .
(۲) یعنی بفهماندش حقیقت اسلام ومحاسن آن والله اعلم .
(۳) یعنی هرچند می خواهند حقیقت اسلام ومحاسن آن بفهمند نمی توانند والله اعلم.
(٤) یعنی ای شیاطین .
(٥) یعنی تابعان ایشان راازکفار .

وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٢﴾

کردند ونیست پروردگار توبی خبر ازآنچه به عمل می آرند (۱۳۲) .

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ ۚ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخَرِينَ ﴿١٣٣﴾

وپروردگار توغنی خداوندرحمت است ا گر خواهد دورکند شمارا وجانشین سازدپس ازشما هرکه را خواهد چنانکه پیداکردشمارا ازنسل قومی دیگر (۱۳۳) .

إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ ۖ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿١٣٤﴾

هرآئینه آنچه وعده کرده میشود شمارااابته آمدنی است ونیستید شماعاجز کنندگان (۱۳٤).

قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ ۖ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿١٣٥﴾

بگوای قوم من عمل کنیدشمابرحالت خویش هرآئینه من نیزعمل کننده ام زودباشد که بدانید کسی را که باشداورا عاقبت پسندیده درآخرت هرآئینه رستگارنشوندظالمان (۱۳۵) .

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا

(۱) ومقررکردندبرای خدا ازآنچه او

---

(۱) مترجم گوید اهل جاهلیت احکامی چند اختراع کرده بودند ازآن جمله آنست که اززراعت ومواشی پاره ای برای خدامقررمی کردندپاره ای برای بتان و حصه خدابرمساکین وضعیفان صرف میکردند وحصه بتان بآستانه بتان میرسانیدندپس ا گر چیزی ازحصه خدادر حصه بتان مخلوط میشدترك می کردند که خدا حاجت نه دارد وا گر از حصه بتان درحصه خدا مخلوط می شد آن راجدا میکردند که بتان محتاج اندوآنجمله آنست که قتل دختران تجویز میکردند وپیشوایان ایشان بدین معنی فتوی داده بودند وازآنجمله آنست که بعض زراعت ومواشی را حجر میساختند که غیر سدنه بتان کسی دیگر نخوردوآنچه برای بتان ذبح میکردند نام خدا برآن نمی گرفتند ازآنجمله آنست که چون بحائر وسوائب بچه میدادندا گرزنده بودی مردان را حلال میدانستندنه زنان را وا گر مرده بودی همه را حلال میدانستند خدای تعالی رد این مذاهب باطله فرمودوآنچه حکم حق است بیان فرمودو محرماتی که همه اهل باطل برآن متفق اندذکر کرد والله اعلم .

شُرَكَآؤُهُمْ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٣٩﴾

همه درآن شريك اند جزاخواهد داد به مقابله اين بيان ايشان هرآئينه اواستوارکار داناست (۱۳۹) .

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوٓا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَآءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٤٠﴾

هرآئينه زيان كارشدند آنانكه كشتندفرزندان خودرا ازجهت بيخردی بغير دانش وحرام كردند آنچه روزی دادايشان را خدابه سبب دروغ بستن برخدا به تحقيق‌گمراه شدند ايشان ونبودند راه يافتگان (۱۴۰) .

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِن ثَمَرِهِ إِذَآ أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٤١﴾

وخداآنست كه پيدا كردبوستانهای برداشته شده برپايها[1] وبوستانهای غيربرداشته شده برپايها[2] وپيدا كرددرختان خرماراوزراعت را گونا گون ميوه های هريكی وزيتون وانارراماننـد يكديگر وغيرماننـد يكديگر[3] بخوريد ازميوه های آن چون ميوه بيرون آورد و بدهيد زكوٰة اورا روز درويدن وی واسراف مكنيد هرآئينه خدادوست ندارد اسراف كنندگان را (۱۴۱) .

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٤٢﴾

وپيداكردازچهارپايان بار بردارنده را وجانوری راكه برزمين غلطانندبجهت ذبح بخوريد ازآنچه روزی داده است خداشماراوپيروی مكنيد گامهای شيطان

---

(۱) يعنی درختان انگور ومانند آن والله اعلم .

(۲) يعنی درختان برساق ايستاده والله اعلم .

(۳) يعنی افراد هر نوعی باعتبار صورت مانند يك ديگراند و به اعتبار مزه نه والله اعلم .

مهربان است[1] (١٤٥) .

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٍ ۖ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ۚ ذَٰلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ ۖ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿١٤٦﴾

وبریهودحرام ساختیم هرجانورناخن دار[2] واز گاؤ و گوسفند حرام ساختیم برایشان پیه این دوقسم مگرپیهی که برداشته است پشت این دوقسم یابرداشته است آنرا رودهایاآنچه متعلق شدباستخوان این طور جزادادیم ایشان را بمقابله ستم ایشان وهرآئینه ماراست گوئیم (١٤٦) .

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ ۖ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٤٧﴾

پس ا گر به دروغ نسبت کنند ترابگوکه پروردگارشماخداوندمهربانی بسیاراست وردکرده نمی شود عقوبتِ اوازقومِ ستمگاران (١٤٧) .

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ شَيْءٍ ۚ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا ۗ قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا ۖ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ﴿١٤٨﴾

زودباشد که بگویند مشرکان ا گر خواستی خدا یعنی رضای اوبودی شریك مقررنمی کردیم ونه پدران مامی کردند ونه حرام میکردیم چیزی را همچنین بدروغ نسبت کردندکسانیکه پیش ازایشان بودند تاآنکه چشیدند عقوبتِ ما بگوآیا هست نزدیك شما دانشی[3] تابیرون آرید آن رابرای ماپیروی نمی کنید مگرشبهه را ونیستید شمامگر دروغگو (١٤٨) .

---

(١) مرادحصر اضافی است به نسبت بهیمة الانعام وآن اصناف ثمانیه مذکوراست سگ وشیر وبازوغیر آن ا گرچه حرام است ازبهیمة الانعام نیست ودرآن بحث نداشتند والله اعلم .

(٢) یعنی مثل شتروشتر مرغ والله اعلم .

(٣) یعنی نقلی ازکتب الهی والله اعلم .

نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۖ وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۖ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٢﴾

تکلیف نمی دهیم هیچکس را مگر قدرطاقت او وچون سخن گوئید[1] پس رعایت انصاف بنمائید وا گر چه آن محکوم علیه صاحب قرابت باشد وبعهد خدا[2] وفاکنید این حکم فرموده است شمارا تاپندپذیر شوید (۱۵۲) .

وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ ۖ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٥٣﴾

وخبرداده است که آنچه مذکورشد راه من است راست ودرست آمده پس پیروی اوکنید وپیروی مکنید راه های دیگرراکه این راه هاجدا کنندشمارا ازراه خدا این حکم فرموده است شمارا تاپرهیز گاری کنید (۱۵۳) .

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُم بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٤﴾

بازمی گویم که داده بودیم موسیٰ را کتاب تانعمت تمام کنیم برهرکه نیکوکار بود وبیان کنیم هرچیزرا وبجهت هدایت ومهربانی تاایشان بملاقات پروردگار خویش ایمان آرند[3] (۱۵۴) .

وَهَٰذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٥٥﴾

واین قرآن کتابیست که فروفرستادیمش بابرکت پس پیروی اوکنید وپرهیز گاری کنید تامهربانی کرده شود برشما (۱۵۵) .

أَن تَقُولُوا إِنَّمَا أُنزِلَ الْكِتَابُ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِن كُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ ﴿١٥٦﴾

فرستادیمش تانگوئید بجزاین نیست که فرودآورده شدکتاب یعنی تورات وانجیل بردو گروه پیش ازماوبه تحقیق بودیم ما ازتلاوت ایشان بی خبر (۱۵۶) .

---

(۱) یعنی گواهی دهید یاحکم کنیدوالله اعلم .

(۲) یعنی بنذراو .

(۳) مترجم گوید ظاهر نزدیك این بنده آنست که حرام گردانیدیم اشیای مذکوره رادرازل برقوم نوح وهلم جرابازدادیم موسی را کتاب والله اعلم .

كردند (١٥٩) .

مَنْ جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُۥ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ۖ وَمَن جَآءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾

هركه آورد نيكى پس اوراست ده چندان آن وهركه آوردبدى جزا داده نخواهد شد الّا مثل آن وايشان ستم كرده نخواهند شد (١٦٠) .

قُلْ إِنَّنِى هَدَىٰنِى رَبِّىٓ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۚ دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٦١﴾

بگو هرآئينه دلالت كرده است مرا پروردگار من بسوى راه راست مراد مى دارم دين درست كيش ابراهيم را حنيف شده و نه بود ازمشركان (١٦١) .

قُلْ إِنَّ صَلَاتِى وَنُسُكِى وَمَحْيَاىَ وَمَمَاتِى لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦٢﴾

بگو هرآئينه نمازمن وحج وقربانى من و زندگانى من و موت من همه براى خداست پروردگار عالمها (١٦٢) .

لَا شَرِيكَ لَهُۥ ۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾

هيچ شريك نيست مراورا و باين توحيد فرموده شد مراو من نخستين مسلمانانم (١٦٣) .

قُلْ أَغَيْرَ ٱللَّهِ أَبْغِى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَىْءٍ ۚ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا ۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٤﴾

بگوآيا طلب كنم پروردگار غير خدا واوست پروردگار همه چيز وعمل نمى كند هيچ كسى مگر برذات خود وبرندارد هيچ بردارنده بارديگررا بازبسوى پروردگار شما رجوع شماباشد پس خبردار كند شمارا بآنچه كه درآن اختلاف مى كرديد (١٦٤) .

وَهُوَ ٱلَّذِى جَعَلَكُمْ خَلَٰٓئِفَ ٱلْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَٰتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِى مَآ ءَاتَىٰكُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ ٱلْعِقَابِ ۖ وَإِنَّهُۥ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٥﴾

واو آنست كه ساخت شمارا جانشينان در زمين وبلند كرد بعضى را بالاى بعضى درجه ها تابيازمايد شمارا درآنچه داده است به شما هرآئينه پروردگار تو شتاب كننده عقوبت است وهرآئينه او آمرزنده مهربان است (١٦٥) .

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٨﴾

پس هرکه‌گران شدپله نیکی های او پس ایشانند رستگار (۸) .

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ﴿٩﴾

وهرکه سبك شدپلهٔ نیکی های او پس آنجماعت آنانند که زیان کردند درحق خویشتن بسبب آنکه بآیاتِ ما انکارمی کردند (۹) .

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿١٠﴾

و هرآئینه استقرار دادیم شمارادرزمین وپیداکردیم برای شمادرآنجا اسباب معیشت اندکی شکرمی کنید (۱۰) .

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ ﴿١١﴾

وهرآئینه آفریدم شمارا (یعنی پدرشمارا) بازصورت بستیم شمارا (یعنی پدرِشمارا) باز گفتیم به فرشتگان که سجده کنیدآدم را پس سجده کردند مگر ابلیس نبود از سجده کنندگان (۱۱) .

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ ۖ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ﴿١٢﴾

گفت خداچه چیزمنع کردترااز‌آنکه سجده کنی وقتیکه امرکردم تراگفت من بهترم ازو آفریدی مراازآتش وآفریدی اورا ازگِل (۱۲) .

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿١٣﴾

گفت پس فرود رو ازآسمان زیراکه لائق نیست ترا که سرکشی کنی درآن پس بیرون شو هرآئینه توازخوار شوندگانی (۱۳) .

قَالَ أَنظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤﴾

گفت بار الٰهامهلت ده مرا تاروزیکه آدمیان برانگیخته شوند (۱٤) .

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿١٥﴾

گفت خداهر آئینه تو ازمهلت داده شدگانی (۱۵) .

قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾

گفت پس بسبب آنکه‌گمراه کردی مرا البته به نشینم برای آدمیان براه راست تویعنی تاازآن منع کنم (۱٦) .

ثُمَّ لَآتِيَنَّهُم مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَن

پس البته بیایم بسوی ایشان ازپیش ایشان

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾

گفتند ای پروردگار ماستم کردیم برخویش و ا گرنیامرزی مارا ومهربانی نکنی برما البته از زیان کاران باشیم (۲۳) .

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٤﴾

گفت خدافرورویـد بعـض شمـابعضـی رادشمـن خـواهـد بـود وشمـارادر زمین استقرار وبهره مندی باشد تاوقتی معین (یعنی تامرگ) (۲٤) .

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾

گفت خدادرزمین زندگانی خواهید کرد و درآنجاخواهید مرد وازآنجا بیرون آورده شوید (۲۵) .

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٢٦﴾

ای فرزندان آدم هرآئینه مافرودآوردیم برشما لباسی که بپوشد شرمگاه شمارا وفرودآوردیم جامه های زینت را ولباس پـرهیـز گـاری وی ازهمـه بهتراسـت ایـن ازنشـانـه هـای خـداسـت تـاایشـان پندپذیرشوند (۲٦) .

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا ۗ إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ ۗ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾

ای فرزندان آدم گمراه نکند شمارا شیطان چنانکه بیرون آورد پدر ومادر شمارا ازبهشت برمی کشید ازایشان جامهٔ ایشان را تـابنمـایـد ایشـان را شرمگـاه ایشـان هـرآئینـه شیطـان وقـوم اومـی بیننـد شماراازآن جاکه شما نه می بینید ایشانرا هرآئینه ماساختیم شیاطین را کار گذار کسانیکه ایمان ندارند (۲۷) .

وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا ۗ قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ ۖ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

وچون بکنند کارزشت گویند یافتیم برین کارپدرانِ خودرا وخدافرموده است مارابآن بگوهرآئینه خدانمی فرماید بکارزشت آیامی گوئید برخدا آنچه نمی دانید (۲۸) .

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾

بگوجزاین نیست که حرام کرده است پروردگار من بی حیائی ها را آنچه علانیه باشدازآن وآنچه پوشیده وحرام کرده است گناه وتعدی ناحق وآنکه شریك خدا مقررکنید چیزی را که خدا هیچ دلیل برآن نازل نکرده است وآنکه بگوئید برخدا آنچه نمی دانید(۳۳) .

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٤﴾

وهرگروهی را میعادیست[۱] پس چون بیاید[۲] میعادایشان تاخیر نکنند یك ساعت ونه سبقت کنند[۳] (۳٤) .

يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٥﴾

ای فرزندانِ آدم ا گر بیایند به شماپیغامبران ازجنس شما می خوانند برشماآیاتِ مرا پس هرکه پرهیزگاری کند و نیکوکاری نماید پس هیچ ترس نه باشد برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (۳۵) .

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٦﴾

وکسانیکه بدروغ نسبت کردند آیاتِ ماراوسرکشی کردندازقبول آنهاایشان بندگان دوزخ اند ایشان آنجاجاویدان اند (۳٦) .

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ

پس کیست ستمگار تراز کسی که بربست برخدادروغ رایا بدروغ نسبت کردآیاتِ اورا آن جماعت برسد بایشان بهرهٔ ایشان ازآنچه نوشته شددرلوح محفوظ[٤] تاوقتیکه چون بیایند نزدیك ایشان

---

(۱) یعنی وقتی معین است برای هلاك ایشان والله اعلم .
(۲) یعنی نزدیك شود .
(۳) یعنی برزبان حضرت آدم چنانکه درسورهٔ بقرة اشارت رفت والله اعلم .
(٤) یعنی نعمت و نعمت که مقدرشده دردنیا بایشان برسد والله اعلم .

لَهُمْ مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

ایشان را ازدوزخ فرش بُوَد وازبالای ایشان ازدوزخ پوششهاباشد وهمچنین جزا می دهیم ستمگاران را (٤١) .

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۖ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٤٢﴾

وکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند تکلیف نمی دهیم هیچکس را مگر به قدر طاقت او آنجماعت باشندگان بهشت اند ایشان آنجاجاویدان باشند (٤٢) .

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ ۖ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَٰذَا ۖ وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ۖ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ ۖ وَنُودُوا أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾

وبیرون آریم آنچه درسینه های ایشان بُوَد از کینه[1] میرودزیرایشان نهرها و گویند سپاس آن خدا راست که دلالت کردمارابسوی این بهشت و هرگز نبودیم راه یابنده اگر راه نه نمودی ماراخدا هرآئینه آمدندفرستاد گان پروردگار مابراستی ونداکرده شوندکه این بهشت داده شدید آن را بسبب آنچه می کردید (٤٣) .

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا ۖ قَالُوا نَعَمْ ۚ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾

وندااکنند اهلِ بهشت اهلِ دوزخ را که ماراست یافتیم آنچه وعده کرده بود به ماپروردگارما پس آیاشماهم راست یافتید آنچه به شماوعده کرده بودپروردگار شما گفتند آری پس آواز کند آوازکننده ای درمیان ایشان که لعنت خدا برآن ستمگاران است (٤٤) .

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ

که بازمی داشتند مردمان را ازراهِ خدا

---

(١) یعنی آن کینه هاکه در دل بهشتیان باشد دورکنیم مثل آنچه میان عثمان وعلی وطلحه وزبیر وعائشه رضی الله عنهم واقع شد والله اعلم .

هردورابرکافران (۵۰) .

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۚ فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَٰذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٥١﴾

آنانکه گرفته اند دین خودرا بازی ولهوو فریب دادایشان را زندگانی دنیا پس امروز فراموش کنیم ایشان راچنانکه ایشان فراموش کردند ملاقات این روزخویش را وچنانکه انکار میکردند بآیاتِ ما[1] (۵۱).

وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾

وهرآئینه آوردیم برای ایشان کتابی که مفصّل کرده ایم آنرابدانش برای رهنمائی وبخشائش مومنان را (۵۲) .

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ ۚ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ ۖ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۚ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٥٣﴾

انتظارنمی کنندکفار مگرمصداق این وعده را روزیکه بیاید مصداق آن گویند کسانیکه فراموش کرده بودند آنراپیش ازین هر آئینه آمده بودند پیغامبران پروردگار مابراستی پس آیا هستند برای ما شفیعان تاشفاعت کنند برای ما یا بازگردانیده شویم بسوی دنیا پس عمل کنیم غیر آنچه می کردیم[2] هرآئینه زیان کردند درحق خویشتن و گم شده ازایشان آنچه افترامی کردند (۵۳) .

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۖ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا

هرآئینه پروردگار شماآن خدااست که آفریدآسمان هاوزمین را درشش روز باز مستقرشد برعرش می پوشاند شب رابه روز[3] می طلبد شب روزرابه شتاب[4]

(۱) وفراموش کردن خدا ترك ایشان است دردوزخ والله اعلم .
(۲) یعنی مسلمان شویم و بت را نه پرستیم .
(۳) یعنی گاهی اجزای شب را بلباس نهار پوشانیده درحساب نهارمی گرداند والله اعلم.
(٤) یعنی ازپی درآمدن شب بعد روز مشابه آنست که گویا کسی کسی رادوان وشتابان می طلبد .

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۖ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥٩﴾

هر آئینه فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبودبرحق بجزوی هرآئینه من می ترسم برشما ازعقوبتِ روزبزرگ[1] (۵۹) .

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٦٠﴾

گفتند اشراف ازقوم او هرآئینه ما می بینیم ترادر گمراهی ظاهر (۶۰) .

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾

گفت ای قوم من نیست بامن هیچ گمراهی ولیکن من پیغامبرم ازجانب پروردگار عالمها (۶۱) .

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾

میرسانم به شماپیغام های پروردگار خودونیك خواهی می کنم برای شماو میدانم ازحکم خدا آنچه نمی دانید (۶۲) .

أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٦٣﴾

آیاتعجب کردید ازآنکه آمد به شما پندی ازجانب پروردگار شما (فرودآمده) برزبان مردی ازشماتابیم کند شمارا وتاپرهیزگاری کنید وتامهربانی کرده شودبرشما (۶۳) .

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ﴿٦٤﴾

پس دروغگوپنداشتند آن را پس نجات دادیم اوراوکسانی را که باوی بودند درکشتی و غرق ساختیم کسانی را که دروغ پنداشتند آیاتِ ماراهرآئینه ایشان بودندگروهی نابینا (۶۴) .

وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا ۚ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۖ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٦٥﴾

وفرستادیم بسوی قوم عاد برادرایشان هود را گفت ای قوم من عبادت کنیدخدا را نیست شمارا هیچ معبودبرحق غیراو

---

(۱) یعنی روزقیامت .

هیچ دلیل پس انتظار کنیدهرآئینه من نیز همراه شما ازمنتظرانم (۷۱) .

فَأَنجَيْنَٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَمَا كَانُوا۟ مُؤْمِنِينَ ﴿٧٢﴾

پس نجات دادیم اوراوکسانی را که بااوبودندبمهربانی ازجانب خویش وبریدیم بیخ آنانکه دروغ می پنداشتند آیاتِ ماراونه بودند ازمومنان (۷۲) .

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَٰلِحًا ۘ قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥ ۖ قَدْ جَآءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمْ ءَايَةً ۖ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِىٓ أَرْضِ ٱللَّهِ ۖ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٣﴾

وفرستادیم بسوی قوم ثمود برادرایشان صالح را گفت ای قوم من عبادت کنید خدارا نیست شماراهیچ معبودبرحق غیراو هرآئینه آمدبه شما دلیلی ازجانب پروردگار شما این ماده شتریست پیداکردهٔ خدا نشانه ای برای شماپس بگذاریدش که چرد درزمین خداومرسانید اورا هیچ بدی که آنگاه بگیرد شمارا عقوبتِ درد دهنده (۷۳) .

وَٱذْكُرُوٓا۟ إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ ٱلْجِبَالَ بُيُوتًا ۖ فَٱذْكُرُوٓا۟ ءَالَآءَ ٱللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا۟ فِى ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٧٤﴾

ویادکنید (نعمت الهی) آن وقت که گردانید شمارا جانشین بعدازقوم عاد واستقرار داد شمارا درزمین می سازید ازنرم آن کوشکها وتراشیده خانه ها می سازید کوه هارا پس یادکنید نعمت های خدارا وتباهی مکنید درزمین فسادافگنان (۷٤) .

قَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوا۟ مِن قَوْمِهِۦ لِلَّذِينَ ٱسْتُضْعِفُوا۟ لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَٰلِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِۦ ۚ قَالُوٓا۟ إِنَّا بِمَآ أُرْسِلَ بِهِۦ مُؤْمِنُونَ ﴿٧٥﴾

گفتندآن اشراف که سرکشی کرده بودند ازقوم او آنانرا که هرکسی ضعیف دانست ایشان را مرکسانی را که ایمان آورده بودنداز ایشان آیامیدانید که صالح فرستاده شده است ازجانب پروردگار خودگفتند اهل ایمان هر آئینه مابشریعتی که وی فرستاده شده است بآن شریعت

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۚ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۖ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ ۖ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨٥﴾

وفرستاديم بسوی قوم مدین برادرایشان شعیب راگفت ای قوم من به پرستیدخدارا نیست شمارا هیچ معبودبرحق بجزاو هرآئینه آمده است بشما دلیلی ازپروردگار شما پس تمام کنید پیمانه وترازو را وناقص مدهید بمردمان اشیای ایشان را وفسادمکنید درزمین بعد اصلاح آن این کارکه‌گفتیم بهترست شمارا اگر باوردارندگانید (۸۵) .

وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا ۚ وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ ۖ وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٦﴾

ومنشینید بهرراه که بترسانید وبازدارید ازراهِ خدا کسی را که ایمان آورده است باو و مجوئید برای آن راه کجی ویادکنید آن وقت که شما اندك بودید پس بسیار گردانید شمارا وبنگرید چگونه شد آخرکار مفسدان (۸۶) .

وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا ۚ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٧﴾

واگر هست گروهی ازشما مومن بآنچه فرستاده شدم بآن وگروهی نا مومن پس صبر کنید تاآنکه فیصله کند خدا درمیانِ ما واوبهترین حکم کنندگان است[1] (۸۷) .

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا ۚ قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ ﴿٨٨﴾

گفتند آن اشراف که سرکشی کرده بودند ازقوم او البته بیرون کنیم ترا ای شعیب وکسانی راکه همراه توایمان آوردند ازدِه خود یااین که بازگردید دردین ما گفت آیا عودکنیم اگر چه

(۱) یعنی واجب آن بود که همه متفق میشدند برایمان وچون متفق نه شدندمنتظر فیصله کردن باشند والله اعلم .

وراحت[1] پس گرفتیم ایشان را ناگهان وایشان خبر نه داشتند (٩٥) .

وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرٰۤى اٰمَنُوْا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكٰتٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ وَلٰكِنْ كَذَّبُوْا فَاَخَذْنٰهُمْ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٩٦﴾

وا گـراهـلِ ده هـا ایمـان آوردنـدی وپرهیزگاری کردندی هرآئینه می کشادیم برایشان برکت هااز آسمان و زمین ولیکن به دروغ نسبت کردند پس گرفتیم ایشان را به وبال آنچه میکردند (٩٦) .

اَفَاَمِنَ اَهْلُ الْقُرٰۤى اَنْ يَّاْتِيَهُمْ بَاْسُنَا بَيَاتًا وَّهُمْ نَآئِمُوْنَ ﴿٩٧﴾

آیاایمن شدند اهلِ ده ها ازآنکه بیاید عذاب مابایشان شبانگاه و ایشان خفته باشند (٩٧) .

اَوَاَمِنَ اَهْلُ الْقُرٰۤى اَنْ يَّاْتِيَهُمْ بَاْسُنَا ضُحًى وَّهُمْ يَلْعَبُوْنَ ﴿٩٨﴾

آیاایمن شدند اهلِ ده ها ازآنکه بیاید بایشان عذاب ماوقت چاشت وایشان بازی میکنند(٩٨) .

اَفَاَمِنُوْا مَكْرَ اللّٰهِ ۚ فَلَا يَاْمَنُ مَكْرَ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿٩٩﴾

آیاایمن شدندازمکرخدا[2] پس ایمن نمی شوندازمکر خدا مگر گروه زیان کاران (٩٩) .

اَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِيْنَ يَرِثُوْنَ الْاَرْضَ مِنْۢ بَعْدِ اَهْلِهَاۤ اَنْ لَّوْ نَشَآءُ اَصَبْنٰهُمْ بِذُنُوْبِهِمْ ۚ وَنَطْبَعُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُوْنَ ﴿١٠٠﴾

آیا واضح نه شد برآنانکه وارث زمین می شوند بعد از هلاك ساکنان آن زمین که ا گر خواستمی عقوبت رسانیدمی ایشان را بسبب گناهان ایشان ومُهرمی نهیم بردل های ایشان پس ایشان نمی شنوند (١٠٠) .

تِلْكَ الْقُرٰى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ اَنْۢبَآئِهَا ۚ وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ ۚ فَمَا كَانُوْا لِيُؤْمِنُوْا بِمَا كَذَّبُوْا مِنْ قَبْلُ

این دِه هاراذکر می کنیم پیش تو بعض ازخبرهایشان وهرآئینه آمده بودند باهل

---

(١) یعنی عادت زمان است که گاهی سختی و گاهی راحت می باشداز باب مؤاخذه براعمال نه بُوَد والله اعلم .

(٢) یعنی ازتدبیراهلاك والله اعلم .

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ ﴿١١٢﴾

تابیارندپیش توهرساحر دانارا (۱۱۲) .

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٣﴾

وآمدند ساحران پیش فرعون‌گفتند هرآئینه مارا مزدی می باید اگر غالب شویم (۱۱۳) .

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿١١٤﴾

گفت آری وهرآئینه شما ازمقربان باشید (۱۱٤) .

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ﴿١١٥﴾

گفتند ای موسیٰ یااین است که نخست توافگنی یاماباشیم اندازنده (۱۱۵) .

قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ ﴿١١٦﴾

گفت موسیٰ شما افگنید پس آن هنگام که افگندند بجادو بستند چشم های مردمان را و بترسانیدند ایشان را وآوردند جادوئ بزرگ را(۱۱٦) .

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٧﴾

ووحی فرستادیم بسوی موسیٰ که بیفگن عصای خودرا پس ناگهان آن عصافرومی بردآنچه بدروغ اظهار میکردند (۱۱۷) .

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾

پس ثابت شد حق وباطل شدآنچه می کردند (۱۱۸) .

فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ ﴿١١٩﴾

پس قوم فرعون مغلوب شدند آنجاوخوار گشتند (۱۱۹) .

وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿١٢٠﴾

وانداخته شدند ساحران سجده کنان (۱۲۰) .

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢١﴾

گفتند ایمان آوردیم به پروردگار عالمها (۱۲۱) .

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ﴿١٢٢﴾

پروردگار موسیٰ وهارون (۱۲۲) .

قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿١٢٣﴾

گفت فرعون آیاایمان آوردید بموسی پیش ازآنکه إجازت دهم شمارا هرآئینه این تدبیریست که اندیشیده ایدآنرا درشهرتابیرون کنید ازین شهر ساکنان آنرا پس خواهید دانست (۱۲۳) .

كنيد (١٢٩) .

وَلَقَدْ أَخَذْنَآ آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣٠﴾

وهرآئينه گرفتاركرديم كسان فرعون را بقحط ها وبه نقصان ميوه ها تاشود كه ايشان پندپذيرند (١٣٠) .

فَإِذَا جَآءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا۟ لَنَا هَٰذِهِۦ ۖ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا۟ بِمُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ ۗ أَلَآ إِنَّمَا طَٰٓئِرُهُمْ عِندَ ٱللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣١﴾

پس چون آمدى بايشان فراخى گفتندى اين لائق ماست وا گربرسيدى بايشان سختى شگون بدگرفتندى موسىٰ وكسانيكه باوى بودند آ گاه باش جزاين نيست كه شگون بدايشان نزديك خداست وليكن بيشتر ازايشان نمى دانند[1] (١٣١) .

وَقَالُوا۟ مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِۦ مِنْ ءَايَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾

و گفتند كسان فرعون اى موسىٰ هرچه بيارى آن راازنشانه ها تاسحركنى مارابدان پس مانيستيم ترا باوردارنده (١٣٢) .

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ ءَايَٰتٍ مُّفَصَّلَٰتٍ فَٱسْتَكْبَرُوا۟ وَكَانُوا۟ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿١٣٣﴾

پس فرستاديم برايشان طوفان وملخ و كنه (شپش) وغوكها (قورباغها) وخون نشانه هاى واضح كرده شده پس سركشى كردند وبودندقوم گناهگاران (١٣٣) .

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا۟ يَٰمُوسَى ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ ۖ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا ٱلرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿١٣٤﴾

ووقتيكه فرودآمد برايشان عقوبت گفتند اى موسىٰ دعاكن بجناب پروردگار خودبآن اسماء وادعيه كه وحى كرده است نزديك توا گرزائل كنى ازما عقوبت راالبته معتقد شويم تراو به فرستيم باتو بنى اسرائيل را (١٣٤) .

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَىٰٓ أَجَلٍ هُم بَٰلِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ ﴿١٣٥﴾

پس چون زائل كرديم ازايشان عقوبت راتامدتى كه ايشان رسندگانند بآن نا گهان عهدمى شكستند (١٣٥) .

---

(١) يعنى مؤاخذه اعمال برايشان است والله اعلم .

ودرین مقدمه آزمایش بزرگ بود ازجانب پروردگارشما (۱٤۱) .

وَوٰعَدْنَا مُوسٰى ثَلٰثِينَ لَيْلَةً وَّأَتْمَمْنٰهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهٖٓ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ۚ وَقَالَ مُوسٰى لِأَخِيهِ هٰرُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾

ووعده کردیم باموسیٰ سی (۳۰) شب وتمام کردیم آن میعاد را بده شب پس کامل شدمیعاد پروردگار اوچهل شب و گفت موسیٰ به برادرخود هارون جانشین من باش درقوم من وصلاح کاری کن وپیروی منما راه تباه کاران را (۱٤۲) .

وَلَمَّا جَآءَ مُوسٰى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهٗ رَبُّهٗ ۚ قَالَ رَبِّ أَرِنِيٓ أَنظُرْ إِلَيْكَ ۚ قَالَ لَن تَرٰىنِي وَلٰكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهٗ فَسَوْفَ تَرٰىنِي ۚ فَلَمَّا تَجَلّٰى رَبُّهٗ لِلْجَبَلِ جَعَلَهٗ دَكًّا وَّخَرَّ مُوسٰى صَعِقًا ۚ فَلَمَّآ أَفَاقَ قَالَ سُبْحٰنَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤٣﴾

وچون آمدموسیٰ بوعده‌گاه ما وسخن‌گفت بااوپروردگار او گفت ای پروردگار من بنمابمن خویشتن را تانظرکنم بسوی تو گفت خدا نخواهی دیدمراولیکن نظر کن بسوی کوه پس اگر قرارگیرد بجای خودخواهی دیدمراپس وقتیکه ظهور کرد پروردگار او برآن کوه‌گردانید آن کوه را زمین هموار ساخته وافتاد موسیٰ بی هوش شده پس چون به هوش آمدگفت به پاکی یادمی کنم ترابازگشتم بسوی تو ومن اول مسلمانانم (۱٤۳) .

قَالَ يٰمُوسٰٓى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسٰلٰتِي وَبِكَلَامِي ۖ فَخُذْ مَآ ءَاتَيْتُكَ وَكُنْ مِّنَ الشّٰكِرِينَ ﴿١٤٤﴾

گفت ای موسیٰ هرآئینه من برگزیدم ترا بر مردمان به پیغام های خودوبه شنوانیدن سخن خودپس بگیرآنچه عطا کردم تراوباش ازشکر کنندگان (۱٤٤) .

وَكَتَبْنَا لَهٗ فِي الْأَلْوَاحِ مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَّتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ ۖ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَّأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا ۚ سَأُورِيكُمْ دَارَ الْفٰسِقِينَ ﴿١٤٥﴾

ونوشتیم برای موسیٰ درلوح ها ازهرجنس برای پند وبرای بیان هرچیز پس گفتیم بگیرآنرابه قوت وبفرماقوم خودرا تاعمل کنند به بهترین آنچه دروست[1] خواهم

(۱) یعنی بعزیمت دادن رخصت والله اعلم .

وَاخْذَ بِرَأْسِ اَخِيهِ يَجُرُّهُ اِلَيْهِ قَالَ ابْنَ اُمَّ اِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْاَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِينَ ﴿١٥٠﴾

ازمن آیاشتاب کردیدازحکم پروردگار خویش وانداخت الواح را وگرفت موسیٰ سربرادر خودرا می کشیدش بسوی خود گفت هارون ای پسرمادر من هرآئینه این قوم ضعیف شمردند مرا ونزدیك بودند که بکشند مرا پس شادمکن بسبب اهانت من دشمنان را وشمارمکن مرا با گروه ستمگاران (۱۵۰) .

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِاَخِي وَاَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّٰحِمِينَ ﴿١٥١﴾

گفت موسیٰ ای پروردگار من بیامرزمرا وبرادر مرا وداخل کن مارا دربخشایش خود وتوبخشاینده ترین بخشایندگانی (۱۵۱) .

اِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ﴿١٥٢﴾

هرآئینه کسانی که معبودگرفتند گوساله را خواهد رسید باین جماعت خشمی از پروردگار ایشان ورسوائی درحیات دنیا وهم چنین جزامی دهیم افترا کنندگان را (۱۵۲) .

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّاٰتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَاٰمَنُوا اِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٥٣﴾

وهرآئینه کسانی که گناه هاکردند بازتوبه نمودند بعد ازآن گناهان وایمان آوردند البته پروردگار توبعدازتوبه آمرزنده مهربان ست (۱۵۳) .

وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ اَخَذَ الْاَلْوَاحَ وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿١٥٤﴾

وچون ساکن شد خشم ازخاطر موسیٰ گرفت الواح را ودرمکتوب وی هدایت بود و بخشائش آنان را که ایشان از پروردگار خودمی ترسند (۱۵۴) .

وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا اَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ اَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَاِيَّايَ اَتُهْلِكُنَا

واختیار کرد موسیٰ ازقوم خود هفتادکس برای میعادما[1] پس وقتیکه‌گرفت ایشان

(۱) یعنی تاعذرگویندازعبادت‌گوساله واین جماعت اگرچه عبادت نکرده بودند =

لَهُمُ الطَّيِّبٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلٰلَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۚ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِيٓ أُنزِلَ مَعَهُۥٓ ۙ أُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٥٧﴾

فرماید ایشان را بکارپسندیده ومنع می کند ایشان راازناپسندیده و حلال می سازدبرای ایشان پاکیزه هارا وحرام می کند برایشان ناپاکیزه هارا وساقط می کندازایشان بار گرانِ ایشان را وآن مشقت هارا که بود برایشان پس آنانکه ایمان آوردند باووتعظیم کردند اوراویاری دادند اوراوپیروی کردند نوری را که همراه وی نازل کرده شده است ایشانندرستگاران[1] (۱۵۷) .

قُلْ يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُۥ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۖ لَآ إِلٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِۦ وَيُمِيتُ ۖ فَـَٔامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمٰتِهِۦ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٨﴾

بگو ای مردمان هرآئینه من پیغامبر خدایم بسوی شماهمه یکجا، آن خدااوراست پادشاهی آسمان ها وزمین نیست هیچ معبود برحق مگر اوزنده می کندومی میراند پس ایمان آرید به خدا وبه پیغامبر اوکه نبی امی است آنکه تصدیق می نماید خدارا وسخنان اورا وپیروی کنید اوراتابُوَد که شما راه یاب شوید (۱۵۸).

وَمِن قَوْمِ مُوسَىٰٓ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِۦ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٩﴾

وازقوم موسیٰ گروهی هست که دلالت می کنند مردمان را براه راست و براستی حکم می کنند (۱۵۹) .

وَقَطَّعْنٰهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا ۚ وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ إِذِ اسْتَسْقٰىهُ قَوْمُهُۥٓ أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ ۖ فَانۢبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ۖ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ

ومتفرق ساختیم بنی اسرائیل رابه دوازده قسم قبیله قبیله گروه گروه و وحی فرستادیم بسوی موسیٰ وقتی که آب

---

(۱) مترجم گوید بشارت دادن خدای تعالی حضرت موسیٰ راوبه امت مرحومه اول دلیل است برنبوت آنحضرت ولهذامی فرماید والله اعلم .

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا ۙ اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٦٤﴾

ویادکن چون‌گفت‌گروهی ازاهل آن دیه[1] چرا پندمیدهید گروهی را که خدای تعالی هلاك خواهد کرد ایشان را یا عذاب خواهد کردایشان را عذاب سخت‌گفتند تاماراعذری باشدنزدیك پروردگار شماوتاباشد که ایشان پرهیزگاری کنند (١٦٤) .

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٥﴾

پس وقتی که فراموش کردند آنچه بآن پندداده شدایشانرا نجات دادیم کسانی را که منع میکردند ازکار بد وگرفتار کردیم ستمگاران را به عذاب سخت به سبب آنکه فاسق بودند (١٦٥) .

فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٦٦﴾

پس چون تکبر کردند ازترك آنچه منع کرده شدایشان راازآن‌گفتیم ایشانرا شوید بوزینگان خوارشده (١٦٦) .

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۗ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ ۖ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٧﴾

ویادکن چون آگاه گردانید پروردگارتو[2] که البته بفرستدبرایشان تاروزقیامت کسی راکه برساند بایشان عقوبتِ سخت هرآئینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و هرآئینه اوآمرزنده مهربان است[3] (١٦٧) .

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا ۖ مِّنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَٰلِكَ ۖ وَبَلَوْنَاهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٦٨﴾

وپراگنده کردیم بنی اسرائیل را درزمین گروه‌گروه بعض ازایشان شائسته کارانند وبعض ازایشان سوای اینند وامتحان

= کردند وقسمی نه شکارمی کردند ونه ازآن منع میکردند والله اعلم .

(١) یعنی قسم ثالث نهی کنندگان را والله اعلم .

(٢) یعنی بنی اسرائیل را .

(٣) بعدازین هیچ پادشاهی دربنی اسرائیل پیدانشده، همیشه لگدکوب پادشاهان اسلام ونصاریٰ ومجوس می بودند والله اعلم .

ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ ۖ قَالُوا بَلَىٰ ۛ شَهِدْنَا ۛ أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَٰذَا غَافِلِينَ ﴿١٧٢﴾

گردانید ایشان را برذات ایشان‌گفت آیانیستم پروردگار شما‌گفتند آری هستی‌گواه شدیم، این شاهدگرفتن برای احترازازآن است که بگوئید روز قیامت هرآئینه ما بی خبربودیم ازین توحید (۱۷۲) .

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ ۖ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١٧٣﴾

یابگوئید که بجزاین نیست که شرك آورده بودند پدران ماپیش ازماومانسلی بودیم آمده بعد ازایشان[1] آیاهلاك می کنی مارا به عقوبت آنچه بدکاران کردند (۱۷۳) .

وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٧٤﴾

وهم چنین بیان می کنیم نشانه ها وتاباز گردند (۱۷٤) .

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿١٧٥﴾

وبخوان برایشان خبرکسی که داده بودیم اورا علمِ آیاتِ خودپس بیرون رفت ازعلم آن آیات[2] پس درپی اوشد شیطان پس‌گشت ازگمراهان[3] (۱۷۵) .

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَٰكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ ۚ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ ۚ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَث ۚ ذَّٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا

و اگرمی خواستیم برداشتمی اورا[4] به سبب این آیات ولیکن میل کرد بسوی پستی وپیروی خواهش خود کردپس صفت اومانندِ صفت سگ ست اگر مشقت اندازی بروی[5] زبان ازدهن

= درخارج متحقق شد والله اعلم .

(۱) یعنی پس تقلید ایشان کردیم .

(۲) یعنی تابع شهوات نفس شدوتابع شهوات نفس را عالم نه توان‌گفت .

(۳) یعنی بلعم باعورکه کتب الهی خوانده بودبعدازآن باغوای زن خودایذای حضرت موسیٰ علیه السلام قصد کرد وملعون شد والله اعلم .

(٤) یعنی منزلت اورا .

(٥) یعنی بزدن ودوانیدن .

لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٢﴾

پایه بکشیم ایشان را (تامحل هلاك) ازآنجا که ندانند (۱۸۲) .

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾

ومهلت دهم ایشان را، هرآئینه تدبیرمن محکم است (۱۸۳) .

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿١٨٤﴾

آیاتأمل نه کردند که نیست این هم نشین ایشانرا هیچ دیوانگی، نیست اومگربیم کننده آشکارا (۱۸۴) .

أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٥﴾

آیا نظر نکردند به پادشاهی خدا درآسمان ها و زمین ودرآنچه خدا پیدا کرده است ازهر چیز وآیانظر نه کردند درآن که شاید نزدیك شده باشداجل ایشان پس بکدام سخن بعد قرآن ایمان خواهند آورد (۱۸۵) .

مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٨٦﴾

هرکه گمراه سازدش خدا پس هیچ راه نماینده نیست اورا ومی‌گذارد ایشان را خدا در گمراهی خویش سرگردان شده (۱۸۶) .

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٧﴾

سوال می کنندترااز‌قیامت که کی باشداستقراراو بگوجزاین نیست که علم قیامت نزدیك پروردگار من است پدید نیارد او را در وقت اومگر خدا، گران شده است[1] در آسمانها و زمین نیاید به شمامگر ناگهان سوال می کنند ترااز‌قیامت‌گویاتوکاوش کننده ای ازآن[2] بگوجزاین نیست که دانش اونزدیك

(۱) یعنی مشکل شده است دانستن قیامت .

(۲) یعنی عالمی بآن .

أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿١٩١﴾

آیاایـن مشرکـان شریـك مقـررمـی کننـد چیزیرا که هیچ نمی آفریند وخوداین شریکان آفریده می شوند (۱۹۱) .

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٢﴾

ونمی توانند برای پرستندگان خود یاری دادن ونه خودرا یاری می دهند (۱۹۲) .

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ ﴿١٩٣﴾

وا گر بخوانیدبتان را بسوی راه هدایت پیروی نکنند شمارا[1] برابراست برشما آنکه دعوت کنید ایشان را یا خاموش باشیدای مشرکان (۱۹۳) .

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٩٤﴾

هرآئینه کسانیکه عبادت می کنید ایشان را بجزخدا بندگانند مانند شما پس بخوانید ایشان را وباید که قبول کنند دعای شمارا ا گر راست گوهستید (۱۹۴) .

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنْظِرُونِ ﴿١٩٥﴾

آیابتان را پاهاست که راه می روندبآن آیا ایشان را دست هااست که تناول میکنند بآن آیاایشان را چشم ها است که می بینند بآن آیاایشان را گوشهااست که می شنـونـدبـآن بگـوای مشرکـان بخـوانیـد شریکان خودرا بعدازآن تدبیر کنیددرحق من ومهلت مدهید مرا (۱۹۵) .

إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿١٩٦﴾

هرآئینه کارسازمن خداست آنکه فرود آورد کتـاب را واو کـارسـازی مـی

= وسواس انداخت وچون فرزند متولد شدنام او عبدالحارث مقررکرد وچون وجود جمیع قیود درامثال این مواضع ضرور نیست آدم ازلوث شرك مبراباشد واین آیت عصمت اورا مصادمت نکندکذافهمت وازینجا دانسته شد که شرك در تسمیه نوعیست از شرك چنانکه اهل زبان ماغلام فلان وعبدفلان نام می نهند.

(۱) یعنی ا گر بگوئید بخورید یابیاشا میدهیچ کار نکَنند .

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٢٠٤﴾

است مرقوم مومنان را (۲۰۳) .
وچون خوانده شودقرآن پس گوش نهید بسوی آن وخاموش باشیدتامهربانی کرده شود برشما (۲۰٤) .

وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ﴿٢٠٥﴾

ویادکن پروردگار خودرا درضمیر خود بزاری وترسکاری ویادکن پروردگار خودرا به کلام پست تر از بلند آوازی بامدادوشبانگاه ومباش ازغافلان (۲۰۵).

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ﴿٢٠٦﴾ سجدة

هرآئینه کسانیکه نزدیك پروردگار تواند[1] سر کشی نمی کنند ازعبادت او وبپاکی یادمیکنند اورا وبتخصیص اوراسجده می کنند (۲۰٦) .

سُورَةُ الأَنْفَال

سوره انفال مدنی است وآن هفتادو پنج آیت ودهٔ رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا

می پرسند تراازغنیمت ها[2] بگوغنیمت

---

(۱) یعنی ملاء اعلی .

(۲) سورهٔ انفال درقصه بدر فرودآمده است درآیاتِ این سوره اشارت بوقائع این غزوه واقع شده ازآن جمله آنست که مسلمانان درغنیمت مباحثه میکردند آنانکه غارت کرده بودند خواستند که تنهابرآن متصرف شوند دیگران خواستند که علی السویه قسمت شود خدای تعالی نازل ساخت که متصرف ومختار درغنائم خدا ورسول اوست و دیگری را درین باب دخل نیست آنچه اهل جاهلیت می کردند ازاستیثارغارت کننده به غنیمت باطل است بعد ازآن حکم فرمود که غنیمت راپنج قسم بایدکرد چهار قسم درمیان غانمان قسمت کنندویکی در بیت المال نگاهداشته به تصرف آن رسانند واین تصرف حق است وعطای اوست بغیر دخل غارت کنندگان پس آیه "قل الانفال لله والرسول" محکم است غیر منسوخ.

وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ۝٧

که چیزی غیرازجنگ شمارابُوَد ومی خواست خدا که ثابت کنددین حق را به فرمان های خویش وبِبُرد بنیادکافران را (۷) .

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ۝٨

می خواست تاثابت کند دین حق راو برطرف کنددین باطل را ا گر چه ناخوشنود باشند گناهگاران[1] (۸) .

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ ۝٩

آنگاه که فریادمی کردیددرجناب پروردگار خویش پس قبول کرد دعای شماراکه من مددکنندهٔ شماام بهزار کس ازفرشتگان ازپس ایشان جماعت دیگر را آورده[2] (۹).

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝١٠

ونساخت خدااین مدد را مگربرای مژده وتاآرام گیرد بآن دل های شما ونیست فتح مگراز نزدیك خداهرآئینه خدا غالب باحکمت است (۱۰) .

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ۝١١

آنگاه که می پوشیدشمارا به خواب سبك بجهت ایمنی ازنزدیك خود وفرود می آورد برشما ازآسمان آب باران تاپاك کند شمارا بآن وِبَبَرَدازشما آلودگی شیطان وتابه بنددبر دلهای شما یعنی ثابت دارد

---

(۱) مترجم گوید درین آیات تعریض است بآن قصه که آنحضرت صلی الله علیه وسلم درغزوه بدر برای غارت کردن کاروان قریش متوجه شدواین خبربکاروان رسید راه ساحل اختیار نمودند خلاص شدند ابوجهل که بمددایشان بالشکر گران از مکه بر آمده بود مقابل آنحضرت شد بعضی اصحاب میل بغارت کردن وجمعی قصد کارزار لشکر نمودند ومرضی آنحضرت جنگ با لشکر بود .

(۲) یعنی یکهزار بودند بعد ازآن سه هزار گشتند وبعد ازآن پنجهزار شدند والله اعلم.

وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ ۚ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٧﴾

نیافگندی[1] وقتیکه افگندی ولیکن خدا افگند تا عطا کند مسلمانان را از نزدیك خویش عطای نیکو هرآئینه خدا شنوا دانا است[2] (۱۷) .

ذَٰلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ ﴿١٨﴾

حال این ست وبدانید که خداست کننده است حیله کافران را (۱۸) .

إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ ۖ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ ۖ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ ۚ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ ۙ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٩﴾

ای کافران ا گر طلب فتح می کردید پس آمدبه شمافتح وا گربازایستید پس آن بهتراست شمارا وا گر باز گردید(یعنی بنافرمانی) باز گردیم[3] ودفع نکندازشما جماعت شما هیچ چیزا گر چه بسیارباشد. وبدانید که خدابامسلمانان است[4] (۱۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾

ای مسلمانان فرمانبرداری کنید خدا ورسول اورا و روی مگردانید از وی وحال آنکه شمامی شنوید (۲۰) .

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾

ومشوید مانند کسانیکه گفتند شنیدیم وایشان نمی شنوند[5] (۲۱) .

---

(۱) یعنی مشتِ خاك را .

(۲) مترجم گوید تعریض است بآن قصه که آن حضرت صلی الله علیه وسلم روز بدریك مشت سنگ ریزه بسوی کفارانداخت پس هیچکس ازایشان نه بود که چیزی ازآن به چشمش داخل نشد و استقلال تازه به خاطر مسلمانان ظاهر شد و این تائید غیبی بود .

(۳) یعنی بجزا دادن .

(٤) مترجم گوید تعریض است بآن قصه که ابو جهل روز غزوه بدر دعا کرد که بار خدایا هر که ازمیان این هردو گروه قاطع رحم است ودین باطل پیش گرفته است او را هلاك کن وبه حقیقت متصف باین صفات ابو جهل و قوم اوبودند .

(۵) یعنی مانندِ اهل کتاب که تورات خواندندوبه زبان معترف شدند وبرآن عمل نکردند.

يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٧﴾

ای مسلمانان خیانت مکنید باخداورسول وخیانت مکنید امانت های یك دیگررا درحالیکه شما میدانید (یعنی مفاسدآنرا) (۲۷) .

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾

وبدانید که مال های شما و فرزندان شما آزمائش است وآنکه خدا نزدیك اوست مزدبزرگ (۲۸) .

يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

ای مسلمانان اگربترسیدازخدا پیداکندبرای شما فتحی را ودر گذارد ازشماگناهان شمارا وبیامرزدشمارا وخدا صاحب فضل بزرگ است (۲۹) .

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ﴿٣٠﴾

و (یادکن نعمت الهی)آنگاه که تدبیربد کردند درحق توکافران تاحبس کنند ترا یا بکشند ترا یا جلاوطن کنند ترا وایشان تدبیربَد می کردند وخدا تدبیر می کردیعنی بایشان وخدابهترین تدبیر کنندگانست[1] (۳۰) .

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٣١﴾

وچون خوانده شودبرین جماعت آیات ما گویند بتحقیق شنیدیم اگرخواهیم بگوئیم مانندااین نیست این مگرافسانهٔ پیشینیان (۳۱) .

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوِ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٢﴾

وآنگاه که گفتند بارخدایا اگر هست این قرآن راست اززنزدیك تو پس ببار برما سنگ را ازآسمان یابیاربرما عذاب دردناك را (۳۲) .

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ

ونیست خداکه عذاب کندایشان را وتو میان ایشان باشی وهرگز نیست

---

(۱) تعریض است بآن قصه که کفاردرمکه جمع شده این رای می زدند .

وَإِنْ يَعُوْدُوْا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِيْنَ ﴿٣٨﴾

شودایشان را آنچه‌گذشت واگرعود کنند پس هرآئینه‌گذشته است روش پیشینیان[1] (۳۸) .

وَقَاتِلُوْهُمْ حَتّٰى لَا تَكُوْنَ فِتْنَةٌ وَّيَكُوْنَ الدِّيْنُ كُلُّهٗ لِلّٰهِ ۚ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللّٰهَ بِمَا يَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿٣٩﴾

وکارزار کنید ای مسلمانان بایشان تاآنکه نه باشد هیچ فتنه (یعنی غلبه کفر) و باشد دین همه برای خدا پس اگر بازایستند ازشرك (یعنی مسلمان شوند) هرآئینه خدا بآنچه میکنند بیناست (۳۹) .

وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوْٓا أَنَّ اللّٰهَ مَوْلٰىكُمْ ۚ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيْرُ ﴿٤٠﴾

واگر روبگردانند[2] پس بدانید که خدا مددگار شما است نیك مددگار است وی و نیك یاری دهنده است (٤٠) .

وَاعْلَمُوْٓا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهٗ وَلِلرَّسُوْلِ وَلِذِي الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ وَابْنِ السَّبِيْلِ إِنْ كُنْتُمْ اٰمَنْتُمْ بِاللّٰهِ وَمَآ أَنْزَلْنَا عَلٰى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعٰنِ ۗ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٤١﴾

وبدانید که آنچه غنیمت یا فتیدازکافران ازهرجنس پس پنجم حصه اش خداراست و پیغامبررا وخویشاوندان را[3] ویتیمان ودرویشان ومسافران را اگر ایمان آورده اید بخدا وبآنچه فروفرستادیم بربنده خویش روزی که جداشدحق از باطل روزیکه بهم آمدند دو گروه[4] وخدابرهمه چیز تواناست[5] (٤١) .

---

(۱) مترجم‌گوید واین تصویر است حال کسی را که مي خواهد جزو کل چیزی را باطل سازد ودفع کند .

(۲) یعنی ازاسلام .

(۳) یعنی خویشاوندان پیغامبر راکه بنی هاشم وبنی مطلب اند .

(٤) یعنی ایمان آوردند بآنکه بروزبدرنصرت نازل فرمود .

(٥) مترجم‌گوید چهار خمس غانمان را بایددادیك خمس دربیت المال نهاده برپنج حصه قسمت بایك دیگر علی اختلاف المذاهب والله اعلم .

بود که شما رستگارشوید (٤٥) .

وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَلَا تَنَازَعُوْا فَتَفْشَلُوْا وَتَذْهَبَ رِيْحُكُمْ وَاصْبِرُوْا اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ ﴿٤٦﴾

وفرمانبرداری کنید خدا ورسول اورا وبایکدیگر نزاع مکنید که درین صورت بزدل شوید وبرود دولت (وقوت) شما وشکیبائی کنید هرآئینه خدا باشکیبایان است (٤٦) .

وَلَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ خَرَجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَّرِئَآءَ النَّاسِ وَيَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۭ وَاللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُوْنَ مُحِيْطٌ ﴿٤٧﴾

ومباشید مانندکسانیکه بیرون آمدنداز خانه های خود ازروی سرکشی وخودنمائی بمردمان وبازمیدارند ازراه خدا وخدابآنچه می کنندربر گیرنده است[1] (٤٧) .

وَاِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطٰنُ اَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَاِنِّىْ جَارٌ لَّكُمْ ۚ فَلَمَّا تَرَاۗءَتِ الْفِئَتٰنِ نَكَصَ عَلٰي عَقِبَيْهِ وَقَالَ اِنِّىْ بَرِيْۗءٌ مِّنْكُمْ اِنِّىْٓ اَرٰي مَا لَا تَرَوْنَ اِنِّىْٓ اَخَافُ اللّٰهَ ۭ وَاللّٰهُ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ﴿٤٨﴾

وآنگاه که شیطان بیاراست برای این کافران کردار های ایشان را وگفت هیچ کس ازمردمان غلبه کننده نیست برشما امروز وهرآئینه من مدد کننده ام شمارا پس چون روبرو شدند هردوگروه باز گشت شیطان برپاشنهای خودوگفت هرآئینه من بی تعلقم ازشما هرآئینه من می بینم آنچه شما نه می بینید هرآئینه من می ترسم از خدا وخداسخت عقوبت است (٤٨) .

اِذْ يَقُوْلُ الْمُنٰفِقُوْنَ وَالَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ غَرَّ هٰٓؤُلَاۗءِ دِيْنُهُمْ ۭ وَمَنْ يَّتَوَكَّلْ عَلَي اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٤٩﴾

آنگاه که می گفتند منافقان وآنانکه در دلهای ایشان بیماریست فریفته کرده است این مسلمانان را دین ایشان وهرکه توکل کند برخدا هرآئینه خدا غالب درست کاراست (٤٩) .

---

(١) درین حالِ ابوجهل و تابعانِ اوست .

آرند (٥٥) .

اَلَّذِيْنَ عٰهَدْتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُوْنَ عَهْدَهُمْ فِيْ كُلِّ مَرَّةٍ وَّهُمْ لَا يَتَّقُوْنَ ﴿٥٦﴾

آنانکه عهدبسته ای بایشان بازمی شکنند عهد خودرا درهرمرتبه وایشان پرهیزنمی کنند[1] (٥٦) .

فَاِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُوْنَ ﴿٥٧﴾

پس اگر بیابی ایشان را درجنگ متفرق سازبه سبب کشتن ایشان آنان را که پس پشت ایشان باشند بُوَد که پندپذیر شوند (٥٧) .

وَاِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْۢبِذْ اِلَيْهِمْ عَلٰى سَوَآءٍ ۭ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْخَاۗىِٕنِيْنَ ﴿٥٨﴾

واگر بترسی ازگروهی خیانت را پس باز گردان بسوی ایشان عهد ایشانرا بنوعی که همه برابر شوند[2] هرآئینه خدادوست نمیدارد خیانت کنندگان را (٥٨) .

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا سَبَقُوْا ۭ اِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُوْنَ ﴿٥٩﴾

وباید که نه پندارند کافران که ایشان پیش دستی کرده اند هر آئینه ایشان عاجز نتوانند ساخت (٥٩) .

وَاَعِدُّوْا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَّمِنْ رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُوْنَ بِهٖ عَدُوَّ اللّٰهِ وَعَدُوَّكُمْ وَاٰخَرِيْنَ مِنْ دُوْنِهِمْ ۚ لَا تَعْلَمُوْنَهُمْ ۚ اَللّٰهُ يَعْلَمُهُمْ ۭ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ شَيْءٍ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ يُوَفَّ اِلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تُظْلَمُوْنَ ﴿٦٠﴾

ومهیاسازید ای مسلمانان برای ایشان آنچه توانید ازتوانائی[3] وازآماده داشتن اسپان بترسانیدبآن دشمن خدارا ودشمن خویش را وقومی دیگررا نیزبجزایشان شمانمی دانیدایشان را خدا میداند ایشان را[4] وآنچه خرج کنید ازهرچه باشد

---

(١) مترجم‌گوید تعریض است بقبائل یهود که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بایشان صلح کرده بودند وایشان وقت بعد وقت غدرمی نمودند والله اعلم .

(٢) یعنی ملامت نقض عهد برشمالازم نیاید والله اعلم .

(٣) یعنی استعمال آلات جنگ مثل تیرانداختن .

(٤) یعنی اهل نفاق را والله اعلم .

اَلْـٰٔنَ خَفَّفَ اللّٰهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ اَنَّ فِيْكُمْ ضَعْفًا ۚ فَاِنْ يَّكُنْ مِّنْكُمْ مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَّغْلِبُوْا مِائَتَيْنِ ۚ وَاِنْ يَّكُنْ مِّنْكُمْ اَلْفٌ يَّغْلِبُوْٓا اَلْفَيْنِ بِاِذْنِ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ ﴿٦٦﴾

اکنون سبك ساخت خدااز سرشما ودانست که درمیان شما ضعفی هست پس ا گر باشند ازشما صدکس شکیباغالب آیند بردوصدکس وا گر باشند ازشما هزارکس غالب آیند بردوهزار کس به فرمان خدا وخدا باصابران است (٦٦) .

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ اَنْ يَّكُوْنَ لَهٗٓ اَسْرٰى حَتّٰى يُثْخِنَ فِى الْاَرْضِ ۗ تُرِيْدُوْنَ عَرَضَ الدُّنْيَا ۖ وَاللّٰهُ يُرِيْدُ الْاٰخِرَةَ ۗ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٦٧﴾

سزاوار نه بود پیغامبری را که بدست وی اسیران باشند تاآنکه قتل بسیار بوجود آرد درزمین می خواهید مال دنیارا وخدامی خواهد مصلحت آخرت را وخدا غالب باحکمت است[1] (٦٧) .

لَوْلَا كِتٰبٌ مِّنَ اللّٰهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيْمَآ اَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿٦٨﴾

ا گر نبودی حکم از خداپیشی گرفته[2] البته میرسید به شمادرآنچه گرفتید عذاب بزرگ (٦٨) .

فَكُلُوْا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلٰلًا طَيِّبًا ۖ وَّاتَّقُوا اللّٰهَ ۗ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٦٩﴾

پس بخورید ازآنچه غنیمت گرفتید حلال پاکیزه وبترسیدازخدا هرآئینه خداآمرزندهٔ مهربان است(شمارا) (٦٩) .

يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّمَنْ فِيْٓ اَيْدِيْكُمْ مِّنَ الْاَسْرٰٓى ۙ اِنْ يَّعْلَمِ اللّٰهُ فِىْ قُلُوْبِكُمْ خَيْرًا يُّؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّآ اُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٧٠﴾

ای پیغامبر بگو آنان را که دردستهای شمااند ازاسیران ا گرداند خدا دردل شمانیکی البته بدهد شمارا بهترازآنچه گرفته شد از شما وبیامرزد شمارا وخدا

= ازان منسوخ شدبوجوب ثبات درمقابله دوچند والله اعلم .

(١) مترجم گوید صحابه ازاسیران بدرفدا گرفتند باجتهاد خویش ومرضی نزدیك خدای تعالی قتل اینجماعت بود لیکن چون بنص صریح ممنوع نشده بود عفو فرمود این آیت نازل شد .

(٢) یعنی حکم غیر منصوص ومُقدَّر درلوح محفوظ والله اعلم .

مَّغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ ﴿٧٤﴾

مومنان به حقیقت ایشان راست آمرزش و روزی نیك (٧٤) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوْا وَجٰهَدُوْا مَعَكُمْ فَاُولٰٓئِكَ مِنْكُمْ وَاُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰى بِبَعْضٍ فِيْ كِتٰبِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿٧٥﴾

وآنانکه ایمان آوردند پس ازین وهجرت نمودند وجهادکردند همراه شمااین گروه نیزازشماست وخویشاواندان بعض ایشان نزدیك تراند به بعضی درحکم خدا[1] هرآئینه خدا بهمه چیز داناست (٧٥) .

سُوْرَةُ التَّوْبَة

سوره توبه مدنی است وآن یك صدوبیست ونه آیت وشانزده رکوع است

بَرَآءَةٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖٓ اِلَى الَّذِيْنَ عٰهَدْتُّمْ مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿١﴾

قطع معامله است ازجانب خدا و رسول او از آنانکه عهد بسته بودید بایشان از مشرکان[2] (١) .

فَسِيْحُوْا فِي الْاَرْضِ اَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ وَّاعْلَمُوْٓا اَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللّٰهِ وَاَنَّ اللّٰهَ مُخْزِي الْكٰفِرِيْنَ ﴿٢﴾

پس سیرکنیدای مشرکان درزمین چهار ماه وبدانید که شما عاجز کنندهٔ خدا نه باشید وبدانید آنکه خدارسواکنندهٔ کافران است (٢) .

وَاَذَانٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖٓ اِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْاَكْبَرِ اَنَّ اللّٰهَ بَرِيْٓءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ ۙ وَرَسُوْلُهٗ فَاِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ

وخبر رسانید نست ازجانب خدا و رسول او بسوی مردمان روزحج بزرگ که خدا بیزاراست از مشرکان ورسول اونیز

---

(١) یعنی صله وتوارث میان اهل قرابت که اصحاب فروض وعصبات اند لازم است والله اعلم .

(٢) مترجم‌گویدسال نهم حضرت پیغامبرصلی الله علیه وسلم علی مرتضیٰ را در موسم حج فرستاد تاعهود مشرکان را براندازد الّاچهار ماه ایشان را فرصت داد تادر امر خود تأمل کنند مگردوفرقه بنی ضمره و بنو کنانه که خیانت درعهد نکرده بودند پس خدای تعالی عهد ایشانرا تامیعاد آن مقرر داشت وتا ندا کند که بعد ازین هیچ مشرك بحج نیاید وهیچ برهنه طواف کعبه نکند واوائل سوره برأة برایشان برخواند والله اعلم .

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِندَ اللَّهِ وَعِندَ رَسُولِهِۦٓ إِلَّا الَّذِينَ عَٰهَدتُّمْ عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۖ فَمَا اسْتَقَٰمُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٧﴾

چگو نه بود مشركان را عهدنزديك خدا ونزديك رسول او إلا آنانكه عهد بسته بوديد بايشان نزديك مسجد حرام[1] پس مادام كه برعهد ثابت باشند براى شما، نيز ثابت باشيد شمابراى ايشان هرآئينه خدا دوست ميدارد پرهيز گاران را (٧) .

كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً ۚ يُرْضُونَكُم بِأَفْوَٰهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَٰسِقُونَ ﴿٨﴾

چگونه بُوَدمشركان را عهد و ا گر غالب آيند برشما نگاه ندارند درباب شماحق خويشى را و نه عهد را رضامند مى سازند شمارا بدهنهاى خويش وقبول نمى كنددلهاى ايشان و بيشترين ايشان فاسقانند (٨) .

ٱشْتَرَوْا بِـَٔايَٰتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِۦٓ ۚ إِنَّهُمْ سَآءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩﴾

خريد كردند بآيت هاى خدابهاى اندك[2] پس بازداشتند مردمان را ازراه خدا هرآئينه بدكارى ست كه ايشان مى كردند (٩) .

لَا يَرْقُبُونَ فِى مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً ۚ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ ﴿١٠﴾

نگاه نمى دارند درباره هيچ مسلمانى حق خويشى را و نه عهدرا وآن جماعت ايشانند از حددر گذشتگان (١٠) .

فَإِن تَابُوا۟ وَأَقَامُوا۟ الصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُا۟ الزَّكَوٰةَ فَإِخْوَٰنُكُمْ فِى الدِّينِ ۗ وَنُفَصِّلُ الْـَٔايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾

پس ا گر توبه كنند وبرپادارندنمازرا وبدهند زكوٰة را پس ايشان برادران شمااند دردين وواضح مى سازيم آيات را براى گروهى كه مى دانند (١١) .

وَإِن نَّكَثُوٓا۟ أَيْمَٰنَهُم مِّنۢ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا۟ فِى دِينِكُمْ فَقَٰتِلُوٓا۟ أَئِمَّةَ الْكُفْرِ ۙ

و ا گر بشكنند سوگندان خويش را پس ازعهد بستن خويش وطعنه زنند دردين شما پس كارزار كنيد باپيشوايان كفر

---

(١) يعنى قريش كه درحديبيه بايشان صلح واقع شده بود .
(٢) يعنى تابع شهوات نفس شدند ايمانراترك كردند .

گانند[1] (۱۷) .

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَٰجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْءَاخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَوٰةَ وَءَاتَى الزَّكَوٰةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰٓ أُولَٰٓئِكَ أَن يَكُونُوا۟ مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾

جزاین نیست که عمارت می کند مسجد های خدارا کسیکه ایمان آورده است بخدا وبروزآخر وبرپاداشته است نمازرا وداده است زکوٰة ونه ترسیده است مگرازخدا پس توقع است که این جماعت ازراه یافتگان باشند (۱۸) .

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَآجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْءَاخِرِ وَجَٰهَدَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ ۚ لَا يَسْتَوُۥنَ عِندَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّٰلِمِينَ ﴿١٩﴾

آیاکردید آب نوشانیدن حاجیان را وآباد ساختن مسجد حرام را مانند عمل کسی که ایمان آورده است بخدا و روز آخر وجهاد کرده است درراه خدا برابرنیستند نزدِ خدا وخدا راه نمی نمایدگروه ستمگاران را (۱۹) .

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَهَاجَرُوا۟ وَجَٰهَدُوا۟ فِى سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِندَ اللَّهِ ۚ وَأُولَٰٓئِكَ هُمُ الْفَآئِزُونَ ﴿٢٠﴾

وآنانکه ایمان آوردند وهجرت کردند وجهادنمودند در راه خدا باموال خویش وجان های خویش بزرگ تراند درمرتبه نزدِ خدا واین جماعت ایشانند مطلب یابان (۲۰) .

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَٰنٍ وَجَنَّٰتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ ﴿٢١﴾

مژده دهدایشان را پروردگار ایشان برحمت اززنديك خودوبخوشنودی وببوستانها که ایشان را درآنجانعمت دائم بُوَد (۲۱) .

خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۚ إِنَّ اللَّهَ عِندَهُۥٓ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٢﴾

باشندگان آنجاهمیشه هرآئینه خدا نزدیك اوست مزد بزرگ (۲۲) .

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَتَّخِذُوٓا۟ ءَابَآءَكُمْ وَإِخْوَٰنَكُمْ

ای[2] مسلمانان دوست مگیرید پدران

---

(۱) مترجم‌گوید تعریض است به جواب مفاخرت قریش بعمارت مسجد حرام .

(۲) مترجم‌گوید بعد غزوه فتح درترغیب بر جهاد مشرکین واهل کتاب نازل شد .

غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٧﴾

خواهد[1] وخداآمرزنده مهربان است (٢٧) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِنَّمَا ٱلْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا۟ ٱلْمَسْجِدَ ٱلْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَٰذَا ۚ وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦٓ إِن شَآءَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾

ای مسلمانان جزاین نیست که مشرکان پلیداند پس بایدکه نزدیك نشوند به مسجد حرام بعد ازین سال شان واگر می ترسید تنگدستی را[2] پس توانگر خواهد ساخت شمارا خدا ازفضل خود اگر خواهد هرآئینه خدا دانای درست کارست[3] (٢٨) .

قَٰتِلُوا۟ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَلَا بِٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ ٱلْحَقِّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ حَتَّىٰ يُعْطُوا۟ ٱلْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَٰغِرُونَ ﴿٢٩﴾

جنگ کنید باآنانکه ایمان نمی آرند بخدا ونه به روزآخر وحرام نمی شمردند آنچه حرام کرده است خدا وپیغامبراو واختیار نمی کنند دین راست را ازاهل کتاب تاآنکه بدهندجزیه را ازدست خود خوارشدگان (٢٩) .

وَقَالَتِ ٱلْيَهُودُ عُزَيْرٌ ٱبْنُ ٱللَّهِ وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَى ٱلْمَسِيحُ ٱبْنُ ٱللَّهِ ۖ ذَٰلِكَ قَوْلُهُم بِأَفْوَٰهِهِمْ ۖ يُضَٰهِـُٔونَ قَوْلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِن قَبْلُ ۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُ ۖ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ﴿٣٠﴾

وگفتند یهود که عزیر پسرخداست وگفتند نصاری که مسیح پسر خداست این قول ایشان ست بدهنهای شان[4] مشابهت کرده اند باسخن قومی که کافر شدند پیش ازین[5] لعنت کرد ایشان را خدا چگونه بگردانیده می شوند[6] (٣٠) .

---

(١) یعنی توفیق اسلام دهد هرکراخواهد ازکافران والله اعلم .
(٢) یعنی بسبب انقطاع سوداگران والله اعلم .
(٣) مترجم‌گوید خدایتعالی درباب جهاداهل کتاب وگرفتن جزیه ازایشان می فرماید.
(٤) یعنی اصلی ندارد .
(٥) یعنی مشرکان که ملائکه را دختران خدا می‌گویند .
(٦) یعنی ازراه صواب .

مَا كَنَزْتُمْ تَكْنِزُونَ ﴿٣٥﴾

وپشتهای ایشان را وگفته شود این ست آنچه ذخیره نهادید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره می کردید (۳۵) .

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوٓا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٦﴾

هرآئینه شمار ماه ها نزدیك خدا دوازده ماه است درکتاب خدا روزی که آفرید آسمان ها و زمین راازآن جمله چهارماه حرام است اینست دین درست پس ستم مکنید درآن چهار ماه برخویشتن[1] وجنگ کنیدبامشرکان همه ایشان چنانکه ایشان جنگ می کنندباهمه شما وبدانید که خدا بامتقیان است (۳۶) .

إِنَّمَا النَّسِيٓءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِّيُوَاطِـُٔوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوٓءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٧﴾

جزاین نیست که نَسِی زیادتی است درکفر گمراه‌گردانیده می شوند بآن کافران حلال می شمرند آن ماه رایك سال وحرام می شُمُرَند آن را سال دیگرتاموافقت کنند با شمارآنچه حرام ساخته است خداپس حلال سازند چیزی را که حرام ساخته است خدا آراسته کرده شده است برای ایشان کردار های بدایشان وخداراه نمی نماید قوم کافران را[2] (۳۷) .

---

(۱) مترجم گوید دردین حضرت ابراهیم مقرربودکه در محرم ورجب ذیقعده وذی الحجه بایك دیگر جنگ نه کنندواهل جاهلیت این حکم را تحریف کرده‌گاهی صفررامحرم می ساختند ومحرم را صفرو علی هذاالقیاس واین را نسی می‌گفتند خدایتعالی اصل این حکم راباقی داشت باینوجه که جنگ ناحق هیچ‌گاه درست نیست و درین ماه ها حرمت آن مغلظ میشود وجنگ با کافران همه وقت درست است ونفی تحریف ایشان فرمود .

(۲) یعنی بقتال ناحق .

اِنْفِرُوْا خِفَافًا وَّثِقَالًا وَّجَاهِدُوْا بِاَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۭ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۴۱

بیرون آئید سبك بارو گرانبار[1] وجهاد کنید بمالهای خویش وجانهای خویش درراه خدا این بهتر است شمارا اگرمی دانید (٤١) .

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيْبًا وَّسَفَرًا قَاصِدًا لَّاتَّبَعُوْكَ وَلٰكِنْۢ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ ۭ وَسَيَحْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ ۚ يُهْلِكُوْنَ اَنْفُسَهُمْ ۚ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اِنَّهُمْ لَكٰذِبُوْنَ ۴۲

اگربودی آنچه بآن دعوت می کنی نفع قریب الحصول وسفری آسان البته پیروی می کردندترا ولیکن دورشد برایشان مسافت راه و سوگند خواهند خوردبخدا که اگر می توانستیم بیرون می آمدیم باشما هلاك می کنند خویش را[2] وخدامی داند که ایشان دروغگویند (٤٢) .

عَفَا اللّٰهُ عَنْكَ ۚ لِمَ اَذِنْتَ لَهُمْ حَتّٰى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا وَتَعْلَمَ الْكٰذِبِيْنَ ۴۳

عفوکندخدااازتوچرا دستور اجازت دادی ایشان را تاآنوقت که بُوَد که هویدا شوند مرترا راست‌گویان وبدانی دروغگویان را (٤٣) .

لَا يَسْتَاْذِنُكَ الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ اَنْ يُّجَاهِدُوْا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ ۭ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِالْمُتَّقِيْنَ ۴۴

اجازت نمی طلبند ازتوآنانکه ایمان آورده اند بخدا وروزآخردرتخلف ازآنکه جهادکنندباموال خویش وجانهای خویش وخداداناست بمتقیان (٤٤) .

اِنَّمَا يَسْتَاْذِنُكَ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوْبُهُمْ فَهُمْ فِيْ رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُوْنَ ۴۵

جزاین نیست که اجازت می طلبند ازتوآنانکه ایمان نمی آرند بخدا وروزآخر وشك آورده است دلهای ایشان پس ایشان درشك خود سرگردان می شوند (٤٥) .

وَلَوْ اَرَادُوا الْخُرُوْجَ لَاَعَدُّوْا لَهٗ عُدَّةً وَّلٰكِنْ كَرِهَ

و اگر خواستندی بیرون آمدن مهیامی

---

(١) یعنی درحالیکه اسباب وحشم بسیار داریدیابجز قدر ضروری بدست شما نباشد و باین توجیه آیت محکم باشد غیر منسوخ والله اعلم .

(٢) یعنی بسوگند دروغ .

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَآ إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَىٰنَا ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾

بگو هرگزنه رسدبما مگرآنچه نوشته است خدا برای مااوست کارسازما وبرخدا بایدکه توکل کنند مسلمانان (٥١) .

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَآ إِلَّآ إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ ۖ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِندِهِۦٓ أَوْ بِأَيْدِينَا ۖ فَتَرَبَّصُوٓا إِنَّا مَعَكُم مُّتَرَبِّصُونَ ﴿٥٢﴾

بگوانتظار نمی برید درحق ما مگریکی ازدوخصلت نیك را[1] ومماانتظار می کشیم درحقِ شما که برساندخدابه شما عذاب را اززنزدیك خود یا بدست ما پس انتظار کشید هرآئینه مانیزباشمامنتظرانیم (٥٢) .

قُلْ أَنفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّن يُتَقَبَّلَ مِنكُمْ ۖ إِنَّكُمْ كُنتُمْ قَوْمًا فَٰسِقِينَ ﴿٥٣﴾

بگوای منافقان خرج کنید بخوشی یا ناخوشی هرگزقبول کرده نخواهد شد ازشما هرآئینه شماهستید قوم فاسقان (٥٣) .

وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَٰتُهُمْ إِلَّآ أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِۦ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَوٰةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَٰرِهُونَ ﴿٥٤﴾

وبازنداشت ایشان را ازآن که قبول کرده شودازایشان خرج ایشان الّاآنکه ایشان کافرشدندبخدا ورسول او ونمی آیند به نماز مگرکاهلی کنان وخرج نمی کنند مگر ناخواهان (٥٤) .

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَٰلُهُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُهُمْ ۚ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُم بِهَا فِى الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَٰفِرُونَ ﴿٥٥﴾

پس به شگفت نیارد ترا مالهای ایشان ونه فرزندان ایشان جزاین نیست که می خواهد خدا که عذاب کند ایشان را بآنها درزندگانی دنیا[2] وبرآید جانهای ایشان وایشان کافرباشند (٥٥) .

وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ

و سوگند می خورند بخداکه ایشان از

= نیست والله اعلم .

(١) یعنی فتح یا شهادت .

(٢) یعنی مشقت جمع مال و حفظ اولاد و تأسف برآنچه فوت شود والله اعلم .

أُذُنُ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦١﴾

و می‌گویند وی سبك‌گوش است[1] بگووی سبك‌گوش نیکوست برای شما باورمی کند گفتهٔ خداراوقبول می کند مشورت مسلمانان را ورحمت است برای اهل ایمان ازشما وآنانکه ایذامی دهند پیغامبرخدارا ایشان راست عذاب درد دهنده (٦١) .

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَن يُرْضُوهُ إِن كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾

سو گند می خورند بخدا برای شما تارضامندکنند شمارا وخدا و رسول او سزاوار تراند بآنکه رضامند سازند او را اگر مسلمان اند (٦٢) .

أَلَمْ يَعْلَمُوٓا أَنَّهُ مَن يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَٰلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ﴿٦٣﴾

آیاندانستند که هرکه خلاف کند باخدا ورسول او پس هرآئینه اوراست آتش دوزخ جاویدان آنجا این ست رسوائی بزرگ (٦٣) .

يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُم بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِئُوٓا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ ﴿٦٤﴾

می ترسند منافقان ازآنکه فرودآورده شودبرمسلمانان سوره ای که خبردهد ایشان را بآنچه دردل های منافقان است بگومسخره کنید هرآئینه خداپدیدآرنده است چیزی را که می ترسید (٦٤) .

وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ﴿٦٥﴾

و اگرسوال کنی ایشان راگویند جزاین نیست که ما درهزل شروع می نمودیم وبازی می کردیم بگو آیابخدا وآیت های او وپیغامبراو تمسخرمی کردید (٦٥) .

لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِن نَّعْفُ عَن

عذرمگوئید هرآئینه شماکافریدبعدازایمان

---

(١) یعنی هرچه کسی‌گوید قبول می کند .

وَثَمُوْدَ ۚ وَقَوْمِ اِبْرٰهِيْمَ وَاَصْحٰبِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكٰتِ ۚ اَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ ۚ فَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوْٓا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ۝۷۰

آیانیامده است بایشان خبرآنانکه پیش ازایشان بودند قوم نوح وعاد وثمود وقوم ابراهیم واهل مدین واهل موتفکات آمدندبایشان پیغامبران ایشان به نشانه های روشن پس هرگز نه شدکه خدا ظلم کند برایشان ولیکن ایشان برخویشتن ظلم میکردند (۷۰) .

وَالْمُؤْمِنُوْنَ وَالْمُؤْمِنٰتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۘ يَاْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَيُطِيْعُوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ ۭ اُولٰۗىِٕكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللّٰهُ ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ۝۷۱

ومردان مسلمانان وزنان مسلمانان بعض ایشان دوستان بعض اند می فرمایند بکارپسندیده ومنع کنند ازکار ناپسندیده وبرپامی دارند نمازرا ومی دهند زکوٰة را وفرمانبرداری می کنند خدا ورسول اورا این جماعت رحم خواهد کرد برایشان خدا هرآئینه خداغالب درست کاراست (۷۱) .

وَعَدَ اللّٰهُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا وَمَسٰكِنَ طَيِّبَةً فِيْ جَنّٰتِ عَدْنٍ ۭ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللّٰهِ اَكْبَرُ ۭ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ۝۷۲

وعده کرده است خدامردان مسلمانان وزنان مسلمانان را بوستانها که میرود زیرآن جویها همیشه باشندگان آنجا وجایهای پاکیزه دربهشت های همیشه ماندن وخوشنودی خدابزرگ تراست ازهمه این ست پیروزی بزرگ (۷۲) .

يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنٰفِقِيْنَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ ۭ وَمَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ۭ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ۝۷۳

ای پیغامبر جهاد کن باکافران[1] وجهاد کن بامنافقان[2] ودرشتی کن برایشان وجای ایشان دوزخ است ووی بدجائ است (۷۳) .

---

(۱) یعنی بسیف .

(۲) یعنی بزبان .

اَلَّذِيْنَ يَلْمِزُوْنَ الْمُطَّوِّعِيْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ فِي الصَّدَقٰتِ وَالَّذِيْنَ لَا يَجِدُوْنَ اِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُوْنَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللّٰهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۷۹﴾

آنانکه عیب می کنند، رغبت کنندگان را ازمسلمانان درصدقات وعیب می کنند آنان را که نمی یابند مگرمشقت خودرا[۱] پس تمسخرمی کنند بایشان تمسخر کردخدابآن تمسخر کنندگان وایشان راست عذاب درد دهنده (۷۹) .

اِسْتَغْفِرْ لَهُمْ اَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ اِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِيْنَ مَرَّةً فَلَنْ يَّغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَفَرُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿۸۰﴾

آمرزش طلب کن برای ایشان یا آمرزش طلب مکن برای ایشان[۲] اگر آمرزش خواهی برای ایشان هفتادبار هرگز نیامرزد ایشان را خدا این بسبب آنست که ایشان کافرشدند بخداورسول او وخدا راه نمی نمایدگروه فاسقان را (۸۰) .

فَرِحَ الْمُخَلَّفُوْنَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلٰفَ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَكَرِهُوْٓا اَنْ يُّجَاهِدُوْا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَقَالُوْا لَا تَنْفِرُوْا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ اَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوْا يَفْقَهُوْنَ ﴿۸۱﴾

شادمان شدند پس ماندگان به نشستن خویش برخلاف پیغمبرخدا وناپسندکردند که جهاد کنند باموال خویش وبه جانهای خویش در راه خدا وگفتند بایکدیگربیرون مروید درگرمی بگوآتش دوزخ سخت تراست درگرمی اگردرمی یافتندی (چنین نکردندی) (۸۱) .

فَلْيَضْحَكُوْا قَلِيْلًا وَّلْيَبْكُوْا كَثِيْرًا ۚ جَزَآءً بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿۸۲﴾

پس باید که بخندنداندکی وبگریند بسیاری سزای آنچه می‌کردند[۳] (۸۲) .

فَاِنْ رَّجَعَكَ اللّٰهُ اِلٰى طَآئِفَةٍ مِّنْهُمْ فَاسْتَاْذَنُوْكَ لِلْخُرُوْجِ

پس اگر بازآردترا خدای تعالی بسوی گروهی ازایشان پس دستوری طلبند

---

(۱) یعنی بمزدوری چیزی پیدامیکنند وصدقه میدهند .

(۲) یعنی هردوصورت یکسان است .

(۳) مترجم‌گوید مرادخبرست باآنکه دردنیا خواهند خندیدودرآخرت خواهندگریست .

رستگاران (٨٨) .

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٨٩﴾

آماده ساخته است خدابرای ایشان بوستانها میرود زیرآن جویها جاویدان آنجا این ست پیروزی بزرگ (٨٩) .

وَجَآءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُۥ ۚ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٠﴾

وآمدند اهلِ عذر ازصحرای نشینان تادستوری داده شود ایشان راو نشستند آنانکه دروغ گفتند باخداورسول او (یعنی دراظهار اسلام) خواهد رسیدبکافران ازایشان عذاب درد دهنده (٩٠) .

لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَآءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۚ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِن سَبِيلٍ ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩١﴾

نیست برناتوانان ونه بر بیماران ونه بر آنانکه نه می یابند آنچه خرج کنند هیچ گناهی چون نیك خواهی کنند باخداورسول او نیست برنیکوکاران هیچ راه عتاب وخدا آمرزندهٔ مهربان است (٩١) .

وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَآ أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَآ أَجِدُ مَآ أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوا وَّأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنفِقُونَ ﴿٩٢﴾

ونه بر آنانکه چون بیایند پیش تو تا سواری دهی ایشان را گوئی نمی یابم آنچه سوارکنم شمارا برآن باز گردند وچشم های ایشان روان باشد باشك بجهت اندوه که نمی یابند آنچه خرج کنند (٩٢) .

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَـْٔذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَآءُ ۚ رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٩٣﴾

جزاین نیست که راه عتاب برآنان ست که دستوری می طلبند ازتو وایشان توانگرانند راضی شدند بآنکه باشند بازنان پس مانده ومُهر نهاد خدا بردلهای ایشان پس ایشان نمی فهمند (٩٣) .

مَا يُنْفِقُ قُرُبٰتٍ عِنْدَ اللّٰهِ وَصَلَوٰتِ الرَّسُوْلِ ۗ اَلَآ اِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ ۗ سَيُدْخِلُهُمُ اللّٰهُ فِيْ رَحْمَتِهٖ ۗ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٩٩﴾

بخدا وروزآخر ومی شمارد چیزی را که خرج می کند سبب قربت نزد خدا ووسیلهٔ دعای نیك پیغامبر آ گاه باش هر آئینه وی قربتست ایشان را داخل خواهد کرد ایشان را خدا دررحمت خود هرآئینه خداآمرزندهٔ مهربان است (۹۹) .

وَالسّٰبِقُوْنَ الْاَوَّلُوْنَ مِنَ الْمُهٰجِرِيْنَ وَالْاَنْصَارِ وَالَّذِيْنَ اتَّبَعُوْهُمْ بِاِحْسَانٍ ۙ رَّضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوْا عَنْهُ وَاَعَدَّ لَهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ تَحْتَهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ۭ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿١٠٠﴾

وسبقت کنندگان نخستین ازمهاجران وانصار وآنانکه پیروی ایشان کردند به نیکوکاری خوشنود شد خدا ازین جماعت وایشان خوشنود شدنداازوی وآماده ساخت برای ایشان بوستانهائی که میرود زیرآن جویها جاویدان آنجاهمیشه، این ست پیروزی بزرگ (۱۰۰) .

وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِّنَ الْاَعْرَابِ مُنٰفِقُوْنَ ۛ وَمِنْ اَهْلِ الْمَدِيْنَةِ ۛ مَرَدُوْا عَلَي النِّفَاقِ ۡ لَا تَعْلَمُهُمْ ۭ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ ۭ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّوْنَ اِلٰى عَذَابٍ عَظِيْمٍ ﴿١٠١﴾

ازآنانکه دوروبر شمایند ازاعراب منافقانند وبعضی ازاهل مدینه خوی نفاق دارند تونمی دانی ایشان را ماميدانيم ایشان را عذاب خواهیم دادایشانرا دوبار[1] سپس بازگردانیده شوند بسوی عذاب بزرگ (۱۰۱) .

وَاٰخَرُوْنَ اعْتَرَفُوْا بِذُنُوْبِهِمْ خَلَطُوْا عَمَلًا صَالِحًا وَّاٰخَرَ سَيِّئًا ۭ عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّتُوْبَ عَلَيْهِمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٠٢﴾

ودیگران هستند که اقرار کردند بگناهان خود آمیخته اند عمل نیك را باعمل دیگرکه بَدَست، نزدیك ست که خدا برحمت متوجه شود برایشان هرآئینه خداآمرزندهٔ مهربانست (۱۰۲) .

خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيْهِمْ بِهَا وَصَلِّ

بگیرازاموال ایشان زکوٰة راتاپاك سازی ایشان را وبابرکت کنی ایشان را بآن

---

(۱) یعنی درمیان مسلمانان ذلیل شوند ودراموال واولاد آفات بینند .

أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ ۚ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا ۚ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ ﴿١٠٨﴾

بنیاد نهاده شده است برنیت تقوی ازروزاوّل بهترست که بایستی درآن، آنجامردانی اند که دوست میدارند که پاك شوند وخدا دوست میدارد پاك شوندگان را (۱۰۸) .

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٩﴾

آیا کسی که بنیاد نهاد عمارت خودرا برترس ازخدا وخوشنودی اوبهترست یاآنکه بنیاد نهاده است عمارت خودرا برکنارهٔ زمین رودخوردهٔ درحال افتادن پس افتادباصاحب خوددرآتش دوزخ وخدا راه نمی نماید گروه ستمگاران را[1] (۱۰۹) .

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١١٠﴾

همیشه باشد عمارت ایشان که بناکرده اند[2] سبب شك دردلِ ایشان مگرآنکه پاره پاره شوددلهای ایشان وخدا دانای درست کاراست (۱۱۰) .

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ ۚ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ ۖ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ ۚ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ ۚ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ۚ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١١﴾

هرآئینه خداخریده است ازمسلمانان جانهای ایشان ومالهای ایشان را بعوض آنکه ایشان را باشد بهشت، جنگ می‌کنند درراه خدا پس می کشند وکشته می‌شوند وعدهٔ لازمی است بر خدا ثابت درتورات وانجیل وقرآن وکیست وفاکننده تر بعهدخویش از خدا پس شادمان باشید باین فروختن خود که

---

(۱) عمارت ساختن بر اساس تقوی کنایت است ازاخلاص دراعمال وعمارت شاختن برکنارهٔ رودخورده کنایت ازریاوعُجب دراعمال والله اعلم .

(۲) یعنی مسجد ضرار .

إِنَّ اللهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ ۭ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ١١٦

هرآئینه خدا ویراست پادشاهی آسمان هاوزمین زنده می کند و می میراند ونیست شمارا بجزوی هیچ کارسازی ویاری دهنده ای (١١٦) .

لَقَدْ تَّابَ اللهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهٰجِرِيْنَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْهُ فِيْ سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيْغُ قُلُوْبُ فَرِيْقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ ۭ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ١١٧

هرآئینه برحمت متوجه شد خدا برپیغامبر وآن مهاجران وانصار که پیروی وی کردند دروقت تنگ دستی بعدازآنکه نزدیك بود که منحرف شود دلهای‌گروهی ازایشان بازبرحمت متوجه شد برایشان هرآئینه وی برایشان بخشایندهٔ مهربان است (١١٧) .

وَعَلَى الثَّلٰثَةِ الَّذِيْنَ خُلِّفُوْا حَتّٰى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوْا أَنْ لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللهِ إِلَّا إِلَيْهِ ۭ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوْبُوْا ۭ إِنَّ اللهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ ١١٨

وبرآن سه کس که موقوف داشته شدند تاآنکه تنگ شد برایشان زمین باوجود فراخی آن وتنگ شدبرایشان جانهای ایشان ودانستند که پناهی نیست ازخدا مگر بسوی اوبازخدا برحمت متوجه شدبرایشان تاایشان رجوع کنند[1] هرآئینه خدا توبه پذیرندهٔ مهربانست (١١٨) .

يٰٓأَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَكُوْنُوْا مَعَ الصّٰدِقِيْنَ ١١٩

ای مسلمانان بترسید ازخدا وباشید باراستگویان (١١٩) .

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِيْنَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِّنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَّتَخَلَّفُوْا عَنْ رَّسُوْلِ اللهِ وَلَا يَرْغَبُوْا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَّفْسِهِ ۭ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيْبُهُمْ ظَمَأٌ وَّلَا نَصَبٌ وَّلَا مَخْمَصَةٌ فِيْ سَبِيْلِ اللهِ وَلَا يَطَئُوْنَ مَوْطِئًا يَّغِيْظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُوْنَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهٖ

لایق نَبُوَد اهل مدینه را وآنانراکه حوالی ایشانند ازاعراب که بازپس مانند ازهمراهیِ رسولِ خدا ونه آنانکه رغبت کنند درحفظ خویش اعراض کرده ازذاتِ رسول خدا این بسبب آنست که نمی رسدبایشان تشنگی ونه رنج ونه‌گرسنگی

---

(١) یعنی بمقام قریب .

وايشان شادمان می شوند (١٢٤) .

وَ اَمَّا الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا اِلٰى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوْا وَهُمْ كٰفِرُوْنَ ﴿١٢٥﴾

واما آنانکه دردلهای ایشان بیماریست پس افزوده است درحق ایشان پلیدی را همراه پلیدی ایشان ومُردند وایشان کافربودند (١٢٥) .

اَوَلَا يَرَوْنَ اَنَّهُمْ يُفْتَنُوْنَ فِيْ كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً اَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوْبُوْنَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُوْنَ ﴿١٢٦﴾

آیانمی بینند که ایشان سزاداده می‌شوند درهرسال یك بار یادوبار[1] بازتوبه نمی کنند ونه ایشان پندمی‌گیرند (١٢٦) .

وَاِذَا مَاۤ اُنْزِلَتْ سُوْرَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ اِلٰى بَعْضٍ ؕ هَلْ يَرٰىكُمْ مِّنْ اَحَدٍ ثُمَّ انْصَرَفُوْا ؕ صَرَفَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُوْنَ ﴿١٢٧﴾

وچون فرودآورده شود سوره ای[2] نظرکند بعض ایشان به بعضی باشرمندگی وگویدآیا می بیند هیچ کس شمارا؟ پس بازگردند[3]، بازگردانیده است خدادلهای ایشان را بسبب آنکه ایشان‌گروهی هستند که نمی دانند (١٢٧) .

لَقَدْ جَآءَكُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيْزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيْصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٢٨﴾

به تحقیق ای مسلمانان آمده است به شما پیغامبری ازقبیله شما دشوارست بروی رنج شما حریص است برهدایت شما به مسلمانان بخشاینده مهربان است (١٢٨) .

فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ ۖ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ؕ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ﴿١٢٩﴾

پس اگر بازگردند بگوبس است مراخدا، هیچ معبود برحقی نیست بجزوی، بروی توکل کردم واوخداوندِ عرش بزرگ است[4] (١٢٩) .

---

(١) یعنی باامراض ومصائب .

(٢) یعنی سوره ای که دروی بیان نفاق ایشان باشد .

(٣) یعنی بخانه های خود .

(٤) یعنی چنانکه قادرست عرش رانگاه می دارد و ترا نیز نگاه می دارد ازشرِ کافران ومنافقان .

يُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ۝٥

حساب را نیافریده است خدای تعالی این را مگر به تدبیر درست بیان می کند نشانها را برای گروهی که میدانند (۵) .

اِنَّ فِي اخْتِلَافِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللّٰهُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَّقُوْنَ ۝٦

هرآئینه درآمد ورفت شب وروز ودرآنچه آفریده است خدا درآسمان ها وزمین نشانه هاست گروهی را که پرهیزگاری می‌کنند (٦) .

اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ لِقَآءَنَا وَرَضُوْا بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَاطْمَاَنُّوْا بِهَا وَالَّذِيْنَ هُمْ عَنْ اٰيٰتِنَا غٰفِلُوْنَ ۝٧

هرآئینه آنانکه امید ندارند ملاقات مارا وخوشنود شده اند به زندگانی دنیا وآرام گرفته اند بآن وآنانکه ازنشانه های ما بی خبراند (۷) .

اُولٰٓئِكَ مَاْوٰىهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ۝٨

این جماعت جای ایشان آتش ست به سبب آنچه عمل می کردند (۸) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ يَهْدِيْهِمْ رَبُّهُمْ بِاِيْمَانِهِمْ ۚ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهِمُ الْاَنْهٰرُ فِيْ جَنّٰتِ النَّعِيْمِ ۝٩

هرآئینه آنانکه ایمان آورده اند وکارهای شائسته کرده اند هدایت کند ایشان را پروردگار بسبب ایمانِ ایشان یعنی بمقامات نجات، میرود زیرایشان جویهادر بوستانهای نعمت (۹) .

دَعْوٰىهُمْ فِيْهَا سُبْحٰنَكَ اللّٰهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيْهَا سَلٰمٌ ۚ وَاٰخِرُ دَعْوٰىهُمْ اَنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝١٠

دعای ایشان درآنجا سبحانك اللّهم باشد یعنی پاکی تراست بارِ خدایاو دعای خیر ایشان بایکدیگر سلام بُوَد و نهایت دعای ایشان این ست که حمد خداراست پروردگار عالمیان (۱۰) .

وَلَوْ يُعَجِّلُ اللّٰهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ اِلَيْهِمْ اَجَلُهُمْ ۭ فَنَذَرُ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ لِقَآءَنَا فِيْ طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ۝١١

و اگر زود می‌رسانید خدای تعالی بمردمان سختی رامانند آنکه زود می‌طلبندنعمت را بانجام رسانیده می‌شد در حق ایشان اجل ایشان پس می گذاریم آنان را که امید ملاقات ما ندارند سرگردان شده دربیراهیِ خویش (۱۱) .

عمری پیش ازاین آیادرنمی یابید (١٦) .

فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ كَذَّبَ بِاٰيٰتِهٖ ؕ اِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُوْنَ ﴿١٧﴾

پس کیست ستمگارتر ازکسی که بربندد برخدا دروغ را یا دروغ شُمُرَد آیاتِ وی را هرآئینه (سخن اینست که) رستگار نمی شوند گناهگاران (١٧) .

وَيَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُوْلُوْنَ هٰٓؤُلَآءِ شُفَعَآؤُنَا عِنْدَ اللّٰهِ ؕ قُلْ اَتُنَبِّـُٔوْنَ اللّٰهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِى السَّمٰوٰتِ وَلَا فِى الْاَرْضِ ؕ سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿١٨﴾

ومی پرستند بغیرازخدا چیزی که ضرر نه دهدایشان را ونه سود رساند بایشان ومی گویند ایشان شفاعت کنندگان مایند نزد خدا بگوآیا آ گاه می‌کنید خدارا بآنچه نمی داند درآسمان ها و زمین، پاکی وی راست وبرتراست ازآنکه شریك مقررمی کنند (١٨) .

وَمَا كَانَ النَّاسُ اِلَّآ اُمَّةً وَّاحِدَةً فَاخْتَلَفُوْا ؕ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ لَقُضِىَ بَيْنَهُمْ فِيْمَا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿١٩﴾

ونَبُودند مردمان مگریك امت[1] پس اختلاف کردند[2] وا گر نمی‌بود کلمه ای که سابق صادر شده است از پروردگار تو فیصله کرده می‌شد میان ایشان درآنچه اندران اختلاف دارند (١٩) .

وَيَقُوْلُوْنَ لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰيَةٌ مِّنْ رَّبِّهٖ ۚ فَقُلْ اِنَّمَا الْغَيْبُ لِلّٰهِ فَانْتَظِرُوْا ۚ اِنِّىْ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ﴿٢٠﴾

ومی گویند چرا فرو فرستاده نه شده است براین پیغامبر نشانه ای ازپروردگار وی بگوجزاین نیست که علم غیب خداراست پس انتظار کنید هرآئینه من باشما ازمنتظرانم (٢٠) .

وَاِذَآ اَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُمْ اِذَا لَهُمْ مَّكْرٌ فِىْٓ اٰيَاتِنَا ؕ قُلِ اللّٰهُ اَسْرَعُ مَكْرًا ؕ اِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُوْنَ مَا تَمْكُرُوْنَ ﴿٢١﴾

وچون بچشانیم مردمان را رحمتی پس ازسختی که رسیده بود بایشان ناگهان ایشان رابداندیشی باشددرنشان های

---

(١) یعنی برتوحید و ملت ابراهیمی .

(٢) یعنی بسبب عمرو بن لحی .

حَصِيْدًا كَاَنْ لَّمْ تَغْنَ بِالْاَمْسِ ۭ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿٢٤﴾

وآراسته شد وگمان کردند ساکنان آن زمین که ایشان توانایند برانتفاع ازآن ناگهان بیامد بزمین فرمان مادرشب یا درروز پس‌گردانیدیم آن را مثل زراعت ازبیخ بریده‌گویا نبود دیروز، همچنین بیان می کنیم نشانه ها را برای‌گروهی که تأمل می کنند (٢٤) .

وَاللّٰهُ يَدْعُوْٓا اِلٰى دَارِ السَّلٰمِ ۭ وَيَهْدِيْ مَنْ يَّشَاۗءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٢٥﴾

وخدا می خواند بسوی سرای سلامتی وهدایت می کند هرکراخواهد بسوی راه راست (٢٥) .

لِلَّذِيْنَ اَحْسَنُوا الْحُسْنٰى وَزِيَادَةٌ ۭ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوْهَهُمْ قَتَرٌ وَّلَا ذِلَّةٌ ۭ اُولٰۗىِٕكَ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٢٦﴾

آنان که نیکوکاری کردند برایشان بهشت باشدو زیاده برآن[1] ونه پوشدچهره های ایشان را هیچ سیاهی ونه هیچ خواری این جماعت اهل بهشت اندایشان آنجاجاودانند (٢٦) .

وَالَّذِيْنَ كَسَبُوا السَّيِّاٰتِ جَزَاۗءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا ۙ وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۭ مَا لَهُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ عَاصِمٍ ۚ كَاَنَّمَآ اُغْشِيَتْ وُجُوْهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ الَّيْلِ مُظْلِمًا ۭ اُولٰۗىِٕكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٢٧﴾

وآنان را که بعمل آوردند کردار های بد، جزای بدی مثل آنست وبپوشد ایشان را خواری، نباشد ایشان رااز خدا هیچ پناه دهنده، گویا پوشانیده شده است صورتهای ایشان به پاره هائی از شب تاریك این جماعت اهل آتش اند ایشان آنجاجاودانند (٢٧) .

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيْعًا ثُمَّ نَقُوْلُ لِلَّذِيْنَ اَشْرَكُوْا مَكَانَكُمْ اَنْتُمْ وَشُرَكَاۗؤُكُمْ ۚ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاۗؤُهُمْ مَّا كُنْتُمْ اِيَّانَا تَعْبُدُوْنَ ﴿٢٨﴾

وبترسید ازروزیکه برانگیزیم ایشانرا همه یکجا بازگوئیم مشرکان را بایستید برجای خود، شما وآنانکه شماایشان را شریك خداساخته اید پس جدائی اندازیم میان

---

(١) یعنی رؤیت خدای تعالی .

ثُمَّ يُعِيْدُهٗ فَاَنّٰى تُؤْفَكُوْنَ ﴿٣٤﴾

را بازدوباره بازگردانَدَش پس چگونه برگردانیده می‌شوید (ازعبادت خدا) (٣٤).

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَآئِكُمْ مَّنْ يَّهْدِيْٓ اِلَى الْحَقِّ قُلِ اللّٰهُ يَهْدِيْ لِلْحَقِّ اَفَمَنْ يَّهْدِيْٓ اِلَى الْحَقِّ اَحَقُّ اَنْ يُّتَّبَعَ اَمَّنْ لَّا يَهِدِّيْٓ اِلَّآ اَنْ يُّهْدٰى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُوْنَ ﴿٣٥﴾

بگوآیاهست ازشریکان شما کسی که راه نماید بسوی دین حق؟ بگوخدا ست که راه می نماید بسوی دین حق، پس کسی که راه می نماید بسوی حق لائق تراست بآنکه پیروی کرده شود یاکسیکه خود راه نمی یابد مگرآنوقت که راه نموده شود وی را پس چیست شمارا؟ چگونه حکم می‌کنید (٣٥).

وَمَا يَتَّبِعُ اَكْثَرُهُمْ اِلَّا ظَنًّا اِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِيْ مِنَ الْحَقِّ شَيْـًٔا اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌۢ بِمَا يَفْعَلُوْنَ ﴿٣٦﴾

وپیروی نمی کنند بیشتر ازایشان مگروهم را هرآئینه وهم کفایت نمی کند ازمعرفت حق چیزی را هرآئینه خدا داناست بآنچه می کنند (٣٦).

وَمَا كَانَ هٰذَا الْقُرْاٰنُ اَنْ يُّفْتَرٰى مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ تَصْدِيْقَ الَّذِيْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيْلَ الْكِتٰبِ لَا رَيْبَ فِيْهِ مِنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٣٧﴾

ونیست این قرآن افتراء بغیر حکم خدا ولیکن هست باوردارندهٔ آنچه پیش ازوی است وبیان شریعتی است که نوشته شد برمردمان هیچ شبهه نیست درآن از پروردگار عالم هااست (٣٧).

اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُ قُلْ فَاْتُوْا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهٖ وَادْعُوْا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٣٨﴾

آیامی گویند افترابسته است آن را بگوپس بیارید سوره ای مانند آن وبخوانید هرکرا توانید بغیرازخدا ا گر هستید راست گو (٣٨).

بَلْ كَذَّبُوْا بِمَا لَمْ يُحِيْطُوْا بِعِلْمِهٖ وَلَمَّا يَاْتِهِمْ تَاْوِيْلُهٗ كَذٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٣٩﴾

بلکه دروغ شمرده اندچیزی را که نمی‌دانندآنرا وهنوز نیامده است مصداق وعدهٔ وی هم چنین دروغ پنداشتند آنانکه پیش ازایشان بودند پس بنگر چگونه شد عاقبت ستمکاران (٣٩).

وَمِنْهُمْ مَّنْ يُّؤْمِنُ بِهٖ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَّا يُؤْمِنُ بِهٖ وَرَبُّكَ اَعْلَمُ

وازایشان کسی هست که ایمان می آرد

بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿٤٧﴾

آمد پیغامبر ایشان فیصله کرده شود میان ایشان بانصاف وبرایشان ستم کرده نه شود[1] (٤٧) .

وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٤٨﴾

ومی گویند کَی باشد این وعده اگر هستیدراست گو (٤٨) .

قُلْ لَّآ اَمْلِكُ لِنَفْسِيْ ضَرًّا وَّلَا نَفْعًا اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ لِكُلِّ اُمَّةٍ اَجَلٌ اِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَاْخِرُوْنَ سَاعَةً وَّلَا يَسْتَقْدِمُوْنَ ﴿٤٩﴾

بگو مالك نیستم برای خود زیانی ونه سودی مگر آنچه خداخواسته است هر گروهی رامیعادی هست چون بیاید میعادایشان تاخیرنه کنند ساعتی ونه سبقت جویند (٤٩) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ اَتٰىكُمْ عَذَابُهٗ بَيَاتًا اَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُوْنَ ﴿٥٠﴾

بگو آیادیده اید اگربیاید به شماعذاب او شبانگاه یابروز (بهرحال) چه چیزرا بشتاب می‌طلبند ازآن عذاب این گناه کاران (٥٠) .

اَثُمَّ اِذَا مَا وَقَعَ اٰمَنْتُمْ بِهٖ ءٰٓالْـٰٔنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهٖ تَسْتَعْجِلُوْنَ ﴿٥١﴾

باز وقتی که متحقق شود آیا ایمان آرید بآن آنگاه گفته شودآیااکنون ایمان آوردید وپیش ازین بشتاب می طلبیدید آن را[2] (٥١) .

ثُمَّ قِيْلَ لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا ذُوْقُوْا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ اِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُوْنَ ﴿٥٢﴾

بازگفته شود ستمگاران را به چشید عذاب جاویدان را جزا داده نمی شوید مگر بسبب آنچه شما می کردید (٥٢) .

وَيَسْتَنْۢبِـُٔوْنَكَ اَحَقٌّ هُوَ قُلْ اِيْ وَرَبِّيْٓ اِنَّهٗ لَحَقٌّ وَمَآ اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ﴿٥٣﴾

ومی پرسندترا آیادرست است این وعده بگوآری قسم به پروردگار من هرآئینه آن درست است وشماعاجز کننده نیستید (٥٣) .

---

(١) یعنی رسل واتباع ایشان نجات یابندوکافران هلاك شوند .

(٢) یعنی باستهزاوتکذیب .

بیشتر ایشان سپاسگذاری نمی کنند (٦٠).

وَمَا تَكُوْنُ فِيْ شَاْنٍ وَّمَا تَتْلُوْا مِنْهُ مِنْ قُرْاٰنٍ وَّلَا تَعْمَلُوْنَ مِنْ عَمَلٍ اِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُوْدًا اِذْ تُفِيْضُوْنَ فِيْهِ ۭ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَّبِّكَ مِنْ مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاۗءِ وَلَآ اَصْغَرَ مِنْ ذٰلِكَ وَلَآ اَكْبَرَ اِلَّا فِيْ كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ ۝٦١

ونمی باشی درهیچ شغلی ونمی خوانی هیچ آیتی راازطرف خداآمده ونمی کنیدهیچ کاری مگرهستیم برشما مطلع چون درمی آئید درآن کار وپوشیده نمی شود ازپروردگار تو هم وزن ذره ای درزمین ونه درآسمان ونیست خرد تر ازآن ونه بزرگ تر مگرنوشته شده است درکتاب روشن (٦١) .

اَلَآ اِنَّ اَوْلِيَاۗءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ۝٦٢

آ گاه باش هرآئینه دوستان خدا هیچ ترسی نیست برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (٦٢) .

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوْا يَتَّقُوْنَ ۝٦٣

آنانکه ایمان آوردند ومی‌ترسیدند (٦٣) .

لَهُمُ الْبُشْرٰى فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْاٰخِرَةِ ۭ لَا تَبْدِيْلَ لِكَلِمٰتِ اللّٰهِ ۭ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ۝٦٤

ایشان راست بشارت درزندگانیِ دنیا[1] ودرآخرت، نیست هیچ تبدیل مرسخنان خدارا این بشارت همانست پیروزی بزرگ (٦٤) .

وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ ۘ اِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيْعًا ۭ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ۝٦٥

وغمگین نه کند ترا سخن ایشان هرآئینه غلبه خداراست همه یك جا اوست شنوای دانا (٦٥) .

اَلَآ اِنَّ لِلّٰهِ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ ۭ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ شُرَكَاۗءَ ۭ اِنْ يَّتَّبِعُوْنَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنْ هُمْ اِلَّا يَخْرُصُوْنَ ۝٦٦

آ گاه باش هرآئینه خداراست هرکه درآسمان هاست وهرکه درزمین است وپیروی نمی کنند آنانکه پرستش می کنند بغیرازخدا شریکان را بحقیقت پیروی نمی کنند مگروهم را ونیستند مگر دروغ گو (٦٦) .

---

(١) یعنی برویای صالحه و بشارت .

ازمسلمانان (٧٢) .

فَكَذَّبُوْهُ فَنَجَّيْنٰهُ وَمَنْ مَّعَهٗ فِى الْفُلْكِ وَجَعَلْنٰهُمْ خَلٰٓئِفَ وَاَغْرَقْنَا الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِيْنَ ٧٣

پس دروغ پنداشتندش پس نجات دادیم اورا وآنان را که باوی بودند درکشتی وگردانیدیم ایشان را جانشین وغرق کردیم کسانی را که دروغ پنداشتند آیاتِ مارا پس بنگر چگونه شدآخرکار بیم کرده شدگان (٧٣) .

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهٖ رُسُلًا اِلٰى قَوْمِهِمْ فَجَآءُوْهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَمَا كَانُوْا لِيُؤْمِنُوْا بِمَا كَذَّبُوْا بِهٖ مِنْ قَبْلُ كَذٰلِكَ نَطْبَعُ عَلٰى قُلُوْبِ الْمُعْتَدِيْنَ ٧٤

بازفرستادیم بعد نوح پیغامبران را بسوی قوم ایشان پس آوردند پیش ایشان نشانه های روشن را پس هرگز مستعد آن نه بودند که ایمان آرند بآنچه دروغ پنداشته بودند آن را پیش ازین هم چنین مُهرمی‌نهیم بردل های ازحد گذرندگان (٧٤) .

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُّوْسٰى وَهٰرُوْنَ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهٖ بِاٰيٰتِنَا فَاسْتَكْبَرُوْا وَكَانُوْا قَوْمًا مُّجْرِمِيْنَ ٧٥

بازفرستادیم بعدازایشان موسیٰ وهارون را بسوی فرعون وقوم وی بانشانه های خویش پس تکبر کردند و بودند قومی گناهکار (٧٥) .

فَلَمَّا جَآءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوْٓا اِنَّ هٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِيْنٌ ٧٦

پس چون آمدبایشان سخن درست ازنزدِ ماگفتند هرآئینه این سِحرِ ظاهر است (٧٦) .

قَالَ مُوْسٰٓى اَتَقُوْلُوْنَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَكُمْ اَسِحْرٌ هٰذَا وَلَا يُفْلِحُ السّٰحِرُوْنَ ٧٧

گفت موسیٰ آیاچنین می گوئید سخن درست را چون بیامد به شماآیاسحراست این، ورستگارنمی شوند ساحران (٧٧) .

قَالُوْٓا اَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ اٰبَآءَنَا وَتَكُوْنَ لَكُمَا الْكِبْرِيَآءُ فِى الْاَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِيْنَ ٧٨

گفتند آیاآمده ای پیش ما تا باز داری مارا ازدینی که یافتیم برآن پدران خودرا وتاباشد شمارا ریاست درزمین ونیستیم ماشمارا باوردارنده (٧٨) .

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُوْنِىْ بِكُلِّ سٰحِرٍ عَلِيْمٍ ٧٩

وگفت فرعون بیارید پیش من هرساحر بسیار دانارا (٧٩) .

دِه مومنان را (٨٧) .

وَقَالَ مُوسٰى رَبَّنَآ اِنَّكَ اٰتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَاَهٗ زِيْنَةً وَّاَمْوَالًا فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۙ رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيْلِكَ ۚ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلٰٓى اَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْا حَتّٰى يَرَوُا الْعَذَابَ الْاَلِيْمَ ۝٨٨

وگفت موسىٰ ای پروردگارما هرآئینه توداده ای فرعون و قبیلهٔ اورازینت ومال های بسیار درزندگانی دنیا ای پروردگارما تا گمراه کنند عالم را ازراهِ تو ای پروردگارما مسخ کن مالهای ایشان را مُهر زَن بر دلهای ایشان که ایمان نیارند تابببینند عذاب درد دهنده (٨٨) .

قَالَ قَدْ اُجِيْبَتْ دَّعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيْمَا وَلَا تَتَّبِعٰٓنِّ سَبِيْلَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝٨٩

گفت خداهرآئینه قبول کرده شد دعای شما پس ثابت باشید وپیروی مکنید راه جاهلان را (٨٩) .

وَجٰوَزْنَا بِبَنِىٓ اِسْرَآءِيْلَ الْبَحْرَ فَاَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُوْدُهٗ بَغْيًا وَّعَدْوًا ۭ حَتّٰٓى اِذَآ اَدْرَكَهُ الْغَرَقُ ۙ قَالَ اٰمَنْتُ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّا الَّذِيْٓ اٰمَنَتْ بِهٖ بَنُوْٓا اِسْرَآءِيْلَ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ۝٩٠

وگذرانیدیم اولاد یعقوب را ازدریا پس درپَی ایشان شدند فرعون ولشکراو ازراه ستم وتعدی تاوقتی که رسیدش مشقّتِ غرق گفت باورداشتم که نیست هیچ معبود برحقی مگر آنکه ایمان آورده است به وی بنی اسرائیل ومن ازمسلمانانم (٩٠).

آٰلْـٰٔنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِيْنَ ۝٩١

گفته شدآیااکنون ایمان می‌آری وبتحقیق نافرمانی کرده بودی پیش ازاین و بودی ازمفسدان (٩١) .

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيْكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُوْنَ لِمَنْ خَلْفَكَ اٰيَةً ۭ وَاِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ اٰيٰتِنَا لَغٰفِلُوْنَ ۝٩٢

پس امروزنجات دهیم بَدَنَت را[1] (به همان جسد تویعنی بغیر تغییر) تاباشی نشانه آنان را که پس ازتوآیند وهرآئینه بسیاری از مردمان ازنشانه های ما بی‌خبراند (٩٢) .

وَلَقَدْ بَوَّاْنَا بَنِىٓ اِسْرَآءِيْلَ مُبَوَّاَ صِدْقٍ وَّرَزَقْنٰهُمْ مِّنَ

هرآئینه جادادیم بنی اسرائیل را بمقام

(١) یعنی بروی آب آریم ترا .

تامسلمان شوند (٩٩) .

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تُؤْمِنَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۭ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِيْنَ لَا يَعْقِلُوْنَ ١٠٠

وروانَبُوَد هیچ شخصی را که ایمان آردمگربخواست خدا ومی اندازد پلیدی را برآنانکه درنمی یابند (١٠٠) .

قُلِ انْظُرُوْا مَاذَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ وَمَا تُغْنِي الْاٰيٰتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُوْنَ ١٠١

بگو ببینید چه چیزاست درآسمان ها وزمین وفائده نمی دهند نشانه ها و ترسانند گان گروهی را که باورنمی کنند (١٠١) .

فَهَلْ يَنْتَظِرُوْنَ اِلَّا مِثْلَ اَيَّامِ الَّذِيْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ۭ قُلْ فَانْتَظِرُوْا ۭ اِنِّىْ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ١٠٢

پس انتظارنمی کشند مگرمانند مصیبت های آنانکه گذشتند پیش ازایشان بگو انتظار بکشید هرآئینه من نیزباشما ازمنتظرانم (١٠٢) .

ثُمَّ نُنَجِّيْ رُسُلَنَا وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كَذٰلِكَ ۚ حَقًّا عَلَيْنَا نُنْجِ الْمُؤْمِنِيْنَ ١٠٣

بازنجات دهیم پیغامبران خودرا وآنان را که ایمان آوردندهمچنین لازم است برماکه نجات دهیم مومنان را (١٠٣) .

قُلْ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنْ كُنْتُمْ فِيْ شَكٍّ مِّنْ دِيْنِيْ فَلَآ اَعْبُدُ الَّذِيْنَ تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ اَعْبُدُ اللّٰهَ الَّذِيْ يَتَوَفّٰىكُمْ ۚ وَاُمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ١٠٤

بگوای مردمان ا گر هستید درشبهه ازدین من پس نمی پرستم آنان را که شما می‌پرستید غیرازخدا ولیکن عبادت می‌کنم آن خدارا که قبض ارواح شما می‌کند وفرموده شدمرا که باشم ازمسلمانان (١٠٤) .

وَاَنْ اَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّيْنِ حَنِيْفًا ۚ وَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ١٠٥

وفرموده شدآنکه راست کن روی خود را برای دین حنیف وهرگز مباش ازمشرکان (١٠٥) .

وَلَا تَدْعُ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۚ فَاِنْ فَعَلْتَ فَاِنَّكَ اِذًا مِّنَ الظّٰلِمِيْنَ ١٠٦

ومخوان بجزخداچیزی را که سودندهد ترا وزیان نه رساند به تو پس ا گرچنین کنی باشی آنگاه ازستمگاران (١٠٦) .

وَاِنْ يَّمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهٗٓ اِلَّا هُوَ ۚ وَاِنْ يُّرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَاۗدَّ لِفَضْلِهٖ ۭ يُصِيْبُ بِهٖ مَنْ يَّشَاۗءُ مِنْ عِبَادِهٖ ۭ وَهُوَ

وا گر برساند خدا بتورنجی پس نیست بردارنده آن را مگر او وا گر خواهد

بزرگی او وا گر روگردان شوید پس هرآئینه من می ترسم برشما ازعذاب روز بزرگ (۳) .

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤﴾

بسوی خداست بازگشت شماواو برهرچیز تواناست (٤) .

أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ ۚ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٥﴾

آ گاه باش این کافران می پیچند سینه های خودرا[1] می خواهند که پنهان شوند ازخدا آ گاه باش چون برسر می‌کنند جامه های خودرا میداند آنچه پنهان می دارند وآنچه آشکار می کنند هرآئینه اوداناست بسریکه در سینه هاست[2] (۵) .

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا ۚ كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾

ونیست هیچ جنبنده درزمین مگربرخداست روزی اوو می داند جای ماندن اورا وجای نگاهداشتن اورا هریك درکتاب روشن ست[3] (٦) .

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَلَئِنْ قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ

واوست آنکه آفرید آسمان ها وزمین را درشش روز وبود عرش او برآب (آخرکار آفریدن شماآنکه) تابیازماید شمارا که کدام یك ازشما نیکوتراست

---

(۱) یعنی اعراض می کنند .

(۲) مترجم گوید میتوان گفت پیچیدن سینه عبارت ازآنست که فکر های ناصواب کند وبشبهات واهیه دل خودرا اطمینان دهد وعقائد حقه را فراموش سازد زیرا که صدراینجا بمعنی علوم صدرآمده است .

(۳) یعنی درلوح محفوظ نوشته شده مترجم گوید مستودع جائی است که بغیر اختیار اوآنجا نگاهداشته بودندمانند صُلب ورَحِم ومستقر جائیست که باختیار خود می‌ماند مثل خانه .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٣﴾

آیامی گویند افترابسته است (قرآن را) بگوپس بیارید ده سوره را مانندابن بربافته وبخوانید هرکرا توانید بجز خدا ا گر راست گوهستید[1] (۱۳) .

فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَن لَّا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٤﴾

پس ا گر قبول نکنند آن کافران سخن شمارا بدانید که قرآن نازل کرده شده است بعلم خدا وبدانید که هیچ معبود برحقی نیست مگروی پس آیاشما مسلمان هستید[2] (١٤) .

مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾

هرکه خواسته باشد زندگانی دنیا وتجمل آن بتمام رسانیم بسوی این جماعت جزای اعمال ایشانرا درینجا وایشان درینجا نقصان داده نه شوند[3] (١٥) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ ۖ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

این جماعت آنانند که نیست ایشان را درآخرت مگر آتش وباطل شد درآخرت آنچه کرده بودند ونابودست آنچه به عمل می آوردند (١٦) .

أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۚ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۚ وَمَن

آیاکسی که باشد بر حجتی ازجانب پروردگارخود[4] ودنبال وی می آید گواهی ازجانب پروردگار او[5] وپیش

---

(١) مترجم گوید نخست بِدَه سوره تحدّی واقع شدوچون ازآن عاجز شدند بیك سوره تحدّی فرمود .

(٢) یعنی براسلام ثابت باشید .

(٣) یعنی ثواب صدقه وصلهٔ رحم که ازکفار بوجود می آید در دنیا داده میشوند بتوسیع رزق وصحت بدن .

(٤) یعنی دلیل عقلی .

(٥) یعنی قرآن .

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ ﴿٢٢﴾

بیشك این جماعت درآخرت ایشانند زیانکارتر (۲۲) .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٣﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وعمل های شائسته کردند وفروتنی کردند توجه کنان بسوی پروردگار خویش ایشان اهل بهشت اند ایشان آنجا جاویدانند (۲۳) .

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ ۚ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾

مثال این دوفریق مانندکور وکر وبینا وشنواست آیا هردوبرابراند درصفت آیاپندنمی‌گیرید (۲٤) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٢٥﴾

وهرآئینه فرستادیم نوح رابسوی قوم اوگفت هرآئینه من برای شمابیم دهندهٔ آشکارم (۲۵) .

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۖ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿٢٦﴾

(باین مضمون) که مپرستید مگر خدارا هرآئینه من می ترسم برشما ازعذاب روزدرد دهنده (۲٦) .

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ الرَّأْيِ ۖ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾

پس گفتندجماعتی که کافربودند ازقوم اونمی بینیم ترا مگر آدمی مانند خویش ونه می بینیم که پیروی توکرده باشند (بتأمل سرسری) مگر آنانکه ایشان اراذل مایند ونمی بینیم برای شما هیچ بزرگی برخود بلکه می پنداریم شمارا دروغگو (۲۷) .

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِندِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمْ لَهَا كَارِهُونَ ﴿٢٨﴾

گفت ای قوم من خبر دهیدمرا بدانکه اگر باشم برحجتی از پروردگار خود وداده باشد بمن بخشائشی ازنزد خود پس پوشانیده شد حقیقت آن

أَن يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٣٤﴾

خواسته باشد که‌گمراه کند شمارا اوست پروردگار شما وبسوی اوبازگردانیده می‌شوید (٣٤) .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ ﴿٣٥﴾

(یا محمد) آیامی گویند افترابسته است قرآن را بگو اگر افترابسته ام قرآن را پس برمن است‌گناه من ومن بی تعلّقم ازگناه کردن شما[1] (٣٥) .

وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَن يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

ووحی فرستاده شد بسوی نوح که ایمان نخواهد آورد ازقوم تو مگرآنکه مومن شده است پس اندوه مخور بسبب آنچه می‌کردند (٣٦) .

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا ۖ إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ ﴿٣٧﴾

وبه ساز کشتی را بدیدگاه ما وبفرمانِ ما وسخن مگوبامن دربارهٔ آنانکه ستم کردند هرآئینه ایشان غرق شدگانند (٣٧) .

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ ۚ قَالَ إِن تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿٣٨﴾

ومی ساخت نوح کشتی را وهرگاه که می‌گذشت برآن کشتی جماعتی ازقوم او تمسخر میکردند باوی ،گفت اگر مسخره می کنید مارا پس هرآئینه مامسخره خواهیم کردشمارا چنانکه شما مسخره می‌کنید (٣٨) .

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٣٩﴾

پس خواهید دانست آن را که بیایدش عذابی که رسوا کندش وفرودآید بروی عقوبتی دائم (٣٩) .

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِن كُلٍّ

(درهمین معامله بود) تاوقتیکه آمدفرمان ما وبجوشید تنور وگفتیم بردارد‌رکشتی

---

(١) مترجم‌گوید این جمله اضافه کرده شددر وسط قصه قوم نوح تا تنبیه باشد بر تطبیق حال مشرکین مکه باحال قوم حضرت نوح والله اعلم .

وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ﴿٤٥﴾

من است وهرآئینه وعدهٔ توراست است وتوبهترین حکم کنندگانی (٤٥) .

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٤٦﴾

گفت ای نوح هرآئینه وی نیست ازاهل تو هر آئینه او کاری ناشائسته است پس سوال مکن تو مرا ازچیزی که نیست ترا دانش به آن هرآئینه من پندمیدهم ترا برای احتراز ازآنکه باشی ازجاهلان (٤٦) .

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٤٧﴾

گفت ای پروردگار من هرآئینه من پناه می‌برم به توازآنکه به پرسم ازتو آنچه نیست مرادانش به آن واگر نیامرزی مرا و رحمت نه کنی برمن باشم از زیان کاران (٤٧) .

قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٨﴾

گفته شدای نوح فرودآ با سلامتی ازجانب ما وهمراه برکت هافرودآمده برتووبرامت هائی که پیدا شوند ازهمراهان تووامت هائی دیگرکه بهره مند می سازیم ایشان را دردنیابازبرسد بایشان ازجانب ماعذاب درد دهنده (٤٨) .

تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٤٩﴾

این قصه ازاخبار غیب است وحی میفرستیم آن را بسوی تونمی دانستی آن را تو ونه قوم تو می دانستندپیش ازین پس صبرکن هرآئینه عاقبت مرمتقیان راست (٤٩) .

وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ﴿٥٠﴾

وفرستادیم بسوی عاد برادر ایشان هود را گفت ای قوم من عبادت کنید خدارا نیست شماراهیچ معبود برحقی بجزوی نیستید شما مگر افتراء کننده (٥٠) .

يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي

ای قوم من نمی طلبم ازشما براین پیغام مزدی را، نیست مزدمن مگر برکسیکه

قَوْمًا غَيْرَكُمْ ۚ وَلَا تَضُرُّوْنَهٗ شَيْـًٔا ۭ اِنَّ رَبِّيْ عَلٰي كُلِّ شَيْءٍ حَفِيْظٌ ۝۵۷

قـومـی را بغیـراز شمـاوهیـچ زیـان نتوانیدرسانیدن خدارا هرآئینه پروردگار من برهمه چیزنگهبان است (۵۷) .

وَلَمَّا جَاۗءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُوْدًا وَّالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا ۚ وَنَجَّيْنٰهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيْظٍ ۝۵۸

وچون آمد عذاب مانجات دادیم هود را وآنان را که ایمان آوردند باوی برحمتی ازجـانـب خـود و بـرهـانیـدیـم ایشـان راازعقوبتِ سخت (۵۸) .

وَتِلْكَ عَادٌ ۭ جَحَدُوْا بِاٰيٰتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهٗ وَاتَّبَعُوْٓا اَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ ۝۵۹

واین است سرگذشت عاد انکار کردند آیات پروردگار خودرا ونافرمانی نمودند پیغامبران اورا وپیروی کردند فرمان هرسرکش ستیزنده را (۵۹) .

وَاُتْبِعُوْا فِيْ هٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَّيَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۭ اَلَآ اِنَّ عَادًا كَفَرُوْا رَبَّهُمْ ۭ اَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُوْدٍ ۝۶۰

وازپَیِ ایشان فرستاده شددردنیا لعنتی وروزقیامت نیز، آگاه باش هرآئینه عاد کافرشدند به پروردگار خود آگاه باش نفرین بادعاد را که قوم هودبودند (۶۰).

وَاِلٰى ثَمُوْدَ اَخَاهُمْ صٰلِحًا ۘ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ۭ هُوَ اَنْشَاَكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيْهَا فَاسْتَغْفِرُوْهُ ثُمَّ تُوْبُوْٓا اِلَيْهِ ۭ اِنَّ رَبِّيْ قَرِيْبٌ مُّجِيْبٌ ۝۶۱

وفرستادیم بسوی ثمود برادرایشان صالح راگفت ای قوم من عبادت کنید خدارا نیست شمارا هیچ معبود برحقی بجزوی اوپیداکـرد شمـارا اززمیـن[1] و سـاکـن گردانید شمارا درزمین پس طلب آمرزش کنید ازوی بازرجوع کنید بسوی او هرآئینه پروردگار من نزدیك است پذیرندهٔ دعاست (۶۱) .

قَالُوْا يٰصٰلِحُ قَدْ كُنْتَ فِيْنَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هٰذَآ ۤ اَتَنْهٰىنَآ اَنْ نَّعْبُدَ مَا يَعْبُدُ اٰبَاۗؤُنَا ۭ وَاِنَّنَا لَفِيْ شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُوْنَنَآ اِلَيْهِ مُرِيْبٍ ۝۶۲

گفتنـد ای صـالـح بـودی تـودرمیـان ماامیدداشته شده پیش ازین آیامنع می‌کنی مارااز‌آنکه عبادت کنیم معبودانی را که

---

(۱) یعنی آفریدپدرومادر شما آدم وحوا راازخاك که شما ازنسل آنهائید .

فَمَا لَبِثَ أَنْ جَآءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ﴿٦٩﴾

به بشارت، سلام گفتند ابراهیم جواب سلام داد پس درنگ نکرد درآنکه آورد گوساله ای‌بریان (٦٩) .

فَلَمَّا رَأَىٰٓ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۚ قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّآ أُرْسِلْنَآ إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٠﴾

پس چون دیدکه دستهای ایشان نمی رسد بآن خوف زده شد ازایشان وبخاطر آوردازایشان ترسی گفتندمترس هرآئینه مافرستاده شده ایم بسوی قوم لوط (٧٠) .

وَامْرَأَتُهُۥ قَآئِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَٰهَا بِإِسْحَٰقَ وَمِنْ وَرَآءِ إِسْحَٰقَ يَعْقُوبَ ﴿٧١﴾

وزن ابراهیم ایستاده بود پس بخندید[1] پس مژده دادیمش بتولد اسحاق وبعد اسحاق بوجود یعقوب (٧١) .

قَالَتْ يَٰوَيْلَتَىٰٓ ءَأَلِدُ وَأَنَا۠ عَجُوزٌ وَهَٰذَا بَعْلِى شَيْخًا ۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَىْءٌ عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾

گفت ای وای برمن آیاخواهم زادومن پیرم واین شوهر من است کلان سال شده هرآئینه این چیزی عجیب است (٧٢) .

قَالُوٓا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ ٱللَّهِ ۖ رَحْمَتُ ٱللَّهِ وَبَرَكَٰتُهُۥ عَلَيْكُمْ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ ۚ إِنَّهُۥ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ﴿٧٣﴾

فرشتگان گفتند آیا تعجب می کنی ازقدرتِ خدا، بخشائش خدا و برکات اوبرشماست ای اهل این خانه هرآئینه خداستوده شدهٔ بزرگوارست (٧٣) .

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَٰهِيمَ ٱلرَّوْعُ وَجَآءَتْهُ ٱلْبُشْرَىٰ يُجَٰدِلُنَا فِى قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾

پس چون رفت ازابراهیم خوف وآمدش بشارت شروع نمود جدال کردن با مادربارهٔ قوم لوط (٧٤) .

إِنَّ إِبْرَٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّٰهٌ مُّنِيبٌ ﴿٧٥﴾

هرآئینه ابراهیم بردبار ناله کننده رجوع کننده بخدابود (٧٥) .

يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَآ ۖ إِنَّهُۥ قَدْ جَآءَ أَمْرُ رَبِّكَ ۖ وَإِنَّهُمْ ءَاتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ﴿٧٦﴾

گفتیم ای ابراهیم بگذرازین جدال هرآئینه (حال اینست که) آمد عقوبت پروردگار تو وهر آئینه این جماعت

---

(١) مترجم‌گوید یعنی بسبب خوش وقتی ازهلاك قوم لوط .

ایشان وقت صبح ست آیاصبح نزدیك نیست؟ (٨١) .

فَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنضُودٍ ﴿٨٢﴾

پس چون آمد فرمان ما ساختیم زبرآن (ده ها) را زیرآن وبارانیدیم برآنجاسنگهاای ازگِل پخته ، پَی درپَی (٨٢) .

مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ﴿٨٣﴾

نشان مند ساخته شده نزد پروردگار تووااین سنگ هانیستند دورازستمگاران (٨٣) .

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۚ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۖ وَلَا تَنقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ ۚ إِنِّي أَرَاكُم بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ ﴿٨٤﴾

وفرستادیم بسوی قوم مدین برادرایشان شعیب راگفت ای قوم من عبادت کنید خدارا نیست شمارا هیچ معبود برحقی مگروی وکم مکنید پیمانه وترازو را هر آئینه من می بینم شمارا که درنعمتید وهرآئینه من می ترسم برشماازعذاب روزدر بگیرنده[1] (٨٤) .

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ۖ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٨٥﴾

وای قوم من کامل کنید پیمانه وترازو را بانصاف وکم مرسانید بمردمان چیزهای ایشان را وتباهکاری مکنید درزمین فسادکنان (٨٥) .

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ۚ وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ ﴿٨٦﴾

باقی‌گذاشتهٔ خدای تعالی بهتر است برای شما اگر باور دارنده اید ونیستم من برشما نگهبان (٨٦) .

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَن نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَن نَّفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ ۖ إِنَّكَ لَأَنتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿٨٧﴾

گفتند ای شعیب آیانماز تومیفرمایدترا که بگذاریم آنچه می پرستیدند پدران ما یا بگذاریم آنکه کنیم درمال خود هرچه خواهیم هرآئینه تو مردِ بُردبار شائستهٔ

---

(١) یعنی هلاك کننده .

وَرَآءَكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٩٢﴾

تراست پیش شماازخدا وگرفتید خدا را انداخته پس پشت خویش هرآئینه پروردگار من بآنچه میکنید دربرگیرنده است (۹۲) .

وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۖ سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۙ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ ۖ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿٩٣﴾

وای قوم من عمل کنید برطور خود هرآئینه من نیز عمل کننده ام زود خواهید دانست آن را که بیایدش عذابی که رسوا کندش وآن را که وی دروغگوست وانتظار برید هرآئینه من باشما منتظرم (۹۳) .

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٩٤﴾

ووقتیکه آمد عذاب ما نجات دادیم شعیب را وآنان را که ایمان آوردند باوی به بخشائشی ازخود ودرگرفت ظالمان را آواز سخت پس‌گشتند درسراهای خویش مرده افتاده (۹٤) .

كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۗ أَلَا بُعْدًا لِمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ ﴿٩٥﴾

گویاهرگز نه بودند آنجا آگاه باش دوری باد مَدیَن را چنانکه دور افتادند ثمود (۹۵) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٩٦﴾

وهرآئینه فرستادیم موسیٰ را به نشانه های خود وبه دلیل روشن (۹٦) .

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ ۖ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿٩٧﴾

بسوی فرعون وجماعت او پس پیروی کردند فرعون را ونه بود فرمان فرعون براه راست (۹۷) .

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ ۖ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ ﴿٩٨﴾

پیشوا شود فرعون قوم خودرا روزقیامت پس بیاردایشان را بآتش وبدجائیست که وارد آن شدند (دوزخ) (۹۸) .

وَأُتْبِعُوا فِي هَٰذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ ﴿٩٩﴾

وازپی ایشان آورده شد لعنت درین دنیا وروزقیامت نیز بدعطائیست که داده

پروردگار تو هر آئینه پروردگار تومی کند آنچه می خواهد (۱۰۷) .

وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ ﴿١٠٨﴾

واما آنانکه نیك بخت کرده شدند پس دربهشت باشندجاودان آنجاتامدتِ بقای آسمان ها وزمین مگرآنچه که خواسته است پروردگار توبخششی غیر منقطع[1] (۱۰۸) .

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ﴿١٠٩﴾

پس مباش درشبهه ازآنچه می پرستند این گروه نمی پرستند مگر چنانکه می‌پرستیدند پدران ایشان پیش ازین وماالبته تمام دهندهٔ ایشانیم حصه ایشان را ناکاهیده[2] (۱۰۹) .

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿١١٠﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ راکتاب پس اختلاف افتاد درآن وا گر نمی بود سخنی که سابقًا صادر شده از پروردگار تو هرآئینه فیصله کرده می شد میان ایشان و ایشان درشبهه قوی اندازآن (۱۱۰) .

وَإِنَّ كُلًّا لَمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١١﴾

وهرآئینه هرکسی وقتی که برانگیخته شود البته تمام خواهد دادایشان را پروردگار توجزای کردار ایشان هرآئینه وی بآنچه میکنند داناست (۱۱۱) .

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾

پس استوار باش چنانچه فرموده شده توراوآنانکه توبه کرده اند همراه تونیز، وازحد مگذریدهرآئینه وی بآنچه می کنید

---

(۱) مترجم گوید یعنی مدت ماندن دربهشت ودوزخ مانند مدت دوام آسمان ها وزمین است دردنیا اگر زیادتی را که درمشیت خداست ودرفهم کسی نمی گنجد اعتبار نکندحاصل بیان دوام است بابلغ وجوه والله اعلم .

(۲) یعنی حصه ایشان ازعذاب .

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾

پروردگار تو، که البته پرکنم دوزخ را از جنیان ومردمان همه یك جا[1] (۱۱۹) .

وَكُلًّا نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَآءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ ۚ وَجَآءَكَ فِي هَٰذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٠﴾

وهرچیزی را حکایت می کنیم برتوازاخبار پیغامبران آن چیزی است که ثابت می گردانیم بآن دل ترا وآمده است به تودرین سوره سخن درست و پندی ویادآوری برای مسلمانان (۱۲۰) .

وَقُل لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ ﴿١٢١﴾

وبگوآنان را که ایمان نمی آرند عمل کنید برطور خود هرآئینه مانیز عمل کنندگانیم (۱۲۱) .

وَانتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ ﴿١٢٢﴾

وانتظار کشید هرآئینه مانیز منتظریم (۱۲۲).

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٣﴾

وخدا راست علم غیب آسمان ها وزمین وبسوی اوبازگردانیده می شودکار همه آن پس عبادت کن اورا وتوکل کن براو ونیست پروردگار تو بیخبر ازآنچه می‌کنید (۱۲۳) .

سُورَةُ يُوسُفَ

سورهٔ یوسف مکی است وآن یك صدویازده آیت ودوازده رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الر ۚ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿١﴾

الرْ این آیت ها آیاتِ کتاب روشن است (۱) .

إِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢﴾

هرآئینه مافروفرستادیم آن را قرآن عربی

---

(۱) مترجم گوید درعرف اختلاف رانسبت میکنند باهل باطل نه باهل حق ویقال قال اهل الحق کذاوخالَفَهُم فِرَقٌ پس استثنای مَنْ رَحِمَ بی تکلف صحیح شد والله اعلم .

وَ تَكُوْنُوْا مِنْۢ بَعْدِهٖ قَوْمًا صٰلِحِيْنَ ۝٩

پدرشماوتاباشید بعد ازین گروهی شائسته (یعنی توبه کنید) (۹) .

قَالَ قَآئِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوْا يُوْسُفَ وَ اَلْقُوْهُ فِيْ غَيٰبَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ اِنْ كُنْتُمْ فٰعِلِيْنَ ۝١٠

گفت گوینده ازایشان مَکُشید یوسف را و بیفکنیدش درقعرِ تاریك چاه تا برگیرداو را بعض مسافران اگر کنندگانید (این کاررا) (۱۰) .

قَالُوْا يٰۤاَبَانَا مَا لَكَ لَا تَاْمَنَّا عَلٰى يُوْسُفَ وَ اِنَّا لَهٗ لَنٰصِحُوْنَ ۝١١

گفتند ای پدرما چیست حال توکه امین نمی پنداری مارا بر یوسف وهرآئینه ماورانیك خواهانیم (۱۱) .

اَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَّرْتَعْ وَ يَلْعَبْ وَ اِنَّا لَهٗ لَحٰفِظُوْنَ ۝١٢

بفرست اوراباما فردا تا میوه بسیار خُورَد وبازی کند وهرآئینه ما اورا نگاه بانیم (۱۲) .

قَالَ اِنِّيْ لَيَحْزُنُنِيْۤ اَنْ تَذْهَبُوْا بِهٖ وَ اَخَافُ اَنْ يَّاْكُلَهُ الذِّئْبُ وَ اَنْتُمْ عَنْهُ غٰفِلُوْنَ ۝١٣

گفت هرآئینه اندوهگین می کندمرا آنکه بِبَریدش ومی ترسم ازآنکه بخورد اورا گرگ وشماازوی بی خبرباشید (۱۳) .

قَالُوْا لَئِنْ اَكَلَهُ الذِّئْبُ وَ نَحْنُ عُصْبَةٌ اِنَّاۤ اِذًا لَّخٰسِرُوْنَ ۝١٤

گفتند اگر بخورَد او را گرگ وماجماعتی هستیم هرآئینه ما آنگاه زیان کارباشیم (۱٤).

فَلَمَّا ذَهَبُوْا بِهٖ وَ اَجْمَعُوْۤا اَنْ يَّجْعَلُوْهُ فِيْ غَيٰبَتِ الْجُبِّ وَ اَوْحَيْنَاۤ اِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِاَمْرِهِمْ هٰذَا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ۝١٥

پس چون بِبُرَندَش و عزیمت کردند که بیفکنندش درقعر تاریك چاه ووحی فرستادیم بسوی اوکه البته خبردار خواهی ساخت ایشان را باین ماجرای ایشان و ایشان نه شناسند (۱۵) .

وَ جَآءُوْۤ اَبَاهُمْ عِشَآءً يَّبْكُوْنَ ۝١٦

وآمدندپیش پدرخودشبانگاه میگریستند (۱٦) .

قَالُوْا يٰۤاَبَانَاۤ اِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَ تَرَكْنَا يُوْسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَاَكَلَهُ الذِّئْبُ وَ مَاۤ اَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَ لَوْ كُنَّا صٰدِقِيْنَ ۝١٧

گفتند ای پدرماهرآئینه ماشروع کردیم در مسابقه وگذاشتیم یوسف را نزدیك رخت خویش پس بِخُورد او راگرگ نیستی توباور دارندهٔ ما اگرچه باشیم راستگو (۱۷) .

مرا[1] هرآئینه رستگارنمی شوند ظالمان (٢٣) .

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِۦ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَآ أَن رَّءَا بُرْهَٰنَ رَبِّهِۦ ۚ كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ ٱلسُّوٓءَ وَٱلْفَحْشَآءَ ۚ إِنَّهُۥ مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿٢٤﴾

وهرآئینه قصد کردآن زن بسوی یوسف وقصد کردی یوسف بسوی او ا گر نه بودآنکه دید یوسف دلیل پروردگار خودرا، چنین کردیم تابازگردانیم ازوی بدی وبی حیائی را هرآئینه وی از بندگان مخلص ماست (٢٤) .

وَٱسْتَبَقَا ٱلْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُۥ مِن دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا ٱلْبَابِ ۚ قَالَتْ مَا جَزَآءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوٓءًا إِلَّآ أَن يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٥﴾

وبایکدیگرسبقت کردند بسوی دروازه وبدریدآن زن پیراهن یوسف را از پشت ویافتند شوهر زن رانزدیك دروازه گفت چیست جزای کسیکه خواسته باشد باهل توکاربد را مگر آنکه بزندان انداخته شود یا عقوبتی درد دهنده (٢٥) .

قَالَ هِىَ رَٰوَدَتْنِى عَن نَّفْسِى ۚ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَآ إِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٢٦﴾

یوسف گفت این زن خواست مرااز نفس من وگواهی داد گواهی از قبیلهٔ زن که ا گر هست پیراهن یوسف دریده از جلو، پس این زن راست گفته است ویوسف ازدروغ گویانست (٢٦) .

وَإِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٢٧﴾

وا گر هست پیراهن او دریده ازپشت، پس این زن دروغ گفته است ویوسف ازراست گویان است (٢٧) .

فَلَمَّا رَءَا قَمِيصَهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُۥ مِن كَيْدِكُنَّ ۖ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾

پس شوهرش چون دیدپیراهن اورا دریده ازپشت، گفت این قضیه ازمکر شما زنان است هرآئینه مکرشما زنان بزرگ است (٢٨) .

---

(١) یعنی خیانت اونتوانم کرد .

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٤﴾

پس بازداشت ازیوسف فریب ایشان را هرآئینه وی شنوای داناست (٣٤) .

ثُمَّ بَدَا لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٣٥﴾

بازظاهر شدآن جماعت را بعد ازآن که دیده بودند نشانه ها که البته بزندان درآورند اوراتامدتی[1] (٣٥) .

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ ۖ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا ۖ وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ ۖ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ ۖ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٦﴾

وداخل شدند بزندان همراه یوسف دوجوان یکی ازایشان گفت هرآئینه بخواب می بینم خودرا که آب گیرم ازانگور ودیگری گفت که هرآئینه بخواب می بینم خودرا که برداشته ام برسرخود نانی که مرغان ازآن میخورند خبرداركن مارا به تعبیر این خواب هرآئینه مابینیم ترا ازنیکوکاران (٣٦) .

قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ۚ ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي ۚ إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٣٧﴾

گفت نخواهدآمد بشماهیچ طعامی که داده می شوید آن رامگر خبردارکنم شمارا به تعبیر آن پیش ازآنکه بیاید به شما این تعبیرازآن قبیل ست که آموخته است مرا پروردگار من هرآئینه من ترك کردم کیش قومی که ایمان نمی آرند بخدا وایشان بآخرت اعتقادندارند (٣٧) .

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۚ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ ذَٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٨﴾

وپیروی کردم کیش پدران خودرا، ابراهیم واسحق ویعقوب نشایدمارا که شریك خدا مقررکنیم چیزی را، این از فضل خداست برما وبرمردمان ولیکن بیشترمردمان شکرنمی کنند (٣٨) .

---

(١) یعنی مشورت کردند که یوسف رابزندان باید کرد تانزدِ مردمان برائت زلیخاظاهر شود .

وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ ﴿٤٥﴾

وگفت آنکه نجات یافته بود ازآن دوکس وبیاد آورد بعد مدتی من خبردهم شمارا به تعبیر این خواب پس بفرستیدمرا[1] (٤٥) .

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٤٦﴾

گفت ای یوسف آی راست گو جواب دِه مارا درین خواب که هفت گاوِفربه میخورند ایشان را هفت گاو لاغر وهفت خوشهٔ سبز وهفت خوشهٔ دیگر خشك، بُوَد که من بازگردم بسوی مردمان تاایشان بدانند(٤٦) .

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ﴿٤٧﴾

گفت زراعت کنید هفت سال پَی درپَی برعادت خودپس آنچه بدرویدبگذاریدش درخوشهٔ آن مگراند کی ازآنچه بخورید (٤٧) .

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تُحْصِنُونَ ﴿٤٨﴾

باز بیاید بعدازآن هفت سالِ سخت بخورند آنچه سابق ذخیره نهاده بودید برای آنها مگر اندکی ازآنچه باحتیاط نگاه دارید (٤٨) .

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ ﴿٤٩﴾

بازبیاید بعدازآن سالی که درو‌باران فرستاده شود برمردمان، ودروآب گیرندازانگور وغیرآن[2] (٤٩) .

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ

و گفت پادشاه بیارید پیش من یوسف را پس چون آمدنزدِ یوسف فرستادهٔ پادشاه گفت بازگرد بسوی مولای خود پس سوال

---

(١) مترجم گوید پس بسوی یوسف فرستادند وملاقات کرد والله اعلم .

(٢) پادشاه این تعبیر شنیده مشتاق ملاقات یوسف گشت و یوسف علیه السلام مدتی توقف نمودتا برائت ذمه اش ظاهر گردد والله اعلم .

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ۖ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ﴿٥٥﴾

گفت مقررکن مرا برخزانه های این سرزمین هرآئینه من محافظت کنندهٔ دانایم (۵۵) .

وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ ۚ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾

وهمچنین تمکین دادیم یوسف را درآن سرزمین، قرارمی گرفت ازآن سرزمین هرجاکه میخواست، می رسانیم برحمت خود هرکرا خواهیم وضائع نمی کنیم مزدنیکوکاران را (۵۶) .

وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾

وهرآئینه مزدِ آخرت بهترست آنان را که ایمان آوردند وپرهیزگاری می کردند (۵۷) .

وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ ﴿٥٨﴾

وآمدند[1] برادران یوسف پس داخل شدند بروی پس بشناخت ایشان راوایشان اوراناشناسابودند (۵۸) .

وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَّكُم مِّنْ أَبِيكُمْ ۚ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ﴿٥٩﴾

وچون مهیاکرد برای ایشان سامان ایشان را گفت بیاریدپیش من برادرعلّاتی (ناتنی) خودرا که ازپدرشماست آیا نمی بینید که من تمام میدهم پیمانه را ومن بهترین پذیرائی کنندگانم (۵۹) .

فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِندِي وَلَا تَقْرَبُونِ ﴿٦٠﴾

پس اگر نیاوردید اورا پیش من پس هرگز پیمانه نه باشد برای شما نزدِ من وهرگز نزدیك نشوید بمن (۶۰) .

قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ﴿٦١﴾

گفتند اورااز پدرش خواهیم خواست، ماالبته این کار کنندگانیم (۶۱) .

وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ

وگفت یوسف غلامان خودرا بنهید

(۱) بعد ازآن قحط افتاد در جمیع نواحی مصرو شام اولاد یعقوب را مشقت بسیار رسید بسوی یوسف متوجه شدند والله اعلم .

اَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ ۖ وَمَآ اُغْنِيْ عَنْكُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ ۭ اِنِ الْحُكْمُ اِلَّا لِلّٰهِ ۭ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۚ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُوْنَ ۝۶۷

دروازه ودرآئید ازدروازهای پراکنده[1] ودفع نمی کنم ازشما چیزی راازقضای خدا، نیست فرمانروائی مگر خدارا بروی توکل کردم وبروی باید که توکل کنند متوکلان (٦٧) .

وَلَمَّا دَخَلُوْا مِنْ حَيْثُ اَمَرَهُمْ اَبُوْهُمْ ۭ مَا كَانَ يُغْنِيْ عَنْهُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا حَاجَةً فِيْ نَفْسِ يَعْقُوْبَ قَضٰىهَا ۭ وَاِنَّهٗ لَذُوْ عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنٰهُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝۶۸

وچون داخل شدندازآن راه که فرموده بود ایشان را پدرایشان دفع نمی توانست کرد ازسرایشان چیزی راازقضای خدا لیکن سرانجام دادخطری را که در ضمیروی بود وهرآئینه اوبودخداوند دانش بآنچه ماآموخته بودیم اورا ولیکن اکثر مردمان نمی دانند (٦٨) .

وَلَمَّا دَخَلُوْا عَلٰي يُوْسُفَ اٰوٰٓى اِلَيْهِ اَخَاهُ ۭ قَالَ اِنِّيْٓ اَنَا اَخُوْكَ فَلَا تَبْتَىِٕسْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ۝۶۹

وچون داخل شدند بریوسف جای داد بسوی خود برادر تنی خودرا گفت هرآئینه من برادرتوام پس اندوهگین مباش بسبب آنچه میکردند (٦٩) .

فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِيْ رَحْلِ اَخِيْهِ ثُمَّ اَذَّنَ مُؤَذِّنٌ اَيَّتُهَا الْعِيْرُ اِنَّكُمْ لَسٰرِقُوْنَ ۝۷۰

پس وقتی که مهیاکرد برای ایشان سامان ایشان نهاد آوند آب خوردن را درخرجین برادر خود بعد ازآن آواز داد آواز دهنده ای که ای کاروان هرآئینه شما دزدید (٧٠) .

قَالُوْا وَاَقْبَلُوْا عَلَيْهِمْ مَّاذَا تَفْقِدُوْنَ ۝۷۱

روبسوی ایشان درآورده گفتند چیست آنچه گم کرده اید (٧١) .

قَالُوْا نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاۗءَ بِهٖ حِمْلُ بَعِيْرٍ وَّاَنَا بِهٖ زَعِيْمٌ ۝۷۲

گفتند گم کرده ایم پیمانهٔ پادشاه را وبرای کسی که بیاوَرَدش یك بارِ شترباشد ومن باین وعده ضامنم (٧٢) .

---

(١) یعنی تاچشم زخم نرسد .

قَالُوْا يٰٓاَيُّهَا الْعَزِيْزُ اِنَّ لَهٗٓ اَبًا شَيْخًا كَبِيْرًا فَخُذْ اَحَدَنَا مَكَانَهٗ ۚ اِنَّا نَرٰىكَ مِنَ الْمُحْسِنِيْنَ ۝۷۸

گفتند ای عزیز هرآئینه اورا پدریست پیرکلان سال پس بگیریکی را ازما بجای او هرآئینه مامی بینیم ترا ازنیکوکاران (۷۸) .

قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اَنْ نَّاْخُذَ اِلَّا مَنْ وَّجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهٗٓ ۙ اِنَّآ اِذًا لَّظٰلِمُوْنَ ۝۷۹

گفت پناه بر خدا ازآنکه بگیریم مگر کسی را که یافته ایم متاع خویش را نزدِ او بتحقیق آنگاه ستمگار باشیم (۷۹) .

فَلَمَّا اسْتَيْـَٔسُوْا مِنْهُ خَلَصُوْا نَجِيًّا ۭ قَالَ كَبِيْرُهُمْ اَلَمْ تَعْلَمُوْٓا اَنَّ اَبَاكُمْ قَدْ اَخَذَ عَلَيْكُمْ مَّوْثِقًا مِّنَ اللّٰهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُّمْ فِيْ يُوْسُفَ ۚ فَلَنْ اَبْرَحَ الْاَرْضَ حَتّٰى يَاْذَنَ لِيْٓ اَبِيْٓ اَوْ يَحْكُمَ اللّٰهُ لِيْ ۚ وَهُوَ خَيْرُ الْحٰكِمِيْنَ ۝۸۰

پس چون ناامید شدند ازوی، تنها رفتند بخلوت مشورت کنان گفت بزرگ ترین ایشان آیاندانسته اید که پدرشما گرفته است برشماعهدی ازخدا وپیش ازین کوتاهی کرده بودید درحق یوسف پس ترك نخواهم کرداین سرزمین را تاوقتیکه اجازه دهدمرا پدرم یا حکم کند خدا مرا واوبهترین حکم کنندگان است (۸۰) .

اِرْجِعُوْٓا اِلٰٓى اَبِيْكُمْ فَقُوْلُوْا يٰٓاَبَانَآ اِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ ۚ وَمَا شَهِدْنَآ اِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حٰفِظِيْنَ ۝۸۱

(ای برادران) باز رویدبسوی پدر خویش پس بگوئید ای پدرماهرآئینه پسر تودزدی کرد و گواهی نه دادیم الّابآنچه می‌دانستیم[1] ونه می دانستیم علم غیب را (۸۱) .

وَسْـَٔلِ الْقَرْيَةَ الَّتِيْ كُنَّا فِيْهَا وَالْعِيْرَ الَّتِيْٓ اَقْبَلْنَا فِيْهَا ۭ وَاِنَّا لَصٰدِقُوْنَ ۝۸۲

وبپرس دهی که بودیم درآن وازکاروانی که آمده ایم درآن والبته ماراست گویانیم (۸۲) .

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْرًا ۭ فَصَبْرٌ جَمِيْلٌ ۭ

گفت (یعقوب) بلکه آراسته کرده است

= یامشابه به این قصه چیزیکه سبب تهمت اوباشد بدزدی، بوقوع آمده بود والله اعلم .

(۱) یعنی گفتند "جزآؤه من وجد فی رحله فهوجزآؤه" والله اعلم .

قَدْ مَنَّ اللّٰهُ عَلَيْنَا ۭ اِنَّهٗ مَنْ يَّتَّقِ وَيَصْبِرْ فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيْعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿۹۰﴾

یوسفم واین برادرمن است هرآئینه منّت نهاد خدا برما هرآئینه (سخن این ست که) هرکه پرهیزگاری کند و صبر نمایدپس خداضائع نمی سازد مزد نیکوکاران را (۹۰) .

قَالُوْا تَاللّٰهِ لَقَدْ اٰثَرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا وَاِنْ كُنَّا لَخٰطِـِٕيْنَ ﴿۹۱﴾

گفتند قسم به خدا هرآئینه برتری داده است تراخدا برما وهرآئینه ماخطا کننده بودیم (۹۱) .

قَالَ لَا تَثْرِيْبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ ۭ يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكُمْ ۡ وَهُوَ اَرْحَمُ الرّٰحِمِيْنَ ﴿۹۲﴾

گفت هیچ سرزنش نیست برشما امروز بیامرزد خدا شمارا واو مهربان ترین مهربانان است (۹۲) .

اِذْهَبُوْا بِقَمِيْصِيْ هٰذَا فَاَلْقُوْهُ عَلٰي وَجْهِ اَبِيْ يَاْتِ بَصِيْرًا ۚ وَاْتُوْنِيْ بِاَهْلِكُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿۹۳﴾

ببَریداین پیراهن مرا پس بیفکنیدش برچهرهٔ پدرم تاشود بینا وبیارید پیش من اهل خویش را همه یك جا (۹۳) .

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيْرُ قَالَ اَبُوْهُمْ اِنِّيْ لَاَجِدُ رِيْحَ يُوْسُفَ لَوْلَآ اَنْ تُفَنِّدُوْنِ ﴿۹۴﴾

وچون جدا شدکاروان (یعنی ازشهر) گفت پدرایشان هرآئینه من می یابم بوی یوسف را ا گر به نقصان عقل نسبت نکنید مرا (۹٤) .

قَالُوْا تَاللّٰهِ اِنَّكَ لَفِيْ ضَلٰلِكَ الْقَدِيْمِ ﴿۹۵﴾

گفتند بخدا قسم هرآئینه تو درخطای قدیم خودی (۹۵) .

فَلَمَّآ اَنْ جَآءَ الْبَشِيْرُ اَلْقٰىهُ عَلٰي وَجْهِهٖ فَارْتَدَّ بَصِيْرًا ۚ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكُمْ ۚ اِنِّيْٓ اَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿۹۶﴾

پس چون بیامد پیش وی مژده دهنده انداخت پیرهن را برصورت وی پس بینا گشت گفت آیا نه گفته بودم به شما که هرآئینه من میدانم ازجانب خداآنچه نمیدانید (۹٦) .

قَالُوْا يٰٓاَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَآ اِنَّا كُنَّا خٰطِـِٕيْنَ ﴿۹۷﴾

گفتند ای پدرماآمرزش طلب کن برای مادرحق گناهان ما هرآئینه ما گنهگاربودیم (۹۷) .

قَالَ سَوْفَ اَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيْ ۭ اِنَّهٗ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ﴿۹۸﴾

گفت بزودی طلب آمرزش خواهم

وَمَا تَسْـَٔلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿١٠٤﴾

وسوال نمی کنی ازایشان برتبلیغ قرآن هیچ مزدی، نیست این مگرپندی جهانیان را (۱۰٤) .

وَكَأَيِّن مِّنْ ءَايَةٍ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٠٥﴾

وبسا نشانه هایند درآسمان ها وزمین می‌گذرند برآن اعراض کنان ازتأمل درآن (۱۰۵) .

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِٱللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشْرِكُونَ ﴿١٠٦﴾

وایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر شریك او مقررکرده (۱۰٦) .

أَفَأَمِنُوٓا۟ أَن تَأْتِيَهُمْ غَٰشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ ٱللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٧﴾

آیاایمن شده اند ازآنکه بیاید بایشان عقوبتی عام از عذاب خدا یابیاید بایشان قیامت ناگهان وایشان آگاه نه باشند (۱۰۷) .

قُلْ هَٰذِهِۦ سَبِيلِىٓ أَدْعُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ ۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا۠ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِى ۖ وَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾

بگواین راه من است می خوانم بسوی خدا باحجت ظاهر، من و پیروان من وپاکی خداراست ونیستم من از مشرکان (۱۰۸) .

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِىٓ إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ ٱلْقُرَىٰٓ ۗ أَفَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۗ وَلَدَارُ ٱلْءَاخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾

ونه فرستاده ایم پیش ازتو مگر مردانی را که وحی می فرستادیم بسوی ایشان ازاهل ده ها یا سیرنکرده اند درزمین تابه بینند چگونه شد آخرکار آنانکه پیش ازایشان بودند وهرآئینه سرای آخرت بهترست متقیان را آیانمی فهمید (۱۰۹).

حَتَّىٰٓ إِذَا ٱسْتَيْـَٔسَ ٱلرُّسُلُ وَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا۟ جَآءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّىَ مَن نَّشَآءُ ۖ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ ٱلْقَوْمِ ٱلْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾

(مهلت دادیم) تاوقتیکه چون ناامید شدند پیغامبران وگمان کردند قوم ایشان که بدروغ وعده کرده شده بایشان آمد بایشان نصرت ماپس نجات داده شدهرکرا خواستیم وبازداشته نمی شود عذاب ماازگروه ستمگاران (۱۱۰) .

لَقَدْ كَانَ فِى قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ ۗ مَا كَانَ

هرآئینه هست درقصه پیغامبران پندی

دهیم بعضی را بربعض درطعم میوه ها هرآئینه دراین نشانه ها ست قومی را که می‌فهمند (٤) .

وَإِن تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝٥

و ا گر تعجب کنی پس عجب است سخن ایشان که آیا وقتیکه خاك شویم آیامادرآفرینشی نوخواهیم بود، ایشانند آنانکه نامعتقد شدند به پروردگار خویش وایشانند (باین صفت) که طوق درگردن ایشان باشد وایشانند اهل آتش ایشان آنجاجاویدان باشند (٥) .

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِمُ الْمَثُلَاتُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ ۝٦

وبه شتاب می طلبند ازتو عقوبت پیش ازراحتی وهرآئینه گذشته است پیش ازایشان عقوبت ها وهرآئینه پروردگار توخداوندِ آمرزش است مردمان را باوجود ستمگار بودنِ ایشان و هرآئینه پروردگار تو سخت عقوبت است (٦) .

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ۝٧

ومی گویند کافران چرا فرستاده نه شد براین پیغمبر نشانه از پروردگار او (یا محمد) جزاین نیست که توبیم دهنده ای وهرقومی راراه نمائی‌است (٧) .

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ ۖ وَكُلُّ شَيْءٍ عِندَهُ بِمِقْدَارٍ ۝٨

خدامی داند آنچه درشکم داردهرماده وآنچه ناقص میکنند رحم هاوآنچه زیاده می گردانند وهرچیزی نزدِاو باندازه است (٨) .

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ ۝٩

داناست به پنهان وآشکار بزرگ است بلند مرتبه است (٩) .

سَوَاءٌ مِّنكُم مَّنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَن جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ۝١٠

یکسان است ازشما کسی که به پوشد سخن را وکسیکه بآواز بلند گوید آن را وکسی که وی پنهان است درشب وکسی

وَظِلٰلُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصَالِ ﴿۱۵﴾

وزمین است خواهان وناخواهان وسجده می کنند سایه های ایشان بوقت صبح وشام[1] (۱۵) .

قُلْ مَنْ رَّبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ قُلِ اللّٰهُ ؕ قُلْ اَفَاتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُوْنِهٖۤ اَوْلِيَآءَ لَا يَمْلِكُوْنَ لِاَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَّلَا ضَرًّا ؕ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْاَعْمٰى وَالْبَصِيْرُ ۙ اَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمٰتُ وَالنُّوْرُ ۚ اَمْ جَعَلُوْا لِلّٰهِ شُرَكَآءَ خَلَقُوْا كَخَلْقِهٖ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ ؕ قُلِ اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَّهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿۱۶﴾

بگو کیست پروردگارآسمان ها وزمین بگو(ازطرف ایشان) خداست بگوآیا گرفتید بجز وی دوستانی که نمی توانند برای خویشتن سودی ونه زیانی بگوآیا برابرست نابینا وبینا (هرگز) آیابرابرست تاریکی ها و روشنی آیا مقرر کرده اند خدارا شریکانی که آفریده باشند مانند آفریدن خدا پس مشتبه شده است آفرینش برایشان بگوخدا آفرینندهٔ هرچیز است واوست یگانهٔ غالب (۱٦) .

اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَسَالَتْ اَوْدِيَةٌ ۢ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَّابِيًا ؕ وَمِمَّا يُوْقِدُوْنَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَآءَ حِلْيَةٍ اَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِّثْلُهٗ ؕ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ ؕ فَاَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَآءً ۚ وَاَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْاَرْضِ ؕ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ ؕ ﴿۱۷﴾

فروفرستاد ازآسمان آب را پس روان شدند رودها باندازه خویش پس برداشت آب روان کفی راکه بالای آب بلند شده وازآنچه میگدازندش درآتش به طلب پیرایه یا به طلب رختِ خانه کفی هست مانند کفِ آب همچنین بیان می کند خدا مثل حق وباطل را، اماآن کف پس میرود ناچیز شده واماآنچه سودمیرساند بمردمان می ماند درزمین همچنین بیان می‌کند خدا مثل هارا[2] (۱۷) .

---

(۱) کافران ومنافقان ناخواهان سجده می کنند هنگام سختی یا ترس شمشیرِ فرشتگان و مسلمانان خواهان والله اعلم .

(۲) مترجم گوید لابُدست که در هرجنس خیروشر باشد همچنین لابُداست که در آدمیان نیکوکاران وبدکاران باشند لیکن نیکوکارانرا مستقر میسازد وکارایشان را =

جَنَّٰتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ ءَابَآئِهِمْ وَأَزْوَٰجِهِمْ وَذُرِّيَّٰتِهِمْ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾

به بوستانهای همیشه جاودان درآیند ایشان وهرکه نیکوکارباشد ازپدران ایشان وزنان ایشان واولاد ایشان وفرشتگان داخل شوند برایشان ازهردروازه (٢٣) .

سَلَٰمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى ٱلدَّارِ ﴿٢٤﴾

گویند سلامتی باد برشما بسبب صبرکردن شما پس نیك است جزای آن سرای (٢٤) .

وَٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقْطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ﴿٢٥﴾

وآنانکه می شکنند عهد خدارا بعد استواركردن آن وقطع می کنند آنچه فرموده است خدا به پیوند کردن آن و فسادمی کنند درزمین آنجماعت ایشان راست لعنت وایشان راست سختی آن سرای (٢٥) .

ٱللَّهُ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ وَفَرِحُوا۟ بِٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۚ وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا فِى ٱلْءَاخِرَةِ إِلَّا مَتَٰعٌ ﴿٢٦﴾

خدا گشاده می سازد روزی را برای هرکه خواهد وتنگ می سازد وکافران شادمان شدند به زندگانی دنیا و نیست زندگانی دنیا نسبت به آخرت مگر متاع اندك (٢٦) .

وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ ۚ قُلْ إِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِىٓ إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ ﴿٢٧﴾

ومی گویند کافران چرا فرودآورده نه شد برپیغامبر نشانه ازجانب پروردگار[1] بگو هرآئینه خدا گمراه می کند هرکرا خواهد وراه می نماید بسوی خویش هرکرا که رجوع کرد (یعنی راه می نماید بسوی خود) (٢٧) .

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ ٱللَّهِ ۗ أَلَا بِذِكْرِ ٱللَّهِ تَطْمَئِنُّ ٱلْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾

آنان که ایمان آوردند آرام می گیرند دل های ایشان به یاد خدا آ گاه شوبه یاد خدا آرام می گیرنددل ها (٢٨) .

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَـَٔابٍ ﴿٢٩﴾

آنان را که ایمان آوردند وکارهای نیك

---

(١) مترجم گوید یعنی ازقسمی که درخواست میکردند .

عقوبت من (۳۲)

أَفَمَنْ هُوَ قَآئِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ ۗ وَجَعَلُوا۟ لِلَّهِ شُرَكَآءَ ۚ قُلْ سَمُّوهُمْ ۚ أَمْ تُنَبِّـُٔونَهُۥ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِى ٱلْأَرْضِ أَم بِظَٰهِرٍ مِّنَ ٱلْقَوْلِ ۚ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا۟ عَنِ ٱلسَّبِيلِ ۗ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ ﴿۳۳﴾

آیا کسی که خبر گیرنده است برهرکس بجزای آنچه عمل کرده است (مثل این بتان باشد) ومقرر کردند کافران خدای را شریکان بگوبیان کنید نامهای ایشان را[۱] آیاخبرمیدهید خدا را به آنچه نمیداند در زمین یا فریفته می شوید به سخن سرسری[۲] بلکه آراسته کرده شده است کافران را اندیشهٔ فاسد ایشان و بازداشته شده اند از راه وهرکه را گمراه کند خدا نیست اوراهیچ راه نما (۳۳) .

لَهُمْ عَذَابٌ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۖ وَلَعَذَابُ ٱلْـَٔاخِرَةِ أَشَقُّ ۖ وَمَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن وَاقٍ ﴿۳۴﴾

ایشان راست عذاب در زندگانی دنیا وهرآئینه عذاب آخرت سخت ترست ونیست ایشان رااز(عذاب) خداهیچ نگاه دارنده (۳٤) .

مَّثَلُ ٱلْجَنَّةِ ٱلَّتِى وُعِدَ ٱلْمُتَّقُونَ ۖ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ ۖ أُكُلُهَا دَآئِمٌ وَظِلُّهَا ۚ تِلْكَ عُقْبَى ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوا۟ ۖ وَّعُقْبَى ٱلْكَٰفِرِينَ ٱلنَّارُ ﴿۳۵﴾

صفت بهشتی که وعده کرده شده است متقیان را اینست که میرود زیرآن‌جویها، میوه های اوجاویدان است و سایه اش همچنین، این است جزای متقیان وجزای کافران آتش است (۳۵) .

وَٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ يَفْرَحُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ ۖ وَمِنَ ٱلْأَحْزَابِ مَن يُنكِرُ بَعْضَهُۥ ۚ قُلْ إِنَّمَآ أُمِرْتُ

وآنانکه دادیم ایشان را کتاب خوشحال میشوند بآنچه فرستاده شد بسوی تو وازین جماعت ها کسی است که انکارمی کند بعض اورابگو جزاین نیست

---

(۱) مترجم گوید یعنی اوصافِ ایشان را ذکر کنید تاباوصافِ خدا مقابله کرده شود و فن مماثلت ظاهر گردد والله اعلم .

(۲) یعنی تقلید پدران میکنید درسخن بی اساس والله اعلم .

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلّٰهِ الْمَكْرُ جَمِيْعًا ۜ يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ ۜ وَسَيَعْلَمُ الْكُفّٰرُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٤٢﴾

واو زود حساب گیرنده است[1] (٤١) .

وهرآئینه تدبیر کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس خدا راست تدبیر همه میداند آنچه به عمل می آرد هر نفسی وخواهند دانست این کافران که کراباشد جزای آن سرای (٤٢) .

وَيَقُوْلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَسْتَ مُرْسَلًا ۭ قُلْ كَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًۢا بَيْنِيْ وَبَيْنَكُمْ ۙ وَمَنْ عِنْدَهٗ عِلْمُ الْكِتٰبِ ﴿٤٣﴾

ومی گویند کافران نیستی پیغامبر بگوبس است خداگواه درمیان من و شما وبس است کسیکه نزد اوست علم کتاب[2] (٤٣) .

سورهٔ ابراهیم مکی است وآن پنجاه ودوآیت وهفت رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓرٰ ۣ كِتٰبٌ اَنْزَلْنٰهُ اِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ ۙ بِاِذْنِ رَبِّهِمْ اِلٰى صِرَاطِ الْعَزِيْزِ الْحَمِيْدِ ﴿١﴾

الٓرٰ این کتابیست که فروفرستادیم آن را بسوی توتابیرون آری مردمان را ازتاریکی ها بسوی روشنی بحکم پروردگار ایشان بسوی راه خدای غالب ستوده (١) .

اللّٰهِ الَّذِيْ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۭ وَوَيْلٌ لِّلْكٰفِرِيْنَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيْدِ ۙ ﴿٢﴾

براه خدائی که اوراست آنچه درآسمان ها است وآنچه درزمین است ووای کافران را از عذاب سخت (٢) .

الَّذِيْنَ يَسْتَحِبُّوْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا عَلَى الْاٰخِرَةِ وَيَصُدُّوْنَ عَنْ

آنانکه اختیار می کنند زندگانی دنیارا برآخرت وبازمی دارند مردمان راازراه

---

(١) یعنی روزبروز شوکت اسلام بزمین عرب منتشر میشود ودارالحرب ناقص میگردد وازاطراف آن عامهٔ مفسرین آین آیت را مدنیه دانند ونزد مترجم لازم نیست که مدنی باشد و مراد ازنقصان دارالحرب اسلام اسلم و غفارو جهینه وعرِنة وقبائل، این است پیش ازهجرت .

(٢) یعنی احبار یهود می‌دانند که رسالت آن حضرت صلی الله علیه وسلم صحیح است والله اعلم .

اَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوْحٍ وَّعَادٍ وَّثَمُوْدَ ۛ وَالَّذِيْنَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۛ لَا يَعْلَمُهُمْ اِلَّا اللّٰهُ ۛ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَرَدُّوْٓا اَيْدِيَهُمْ فِيْٓ اَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوْٓا اِنَّا كَفَرْنَا بِمَآ اُرْسِلْتُمْ بِهٖ وَاِنَّا لَفِيْ شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُوْنَنَآ اِلَيْهِ مُرِيْبٍ ۝۹

آیانیامده است به شما خبرآنانکه پیش ازشمابودند قوم نوح وعاد و ثمود وکسانی که بعد ازایشان آمدند نمی‌داند ایشان را[1] مگر خدا آمدند نزدایشان پیغامبران ایشان به معجزه ها پس بازآوردنددستهای خودرادر دهانهای خود[2] و گفتند هرآئینه ما منکریم بآنچه فرستاده شدید به آن وهرآئینه مادر شبهه قوی ایم ازآنچه می‌خوانید مارا بآن (۹).

قَالَتْ رُسُلُهُمْ اَفِي اللّٰهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ يَدْعُوْكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوْبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ۭ قَالُوْٓا اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيْدُوْنَ اَنْ تَصُدُّوْنَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ اٰبَاۗؤُنَا فَاْتُوْنَا بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ۝۱۰

گفتند پیغامبران ایشان آیادرخداشبهه است آفرینندهٔ آسمان ها وزمین میخواند شما را تا بیامرزد برای شما گناهان شما وموقوف داردشمارا تامدتی معین، گفتند نیستید شما مگرآدمی مانند ما میخواهید که بازدارید مارا ازآنچه عبادت میکردند پدران ما پس بیارید پیش ما حجتی ظاهر (۱۰).

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ اِنْ نَّحْنُ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَمُنُّ عَلٰي مَنْ يَّشَاۗءُ مِنْ عِبَادِهٖ ۭ وَمَا كَانَ لَنَآ اَنْ نَّاْتِيَكُمْ بِسُلْطٰنٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۭ وَعَلَي اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ۝۱۱

گفتند بایشان پیغامبران ایشان نیستیم مامگر آدمی مانندشما ولیکن خدا نعمت فراوان میدهد بهرکه خواهد ازبند گان خود ونیست ممکن مارا که بیاریم حجتی مگر به حکم خدا وبر خدا باید که توکل کنند مسلمانان (۱۱).

وَمَا لَنَآ اَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَي اللّٰهِ وَقَدْ هَدٰىنَا سُبُلَنَا ۭ وَلَنَصْبِرَنَّ

وچیست مارا که توکل نه کنیم بر خدا وهرآئینه نموده است مارا راه های ما

---

(۱) یعنی عدد و صفات ایشان را .

(۲) یعنی ازنهایت تعجب و انکار انگشت به دندان گزیدند والله اعلم .

است گمراهی دور[1] (۱۸) .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٩﴾

آیاندیدی که خداآفرید آسمان ها وزمین را بتدبیر محکم ا گر خواهد دور کندشمارا وبیاردآفرینش خلقی نو (۱۹) .

وَمَا ذٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿٢٠﴾

ونیست این برخدا دشوار (۲۰) .

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفٰؤُا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدٰىنَا اللَّهُ لَهَدَيْنٰكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ ﴿٢١﴾

وحاضر شوند پیش خدا همه یك جا پس گویند ضعیفان گردن کشان را (یعنی تابعان پیش روان را) هرآئینه مابودیم تابع شما پس آیاشما دفع کننده هستیدازما پاره ای ازعذاب خدا گویند ا گرراه می‌نمود مارا خدا، راه نمائی می کردیم شمارابرابرست برما که اضطراب کنیم یاشکیبائی ورزیم نیست ماراهیچ نجات دهنده ای (۲۱) .

وَقَالَ الشَّيْطٰنُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطٰنٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظّٰلِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٢﴾

و گفت شیطان وقتی که فیصله کرده شدکار[2] هرآئینه خداوعده دادشمارا وعدهٔ راست ووعده دادم شمارا پس خلاف وعده کردم من باشما ونه بود مرا برشما هیچ تسلط لیکن بودآنکه بخواندم شمارا پس قبول کردید سخن مرا پس ملامت مکنید مرا وملامت کنید خویش را نیستم فریادرس شما وشمانیستید فریادرس من هرآئینه من بیزارشدم ازآنکه مرا شریك مقررکردید پیش ازین هرآئینه

---

(۱) یعنی اعمال ایشان همه برباد شوند وبدان منتفع نگردند والله اعلم .

(۲) مترجم گوید یعنی وقتی که بهشتیان به بهشت در آیند ودوزخیان ره دوزخ گیرند والله اعلم .

دَارَ الْبَوَارِ ﴿۲۸﴾

خدارا بناسپاسی[1] وفرودآوردند قوم خودرا به سرای هلاکی (۲۸) .

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿۲۹﴾

کـه دوزخ اسـت درآینـد آنجـاوآن بـد قرارگاهیست (۲۹) .

وَجَعَلُوا لِلّٰهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ ۗ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ﴿۳۰﴾

ومقررکردند برای‌خدا همتایان تا گمراه کنند عالم راازراه او بگوبهره مند شوید هرآئینه بازگشتِ شما بسوی آتش ست (۳۰) .

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ ﴿۳۱﴾

بگوآن بندگان مرا که ایمان آورده اند برپادارند نمازرا وخرج کنند ازآنچه ماروزی دادیم ایشان را پنهان وآشکارا پیش ازآنکه بیاید روزی که خرید و فروش نیست درآن ونه بایکدیگر دوستی بُوَد (۳۱) .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ﴿۳۲﴾

خداآنست که آفرید آسمان هاوزمین را وفروفرستادازآسمان آب را پس بیرون آوردبـآن آب روزی بـرای شمـااز انـواع میوه ها ومُسخّر ساخت برای شما کشتی را تـابِـرَوَد در دریـابحکـم او ومُسخّـر ساخت برای شما جویهارا (۳۲) .

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿۳۳﴾

ومُسخّر ساخت برای شماخورشید وماه را همیشه روندگان ومُسخّر ساخت برای شماشب و روز را (۳۳) .

وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ ۚ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللّٰهِ

ودادشمـارا ازهـرچـه خـواستیـد وا گـر بشمارید نعمت خدارا احاطه نتوانیدکرد

---

(۱) یعنی ناسپاسی کردند بشومی آن نعمت مفقود شد پس گویا نعمت دادند وکفر خریدند والله اعلم .

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلٰوةِ وَمِن ذُرِّيَّتِي ۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَآءِ ﴿٤٠﴾

ای پروردگار من بگردان مرا برپادارندهٔ نماز وازاولاد من نیز ای پروردگار ماقبول کن دعای مرا (٤٠) .

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٤١﴾

ای پروردگارما بیامرز مرا ومادر وپدر مرا و مسلمانان را روزی که قائم شود حساب (٤١) .

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ ۚ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿٤٢﴾

وهرگز مپندار خدارا بی خبر ازآنچه می‌کنند ستمگاران جزاین نیست که مهلت میدهدایشان رابرای روزیکه خیره شونددرآن چشم ها (٤٢) .

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ ۖ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَآءٌ ﴿٤٣﴾

شتاب کنندگان، سرخود بردارندگان بازنمی گردد بسوی ایشان چشم ایشان ودلهای ایشان خالی است (٤٣) .

وَأَنذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرُّسُلَ ۗ أَوَلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُم مِّن قَبْلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٍ ﴿٤٤﴾

وبترسان مردمان راازروزی که بیاید بایشان عذاب پس گویند ظالمان ای پروردگار ما مهلت ده مارا تامیعادی نزدیك تااجابت کنیم دعوت ترا وپیروی کنیم رسولان را، گفته شود بایشان آیا قسم نمی خوردید پیش ازین که نه باشدشمارا هیچ زوال (٤٤) .

وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ ﴿٤٥﴾

وساکن شدید درمنازل آنانکه ستم کردند برخویش وواضح شدشمارا که چه کردیم بایشان وزدیم برای شمامثل ها (٤٥) .

وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِندَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ ۚ وَإِن كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ﴿٤٦﴾

وهرآئینه تدبیر کردند بتدبیر خویش وننزد خداست علم تدبیر ایشان و ا گرچه باشد تدبیرایشان که ازجابرکَندکوه هارا[1] (٤٦) .

(١) یعنی مکرایشان ضعیف است والله اعلم .

مسلمان بودندی (٢) .

ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾

بگذار ایشان را تابخورند وبهره مندشوندو مشغول کند ایشان را امید و سپس خواهند دانست (٣) .

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ ﴿٤﴾

وهلاك نه کردیم هیچ دهی را مگر که وی را اجلی بود معلوم (٤) .

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿٥﴾

سبقت نمی کند هیچ گروهی ازمدت خود ونه تاخیرمی کنند (٥) .

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ﴿٦﴾

و گفتند کافران ای کسی که فرود آورده شده است بروی قرآن هرآئینه تو دیوانه ای (٦) .

لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧﴾

چرا نمی آری پیش ما فرشتگان را ا گر هستی از راست گویان (٧) .

مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذًا مُنْظَرِينَ ﴿٨﴾

فرونمی فرستیم فرشتگان را مگر بتدبیر محکم ونه باشند آنگاه مهلت داده شده (٨) .

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾

هرآئینه فروفرستادیم قرآن را وهرآئینه مااورانگاهبانیم (٩) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٠﴾

وهرآئینه پیغامبران را فروفرستادیم پیش ازتو درفرقه های پیشینیان (١٠) .

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿١١﴾

ونمی آید به ایشان هیچ فرستاده مگر بودند که باو تمسخر می کردند (١١) .

كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٢﴾

همچنین درمی آریم استهزاء را در دلهای گناه گاران (یعنی کفار مکه) (١٢) .

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾

ایمان نیارند بقرآن وهرآئینه گذشت آئین پیشینیان (١٣) .

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ ﴿١٤﴾

وا گر بگشائیم برایشان دری ازآسمان پس شوند باین صفت که ازآن بالا

وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ ﴿٢٤﴾

وهرآئينه دانسته ايم پيشينيان را ازشما وهرآئينه دانسته ايم پسينيان را (٢٤) .

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥﴾

وهرآئينه پروردگار تو اوست كه برانگيزد ايشان را هرآئينه اواستوارکارداناست (٢٥) .

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٢٦﴾

وهرآئينه آفريديم آدمى را ازگلِ خشك ازنوع گلِ سياه بوى‌گرفته (٢٦) .

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾

وجنّهارا پيداكرديم پيش ازين ازآتش سوزان (٢٧) .

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٢٨﴾

ويادكن چون‌گفت پروردگار تو فرشتگان را هرآئينه من آفريننده ام آدمى را ازگلِ خشك ازنوع‌گلِ سياه بوى‌گرفته (٢٨) .

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٢٩﴾

پس چون راست كنمش وبدمم دروى ازروح خود پس افتيد پيش اوسجده كنان (٢٩) .

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٣٠﴾

پس سجده كردند فرشتگان تمام ايشان همه يك جا (٣٠) .

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ أَن يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣١﴾

مگر ابليس سرباز زد ازآنكه باشد باسجده كنندگان (٣١) .

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣٢﴾

گفت خداآى ابليس چيست ترادرين كه نمي باشى باسجده كنندگان (٣٢) .

قَالَ لَمْ أَكُن لِّأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٣٣﴾

گفت هرگزنيستم كه سجده كنم آدمى را كه پيداكرده اى اورازگلِ خشك ازنوع گلِ سياه بوى‌گرفته (٣٣) .

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٣٤﴾

گفت پس بيرون شواز بهشت هرآئينه تورانده شده اى(٣٤) .

وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٣٥﴾

وهرآئينه برتست لعنت تاروزقيامت (٣٥) .

قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٣٦﴾

گفت اى پروردگار من مهلت ده مراتاروزي كه برانگيخته شوند مردمان (٣٦) .

است (٥٠) .

وَنَبِّئْهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرٰهِيمَ ﴿٥١﴾

وخبرده ایشان را ازمهمانان ابراهیم (٥١) .

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلٰمًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ ﴿٥٢﴾

چون داخل شدند بروی پس سلام‌گفتند ابراهیم گفت هرآئینه ماازشما ترسانیم (٥٢) .

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلٰمٍ عَلِيمٍ ﴿٥٣﴾

گفتند مترس هرآئینه مامژده میدهیم ترابفرزندی دانا (٥٣) .

قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلٰى أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ﴿٥٤﴾

گفت آیا بشارت دادید مرا باوجود آنکه رسیدبمن پیری پس به چه چیز بشارت میدهید (٥٤) .

قَالُوا بَشَّرْنٰكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقٰنِطِينَ ﴿٥٥﴾

گفتند مژده دادیم ترا براستی پس مباش ازناامیدان (٥٥) .

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿٥٦﴾

گفت وکیست که ناامید شود ازرحمت پروردگار خود مگرگمراهان (٥٦) .

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٧﴾

گفت پس چیست خبرشما ای فرستادگان (٥٧) .

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلٰى قَوْمٍ مُجْرِمِينَ ﴿٥٨﴾

گفتند هرآئینه مافرستاده شدیم بسوی گروهی‌گنهگار (٥٨) .

إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٩﴾

بجز آل لوط هرآئینه ماالبته نجات خواهیم دادایشان را همه یك جا (٥٩) .

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغٰبِرِينَ ﴿٦٠﴾

غیر زنش که مقرر کرده ایم که هرآئینه وی ازبازماندگان است (٦٠) .

فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ﴿٦١﴾

پس وقتیکه آمدند بآل لوط فرستادگان (٦١) .

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٦٢﴾

گفت هرآئینه شما گروهی ناآشنائید (٦٢) .

قَالُوا بَلْ جِئْنٰكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٦٣﴾

گفتند بلکه آورده ایم پیش توآنچه درآن شبهه می کردند (یعنی عقوبت) (٦٣) .

وَأَتَيْنٰكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصٰدِقُونَ ﴿٦٤﴾

وآورده ایم پیش تو وعدهٔ راست

گِل[1] (٧٤) .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٥﴾

هرآئینه درین قصه نشانه هاست عبرت گیرندگان را (٧٥) .

وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ ﴿٧٦﴾

وهرآئینه شهرها براهی هستند که دایم آمد ورفت دارد (٧٦) .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾

هرآئینه دراین نشانه است مومنان را (٧٧) .

وَإِن كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ﴿٧٨﴾

وهرآئینه بودند اهلِ آیکه البته ستمگاران (٧٨) .

فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿٧٩﴾

پس انتقام کشیدیم ازایشان شهرهای قوم لوط وشهرهای آیکه هردوبراه آشکار هستند (٧٩) .

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ ﴿٨٠﴾

وهرآئینه دروغگوشمردند ساکنان حِجر پیغامبران را (٨٠) .

وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٨١﴾

ورسانیدیم بایشان آیت های خود را پس شدند ازآن روگردان (٨١) .

وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ ﴿٨٢﴾

وبودند میتراشیدند ازکوه ها خانه های ایمن (٨٢) .

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ﴿٨٣﴾

پس گرفت ایشان را آوازسخت هنگام صبح (٨٣) .

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٤﴾

پس دفع نکردازایشان آنچه کسب می کردند (٨٤) .

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ ۖ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴿٨٥﴾

ونیافریدیم آسمان ها و زمین وآنچه مابین این هاست مگر بتدبیر درست وهرآئینه قیامت آمدنیست پس درگذر (یعنی ازبی ادبیهای ایشان) درگذشتن نیکو (٨٥) .

---

(١) مترجم‌گوید یعنی‌گل پخته مثل سنگ شده .

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٧﴾

پس زود میدانند (۹٦) .
وهرآئینه می دانیم ازحال توکه تنگ می‌شود سینهٔ تو بسبب آنچه می‌گویند (۹۷) .

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿٩٨﴾

پس به پاکی یادکن پروردگار خودرا باستائشِ اوو باش ازسجده کنندگان (۹۸) .

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿٩٩﴾

وعبادت کن پروردگار خودرا تاوقتیکه برسد بتومرگ (۹۹) .

سُورَةُ النَّحل

سوره نحل مکی است وآن یکصد وبیست و هشت آیت وشانزده رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١﴾

آمد حکم خدا پس بشتاب طلب مکنید آن را[1] پاك است خداوبلند قدرست ازآنچه شریك اومقررمی کنند (۱) .

يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ﴿٢﴾

فرودمی آردفرشتگان را بوحی بارادهٔ خود برهرکه خواهد ازبندگان خود که بترسانید (باین مضمون خدا میفرماید) که نیست هیچ معبود برحقی مگر من پس بترسید ازمن (۲) .

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣﴾

آفرید آسمان ها وزمین را به تدبیر درست بلند قدر است ازآنکه شریك او مقرر میکنند (۳) .

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٤﴾

آفرید آدمی را از مَنی پس ناگهان وی ستیزنده آشکار است (٤) .

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ

وچهارپایان را آفرید برای شما درآنها پوششی ومنفعت های دیگراست وبعض

---

(۱) یعنی غلبه دین اسلام و تعذیب کفار به یقین شدنی است چراشتاب میکنند والله اعلم.

استگروهی را که پندمی پذیرند (۱۳).

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٤﴾

واوست آن که مسخر ساخت دریارا تابخوریدازآن گوشت تازه(یعنی ماهی) وتابیرون آرید ازآن پیرایه که به پوشید آن را ومی بینی کشتی هارا رونده دردریا و مسخر کرد دریاراتاطلب معیشت کنید ازفضل او وتابُوَد که شکر کنید (١٤) .

وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥﴾

وافگند درزمین کوه های محکم برای احتراز ازآنکه بجنباند شمارا وآفرید جویها وراه هارا تابُوَد که راه یاب شوید (١٥).

وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ﴿١٦﴾

وآفریدنشانه ها وبه ستارگان ایشان راه می‌یابند (١٦) .

أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٧﴾

آیا کسی که می آفریند مانند کسی است که نمی آفریند آیاپندنمی گیرید (١٧) .

وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٨﴾

واگر بشمارید نعمت خدارا احاطه نکنید آن را هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است (١٨).

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿١٩﴾

خدا میداند آنچه پنهان میدارید وآنچه آشکار میکنید (١٩) .

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿٢٠﴾

وآنان که می پرستند کافران ایشان را بغیراز خدا نمی آفرینند چیزی را وخود شان آفریده می شوند (٢٠) .

أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٢١﴾

مردگانند نه زندگان ونمی دانند کَی برانگیخته خواهند شد (٢١) .

إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكِرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴿٢٢﴾

معبود شما معبود یگانه است پس آنانکه معتقد نمی شوند بآخرت دلهای ایشان ناشناس است وایشان سرکش اند (٢٢).

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ﴿٢٣﴾

بی شك خدا میداند آنچه پنهان میدارند وآنچه آشکارمیکنند هرآئینه اودوست ندارد سرکشان را (٢٣) .

مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٢٩﴾

آن جا پس بَدَست جای سرکشان (دوزخ) (۲۹) .

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا ۗ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۚ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ ۚ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٠﴾

وگفته شد متقیان راچیست آنچه فروفرستاد پروردگار شماگفتند فرودآورده است بهترین سخن آنان را که نیکوکاری کردند درین سرای حالت نیك است وهرآئینه سرای آخرت بهترست وهرآئینه آخرت نیکو سرای متقیان است (۳۰) .

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ ۚ كَذَٰلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣١﴾

به بوستانهای همیشه ماندن درآیندآن جامیرود زیرآن جویها، ایشان راست درآن هرچه خواهند همچنین جزا می دهد خدا متقیان را (۳۱) .

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ ۙ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٢﴾

آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان می کنند حالانکه شادمان باشندگویند فرشتگان سلام برشماباد درآئید به بهشت جزای آنچه می کردید[1] (۳۲) .

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ ۚ كَذَٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٣٣﴾

انتظار نمی کشند کافران الاّآنکه بیایند بایشان فرشتگان[2] یابیاید فرمان پروردگار تو[3] هم چنین کردند آنانکه پیش ازایشان بودند وستم نکرد برایشان خدا ولیکن برخویش ستم می کردند (۳۳) .

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٤﴾

پس رسیدبایشان جزای گناهان اعمال ایشان و فرودآمد بایشان آنچه بآن استهزاء

---

(۱) مترجم‌گوید خدای تعالی این دوصورت رابرای بیان قال وحال ومآل اهل سعادت واهل شقاوت نازل فرموده والله اعلم .

(۲) یعنی برای قبض ارواح .

(۳) یعنی عذاب او .

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٤٠﴾

نیست فرمان مابرای چیزی چون خواهیم آفریدنش مگر گوئیم اورا بشو پس می شود (٤٠) .

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾

وآنانکه ترك دیار خودکردند برای خدا بعد ازآن که ستم کرده شدبرایشان البته جامی دهیم ایشان را دردنیا بسرای نیك وهرآئینه مزدآخرت بزرگ تراست ا گر می دانستند (٤١) .

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٤٢﴾

آنانکه صبر کردند وبرپروردگار خویش توکل مینمایند[1] (٤٢) .

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٤٣﴾

ونه فرستادیم پیش ازتو مگر مردانی را که وحی فرستادیم بسوی ایشان پس سوال کنید ازاهل کتاب اگر نمی دانید[2] (٤٣).

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٤﴾

فرستادیم ایشان را بدلائل وکتاب ها وفرودآوردیم بسوی تو کتاب تابیان کنی برای مردمان شریعتی را که فرودآورده شده بسوی ایشان وتابود که ایشان تفکر کنند (٤٤) .

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٤٥﴾

آیاایمن شده اند آنانکه اندیشیدند تدبیر های بد[3] ازآنکه فروبَرَد خداایشان را به زمین یابیاید بایشان عذاب ازآن جا که ندانند (٤٥) .

أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٤٦﴾

یابگیرد ایشان را درآمد وشد ایشان پس

---

(١) واین وعده متحقق شده ومهاجرین را به مدینه جای داد .

(٢) یعنی پیغامبران سابق آدمی بودند فرشته نه بودند والله اعلم .

(٣) یعنی درحق پیغامبران ومومنان .

شريك مقررمی کنند (٥٤) .

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾

تاناسپاسی کنند آنچه داديم ايشان را پس بهره مند شويد پس زود خواهيد دانست (٥٥) .

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ ﴿٥٦﴾

ومقرر کردند برای چيزی که نميدانند تحقيقِ آن يعنی برای بتان حصه ازآنچه روزی داديم ايشان را،بخدا البته پرسيده خواهيد شدازآنچه افترامی کرديد (٥٦) .

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ ﴿٥٧﴾

ومقرر ميکنند برای خدادختران را، پاك است او ومقررميکنند برای خويش آنچه رغبت مينمايند[1] (٥٧) .

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٥٨﴾

وا گرمژده داده شوديکی راازايشان بتولّدِ دختر روی اوسياه گردد و او پرازاندوه باشد (٥٨) .

يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٥٩﴾

پنهان شود ازقوم بسبب ناخوشی آنچه مژده داده شدبوی درتامل افتدکه آيا باقی گذاردش بخواری يا در آردش درخاك آ گاه شويد بداست حکم ايشان (٥٩) .

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٠﴾

آنان را که معتقدنمی شوند بآخرت صفت بدست وخدای راست صفت بلند واوغالب باحکمت است (٦٠) .

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٦١﴾

وا گر گرفتار کند خدا مردمان را بسبب ستم ايشان نه گذاردبرزمين هيچ جنبنده وليکن مهلت ميدهدايشان را تاوقتی مقرر پس چون برسدآن وقت مقرر ايشان

---

(١) يعنی پسران را .

وَمِن ثَمَرَٰتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾

واز میوه های درختان خرما ودرختان انگور قسمی هست که میسازید ازآن شراب مست کننده ومیسازید ازآن روزی حلال هرآئینه درین نشانه است گروهی را که درمی یابند (٦٧) .

وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿٦٨﴾

والهام فرستاد پروردگار تو بسوی زنبور عسل که بساز خانه ها ازکوه ها و ازدرختان ازآنچه مردمان بنامی کنند (٦٨) .

ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ۚ يَخْرُجُ مِن بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٦٩﴾

بازبخور ازهرجنس میوه ها وبروراه های پروردگار خویش رام شده برمی آیدازشکم این زنبوران آشامیدنی گوناگون رنگ های او، درآن آشامیدنی شفاست مردمان را هرآئینه درین مقدمه نشانه است گروهی را که تفکر می کنند (٦٩) .

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ ۖ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٧٠﴾

وخدا آفریدشمارا باز بمیراند شمارا وازشماکسی هست که عائد کرده میشود بخوار ترین عمر مآلش آنکه نه داند بعد از دانستن چیزی را هرآئینه خدا داناتوانا است (٧٠) .

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ ۚ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ ۚ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٧١﴾

وخدا فضل داد بعض شمارا بربعضی درروزی پس نیستند آنانکه افزونی داده شدند عائد کنندگان روزی خودرا برمملوکان خود تاهمه ایشان درروزی برابر باشند آیا نعمت خدارا انکارمی نمایند[1] (٧١) .

---

(١) یعنی هیچ کس نمی خواهد که مملوکان خودرا برابرخود سازد والله اعلم .

وَلِلّٰهِ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ وَمَآ اَمْرُ السَّاعَةِ اِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ اَوْ هُوَ اَقْرَبُ ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝٧٧

خدای رااست علم پنهان آسمان ها وزمین ونیست کار قیامت (یعنی نزدیك قدرت او) مگر مانند چشم بهم زدن بلکه اونزدیك تراست هرآئینه خدا به همه چیز تواناست (۷۷) .

وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِّنْۢ بُطُوْنِ اُمَّهٰتِكُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ شَيْـــًٔا ۙ وَّجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْـِٕدَةَ ۙ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ۝٧٨

وخدا بیرون آوردشمارا ازشکم های مادران شما نمی دانستید چیزی را وپیداساخت برای شما شنوائی وچشم ها ودل ها تابود که شکرکنید (۷۸) .

اَلَمْ يَرَوْا اِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرٰتٍ فِيْ جَوِّ السَّمَاۗءِ ۭ مَا يُمْسِكُهُنَّ اِلَّا اللّٰهُ ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ۝٧٩

آیانگاه نکردند بسوی مرغان رام شده درهوای آسمان نگاه نمیدارد ایشان را مگر خدا هرآئینه درین نشانه ها ست گروهی را که ایمان می آرند (۷۹) .

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْۢ بُيُوْتِكُمْ سَكَنًا وَّجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ جُلُوْدِ الْاَنْعَامِ بُيُوْتًا تَسْتَخِفُّوْنَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ اِقَامَتِكُمْ ۙ وَمِنْ اَصْوَافِهَا وَاَوْبَارِهَا وَاَشْعَارِهَآ اَثَاثًا وَّمَتَاعًا اِلٰى حِيْنٍ ۝٨٠

وخدا ساخت برای شما ازخانه های شما جای سکونت وساخت برای شما از پوست های چهار پایان خانه های سبك می یابید آن را روز سفرخود وروزاقامت خود وساخت از پشمهایشان وکُرکهایشان وموهایشان اسباب خانه وبهره مندی تاوقت مقرر (۸۰) .

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّمَّا خَلَقَ ظِلٰلًا وَّجَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الْجِبَالِ اَكْنَانًا وَّجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيْلَ تَقِيْكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيْلَ تَقِيْكُمْ بَاْسَكُمْ ۭ كَذٰلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُوْنَ ۝٨١

وخداپیدا ساخت برای شما ازمخلوقات خود سایه ها وپیداکردبرای شما ازکوه ها غارها وساخت برای شما جامه هاکه نگاه دارد شمارااز گرمی[1] وجامه ها که نگاه دارد شمارا از ضررجنگ شما، هم چنین تمام میدهد نعمت خودرا برشما تابُوَد که

(۱) یعنی وازسردی تیز .

کردند[1] (۸۸) .

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ ۚ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿٨٩﴾

وآن روزکه برانگیزیم درهرامتی گواهی برایشان ازقبیلهٔ ایشان[2] وبیاریم ترا گواه برآنها وفرودآوردیم برتوکتاب برای بیان کردن هرچیز وبرای راه نمودن وبخشایش ومژده دادن مسلمانان را (۸۹).

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ ۚ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٩٠﴾

هرآئینه خدا می فرماید بانصاف ونیکوکاری وعطا کردن بخویشاوندان ومنع می کند ازبی حیائی وکارناپسندیده وتعدی، پند می دهد شمارا تابُوَد که شما پندپذیر شوید (۹۰) .

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا ۚ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٩١﴾

ووفاکنید به عهد خدا چون عهد بندید ومشکنید سوگندها را بعد محکم ساختن آنها وهرآئینه ساخته اید خدارا برخویش نگاهبان[3] هرآئینه خدامیداند آنچه می کنید (۹۱) .

وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ ۚ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ ۚ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٩٢﴾

ومباشید مانندزنی که گسست رشته خودرابعد ازاستواری پاره پاره، میگیرید سوگند های خویش را مکردرمیان خود تا افزون ترشود گروهی از گروهی[4] جزاین نیست که می آزماید خدا شمارا بآن افزونی والبته بیان کند برای شماروزقیامت آنچه درآن اختلاف می

---

(۱) یعنی عذاب گمراهی وگمراه کردن .
(۲) مترجم گوید وآن نبی آن قوم باشد .
(۳) یعنی نام اورادرقسم مذکور کرده اید .
(٤) یعنی برای منفعت دنیا تامال ومنال زیاده بدست آرد .

رامزدایشان بحسب نیکوترین آنچه می کردند (٩٧) .

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٩٨﴾

پس وقتی که خواهی قرآن خواندن پناه طلب کن بخدا ازشیطان رانده شده (٩٨) .

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٩٩﴾

هرآئینه نیست شیطان را غلبه برآنانکه ایمان آوردند وبر پروردگار خودتوکل میکنند (٩٩) .

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ ﴿١٠٠﴾

جزاین نیست که غلبه اوبرآناست که دوستداری اومیکنند وآنانکه ایشان بخدا شریك مقررمی کنند (١٠٠) .

وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾

وچون بدل کنیم آیتی بجای آیتی[1] وخدادانننده ترست بآنچه فرود می آرد گویند جزاین نیست که توافتراء کننده ای بلکه اکثرایشان نمیدانند (١٠١) .

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ ﴿١٠٢﴾

بگوفرودآورده است اورا روح القدس ازجانب پروردگار توبراستی تامستقیم سازد خدا مومنان را و برای راه نمودن ومژده دادن مسلمانان را (١٠٢) .

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ ﴿١٠٣﴾

وهرآئینه مامیدانیم که کافران می گویند جزاین نیست که می آموزد این پیغامبررا آدمی زبان کسی که نسبت می کنند بسوی اوعجمی ست واین قرآن زبان عربی واضح ست (١٠٣) .

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾

هرآئینه آنانکه ایمان نمی آرند بآیات خدا راه نه نماید ایشان راخدا وایشان را باشد عذاب درد دهنده (١٠٤) .

---

(١) یعنی یك آیت بآیت دیگرنسخ کنیم .

يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١١٢﴾

مطمئن می آمد به اوروزی اوبه کشاد گی ازهرجای پس ناسپاسی کرد به نعمت های خدا پس چشانیدخدااوراپوشش گرسنگی وترس بسبب آنچه می کردند (۱۱۲) .

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١١٣﴾

وهرآئینه آمد پیش ایشان پیغامبری ازجنس ایشان پس تکذیبش کردند پس گرفت ایشان را عقوبت وایشان ستمگاربودند[1] (۱۱۳) .

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١١٤﴾

پس بخورید ازآن چه خداروزی داد شمارا حلال پاکیزه وشکر کنید برنعمت خدا ا گر اورامی پرستید (۱۱٤) .

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ۖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٥﴾

جزاین نیست که حرام ساخته است خدابرشما مرداروخون و گوشت خوك را وآنچه ذکر کرده شد بنام غیر خدا برذبح وی پس هرکه مجبور کرده شدو نه ستم کرده ونه ازحد گذشته پس خدا آمرز گار مهربانست (۱۱۵) .

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَٰذَا حَلَالٌ وَهَٰذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿١١٦﴾

ومگوئید چیزی را که بیان می کند حکم اورا زبان شما به دروغ که آن حلال است واین حرام است تاافتراء کنید برخدا دروغ را هرآئینه آنانکه افتراء می کنند برخدا دروغ را رستگارنمی شوند (۱۱٦) .

مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١٧﴾

ایشان را بُوَد بهره مندی اندك وایشان را

---

(۱) مترجم گوید این قصهٔ اجمالی اختراع کرده شده است ازقصه های بسیارومنطبق است برواقعه های بیشمار ولهذامثل نامیده شدو درعبارت اذاقهاالله لباس الجوع والخوف جمع کرده شده است و تشبهه دریك سیاق؟ والله اعلم .

لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿١٢٤﴾

وهرآئینه پروردگار تو حکم کند درمیان ایشان روز قیامت درآنچه اندرآن اختلاف میکردند[1] (۱۲٤) .

اُدْعُ اِلٰى سَبِيْلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ ۭ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيْلِهٖ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِيْنَ ﴿١٢٥﴾

دعوت کن (یعنی مردمان را) بسوی راه پروردگار خویش به دانش وپندنیك ومناظره کن باایشان به طریقی که وی نیك است هرآئینه پروردگار توداناترست بـه کسیکـه گمـراه شـدازراه او واودانـا تراست براه یابان (۱۲۵) .

وَاِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوْا بِمِثْلِ مَا عُوْقِبْتُمْ بِهٖ ۭ وَلَىِٕنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصّٰبِرِيْنَ ﴿١٢٦﴾

و ا گر مکافات کنید پس مکافات کنید به مثل آنچه باشما معامله کرده شد وا گر صبر کنید هر آئینه آن صبر بهترست صابران را(۱۲٦) .

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِيْ ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُوْنَ ﴿١٢٧﴾

وشکیبائی کن و نیست شکیبائی تو مگر به توفیق خدا واندوه مخور برایشان ومباش درتنگدلی ازآنکه بد اندیشی می کنند (۱۲۷) .

اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا وَّالَّذِيْنَ هُمْ مُّحْسِنُوْنَ ﴿١٢٨﴾

هرآئینه خدا باپرهیزگاران است وباآنانکه ایشان نیکوکارانند (۱۲۸) .

سُوْرَةُ الْاِسْرَآءِ

سوره الاسراء مکی است وآن یك صدویازده آیت ودوازده رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

سُبْحٰنَ الَّذِيْٓ اَسْرٰى بِعَبْدِهٖ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ

پاك است آنکه ببرد بنده خودرا شبی از مسجد حرام بسوی مسجد اقصی که

---

(۱) مترجم گوید یعنی یهود بحث میکردند درشنبه طائفه ای گفتند که خدای تعالی روزشنبه ازخلق فارغ شد پس درشنبه عبادت باید کردوطائفه ای سکوت کردند خدای تعالی تعظیم روزشنبه باین سبب برایشان واجب گردانید والله اعلم .

الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوْهُ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّلِيُتَبِّرُوْا مَا عَلَوْا تَتْبِيْرًا ۝٧

بدکاری کنید پس آن بدی برای خودتان است پس چون بیاید وعدهٔ دیگر بازبفرستیم بندگان خودرا تاناخوش سازند روی های شمارا وتادرآیند بمسجد چنانچه درآمده بودند اوّل بار وتاازپابافگنند برهرچه غالب شوند افگندنی[1] (۷) .

عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ يَّرْحَمَكُمْ ۚ وَاِنْ عُدْتُّمْ عُدْنَا ۘ وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكٰفِرِيْنَ حَصِيْرًا ۝٨

گوئیم نزدیك است پروردگار شماازآنکه رحم کند برشما و ا گر رجوع کنید به نافرمانی ما رجوع کنیم بعقوبت وساختیم دوزخ را برای کافران زندان[2] (۸) .

اِنَّ هٰذَا الْقُرْاٰنَ يَهْدِيْ لِلَّتِيْ هِيَ اَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِيْنَ الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا كَبِيْرًا ۝٩

هرآئینه این قرآن راه می نماید بخصلتی که اودرست تراست وبشارت میدهد آن مسلمانان را که کارهای شایسته می کنند بآن که ایشانرا باشدمزد بزرگ (۹) .

وَّاَنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ۝١٠

واینکه آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت آماده کرده ایم برای ایشان عقوبت درد دهنده (۱۰) .

وَيَدْعُ الْاِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَآءَهٗ بِالْخَيْرِ ۭ وَكَانَ الْاِنْسَانُ عَجُوْلًا ۝١١

ودعامیکند آدمی به بدی[3] مانند دعای وی به نیکوئی وهست آدمی شتاب کار (۱۱) .

وَجَعَلْنَا الَّيْلَ وَالنَّهَارَ اٰيَتَيْنِ فَمَحَوْنَآ اٰيَةَ الَّيْلِ وَجَعَلْنَآ اٰيَةَ

وساختیم شب و روز را دونشانه پس بی

---

(۱) مترجم گوید واین وعده متحقق شد وقتیکه حضرت یحییٰ راکشتند پس بخت نصررامسلط ساخت .

(۲) مترجم گویدایشان عود کردند بفساد وتکذیب حضرت عیسیٰ وحضرت پیغامبرجنگ کردند با اوپس خدای تعالی عود فرمودبتعذیب ایشان بقتل واسرو جزیه .

(۳) مترجم گوید یعنی درحالت تنگدلی برخود وبراولاد خود دعای بدمیکند .

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعٰى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولٰٓئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَّشْكُوْرًا ﴿١٩﴾

وهرکه بخواهد ثواب آخرت وسعی کند برای وی سعیی که لائق وی است واومسلمان باشد پس این جماعت هست سعی ایشان مقبول (١٩) .

كُلًّا نُّمِدُّ هٰٓؤُلَآءِ وَهٰٓؤُلَآءِ مِنْ عَطَآءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا ﴿٢٠﴾

هرفرقه را پی درپی میدهیم این فرقه راوآن فرقه را زبخشش پروردگار تو ونیست بخشش پروردگار تو بازداشته شده (٢٠) .

اُنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلٰى بَعْضٍ وَلَلْاٰخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجٰتٍ وَّأَكْبَرُ تَفْضِيْلًا ﴿٢١﴾

ببین چگونه برتری داده ایم بعض مردمان را بربعض[1] وهرآئینه آخرت زیاده تر بود در تمیزدرجات وبیشتر باشد در برتری دادن (٢١) .

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُوْمًا مَّخْذُوْلًا ﴿٢٢﴾

مقرر مکن باخدا معبودی دیگررا آنگاه بنشینی نکوهیدهٔ بی یارمانده (٢٢) .

وَقَضٰى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوْٓا اِلَّآ اِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا اِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ اَحَدُهُمَآ أَوْ كِلٰهُمَا فَلَا تَقُلْ لَّهُمَآ أُفٍّ وَّلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيْمًا ﴿٢٣﴾

وحکم کرد پروردگار تو که عبادت مکنید مگر فقط وی را و باپدرومادر نیکوکاری بکنید ا گر برسد نزدیك تو بکلان سالی یکی ازایشان یا هر دو پس مگوایشان را اُف وبانگ مزن برایشان وبگو باایشان سخن نیکو (٢٣) .

وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيٰنِيْ صَغِيْرًا ﴿٢٤﴾

وپست کن برای ایشان بازوی تواضع را ازجهت مهربانی وبگو ای پروردگار من ببخشای ایشان را چنانچه پرورش دادند مرا درخورد سالی (٢٤) .

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِيْ نُفُوْسِكُمْ اِنْ تَكُوْنُوْا صٰلِحِيْنَ فَاِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِيْنَ غَفُوْرًا ﴿٢٥﴾

پروردگار شما داناتراست به آنچه درضمیر شما ست ا گر باشید شایسته

---

(١) یعنی دردنیا بحد رزق وجاه .

مَظْلُوْمًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهٖ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفْ فِّي الْقَتْلِ ۖ اِنَّهٗ كَانَ مَنْصُوْرًا ﴿٣٣﴾

پس داده ایم وارث اورا قوتی[1] پس باید که زیادتی نه کند درکشتن هرآئینه وی هست یاری داده شده (۳۳) .

وَلَا تَقْرَبُوْا مَالَ الْيَتِيْمِ اِلَّا بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ حَتّٰى يَبْلُغَ اَشُدَّهٗ ۚ وَاَوْفُوْا بِالْعَهْدِ ۚ اِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْـُٔوْلًا ﴿٣٤﴾

ونزدیك مشوید بمال یتیم مگر به طریقی که او نیك است تاآنکه رسد به نهایت قوت خود و وفا کنید به عهد هرآئینه عهد پرسیده خواهد شدازو (۳٤) .

وَاَوْفُوا الْكَيْلَ اِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوْا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيْمِ ۚ ذٰلِكَ خَيْرٌ وَّاَحْسَنُ تَاْوِيْلًا ﴿٣٥﴾

وتمام کنید پیمانه را چون پیمائید وبه سنجید به ترازوی راست این بهترست ونیکوترست ازجهت عاقبت (۳۵) .

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ ۚ اِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ اُولٰٓئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْـُٔوْلًا ﴿٣٦﴾

ومرو پی چیزی که ترا دانش آن نیست هرآئینه گوش وچشم ودل هریکی ازین ها پرسیده خواهد شدازو (۳٦) .

وَلَا تَمْشِ فِي الْاَرْضِ مَرَحًا ۚ اِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْاَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُوْلًا ﴿٣٧﴾

ومَرو درزمین خرامان[2] هرآئینه تو نخواهی شگافت زمین را ونرسی به کوه ها دردرازی (۳۷) .

كُلُّ ذٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهٗ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوْهًا ﴿٣٨﴾

همه این خصلت هاست بدفعلی آن نزدِ پروردگار توناپسندیده (۳۸) .

ذٰلِكَ مِمَّآ اَوْحٰٓى اِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ ۗ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ فَتُلْقٰى فِيْ جَهَنَّمَ مَلُوْمًا مَّدْحُوْرًا ﴿٣٩﴾

این ازآنجمله هست که وحی فرستاده است بسوی تو پروردگار تو ازعلم ومقرر مکن باخدا معبود دیگررا آنگاه انداخته شوی دردوزخ ملامت کرده شده رانده گشته (۳۹) .

اَفَاَصْفٰىكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِيْنَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ اِنَاثًا ۚ اِنَّكُمْ لَتَقُوْلُوْنَ قَوْلًا عَظِيْمًا ﴿٤٠﴾

آیا برگزید شمارا پروردگار شما به پسران وخود برگزید ازفرشتگان دختران را

---

(۱) یعنی حق قصاص .

(۲) یعنی متکبرانه ومغرورانه .

اِذْ يَقُوْلُ الظّٰلِمُوْنَ اِنْ تَتَّبِعُوْنَ اِلَّا رَجُلًا مَّسْحُوْرًا ﴿٤٧﴾

آن[1] وقتی که گوش فرامیدهند بسوی تووقتیکه ایشان رازگویان باشند وقتی که می گویند این ستم‌گاران پیروی نمی کنید مگر مردجادو شده را (٤٧) .

اُنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوْا لَكَ الْاَمْثَالَ فَضَلُّوْا فَلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ سَبِيْلًا ﴿٤٨﴾

بنگر چگونه زدند داستان ها برای تو پس گمراه شدند پس نمی توانند راه یافتن (٤٨) .

وَقَالُوْٓا ءَاِذَا كُنَّا عِظَامًا وَّرُفَاتًا ءَاِنَّا لَمَبْعُوْثُوْنَ خَلْقًا جَدِيْدًا ﴿٤٩﴾

و گفتندآیاچون شویم استخوانی چند واعضای پوسیده ازهم پاشیده آیابرانگیخته شویم بآفرینشِ نو (٤٩) .

قُلْ كُوْنُوْا حِجَارَةً اَوْ حَدِيْدًا ﴿٥٠﴾

بگوسنگ شوید یاآهن شوید (٥٠) .

اَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِيْ صُدُوْرِكُمْ فَسَيَقُوْلُوْنَ مَنْ يُّعِيْدُنَا قُلِ الَّذِيْ فَطَرَكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُوْنَ اِلَيْكَ رُءُوْسَهُمْ وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى هُوَ قُلْ عَسٰٓى اَنْ يَّكُوْنَ قَرِيْبًا ﴿٥١﴾

یانوعی دیگر شویدازآنچه بزرگ نمایددرخاطر شما پس خواهند گفت چه کسی باز پیدا کند مارا بگوکسی که آفرید شمارا اوّل بار بازپس خواهند جنبانید بسوی توسرخودرا[2] وخواهند گفت کی باشد آن بگوشاید که نزدیك باشد (٥١).

يَوْمَ يَدْعُوْكُمْ فَتَسْتَجِيْبُوْنَ بِحَمْدِهٖ وَتَظُنُّوْنَ اِنْ لَّبِثْتُمْ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٥٢﴾

روزی که خدا بخواند شمارا پس قبول کنید خواندن اورا حمد گویان وگمان کنید که درنگ نه کرده بودید مگر اندکی (٥٢) .

وَقُلْ لِّعِبَادِيْ يَقُوْلُوا الَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ اِنَّ الشَّيْطٰنَ يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ اِنَّ الشَّيْطٰنَ كَانَ لِلْاِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِيْنًا ﴿٥٣﴾

وبگوبندگان مرا که بگویند سخنی که آن بهترست (یعنی باکفار) هرآئینه شیطان نزاع می افگند میان مردمان هرآئینه شیطان هست آدمی را دشمن آشکارا (٥٣).

---

(١) یعنی بقصد استهزاء وعیب جوئی .

(٢) یعنی ملزم خواهندشد .

فرستیم نشانه هارا مگر برای ترسانیدن (٥٩) .

وَاِذْ قُلْنَا لَكَ اِنَّ رَبَّكَ اَحَاطَ بِالنَّاسِ ۭ وَمَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا الَّتِيْٓ اَرَيْنٰكَ اِلَّا فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُوْنَةَ فِي الْقُرْاٰنِ ۭ وَنُخَوِّفُهُمْ ۙ فَمَا يَزِيْدُهُمْ اِلَّا طُغْيَانًا كَبِيْرًا ۝٦٠

ویادکن چون گفتیم ترا که پروردگار تو دربرگرفته است همه مردمان را (یعنی درقدرت خود) و نه ساختیم نمایشی را که نمودیم به تو مگر امتحان مردمان را ونه ساختیم درختی را که نفرین کرده شد درقرآن مگر امتحانی ومی ترسانیم ایشان را پس نمی افزاید ترسانیدن درحق ایشان مگر سرکشی بزرگ[1] را (٦٠) .

وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰۗىِٕكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا اِلَّآ اِبْلِيْسَ ۭ قَالَ ءَاَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِيْنًا ۝٦١

وياد کن چون گفتیم فرشتگان را سجده کنید برای آدم پس سجده کردند الاّ ابلیس گفت آیاسجده کنم کسی را که آفریده ای از گل (٦١) .

قَالَ اَرَءَيْتَكَ هٰذَا الَّذِيْ كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَىِٕنْ اَخَّرْتَنِ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَاَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهٗٓ اِلَّا قَلِيْلًا ۝٦٢

باز گفت آیادیدی این شخص را که برتری داده ای برمن ا گر مهلت دهی مرا تاروزقیامت البته ازبیخ برکنم اولاد او را الاّ اندکی (٦٢) .

قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَاِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاۗؤُكُمْ جَزَاۗءً مَّوْفُوْرًا ۝٦٣

خدافرمود برو پس هرکسیکه پیروی تو کند ازایشان پس دوزخ سزای همه شمااست سزای کامل (٦٣) .

وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَاَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْاَمْوَالِ وَالْاَوْلَادِ وَعِدْهُمْ ۭ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطٰنُ اِلَّا غُرُوْرًا ۝٦٤

وازجابجنبان هرکرا توانی ازایشان بآواز خود آواز کن بر ایشان توسط سواران خود وپیادگان خود وشریك شوبایشان دراموال وفرزندان ووعده ده ایشان را

---

(١) یعنی چون کافران قصه معراج شنیدند وآیت (ان شجرة الزقوم طعام الاثیم) بایشان رسید استبعاد کردند ومحل طعن ساختند .

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِيٓ اٰدَمَ وَحَمَلْنٰهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنٰهُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ وَفَضَّلْنٰهُمْ عَلٰى كَثِيْرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيْلًا ﴿٧٠﴾

وهرآئینه بزرگ ساختیم فرزندان آدم را وبرداشتیم ایشان رادر بیابان ودردریا[1] وروزی دادیم ایشان را ازپاکیزه ها وبرتری دادیم ایشان را بربسیاری ازآنچه آفریده ایم برتری دادنی (۷۰) .

يَوْمَ نَدْعُوْا كُلَّ اُنَاسٍۢ بِاِمَامِهِمْ ۚ فَمَنْ اُوْتِيَ كِتٰبَهٗ بِيَمِيْنِهٖ فَاُولٰٓئِكَ يَقْرَءُوْنَ كِتٰبَهُمْ وَلَا يُظْلَمُوْنَ فَتِيْلًا ﴿٧١﴾

روزی که بخوانیم هرفرقه را باپیشوای ایشان پس هرکه داده شده نامهٔ اعمال اوبدست راستش پس آنجماعت بخوانند نامهٔ خودرا وستم کرده نه شوند مقدار یك رشته (۷۱) .

وَمَنْ كَانَ فِيْ هٰذِهٖٓ اَعْمٰى فَهُوَ فِي الْاٰخِرَةِ اَعْمٰى وَاَضَلُّ سَبِيْلًا ﴿٧٢﴾

وهرکه باشد دردنیا کور[2] وی درآخرت نیز کور است وخطا کننده تراست راه را (۷۲) .

وَاِنْ كَادُوْا لَيَفْتِنُوْنَكَ عَنِ الَّذِيْٓ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهٗ ۖ وَاِذًا لَّاتَّخَذُوْكَ خَلِيْلًا ﴿٧٣﴾

وهرآئینه نزدیك بودند که بفریب بازدارند ترا ازآنچه وحی فرستاده ایم بسوی توتابربندی برماغیرآن را وآنگاه دوست می گرفتند ترا (۷۳) .

وَلَوْلَآ اَنْ ثَبَّتْنٰكَ لَقَدْ كِدْتَّ تَرْكَنُ اِلَيْهِمْ شَيْـًٔا قَلِيْلًا ﴿٧٤﴾

و ا گر نبودآن که ثابت داشتیم ترا نزدیك بودی که میل کنی بسوی ایشان اندك میلی (۷٤) .

اِذًا لَّاَذَقْنٰكَ ضِعْفَ الْحَيٰوةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيْرًا ﴿٧٥﴾

آنگاه می چشانیدیم ترا دوچند عذاب زندگانی ودوچند عذاب مرگ بازنمی یافتی برای خود مددکننده برما (۷۵) .

وَاِنْ كَادُوْا لَيَسْتَفِزُّوْنَكَ مِنَ الْاَرْضِ لِيُخْرِجُوْكَ مِنْهَا وَاِذًا لَّا يَلْبَثُوْنَ خِلٰفَكَ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٧٦﴾

وهرآئینه نزدیك بودند که بلغزانند ترا اززمین تاجلاوطن کنند ترا ازآنجا و آنگاه

---

(۱) یعنی بردواب وکشتی .

(۲) یعنی حقیقت را نبیند .

الشَّرُّ كَانَ يَئُوْسًا ﴿٨٣﴾

پیچاند بازوی خودرا وچون رسدبِوَی سختی ناامید باشد (٨٣) .

قُلْ كُلٌّ يَّعْمَلُ عَلٰى شَاكِلَتِهٖ ۭ فَرَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ اَهْدٰى سَبِيْلًا ﴿٨٤﴾

بگوهرکسی عمل میکند به روش خود پس پروردگار شما داناترست بآنکه وی یابنده تربُوَد راه را (٨٤) .

وَيَسْـَٔـلُوْنَكَ عَنِ الرُّوْحِ ۭ قُلِ الرُّوْحُ مِنْ اَمْرِ رَبِّيْ وَمَآ اُوْتِيْتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٨٥﴾

وسوال میکنند ترا ازروح بگوروح ازفرمانِ پروردگار من است وشمانداده شده ایدازعلم مگر اندکی (٨٥) .

وَلَىِٕنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِيْٓ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهٖ عَلَيْنَا وَكِيْلًا ﴿٨٦﴾

و ا گرخواهیم ببریم آنچه وحی فرستاده ایم بسوی تو بازنیابی برای خود به سبب وی برماکارسازی (٨٦) .

اِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ ۭ اِنَّ فَضْلَهٗ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيْرًا ﴿٨٧﴾

لیکن باقی گذاشتمش بسبب رحمتی از جانب پروردگار توهرآئینه فضل وی برتو بزرگ است (٨٧) .

قُلْ لَّىِٕنِ اجْتَمَعَتِ الْاِنْسُ وَالْجِنُّ عَلٰٓى اَنْ يَّاْتُوْا بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْاٰنِ لَا يَاْتُوْنَ بِمِثْلِهٖ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيْرًا ﴿٨٨﴾

بگو ا گر جمع شوند آدمیان وجن برآنکه بیارند مانندااین قرآن هرگز نیارند مانند آن ا گرچه باشد بعض ایشان بعضی را مدد دهنده (٨٨) .

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِيْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۭ فَاَبٰٓى اَكْثَرُ النَّاسِ اِلَّا كُفُوْرًا ﴿٨٩﴾

وهرآئینه گوناگون بیان کردیم برای مردمان درین قرآن ازهرداستانی پس قبول نه کردند بیشتر مردمان مگرناسپاسی را (٨٩) .

وَقَالُوْا لَنْ نُّؤْمِنَ لَكَ حَتّٰى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْاَرْضِ يَنْۢبُوْعًا ﴿٩٠﴾

و گفتند هرگز باور نداریم ترا تاآنکه جاری کنی برای ما اززمین چشمه ای (٩٠) .

اَوْ تَكُوْنَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيْلٍ وَّعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْاَنْهٰرَ خِلٰلَهَا تَفْجِيْرًا ﴿٩١﴾

یاباشد ترا بوستانی ازدرختان خرما و انگور پس روان کنی جویها درمیان آن روان کردنی (٩١) .

اَوْ تُسْقِطَ السَّمَاۗءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا اَوْ تَاْتِيَ بِاللّٰهِ وَالْمَلٰۗىِٕكَةِ قَبِيْلًا ﴿٩٢﴾

یافرودآری آسمان را چنان که گمان میکنی برما پاره پاره یا بیاری خدارا وفرشتگان را رو برو (٩٢) .

اَنْ يَّخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ اَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيْهِ فَاَبَى الظّٰلِمُوْنَ اِلَّا كُفُوْرًا ﴿٩٩﴾

ایشان را وساخته است برای ایشان میعادی که هیچ شبهه نیست درآن پس قبول نه کردند ستمگاران مگر انکار را (۹۹) .

قُلْ لَّوْ اَنْتُمْ تَمْلِكُوْنَ خَزَآئِنَ رَحْمَةِ رَبِّيْٓ اِذًا لَّاَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْاِنْفَاقِ ۭ وَكَانَ الْاِنْسَانُ قَتُوْرًا ﴿١٠٠﴾

بگو ا گر می‌بودید شما مالك خزانه های بخشش پروردگار مرا آنگاه نیز بخیلی میکردید بترس آنکه همه خرج کنید وهست آدمی بخل کننده (۱۰۰) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسٰى تِسْعَ اٰيٰتٍۢ بَيِّنٰتٍ فَسْـَٔلْ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ اِذْ جَاۗءَهُمْ فَقَالَ لَهٗ فِرْعَوْنُ اِنِّىْ لَاَظُنُّكَ يٰمُوْسٰى مَسْحُوْرًا ﴿١٠١﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ را نهٔ نشانهٔ روشن پس بپرس ازبنی اسرائیل چون آمد بایشان پس گفت اورا فرعون هرآئینه می پندارم ترا ای موسیٰ جادوکرده شده (۱۰۱) .

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَآ اَنْزَلَ هٰٓؤُلَاۗءِ اِلَّا رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ بَصَاۗىِٕرَ ۚ وَاِنِّىْ لَاَظُنُّكَ يٰفِرْعَوْنُ مَثْبُوْرًا ﴿١٠٢﴾

گفت هرآئینه تودانسته ای، که نفرستاده این نشانه هارا مگر پروردگار آسمان ها وزمین دلائل روشن (برصدق حق) وهرآئینه من می پندارم تراای فرعون هلاك شده (۱۰۲) .

فَاَرَادَ اَنْ يَّسْتَفِزَّهُمْ مِّنَ الْاَرْضِ فَاَغْرَقْنٰهُ وَمَنْ مَّعَهٗ جَمِيْعًا ﴿١٠٣﴾

پس خواست که بیرون راند بنی اسرائیل را ازآن سرزمین پس غرق ساختیم اورا وآنانرا که همراه اوبودند همه یکجا (۱۰۳) .

وَّقُلْنَا مِنْۢ بَعْدِهٖ لِبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ اسْكُنُوا الْاَرْضَ فَاِذَا جَاۗءَ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيْفًا ﴿١٠٤﴾

و گفتیم پس ازوی بنی اسرائیل را ساکن شوید درزمین پس چون بیاید وعدهٔ آخرت بیاریم شمارا همه باهم (۱۰۴) .

وَبِالْحَقِّ اَنْزَلْنٰهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ ۭ وَمَآ اَرْسَلْنٰكَ اِلَّا مُبَشِّرًا وَّنَذِيْرًا ﴿١٠٥﴾

وبراستی فروفرستادیم قرآن را وبراستی فرودآمده است ونه فرستادیم ترا مگر مژده دهنده وترساننده (۱۰۵) .

وَقُرْاٰنًا فَرَقْنٰهُ لِتَقْرَاَهٗ عَلَي النَّاسِ عَلٰي مُكْثٍ وَّنَزَّلْنٰهُ تَنْزِيْلًا ﴿١٠٦﴾

وقرآن را کم کم فرستادیم تابخوانی آن را برمردمان بدرنگ وبدفعات فروفرستادیم

الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا حَسَنًا ۙ﴿٢﴾

سخت آینده ازنزدِ خدا و تامژده دهدآن مسلمانان را که می کنند کارهای شایسته بآنکه ایشانراست مُزدنیك (٢) .

مَّاكِثِيْنَ فِيْهِ اَبَدًا ۙ﴿٣﴾

باشند گان دروی همیشه (٣) .

وَّيُنْذِرَ الَّذِيْنَ قَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا ۗ﴿٤﴾

وتا ترساندآنان راکه گفتند خدا فرزند گرفته است (٤) .

مَا لَهُمْ بِهٖ مِنْ عِلْمٍ وَّلَا لِاٰبَآئِهِمْ ۭ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ اَفْوَاهِهِمْ ۭ اِنْ يَّقُوْلُوْنَ اِلَّا كَذِبًا ۝﴿٥﴾

نیست ایشان راهیچ دانش بآن ونه پدران ایشان را بود، سخت است این سخن که برمی آید ازدهانهای ایشان نمی گویند مگردروغ (٥) .

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلٰٓى اٰثَارِهِمْ اِنْ لَّمْ يُؤْمِنُوْا بِهٰذَا الْحَدِيْثِ اَسَفًا ۝﴿٦﴾

پس مگر تو کشنده ای نفس خودرا درپیِ ایشان ا گر ایمان نیارند باین سخن ازروی اندوه (٦) .

اِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْاَرْضِ زِيْنَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ اَيُّهُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا ۝﴿٧﴾

هرآئینه ماقرارداده ایم آنچه برروی زمین است آرایشی برای آن تاامتحان کنیم ایشان را کدام یك ازایشان نیکوتراست درعمل (٧) .

وَاِنَّا لَجٰعِلُوْنَ مَا عَلَيْهَا صَعِيْدًا جُرُزًا ۭ﴿٨﴾

وهر آئینه ماالبته خواهیم ساخت آنچه را که برویست میدان همواربی گیاه (٨) .

اَمْ حَسِبْتَ اَنَّ اَصْحٰبَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيْمِ كَانُوْا مِنْ اٰيٰتِنَا عَجَبًا ۝﴿٩﴾

آیاپنداشتی که اصحاب غار ونوشته[1] ازجمله نشانه های ماعجب بودند (٩) .

اِذْ اَوَى الْفِتْيَةُ اِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوْا رَبَّنَآ اٰتِنَا مِنْ لَّدُنْكَ رَحْمَةً وَّهَيِّئْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا رَشَدًا ۝﴿١٠﴾

چون پناه بردند جوانانی چند بسوی غار پس گفتند ای پروردگار مابده ماراازنزدِ خود بخششی وآماده سازبرای ما راه یابی را در کار ما (١٠) .

فَضَرَبْنَا عَلٰٓى اٰذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِيْنَ عَدَدًا ۙ﴿١١﴾

پس پرده گذاشتیم برگوش های ایشان

---

(١) یعنی نوشته که بردیوارغار .

مِنْ اٰیٰتِ اللّٰهِ ؕ مَنْ یَّهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۚ وَمَنْ یُّضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ وَلِیًّا مُّرْشِدًا ﴿۱۷﴾

وچون غروب کند تجاوز میکند ازایشان بجانب چپ وایشان درکشادگی اند از غار این ازنشانهای خداست هرکه راخداهدایت کند پس اوست هدایت یافته وهرکه گمراه میکندش پس نیابی اورا هیچ دوست راه نماینده[۱] (۱۷) .

وَتَحْسَبُهُمْ اَیْقَاظًا وَّهُمْ رُقُوْدٌ ۚ وَّنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْیَمِیْنِ وَذَاتَ الشِّمَالِ ۚ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَیْهِ بِالْوَصِیْدِ ؕ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَیْهِمْ لَوَلَّیْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَّلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا ﴿۱۸﴾

وبپنداری ای بیننده ایشان را بیدارودرحالیکه ایشان خفته اند و می‌گردانیم ایشان را جانب راست و جانب چپ وسگ ایشان گشاده کرده است دودست خودرا بردهانهٔ غار اگر اطلاع می‌یافتی برایشان البته رومی‌گردانیدی ازایشان بگریختن و فرامی گرفت ترا ازایشان ترس[۲] (۱۸) .

وَكَذٰلِكَ بَعَثْنٰهُمْ لِیَتَسَآءَلُوْا بَیْنَهُمْ ؕ قَالَ قَآئِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ ؕ قَالُوْا لَبِثْنَا یَوْمًا اَوْ بَعْضَ یَوْمٍ ؕ قَالُوْا رَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ ۟ فَابْعَثُوْۤا اَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هٰذِهٖۤ

وهمچنین برانگیختیم ایشان را تاعاقبت بایکدیگر سوال کنند درمیان خود گفت گوینده ای ازایشان چه قدر درنگ کردید گفتند درنگ کردیم یك روز یا بعض روز

---

(۱) مترجم گوید بخاطر فاترمیرسد که دیوار جنوبی کهف آنقدر بلندست که سایهٔ اصلی اودر تمام سال محل خفتن ایشانرا می پوشاند ودیوار شرقی وغربی آن متصل دیوار جنوبی بلند ترست و پایه به پایه منحط شده و این جماعت سربجانب شمال پابجانب جنوب کرده خفته اند پس وقتی که طلوع کند نور آفتاب بردیوار غربی وبعضی صحن غار افتدوهر چند ارتفاع زیاده گرددبلندی دیوار شرقی از وصول نور بایشان مانع آید ونور جانب راست ایشان منتقل شود بجانب سرکه جهت شمال ست و دروقت استواء بجز سایهٔ اصلی دیوار جنوبی نمی ماند وچون آفتاب مائل بغروب شود نور آفتاب بردیوار شرقی افتدوآهسته برسر دیوار مرتفع گردد و آن جانب چپ ایشان ست .

(۲) مترجم گوید وچنانکه خفتن ایشانرا نشانه ساختیم .

مگر گفتگوی سرسری وسوال مکن درباب ایشان هیچ کس راازکافران (٢٢).

وَلَا تَقُوْلَنَّ لِشَایْءٍ اِنِّیْ فَاعِلٌ ذٰلِكَ غَدًا ﴿٢٣﴾

ومگوهیچ چیزی را که من البته خواهم کرد آن را فردا (٢٣).

اِلَّآ اَنْ یَّشَآءَ اللّٰهُ وَاذْكُرْ رَّبَّكَ اِذَا نَسِیْتَ وَقُلْ عَسٰٓی اَنْ یَّهْدِیَنِ رَبِّیْ لِاَقْرَبَ مِنْ هٰذَا رَشَدًا ﴿٢٤﴾

مگر مقرون به ذکر مشیت خدا[1] وياد کن پروردگار خودرا وقتیکه فراموش کنی[2] و بگو توقع است که دلالت کند مرا پروردگار من براهی نزدیك تربااعتبار راستی ازآنچه کافران میگویند (٢٤).

وَلَبِثُوْا فِیْ كَهْفِهِمْ ثَلٰثَ مِائَةٍ سِنِیْنَ وَازْدَادُوْا تِسْعًا ﴿٢٥﴾

ودرنگ کردند درغار خود سه صدسال و افزودند نُه سال دیگر (٢٥).

قُلِ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوْا لَهٗ غَیْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَبْصِرْ بِهٖ وَاَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِّنْ دُوْنِهٖ مِنْ وَّلِیٍّ وَّلَا یُشْرِكُ فِیْ حُكْمِهٖٓ اَحَدًا ﴿٢٦﴾

بگوخدا دانا تراست بمقداری که درنگ کردند اوراست علم غیب آسمان هاوزمین چه قدر بیناست وچه قدر شنواست نیست ایشانرا بجزوی هیچ کارسازی وشریك نمی گیرد درحکم خود هیچکس را (٢٦).

وَاتْلُ مَآ اُوْحِیَ اِلَیْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِهٖ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُوْنِهٖ مُلْتَحَدًا ﴿٢٧﴾

وبخوان آنچه وحی فرستاده شد بسوی تو از کتاب پروردگار توهیچ کس تبدیل کننده نیست حکم های وی را وهرگز نه یابی بجزوی هیچ پناهی (٢٧).

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِیْنَ یَدْعُوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَدٰوةِ وَالْعَشِیِّ یُرِیْدُوْنَ وَجْهَهٗ وَلَا تَعْدُ عَیْنٰكَ عَنْهُمْ تُرِیْدُ زِیْنَةَ الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا وَلَا تُطِعْ مَنْ اَغْفَلْنَا

وبندکن خودرا باآنانکه یادمیکنند پروردگار خودرا به صبح و شام میخواهند رضای اورا وباید که درنگذرد چشم های توازایشان طلب کنان آرائش

---

(١) یعنی بگوخواهم کرد إن شاءالله تعالی.

(٢) یعنی بازمتنبه شوی.

خِلٰلَهُمَا نَهَرًا ﴿۳۳﴾

کم نه کرد ازمیوه و جاری ساختیم میان آنها جوی آب (۳۳) .

وَّكَانَ لَهٗ ثَمَرٌ ۚ فَقَالَ لِصَاحِبِهٖ وَهُوَ يُحَاوِرُهٗٓ اَنَا اَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَّاَعَزُّ نَفَرًا ﴿۳۴﴾

و بود او را میوه های بسیارپس گفت هم نشین خود را و او گفتگو میکرد بآن هم نشین من بیشترم ازتودرمال وغالبترم باعتبار حَشَم (۳٤) .

وَدَخَلَ جَنَّتَهٗ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهٖ ۚ قَالَ مَآ اَظُنُّ اَنْ تَبِيْدَ هٰذِهٖٓ اَبَدًا ﴿۳۵﴾

ودرآمد به بوستان خود ستم کرده برخویش گفت نمی پندارم که هلاك شوداین بوستان هیچ گاه (۳۵) .

وَّمَآ اَظُنُّ السَّاعَةَ قَآئِمَةً ۙ وَّلَئِنْ رُّدِدْتُّ اِلٰى رَبِّيْ لَاَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿۳۶﴾

و گمان ندارم که قیامت متحقق شود و بالفرض ا گر باز گردانیده شوم بسوی پروردگار خودهرآئینه خواهم یافت بازگشتی بهترازین بوستانها (۳٦) .

قَالَ لَهٗ صَاحِبُهٗ وَهُوَ يُحَاوِرُهٗٓ اَكَفَرْتَ بِالَّذِيْ خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوّٰىكَ رَجُلًا ﴿۳۷﴾

گفت اوراهم نشین اوواو گفتگو میکردباوی آیاکافرشدی بآن خدای که پیدا کرد ترااز خاك بازاز نطفه بازترا مرد ساخت (۳۷) .

لٰكِنَّا۠ هُوَ اللّٰهُ رَبِّيْ وَلَآ اُشْرِكُ بِرَبِّيْٓ اَحَدًا ﴿۳۸﴾

لیکن من اعتقاد دارم که خدا پروردگارمن ست وشریك مقررنمی کنم باپروردگار خود هیچکس را (۳۸) .

وَلَوْلَآ اِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَآءَ اللّٰهُ ۙ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ۚ اِنْ تَرَنِ اَنَا اَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَّوَلَدًا ﴿۳۹﴾

وچون درآمدی به بوستان خود چرانه گفتی آنچه خداخواسته است شدنیست، نیست هیچ توانائی مگر بمشیت خدا ا گر می بینی مراکم ترازتوام درمال و فرزند (۳۹) .

فَعَسٰى رَبِّيْٓ اَنْ يُّؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَآءِ فَتُصْبِحَ صَعِيْدًا زَلَقًا ﴿۴۰﴾

پس شاید که پروردگار من بدهد مرا بهترازبوستان تو وشاید که فرستد بربوستانِ توعذابی ازآسمان پس گردد زمین بی گیاه لغزایندهٔ پا (٤۰) .

وَعُرِضُوْا عَلٰى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُوْنَا كَمَا خَلَقْنٰكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ اَلَّنْ نَّجْعَلَ لَكُمْ مَّوْعِدًا ﴿۴۸﴾

وروبروآورده شوند پیش پروردگار توصف کشیده گوئیم هرآئینه آمدید پیش ماچنانکه آفریده بودیم شمارااوّل بار بلکه می پنداشتید که نه خواهیم ساخت برای شماوعده گاهی (۴۸) .

وَوُضِعَ الْكِتٰبُ فَتَرَى الْمُجْرِمِيْنَ مُشْفِقِيْنَ مِمَّا فِيْهِ وَيَقُوْلُوْنَ يٰوَيْلَتَنَا مَالِ هٰذَا الْكِتٰبِ لَا يُغَادِرُ صَغِيْرَةً وَّلَا كَبِيْرَةً اِلَّآ اَحْصٰىهَا وَوَجَدُوْا مَا عَمِلُوْا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ اَحَدًا ﴿۴۹﴾

ودرمیان نهاده شودنامهٔ اعمال پس به بینی گناه گاران را ترسان ازآنچه درآن ست ومی گویند ای وای برماچه حال است این نامه رانمی گذارد هیچ معصیت خوردرا ونه بزرگ را مگراحاطه کرده است آن را و بیان هرچه کرده بودند حاضر وستم نکند پروردگارتو برهیچکس (۴۹) .

وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا اِلَّآ اِبْلِيْسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ اَمْرِ رَبِّهٖ اَفَتَتَّخِذُوْنَهٗ وَذُرِّيَّتَهٗٓ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِيْ وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظّٰلِمِيْنَ بَدَلًا ﴿۵۰﴾

ویادکن چون گفتیم به فرشتگان سجده کنید آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس بودازجن پس بیرون شدازفرمان پروردگار خود ای مردمان آیا دوست می گیرید اوراوفرزندان اورابجزمن وایشان شمارا دشمن اند، شیطان بدعوض ست ستمگاران را (۵۰) .

مَآ اَشْهَدْتُّهُمْ خَلْقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَا خَلْقَ اَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّيْنَ عَضُدًا ﴿۵۱﴾

حاضر نکرده بودم ایشانرا وقت آفریدن آسمان ها وزمین ونه وقت آفریدن خودایشان ونیستم مددگار گیرندهٔ گمراهان را (۵۱) .

وَيَوْمَ يَقُوْلُ نَادُوْا شُرَكَآءِيَ الَّذِيْنَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيْبُوْا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَّوْبِقًا ﴿۵۲﴾

وروزی که گوید خدای تعالی ای مشرکان نداکنید شریکان مراکه گمان می‌نمودید پس نداکنند آنجماعت را وآن جماعت قبول نکنند ندای ایشان راوساختیم درمیان ایشان مهلکه (۵۲) .

لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ ۚ بَلْ لَّهُمْ مَّوْعِدٌ لَّنْ يَّجِدُوْا مِنْ دُوْنِهٖ مَوْئِلًا ﴿٥٨﴾

كرده اندبه شتاب فرستادی بديشان عقوبت را بلكه ايشان را ميعادی هست كه هرگز نه يابند غير ازآن پناهی (٥٨) .

وَتِلْكَ الْقُرٰى اَهْلَكْنٰهُمْ لَمَّا ظَلَمُوْا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَّوْعِدًا ﴿٥٩﴾

وآن دِهها راهلاك كرديم چون ستم كردند ومعين كرديم برای هلاك ايشان ميعادی (٥٩) .

وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِفَتٰىهُ لَاۤ اَبْرَحُ حَتّٰۤى اَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ اَوْ اَمْضِىَ حُقُبًا ﴿٦٠﴾

ويادكن چون گفت موسیٰ نوجوان خودرا هميشه راه ميروم تاآنكه برسم بمحل جمع شدن دودريا يابروم مدت های دراز (٦٠) .

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوْتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيْلَهٗ فِى الْبَحْرِ سَرَبًا ﴿٦١﴾

پس چون رسيدند به محل جمع شدن دودريا فراموش كردند ماهی خودرا پس راه خودگرفت دردريا شگافان(٦١) .

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتٰىهُ اٰتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدْ لَقِيْنَا مِنْ سَفَرِنَا هٰذَا نَصَبًا ﴿٦٢﴾

پس چون گذشتند گفت موسیٰ نوجوان خودرا بيار برای ماطعام چاشت ماراهرآئينه رنج يافتيم ازين سفر خود (٦٢) .

قَالَ اَرَءَيْتَ اِذْ اَوَيْنَاۤ اِلَى الصَّخْرَةِ فَاِنِّىْ نَسِيْتُ الْحُوْتَ ۖ وَمَاۤ اَنْسٰنِيْهُ اِلَّا الشَّيْطٰنُ اَنْ اَذْكُرَهٗ ۚ وَاتَّخَذَ سَبِيْلَهٗ فِى الْبَحْرِ ۖ عَجَبًا ﴿٦٣﴾

گفت آيادیدی چون آرام گرفتيم تكيه كرده بآن سنگ پس من فراموش كردم ماهی را (يعنی آنجا) وفراموش نساخت مراازآنكه يادكنم قصه آن مگر شيطان وراه خود گرفت دردريا بنهج عجيبی (٦٣) .

قَالَ ذٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ ۚ فَارْتَدَّا عَلٰۤى اٰثَارِهِمَا قَصَصًا ﴿٦٤﴾

گفت موسیٰ اين بود آنچه می جستيم پس باز گشتند برنشان اقدام خود جستجو كنان (٦٤) .

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَاۤ اٰتَيْنٰهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنٰهُ مِنْ لَّدُنَّا عِلْمًا ﴿٦٥﴾

پس يافتند بنده ای را ازبندگان ما كه داديم اورارحمتی ازنزدِ خودوآموختيم اوراازنزدِ خود علمی[1] (٦٥) .

قَالَ لَهٗ مُوْسٰى هَلْ اَتَّبِعُكَ عَلٰۤى اَنْ تُعَلِّمَنِ

گفت اورا موسیٰ آياپيروی توكنم به شرط

(١) يعنی خضررا يافتند .

قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكَ اِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيْعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٥﴾

گفت آیا نه گفته بودم باتوکه هرآئینه تونتوانی بامن شکیبائی کردن (۷۵) .

قَالَ اِنْ سَاَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصٰحِبْنِيْ قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَّدُنِّيْ عُذْرًا ﴿٧٦﴾

گفت موسیٰ اگرپرسم ترا ازچیزی بعد ازین پس صحبت مکن بامن هرآئینه رسیدی ازجانب من بحد عذر (۷۶) .

فَانْطَلَقَا حَتّٰٓى اِذَآ اَتَيَآ اَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَآ اَهْلَهَا فَاَبَوْا اَنْ يُّضَيِّفُوْهُمَا فَوَجَدَا فِيْهَا جِدَارًا يُّرِيْدُ اَنْ يَّنْقَضَّ فَاَقَامَهٗ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ اَجْرًا ﴿٧٧﴾

پس راه رفتند تاوقتیکه آمدند باهل دهی طعام طلب کردند ازاهل آن دیهی پس قبول ننمودند اهل دیه که مهمانی کنند ایشان را پس یافتند درآنجا دیواری که میخواست بیفتد پس راست ساخت آنرا گفت موسیٰ اگرمیخواستی هرآئینه می گرفتی برتعمیر این دیوار مزدی (۷۷) .

قَالَ هٰذَا فِرَاقُ بَيْنِيْ وَبَيْنِكَ سَاُنَبِّئُكَ بِتَاْوِيْلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَّلَيْهِ صَبْرًا ﴿٧٨﴾

گفت اینست جدائی درمیان من وتو خبرخواهم داد ترا بآنچه نتوانستی بران شکیبائی کردن (۷۸) .

اَمَّا السَّفِيْنَةُ فَكَانَتْ لِمَسٰكِيْنَ يَعْمَلُوْنَ فِي الْبَحْرِ فَاَرَدْتُّ اَنْ اَعِيْبَهَا وَكَانَ وَرَآءَهُمْ مَّلِكٌ يَّاْخُذُ كُلَّ سَفِيْنَةٍ غَصْبًا ﴿٧٩﴾

امّاکشتی پس بود ازآن درویشان چند که کار می کردند دردریا پس خواستم که معیوب کنم آنراوبودپیش روی ایشان یادشاهی که می گرفت هر کشتی درست را به زبردستی (۷۹) .

وَاَمَّا الْغُلٰمُ فَكَانَ اَبَوٰهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِيْنَآ اَنْ يُّرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَّكُفْرًا ﴿٨٠﴾

واما آن نوجوان پس بودند پدرو ما در وی مسلمان پس ترسیدیم ازآن که غالب آید برایشان در سرکشی وکفر (۸۰) .

فَاَرَدْنَآ اَنْ يُّبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكٰوةً وَّاَقْرَبَ رُحْمًا ﴿٨١﴾

پس خواستیم که عوض دهدایشان را پرورد گارایشان بهتر ازوی ازروی پاکیزگی و نزدیك ترازجهت شفقت (۸۱) .

وَاَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلٰمَيْنِ يَتِيْمَيْنِ فِي الْمَدِيْنَةِ وَكَانَ تَحْتَهٗ كَنْزٌ لَّهُمَا وَكَانَ اَبُوْهُمَا صَالِحًا فَاَرَادَ رَبُّكَ اَنْ يَّبْلُغَآ

واما آن دیوار پس بود ازدونوجوان یتیم درشهر وبود زیرآن گنجی ازایشان وبود پدرایشان نیکوکار پس خواست پروردگار

حَتّٰٓى اِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلٰى قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَلْ لَّهُمْ مِّنْ دُوْنِهَا سِتْرًا ﴿٩٠﴾

تاوقتیکه چون رسید بمحل برآمدن آفتاب یافت که آن برمی آید برگروهی که نساخته ایم برای ایشان این طرف ازآفتاب هیچ پرده (٩٠) .

كَذٰلِكَ وَقَدْ اَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿٩١﴾

چنین بود قصه وهرآئینه درگرفته ایم بآنچه نزدیك وی بود از روی خبرداری (٩١) .

ثُمَّ اَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾

بازدرپیْ وسیله ای افتاد (٩٢) .

حَتّٰٓى اِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُوْنِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُوْنَ يَفْقَهُوْنَ قَوْلًا ﴿٩٣﴾

تاوقتیکه چون رسید درمیان سَدّین یافت این جانب سَدّین گروهی را که نزدیك نیستند ازآنکه بفهمند سخنی (٩٣) .

قَالُوْا يٰذَا الْقَرْنَيْنِ اِنَّ يَاْجُوْجَ وَمَاْجُوْجَ مُفْسِدُوْنَ فِى الْاَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلٰٓى اَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٩٤﴾

گفتند این گروه ای ذوالقرنین هرآئینه یاجوج وماجوج فساد کنند گانند درزمین پس آیا مقرر کنیم برای توباجی بشرط آنکه بسازی درمیان ما وایشان سدّی (٩٤) .

قَالَ مَا مَكَّنِّىْ فِيْهِ رَبِّىْ خَيْرٌ فَاَعِيْنُوْنِىْ بِقُوَّةٍ اَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٩٥﴾

گفت آنچه دسترسی داده است مرا درآن پرورد گار من بهتر است پس مدد کنید مرا بزور بازو تابسازم میان شماو ایشان حجابی محکم (٩٥) .

اٰتُوْنِىْ زُبَرَ الْحَدِيْدِ حَتّٰٓى اِذَا سَاوٰى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوْا حَتّٰٓى اِذَا جَعَلَهٗ نَارًا قَالَ اٰتُوْنِىْٓ اُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ﴿٩٦﴾

بیارید پیش من پاره های آهن تاوقتیکه چون برابر ساخت مابین آن دوکوه گفت آتش بدمید تاآنکه چون آتش ساخت آن آهن راگفت بیارید پیش من تابریزم بالای این روئین گداخته را (٩٦) .

فَمَا اسْطَاعُوْٓا اَنْ يَّظْهَرُوْهُ وَمَا اسْتَطَاعُوْا لَهٗ نَقْبًا ﴿٩٧﴾

پس نتوانستند یاجوج ماجوج که بالارونـدبرآن ونتوانستند اورا سوراخ کردن (٩٧) .

قَالَ هٰذَا رَحْمَةٌ مِّنْ رَّبِّىْ فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ رَبِّىْ جَعَلَهٗ دَكَّآءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّىْ حَقًّا ﴿٩٨﴾

گفت این صنعت نعمتی ست ازپروردگار من پس چون بیاید وعدهٔ پروردگار

ذٰلِكَ جَزَآؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوْا وَاتَّخَذُوْٓا اٰيٰتِيْ وَرُسُلِيْ هُزُوًا ﴿١٠٦﴾

جزای ایشان دوزخ باشد بسبب آنکه کافر شدند وگرفتند آیات مرا و پیغامبران مرا به تمسخر (۱۰۶) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنّٰتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند باشدایشان را بوستا نهای بهشت جای مهمانی (۱۰۷) .

خٰلِدِيْنَ فِيْهَا لَا يَبْغُوْنَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿١٠٨﴾

آنجاجاویدان باشند نه طلبند ازآنجا بازگشتن (۱۰۸) .

قُلْ لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمٰتِ رَبِّيْ لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ اَنْ تَنْفَدَ كَلِمٰتُ رَبِّيْ وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهٖ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾

بگو اگر باشد دریاسیاهی برای نوشتن سخنان پروردگار من البته تمام شود دریا پیش ازآنکه بآخررسد سخنان پرورد گار من اگرچه بیاریم مانند آن دریادریائی دیگر بطریق مدد (۱۰۹) .

قُلْ اِنَّمَآ اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوْحٰٓى اِلَيَّ اَنَّمَآ اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوْا لِقَآءَ رَبِّهٖ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَّلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهٖٓ اَحَدًا ﴿١١٠﴾

بگو جزاین نیست که من آدمی ام مانند شماوحی فرستاده می شود بسوی من که معبود شما همان معبود یکتاست پس هرکه توقع دارد ملاقات پروردگار خودرا باید که بکند کار پسندیده وشریك نیارد درعبادت پروردگار خویش هیچ کس را (۱۱۰) .

سُوْرَةُ مَرْيَمَ

سوره مریم مکی است وآن نود و هشت آیت وشش رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

كٓهٰيٰعٓصٓ ﴿١﴾

کهٰیٰعٓصٓ (۱) .

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهٗ زَكَرِيَّا ﴿٢﴾

این است بیان بخشایش پرورد گارتو بربنده خود زکریا (۲) .

اِذْ نَادٰى رَبَّهٗ نِدَآءً خَفِيًّا ﴿٣﴾

چون نداکرد پروردگار خودرا (ندای) پنهان (۳) .

قَالَ رَبِّ اِنِّيْ وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّيْ وَاشْتَعَلَ الرَّاْسُ شَيْبًا وَّلَمْ اَكُنْ

گفت ای پرورد گار من هرآئینه سست

يٰيَحْيٰى خُذِ الْكِتٰبَ بِقُوَّةٍ ۖ وَاٰتَيْنٰهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ﴿١٢﴾

گفتیم ای یحیی بگیر(احکام) کتاب را باستواری ودادیمش دانائ درحال کودکی (۱۲) .

وَحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكٰوةً ۖ وَكَانَ تَقِيًّا ﴿١٣﴾

ودادیمش شفقتی ازنزدیك خود وطهارت نفس وبود پرهیز گار (۱۳) .

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا ﴿١٤﴾

ونیکوکردار به پدرومادر خود ونبودگردن کش گنهگار (۱٤) .

وَسَلٰمٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ﴿١٥﴾

وسلام باد بروی روزیکه متولد شد و روزیکه بمیرد وروزیکه برانگیخته شود زنده(۱۵) .

وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ مَرْيَمَ اِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿١٦﴾

ویادکن درکتاب مریم را چون یکسوشد ازاهل خود جای به سمت برآمدن آفتاب (۱٦) .

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُوْنِهِمْ حِجَابًا ۖ فَاَرْسَلْنَآ اِلَيْهَا رُوْحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾

پس گرفت این جانب ازایشان پرده پس فرستادیم بسوی اوروح خودرا[1] پس به صورت بشری درست اندام ظاهر شد پیش مریم (۱۷) .

قَالَتْ اِنِّيٓ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ﴿١٨﴾

گفت هرآئینه من پناه می برم بخدا از تو ا گرپرهیز گارباشی (۱۸) .

قَالَ اِنَّمَآ اَنَا رَسُوْلُ رَبِّكِ ۖ لِاَهَبَ لَكِ غُلٰمًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾

گفت جزاین نیست که من فرستادهٔ پرورد گارتوام تاعطاکنم ترا طفلی پاکیزه (۱۹) .

قَالَتْ اَنّٰى يَكُوْنُ لِيْ غُلٰمٌ وَّلَمْ يَمْسَسْنِيْ بَشَرٌ وَّلَمْ اَكُ بَغِيًّا ﴿٢٠﴾

گفت چگو نه پیدا شود برای من طفلی ودست نرسانیده است بمن هیچ آدمی وهرگز نبودم زناکار (۲۰) .

قَالَ كَذٰلِكِ ۖ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ ۖ وَلِنَجْعَلَهٗٓ اٰيَةً

گفت وعدهٔ حق هم چنین است فرمود

---

(۱) یعنی جبرئیل علیه السلام را .

چگونه سخن گوئیم باکسیکه هست در گهواره درحال کودکی (۲۹) .

قَالَ اِنِّیْ عَبْدُاللّٰهِ اٰتٰنِیَ الْکِتٰبَ وَجَعَلَنِیْ نَبِیًّا ﴿۳۰﴾

گفت عیسیٰ من بندهٔ خداام داده است مراکتاب وساخته است مراپیغامبر (۳۰).

وَّجَعَلَنِیْ مُبٰرَکًا اَیْنَ مَا کُنْتُ وَاَوْصٰنِیْ بِالصَّلٰوةِ وَالزَّکٰوةِ مَادُمْتُ حَیًّا ﴿۳۱﴾

وساخت مرا خدابابرکت هرجاکه باشم وحکم فرموده است مرا به نماز و زکوٰة مادامیکه زنده باشم (۳۱) .

وَّبَرًّا بِوَالِدَتِیْ وَلَمْ یَجْعَلْنِیْ جَبَّارًا شَقِیًّا ﴿۳۲﴾

وساخت مرانیکوکار به مادر خود ونه کرده است مرا گردن کش بدبخت (۳۲) .

وَالسَّلٰمُ عَلَیَّ یَوْمَ وُلِدْتُّ وَیَوْمَ اَمُوْتُ وَیَوْمَ اُبْعَثُ حَیًّا ﴿۳۳﴾

وسلام برمن ست روزیکه متولد شدم وروزیکه بمیرم وروزیکه برانگیخته شوم زنده (۳۳) .

ذٰلِکَ عِیْسَی ابْنُ مَرْیَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِیْ فِیْهِ یَمْتَرُوْنَ ﴿۳۴﴾

اینست قصه عیسیٰ پسرمریم (مرادمیدارم) سخن راست را که دروی مردمان اختلاف میکنند (۳٤) .

مَاکَانَ لِلّٰهِ اَنْ یَّتَّخِذَ مِنْ وَّلَدٍ سُبْحٰنَهٗ اِذَا قَضٰٓی اَمْرًا فَاِنَّمَا یَقُوْلُ لَهٗ کُنْ فَیَکُوْنُ ﴿۳۵﴾

نیست لائق خداآنکه بگیرد هیچ فرزندی پاکی اوراست چون بخواهد کاری را جزاین نیست که میگویدش بشو پس می شود (۳۵) .

وَاِنَّ اللّٰهَ رَبِّیْ وَرَبُّکُمْ فَاعْبُدُوْهُ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِیْمٌ ﴿۳۶﴾

وگفت عیسیٰ هرآئینه خدا پرورد گار منست و پرورد گار شما پس عبادت اوکنید اینست راه راست (۳٦) .

فَاخْتَلَفَ الْاَحْزَابُ مِنْ بَیْنِهِمْ فَوَیْلٌ لِّلَّذِیْنَ کَفَرُوْا مِنْ مَّشْهَدِ یَوْمٍ عَظِیْمٍ ﴿۳۷﴾

پس اختلاف کردند جماعت ها میان خویش پس وای کافران را ازحاضر شدن روزبزرگ (۳۷) .

اَسْمِعْ بِهِمْ وَاَبْصِرْ یَوْمَ یَاْتُوْنَنَا لٰکِنِ الظّٰلِمُوْنَ الْیَوْمَ فِیْ ضَلٰلٍ مُّبِیْنٍ ﴿۳۸﴾

چه قدر شنواباشند و چه قدربینا باشند روزی که بیایند پیش ما لیکن این ستم گاران امروز درگمراهی ظاهر اند (۳۸) .

أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّى شَقِيًّا ﴿٤٨﴾

بغیرازخداو خواهم عبادت کرد پروردگار خودرا امیدآنست که نباشم بسبب پرستش پروردگارخود بدبخت (٤٨) .

فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ ۙ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ ۖ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿٤٩﴾

پس چون کناره گرفت ازایشان وازآنچه می پرستیدند بغیراز خدا عطا کردیم وی را اسحق ویعقوب وهریکی را پیغامبرساختیم (٤٩) .

وَوَهَبْنَا لَهُم مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿٥٠﴾

وعطاکردیم ایشان را چیزهاازبخشش خود وساختیم برای ایشان ذکر جمیل بنهایت بزرگی (٥٠) .

وَاذْكُرْ فِى الْكِتَٰبِ مُوسَىٰٓ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا ﴿٥١﴾

ویادکن درکتاب موسیٰ را هرآئینه وی بود خالص کرده شده بود فرستاده پیغامبری (٥١) .

وَنَٰدَيْنَٰهُ مِن جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَٰهُ نَجِيًّا ﴿٥٢﴾

وندا کردیم اوراازجانبِ راست کوه طور ونزدیك ساختیم اورا رازگویان (٥٢) .

وَوَهَبْنَا لَهُ مِن رَّحْمَتِنَآ أَخَاهُ هَٰرُونَ نَبِيًّا ﴿٥٣﴾

وعطاکردیم اورا ازبخشش خود برادراو هارون نبی ساخته (٥٣) .

وَاذْكُرْ فِى الْكِتَٰبِ إِسْمَٰعِيلَ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا ﴿٥٤﴾

ویادکن درکتاب اسمعیل را هرآئینه وی بود راست وعده وبود فرستاده پیغمبری (٥٤) .

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُۥ بِالصَّلَوٰةِ وَالزَّكَوٰةِ وَكَانَ عِندَ رَبِّهِۦ مَرْضِيًّا ﴿٥٥﴾

ومی فرمود اهل خودرا بنماز و زکوٰة وبود نزدیك پروردگار خویش پسندیده (٥٥) .

وَاذْكُرْ فِى الْكِتَٰبِ إِدْرِيسَ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا ﴿٥٦﴾

ویادکن درکتاب ادریس را هرآئینه وی بود راست کردار پیغامبری (٥٦) .

وَرَفَعْنَٰهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٧﴾

وبرداشتیم اورابمکانی بلند (٥٧) .

أُو۟لَٰٓئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّـۧنَ مِن ذُرِّيَّةِ ءَادَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ ۖ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْرَٰٓءِيلَ ۖ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا ۚ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُ الرَّحْمَٰنِ خَرُّوا۟

اینجماعت آنانند که انعام کرد خدابرایشان اززمرهٔ پیغامبران ازفرزندان آدم وازنسل آنانکه برداشتیم بانوح واز ذُرّیت ابراهیم و یعقوب وازجمله آنانکه

وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهٖ ۚ هَلْ تَعْلَمُ لَهٗ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾

میان اینهاست پس عبادت اوکن وشکیباباش برعبادت وی آیامیدانی برای‌او همنامی یعنی مانندی (٦٥) .

وَيَقُوْلُ الْاِنْسَانُ ءَاِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ اُخْرَجُ حَيًّا ﴿٦٦﴾

ومیگوید آدمی (یعنی آدمی کافر) آیا چون بمیرم بیرون آورده خواهم شد زنده (٦٦) .

اَوَلَا يَذْكُرُ الْاِنْسَانُ اَنَّا خَلَقْنٰهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْـًٔا ﴿٦٧﴾

آیاياد نمی آورَد آدمی که ماآفریدیم اورا پیش ازین ونبود هیچ چیزی (٦٧) .

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيٰطِيْنَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿٦٨﴾

پس قسم پرورد گار تو که البته برانگیزیم این منکران بعث را باشیاطین بازحاضر کنیم ایشان را حوالی دوزخ بزانودرافتاده (٦٨) .

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيْعَةٍ اَيُّهُمْ اَشَدُّ عَلَى الرَّحْمٰنِ عِتِيًّا ﴿٦٩﴾

بازبرکشیم ازهر امتی آن را که ازایشان جرأت کننده ترست برخدا ازروی نافرمانی (٦٩) .

ثُمَّ لَنَحْنُ اَعْلَمُ بِالَّذِيْنَ هُمْ اَوْلٰى بِهَا صِلِيًّا ﴿٧٠﴾

بازما داناتریم بآنانکه سزاوار تراند بدرآمدن دوزخ (٧٠) .

وَاِنْ مِّنْكُمْ اِلَّا وَارِدُهَا ۚ كَانَ عَلٰى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ﴿٧١﴾

ونیست ازشماهیچ کس مگر گذرنده برآن هست این وعده لازم بر پرورد گارتو مقررکرده شد (٧١) .

ثُمَّ نُنَجِّى الَّذِيْنَ اتَّقَوْا وَّنَذَرُ الظّٰلِمِيْنَ فِيْهَا جِثِيًّا ﴿٧٢﴾

بازبرهانیم متقیان را و بگذاریم ظالمان راآنجابزانو درافتاده (٧٢) .

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا ۙ اَىُّ الْفَرِيْقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَّاَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾

وچون خوانده شود برایشان آیات ما واضح آمده گویند کافران مسلمانان را کدام یك ازین دوگروه بهترست در مرتبه ونیکوتراست ازروی مجلس[1] (٧٣) .

وَكَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ اَحْسَنُ اَثَاثًا وَّرِءْيًا ﴿٧٤﴾

وبسیار هلاك کردیم پیش ازایشان طبقهٔ

---

(١) یعنی بعزّت دنیامغرورشدند .

أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا ﴿٨٣﴾

آیاندیدی که فرستادیم شیاطین را برکافران می جنبانیدند ایشان را جنبانیدنی (٨٣).

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ﴿٨٤﴾

پس شتاب مکن برایشان جزاین نیست که مدت می شماریم (٨٤).

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَٰنِ وَفْدًا ﴿٨٥﴾

روزیکه برانگیزیم متقیان را بسوی رحمن بصورت وفد (٨٥).

وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا ﴿٨٦﴾

وروان کنیم گنه گاران را بسوی دوزخ تشنگان (٨٦).

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَٰنِ عَهْدًا ﴿٨٧﴾

نتوانند شفاعت کردن الّاکسیکه گرفته است نزدیك خدا عهدی[1] (٨٧).

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَٰنُ وَلَدًا ﴿٨٨﴾

وگفتند فرزند گرفته است خدا (٨٨).

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ﴿٨٩﴾

فرمود ایشان راهرآئینه آوردید چیزی زشتی (٨٩).

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ﴿٩٠﴾

نزدیك اندآسمان ها که بشگافند ازین سخن وبشگافد زمین وبیفتند کوه ها پاره پاره شده (٩٠).

أَن دَعَوْا لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدًا ﴿٩١﴾

بسبب آنکه نسبت دادند بخدا فرزندی را (٩١).

وَمَا يَنبَغِي لِلرَّحْمَٰنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾

ونه سزد خدا را که فرزند گیرد (٩٢).

إِن كُلُّ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَٰنِ عَبْدًا ﴿٩٣﴾

نیست هیچ یك ازآنکه درآسمان ها وزمین اند مگرآینده پیش رحمن بنده شده (٩٣).

لَّقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿٩٤﴾

هر آئینه بعلم درگرفته است ایشان را وشمارکرده است ایشان راشماراکردنی (٩٤).

---

(١) یعنی مسلمان شده ووعدهٔ ثواب را مستحق گشته.

وَمَا تَحْتَ الثَّرٰى ۝٦

وآنچه زیرخاكِ نمناك ست (٦) .

وَاِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَاِنَّهٗ يَعْلَمُ السِّرَّ وَاَخْفَى ۝٧

واگرآشكارا كنی سخن را پس وی میداند سخن پنهان را وپنهان تررا[1] (٧) .

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى ۝٨

خدا آنست كه هیچ معبود برحقی نیست مگروی مراو راست نامهای نیكو (٨) .

وَهَلْ اَتٰىكَ حَدِيْثُ مُوْسٰى ۝٩

وآیا آمده است بتوخبرِ موسیٰ (٩) .

اِذْ رَاٰ نَارًا فَقَالَ لِاَهْلِهِ امْكُثُوْٓا اِنِّيْٓ اٰنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّيْٓ اٰتِيْكُمْ مِّنْهَا بِقَبَسٍ اَوْ اَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ۝١٠

چون دید آتشی پس گفت اهل خودرا درنگ كنید هرآئینه من دیده ام آتشی امیددارم كه بیارم پیش شماازآن آتش شعله ای یابیابم برآن آتش راه نمای (١٠) .

فَلَمَّآ اَتٰىهَا نُوْدِيَ يٰمُوْسٰٓى ۝١١

پس چون بیامدنزدیك آتش آواز داده شد كه ای موسیٰ (١١) .

اِنِّيْٓ اَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ اِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ۝١٢

هرآئینه من پروردگار تو ام پس ازپابیرون كن نعلین خودرا هرآئینه تو بمیدان پاك طوی هستی (١٢) .

وَاَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوْحٰى ۝١٣

ومن برگزیدم ترا پس گوش بنه بسوی آنچه وحی فرستاده می شود (١٣) .

اِنَّنِيْٓ اَنَا اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنَا فَاعْبُدْنِيْ وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِيْ ۝١٤

هرآئینه من خدایم نیست هیچ معبود برحق غیر من پس عبادتِ من بكن وبرپاكن نمازرا برای یادكردن من (١٤) .

اِنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ اَكَادُ اُخْفِيْهَا لِتُجْزٰى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعٰى ۝١٥

هرآئینه قیامت آمدنی است میخواهم كه پنهان دارم وقت آن را تاجزا داده شود هر شخصی بمقابله آنچه می كند (١٥) .

فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَنْ لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوٰىهُ فَتَرْدٰى ۝١٦

پس باید كه بازندارد ترااز باورداشتن آن كسی كه ایمان ندارد برآن وپیروی كرده است خواهش نفس خودرا آنگاه هلاك

---

(١) یعنی جهررابطریق اولیٰ میداند .

وَاَشْرِكْهُ فِيْٓ اَمْرِيْ ۙ﴿٣٢﴾
وشريك كن اورا درکارمن (٣٢) .

كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيْرًا ۙ﴿٣٣﴾
تاتسبيح توگوئيم بسياری (٣٣) .

وَّنَذْكُرَكَ كَثِيْرًا ۭ﴿٣٤﴾
ويادتوكنيم بسياری (٣٤) .

اِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيْرًا ﴿٣٥﴾
هرآئينه تو هستی باحوال مابينا (٣٥) .

قَالَ قَدْ اُوْتِيْتَ سُؤْلَكَ يٰمُوْسٰى ﴿٣٦﴾
گفت هرآئينه داده شدی درخواست خود ای موسیٰ (٣٦) .

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً اُخْرٰٓى ۙ﴿٣٧﴾
وهرآئينه احسان کرديم برتويك باردیگر (٣٧) .

اِذْ اَوْحَيْنَآ اِلٰٓى اُمِّكَ مَا يُوْحٰٓى ۙ﴿٣٨﴾
چون الهام فرستاديم بسوی مادر توآنچه الهام کردنی بود (٣٨) .

اَنِ اقْذِفِيْهِ فِي التَّابُوْتِ فَاقْذِفِيْهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَاْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّيْ وَعَدُوٌّ لَّهٗ ۭ وَاَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّيْ ۚ وَلِتُصْنَعَ عَلٰي عَيْنِيْ ﴿٣٩﴾
که بافگن اين طفل رادرصندوق پس افگن صندوق را دردريا تابيفگند اورا دريابكناره بگيردش دشمن من ودشمن وی وبافگندم برروی توقبول ازجانب خويش و خواستم که پرورده شوی زير نظارت چشم من (٣٩) .

اِذْ تَمْشِيْٓ اُخْتُكَ فَتَقُوْلُ هَلْ اَدُلُّكُمْ عَلٰي مَنْ يَّكْفُلُهٗ ۭ فَرَجَعْنٰكَ اِلٰٓى اُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۭ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنٰكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنّٰكَ فُتُوْنًا ۭ فَلَبِثْتَ سِنِيْنَ فِيْٓ اَهْلِ مَدْيَنَ ۙ ثُمَّ جِئْتَ عَلٰي قَدَرٍ يّٰمُوْسٰى ﴿٤٠﴾
چون می رفت خواهر تو پس می گفت آيادلالت کنم شمارا برکسيکه نگهبانی اين طفل کند پس بازآورديم ترابسوی مادرتو تاخنك شودچشم وی واندوهگين نباشد وبکشتی شخصی را پس خلاص ساختيم ترااز اندوه وآزموديم تراآزمودنی پس درنگ کردی سالهای چند در اهل مدين بازآمدی موافق تقديرالهی ای موسیٰ (٤٠) .

وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِيْ ۚ﴿٤١﴾
وساختم ترابرای خويش (٤١) .

اِذْهَبْ اَنْتَ وَاَخُوْكَ بِاٰيٰتِيْ وَلَا تَنِيَا فِيْ ذِكْرِيْ ۚ﴿٤٢﴾
برو تو وبرادر تو بانشانه های من وسستی نکنيددرياد من (٤٢) .

فراموش سازد (٥٢) .

اَلَّذِیْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ مَهْدًا وَّسَلَكَ لَكُمْ فِیْهَا سُبُلًا وَّاَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَخْرَجْنَا بِهٖۤ اَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتّٰی ﴿٥٣﴾

اوآنست که ساخت برای شما زمین را فرش وروان کرد برای شما درآن راه ها وفروفرستاد ازآسمان آب را پس بیرون آوردیم بآن آب انواع مختلف ازنبات (٥٣) .

كُلُوْا وَارْعَوْا اَنْعَامَكُمْ اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَاٰیٰتٍ لِّاُولِی النُّهٰی ﴿٥٤﴾

گفتیم بخورید وبچرانید چهار پایانِ خودرا هرآئینه درین مقدمه نشانه هاست خداوندان خردهارا (٥٤) .

مِنْهَا خَلَقْنٰكُمْ وَفِیْهَا نُعِیْدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً اُخْرٰی ﴿٥٥﴾

اززمین آفریدیم شمارا ودرزمین بازدرآریم شمارا واززمین بیرون کشیم شمارا باردیگر (٥٥) .

وَلَقَدْ اَرَیْنٰهُ اٰیٰتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَاَبٰی ﴿٥٦﴾

وهرآئینه نمودیم فرعون را نشانه های خویش تمام آن پس دروغ بشمردوقبول نکرد (٥٦) .

قَالَ اَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ اَرْضِنَا بِسِحْرِكَ یٰمُوْسٰی ﴿٥٧﴾

گفت آیا آمده ای تابیرون کنی مارا اززمین ما بجادوی خود ای موسیٰ (٥٧) .

فَلَنَاْتِیَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهٖ فَاجْعَلْ بَیْنَنَا وَبَیْنَكَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهٗ نَحْنُ وَلَاۤ اَنْتَ مَكَانًا سُوًی ﴿٥٨﴾

پس هرآئینه بیاریم پیش توجادوئی مانند آن پس معین کن میان ماومیان خود وعده گاهی که خلاف نکنیم آنراما ونه تو بجائی میانه شهر (٥٨) .

قَالَ مَوْعِدُكُمْ یَوْمُ الزِّیْنَةِ وَاَنْ یُّحْشَرَ النَّاسُ ضُحًی ﴿٥٩﴾

گفت وعده‌گاه شما روزآرائش است وآنکه جمع کرده شوند مردمان وقت چاشتگاه (٥٩) .

فَتَوَلّٰی فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَیْدَهٗ ثُمَّ اَتٰی ﴿٦٠﴾

پس بازگشت فرعون پس جمع کرد مکرخودرا بازبیامد (٦٠) .

قَالَ لَهُمْ مُّوْسٰی وَیْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوْا عَلَی اللّٰهِ كَذِبًا فَیُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرٰی ﴿٦١﴾

گفت موسیٰ ساحران را وای برشما افتراء مکنیدبرخدا دروغ را آنگاه هلاك سازد شمارا بعذاب وهرآئینه بمطلب نرسید

قَالَ اٰمَنْتُمْ لَهٗ قَبْلَ اَنْ اٰذَنَ لَكُمْ ۭ اِنَّهٗ لَكَبِيْرُكُمُ الَّذِيْ عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ ۚ فَلَاُقَطِّعَنَّ اَيْدِيَكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَّلَاُوصَلِّبَنَّكُمْ فِيْ جُذُوْعِ النَّخْلِ ۡ وَلَتَعْلَمُنَّ اَيُّنَآ اَشَدُّ عَذَابًا وَّاَبْقٰى ۝٧١

گفت (فرعون) آیا باورداشتید اوراپیش ازآنکه دستوری دهم شمارا هرآئینه وی بـزرگ شمـاسـت کـه آمـوختـه اسـت شماراسحر هرآئینه ببرم دست های شما وپاهای شمارا یکی ازجانب راست ودیگرازجانب چپ والبته بردارکشم شمـارا برتنـه های درخـت خرماوالبتـه خواهید دانست که کدام یك ازماسخت ترست عذاب او وپاینده ترست (٧١) .

قَالُوْا لَنْ نُّؤْثِرَكَ عَلٰي مَا جَاۗءَنَا مِنَ الْبَيِّنٰتِ وَالَّذِيْ فَطَرَنَا فَاقْضِ مَآ اَنْتَ قَاضٍ ۭ اِنَّمَا تَقْضِيْ هٰذِهِ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ۝٧٢

گفتند هرگز ترجیح ندهیم ترا برآنچه آمده ست پیش ماازدلائل وترجیح ندهیم ترا برخدائی که آفریدمارا پس حکم کن هرچه تو حکم کننده باشی جزاین نیست که حکم کنی درین زندگانی دنیا (٧٢) .

اِنَّآ اٰمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطٰيٰنَا وَمَآ اَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ ۭ وَاللّٰهُ خَيْرٌ وَّاَبْقٰى ۝٧٣

هرآئینه ایمان آوردیم به پروردگار خویش تابیا مرزد برای ما گناهانِ مارا وآنچه جبرکردی مارا برآنکه سحر کنیم وخدا بهترست وپاینده ترست (٧٣) .

اِنَّهٗ مَنْ يَّاْتِ رَبَّهٗ مُجْرِمًا فَاِنَّ لَهٗ جَهَنَّمَ ۭ لَا يَمُوْتُ فِيْهَا وَلَا يَحْيٰى ۝٧٤

هرآئینه هرکه بیاید پیش پروردگار خویش گنهگار پس اوراست دوزخ نمیردآنجاونه زنده شود (٧٤) .

وَمَنْ يَّاْتِهٖ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصّٰلِحٰتِ فَاُولٰۗىِٕكَ لَهُمُ الدَّرَجٰتُ الْعُلٰى ۝٧٥ۙ

وآنکـه بیـایـد پیـش اومسلمـان شـده وعملهای شائسته کرده پس این جماعت ایشان راست درجه های بلند (٧٥) .

جَنّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۭ وَذٰلِكَ جَزٰۗؤُا مَنْ تَزَكّٰى ۝٧٦ۧ

بوستانهای همیشه ماندن می رود زیرآن جویها جاویدان آنجا واینست جزای هرکه پاك شده است (٧٦) .

وَلَقَدْ اَوْحَيْنَآ اِلٰى مُوْسٰٓى ۙ اَنْ اَسْرِ بِعِبَادِيْ فَاضْرِبْ

وهرآئینه وحی فرستادیم بسوی موسیٰ که وقت شب ببر بندگان مرا پس بساز برای

تاخوشنودشوی (٨٤) .

قَالَ فَاِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَاَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ﴿٨٥﴾

گفت خداهر آئینه مادر فتنه انداختیم قوم ترا پس ازتو وگمراه ساخت ایشان را سامری (٨٥) .

فَرَجَعَ مُوْسٰٓى اِلٰى قَوْمِهٖ غَضْبَانَ اَسِفًا ۚ قَالَ يٰقَوْمِ اَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا ۚ اَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ اَمْ اَرَدْتُّمْ اَنْ يَّحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَاَخْلَفْتُمْ مَّوْعِدِيْ ﴿٨٦﴾

پس بازگشت موسیٰ بسوی قوم خود خشم گرفته اندوه خورده گفت ای قوم من آیا وعده نداده بودشمارا پروردگار شما وعده نیك آیا درازشد برشما مدت[1] یا خواستید که واجب شود برشما خشمی ازپروردگار شما پس خلاف کردید وعدهٔ مرا (٨٦) .

قَالُوْا مَآ اَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلٰكِنَّا حُمِّلْنَآ اَوْزَارًا مِّنْ زِيْنَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنٰهَا فَكَذٰلِكَ اَلْقَى السَّامِرِيُّ ﴿٨٧﴾

گفتند خلاف نه کردیم وعدهٔ ترا باختیارِ خویش ولیکن مارا تکلیف کردند تابرداشتیم بارها ازپیرایهٔ قوم قبط پس افگندیم آنرا[2] وهم چنین افگند سامری (٨٧) .

فَاَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهٗ خُوَارٌ فَقَالُوْا هٰذَآ اِلٰهُكُمْ وَاِلٰهُ مُوْسٰى ۙ فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾

بازبیرون آورد برای ایشان گوساله کالبدی که اورا آواز گوساله بود پس گفتند اتباع سامری اینست پروردگار شماو پروردگار موسیٰ پس فراموش کرده است موسیٰ (٨٨) .

اَفَلَا يَرَوْنَ اَلَّا يَرْجِعُ اِلَيْهِمْ قَوْلًا ۙ وَّلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَّلَا نَفْعًا ﴿٨٩﴾

آیانمی دیدنداین گمراهان که بازنمی گرداند بسوی ایشان سخنی را ونمی تواند برای ایشان هیچ زیانی ونه سودی (٨٩) .

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هٰرُوْنُ مِنْ قَبْلُ يٰقَوْمِ اِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهٖ ۚ وَاِنَّ

وهرآئینه گفته بودایشان را هارون پیش

---

(١) یعنی مدت مفارقت من .

(٢) یعنی درآتش .

وَاِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ تُخْلَفَهٗ ۚ وَانْظُرْ اِلٰٓى اِلٰهِكَ الَّذِيْ ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا ۗ لَنُحَرِّقَنَّهٗ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهٗ فِى الْيَمِّ نَسْفًا ﴿٩٧﴾

ممکن نیست[1] وهرآئینه تراوعدهٔ دیگر است که خلاف کرده نشود درحق تو وببین بسوی معبود خود که مجاورشده بودی برآن البته بسوزانیم آن را پس حتما پراگنده سازیم آن را دردریا پراگنده ساختن (۹۷) .

اِنَّمَآ اِلٰهُكُمُ اللّٰهُ الَّذِىْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ وَسِعَ كُلَّ شَىْءٍ عِلْمًا ﴿٩٨﴾

جزاین نیست که معبود شماخدا است آنکه نیست هیچ معبود بحق بجزاو فرا رسیده است بهرچیز ازروی دانش (۹۸) .

كَذٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ اَنْۢبَآءِ مَا قَدْ سَبَقَ ۚ وَقَدْ اٰتَيْنٰكَ مِنْ لَّدُنَّا ذِكْرًا ﴿٩٩﴾

(یا محمد) این چنین حکایت می کنیم برتو ازاخبار آنچه گذشته است وهرآئینه داده ایم تراازنزدیك خویش پندی (۹۹) .

مَنْ اَعْرَضَ عَنْهُ فَاِنَّهٗ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وِزْرًا ﴿١٠٠﴾

هرکه روبگرداندازآن پس وی بردارد درروزقیامت باری را[2] (۱۰۰) .

خٰلِدِيْنَ فِيْهِ ۚ وَسَآءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ حِمْلًا ﴿١٠١﴾

جاویدان درآن (بارکشیدن) و وی بدباری است ایشان را روزقیامت بارکشیدن (۱۰۱) .

يَّوْمَ يُنْفَخُ فِى الصُّوْرِ ۚ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِيْنَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ﴿١٠٢﴾

روزی که دمیده شود درصور وبرانگیزیم گناهگاران را آن روزکبودچشم گشته (۱۰۲) .

يَّتَخَافَتُوْنَ بَيْنَهُمْ اِنْ لَّبِثْتُمْ اِلَّا عَشْرًا ﴿١٠٣﴾

پنهان حرف زنند درمیان خویش که درنگ نه کردید یعنی دردنیا مگر ده شبانه روز (۱۰۳) .

نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَقُوْلُوْنَ اِذْ يَقُوْلُ اَمْثَلُهُمْ طَرِيْقَةً اِنْ لَّبِثْتُمْ اِلَّا يَوْمًا ﴿١٠٤﴾

ماداناتریم بحقیقت آنچه می گویند چون بگوید بهترین ایشان درروش درنگ

---

(۱) یعنی اگرباکسی همنشین شدی هردوراتب می گرفت .

(۲) یعنی گناهی را .

لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ اَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿١١٣﴾

عربی وگونا گون بیان کردیم اندرآن ترسانیدن را تابودکه پرهیز گارشوند یاپیدا کنددرحق ایشان پندرا (۱۱۳) .

فَتَعٰلَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ۗ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْاٰنِ مِنْ قَبْلِ اَنْ يُقْضٰٓى اِلَيْكَ وَحْيُهٗ ۖ وَقُلْ رَّبِّ زِدْنِيْ عِلْمًا ﴿١١٤﴾

پس بلند قدرست خدابادشاه ثابت وشتابی مکن بخواندنِ قرآن پیش ازآن که بانجام رسانیده شود بسوی تو وحی او وبگو ای پروردگار من بیفزا مرا دانشی (۱۱٤) .

وَلَقَدْ عَهِدْنَآ اِلٰٓى اٰدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهٗ عَزْمًا ﴿١١٥﴾

وهرآئینه حکم فرستادیم بسوی آدم پیش ازین پس فراموش کرد و نیافتیم برای اوقصد محکم (۱۱۵) .

وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا اِلَّآ اِبْلِيْسَ ۭ اَبٰى ﴿١١٦﴾

ویادکن چون گفتیم فرشتگان راکه سجده کنید برای آدم (علیه السلام) پس سجده کردند مگرابلیس قبول نه کرد (۱۱٦) .

فَقُلْنَا يٰٓاٰدَمُ اِنَّ هٰذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقٰى ﴿١١٧﴾

پس گفتیم ای آدم هرآئینه این دشمن ست ترا و زن ترا پس باید که بیرون نه کند شمارا ازبهشت که آنگاه رنج کشی (۱۱۷) .

اِنَّ لَكَ اَلَّا تَجُوْعَ فِيْهَا وَلَا تَعْرٰى ﴿١١٨﴾

هرآئینه تراهست دربهشت این که گرسنه نشوی درآنجاو برهنه نشوی (۱۱۸) .

وَاَنَّكَ لَا تَظْمَؤُا فِيْهَا وَلَا تَضْحٰى ﴿١١٩﴾

وآنکه توتشنه نشوی آنجا وگرمی آفتاب نیابی (۱۱۹) .

فَوَسْوَسَ اِلَيْهِ الشَّيْطٰنُ قَالَ يٰٓاٰدَمُ هَلْ اَدُلُّكَ عَلٰى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلٰى ﴿١٢٠﴾

پس وسوسه انداخت بسوی آدم شیطان گفت ای آدم آیادلالت کنم ترا بردرخت همیشه بودن وبرپادشاهی که کهنه نه گردد (۱۲۰) .

فَاَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْاٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفٰنِ عَلَيْهِمَا

پس خوردند ازآن درخت پس ظاهر شدایشان را شرمگاهِ ایشان ودر گرفتند که می چسپانیدند برخویش ازبرگِ درختان

هرآئینه عذاب لازم شدی (۱۲۹) .

فَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضٰى ﴿١٣٠﴾

پس صبر کن برآنچه می گویند وتسبیح گوباحمد پروردگار خویش پیش ازبرآمدن آفتاب وپیش ازفروشدن آن وبعض ساعتهای شب واطرافِ روز تسبیح گو بود که خوشنودشوی (۱۳۰) .

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلٰى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقٰى ﴿١٣١﴾

وبازمکشای دو چشم خودرا بسوی آنچه بهره مند ساخته ایم بآن جماعت هاراازایشان ازقسم آرایشِ زندگانیٔ دنیا تابیآزمائیم ایشان را درآن وروزیٔ پروردگار تو بهترست وپاینده ترست (۱۳۱) .

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلٰوةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْـَٔلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوٰى ﴿١٣٢﴾

وبفرما اهل خودرابه نماز وشکیبائی کن برادای آن نمی طلبیم ازتوروزی دادن ماروزی میدهیم ترا وعاقبت خیراهل تقویٰ راست (۱۳۲) .

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةُ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولٰى ﴿١٣٣﴾

وگفتند کافران چرانمی آرد پیش مانشانه ای ازجانب پروردگار خویش آیانیامده است بایشان دلیل واضح ازجنس آنچه درکتابهای پیشین ست[1] (۱۳۳) .

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنٰهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزٰى ﴿١٣٤﴾

و اگرما هلاك کردیم ایشان را بعقوبتی پیش ازفرستادن پیغامبر هرآئینه گفتند ای پروردگار چرانه فرستادی بسوی ما پیغمبری تاپیروی آیات تومی کردیم پیش ازآنکه خوارشویم ورسواگردیم (۱۳۴).

---

(۱) یعنی قرآن مشتمل ست برقصص وغیر آن موافق کتب سابقه .

ایمان خواهند آورد (٦) .

وَمَآ اَرْسَلْنَا قَبْلَكَ اِلَّا رِجَالًا نُّوْحِيْٓ اِلَيْهِمْ فَسْـَٔلُوْٓا اَهْلَ الذِّكْرِ اِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ۝٧

ونه فرستاديم پيش ازتو مگرمردان را كه وحى مى فرستاديم بايشان پس بپرسيدازاهل كتاب اگرشما نمى دانيد (٧) .

وَمَا جَعَلْنٰهُمْ جَسَدًا لَّا يَاْكُلُوْنَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوْا خٰلِدِيْنَ ۝٨

ونساختيم پيغمران را كالبدى كه نخورند طعام ونه بودند جاويد باشندگان (٨) .

ثُمَّ صَدَقْنٰهُمُ الْوَعْدَ فَاَنْجَيْنٰهُمْ وَمَنْ نَّشَآءُ وَاَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِيْنَ ۝٩

بازراست كرديم درحق ايشان وعده را پس برهانيديم ايشان را وهركراخواستيم وهلاك كرديم ازحدگذرندگان را(٩) .

لَقَدْ اَنْزَلْنَآ اِلَيْكُمْ كِتٰبًا فِيْهِ ذِكْرُكُمْ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ۝١٠

هرآئينه فروفرستاديم بسوى شماكتابى كه دروهست پندما آيانمى فهميد (١٠) .

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَّاَنْشَاْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا اٰخَرِيْنَ ۝١١

وبسيار شكستيم ازاهل ديهى كه ستمگار بودند ونوپيدا ساختيم بعدآن گروهِ ديگر را (١١) .

فَلَمَّآ اَحَسُّوْا بَاْسَنَآ اِذَا هُمْ مِّنْهَا يَرْكُضُوْنَ ۝١٢

پس چون ديدند عذاب ما ناگهان ايشان ازآنجا مى دويدند (١٢) .

لَا تَرْكُضُوْا وَارْجِعُوْٓا اِلٰى مَآ اُتْرِفْتُمْ فِيْهِ وَمَسٰكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْـَٔلُوْنَ ۝١٣

گفتيم مگريزيد وبازرويد بسوى مكانى كه آسودگى داده شد شمارا درآن و بسوى خانهائ خويش تابود كه پرسيده شويد[1] (١٣) .

قَالُوْا يٰوَيْلَنَآ اِنَّا كُنَّا ظٰلِمِيْنَ ۝١٤

گفتند اى واى ماراهرآئينه بوديم ستمگار (١٤) .

فَمَا زَالَتْ تِّلْكَ دَعْوٰىهُمْ حَتّٰى جَعَلْنٰهُمْ حَصِيْدًا خٰمِدِيْنَ ۝١٥

پس هميشه اين بود گفتارايشان تاوقتيكه گردانيديم ايشان را مثل زراعت درووده شده مانند آتش فرومرده (١٥) .

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَآءَ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لٰعِبِيْنَ ۝١٦

ونيافريديم آسمان وزمين را وآنچه

---

(١) يعنى بغمخوارگى قوم احوال شما پرسند .

می کنند (۲۲) .

لَا يُسْـَٔلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْـَٔلُونَ ﴿٢٣﴾

پرسیده نمی شود خدا ازآنچه می کند وایشان پرسیده می شوند (۲۳) .

اَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهٖٓ اٰلِهَةً ۭ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ ۚ هٰذَا ذِكْرُ مَنْ مَّعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِيْ ۭ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ۙ الْحَقَّ فَهُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٢٤﴾

ایامعبودان گرفته اند بجز خدا بگوبیارید دلیل خودرا اینست کتاب آنانکه بامن اند واینست کتاب آنانکه پیش ازمن بودند بلکه اکثر ایشان نمی دانند حق را پس ایشان روگردانند (۲٤) .

وَمَآ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا نُوْحِيْٓ اِلَيْهِ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنَا فَاعْبُدُوْنِ ﴿٢٥﴾

ونه فرستادیم پیش ازتو هیچ پیغمبری الّاوحی می فرستادیم بسوی وی که نیست هیچ معبود برحق غیر من پس پرستش من کنید (۲۵) .

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمٰنُ وَلَدًا سُبْحٰنَهٗ ۭ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُوْنَ ۙ ﴿٢٦﴾

وگفتند فرزند گرفته است خدا پاکی اوراست بلکه آنانکه درحق ایشان این زعم دارندبندگانِ گرامی اند (۲٦) .

لَا يَسْبِقُوْنَهٗ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِاَمْرِهٖ يَعْمَلُوْنَ ﴿٢٧﴾

پیش دستی نمی کنند برخدا بهیچ سخن وایشان بفرمان وی کارمی کنند (۲۷) .

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُوْنَ ۙ اِلَّا لِمَنِ ارْتَضٰى وَهُمْ مِّنْ خَشْيَتِهٖ مُشْفِقُوْنَ ﴿٢٨﴾

میداند خداآنچه درپیش روی ایشان ست وآنچه پس پشت ایشان ست وشفاعت نمی کنند الّابرای کسیکه خداخوشنودشده است وایشان ازترسِ خدا مضطربانند (۲۸) .

وَمَنْ يَّقُلْ مِنْهُمْ اِنِّىْٓ اِلٰهٌ مِّنْ دُوْنِهٖ فَذٰلِكَ نَجْزِيْهِ جَهَنَّمَ ۭ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظّٰلِمِيْنَ ﴿٢٩﴾

وهرکه بگویدازایشان که من خدایم بجزخدا سزا دهیم اورا دوزخ همچنین سزامی دهیم ستمگاران (۲۹) .

اَوَلَمْ يَرَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَنَّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ

آیا نه دیدند کافران که آسمان ها وزمین بسته بودند پس وا کردیم این هارا[1]

---

(۱) مترجم گوید وا کردن آسمان ها نازل کردن مطرست ووا کردن زمین رویانیدن گیاه=

طلب مکنیدازمن (۳۷) .

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾

ومی گویند کی خواهد بود این وعده اگر راست گو هستید (۳۸) .

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٣٩﴾

اگربدانند کافران صورت حال آن وقت که باز نتوانند داشت ازروی رویهای خویش آتش را ونه ازپشت های خویش ونه ایشان نصرت داده شوند(چنین نه گفتندی) (۳۹) .

بَلْ تَأْتِيهِم بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٤٠﴾

بلکه بیاید بایشان قیامت ناگهان پس حیران گرداندایشان راپس نتوانند دفع کردن ان و نه ایشان مهلت داده شوند (٤٠) .

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤١﴾

وهرآئینه تمسخر کرده شد به پیغامبران پیش ازتو پس درگرفت باآنانکه تمسخر کردند ازایشان آنچه بآن استهزا می کردند (٤١) .

قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَٰنِ ۚ بَلْ هُمْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِم مُّعْرِضُونَ ﴿٤٢﴾

بگو که نگهبانی می کند شمارا شب و روز ازعقوبتِ خدا بلکه ایشان از یاد پروردگار خویش روگردان اند (٤٢) .

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُم مِّن دُونِنَا ۖ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُم مِّنَّا يُصْحَبُونَ ﴿٤٣﴾

آیاایشان را معبودانند غیرماکه نگاه می دارند ایشان را ازمصائب نمی توانند نصرت دادن خویش را ونه ایشان ازعقوبت ما به جمعیتِ خود محفوظ مانند (٤٣) .

بَلْ مَتَّعْنَا هَٰؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ۗ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ۚ أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾

بلکه بهره مند ساخته ایم ایشان را وپدران ایشان را تاوقتیکه درازشد برایشان مدت عمر آیانمی بینند که مادرگرفت می کنیم زمین دارالحرب را می کاهیم آن را ازجوانب آن آیا ایشان غلبه

قَالُوْا وَجَدْنَآ اٰبَآءَنَا لَهَا عٰبِدِيْنَ ﴿٥٣﴾

گفتند یافتیم پدران خودرا آن را پرستنده (٥٣) .

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ اَنْتُمْ وَاٰبَآؤُكُمْ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٥٤﴾

گفت هرآئینه بودید شما و پدران شما درگمراهیٔ ظاهر (٥٤) .

قَالُوْٓا اَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ اَمْ اَنْتَ مِنَ اللّٰعِبِيْنَ ﴿٥٥﴾

گفتند آیا آوردی بما سخن راست راياتو ازبازی کنندگانی (٥٥) .

قَالَ بَلْ رَّبُّكُمْ رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ الَّذِيْ فَطَرَهُنَّ ۖ وَاَنَا عَلٰى ذٰلِكُمْ مِّنَ الشّٰهِدِيْنَ ﴿٥٦﴾

گفت بلکه پروردگارشما خداوند آسمان ها وزمین است آنکه آفرید این هارا ومن براین سخن ازگواهانم (٥٦) .

وَتَاللّٰهِ لَاَكِيْدَنَّ اَصْنَامَكُمْ بَعْدَ اَنْ تُوَلُّوْا مُدْبِرِيْنَ ﴿٥٧﴾

وبخدا قسم که البته بدسگالی کنم بتانِ شمارا بعد ازآن که روبگردانید پشت داده (٥٧) .

فَجَعَلَهُمْ جُذٰذًا اِلَّا كَبِيْرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ اِلَيْهِ يَرْجِعُوْنَ ﴿٥٨﴾

پس ساخت آنهارا ریزه ریزه مگر بتِ بزرگ راازایشان تابود که بسوی اوایشان باز گردند (٥٨) .

قَالُوْا مَنْ فَعَلَ هٰذَا بِاٰلِهَتِنَآ اِنَّهٗ لَمِنَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٥٩﴾

گفتند که کرده است این کار بمعبودان ماهرآئینه وی ازستمگاران ست (٥٩) .

قَالُوْا سَمِعْنَا فَتًى يَّذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهٗٓ اِبْرٰهِيْمُ ﴿٦٠﴾

گفتند شنیدیم جوانی را که ذکر بتان میکرد یعنی عیب می کرد گفته می شود اورا ابراهیم (٦٠) .

قَالُوْا فَاْتُوْا بِهٖ عَلٰٓى اَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُوْنَ ﴿٦١﴾

گفتند بیارید اورا بحضور چشمهای مردمان تابود که ایشان گواهی دهند (٦١) .

قَالُوْٓا ءَاَنْتَ فَعَلْتَ هٰذَا بِاٰلِهَتِنَا يٰٓاِبْرٰهِيْمُ ﴿٦٢﴾

گفتند آیا تو کردی این کار بمعبودان ما ای ابراهیم (٦٢) .

قَالَ بَلْ فَعَلَهٗ ۖ كَبِيْرُهُمْ هٰذَا فَسْـَٔلُوْهُمْ اِنْ كَانُوْا يَنْطِقُوْنَ ﴿٦٣﴾

گفت بلکه کرده است آن را این بتِ بزرگ ایشان پس سوال کنید ازبتان اگرسخن می گویند (٦٣) .

الْخَيْرٰتِ وَاِقَامَ الصَّلٰوةِ وَاِيْتَآءَ الزَّكٰوةِ ۚ وَكَانُوْا لَنَا عٰبِدِيْنَ ﴿٧٣﴾

ایشان کردن نیکوئیها وبرپاداشتن نماز ودادنِ زکوٰة وبودند مارا عبادت کنندگان (٧٣).

وَلُوْطًا اٰتَيْنٰهُ حُكْمًا وَّعِلْمًا وَّنَجَّيْنٰهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِيْ كَانَتْ تَّعْمَلُ الْخَبٰٓئِثَ ۭ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمَ سَوْءٍ فٰسِقِيْنَ ﴿٧٤﴾

ولوط را دادیم حکمت و علم وبرهانیدیم اورا از دیهی که می کرد کارهای ناپاك هرآئینه ایشان بودند قوم بد گنهگار (٧٤).

وَاَدْخَلْنٰهُ فِيْ رَحْمَتِنَا ۭ اِنَّهٗ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿٧٥﴾

ودرآوردیم اورا برحمت خویش هرآئینه وی بود ازشائسته کاران (٧٥) .

وَنُوْحًا اِذْ نَادٰى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ فَنَجَّيْنٰهُ وَاَهْلَهٗ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيْمِ ﴿٧٦﴾

وياد کن نوح را چون ندا کردپیش ازین پس قبول کردیم دعای اورا پس خلاص کردیم اورا وکسان اورا از اندوه بزرگ (٧٦) .

وَنَصَرْنٰهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا ۭ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمَ سَوْءٍ فَاَغْرَقْنٰهُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿٧٧﴾

ونصرت دادیم اورا برقومی که دروغ شمردند آیات مارا هرآئینه ایشان بودند گروهی بد پس غرق کردیم ایشان را همه یکجا (٧٧) .

وَدَاوٗدَ وَسُلَيْمٰنَ اِذْ يَحْكُمٰنِ فِي الْحَرْثِ اِذْ نَفَشَتْ فِيْهِ غَنَمُ الْقَوْمِ ۚ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شٰهِدِيْنَ ﴿٧٨﴾

ویادکن داؤد و سلیمان راچون حکم کردند درباب زراعت چون بوقت شب چراکرد درآن گوسفندان گروهی وبودیم برحکم ایشان حاضر[1] (٧٨) .

فَفَهَّمْنٰهَا سُلَيْمٰنَ ۚ وَكُلًّا اٰتَيْنَا حُكْمًا وَّعِلْمًا ۡ وَّسَخَّرْنَا

پس فهمانیدیم طریق فیصله کردن خصومت سلیمان راوهر یکی را داده

---

(١) یعنی گوسفند انِ قومی درزراعت قومی دیگر بوقتِ شب درآمدند وچراکردند داؤد علیه السلام حکم کرد بدادن گوسفند انِ عوض زراعت سلیمان حکم کرداین قوم را باصلاح زراعت وآن قوم را بانتفاع از شیر غنم تاوقتیکه زراعت بحال خود رسد حکم سلیمان اصوب بود والله اعلم .

وَذَا النُّوْنِ اِذْ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَّنْ نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰى فِى الظُّلُمٰتِ اَنْ لَّآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّىْ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٨٧﴾

ویادکن ذوالنون راچون رفت خشم خورده[1] پس گمان کرد که تنگ نگیریم بروی[2] پس ندا کرد درتاریکی ها بآن که هیچ معبود بحق نیست غیرتو پاکی تراست هرآئینه من بودم ازستمگاران (۸۷) .

فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ وَنَجَّيْنٰهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُـْۨجِى الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٨٨﴾

پس قبول کردیم دعای اورا ونجات دادیمش ازغم وهمچنین نجات می دهیم مسلمانان را (۸۸) .

وَزَكَرِيَّآ اِذْ نَادٰى رَبَّهٗ رَبِّ لَا تَذَرْنِىْ فَرْدًا وَّاَنْتَ خَيْرُ الْوٰرِثِيْنَ ﴿٨٩﴾

ویادکن زکریا را چون ندا کرد بجناب پروردگار خود ای پروردگار من مگذارمرا تنها وتو بهترین وارثانی (۸۹) .

فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ وَوَهَبْنَا لَهٗ يَحْيٰى وَاَصْلَحْنَا لَهٗ زَوْجَهٗ اِنَّهُمْ كَانُوْا يُسٰرِعُوْنَ فِى الْخَيْرٰتِ وَيَدْعُوْنَنَا رَغَبًا وَّرَهَبًا وَكَانُوْا لَنَا خٰشِعِيْنَ ﴿٩٠﴾

پس قبول کردیم دعای اورا وبخشیدیم اورا یحییٰ ونیکوساختیم برای اوزن اورا هرآئینه این پیغامران شتاب می کردند درنیکی ها ومی خواندند مارا بتوقع و خوف وبودند برای ما نیاز مند (۹۰) .

وَالَّتِىْٓ اَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيْهَا مِنْ رُّوْحِنَا وَجَعَلْنٰهَا وَابْنَهَآ اٰيَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ ﴿٩١﴾

ویادکن زنی را که بعفت نگاه داشت شرمگاهِ خودرا پس دمیدیم درآن روح خودرا وساختیم اورا وپسر اورا نشانه برای عالمها (۹۱) .

اِنَّ هٰذِهٖٓ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّاَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْنِ ﴿٩٢﴾

گفتیم هرآئینه اینست ملتِ شما ملت یکتاومن پروردگار شما ام پس عبادت من کنید[3] (۹۲) .

وَتَقَطَّعُوْٓا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلٌّ اِلَيْنَا رٰجِعُوْنَ ﴿٩٣﴾

ومتفرق شدندامت هادرکارخود[4]

---

(۱) یعنی برقوم خود بغیراذن الهی والله اعلم .
(۲) القصه حوت اورابحلق درکشید .
(۳) یعنی اصل دین واحد ست واختلاف درفروع می باشد .
(٤) یعنی دراصل دین .

اینست آن روزکه شمارا وعده داده می شد (۱۰۳) .

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَآءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَآ أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُۥ ۚ وَعْدًا عَلَيْنَآ ۚ إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ ﴿١٠٤﴾

روزیکه درپیچیم آسمان رامانندِ پیچیدنِ طوماروقتِ نوشتن نامه هارا چنانکه آغازیدیم اوّل آفرینش را دیگربار کنیم آفرینش وعده لازم برما هرآئینه ماکننده ایم (۱۰٤) .

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِى ٱلزَّبُورِ مِنۢ بَعْدِ ٱلذِّكْرِ أَنَّ ٱلْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِىَ ٱلصَّٰلِحُونَ ﴿١٠٥﴾

وهرآئینه نوشتیم درزبور بعدازتورات که زمین وارث آن شوند بندگان شائسته ما[1] (۱۰۵) .

إِنَّ فِى هَٰذَا لَبَلَٰغًا لِّقَوْمٍ عَٰبِدِينَ ﴿١٠٦﴾

هرآئینه درآنچه گفته شدکفایت است گروه عابدان را (۱۰٦) .

وَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿١٠٧﴾

ونه فرستادیم ترا مگر ازروی مهربانی برعالمها (۱۰۷) .

قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰٓ إِلَىَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ ۖ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٠٨﴾

بگو جزاین نیست که وحی فرستاده می شود بسوی من که معبود شما خدای یکتاست پس آیاگردن نهنده هستید (۱۰۸) .

فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَقُلْ ءَاذَنتُكُمْ عَلَىٰ سَوَآءٍ ۖ وَإِنْ أَدْرِىٓ أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ ﴿١٠٩﴾

پس اگر اعراض کنند پس بگو خبردارساختیم شمارابروجهی که همه برابر باشید ونمی دانم که نزدیك است یا دوراست آنچه وعده داده میشوید (۱۰۹) .

إِنَّهُۥ يَعْلَمُ ٱلْجَهْرَ مِنَ ٱلْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿١١٠﴾

هرآئینه خدامی داندآشکاررا ازسخن ومی داند آنچه پنهان می کنید (۱۱۰) .

وَإِنْ أَدْرِى لَعَلَّهُۥ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١١١﴾

ونمی دانم شاید تاخیرِ موعود ابتلاباشد شمارا وبهره مندی باشد تامدتی (۱۱۱).

---

(۱) یعنی درآخرزمان پیغامبری مبعوث شود وامت اوبرهرزمین غالب شود والله اعلم.

يُتَوَفّٰى وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّرَدُّ اِلٰٓى اَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْۢ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْـًٔا ۭ وَتَرَى الْاَرْضَ هَامِدَةً فَاِذَآ اَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاۗءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَاَنْۢبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍۢ بَهِيْجٍ ۝٥

کودکی باز تربیت می کنیم تابرسید بنهایت جوانی خود وازشما کسی بود که میرانده شود وازشما کسی بود که باز گردانیده شود به بدترین عمر تا نداند چیزی را بعدازآن که می دانست ومی بینی زمین را خشك شده پس وقتیکه فروفرستادیم برآن آب را جنبش کند وبیافزاید وبروياند ازهرقسم رونق دار (٥) .

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّهٗ يُحْيِ الْمَوْتٰى وَاَنَّهٗ عَلٰي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝٦ۙ

این همه به سبب آنست که خدا همونست ثابت وآنکه وی زنده می کند مُردگان را وآنکه وی برهمه چیز تواناست (٦) .

وَّاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيْهَا ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُوْرِ ۝٧

وآنکه قیامت آمدنی ست نیست هیچ شبهه درآن وآنکه خدا برانگیزد آنان را که درگور ها باشند (٧) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُّجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّلَا هُدًى وَّلَا كِتٰبٍ مُّنِيْرٍ ۝٨ۙ

وازمردمان کسی هست که گفتگومی کند درشانِ خدا بغیر دانش وبغیر هدایت وبغیر کتاب روشن (٨) .

ثَانِيَ عِطْفِهٖ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۭ لَهٗ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَّنُذِيْقُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَذَابَ الْحَرِيْقِ ۝٩

پیچیده صفحه گردن خودرا[1] تا گمراه کند ازراهِ خدا اوراست دردنیا رسوائی بچشانیم اورا روزِقیامت عذابِ سوختن (٩) .

ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدٰكَ وَاَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ ۝١٠

گویم این به سبب آن اعمال ست که فرستادش دودست توو به سبب آن ست که خدانیست ستم کننده بر بندگان (١٠) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّعْبُدُ اللّٰهَ عَلٰي حَرْفٍ ۚ فَاِنْ اَصَابَهٗ

وازمردمان کسی هست که عبادت می

(١) یعنی تکبرکنان .

چیز مطلع ست (۱۷) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يَسْجُدُ لَهٗ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُوْمُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَآبُّ وَكَثِيْرٌ مِّنَ النَّاسِ ۭ وَكَثِيْرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ ۭ وَمَنْ يُّهِنِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ مُّكْرِمٍ ۭ اِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاۗءُ ۝۱۸

آیاندیدی که سجده می کنند خدای تعالی را آنانکه درآسمان هااند وآنانکه درزمین اند وخورشید وماه وستارگان وکوه ها و درختان و چهارپایان وبسیاری ازمردمان وبسیارکس هستند که ثابت شده است برایشان عذاب وهرکرا خوار کند خدا پس نیست اوراهیچ گرامی دارنده هرآئینه خدامی کند آنچه می خواهد (۱۸) .

هٰذٰنِ خَصْمٰنِ اخْتَصَمُوْا فِيْ رَبِّهِمْ ۡ فَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّنْ نَّارٍ ۭ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوْسِهِمُ الْحَمِيْمُ ۝۱۹

این دوفریق دشمنان یکدیگراند خصومت کردنددرشان پروردگار خویش پس آنانکه کافر شدند قطع کرده شد برای ایشان جامها ازآتش ریخته شود بالای سرایشان آبِ گرم (۱۹) .

يُصْهَرُ بِهٖ مَا فِيْ بُطُوْنِهِمْ وَالْجُلُوْدُ ۝۲۰

گداخته گردد بآن هرچه در شکمِ ایشان باشد وپوست های نیز (۲۰) .

وَلَهُمْ مَّقَامِعُ مِنْ حَدِيْدٍ ۝۲۱

وبرای کوفتن ایشان مهیّا باشند گرزها ازآهن (۲۱) .

كُلَّمَآ اَرَادُوْٓا اَنْ يَّخْرُجُوْا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ اُعِيْدُوْا فِيْهَا ۠ وَذُوْقُوْا عَذَابَ الْحَرِيْقِ ۝۲۲

هرگاهی که خواهند که برآیند ازدوزخ خلاص شوند ازآندوه بازگردانیده شوند آنجا وگفته شود بچشید عذاب سوختن (۲۲) .

اِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ يُحَلَّوْنَ فِيْهَا مِنْ اَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَّلُؤْلُؤًا ۭ وَلِبَاسُهُمْ فِيْهَا حَرِيْرٌ ۝۲۳

هرآئینه خدا درمی آرد آنان راکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند دربوستانها میرود درزیرِ آن جوئیها پیرایه پوشانیده شوند آنجا دستوانها اززر و پوشانیده شوند مروارید ولباس ایشان آنجا ابریشم بُوَد (۲۳) .

ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾

بازباید که دور کنند چرکِ تن خودرا وبه وفارسانند نذرهای خودرا وطواف نمایند باین خانهٔ قدیم[1] (٢٩) .

ذَٰلِكَ وَمَن يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ عِندَ رَبِّهِ ۗ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ۖ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿٣٠﴾

اینست حکم وهرکه تعظیم کند شعائر خدارا پس این تعظیم کردن بهترست اورانزدیكِ پروردگار او وحلال کرده شد برای شمامواشی[2] مگر آنچه خوانده خواهد شد برشما[3] پس احتراز کنید ازپلیدی بتان واحتراز کنید ازسخن دروغ[4] (٣٠) .

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ﴿٣١﴾

حنیفی دین شده برای خداغیرشریك مقررکننده باوی وهرکه شریك مقررکند باخدا پس گویا که فرود افتاد ازآسمان پس بربایند اورامرغان مردار خوار یافروافگند اوراباد بمکانی دور[5] (٣١) .

ذَٰلِكَ وَمَن يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴿٣٢﴾

اینست حکم وهرکه تعظیم کند شعائر خدارا پس این تعظیم ازتقویٰ دلهاست (٣٢) .

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٣٣﴾

شمارا درآن مواشی فائده هاست تامیعادی معیّن باز جائی فرودآمدن آن بخانهٔ قدیم است (٣٣) .

---

(١) یعنی کعبه زیراکه اوّل بناشد بعدازان بیت المقدس .
(٢) یعنی شتروگاؤ وبزوگوسفند .
(٣) یعنی میته وخونِ مسفوح . ،
(٤) یعنی گواهی دروغ .
(٥) حاصل آنست که هلاك شدبوجهی که امید نجات نماند .

خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿۳۸﴾

هرآئینه خدادوست نمی دارد هرخیانت کننده ناسپاس را (۳۸) .

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿۳۹﴾

دستوریٔ جهاد داده شد آنانرا که کفار بایشان جنگ می کنند بسبب آنکه برایشان ستم رفته است وهرآئینه خدابرنصرت دادن ایشان تواناست (۳۹) .

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِم بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا ۗ وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۴۰﴾

دستوری جهاد داده شد آنان را که بیرون آورده شد ایشان را ازخانهای ایشان بغیر حق لیکن به سبب آنکه می گفتند پروردگار ماخداست واگرنه بودی دفع کردن خدا مردمان را بعض را بدست بعضی ویران کرده می شد خلوتهای رهبانان وعبادت خانه های نصاریٰ وعبادت خانه های یهودوعبادت خانه های مسلمانان که یاد کرده می شود درآن مواضع نام خدا بسیاری والبته نصرت خواهد داد خداکسی را که قصدِ نصرت دین وی کند وهرآئینه خداتوانا غالب ست نصرت خواهد داد (۴۰) .

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿۴۱﴾

انان را که اگردسترس دهیم ایشان را درزمین برپادارند نمازرا وبدهند زکوٰة را وبفرمایندبکار پسندیده ومنع کنند ازکارِ ناپسندیده وخداراست نهایت همه کارها[1] (۴۱) .

---

(۱) درین آیت دلالت ست برصحتِ خلافتِ خلفای اربعه زیراکه ایشان ازمهاجرین اولین بودند ومتمکن شدند درزمین پس لازم آید که اقامت صلوة وایتاء زکوٰة وامر به معروف ونهی از منکر ازایشان بظهور رسد وتمکین فی الارض چون بآن حضال جمع شود همان ست خلافت نبوت .

فَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ ﴿٥٠﴾

پس آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند ایشان رااست آمرزش وروزئ نیك (٥٠) .

وَالَّذِيْنَ سَعَوْا فِيْٓ اٰيٰتِنَا مُعٰجِزِيْنَ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ﴿٥١﴾

وآنان که سعی کردند درآیاتِ ما عاجز کنان (بزعم خود) ایشان اند اهل دوزخ (٥١) .

وَمَآ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُوْلٍ وَّلَا نَبِيٍّ اِلَّآ اِذَا تَمَنّٰى اَلْقَى الشَّيْطٰنُ فِيْٓ اُمْنِيَّتِهٖ فَيَنْسَخُ اللّٰهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطٰنُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللّٰهُ اٰيٰتِهٖ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿٥٢﴾

ونه فرستادیم پیش ازتو هیچ فرستاده ونه هیچ صاحب وحی الّا چون آرزوی بخاطر بست افگند شیطان چیزی درآرزوی وی پس دورمی کند خدا آنچه شیطان انداخته است بازمحکم می کند خداآیات خودرا وخدادانا باحکمت ست[1] (٥٢) .

لِّيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطٰنُ فِتْنَةً لِّلَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ وَّالْقَاسِيَةِ قُلُوْبُهُمْ وَاِنَّ الظّٰلِمِيْنَ لَفِيْ شِقَاقٍ بَعِيْدٍ ﴿٥٣﴾

تابگرداند خداآنچه شیطان افگند بلای درحق آنانکه دردل های ایشان بیماری است وآنان که سخت ست دل های ایشان وهرآئینه ستمگاران درمخالفت دور و درازآند (٥٣) .

وَلِيَعْلَمَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ اَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُوْا بِهٖ فَتُخْبِتَ لَهٗ قُلُوْبُهُمْ وَاِنَّ اللّٰهَ

وتابدانند آنان که داده شده است ایشان را علم که آن وحی راست ست ازجانبِ پروردگار تو پس ایمان آرند بآن پس

(١) مترجم گوید مثلاً آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند که هجرت کرده اند بزمینی که نخل بسیار دارد پس وهم بجانبِ یمامه وهجر رفت ودرنفس الامر مدینه بود مثلا آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند که بمکه درآمده اندحلق وقصر میکنند پس وهم آمد که درهمان سال این معنی واقع شود و درنفس الامر بعدازسالهای چند متحقق شدو درامثال این صورت امتحان مخلصان ومنافقان درمیان می آید والله اعلم .

بخشاینده آمرزگارست (٦٠) .

ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ يُولِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ وَأَنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٦١﴾

این نصرت بسبب آنست که خدا درمی آرد شب را درروز ودرمی آرد روزرادرشب وبه سبب آنست که خداشنوابیناست (٦١) .

ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٦٢﴾

این نصرت به سبب آنست که خدا همونست ثابت وآنچه می خوانند کافران بجز وی همونست باطل و به سبب آنست که خداهمون ست بلند مرتبه بزرگ قدر (٦٢) .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً ۚ إِنَّ اللّٰهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿٦٣﴾

آیاندیدی که خدا فرودآورد ازآسمان آب را پس زمین سرسبز شود هر آئینه خدالطف کننده داناست (٦٣) .

لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَإِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦٤﴾

اوراست آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمین ست وهرآئینه خداهمونست بی نیاز ستوده کار (٦٤) .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۖ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَن تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ إِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٦٥﴾

ایاندیدی که خدا مسخر کرد برای شماآنچه درزمین است ومسخر ساخت کشتی ها میرود دردریا بفرمان او نگاه میداردآسمان را ازآنکه بیفتد برزمین مگر بدستور او هرآئینه خدا درحق مردمان بخشاینده مهربان است (٦٥) .

وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۗ إِنَّ الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ ﴿٦٦﴾

واوست آنکه زنده کرده شمارا باز بمیراند شمارا باززنده کند شمارا هرآئینه آدمی ناسپاس ست (٦٦) .

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ ۖ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ ﴿٦٧﴾

برای هر گرو هی معین کرده ایم شریعتی را که ایشان عمل کننده اند برآن پس بایدکه نزاع نه کنند باتو درین کار وبخوان بسوی پروردگار خویش هرآئینه

اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ ﴿٧٣﴾

بجز خدا آفریدن نه توانند مگسی را اگرچه جمع شوند برای آن واگر برُباید ازایشان مگس چیزی راخلاص نه نتوانند کرد آن را ازمگس ناتوان شد طالب و مطلوب[1] (٧٣) .

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٧٤﴾

تعظیم نکردند خدارا حق تعظیم اوهرآئینه خدا تواناغالب است (٧٤) .

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٧٥﴾

خدا برمی گزیند فرستادها از فرشتگان واز مردمان هرآئینه خدا شنوا بیناست (٧٥) .

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٧٦﴾

می داند آنچه پیش روی ایشان ست وآنچه پس پشت ایشان ست وبسوی خداباز گردانیده می شوند کارها (٧٦) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧٧﴾

ای مسلمانان رکوع کنید وسجده بجاآرید وعبادت نمائید پروردگار خودرا وبکنید کار نیکو امیدست که رستگارشوید (٧٧) .

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

وجهاد کنید درراه خدا حق جهادی که برای خداباشدوی برگزید شمارا و نه ساخت برشما دردین هیچ تنگی مشروع کرد دین پدرشما ابراهیم خدانام نهاد شمارا مسلمان پیش ازین[2] ودر قرآن نیز تاباشد پیغامبر گواه برشما وباشید شما گواه بر مردمان پس برپادارید نمازرا وبدهید زکوٰة را و چنگ زنید بخدا اوست مددگار شما پس نیکو مددگار ونیکو یاری دهنده است (٧٨) .

---

(١) یعنی عابد ومعبود .

(٢) یعنی درکتب سابقه .

الْمُضْغَةَ عِظٰمًا فَكَسَوْنَا الْعِظٰمَ لَحْمًا ثُمَّ اَنْشَاْنٰهُ خَلْقًا اٰخَرَ ؕ فَتَبٰرَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخٰلِقِيْنَ ﴿۱۴﴾

پس ساختیم آن گوشت پاره را استخوانهای چند پس پوشانیدیم برآن استخوانها گوشت را باز آفریدیم اورا آفرینشی دیگر[1] پس بزرگ ست خدا نیکوترین آفرینندگان (۱٤) .

ثُمَّ اِنَّكُمْ بَعْدَ ذٰلِكَ لَمَيِّتُوْنَ ﴿۱۵﴾

بازهرآئینه شما بعد ازین البته مردگانید (۱۵) .

ثُمَّ اِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ تُبْعَثُوْنَ ﴿۱۶﴾

بازهرآئینه شما روزقیامت برانگیخته گردید (۱٦) .

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَآئِقَ ۖ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غٰفِلِيْنَ ﴿۱۷﴾

وهرآئینه آفریدیم بالای شما هفت آسمان ونبودیم ما ازآفرینش بی خبر (۱۷) .

وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً بِقَدَرٍ فَاَسْكَنّٰهُ فِى الْاَرْضِ ۖ وَاِنَّا عَلٰى ذَهَابٍ بِهٖ لَقٰدِرُوْنَ ﴿۱۸﴾

وفروفرستادیم ازآسمان آب را باندازه پس جای دادیم اورادرزمین وهرآئینه ما برُدورکردنِ آن توانائیم (۱۸) .

فَاَنْشَاْنَا لَكُمْ بِهٖ جَنّٰتٍ مِّنْ نَّخِيْلٍ وَّاَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيْهَا فَوَاكِهُ كَثِيْرَةٌ وَّمِنْهَا تَاْكُلُوْنَ ﴿۱۹﴾

پس بیافریدیم برای شما بآن آب بوستانهائی ازدرختان خرما وانگور شمارا درآن بوستانها میوه های بسیار پیداشود بعض آن رامیخورید[2] (۱۹) .

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُوْرِ سَيْنَآءَ تَنْۢبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِّلْاٰكِلِيْنَ ﴿۲۰﴾

وآفریدیم درختی که بیرون می آیدازطور سینا یعنی درختِ زیتون میروید بوجهی که حاصل شود روغن و خورش طعام خورندگان را (۲۰) .

وَاِنَّ لَكُمْ فِى الْاَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۖ نُسْقِيْكُمْ مِّمَّا فِىْ بُطُوْنِهَا وَلَكُمْ فِيْهَا

هرآئینه شمارادرچهارپایان پندی هست می نوشانیم شمارا ازآنچه درشکمهای ایشان ست وشمارا درآن چهار پایان

---

(۱) یعنی نفخ روح وروئیدن ناخن وموی .
(۲) یعنی بطریق قُوت .

فَاِذَا اسْتَوَيْتَ اَنْتَ وَمَنْ مَّعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ نَجّٰنَا مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۲۸﴾

پس چون راست بنشینی تو وهرکه باتو باشد برکشتی پس بگو همهٔ ستائش خدای راست آنکه نجات دادمارا ازگروهِ ستمگاران (۲۸) .

وَقُلْ رَّبِّ اَنْزِلْنِيْ مُنْزَلًا مُّبٰرَكًا وَّاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ ﴿۲۹﴾

وبگوای پروردگارمن فرود آرمرا درمنزل مبارك وتو بهترین فرود آرندگانی (۲۹) .

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ وَّاِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِيْنَ ﴿۳۰﴾

هرآئینه درین ماجرا نشانه هاست وهرآئینه مابودیم امتحان کنندگان (۳۰) .

ثُمَّ اَنْشَاْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا اٰخَرِيْنَ ﴿۳۱﴾

بازبیافریدیم بعدایشان قرنی دیگر را (۳۱) .

فَاَرْسَلْنَا فِيْهِمْ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿۳۲﴾

پس فرستادیم میان ایشان پیغامبری را ازقبیلهٔ ایشان که عبادت خدا کنید نیست شمارا هیچ معبود برحق بجزوی آیا نمی‌ترسید (۳۲) .

وَقَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِلِقَآءِ الْاٰخِرَةِ وَاَتْرَفْنٰهُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا مَا هٰذَآ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَاْكُلُ مِمَّا تَاْكُلُوْنَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُوْنَ ﴿۳۳﴾

وگفتند رئیسان ازقوم وی آنان که کافرشدند و دروغ شمردند ملاقات سرای بازپسین را وآسودگی داده بودیم ایشان را درزندگانی دنیا نیست این شخص مگر آدمی مانند شما می‌خورد ازآنچه شما ازآن می خورید ومی آشامد ازآنچه شما می آشامید (۳۳) .

وَلَئِنْ اَطَعْتُمْ بَشَرًا مِّثْلَكُمْ اِنَّكُمْ اِذًا لَّخٰسِرُوْنَ ﴿۳۴﴾

و اگرفرمانبرداری کردید آدمی مانند خویش را هرآئینه شما آنگاه زیان کارباشید (۳٤) .

اَيَعِدُكُمْ اَنَّكُمْ اِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَّعِظَامًا اَنَّكُمْ مُّخْرَجُوْنَ ﴿۳۵﴾

آیاوعده دهد شمارا که شما چون بمیرید وشوید خاك واستخوانی چند بیرون آورده خواهیدشد (۳۵) .

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوْعَدُوْنَ ﴿۳۶﴾

بعیدست، بعیدست آنچه وعده داده می‌شوید (۳٦) .

وَسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿۴۵﴾

بانشانه های خویش وبادلیل ظاهر (۴۵).

اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهٖ فَاسْتَكْبَرُوْا وَكَانُوْا قَوْمًا عَالِيْنَ ﴿۴۶﴾

بسوی فرعون وجماعت اُو پس سرکشی کردند وبودندگروه تکبر کننده (٤٦) .

فَقَالُوْٓا اَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عٰبِدُوْنَ ﴿۴۷﴾

پس گفتند آیاایمان آریم بدوآدمی مانند خویش وقوم ایشان مارا خدمت گذارند (٤٧) .

فَكَذَّبُوْهُمَا فَكَانُوْا مِنَ الْمُهْلَكِيْنَ ﴿۴۸﴾

پس دروغگو گفتند ایشان را پس شدند ازهلاك شدگان (٤٨) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُوْنَ ﴿۴۹﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ را کتاب بُوَد که ایشان راه یابند (٤٩) .

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَاُمَّهٗٓ اٰيَةً وَّاٰوَيْنٰهُمَآ اِلٰى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَّمَعِيْنٍ ﴿۵۰﴾

وساختیم پسر مریم را ومادرش رانشانه وجای دادیم ایشان را بزمینی بلند دارای استقرار ودارای آبِ روان (٥٠) .

يٰٓاَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوْا مِنَ الطَّيِّبٰتِ وَاعْمَلُوْا صَالِحًا اِنِّيْ بِمَا تَعْمَلُوْنَ عَلِيْمٌ ﴿۵۱﴾

گفتیم ای پیغامبران بخورید غذای پاکیزه وبکنید کار نیکو هرآئینه من بآنچه می‌کنید دانایم (٥١) .

وَاِنَّ هٰذِهٖٓ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّاَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُوْنِ ﴿۵۲﴾

وهرآئینه این است ملت شما ملت یکتا ومن پروردگار شمایم پس بترسید ازمن (٥٢) .

فَتَقَطَّعُوْٓا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا ۭ كُلُّ حِزْبٍۢ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُوْنَ ﴿۵۳﴾

پس متفرق ساختند امتان کارخودرا درمیان خویش پاره پاره هرگروهی بآنچه نزد اوست شادمان ست (٥٣) .

فَذَرْهُمْ فِيْ غَمْرَتِهِمْ حَتّٰى حِيْنٍ ﴿۵۴﴾

پس بگذار ایشان را درغفلت ایشان تامدتی (٥٤) .

اَيَحْسَبُوْنَ اَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهٖ مِنْ مَّالٍ وَّبَنِيْنَ ﴿۵۵﴾

آیا پندارند که آنچه امداد می کنیم ایشان را بآن ازمال وفرزندان (٥٥) .

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرٰتِ ۭ بَلْ لَّا يَشْعُرُوْنَ ﴿۵۶﴾

سعی درنیکوئی ها می کنیم برای ایشان

قَدْ كَانَتْ اٰيٰتِي تُتْلٰى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلٰٓى اَعْقَابِكُمْ تَنْكِصُوْنَ ﴿٦٦﴾

وهرآئینه خوانده می شدآیاتِ من برشما پس شما برپاشنه های خود بازمی گشتید (٦٦) .

مُسْتَكْبِرِيْنَ ۖ بِهٖ سٰمِرًا تَهْجُرُوْنَ ﴿٦٧﴾

تکبر کنان برآن قرآن بافسانه مشغول شده ترك می کردید (٦٧) .

اَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ اَمْ جَآءَهُمْ مَّا لَمْ يَاْتِ اٰبَآءَهُمُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٦٨﴾

آیا تأمل نکردند درین سخن یا آمده است بایشان آنچه نیامده بود به پدران نخستین ایشان (٦٨) .

اَمْ لَمْ يَعْرِفُوْا رَسُوْلَهُمْ فَهُمْ لَهٗ مُنْكِرُوْنَ ﴿٦٩﴾

آیانشناختند پیغامبر خودرا پس ایشان باو ناآشنا یند (٦٩) .

اَمْ يَقُوْلُوْنَ بِهٖ جِنَّةٌ ۭ بَلْ جَآءَهُمْ بِالْحَقِّ وَاَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كٰرِهُوْنَ ﴿٧٠﴾

آیا میگویند به وی دیوانگی ست بلکه آورده است پیش ایشان سخن راست را وبیشترین ایشان سخن راست را ناخواهانند (٧٠) .

وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ اَهْوَآءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِيْهِنَّ ۭ بَلْ اَتَيْنٰهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٧١﴾

و اگرپیروی کردی خدای تعالی آرزوهای ایشان را هرآئینه دَرهَم می‌ریخت نظام آسمانهاوزمین وهرکه درآنهااست بلکه آوردیم بدیشان پندایشان را پس ایشان ازپند خویش روگردانند (٧١) .

اَمْ تَسْـَٔلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ ۚ وَهُوَ خَيْرُ الرّٰزِقِيْنَ ﴿٧٢﴾

آیا میخواهی ازایشان مزدی پس مزد پروردگار تو بهترست واو بهترینِ روزی دهندگانست (٧٢) .

وَاِنَّكَ لَتَدْعُوْهُمْ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٧٣﴾

و هرآئینه تومی خوانی ایشان را بسوی راه راست (٧٣) .

وَاِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنٰكِبُوْنَ ﴿٧٤﴾

وهرآئینه آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت ازآن راه یکسوشونده اند (٧٤) .

وَلَوْ رَحِمْنٰهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِّنْ ضُرٍّ لَّلَجُّوْا فِيْ طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ﴿٧٥﴾

واگررحم می کردیم برایشان وبرمیداشتیم آنچه بایشان ست ازسختی هرآئینه پیوسته می شدند دربیراهی خود

و پروردگار عرش بزرگ (۸٦) .

سَيَقُوْلُوْنَ لِلّٰهِ ؕ قُلْ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿۸۷﴾

خواهند گفت این همه خدای‌راست بگوآیاپس نمی ترسید (۸۷) .

قُلْ مَنْ بِيَدِهٖ مَلَكُوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَّهُوَ يُجِيْرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿۸۸﴾

بگوکیست آنکه بدست اوست پادشاهی هرچیز واوزینهار میدهد وزینهار داده نمی شود برخلاف او (بگوئید) اگر می‌دانید (۸۸) .

سَيَقُوْلُوْنَ لِلّٰهِ ؕ قُلْ فَاَنّٰى تُسْحَرُوْنَ ﴿۸۹﴾

خواهند گفت این همه خدای‌راست بگو پس چگونه فریب داده می شوید (۸۹) .

بَلْ اَتَيْنٰهُمْ بِالْحَقِّ وَاِنَّهُمْ لَكٰذِبُوْنَ ﴿۹۰﴾

بلکه آورده ایم بایشان سخن راست را وهرآئینه ایشان دروغ می‌گویند (۹۰) .

مَا اتَّخَذَ اللّٰهُ مِنْ وَّلَدٍ وَّمَا كَانَ مَعَهٗ مِنْ اِلٰهٍ ۚ اِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ اِلٰهٍۢ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ ؕ سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يَصِفُوْنَ ﴿۹۱﴾

هیچ فرزند نگرفته است خدا و نیست همراه اُوهیچ معبود دیگرآنگاه ببردی هرمعبود چیزی که آفریده بود وهرآئینه غالب آمدی بعض ایشان بربعضِ، بپاکی صفت می کنم خدای را ازآنچه بیان می‌کنند (۹۱) .

عٰلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿۹۲﴾

داننده نهان وآشکار است برترست ازآنچه شریك می آرند (۹۲) .

قُلْ رَّبِّ اِمَّا تُرِيَنِّيْ مَا يُوْعَدُوْنَ ﴿۹۳﴾

بگوای پروردگار من اگربنمائی مرا آنچه ترسانیده می شوند (۹۳) .

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِيْ فِي الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۹۴﴾

ای پروردگار من پس داخل مکن مرا درگروه ستمگاران (۹٤) .

وَاِنَّا عَلٰٓى اَنْ نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقٰدِرُوْنَ ﴿۹۵﴾

وهرآئینه ما برآنکه بنمائیم ترا آنچه وعده دهیم بایشان توانائیم (۹۵) .

اِدْفَعْ بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ السَّيِّئَةَ ؕ نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَصِفُوْنَ ﴿۹۶﴾

ومقابله کُن بدی را بخصلتی که آن نیك ست ما داناتریم بآنچه بیان می کنند (۹٦) .

وَقُلْ رَّبِّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَمَزٰتِ الشَّيٰطِيْنِ ﴿۹۷﴾

وبگو(یا محمد) ای پروردگارمن پناه می برم بتوازدغدغه های شیاطین (۹۷) .

إِنَّهُۥ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِى يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغْفِرْ لَنَا وَٱرْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿١٠٩﴾

هرآئینه بودند گروهی ازبندگان که می گفتند ای پروردگارما ایمان آوردیم پس بیامرزمارا وببخشای برماوتو بهترین بخشایندگانی (۱۰۹) .

فَٱتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوْكُمْ ذِكْرِى وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿١١٠﴾

پس مسخره گرفتید ایشان را تاحدیکه فراموش گردانیدند یادمراازدل شما وشما برایشان میخندیدید (۱۱۰) .

إِنِّى جَزَيْتُهُمُ ٱلْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوٓا۟ أَنَّهُمْ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ ﴿١١١﴾

هرآئینه من جزادادم ایشان را امروزبمقابله صبر ایشان بآنکه ایشانند بمراد رسندگان (۱۱۱) .

قَٰلَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِى ٱلْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿١١٢﴾

گوید خدا چقدر درنگ کردید درزمین بحساب شمار سالها (۱۱۲) .

قَالُوا۟ لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْـَٔلِ ٱلْعَآدِّينَ ﴿١١٣﴾

گویند درنگ کردیم یك روزیابعض روز پس بپرس از شمار کنندگان (۱۱۳) .

قَٰلَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١٤﴾

گوید خدا توقف نه کرده اید مگراندکی اگرشما می دانستید (۱۱٤) .

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَٰكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾

آیا پنداشتید که آفریدیم شمارا بیهوده وآنکه شما بسوی ما گردانیده نشوید (۱۱۵) .

فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ ۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾

پس برترست خدا پادشاه ثابت نیست هیچ معبود برحق غیراو پروردگار عرش گرامی قدر (۱۱٦) .

وَمَن يَدْعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرْهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلْكَٰفِرُونَ ﴿١١٧﴾

هرکه بخواند باخدا معبودِ دیگر را هیچ حجتی نیست وی را برثبوت آن معبودپس جزاین نیست که حساب او نزد پروردگار اوست، هرآئینه رستگار نمی شوند کافران (۱۱۷) .

وَقُل رَّبِّ ٱغْفِرْ وَٱرْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿١١٨﴾

وبگوای پروردگار من بیامرز وببخشای وتو بهترین بخشندگانی (۱۱۸) .

غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝٥

آوردند کارِ خود را پس هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است (۵) .

وَالَّذِيْنَ يَرْمُوْنَ اَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَّهُمْ شُهَدَآءُ اِلَّآ اَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ اَحَدِهِمْ اَرْبَعُ شَهٰدٰتٍ بِاللّٰهِ ۙ اِنَّهٗ لَمِنَ الصّٰدِقِيْنَ ۝٦

وآنانکه تهمت زنامی‌زنند زنانِ خودرا ونباشدایشان را گواهان مگر نفس خویشتن پس گواهی یکی ازایشان ست چهار بار شهادت که بخداهرآئینه وی ازراست گویان ست (٦) .

وَالْخَامِسَةُ اَنَّ لَعْنَتَ اللّٰهِ عَلَيْهِ اِنْ كَانَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ ۝٧

وگواهی پنجم (این صفت) که لعنت خدا براوباد اگرازدروغ گویان باشد (۷) .

وَيَدْرَؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ اَنْ تَشْهَدَ اَرْبَعَ شَهٰدٰتٍ بِاللّٰهِ ۙ اِنَّهٗ لَمِنَ الْكٰذِبِيْنَ ۝٨

وبازمی گرداند ازآن زن عقوبت راآنکه گواهی دهد چهار بار که سوگندبخدا هرآئینه وی (شوهر) ازدروغ گویان ست (۸) .

وَالْخَامِسَةَ اَنَّ غَضَبَ اللّٰهِ عَلَيْهَآ اِنْ كَانَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ۝٩

(وگواهی دهد) پنجم بار (بااین صفت) که خشمِ خدا بادبرین زن اگرشوهر ازراست گویان باشد (۹) .

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهٗ وَاَنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ حَكِيْمٌ ۝١٠

واگرنمی بود فضل خدا برشما ورحمت او وآنکه خداتوبه پذیرندهٔ باحکمت ست چه چیز ها که نمی شد[1] (۱۰) .

اِنَّ الَّذِيْنَ جَآءُوْ بِالْاِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ ۭ لَا تَحْسَبُوْهُ شَرًّا لَّكُمْ ۭ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۭ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَّا اكْتَسَبَ مِنَ الْاِثْمِ ۚ

هرآئینه آنانکه آوردند تهمت را جماعتی اند ازشما مپندارید این تهمت را بد درحق خویش بلکه آن بهترست برای شماهرکسی را ازایشان چیزی ست که

---

(۱) مترجم گوید درغزوهٔ بنی مصطلق حضرت عائشه متهم شده ومنافقان دراشاعت بدنامی سعی کردند جماعتی اظهار براءت نمودند وجماعتی توقف نمودند خدای تعالی براءت صدیقه نازل ساخت وذمِ منافقان ومدح براءت کنندگان وتهدید توقف کنندگان فرمود .

مانندااین هرگز اگرمسلمان هستید (۱۷).

وَيُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ ۭ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ۱۸

وبیان می کند خدابرای شما آیات را وخدا دانای باحکمت ست (۱۸) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يُحِبُّوْنَ اَنْ تَشِيْعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۙ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ۭ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ۱۹

هرآئینه آنان که دوست می دارند که منتشر شود بدکاری درمیان مسلمانان ایشان راست عقوبت دردناك دردنیا وآخرت وخدامی داند وشما نمی دانید (۱۹) .

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهٗ وَاَنَّ اللّٰهَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ۲۰

واگرنبودی فضل خدا برشما و رحمت او وآنکه خدا بخشندهٔ مهربانست (چه چیزها که نمی شد) (۲۰) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّبِعُوْا خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ ۭ وَمَنْ يَّتَّبِعْ خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ فَاِنَّهٗ يَاْمُرُ بِالْفَحْشَاۗءِ وَالْمُنْكَرِ ۭ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهٗ مَا زَكٰى مِنْكُمْ مِّنْ اَحَدٍ اَبَدًا ۙ وَّلٰكِنَّ اللّٰهَ يُزَكِّيْ مَنْ يَّشَاۗءُ ۭ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ۲۱

ای مسلمانان ازپی گامهای شیطان مروید وهرکه پیروی گامهای شیطان کند پس هرآئینه وی امرمی‌کند به بی حیائی وکار ناپسندیده واگرنبودی فضل خدا برشما و رحمت او پاك نه شدی ازشما هیچ کس هرگز ولیکن خدا پاك می سازد هرکراخواهد وخدا شنوا داناست (۲۱) .

وَلَا يَاْتَلِ اُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ اَنْ يُّؤْتُوْٓا اُولِي الْقُرْبٰى وَالْمَسٰكِيْنَ وَالْمُهٰجِرِيْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۡ وَلْيَعْفُوْا وَلْيَصْفَحُوْا ۭ اَلَا تُحِبُّوْنَ اَنْ يَّغْفِرَ اللّٰهُ لَكُمْ ۭ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۲۲

وباید که سوگند نخورند صاحبانِ فضل ووسعت ازشما برآنکه چیزی ندهند خویشاوندان وبینوایان ومهاجرین را درراه خدا وباید که عفوکنند و درگذرند آیا دوست نمی دارید که بیامرزد خدا شمارا وخدا آمرزندهٔ مهربان ست[1] (۲۲) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يَرْمُوْنَ الْمُحْصَنٰتِ

هرآئینه آنان که تهمت زنا میزنند زنان پاك

---

(۱) درین تعریض است بابوبکرصدیق چون قسم خورده بود که مِسطَح را هیچ ندهدووی یکی ازدشنام دهندگان بود .

می‌داند آنچه آشکار می کنید وآنچه پوشیده می‌دارید (۲۹) .

قُلْ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ يَغُضُّوْا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ ذٰلِكَ اَزْكٰى لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌ بِمَا يَصْنَعُوْنَ ﴿۳۰﴾

بگو بمردان مسلمان که بپوشند چشم های خودرا ونگاه دارند شرمگاه های خودرا این پاکیزه ترست ایشان را هرآئینه خداخبردارست بآنچه می کنند (۳۰) .

وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنٰتِ يَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوْجَهُنَّ وَلَا يُبْدِيْنَ زِيْنَتَهُنَّ اِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلٰى جُيُوْبِهِنَّ وَلَا يُبْدِيْنَ زِيْنَتَهُنَّ اِلَّا لِبُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اٰبَآئِهِنَّ اَوْ اٰبَآءِ بُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اَبْنَآئِهِنَّ اَوْ اَبْنَآءِ بُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِيْٓ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِيْٓ اَخَوٰتِهِنَّ اَوْ نِسَآئِهِنَّ اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُنَّ اَوِ التّٰبِعِيْنَ غَيْرِ اُولِي الْاِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ اَوِ الطِّفْلِ الَّذِيْنَ لَمْ يَظْهَرُوْا عَلٰى عَوْرٰتِ النِّسَآءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِاَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِيْنَ مِنْ زِيْنَتِهِنَّ وَتُوْبُوْٓا اِلَى اللّٰهِ جَمِيْعًا اَيُّهَ الْمُؤْمِنُوْنَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿۳۱﴾

وبگو زنان مسلمان را که بپوشند چشم خودرا ونگاه دارند شرمگاه خودرا وآشکارنه کنند آرایش خودرا[1] مگرآنچه ظاهر است ازآن مواضع وباید که فروگذارند چادر های خودرا برگریبانهای خود و نه نمایند آرایش خودرا مگر بشوهران خویش یا پدرانِ خویش یاپدرانِ شوهران خویش یاپسران خویش یا پسران شوهران خویش یا برادران خویش یا پسران برادران خویش یا پسران خواهران خویش یا زنان خویش یا آنچه مالك اوشده است دستهای ایشان (یعنی غلامان) یا پیروانی که صاحب شهوت نباشند از مردان یا طفلانی که هنوز مطلع نشده اند برشرمگاه های زنان ونزنند زمین را بپای خویش تادانسته شود آنچه پنهان می کنند اززیورخویش ورجوع کنید بسوی خدا همه ای مسلمانان بُوَدکه رستگارشوید[2] (۳۱) .

---

(۱) یعنی مواضع زیور .

(۲) حاصل این آیت آنست که از مواضع زینت وجه وکفین وسروگردن وعضد وذراع =

مِصْبَاحٌ ۖ اَلْمِصْبَاحُ فِيْ زُجَاجَةٍ ۖ اَلزُّجَاجَةُ كَاَنَّهَا كَوْكَبٌ
دُرِّيٌّ يُّوْقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبٰرَكَةٍ زَيْتُوْنَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ
وَّلَا غَرْبِيَّةٍ ۙ يَّكَادُ زَيْتُهَا يُضِيْٓءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ ۚ نُوْرٌ عَلٰى نُوْرٍ ۗ
يَهْدِى اللّٰهُ لِنُوْرِهٖ مَنْ يَّشَآءُ ۚ وَيَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ لِلنَّاسِ ۗ
وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿۳۵﴾

که درآن چراغی ست[۱] آن چراغ درشیشه ای ست[۲] آن شیشه گویاستارهٔ درخشنده ای ست که افروخته می شود ازروغن درختی بابرکت که عبارت ازدرخت زیتونی ست نه بسمت مشرق رویدونه بجانب مغرب نزدیك است که روغن وی روشنی بدهداگرچه نرسیده باشدش آتشی، روشنی برروشنی ست راه می نماید خدا به نور خود هرکرا خواهد وبیان می فرماید خدا مثالها برای مردمان وخدا بهَر چیز داناست[۳] (۳۵).

فِيْ بُيُوْتٍ اَذِنَ اللّٰهُ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيْهَا اسْمُهٗ ۙ يُسَبِّحُ لَهٗ فِيْهَا
بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصَالِ ﴿۳۶﴾

درخانه های که دستوری داده است خدا که بلند کرده شود آن راویاد کرده شود آنجانام او بپاکی، یاد می‌کنند خدارا آنجاصبح وشام (۳٦).

رِجَالٌ ۙ لَّا تُلْهِيْهِمْ تِجَارَةٌ وَّلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَاِقَامِ الصَّلٰوةِ
وَاِيْتَآءِ الزَّكٰوةِ ۙ يَخَافُوْنَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيْهِ الْقُلُوْبُ
وَالْاَبْصَارُ ﴿۳۷﴾

مردانیکه بازندارد ایشان را تجارت ونه خرید و فروش ازیادِ خدا و برپاداشتن نماز ودادن زکوٰة، می ترسند ازآن روز که مضطرب شوند درآن دل ها ودیده ها (۳۷).

لِيَجْزِيَهُمُ اللّٰهُ اَحْسَنَ مَا عَمِلُوْا وَيَزِيْدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ ۗ وَاللّٰهُ يَرْزُقُ

تاجزادهد ایشان را خدابعوض بهترین آنچه کردند وزیاده دهدایشان را خدا

---

(۱) یعنی فتیله روشن ست .
(۲) یعنی درقندیل ست .
(۳) حاصل این مثل تشبیه نوری است که بسبب مواظبت برطهارت وعبادت دردل مسلمانان حاصل می شود بنورچراغ که در غایت درخشند گی باشد وبجهت اشعار بآن مواظبت می فرماید .

اَلَوْدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلٰلِهٖ ۚ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ جِبَالٍ فِيْهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيْبُ بِهٖ مَنْ يَّشَآءُ وَيَصْرِفُهٗ عَنْ مَّنْ يَّشَآءُ ۚ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهٖ يَذْهَبُ بِالْاَبْصَارِ ۝٤٣

بازجمع می نماید میان آن بازمیسازدش تودرتو پس می بینی قطره را که بیرون می آیداز میان آن وفرودمی آرد ازجانب بالا ازکوه هاکه آنجاست ژاله را پس میرساندش بهرکه خواهد وبازمیداردش ازهر که می خواهد نزدیك ست درخشندگی برق آن ابر دور کند چشمهارا (٤٣) .

يُقَلِّبُ اللّٰهُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۚ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّاُولِي الْاَبْصَارِ ۝٤٤

می گرداند خدا شب وروزرا هرآئینه درین مقدمه عبرتیست خداوندان بصیرت را (٤٤) .

وَاللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٍ مِّنْ مَّآءٍ ۖ فَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِيْ عَلٰى بَطْنِهٖ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِيْ عَلٰى رِجْلَيْنِ ۚ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِيْ عَلٰٓى اَرْبَعٍ ۚ يَخْلُقُ اللّٰهُ مَا يَشَآءُ ۚ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝٤٥

وخدا آفرید هرجنبده ای را ازآب پس ازینهاست آنکه می رودبرشکم خود وازینهاست آن که میرود بردوپای وازینهاست آنکه میرود برچهارپای می‌آفریند خدا هرچه خواهد هرآئینه خدا برهرچیز تواناست (٤٥) .

لَقَدْ اَنْزَلْنَآ اٰيٰتٍ مُّبَيِّنٰتٍ ۚ وَاللّٰهُ يَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ۝٤٦

هرآئینه فرود آوردیم آیاتِ روشن را وخدا دلالت می کند هرکرا خواهد بسوی راه راست (٤٦) .

وَيَقُوْلُوْنَ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُوْلِ وَاَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلّٰى فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذٰلِكَ ۚ وَمَآ اُولٰٓئِكَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ ۝٤٧

ومی گویند منافقان ایمان آوردیم بخدا وبرسول وفرمانبرداری نمودیم وبازرو می‌گرداند گروهی ازایشان بعد ازین ونیستند ایشان مومنان (٤٧) .

وَاِذَا دُعُوْٓا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ اِذَا فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُوْنَ ۝٤٨

وچون خوانده می شوند بسوی خداو رسول اوتاحکم فرماید میان ایشان ناگهان جماعتی ازایشان روگردانند (٤٨) .

وَاِنْ يَّكُنْ لَّهُمُ الْحَقُّ يَاْتُوْٓا اِلَيْهِ مُذْعِنِيْنَ ۝٤٩

واگرباشد ایشان راحق بیایند بسوی

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيْنَهُمُ الَّذِي ارْتَضٰى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اَمْنًا يَعْبُدُوْنَنِيْ لَا يُشْرِكُوْنَ بِيْ شَيْـًٔا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿٥٥﴾

کردندکه البته خلیفه سازدایشان را درزمین چنانکه خلیفه ساخته بود آنان را که پیش ازایشان بودند[۱] والبته محکم کند برای ایشان دین ایشان را که پسندیده است برای ایشان والبته تبدیل کندترس ایشان را پیش ازاین به ایمنی، پرستش کنند مرا شریك مقررنه کنند بامن چیزی را وهرکه ناسپاسی کند بعد ازین پس آن جماعت ایشان اند فاسقان[۲] (۵۵) .

وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ﴿٥٦﴾

وبرپادارید نمازرا وبدهید زکوٰة را وفرمانبرداری کنید پیغمبررا بُوَدکه برشما رحم کرده شود (۵٦) .

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مُعْجِزِيْنَ فِي الْاَرْضِ ۚ وَمَاْوٰىهُمُ النَّارُ ۭ وَلَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ﴿٥٧﴾

مپندار کافران را عاجزکننده درزمین وجای ایشان آتش ست وآن بدبازگشت ست (۵۷) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِيَسْتَاْذِنْكُمُ الَّذِيْنَ مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ وَالَّذِيْنَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلٰثَ مَرّٰتٍ ۭ مِنْ قَبْلِ صَلٰوةِ الْفَجْرِ وَحِيْنَ تَضَعُوْنَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهِيْرَةِ وَمِنْۢ بَعْدِ صَلٰوةِ الْعِشَاۗءِ ۭ ثَلٰثُ عَوْرٰتٍ لَّكُمْ ۭ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌۢ بَعْدَهُنَّ ۭ طَوّٰفُوْنَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلٰي بَعْضٍ ۭ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ ۭ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿٥٨﴾

ای مسلمانان باید که اجازه طلبند ازشما آنانکه مالك ایشان شده است دست های شما[۳] وآنانکه نه رسیده اندبحدبلوغ ازشما سه نوبت، پیش از نماز فجر ووقتیکه فرومی نهید جامه های خودرا درنیم روز وپس از نماز عشا این سه وقتِ خلوتست برای شما نیست برشما ونه برایشان هیچ بَزَه بعد ازینها

(۱) یعنی چنانکه بنی اسرائیل رابعد عمالقه پادشاه ساخت .

(۲) یعنی چنانکه قاتلان حضرت عثمان کردند مترجم گوید تفسیر این آیت درحدیث آمده انّ الخلافة بعدی ثلاثون سنَة (هرآئینه خلافت پس ازمن سی سال است) والله اعلم .

(۳) یعنی غلامان وکنیزان .

اَوْ مَا مَلَكْتُمْ مَّفَاتِحَهٗۤ اَوْ صَدِيْقِكُمْ ؕ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَاْكُلُوْا جَمِيْعًا اَوْ اَشْتَاتًا ؕ فَاِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوْتًا فَسَلِّمُوْا عَلٰۤى اَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُبٰرَكَةً طَيِّبَةً ؕ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿۶۱﴾

خانه ای که بتصرف شماست کلید های او[۱] یاخانه های دوستتان نیست برشما هیچ گناهی درآنکه بخورید همه باهم یامتفرق[۲] پس چون درآئید بخانه ها پس سلام گوئید برقوم خویش دعای خیر با برکت پاکیزه ازنزد خدا همچنین بیان می کند خدابرای شما آیات را بُوَدکه بفهمید (۶۱) .

اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَاِذَا كَانُوْا مَعَهٗ عَلٰۤى اَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوْا حَتّٰى يَسْتَاْذِنُوْهُ ؕ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَاْذِنُوْنَكَ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ۚ فَاِذَا اسْتَاْذَنُوْكَ لِبَعْضِ شَاْنِهِمْ فَاْذَنْ لِّمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۶۲﴾

جزاین نیست که مسلمانان آنانند که ایمان آوردند بخدا ورسول او وچون باشند باوی برکاری که مقتضی اجتماع ایشان است نروند تاآنکه اجازه طلبند از وی هرآئینه آنانکه اجازه می طلبند ازتو ایشان آنان اند که ایمان آورده اند بخدا و برسول او پس اگراجازه طلبند ازتوبرای بعض کارخوداجازه ده هرکراخواهی ازیشان وآمرزش طلب کن برای ایشان ازخداهرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربانست (۶۲) .

لَا تَجْعَلُوْا دُعَآءَ الرَّسُوْلِ بَيْنَكُمْ كَدُعَآءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا ؕ قَدْ يَعْلَمُ اللّٰهُ الَّذِيْنَ يَتَسَلَّلُوْنَ مِنْكُمْ لِوَاذًا ۚ فَلْيَحْذَرِ الَّذِيْنَ يُخَالِفُوْنَ عَنْ اَمْرِهٖۤ اَنْ تُصِيْبَهُمْ فِتْنَةٌ اَوْ يُصِيْبَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۶۳﴾

مشمارید طلبیدن پیغامبررا درمیان خویش مانند طلبیدن بعض ازشمابعض دیگررا هرآئینه می داند خداآنان را که به پنهانی بیرون می روند ازشما پناه جویان پس باید که بترسند آنانکه خلاف حکم پیغمبر می‌کنند ازآنکه برسدبدیشان بلائی

---

(۱) یعنی نگاهبان و وکیل حفظ اوباشید .

(۲) یعنی اذنی که ازرسم وعادت مفهوم ست کفایت می کند وحاجت اذن صریح نیست والله اعلم .

شام[۱] (۵) .

قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِیْ یَعْلَمُ السِّرَّ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ اِنَّهٗ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِیْمًا ۝۶

بگو فرود آورده است آنراکسیکه میداند آن پنهان را که درآسمان ها وزمین ست هرآئینه وی هست آمرزندهٔ مهربان (٦) .

وَقَالُوْا مَالِ هٰذَا الرَّسُوْلِ یَاْكُلُ الطَّعَامَ وَیَمْشِیْ فِی الْاَسْوَاقِ ؕ لَوْلَاۤ اُنْزِلَ اِلَیْهِ مَلَكٌ فَیَكُوْنَ مَعَهٗ نَذِیْرًا ۝۷

وگفتندچیست این پیغامبررا که میخورد طعام ومیرود دربازارها چرافرستاده نشد بسوی وی فرشته تاباشد همراه وی ترساننده (۷) .

اَوْ یُلْقٰۤی اِلَیْهِ كَنْزٌ اَوْ تَكُوْنُ لَهٗ جَنَّةٌ یَّاْكُلُ مِنْهَا ؕ وَقَالَ الظّٰلِمُوْنَ اِنْ تَتَّبِعُوْنَ اِلَّا رَجُلًا مَّسْحُوْرًا ۝۸

یاچرا ازآسمان پرتافته نه شد بسوی وی گنجی یاچرانیست اورا باغی که بخورد ازآن و گفتند ستمگاران پیروی نمی کنید مگرمردجادو زده را (۸) .

اُنْظُرْ كَیْفَ ضَرَبُوْا لَكَ الْاَمْثَالَ فَضَلُّوْا فَلَا یَسْتَطِیْعُوْنَ سَبِیْلًا ۝۹

ببین چگو نه مثالها زدند درحق تو پس گمراه شدند پس نمی یابند هیچ راهی را (۹) .

تَبٰرَكَ الَّذِیْۤ اِنْ شَآءَ جَعَلَ لَكَ خَیْرًا مِّنْ ذٰلِكَ جَنّٰتٍ تَجْرِیْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۙ وَیَجْعَلْ لَّكَ قُصُوْرًا ۝۱۰

بزرگوارست آنکه اگرخواهد بدهدترا بهتراز این بوستانها که میرود زیرآن جویهابدهد ترا کاخهای بلند (یعنی دردنیا) (۱۰) .

بَلْ كَذَّبُوْا بِالسَّاعَةِ ۫ وَاَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِیْرًا ۝۱۱

بلکه دروغ شمردند قیامت را وآماده ساختیم برای کسیکه تکذیب قیامت کند دوزخ را (۱۱) .

اِذَا رَاَتْهُمْ مِّنْ مَّكَانٍۭ بَعِیْدٍ سَمِعُوْا لَهَا تَغَیُّظًا وَّزَفِیْرًا ۝۱۲

چون به ببینند دوزخ راایشان ازمسافتِ دوربشنوند از وی آواز خشم خوردن وجوش وخروش را (۱۲) .

وَاِذَاۤ اُلْقُوْا مِنْهَا مَكَانًا ضَیِّقًا مُّقَرَّنِیْنَ دَعَوْا

وچون انداخته شوند ازآن دوزخ بمکانی

---

(۱) یعنی تایادگیرد .

وَقَالَ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ لِقَآءَنَا لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلٰٓئِكَةُ اَوْ نَرٰى رَبَّنَا ۭ لَقَدِ اسْتَكْبَرُوْا فِيْٓ اَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْ عُتُوًّا كَبِيْرًا ﴿٢١﴾

و گفتند آنانکه توقع ندارند ملاقات مارا چرا فروفرستاده نشد برما فرشتگان یاچرانمی بینیم پروردگار خودرا هرآئینه بزرگ شدند درزعم خویش و سرکشی کردند سرکشیِ بزرگ (٢١) .

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلٰٓئِكَةَ لَا بُشْرٰى يَوْمَىِٕذٍ لِّلْمُجْرِمِيْنَ وَيَقُوْلُوْنَ حِجْرًا مَّحْجُوْرًا ﴿٢٢﴾

روزی که به بینند فرشتگان را هیچ مژده نیست آن روز گنهگاران را وگویند که بازداشته شوند بازداشتن موکد (٢٢) .

وَقَدِمْنَآ اِلٰى مَا عَمِلُوْا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنٰهُ هَبَآءً مَّنْثُوْرًا ﴿٢٣﴾

ومتوجه شدیم بسوی آن چه کردند ازکردار پس ساختیم آن را مانند ذرّه های پراگنده[1] (٢٣) .

اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ يَوْمَىِٕذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَّاَحْسَنُ مَقِيْلًا ﴿٢٤﴾

اهل بهشت آن روزبهترند ازجهت قرارگاه ونیکوترند باعتبار جای استراحت (٢٤) .

وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَآءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلٰٓئِكَةُ تَنْزِيْلًا ﴿٢٥﴾

وروزیکه بشگافد آسمان بسبب ابرو فرودآورده شوند فرشتگان فرودآوردنی[2] (٢٥) .

اَلْمُلْكُ يَوْمَىِٕذِ ِۨالْحَقُّ لِلرَّحْمٰنِ ۭ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكٰفِرِيْنَ عَسِيْرًا ﴿٢٦﴾

پادشاهیِ حقیقی آن روزخداراست وباشد آن روز برکافران روزدشوار (٢٦) .

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلٰي يَدَيْهِ يَقُوْلُ يٰلَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُوْلِ سَبِيْلًا ﴿٢٧﴾

وروزی که بگزد ستمگار دودست خودرا گوید ای کاش من گرفتمی همراه پیغامبر راهی[3] (٢٧) .

يٰوَيْلَتٰى لَيْتَنِيْ لَمْ اَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيْلًا ﴿٢٨﴾

ای وای برمن کاش که دوست نه گرفتمی فلان را[4] (٢٨) .

---

(١) یعنی برباد کردیم

(٢) یعنی آسمان برهیئتِ معتادخود باشد امّاابرناگاه منشق شود والله اعلم .

(٣) تمناکننده عقبه بن ابي معیط بود که اطاعت أبی بن خلف کرد چنانه درسبب نزول آیه بیان کرده اند .

(٤) یعنی أبی بن خلف ومانندا و .

وَّعَادًا وَّثَمُوْدَا وَاَصْحٰبَ الرَّسِّ وَقُرُوْنًا بَيْنَ ذٰلِكَ كَثِيْرًا ﴿٣٨﴾

وهلاك ساختيم عادوثمود واهل رسّ را وخَلقى بسياررا درميان ايشان (٣٨) ،

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْاَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيْرًا ﴿٣٩﴾

وبـراى هريكـى بيـان كرديـم داستـان ها وهريكى را هلاك ساختيم هلاك كردنى (٣٩) .

وَلَقَدْ اَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِيْٓ اُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ اَفَلَمْ يَكُوْنُوْا يَرَوْنَهَا ۚ بَلْ كَانُوْا لَا يَرْجُوْنَ نُشُوْرًا ﴿٤٠﴾

وهرآئينه رسيدند كافران بدهى كه بارانيده شد بروى بارانِ بد(يعنى باران سنگ) آيانمى ديدند آن را بلكه توقع نمى داشتند برانگيختن را (٤٠) .

وَاِذَا رَاَوْكَ اِنْ يَّتَّخِذُوْنَكَ اِلَّا هُزُوًا ۭ اَهٰذَا الَّذِيْ بَعَثَ اللّٰهُ رَسُوْلًا ﴿٤١﴾

وچون بينند ترا نگيرند ترا الّا مسخره آياابن شخص ست آنكه خداى تعالى پيغامبرفرستادش (٤١) .

اِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ اٰلِهَتِنَا لَوْلَآ اَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا ۭ وَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ حِيْنَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ اَضَلُّ سَبِيْلًا ﴿٤٢﴾

هرآئينه نزديك بود كه گمراه كند مارا ازپرستشِ خدايانِ ماا گر نه آن بودى كه شكيبائى كرديم برآن ها وخواهند دانست چون بينند عذاب را كه كيست اشتباه رونده تررراه را (٤٢) .

اَرَءَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهٗ هَوٰىهُ ۭ اَفَاَنْتَ تَكُوْنُ عَلَيْهِ وَكِيْلًا ﴿٤٣﴾

آياديدى آن را كه‌گرفته است معبود خود خواهش نفس خودراآياتو ميشوى بروَى نگهبان (٤٣) .

اَمْ تَحْسَبُ اَنَّ اَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُوْنَ اَوْ يَعْقِلُوْنَ ۭ اِنْ هُمْ اِلَّا كَالْاَنْعَامِ ۭ بَلْ هُمْ اَضَلُّ سَبِيْلًا ﴿٤٤﴾

آيامى پنداری كه بيشترين ايشان مى شنوند يامى‌فهمند نيستند ايشان الّا مانند چهارپايان بلكه ايشان اشتباه رونده ترند راه را (٤٤) .

اَلَمْ تَرَ اِلٰى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ ۚ وَلَوْ شَاۗءَ لَجَعَلَهٗ سَاكِنًا ۚ ثُمَّ

آيا نديدى بسوى پروردگار خود كه چگـونـه دراز كـردسـايـه را[1] واگـر

---

(١) يعنى بعد اسفارقبل ازغروب آفتاب يادراوّل روز .

وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيْرًا ﴿٥٤﴾

ساخت آن را خویشاوند نسب وخویشاوند قرابت دامادی وهست پروردگارتوتوانا (٥٤) .

وَيَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلٰى رَبِّهٖ ظَهِيْرًا ﴿٥٥﴾

ومی پرستند بغیراز خداچیزی را که نفع ندهد بایشان وضررنه رساند بدیشان وهست کافر برمخالفت پروردگار خود پشت دهنده (٥٥) .

وَمَا اَرْسَلْنٰكَ اِلَّا مُبَشِّرًا وَّنَذِيْرًا ﴿٥٦﴾

ونه فرستادیم ترا مگر بشارت دهنده وبیم دهنده (٥٦) .

قُلْ مَا اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِلَّا مَنْ شَآءَ اَنْ يَّتَّخِذَ اِلٰى رَبِّهٖ سَبِيْلًا ﴿٥٧﴾

بگو نمی طلبم ازشما برتبلیغ قرآن هیچ مزدی لیکن هرکه خواهد که راه گیرد بسوی پروردگارخویش(گو بگیرد) (٥٧).

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِيْ لَا يَمُوْتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهٖ وَكَفٰى بِهٖ بِذُنُوْبِ عِبَادِهٖ خَبِيْرًا ﴿٥٨﴾

وتوکل کُن برآن زنده که هرگز نمیرد وبپاکی یادکن همراه ستایش او،وبس ست وی بگناهان بندگان خویش آگاه (٥٨) .

اَلَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمٰنُ فَسْـَٔلْ بِهٖ خَبِيْرًا ﴿٥٩﴾

آنکه بیافرید آسمانها وزمین وآنچه درمیان آنهاست درشش روز باز مستقرشد برعرش اوست بخشاینده پس بپرس ازحال وی دانائی را (٥٩) .

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمُ اسْجُدُوْا لِلرَّحْمٰنِ قَالُوْا وَمَا الرَّحْمٰنُ اَنَسْجُدُ لِمَا تَاْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُوْرًا ﴿٦٠﴾

وچون‌گفته میشود بکافران که سجده کنید رحمن راگویند چیست رحمن آیا سجده کنیم چیزی را که تومیفرمائی بما وزیاده کرداین سخن درحق ایشان رمیدن را (٦٠).

تَبٰرَكَ الَّذِيْ جَعَلَ فِي السَّمَآءِ بُرُوْجًا وَّجَعَلَ فِيْهَا سِرٰجًا وَّقَمَرًا مُّنِيْرًا ﴿٦١﴾

بزرگوارست آنکه بساخت درآسمان بُرجهارا وساخت درآن چراغ را (یعنی خورشید را) وساخت ماهِ روشنی دهنده را (٦١) .

خدا آمرزندهٔ مهربان (٧٠) .

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾

وهركه توبه كند وكارشائسته بجاآوردپس هرآئينه وى رجوع ميكند بخدا رجوع كردنى (٧١) .

وَالَّذِيْنَ لَا يَشْهَدُوْنَ الزُّوْرَ وَإِذَا مَرُّوْا بِاللَّغْوِ مَرُّوْا كِرَامًا ﴿٧٢﴾

وآنانكه گواهى دروغ نمى دهند وچون بگذرند بربيهوده بگذرند به روشِ بزرگان (٧٢) .

وَالَّذِيْنَ إِذَا ذُكِّرُوْا بِآيٰتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوْا عَلَيْهَا صُمًّا وَّعُمْيَانًا ﴿٧٣﴾

وآنانكه چون پندداده مى شود ايشان را بآياتِ پروردگار ايشان كرو كور نه افتند بشنيدن آن[1] (٧٣) .

وَالَّذِيْنَ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيّٰتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَّاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِيْنَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾

وآنانكه مى‌گويند اى پروردگارمابه بخش مارا اززنان ما وازفرزندانِ ما روشنيِ چشم وقرارده مارا پيشواى متقيان (٧٤) .

أُولٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوْا وَيُلَقَّوْنَ فِيْهَا تَحِيَّةً وَّسَلَامًا ﴿٧٥﴾

آن جماعت جزاداده شود ايشان را مقام بلند بخاطر آنكه صبر كردند، برخوردار كرده شوند درآن ايشان بدعاى خيروسلام (٧٥) .

خٰلِدِيْنَ فِيْهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَّمُقَامًا ﴿٧٦﴾

جاويدان آنجا، بهشت نيك آرامگاه ست ونيك مقام ست (٧٦) .

قُلْ مَا يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبِّيْ لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُوْنُ لِزَامًا ﴿٧٧﴾

بگو اعتنا نمى كند به شما پروردگار من اگرنباشد عبادتِ شما پس هرآئينه دروغ پنداشتيد پس البته باشد جزاى آن لازم (٧٧) .

سورة الشعراء

سوره شعراء مكى است وآن دوصد وبيست وهفت آيت ويازده ركوع است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

---

(١) يعنى بلكه ديده و شنيده سجده كنند .

هارون (١٣) .

وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْۢبٌ فَاَخَافُ اَنْ يَّقْتُلُوْنِ ﴿١٤﴾

وقوم فرعون را برمن‌گناهی ست پس می ترسم که بکشند مرا (١٤) .

قَالَ كَلَّا ۚ فَاذْهَبَا بِاٰيٰتِنَآ اِنَّا مَعَكُمْ مُّسْتَمِعُوْنَ ﴿١٥﴾

گفت چنین نه باشد پس هردوبروید بانشانه های ماهرآئینه ما باشما شنونده ایم (١٥) .

فَاْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُوْلَآ اِنَّا رَسُوْلُ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٦﴾

پس بیائید بفرعون پس بگوئید هرآئینه مافرستاده پروردگارعالمهائیم (١٦) .

اَنْ اَرْسِلْ مَعَنَا بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ﴿١٧﴾

باین پیغام که بفرست همراه ما بنی اسرائیل را (١٧) .

قَالَ اَلَمْ نُرَبِّكَ فِيْنَا وَلِيْدًا وَّلَبِثْتَ فِيْنَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِيْنَ ﴿١٨﴾

گفت ای موسیٰ آیا نپروراندیم ترادرمیان اهل خویش درحال طفلی وگذراندی درمیان ماازعمر خودسالها (١٨) .

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِيْ فَعَلْتَ وَاَنْتَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿١٩﴾

وکردی آن کردار خودرا که ازتو بعمل آمد و توازنا سپاسانی (١٩) .

قَالَ فَعَلْتُهَآ اِذًا وَّاَنَا مِنَ الضَّآلِّيْنَ ﴿٢٠﴾

گفت کردم آن کردار راآنگاه ومن از گمراهان بودم (٢٠) .

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِيْ رَبِّيْ حُكْمًا وَّجَعَلَنِيْ مِنَ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿٢١﴾

پس گریختم ازپیش شماچون بترسیدم ازعقوبتِ شماپس عطاکرد مرا پروردگار من دانش وساخت مرااز پیغمبران (٢١) .

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ اَنْ عَبَّدْتَّ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ﴿٢٢﴾

وآیااین نعمتی ست که منت می نهی برمن بندگرفتی بنی اسرائیل را[1] (٢٢) .

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٢٣﴾

گفت فرعون وچیست پروردگار عالمها (٢٣) .

قَالَ رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ اِنْ كُنْتُمْ مُّوْقِنِيْنَ ﴿٢٤﴾

گفت موسیٰ پروردگار آسمان ها وزمین

---

(١) یعنی بنده‌گرفتن بنی اسرائیل نعمت نبود پس همچنین پرورش کردن که بآن ضرورت بود نعمت نباشد .

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيْقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُوْمٍ ﴿٣٨﴾

پس جمع کرده شد ساحران بمیعادِ روز معیّن (۳۸) .

وَّقِيْلَ لِلنَّاسِ هَلْ اَنْتُمْ مُّجْتَمِعُوْنَ ﴿٣٩﴾

وگفته شد بمردمان آیاشما جمع شونده اید (۳۹) .

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ اِنْ كَانُوْا هُمُ الْغٰلِبِيْنَ ﴿٤٠﴾

بوَدکه ماپیرویِ ساحران کنیم اگرایشان غالب شوند (٤۰) .

فَلَمَّا جَآءَ السَّحَرَةُ قَالُوْا لِفِرْعَوْنَ اَئِنَّ لَنَا لَاَجْرًا اِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغٰلِبِيْنَ ﴿٤١﴾

پس چون حاضر شدندساحران گفتند فرعون را آیامارامزدی بُوَد اگرماغالب شویم (٤۱) .

قَالَ نَعَمْ وَاِنَّكُمْ اِذًا لَّمِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ ﴿٤٢﴾

گفت آری وهرآئینه شما آنگاه از مقربان باشید (٤۲) .

قَالَ لَهُمْ مُّوْسٰٓى اَلْقُوْا مَآ اَنْتُمْ مُّلْقُوْنَ ﴿٤٣﴾

گفت بایشان موسیٰ بافگنید آنچه شماافگننده اید (٤۳) .

فَاَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوْا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ اِنَّا لَنَحْنُ الْغٰلِبُوْنَ ﴿٤٤﴾

پس انداختند ریسمانهای خودرا وعصاهای خودرا گفتند قسم به بزرگی فرعون هرآئینه ماالبته غالبیم (٤٤) .

فَاَلْقٰى مُوْسٰى عَصَاهُ فَاِذَا هِىَ تَلْقَفُ مَا يَاْفِكُوْنَ ﴿٤٥﴾

پس انداخت موسیٰ عصای خودرا پس ناگهان وَی فرومی برد آنچه بی حقیقت به دروغ آورده بودند (٤۵) .

فَاُلْقِىَ السَّحَرَةُ سٰجِدِيْنَ ﴿٤٦﴾

پس انداخته شدند ساحران سجده کنان (٤٦) .

قَالُوْٓا اٰمَنَّا بِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٤٧﴾

گفتند ایمان آوردیم به پروردگار عالمها (٤۷) .

رَبِّ مُوْسٰى وَهٰرُوْنَ ﴿٤٨﴾

پروردگار موسیٰ وهارون (٤۸) .

قَالَ اٰمَنْتُمْ لَهٗ قَبْلَ اَنْ اٰذَنَ لَكُمْ اِنَّهٗ لَكَبِيْرُكُمُ الَّذِىْ عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ لَاُقَطِّعَنَّ اَيْدِيَكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَّلَاُوصَلِّبَنَّكُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿٤٩﴾

گفت فرعون آیاایمان آوردیدبموسیٰ پیش ازآنکه اجازت دَهَم شمارا هرآئینه وی رهبر شماست آنکه بیاموخت شماراجادو پس خواهید دانست البته بِبُرَم دستهای شمارا وپاهای شمارایکی ازجانب راست

قَالَ كَلَّآ إِنَّ مَعِيَ رَبِّيْ سَيَهْدِيْنِ ﴿٦٢﴾

گفت موسیٰ چنین نیست هرآئینه بامن پروردگارمنست راه خواهدنمودمرا (٦٢).

فَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوْسَىٰٓ أَنِ اضْرِبْ بِّعَصَاكَ الْبَحْرَ ۖ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيْمِ ﴿٦٣﴾

پس وحی فرستادیم بسوی موسیٰ که به عصای خودبزن دریارا پس دریابشگافت پس شدهرپاره مانند کوه بزرگ (٦٣).

وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخَرِيْنَ ﴿٦٤﴾

ونزدیك آوردیم آنجا آن دیگران را (٦٤).

وَأَنْجَيْنَا مُوْسَىٰ وَمَنْ مَّعَهٗٓ أَجْمَعِيْنَ ﴿٦٥﴾

وخلاص ساختیم موسیٰ راوآنان را که همراه وی بودند همه یك جا(٦٥).

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِيْنَ ﴿٦٦﴾

بازغرق ساختیم آن دیگران را (٦٦).

إِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٦٧﴾

هرآئینه درین ماجرا نشانه هست، ونبودند بیشترین ایشان مسلمانان (٦٧).

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿٦٨﴾

وهرآئینه پروردگار توهمان ست غالب مهربان (٦٨).

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرٰهِيْمَ ﴿٦٩﴾

وبخوان برایشان خبرابراهیم (٦٩).

إِذْ قَالَ لِأَبِيْهِ وَقَوْمِهٖ مَا تَعْبُدُوْنَ ﴿٧٠﴾

چون گفت به پدر خود و قوم خود چه چیزرامی پرستید (٧٠).

قَالُوْا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عٰكِفِيْنَ ﴿٧١﴾

گفتند می‌پرستیم بتان راپس می باشیم برایشان مجاورت کننده (٧١).

قَالَ هَلْ يَسْمَعُوْنَكُمْ إِذْ تَدْعُوْنَ ﴿٧٢﴾

گفت آیامی‌شنوند آواز شمارا چون می‌خوانید (٧٢).

أَوْ يَنْفَعُوْنَكُمْ أَوْ يَضُرُّوْنَ ﴿٧٣﴾

یاسودی رسانند بشما یازیان میدهند (٧٣).

قَالُوْا بَلْ وَجَدْنَآ آبَآءَنَا كَذٰلِكَ يَفْعَلُوْنَ ﴿٧٤﴾

گفتند نه بلکه یافتیم پدران خودرا که چنین می کردند (٧٤).

قَالَ أَفَرَءَيْتُمْ مَّا كُنْتُمْ تَعْبُدُوْنَ ﴿٧٥﴾

گفت آیادیدید آنچه می پرستیدید (٧٥).

أَنْتُمْ وَآبَآؤُكُمُ الْأَقْدَمُوْنَ ﴿٧٦﴾

شما و پدران پیشین شما (٧٦).

فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّيْٓ إِلَّا رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٧٧﴾

پس هر آئینه آنهادشمنان من اند مگر پروردگارعالمیان (٧٧).

الَّذِيْ خَلَقَنِيْ فَهُوَ يَهْدِيْنِ ﴿٧٨﴾

آنکه بیافریدمرا پس اوست که هدایت

پرستیدید (۹۲) .

مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ هَلْ يَنْصُرُوْنَكُمْ اَوْ يَنْتَصِرُوْنَ ﴿٩٣﴾

بجزخدا آیانصرت میدهند شمارا یاخودانتقام می کشند (۹۳) .

فَكُبْكِبُوْا فِيْهَا هُمْ وَالْغَاوٗنَ ﴿٩٤﴾

پس بررو انداخته شوند درآنجابتان و گمراهان (۹٤) .

وَجُنُوْدُ اِبْلِيْسَ اَجْمَعُوْنَ ﴿٩٥﴾

ولشکر های شیطان همه یك جا (۹۵) .

قَالُوْا وَهُمْ فِيْهَا يَخْتَصِمُوْنَ ﴿٩٦﴾

گویندودرحالیکه ایشان درآنجابایك دیگر مکابره می کنند (۹٦) .

تَاللّٰهِ اِنْ كُنَّا لَفِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٩٧﴾

قسم بخداهرآئینه مابودیم در گمراهی ظاهر (۹۷) .

اِذْ نُسَوِّيْكُمْ بِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٩٨﴾

چون برابرمی ساختیم شمارا باپروردگار عالمها (۹۸) .

وَمَآ اَضَلَّنَآ اِلَّا الْمُجْرِمُوْنَ ﴿٩٩﴾

و گمراه نکردند مارا مگر این بدکاران (۹۹) .

فَمَا لَنَا مِنْ شٰفِعِيْنَ ﴿١٠٠﴾

پس نیست ماراهیچ شفاعت کننده (۱۰۰) .

وَلَا صَدِيْقٍ حَمِيْمٍ ﴿١٠١﴾

ونه دوست مهربان (۱۰۱) .

فَلَوْ اَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١٠٢﴾

پس کاش مارایکبار رجوع باشد پس شویم از مسلمانان (۱۰۲) .

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٠٣﴾

هرآئینه درین ماجرا نشانه هست، ونیستند بیشترین ایشان مسلمانان (۱۰۳) .

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿١٠٤﴾

وهرآئینه پروردگار توهمان ست غالب مهربان (۱۰٤) .

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوْحِ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿١٠٥﴾

دروغگو شمردند قوم نوح پیغامبران را (۱۰۵) .

اِذْ قَالَ لَهُمْ اَخُوْهُمْ نُوْحٌ اَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿١٠٦﴾

چون‌گفت بایشان برادرایشان نوح آیانمی ترسید (۱۰٦) .

اِنِّيْ لَكُمْ رَسُوْلٌ اَمِيْنٌ ﴿١٠٧﴾

هرآئینه من برای شما پیغامبر باامانتم (۱۰۷).

اکثرایشان مسلمانان (۱۲۱) .

وَ اِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿١٢٢﴾ وهرآئینه پروردگار توهمان ست غالب مهربان (۱۲۲) .

كَذَّبَتْ عَادُ ِالْمُرْسَلِيْنَ ﴿١٢٣﴾ دروغگو پنداشتند قبیلهٔ عاد پیغمبران را (۱۲۳) .

اِذْ قَالَ لَهُمْ اَخُوْهُمْ هُوْدٌ اَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿١٢٤﴾ چون‌گفت بایشان برادرایشان هود آیانمی ترسید (۱۲٤) .

اِنِّيْ لَكُمْ رَسُوْلٌ اَمِيْنٌ ﴿١٢٥﴾ هرآئینه من برای شما پیغامبر باامانتم (۱۲۵) .

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ اَطِيْعُوْنِ ﴿١٢٦﴾ پس بترسید ازخداو فرمانبرداریِ من کنید (۱۲٦) .

وَ مَآ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٢٧﴾ وسوال نمی کنم ازشمابرتبلیغ رسالت هیچ مزدی، نیست مزدمن مگر برپروردگار عالمها (۱۲۷) .

اَتَبْنُوْنَ بِكُلِّ رِيْعٍ اٰيَةً تَعْبَثُوْنَ ﴿١٢٨﴾ آیامی سازید بهر بلندی علامتی بی فائده (۱۲۸) .

وَ تَتَّخِذُوْنَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُوْنَ ﴿١٢٩﴾ ومی سازید محلهای استوار گویاجاوید خواهید ماند (۱۲۹) .

وَاِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِيْنَ ﴿١٣٠﴾ وچون دست می‌گشائید، دست می‌گشائید ستمگار شده (۱۳۰) .

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ اَطِيْعُوْنِ ﴿١٣١﴾ پس بترسید ازخدا وفرمانبرداری من کنید (۱۳۱) .

وَاتَّقُوا الَّذِيْٓ اَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُوْنَ ﴿١٣٢﴾ وبترسید ازکسیکه امداد کرد شمارابآنچه دانید (۱۳۲) .

اَمَدَّكُمْ بِاَنْعَامٍ وَّ بَنِيْنَ ﴿١٣٣﴾ امداد کرده است شمارا بچهار پایان و فرزندان (۱۳۳) .

وَجَنّٰتٍ وَّ عُيُوْنٍ ﴿١٣٤﴾ وبوستانها وچشمه ها (۱۳٤) .

اِنِّيْٓ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿١٣٥﴾ هرآئینه من می ترسم برشماازعذاب روز

وَتَنْحِتُوْنَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوْتًا فٰرِهِيْنَ ﴿١٤٩﴾

ومی تراشید ازکوه ها خانه های ماهرانه (۱٤۹) .

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿١٥٠﴾

پس بترسید ازخدا فرمانبرداری من کنید (۱۵۰) .

وَلَا تُطِيْعُوْٓا اَمْرَ الْمُسْرِفِيْنَ ﴿١٥١﴾

واطاعت مَکُنِید فرمانِ ازحد گذرندگانرا (۱۵۱) .

الَّذِيْنَ يُفْسِدُوْنَ فِى الْاَرْضِ وَلَا يُصْلِحُوْنَ ﴿١٥٢﴾

آنانکه فسادمی کنند درزمین واصلاح نمی نمایند (۱۵۲) .

قَالُوْٓا اِنَّمَآ اَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِيْنَ ﴿١٥٣﴾

گفتند جزاین نیست که توازجادوشدگانی (۱۵۳) .

مَآ اَنْتَ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَاِنْ نَّظُنُّكَ لَمِنَ الْكٰذِبِيْنَ ﴿١٥٤﴾

نیستی تو مگر آدمی مانند ما پس بیار نشانه ای اگراز راست‌گویانی (۱۵٤) .

قَالَ هٰذِهٖ نَاقَةٌ لَّهَا شِرْبٌ وَّلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُوْمٍ ﴿١٥٥﴾

گفت این ماده شتریست وی را یك نوبت آب خوردن ست وشمارانوبت روز معین (۱۵۵) .

وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْٓءٍ فَيَاْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿١٥٦﴾

ودست مرسانیداورابعقوبت که آنگاه دربرگیرد شمارا عذابِ روزِ بزرگ (۱۵٦).

فَعَقَرُوْهَا فَاَصْبَحُوْا نٰدِمِيْنَ ﴿١٥٧﴾

پس پی زدند آنرا پس گشتند پشیمان (۱۵۷) .

فَاَخَذَهُمُ الْعَذَابُ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٥٨﴾

پس دگرفت ایشان را عذاب هرآئینه درین ماجرانشانه هست، و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان (۱۵۸) .

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿١٥٩﴾

وهرآئینه پروردگار توهمان ست غالب مهربان (۱۵۹) .

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوْطِ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿١٦٠﴾

دروغگو شمردند قوم لوط پیغامبران را (۱٦۰) .

اِذْ قَالَ لَهُمْ اَخُوْهُمْ لُوْطٌ اَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿١٦١﴾

چون‌گفت بایشان برادرایشان لوط آیانمی ترسید (۱٦۱) .

مهربان (۱۷۵) .

كَذَّبَ اَصْحٰبُ لْـَٔيْكَةِ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿١٧٦﴾

دروغگو شمردند باشندگانِ آیکه پیغامبران را (۱۷٦) .

اِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ اَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿١٧٧﴾

چون گفت بایشان شعیب آیانمی ترسید (۱۷۷) .

اِنِّيْ لَكُمْ رَسُوْلٌ اَمِيْنٌ ﴿١٧٨﴾

هرآئینه من برای شما پیغامبرباامانتم (۱۷۸) .

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿١٧٩﴾

پس بترسید ازخداوفرمان من برید (۱۷۹) .

وَمَآ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ ۚ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٨٠﴾

وسوال نمی کنم ازشما برتبلیغ رسالت هیچ مزدی، نیست مزدِمن مگربر پروردگار عالمها (۱۸۰) .

اَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُوْنُوْا مِنَ الْمُخْسِرِيْنَ ﴿١٨١﴾

تمام پیمائید پیمانه را ومباشید از زیان دهندگان (۱۸۱) .

وَزِنُوْا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيْمِ ﴿١٨٢﴾

وبسنجید به ترازوی راست (۱۸۲) .

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ اَشْيَآءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ ﴿١٨٣﴾

وناقص ندهید بمردمان اشیای ایشان را وبیباك مگردید درزمین فسادکنان (۱۸۳) .

وَاتَّقُوا الَّذِيْ خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْاَوَّلِيْنَ ﴿١٨٤﴾

وبترسید ازخدا که آفرید شمارا وخلایق نخستینیان را (۱۸٤) .

قَالُوْٓا اِنَّمَآ اَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِيْنَ ﴿١٨٥﴾

گفتند جزاین نیست که توازجادو شدگانی (۱۸۵) .

وَمَآ اَنْتَ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَاِنْ نَّظُنُّكَ لَمِنَ الْكٰذِبِيْنَ ﴿١٨٦﴾

ونیستی تومگر آدمی مانندماوهرآئینه می‌پنداریم ترااز‌دروغگویان (۱۸٦) .

فَاَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِّنَ السَّمَآءِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿١٨٧﴾

پس بافگن برما پاره ای ازآسمان اگرازراستگویانی (۱۸۷) .

قَالَ رَبِّيْٓ اَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿١٨٨﴾

گفت پروردگار من داناترست بآنچه می کنید (۱۸۸) .

فَكَذَّبُوْهُ فَاَخَذَهُمْ

پس دروغگو پنداشتند اوراپس گرفتار

خبرباشند (٢٠٢) .

فَيَقُوْلُوْا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُوْنَ ﴿٢٠٣﴾ پس‌گویند آیا مهلت داده میشویم (٢٠٣).

اَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُوْنَ ﴿٢٠٤﴾ آیاعذابِ مارا بشتاب می طلبند (٢٠٤) .

اَفَرَءَيْتَ اِنْ مَّتَّعْنٰهُمْ سِنِيْنَ ﴿٢٠٥﴾ آیادیدی که اگر بهره مندسازیم ایشان را سالها (٢٠٥) .

ثُمَّ جَآءَهُمْ مَّا كَانُوْا يُوْعَدُوْنَ ﴿٢٠٦﴾ بازبیایدبدیشان آنچه ترسانیده می شدند (٢٠٦) .

مَآ اَغْنٰى عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يُمَتَّعُوْنَ ﴿٢٠٧﴾ چه چیز را دفع کند ازسرایشان بهره مند بودن ایشان (٢٠٧) .

وَمَآ اَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ اِلَّا لَهَا مُنْذِرُوْنَ ﴿٢٠٨﴾ وهلاك نه کردیم هیچ دهی را الّا اورا بیم کنندگان بودند (٢٠٨) .

ذِكْرٰى ۛ وَمَا كُنَّا ظٰلِمِيْنَ ﴿٢٠٩﴾ بجهتِ پنددادن ونبودیم ستمگار (٢٠٩).

وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيٰطِيْنُ ﴿٢١٠﴾ وفرود نیاوردند قرآن را شیطانان (٢١٠).

وَمَا يَنْۢبَغِيْ لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيْعُوْنَ ﴿٢١١﴾ وسزاوارنیست ایشان را ونمی توانند (٢١١) .

اِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُوْلُوْنَ ﴿٢١٢﴾ هرآئینه شیطانان از شنیدن دُور کردگانند[1] (٢١٢) .

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ فَتَكُوْنَ مِنَ الْمُعَذَّبِيْنَ ﴿٢١٣﴾ پس مخوان باخدامعبوددیگررا آنگاه باشی ازعذاب کردگان (٢١٣) .

وَاَنْذِرْ عَشِيْرَتَكَ الْاَقْرَبِيْنَ ﴿٢١٤﴾ وبترسان خویشاوندان نزدیكِ خودرا (٢١٤) .

وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٢١٥﴾ وپست کُن بازوی خودرا[2] برای آنانکه پیروی توکردند ازمسلمانان (٢١٥) .

فَاِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ اِنِّيْ بَرِيْٓءٌ مِّمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿٢١٦﴾ پس اگر نافرمانی کنند تراپس بگو

---

(١) یعنی ازشنیدنِ کلام ملائکه .

(٢) یعنی تواضع کن .

سُوْرَةُ النَّمْلِ

سوره نمل مکی است وان نودوسه آیت وهفت رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

طٰسٓ تِلْكَ اٰيٰتُ الْقُرْاٰنِ وَكِتَابٍ مُّبِيْنٍ ۝١

طسّ . این ها آیاتِ قرآن وکتاب روشن ست (١) .

هُدًى وَّبُشْرٰى لِلْمُؤْمِنِيْنَ ۝٢

هدایت ومژده است برای مسلمانان (٢) .

الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُوْنَ ۝٣

آنانکه برپامیدارند نمازرا ومی دهند زکوٰة را وایشان بآخرت یقین می آرند (٣) .

اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ اَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُوْنَ ۝٤

آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت آراسته کردیم برای ایشان کردارهای ایشان را پس ایشان سرگردان می شوند (٤) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَهُمْ سُوْٓءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِى الْاٰخِرَةِ هُمُ الْاَخْسَرُوْنَ ۝٥

این جماعت آنانندکه برای ایشان ست سختیِ عذاب واین جماعت درآخرت ایشانند زیان کارتر (٥) .

وَاِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْاٰنَ مِنْ لَّدُنْ حَكِيْمٍ عَلِيْمٍ ۝٦

وهرآئینه توداده می شوی قرآن ازنزدِ خدای استوارکار دانا (٦) .

اِذْ قَالَ مُوْسٰى لِاَهْلِهٖٓ اِنِّىْٓ اٰنَسْتُ نَارًا سَاٰتِيْكُمْ مِّنْهَا بِخَبَرٍ اَوْ اٰتِيْكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُوْنَ ۝٧

یادکُن آنگاه که‌گفت موسیٰ باهل خودهر آئینه من دیده ام آتشی خواهم آورد برای شماازآن خبری یا خواهم آورد برایتان شعله ای که درآخگری فراگرفته، باشد که‌شماگرمی حاصل کنید (٧) .

فَلَمَّا جَآءَهَا نُوْدِىَ اَنْۢ بُوْرِكَ مَنْ فِى النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا ۭ وَسُبْحٰنَ اللّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝٨

پس چون رسیدبآتش نداداده شدبه او که برکت داده شد کسی را که درآتش ست وکسی را که حوالی وی ست وپاکی خدای راست پروردگارعالمها[1] (٨) .

---

(١) مترجم‌گوید کسیکه درآتش ست ملائکه که درآن نورمصوربصورت آتش بودند ملائکهٔ دیگر که فرود تر ازایشان بودند والله اعلم .

وَحُشِرَ لِسُلَيْمٰنَ جُنُوْدُهٗ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوْزَعُوْنَ ﴿١٧﴾

وگِردآورده شد برای سلیمان لشکر های اواز جـن وآدمیـان ومُـرغـان پـس ایـن جمـاعـت بعضـی راتـارسیـدن بعضـی دیگرایستاده کرده می شدند (۱۷) .

حَتّٰٓى اِذَآ اَتَوْا عَلٰى وَادِ النَّمْلِ ۙ قَالَتْ نَمْلَةٌ يّٰٓاَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوْا مَسٰكِنَكُمْ ۚ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمٰنُ وَجُنُوْدُهٗ ۙ وَهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ﴿١٨﴾

تاوقتیکه چون رسیدند بمیدان موران‌گفت مورچه ای مورچگان درآئید بخانه های خـود تـادرهـم نشکنـد شمـارا سلیمـان ولشکرهای اونادانسته (۱۸) .

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِيْٓ اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِيْٓ اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَاَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا تَّرْضٰىهُ وَاَدْخِلْنِيْ بِرَحْمَتِكَ فِيْ عِبَادِكَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿١٩﴾

پس خندان تبسم کرد ازگفتارمورچه‌گفت ای پروردگارمن الهام کن مراکه شکراین نعمت توکنم که انعام کرده ای برمن وبرپدرومادرِ من والهام کن مرا که بجاآرم کردارِ شائسته که خشنودشوی بآن ودرآرمرا برحمتِ خود درزمرهٔ بندگانِ شائسته خویش (۱۹) .

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَآ اَرَى الْهُدْهُدَ ۖ اَمْ كَانَ مِنَ الْغَآئِبِيْنَ ﴿٢٠﴾

وبازجست احوال مرغان پس‌گفت چیست مرا که نمی بینم هدهد را یاهست ازغائب شدگان (۲۰) .

لَاُعَذِّبَنَّهٗ عَذَابًا شَدِيْدًا اَوْ لَاَاْذْبَحَنَّهٗٓ اَوْ لَيَاْتِيَنِّيْ بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿٢١﴾

هرآئینه عقوبت کنم اورا عقوبت سخت یـاالبتـه ذبـح کنـم اورایـاایـن ست کـه بیاردپیش من حجت ظاهر (۲۱) .

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيْدٍ فَقَالَ اَحَطْتُّ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهٖ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَاٍ بِنَبَاٍ يَّقِيْنٍ ﴿٢٢﴾

پس توقف کرد نه چندان دِیر پس‌گفت درگرفتم بچیزی که درنه‌گرفته ای بآن وآورده ام پیش توازقبیلهٔ سبا خبریقین را (۲۲) .

اِنِّيْ وَجَدْتُّ امْرَاَةً تَمْلِكُهُمْ وَاُوْتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَّلَهَا عَرْشٌ عَظِيْمٌ ﴿٢٣﴾

هرآئینه من یافتم که زنی پادشاهی میکند برایشان وداده شده است اورا ازهرنعمتی واورا تختی ست بزرگ (۲۳) .

وَجَدْتُّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُوْنَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ

یافتم که او وقوم او سجده می کنند

بسوی تُست پس درنگر چه چیزمی فرمائی (۳۳) .

قَالَتْ اِنَّ الْمُلُوْكَ اِذَا دَخَلُوْا قَرْيَةً اَفْسَدُوْهَا وَجَعَلُوْٓا اَعِزَّةَ اَهْلِهَآ اَذِلَّةً ۚ وَكَذٰلِكَ يَفْعَلُوْنَ ﴿٣٤﴾

گفت هرآئینه پادشاهان چون درآیند بدهی خراب کنند آنرا وسازند عزیزان اهل آن را رسوایان وهمچنین می کنند (۳٤) .

وَاِنِّيْ مُرْسِلَةٌ اِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنٰظِرَةٌۢ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُوْنَ ﴿٣٥﴾

وهرآئینه من فرستنده ام بسوی ایشان تحفه ای پس بیننده ام به چه چیز بازمی آیند فرستادگان (۳۵) .

فَلَمَّا جَآءَ سُلَيْمٰنَ قَالَ اَتُمِدُّوْنَنِ بِمَالٍ فَمَآ اٰتٰىنِيَ اللّٰهُ خَيْرٌ مِّمَّآ اٰتٰىكُمْ ۚ بَلْ اَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُوْنَ ﴿٣٦﴾

پس چون آمد آن فرستاده پیش سلیمان گفت سلیمان آیاامداد می‌کنید مرابمالی پس آنچه عطا کرده ست مرا خدای‌تعالی بهترست ازآنچه عطا کرده است شمارا بلکه شما بتحفهٔ خویش شادمان می شوید (۳٦) .

اِرْجِعْ اِلَيْهِمْ فَلَنَاْتِيَنَّهُمْ بِجُنُوْدٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِّنْهَآ اَذِلَّةً وَّهُمْ صٰغِرُوْنَ ﴿٣٧﴾

بازرَوبسوی ایشان پس هرآئینه بیاییم برایشان بالشکر هائی که طاقت نباشد ایشان را بمقابلهٔ آن وهرآئینه بیرون کنیم ایشـان را ازدِه رسـواشـدگـان وایشـان خوارباشند(۳۷) .

قَالَ يٰٓاَيُّهَا الْمَلَؤُا اَيُّكُمْ يَاْتِيْنِيْ بِعَرْشِهَا قَبْلَ اَنْ يَّاْتُوْنِيْ مُسْلِمِيْنَ ﴿٣٨﴾

گفـت[1]سلیمـان ای عـزیـزان کـدام یـك ازشمامی آردپیش من تخت اوراپیش ازآن که بیایند نزدِ من مسلمان شده (۳۸) .

قَالَ عِفْرِيْتٌ مِّنَ الْجِنِّ اَنَا اٰتِيْكَ بِهٖ قَبْلَ اَنْ تَقُوْمَ مِنْ مَّقَامِكَ ۚ وَاِنِّيْ عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ اَمِيْنٌ ﴿٣٩﴾

گفت تهَمتَنی ازجن من بیارمش نزدِ تو پیش ازآنکه برخیزی ازجای خود وهرآئینه من برآن عرش توانای باامانتم (۳۹) .

---

(۱) مترجم گوید سلیمان علیه السلام خواست که بلقیس را معجزه نماید وعقل وجمال اورا ادراك فرماید .

وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِّنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٤﴾

چون بدیدآنرا پنداشتش حوض آب وجامه برداشت ازدوساق خود گفت سلیمان این کوشکی ست بی نقش درخشان ساخته شده ازشیشه‌گفت (بلقیس) ای پروردگار من هرآئینه من ستم کرده ام برخویش واسلام آوردم همراه سلیمان برای خدا پروردگارعالمها (٤٤) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾

وهرآئینه فرستادیم بسوی ثمود برادرایشان صالح را که عبادت کنید خدای را پس ناگهان آن قوم دوگروه شدند بایکدیگر خصومت می نمودند (٤٥) .

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾

گفت صالح ای قوم من چراشتابان طلب می کنید سختی را پیش از راحتی چرا طلب آمرزش نمی کنید ازخدا بُوَد که رحم کرده شود برشما (٤٦) .

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ﴿٤٧﴾

گفتند شگون بد گرفتیم ازتوو ازآنانکه همراه تواند گفت شگون بدشما نزدِ خداست[1] بلکه شما قومی هستید که امتحان کرده می شوید (٤٧) .

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤٨﴾

و بودند درآن شهر نُه‌گروهك که فساد می کردند درزمین واصلاح نمی‌نمودند (٤٨) .

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٤٩﴾

گفتند بایك دیگر قسم خداخورده که البته شبیخون زنیم برصالح واهل خانه او باز البته خواهیم گفت وارث اوراحاضر نه

---

(١) یعنی مصائب بروفق تقدیر الهی جاری میشود .

اَمَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَاَنْزَلَ لَكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَنْۢبَتْنَا بِهٖ حَدَآئِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ ۚ مَا كَانَ لَكُمْ اَنْ تُنْۢبِتُوْا شَجَرَهَا ۗ اَءِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَّعْدِلُوْنَ ۝٦٠

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه بیافرید آسمانها و زمین را و فرودآورد برای شماازآسمان آب پس رویانیدیم به سبب آن بوستانها راباتازگی ممکن نه بود شمارا که برویانیددرخت های آن را آیا معبودی هست با خدا بلکه ایشان‌گروهی اند که کج میروند (٦٠) .

اَمَّنْ جَعَلَ الْاَرْضَ قَرَارًا وَّجَعَلَ خِلٰلَهَآ اَنْهٰرًا وَّجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۗ اَءِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ۚ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝٦١

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه ساخت زمین را قرارگاه وپیداکرد درمیان زمین جویهاوبیافرید برای زمین کوه ها وبیافرید میان دودریا حجاب را آیامعبودی دیگر هست باخدابلکه بیشترین ایشان نمی دانند (٦١) .

اَمَّنْ يُّجِيْبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوْٓءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَآءَ الْاَرْضِ ۗ اَءِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ۚ قَلِيْلًا مَّا تَذَكَّرُوْنَ ۝٦٢

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه قبول می کند درمانده را چون بخواندش وبرداردسختی را وبسازد شمارا جانشین نخستینیان درزمین آیامعبودی دیگر هست باخدا اندکی پندمی پذیرید (٦٢) .

اَمَّنْ يَّهْدِيْكُمْ فِيْ ظُلُمٰتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُّرْسِلُ الرِّيٰحَ بُشْرًا ۢ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهٖ ۗ اَءِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ۚ تَعٰلَى اللّٰهُ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ۝٦٣

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه راه می نماید شمارا درتاریکی های بیابان و دریا ومی فرستد باد هارا مژده دهنده پیش دستِ رحمت خود آیا معبودی هست باخدا برترست خدا ازآنکه شریك می گیرند (٦٣) .

اَمَّنْ يَّبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ وَمَنْ يَّرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ ۗ اَءِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ۚ قُلْ هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۝٦٤

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه نوپیدا می کند آفرینش بازدگرباربازگرداندش وکیست آنکه روزی می دهد شمارا ازآسمان و زمین آیا معبودی هست باخدا بگو بیارید حجت خودرا اگرراست

وَاِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُوْرُهُمْ وَمَا يُعْلِنُوْنَ ﴿٧٤﴾

وهرآئینه پروردگارتومیداند آنچه پنهان می کنند سینه های ایشان وآنچه ظاهر می نمایند (٧٤) .

وَمَا مِنْ غَآئِبَةٍ فِى السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ اِلَّا فِىْ كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ ﴿٧٥﴾

ونیست هیچ پوشیده درآسمان وزمین مگر نوشته است درکتاب روشن (٧٥) .

اِنَّ هٰذَا الْقُرْاٰنَ يَقُصُّ عَلٰى بَنِىْٓ اِسْرَآءِيْلَ اَكْثَرَ الَّذِىْ هُمْ فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿٧٦﴾

هرآئینه این قرآن بیان می کند پیش بنی اسرائیل بیشتر آنچه ایشان درآن اختلاف می کنند (٧٦) .

وَاِنَّهٗ لَهُدًى وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٧٧﴾

وهرآئینه وی هدایت ورحمت است مسلمانان را (٧٧) .

اِنَّ رَبَّكَ يَقْضِىْ بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهٖ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْعَلِيْمُ ﴿٧٨﴾

هرآئینه پروردگار توفیصله کند میان ایشان بحکم خود واوست غالب دانا (٧٨) .

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ اِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِيْنِ ﴿٧٩﴾

پس توکل کن برخداهرآئینه تو بردین راست روشن هستی (٧٩) .

اِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتٰى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَآءَ اِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِيْنَ ﴿٨٠﴾

هرآئینه تونمی توانی شُنُوانید مردگان را ونمی توانی شنوانیدن کران را آواز وقتیکه روبگردانند پشت داده (٨٠) .

وَمَآ اَنْتَ بِهٰدِى الْعُمْىِ عَنْ ضَلٰلَتِهِمْ اِنْ تُسْمِعُ اِلَّا مَنْ يُّؤْمِنُ بِاٰيٰتِنَا فَهُمْ مُّسْلِمُوْنَ ﴿٨١﴾

ونیستی توراه نمایندهٔ کوران تابازآیندازگمراهی خویش نمی شنوانی مگر کسی را که ایمان آورده است بآیت های ماپس این جماعت‌گردن نهندگانند (٨١) .

وَاِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ اَخْرَجْنَا لَهُمْ دَآبَّةً مِّنَ الْاَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ اَنَّ النَّاسَ كَانُوْا بِاٰيٰتِنَا لَا يُوْقِنُوْنَ ﴿٨٢﴾

وچون متحقق شود وعدهٔ عذاب برایشان بیرون آریم برای ایشان جانوری اززمین که سخن‌گوید بایشان بسبب آنکه مردمان بآیاتِ مایقین نمی آوردند(٨٢) .

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُّكَذِّبُ بِاٰيٰتِنَا فَهُمْ يُوْزَعُوْنَ ﴿٨٣﴾

وآن روزکه برانگیزیم ازهرامتی طائفه ای را ازآنانکه دروغ می شمردند آیات مارا پس ازایشان بعضی را تارسیدنِ بعض

كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩١﴾

(یعنی مکه) آنکه محترم ساخت آنراو بتصرّف اوست هر چیز، وفرموده شدمرا که باشم از مسلمانان (۹۱) .

وَأَنْ أَتْلُوَا الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنْذِرِينَ ﴿٩٢﴾

وفرموده شدآنکه بخوانم قرآن راپس هرکه راه یافت پس جزاین نیست که راه می یابدبرای نفع خویشتن وهرکه گمراه شد بگو جزاین نیست که من ازبیم کنندگانم (۹۲) .

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

وبگوستایش خدای راست خواهد نمود شمارا آیاتِ خود پس بشناسید آنهارا ونیست پروردگارتو بی خبر ازآنچه می‌کنید (۹۳) .

سُورَةُ القَصَصِ

سورهٔ قصص مکی است وآن هشتادوهشت آیت ونُه رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

طسم ﴿١﴾

طسّمّ (۱) .

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾

این آیت های کتاب روشن است (۲) .

نَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَإِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣﴾

بخوانیم برتو بعض خبر موسیٰ وفرعون به راستی برای گروهی که باورمیدارند (۳) .

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٤﴾

هرآئینه فرعون تکبرکرد درزمین وساخت اهل آن را گروه گروه زبون می گرفت جماعتی را ازایشان، می کُشت پسران ایشان را وزنده می‌گذاشت دختران ایشان را هرآئینه وی بود از مفسدان (٤) .

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿٥﴾

ومی خواستیم که نعمت فراوان دهیم برآنان که زبون گرفته شدند درزمین وپیشواسازیم ایشان را و وارث کنیم

اَهْلِ بَيْتٍ يَّكْفُلُوْنَهٗ لَكُمْ وَهُمْ لَهٗ نٰصِحُوْنَ ﴿١٢﴾

ازوصول خواهر پس خواهرش‌گفت آیاراه نمایم شمارا براهل خانه ای که خبرداری این طفل کنند برای شماوایشان برای اونیك خواهانند (١٢) .

فَرَدَدْنٰهُ اِلٰٓى اُمِّهٖ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ اَنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَّلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٣﴾

پس بازگردانیدیم اورا بسوی مادراو تاخنك شود چشم وی واندوه نخورد وتابداند که وعده خدا راست ست ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند (١٣) .

وَلَمَّا بَلَغَ اَشُدَّهٗ وَاسْتَوٰٓى اٰتَيْنٰهُ حُكْمًا وَّعِلْمًا ۭ وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ ﴿١٤﴾

وچون رسید بنهایت جوانی خود ودرست اندام شد دادیم اورا حکمت ودانش وهمچنین جزامی دهیم نیکوکاران را (١٤) .

وَدَخَلَ الْمَدِيْنَةَ عَلٰي حِيْنِ غَفْلَةٍ مِّنْ اَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيْهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلٰنِ ۡ هٰذَا مِنْ شِيْعَتِهٖ وَهٰذَا مِنْ عَدُوِّهٖ ۚ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِيْ مِنْ شِيْعَتِهٖ عَلَي الَّذِيْ مِنْ عَدُوِّهٖ ۙ فَوَكَزَهٗ مُوْسٰى فَقَضٰى عَلَيْهِ ۡ قَالَ هٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطٰنِ ۭ اِنَّهٗ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِيْنٌ ﴿١٥﴾

ودرآمد در شهر بروقت بیخبری اهل آن پس یافت آنجا دوشخص که بایکدیگر جنگ می کردند آن یك ازقوم موسیٰ بود و آن دیگر ازدشمنان وی پس مدد طلب کرد شخصی که ازقوم اوبود برآن دیگر که ازدشمنانش بود پس مشت زد او را موسیٰ پس بکشتش‌گفت این ازکارِ شیطان ست هرآئینه شیطان دشمن‌گمراه کنندهٔ آشکاراست (١٥) .

قَالَ رَبِّ اِنِّيْ ظَلَمْتُ نَفْسِيْ فَاغْفِرْ لِيْ فَغَفَرَ لَهٗ ۭ اِنَّهٗ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ﴿١٦﴾

گفت ای پروردگارمن هرآئینه من ستم کردم برخویش پس بیامرزمرا پس بیامرزیدش هرآئینه وی آمرزندهٔ مهربان ست (١٦) .

قَالَ رَبِّ بِمَآ اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ اَكُوْنَ ظَهِيْرًا لِّلْمُجْرِمِيْنَ ﴿١٧﴾

گفت ای پروردگارمن بحق انعام کردنِ تو برمن هرگز نخواهم بُود مددگار گنهگاران (١٧) .

فَاَصْبَحَ فِي الْمَدِيْنَةِ خَاۗىِٕفًا يَّتَرَقَّبُ فَاِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهٗ

پس‌گشت کرد درشهر ترسان انتظار کنان

يَسْقُوْنَ ۖ وَوَجَدَ مِنْ دُوْنِهِمُ امْرَاَتَيْنِ تَذُوْدٰنِ ۚ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا ۖ قَالَتَا لَا نَسْقِيْ حَتّٰى يُصْدِرَ الرِّعَآءُ ۗ وَاَبُوْنَا شَيْخٌ كَبِيْرٌ ﴿٢٣﴾

مواشی را ویافت آن طرف ازایشان دوزن که باز میدارند مواشی خودراگفت موسیٰ بآن دوزن چیست حال شماگفتند ماآب نمی نوشانیم تاآنکه باز گردانند شبانان مواشی را وپدرما پیرکلان سال ست (٢٣).

فَسَقٰى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلّٰٓى اِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ اِنِّيْ لِمَآ اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيْرٌ ﴿٢٤﴾

پس موسیٰ آب نوشانیدبرای این هر دوبازروآورد بسوی سایه پس گفت ای پروردگارمن هرآئینه من بآنچه فرود آوردی بسوی من ازنعمت محتاجم (٢٤).

فَجَآءَتْهُ اِحْدٰىهُمَا تَمْشِيْ عَلَى اسْتِحْيَآءٍ ۖ قَالَتْ اِنَّ اَبِيْ يَدْعُوْكَ لِيَجْزِيَكَ اَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا ۗ فَلَمَّا جَآءَهٗ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ ۙ قَالَ لَا تَخَفْ ۖ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٢٥﴾

پس آمد بموسیٰ یکی ازین دوزن راه میرفت بشرم‌گفت هرآئینه پدرمن میخواند ترا تابتودهد مزدِ آنکه آب دادی برای ماپس چون موسیٰ بیامد نزداو وحکایت کرد پیش او قصّه راگفت مترس خلاص شدی ازقومِ ستمگاران (٢٥) .

قَالَتْ اِحْدٰىهُمَا يٰٓاَبَتِ اسْتَاْجِرْهُ ۖ اِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَاْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْاَمِيْنُ ﴿٢٦﴾

گفت یکی ازین دو دختر ای پدرمن بخدمت بگیراورا هرآئینه بهترین کسیکه بخدمت گیری شخصی توانا باامانت باشد (٢٦) .

قَالَ اِنِّيْٓ اُرِيْدُ اَنْ اُنْكِحَكَ اِحْدَى ابْنَتَيَّ هٰتَيْنِ عَلٰٓى اَنْ تَاْجُرَنِيْ ثَمٰنِيَ حِجَجٍ ۖ فَاِنْ اَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ ۚ وَمَآ اُرِيْدُ اَنْ اَشُقَّ عَلَيْكَ ۚ سَتَجِدُنِيْٓ اِنْ شَآءَ اللّٰهُ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿٢٧﴾

گفت هرآئینه من میخواهم که بزنی بدهم ترایکی ازین دو دخترِ خود بشرط آنکه خدمت من کنی هشت سال پس اگرتمام کنی ده سال را پس آن تبرّع است اززنزدِ تو ونمی خواهم که مشقت افگنم برتو خواهی یافت مرا اگرخداخواسته است ازشائستگان(٢٧) .

قَالَ ذٰلِكَ بَيْنِيْ وَبَيْنَكَ ۖ اَيَّمَا الْاَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ ۖ وَاللّٰهُ عَلٰى مَا نَقُوْلُ وَكِيْلٌ ﴿٢٨﴾

گفت موسیٰ این ست عهد میان من ومیان تو هرکدام ازین دومدّت که اداکنم تعدی نباشد برمن وخدابرآنچه می گوئیم گواه ست (٢٨) .

يُصَدِّقُنِيٓ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ﴿٣٤﴾

ازجهت زبان پس بفرست اورا همراه من مدد کننده که باوردارد مرا هرآئینه من می ترسم ازآنکه دروغگو شمرند مرا (٣٤).

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَٰنًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا ۚ بِـَٔايَٰتِنَآ ۚ أَنتُمَا وَمَنِ ٱتَّبَعَكُمَا ٱلْغَٰلِبُونَ ﴿٣٥﴾

گفت خدا محکم خواهیم کرد بازوی ترا به برادر تو وخواهیم داد شمارا غلبه پس نه توانند رسید بقصد ایذابسوی شما بسبب نشانه های‌ما، شما وآنانکه پیروی شما کرده اندغالب خواهید شد (٣٥).

فَلَمَّا جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا بَيِّنَٰتٍ قَالُوا۟ مَا هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِىٓ ءَابَآئِنَا ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٣٦﴾

پس چون آورد موسیٰ برایشان نشانه های روشن ماراگفتند نیست این مگر جادوی بربسته ونه شنیدیم این رادر پدران نخستین خویش (٣٦).

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّىٓ أَعْلَمُ بِمَن جَآءَ بِٱلْهُدَىٰ مِنْ عِندِهِۦ وَمَن تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِ ۖ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٣٧﴾

و گفت موسیٰ پروردگارمن داناترست بهرکه آورده است هدایت ازنزدِ او وبهرکه اوراست عاقبت پسندیده درآخرت هرآئینه رستگار نمی شوند ستمگاران (٣٧).

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرِى ۖ فَأَوْقِدْ لِى يَٰهَٰمَٰنُ عَلَى ٱلطِّينِ فَٱجْعَل لِّى صَرْحًا لَّعَلِّىٓ أَطَّلِعُ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ ۙ وَإِنِّى لَأَظُنُّهُۥ مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٣٨﴾

وگفت فرعون ای سرکردگان ندانسته ام برای شما هیچ معبودی غیرخود پس آتش برافروز برای من ای هامان برگِل (یعنی خشت بساز) پس بناکن برای من کوشکی بُوَد که من مطلع شوم از معبود موسیٰ وهرآئینه من می پندارم اوراازدروغگویان (٣٨).

وَٱسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُۥ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ وَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿٣٩﴾

وتکبر کرد فرعون ولشکرهای او درزمین بغیر حق وگمان کردند که ایشان بسوی ما بازگردانیده نشوند (٣٩).

فَأَخَذْنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذْنَٰهُمْ فِى ٱلْيَمِّ ۖ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٠﴾

پس گرفتیم اورا ولشکر های اورا پس افگندیم ایشان را دردریا پس درنگر چگونه بود انجام ستمگاران (٤٠).

مِثْلَ مَآ اُوْتِيَ مُوْسٰى ۭ اَوَلَمْ يَكْفُرُوْا بِمَآ اُوْتِيَ مُوْسٰى مِنْ قَبْلُ ۚ قَالُوْا سِحْرٰنِ تَظٰهَرَا ۡ وَقَالُوْٓا اِنَّا بِكُلٍّ كٰفِرُوْنَ ۝٤٨

چراداده نشداین پیغامبررا مانند آنچه داده شد بموسیٰ آیاکافر نشده اندبآنچه داده شده موسیٰ را پیش ازین،گفتند دوسحر اند موافق یك دیگر شده[1] و گفتند هرآئینه ما بهریك کافرانیم (٤٨) .

قُلْ فَاْتُوْا بِكِتٰبٍ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ هُوَ اَهْدٰى مِنْهُمَآ اَتَّبِعْهُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۝٤٩

بگو پس بیارید کتابی فرود آمده اززنزدِ خدا که وی راه نماینده تر باشد ازین دو، تاپیرویِ اوکنم اگرراستگوئید (٤٩) .

فَاِنْ لَّمْ يَسْتَجِيْبُوْا لَكَ فَاعْلَمْ اَنَّمَا يَتَّبِعُوْنَ اَهْوَاۗءَهُمْ ۭ وَمَنْ اَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوٰىهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللّٰهِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ۝٥٠

پس اگرقبول نکنند سخن ترا پس بدان که جزاین نیست که پیروی می کنند خواهش نفسِ خودرا وکیست گمراه ترازکسیکه پیروی خواهش نفس خودکند بدون راه نمائی خدا هرآئینه خدا راه نه می نمایدگروه ستمگاران را (٥٠) .

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ۝٥١

وهرآئینه ما پی درپی آوردیم برای ایشان این قرآن راتابُوَد که ایشان پندپذیرند (٥١) .

اَلَّذِيْنَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِهٖ هُمْ بِهٖ يُؤْمِنُوْنَ ۝٥٢

آنانکه داده ایم ایشان را کتاب پیش ازقرآن ایشان بقرآن ایمان می آرند (٥٢) .

وَاِذَا يُتْلٰى عَلَيْهِمْ قَالُوْٓا اٰمَنَّا بِهٖٓ اِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّنَآ اِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهٖ مُسْلِمِيْنَ ۝٥٣

وچون قرآن خوانده میشود برایشان‌گویند ایمان آوردیم بآن هرآئینه وی راست است ازجانب پروردگارماهرآئینه ماپیش ازنزول قرآن منقادبودیم (٥٣) .

اُولٰۗىِٕكَ يُؤْتَوْنَ اَجْرَهُمْ مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوْا وَيَدْرَءُوْنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ۝٥٤

این جماعت داده میشود ایشان را مزدایشان دوبار بسبب آنکه صبر کردند ودفع می کنند بخصلت نیك بدی را وازآنچه روزی داده ایم ایشان را خرج می کنند (٥٤) .

---

(١) یعنی تورات وقرآن .

وَمَآ اُوْتِيْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَزِيْنَتُهَا ۚ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ وَّاَبْقٰى ۭ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ۝٦٠

وهرچه داده شدشمارا از هرنوعی پس بهره مندیِ زندگانی دنیا وآرایش ویست وآنچه نزدِ خداست بهتر و پائنده ترست آیانمی فهمید (٦٠) .

اَفَمَنْ وَّعَدْنٰهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيْهِ كَمَنْ مَّتَّعْنٰهُ مَتَاعَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۡ ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِنَ الْمُحْضَرِيْنَ ۝٦١

آیاکسیکه وعده دادیمش وعدهٔ نیك پس او دریابندهٔ آنست مانند کسی است که بهرمند ساختیمش بمنفعت زندگانی دنیا بازوی روزقیامت ازحاضر کردگان ست[1] (٦١) .

وَيَوْمَ يُنَادِيْهِمْ فَيَقُوْلُ اَيْنَ شُرَكَاۗءِيَ الَّذِيْنَ كُنْتُمْ تَزْعُمُوْنَ ۝٦٢

وروزیکه آواز دهدایشان را پس گوید کجایند آن شریکان من که شماگمان می کردید (٦٢) .

قَالَ الَّذِيْنَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هٰٓؤُلَاۗءِ الَّذِيْنَ اَغْوَيْنَا ۚ اَغْوَيْنٰهُمْ كَمَا غَوَيْنَا ۚ تَبَرَّاْنَآ اِلَيْكَ ۖ مَا كَانُوْٓا اِيَّانَا يَعْبُدُوْنَ ۝٦٣

گویند آنانکه ثابت شد برایشان حکم عذاب[2] ای پروردگارمااین جماعت اند که گمراه کردیم ایشان را چنانکه خود گمراه شدیم[3] بی تعلق شدیم ازهمه بسوی تو، ایشان مارانمی پرستیدند (٦٣).

وَقِيْلَ ادْعُوْا شُرَكَاۗءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيْبُوْا لَهُمْ وَرَاَوُا الْعَذَابَ ۚ لَوْ اَنَّهُمْ كَانُوْا يَهْتَدُوْنَ ۝٦٤

وگفته شود بخوانید شریکان خودرا پس بخوانند ایشان را پس ایشان قبول نه کنند دعای ایشان و ببینند عذاب را و تمنا کنند کاش ایشان راه یاب می‌بودند (٦٤).

وَيَوْمَ يُنَادِيْهِمْ فَيَقُوْلُ مَاذَآ اَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِيْنَ ۝٦٥

وروزیکه آواز دهد خداایشان را پس‌گوید چه جواب دادید پیغامبران را (٦٥) .

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْاَنْۢبَاۗءُ يَوْمَىِٕذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاۗءَلُوْنَ ۝٦٦

پس مشتبه شود برایشان خبرها آن روز

---

(١) یعنی درعذاب .
(٢) یعنی رئیسان کفر .
(٣) یعنی بغیراکراه .

وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾

کنید ازفضل او[1] وتاشکر گذاری کنید (٧٣) .

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٧٤﴾

وروزیکه آواز دهد ایشانرا پس گوید کجایند آن شریکانِ من که‌گمان می کردید (٧٤) .

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٧٥﴾

وبیرون کشیم ازهرامتی‌گواهی را[2] پس گوئیم قوم را بیارید دلیل خود پس بدانند که حق بجانب خداست و گم شود ازایشان آنچه افترامی کردند (٧٥) .

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿٧٦﴾

هرآئینه قارون بود از قوم موسیٰ پس تعدّی کرد برایشان وعطاَ کرده بودیم اورااز گنجهاآن قدر که کلید های اوگرانی می کرد جماعت صاحب توانائی را چون گفت باو قوم او شادمشو هرآئینه خدادوست نمی دارد شاد شوندگان را (٧٦) .

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٧٧﴾

وبجوی درآنچه خداعطا کرده است ترا صلاح سرای آخرت و فراموش مکن حصهٔ خود از دنیا[3] ونیکوکاری کن چنانکه احسان کرده است خدابرتو ومجو فساد درزمین هرآئینه خدا دوست نمی دارد فساد کنندگان را (٧٧) .

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ

گفت جزاین نیست که داده شده است مرا مال فراوان بنابردانشی که نزدِ من ست

---

(١) یعنی درروز .
(٢) یعنی هرپیغامبری برقوم خودگواهی دهد .
(٣) یعنی دردنیا عمل صالح بجاآر .

فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٨٣﴾

برای آنانکه نمی طلبند تکبر درزمین ونه فساد وحسنِ عاقبت پرهیزگاران راست (٨٣) .

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾

هرکه بیارد نیکی پس اوراست بهترازآن وهرکه بیارد بدی پس جزا داده نمی شوند آنانکه بعمل آوردند خطاها الّا بحسب آنچه می کردند (٨٤) .

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٨٥﴾

هرآئینه خدائی که نازل کرد برتو قرآن را البته باز گرداننده است ترابسوی جای بازگشت[1] پروردگارمن داناتراست بهر که آورد هدایت را وبهر که وی در گمراهی ظاهرست (٨٥) .

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَى إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾

وتوقع نمی داشتی که فرود آورده شود بسوی تو کتاب لیکن (فرو فرستاده شد) بسبب رحمتی ازپروردگارتو پس هرگز مشو مددگارِ کافران (٨٦) .

وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنْزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٧﴾

وبازندارند کافران ترا از تبلیغ آیاتِ خدا بعدازآنکه فرود آورده شد بسوی تو ودعوت کن بسوی پروردگار خویش وهرگزمباش ازمشرکان (٨٧) .

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٨﴾

ومخوان باخدا معبود دیگررا نیست هیچ معبود بحق غیراوهرچیز هلاك شونده است مگر او مرأوراست فرمانروائی وبسوی اوبازگردانیده شوید (٨٨) .

---

(١) یعنی آخرت .

فرمانبرداری ایشان مکن بسوی من ست بازگشت شما پس خبردهم شمارا به آنچه می کردید (۸) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصّٰلِحِيْنَ ۝۹

وآنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند البته درآریم ایشان را در زمرهٔ شایستگان (۹) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّقُوْلُ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ فَاِذَآ اُوْذِيَ فِي اللّٰهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللّٰهِ ۭ وَلَىِٕنْ جَاۗءَ نَصْرٌ مِّنْ رَّبِّكَ لَيَقُوْلُنَّ اِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ ۭ اَوَلَيْسَ اللّٰهُ بِاَعْلَمَ بِمَا فِيْ صُدُوْرِ الْعٰلَمِيْنَ ۝۱۰

وازمردمان کسی هست که می‌گوید ایمان آوردیم بخدا پس چون آزاد داده شد اورا درراه خدا شمرد رنج دادنِ مردمان را مانندِ عذابِ خدا و اگربیاید فتحی ازنزدِ پروردگارتو حتماگویند هرآئینه ما باشما بودیم آیانیست خداداناتر بآنچه درسینه های عالمیانست (۱۰) .

وَلَيَعْلَمَنَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ ۝۱۱

والبته میداند خداآنان را که ایمان آوردند والبته میداند منافقان را (۱۱) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّبِعُوْا سَبِيْلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطٰيٰكُمْ وَمَا هُمْ بِحٰمِلِيْنَ مِنْ خَطٰيٰهُمْ مِّنْ شَيْءٍ ۭ اِنَّهُمْ لَكٰذِبُوْنَ ۝۱۲

و گفتند کافران بمسلمانان پیروی راهِ ماکنید والبته مابرداریم گناهانِ شمارا ونیستند ایشان بردارندهٔ چیزی ازگناهان آن جماعت هرآئینه ایشان دروغگویانند (۱۲) .

وَلَيَحْمِلُنَّ اَثْقَالَهُمْ وَاَثْقَالًا مَّعَ اَثْقَالِهِمْ ۡ وَلَيُسْـَٔلُنَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَمَّا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ۝۱۳

والبته بردارند بارهای خویش را وبارهائی را همراه بارهای خویش و البته سوال کرده شوند روزقیامت ازآنچه افترامی کردند[1] (۱۳) .

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوْحًا اِلٰى قَوْمِهٖ فَلَبِثَ فِيْهِمْ اَلْفَ سَنَةٍ

وهرآئینه فرستادیم نوح را بسوی قوم اوپس توقف کرد درایشان هزارسال مگر

---

(۱) یعنی بارِگمراه شدن وگمراه کردن بردارندوبارتابعان ازسرایشان دفع نکند .

يُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَّشَآءُ ۚ وَاِلَيْهِ تُقْلَبُوْنَ ﴿٢١﴾

عذاب کند هرکرا خواهد ورحم کند هرکراخواهد وبسوی اوبازگردانیده خواهید شد (٢١) .

وَمَآ اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ فِى الْاَرْضِ وَلَا فِى السَّمَآءِ ۖ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ وَّلِىٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ﴿٢٢﴾

ونیستید شماعاجزکننده درزمین ونه درآسمان ونیست شمارا بجز خدا هیچ دوست ونه یاری دهنده (٢٢) .

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَلِقَآئِهٖٓ اُولٰٓئِكَ يَئِسُوْا مِنْ رَّحْمَتِىْ وَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٢٣﴾

وآنانکه کافرشدند بآیاتِ خدا و بملاقاتِ او آن جماعت ناامید شدند ازرحمت من وآن جماعت ایشان راست عذاب درد دهنده(٢٣) .

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهٖٓ اِلَّآ اَنْ قَالُوا اقْتُلُوْهُ اَوْ حَرِّقُوْهُ فَاَنْجٰىهُ اللّٰهُ مِنَ النَّارِ ۚ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿٢٤﴾

پس نه بود جواب قوم ابراهیم مگرآنکه گفتند بکشید اورا یابسوزانید اورا پس برهانید خدااورا ازآتش هرآئینه درین ماجرا نشانه هاست برای گروهی که باور میدارند (٢٤) .

وَقَالَ اِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَوْثَانًا ۙ مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَّيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا ۖ وَّمَاْوٰىكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ ﴿٢٥﴾

وگفت ابراهیم جزاین نیست که‌گرفته اید بجز خدابتان رابجهتِ دوستی درمیان خویش درزندگانئ دنیا بازروز قیامت نامعتقد شود بعض شما ببعض ولعنت کند بعض شما بعض را وجای شما دوزخ ست ونیست شمارا هیچ یاری دهنده (٢٥) .

فَاٰمَنَ لَهٗ لُوْطٌ ۘ وَقَالَ اِنِّىْ مُهَاجِرٌ اِلٰى رَبِّىْ ۖ اِنَّهٗ هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٢٦﴾

پس باورداشت ابراهیم رالوط وگفت (ابراهیم) هرآئینه من هجرت کننده ام بسوی پروردگار خویش هرآئینه وی غالب باحکمت ست (٢٦) .

وَوَهَبْنَا لَهٗٓ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَجَعَلْنَا فِىْ ذُرِّيَّتِهِ

وعطاکردیم اورا اسحق و یعقوب

مِنَ الْغٰبِرِيْنَ ﴿٣٣﴾

فرستادگان مترس واندوه مخور هرآئینه مانجات دهندهٔ توواهل توایم مگر زن توباشد ازباقی ماندگان (٣٣) .

اِنَّا مُنْزِلُوْنَ عَلٰٓى اَهْلِ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَآءِ بِمَا كَانُوْا يَفْسُقُوْنَ ﴿٣٤﴾

هرآئینه مافرودآرنده ایم براهل این ده عقوبتی راازآسمان بسبب آنکه بدکاری می کردند (٣٤) .

وَلَقَدْ تَّرَكْنَا مِنْهَآ اٰيَةًۢ بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ﴿٣٥﴾

وهرآئینه گذاشتیم ازآن دیه نشانهٔ واضح برای‌گروهی که درمی یابند (٣٥) .

وَاِلٰى مَدْيَنَ اَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْاٰخِرَ وَلَا تَعْثَوْا فِى الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ ﴿٣٦﴾

وفرستادیم بسوی مدین برادرِ ایشان شعیب را پس‌گفت ای قوم من عبادت خدا کنید وتوقع دارید روز بازپسین را وهرسو مگردید درزمین فساد کنان (٣٦).

فَكَذَّبُوْهُ فَاَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَاَصْبَحُوْا فِىْ دَارِهِمْ جٰثِمِيْنَ ﴿٣٧﴾

پس دروغ پنداشتند اوراپس درگرفت ایشانرا زلزله پس بامداد کردند درخانه های خویش مرده افتاده (٣٧) .

وَعَادًا وَّثَمُوْدَا۠ وَقَدْ تَّبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسٰكِنِهِمْ ۖ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطٰنُ اَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيْلِ وَكَانُوْا مُسْتَبْصِرِيْنَ ﴿٣٨﴾

وهلاك كرديم عاد و ثمودرا وهرآئینه واضح شده است شمارا بعض مساکن ایشان وآراسته ساخته بود برای ایشان شیطان کردار های ایشان راپس بازداشت ایشان را ازراه وایشان بینابودند (٣٨) .

وَقَارُوْنَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامٰنَ ۖ وَلَقَدْ جَآءَهُمْ مُّوْسٰى بِالْبَيِّنٰتِ فَاسْتَكْبَرُوْا فِى الْاَرْضِ وَمَا كَانُوْا سٰبِقِيْنَ ﴿٣٩﴾

وهلاك كرديم قارون وفرعون وهامان را وهرآئینه آمده بودبایشان موسیٰ بانشانه های واضح پس تکبر کردند درزمین ونبودندسبقت کنندگان (٣٩) .

فَكُلًّا اَخَذْنَا بِذَنْۢبِهٖ ۚ فَمِنْهُمْ مَّنْ اَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا ۚ

پس هریکی را گرفتار ساختیم به وبالِ

أُتْلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتٰبِ وَأَقِمِ الصَّلٰوةَ ۖ إِنَّ الصَّلٰوةَ تَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللّٰهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾

بخوان یا محمد وحی فرستاده شده بسوی توازکتاب وبرپادارنمازرا هرآئینه نماز منع میکند ازکاربیحیائی وفعل ناپسندیده وهرآئینه یادکردن خدابزرگ تراست ازهمه وخدا میداندآنچه میکنید (٤٥) .

وَلَا تُجَٰدِلُوٓا۟ أَهْلَ الْكِتٰبِ إِلَّا بِالَّتِى هِىَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مِنْهُمْ ۖ وَقُولُوٓا۟ ءَامَنَّا بِالَّذِىٓ أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلٰهُنَا وَإِلٰهُكُمْ وَٰحِدٌ وَنَحْنُ لَهُۥ مُسْلِمُونَ ﴿٤٦﴾

ومکابره مکنید باهل کتاب الّابخصلتی که وی نیك است مگربآنانکه ستم کردندازایشان وبگوئید ایمان آوردیم بآنچه فرود آورده شد بسوی ماوبآنچه فرود آورده شدبسوی شماو معبود شمایکی است ومااورا منقادیم (٤٦) .

وَكَذٰلِكَ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ الْكِتٰبَ ۚ فَالَّذِينَ ءَاتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يُؤْمِنُونَ بِهِۦ ۖ وَمِنْ هٰٓؤُلَآءِ مَن يُؤْمِنُ بِهِۦ ۚ وَمَا يَجْحَدُ بِـَٔايٰتِنَآ إِلَّا الْكٰفِرُونَ ﴿٤٧﴾

(وچنانکه کتاب های سابق فرودآورده بودیم) همچنان فرود آوردیم بسوی توکتاب پس آنانکه دادیم ایشانرا کتاب ایمان می آرندبآن وازعرب کسی است که ایمان می آرد بدان وانکارنمی کنند آیات مارا مگرکافران (٤٧) .

وَمَا كُنتَ تَتْلُوا۟ مِن قَبْلِهِۦ مِن كِتٰبٍ وَلَا تَخُطُّهُۥ بِيَمِينِكَ ۖ إِذًا لَّٱرْتَابَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٤٨﴾

ونمی خواندی پیش ازنزول قرآن هیچ کتابی راونمی نوشتی هیچ کتاب را بدست راست خودآنگاه درشك می افتادنداین بدکیشان (٤٨) .

بَلْ هُوَ ءَايٰتٌۢ بَيِّنٰتٌ فِى صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا۟ الْعِلْمَ ۚ وَمَا يَجْحَدُ بِـَٔايٰتِنَآ إِلَّا الظّٰلِمُونَ ﴿٤٩﴾

بلکه قرآن آیات روشن ست محفوظ درسینه های آنانکه داده شدایشان را علم وانکار نمی کنند آیات مارا مگر ستمگاران[1] (٤٩) .

---

(١) مترجم گوید بعض مفسران گفته اندکه مراد از "الذین اوتوالعلم" به تنهاذات حضرت پیغامبرست صلی الله علیه وسلم والله اعلم .

عبادت کنید (٥٦) .

كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ اِلَيْنَا تُرْجَعُوْنَ ﴿٥٧﴾

هر شخص چشندهٔ مرگ ست باز بسوی ما بازگردانیده شوید (٥٧) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا نِعْمَ اَجْرُ الْعٰمِلِيْنَ ﴿٥٨﴾

وآنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند البته فروآریم ایشان را ازبهشت به محل های بلند که میرود زیرآن جویها جاویدان آنجا نیك ست مزد این عمل کنندگان (٥٨) .

الَّذِيْنَ صَبَرُوْا وَعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ ﴿٥٩﴾

آنانکه صبر کردند وبر پروردگار خویش توکل میکنند (٥٩) .

وَكَاَيِّنْ مِّنْ دَآبَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا ۖ اَللّٰهُ يَرْزُقُهَا وَاِيَّاكُمْ ۚ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿٦٠﴾

وبساجانور که برنمی دارد روزی خود را خدا روزی میدهد اورا و شما را نیز واوست شنوا دانا(٦٠) .

وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُوْلُنَّ اللّٰهُ ۖ فَاَنّٰى يُؤْفَكُوْنَ ﴿٦١﴾

واگرسوال کنی ایشان را کِه آفرید آسمان هاوزمین را و رام گردانید خورشید وماه را البته گویند خدا پس چگونه گردانیده میشوند ازراهِ توحید(٦١) .

اَللّٰهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَيَقْدِرُ لَهٗ ۚ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿٦٢﴾

خدا فراخ میکند روزی را برای هرکه خواهد ازبندگانِ خویش وتنگ می سازد برای هرکه خواهد هرآئینه خدا بهرچیز داناست (٦٢) .

وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ نَّزَّلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَحْيَا بِهِ الْاَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُوْلُنَّ اللّٰهُ ۚ قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ ۚ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُوْنَ ﴿٦٣﴾

واگربپرسی ایشان را که فرود آورد ازآسمان آب را پس زنده ساخت بسبب آن زمین را بعدازمردن آن البته بگویند خدا بگوستائش خدای راست بلکه بیشترین ایشان نمی فهمند(٦٣) .

وَمَا هٰذِهِ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَآ اِلَّا لَهْوٌ وَّلَعِبٌ ۚ وَاِنَّ الدَّارَ الْاٰخِرَةَ

ونیست این زند گانی دنیا مگربازی وبیهوده و هرآئینه سرای آخرت آنست

غُلِبَتِ الرُّوْمُ ۙ﴿۲﴾

مغلوب شدند قوم روم[۱] (۲) .

فِیْٓ اَدْنَی الْاَرْضِ وَهُمْ مِّنْۢ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَیَغْلِبُوْنَ ۙ﴿۳﴾

درنزدیك ترین زمین[۲] وایشان بعداز مغلوب شدنِ خود غالب خواهند آمد (۳) .

فِیْ بِضْعِ سِنِیْنَ ؕ لِلّٰهِ الْاَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْۢ بَعْدُ ؕ وَیَوْمَىِٕذٍ یَّفْرَحُ الْمُؤْمِنُوْنَ ۙ﴿۴﴾

درچندسال خدای راست فرمان پیش ازین وپس ازین وآن روز شادمان شوند مسلمانان (٤) .

بِنَصْرِ اللّٰهِ ؕ یَنْصُرُ مَنْ یَّشَآءُ ؕ وَهُوَ الْعَزِیْزُ الرَّحِیْمُ ۙ﴿۵﴾

به نصرتِ خدا نصرت میدهد هرکرا خواهد واواست غالب مهربان (٥) .

وَعْدَ اللّٰهِ ؕ لَا یُخْلِفُ اللّٰهُ وَعْدَهٗ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُوْنَ ﴿۶﴾

وعده کرده است خدا خلاف نمی کند خدا وعده خودرا ولیکن اکثر مردمان نمی دانند (٦) .

یَعْلَمُوْنَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا ۖ وَهُمْ عَنِ الْاٰخِرَةِ هُمْ غٰفِلُوْنَ ﴿۷﴾

می دانند ظاهر را ازتدبیر زندگانی دنیا وایشان ازآخرت بی خبرانند (۷) .

اَوَلَمْ یَتَفَكَّرُوْا ؗ فِیْٓ اَنْفُسِهِمْ ؕ مَا خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَیْنَهُمَآ اِلَّا بِالْحَقِّ وَاَجَلٍ مُّسَمًّی ؕ وَ اِنَّ كَثِیْرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَآئِ رَبِّهِمْ لَكٰفِرُوْنَ ﴿۸﴾

آیا تأمل نه کردند درضمیر خود که نیافریده است خدا آسمان ها و زمین را وآنچه درمیانِ آن هردواست مگر به تدبیر درست وبه تعین میعادِی مقرر وهرآئینه بسیاری از مردمان به ملاقاتِ پروردگار خویش نامتعقد انند (۸) .

اَوَلَمْ یَسِیْرُوْا فِی الْاَرْضِ فَیَنْظُرُوْا كَیْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِیْنَ

آیاسیر نه کردند درزمین پس بنگرند چگونه شدعاقبت آنانکه

---

(۱) مترجم گوید فارس برروم غالب شدند وبعضِ بلاد وسرحد را درتصرف خود آوردند چون این خبر بمکه رسید اهل اسلام اندوهگین شدند زیرا که ایشان اهل کتاب بودند وکفار شادمان گشتند زیراکه ایشان واهل فارس امیان بودند خدای تعالی آیات نازل فرمود و به غلبهٔ روم براهل فارس بشارت داد واین در چندسال بعد هجرت متحقق شد واین قصه یکی ازدلائل نبوت است .

(۲) یعنی درسرحدِ خود .

آئید (۱۷) .

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَّحِيْنَ تُظْهِرُوْنَ ﴿۱۸﴾

ومر او راست ستائش درآسمان هاوزمین وآخرروز و آنگاه که دروقت زوال درمی آئید[1] (۱۸) .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُوْنَ ﴿۱۹﴾

برمی آرد زنده را ازمرده وبرمی آرد مرده را از زنده وزنده میسازد زمین را بعد مردن آن وهمچنین برآورده خواهید شد یعنی ازقبور (۱۹) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنْ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ اِذَآ اَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُوْنَ ﴿۲۰﴾

وازنشانه های خدا آن ست که آفرید شمارا ازخاك باز ناگهان شما مردم شدید بأمورِ زند گی خویش پرا گنده می پردازید (۲۰) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوْٓا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَّوَدَّةً وَّرَحْمَةً ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿۲۱﴾

وازنشانه های خدا آن ست که بیافرید برای شماازجنس شما زنان را تا آرام گیرید بسوی ایشان وپیداکرد میانِ شما دوستی ومهربانی هرآئینه درین کارنشانه هاست برای گروهی که تأمل میکنند (۲۱) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖ خَلْقُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ اَلْسِنَتِكُمْ وَاَلْوَانِكُمْ ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّلْعٰلِمِيْنَ ﴿۲۲﴾

وازنشانه های اوست آفریدن آسمان ها وزمین وگوناگون بودن زبانهای شماورنگهای شما هرآئینه درین کارنشانه ست دانش مندان را (۲۲) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖ مَنَامُكُمْ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاۗؤُكُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّسْمَعُوْنَ ﴿۲۳﴾

وازنشانه های اوست خفتن شمادرشب وروز ورزق طلب کردنِ شَما ازفضلِ او هرآئینه درین کارنشانه هاست برای

---

(۱) مترجم گوید مرادآنست که درهروقتی ازین اوقات دلائلِ تنزیه او از رذائل وانصافِ اوبحمائد متجدد میگردد پس مامور شدند بصلوٰة والله اعلم .

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْٓا اَهْوَآءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ فَمَنْ يَّهْدِيْ مَنْ اَضَلَّ اللّٰهُ ۗ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ ﴿٢٩﴾

بلکه پیروی کرده اند ستمگاران خواهش های خودرا بغیر علم پس که راه نماید کسی را که گمراه کردخدا ونیست ایشان را هیچ یاری دهنده (۲۹) .

فَاَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّيْنِ حَنِيْفًا ۭ فِطْرَتَ اللّٰهِ الَّتِيْ فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۭ لَا تَبْدِيْلَ لِخَلْقِ اللّٰهِ ۭ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقَيِّمُ ۙ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٣٠﴾

پس راست کن روی خودرا برای دین حنیف شده پیروی کن دین خدا را که پیداکرد مردمان را بروَی بدل کردن نبود این دینِ خدا را این ست دین درست ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (۳۰) .

مُنِيْبِيْنَ اِلَيْهِ وَاتَّقُوْهُ وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَلَا تَكُوْنُوْا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿٣١﴾

عبادت کنید رجوع کرده بسوی وی وبترسید ازوَی وبرپادارید نمازرا ومباشیداز مشرکان (۳۱) .

مِنَ الَّذِيْنَ فَرَّقُوْا دِيْنَهُمْ وَكَانُوْا شِيَعًا ۭ كُلُّ حِزْبٍۢ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُوْنَ ﴿٣٢﴾

مباشید ازآنانکه پرا گنده ساختند دین خودرا و شدند گروه گروه هر گروه بآنچه نزدیك اوست خورسندست (۳۲) .

وَاِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُّنِيْبِيْنَ اِلَيْهِ ثُمَّ اِذَآ اَذَاقَهُمْ مِّنْهُ رَحْمَةً اِذَا فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُوْنَ ﴿٣٣﴾

وچون برسد بمردمان سختی بخوانند پروردگار خود را رجوع کرده بسوی وی باز چون بچشاند ایشان را ازجانب خود آسائشی نا گهان طائفه ای ازایشان به پروردگار خود شریك می آرند (۳۳) .

لِيَكْفُرُوْا بِمَآ اٰتَيْنٰهُمْ ۭ فَتَمَتَّعُوْا ۣ فَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ﴿٣٤﴾

عاقبت حال ایشان آنکه ناسپاسی کنند بآنچه عطا کردیم بدیشان پس بهره مند شوید زود حقیقت حال خواهید دانست (۳٤) .

اَمْ اَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطٰنًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوْا بِهٖ يُشْرِكُوْنَ ﴿٣٥﴾

آیا فرود آوردیم برایشان دلیلی پس آن دلیل بیان میکند برای ایشان بآنچه باخدا

= اونتوان گفت .

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤١﴾

پیداشد فساد دربیابان ودردریا بسبب آنچه بعمل آورده دست های مردمان تابچشاند ایشان را جزای بعض آنچه عمل کردند بُوَد که ایشان بازگردند[1] (٤١) .

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ﴿٤٢﴾

بگو سیرکنید درزمین پس درنگرید چگونه بُوَد انجام آنانکه پیش ازایشان بودند بودند بیشترین ایشان مشرکان (٤٢) .

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ ﴿٤٣﴾

پس راست کن روی خودرا برای دین درست پیش ازآنکه بیاید روزی که بازَ گشتن نیست آن راازجانب خدا آن روزمتفرق شوند (٤٣) .

مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ ﴿٤٤﴾

هرکه کافرشد پس بروی ست ضررِکفرِاو وهرکه کرده باشد کارِ شائسته پس اینجماعت برای خویشتن آرامگاه تهیَّه می کنند (٤٤) .

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٤٥﴾

تاجزا دهد آنان راکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند ازفضل خود هرآئینه وی دوست نمیدارد کافران را (٤٥) .

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٤٦﴾

وازنشانه های خداآنست که می فرستد بادهارا مژده دهنده وبرای آنکه بچشاند شمارا ازرحمت خود(یعنی باران دهد) وبرای آنکه جاری شوند کشتی ها بفرمانِ اووبرای آنکه روزی طلب کنید ازفضلِ اووبرای آنکه شما شکر کنید (٤٦) .

---

(١) یعنی قحط غرق و سائرِ مصائب جزای قتلِ بنی آدم می باشد .

انقیاد کننده اند (۵۳) .

اَللّٰهُ الَّذِیْ خَلَقَكُمْ مِّنْ ضُعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْۢ بَعْدِ ضُعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْۢ بَعْدِ قُوَّةٍ ضُعْفًا وَّشَیْبَةً ؕ یَخْلُقُ مَا یَشَآءُ ۚ وَهُوَ الْعَلِیْمُ الْقَدِیْرُ ﴿۵۴﴾

خدا آنست که آفریدشمارا ازناتوانی بازداد مَرشما را بعدازناتوانی توانائی بازداد مَرشمارا بعدازتوانائی ناتوانی وسپید موئی می آفریند هرچه میخواهد واوست دانا توانا (۵٤) .

وَیَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ یُقْسِمُ الْمُجْرِمُوْنَ ۙ مَا لَبِثُوْا غَیْرَ سَاعَةٍ ؕ كَذٰلِكَ كَانُوْا یُؤْفَكُوْنَ ﴿۵۵﴾

وروزی که قایم شود قیامت سوگند خورندگنهگاران که توقف نکردند یعنی دردنیا بجز ساعتی همچنین ازراه بر گردانیده میشدند[1] (۵۵) .

وَقَالَ الَّذِیْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ وَالْاِیْمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِیْ كِتٰبِ اللّٰهِ اِلٰی یَوْمِ الْبَعْثِ ۚ فَهٰذَا یَوْمُ الْبَعْثِ وَلٰكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿۵۶﴾

وگویند آنانکه علم و ایمان داده شده است ایشان راهرآئینه توقف کرده اید بروفق کتابِ خداتاروزِ رستخیز پس اینست روزِرستخیز ولیکن شما نمی دانستید (۵٦) .

فَیَوْمَئِذٍ لَّا یَنْفَعُ الَّذِیْنَ ظَلَمُوْا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ یُسْتَعْتَبُوْنَ ﴿۵۷﴾

پس آن روزسود ندهد ظالمان را عذر خواهی ایشان ونه از ایشان توبه طلب کرده شود (۵۷) .

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِیْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ؕ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِاٰیَةٍ لَّیَقُوْلَنَّ الَّذِیْنَ كَفَرُوْۤا اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا مُبْطِلُوْنَ ﴿۵۸﴾

وهرآئینه بیان کردیم برای مردمان درین قرآن هر مثالی را واگربیاری پیش ایشان نشانه البته گویند کافران نیستید شما مگربیهوده‌گویان (۵۸) .

كَذٰلِكَ یَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰی قُلُوْبِ الَّذِیْنَ لَا یَعْلَمُوْنَ ﴿۵۹﴾

همچنین مُهرمی نهد خدا بردل های آنانکه نمیدانند (۵۹) .

فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ

پس صبر کن هرآئینه وعدهٔ خداراست

---

(۱) یعنی چون عقوباتِ مخلّده معائنه کردند دنیارا به مشابهٔ ساعتی خیال نمودند برعکس آنکه درحیات دنیارا به مشابهٔ خلود خیال میکردند والله اعلم .

خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۭ وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا ۭ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۝۹

جاویدان آنجا وعده داده است خدا وعدهٔ راست واوست غالب باحکمت (۹) .

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَاَلْقٰى فِي الْاَرْضِ رَوَاسِيَ اَنْ تَمِيْدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيْهَا مِنْ كُلِّ دَاۗبَّةٍ ۭ وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاۗءِ مَاۗءً فَاَنْۢبَتْنَا فِيْهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيْمٍ ۝۱۰

آفرید آسمان هارا بغیر ستون های که ببینید آنهارا وافگند درزمین کوه ها برای احتراز ازآنکه بجنباند شمارا وپرا گنده کرد در زمین ازهرنوع جانوران وفرود آوردیم ازآسمان آبرا پس رویانیدیم درزمین ازهر جنسِ نیك (۱۰) .

هٰذَا خَلْقُ اللّٰهِ فَاَرُوْنِيْ مَاذَا خَلَقَ الَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهٖ ۭ بَلِ الظّٰلِمُوْنَ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ۝۱۱

این ست آفرینش خدا پس بنمائید مرا چه چیز آفریدند آنانکه بجزوی اند بلکه ستمگاران درگمراهی ظاهرند (۱۱) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا لُقْمٰنَ الْحِكْمَةَ اَنِ اشْكُرْ لِلّٰهِ ۭ وَمَنْ يَّشْكُرْ فَاِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ حَمِيْدٌ ۝۱۲

وهرآئینه عطا کردیم لقمان را حکمت گفتیم که شکر کن خدارا وهرکه شکر کند پس جزاین نیست که شکر میکند برای نفع خود وهرکه ناسپاسی کند پس هرآئینه خدا بی نیازستوده کارست (۱۲) .

وَاِذْ قَالَ لُقْمٰنُ لِابْنِهٖ وَهُوَ يَعِظُهٗ يٰبُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ ۭ اِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيْمٌ ۝۱۳

ویادکن چون گفت لقمان به پسر خود درحالیکه اُو پندمیداد آن پسررا ای پسرك من شریك مقررمکن باخداهرآئینه شرك ستمی بزرگ ست (۱۳) .

وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ ۚ حَمَلَتْهُ اُمُّهٗ وَهْنًا عَلٰي وَهْنٍ وَّفِصٰلُهٗ فِيْ عَامَيْنِ اَنِ اشْكُرْ لِيْ وَلِوَالِدَيْكَ ۭ اِلَيَّ الْمَصِيْرُ ۝۱۴

وحکم فرمودیم آدمی را به نسبتِ پدرومادرِ وی درشکم برداشته است وی را مادر وی درحال سستی بالای سستی دیگر[1] و ازشیربازکردنِ اودردوسال ست باین مضمون که شکرگزاری کن مرا

(۱) یعنی هروقت سست تر میشود والله اعلم .

عَلَيْكُمْ نِعَمَهٗ ظَاهِرَةً وَّبَاطِنَةً ۗ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُّجَادِلُ فِى اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّلَا هُدًى وَّلَا كِتٰبٍ مُّنِيْرٍ ﴿٢٠﴾

وفرود آورد برشما نعمت های خود را آشکارا و پنهان وازمردمان کسی هست که مکابره میکند درباب خدا بغیر دانش وبغیر هدایت وبغیر کتاب روشن (٢٠) .

وَ اِذَا قِيْلَ لَهُمُ اتَّبِعُوْا مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوْا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ اٰبَآءَنَا ۗ اَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطٰنُ يَدْعُوْهُمْ اِلٰى عَذَابِ السَّعِيْرِ ﴿٢١﴾

وچون گفته شودبایشان که پیروی کنید چیزی را که فرودآورده خدا گویند بلکه پیروی می کنیم چیزرا که یافتیم برآن پدرانِ خود را آیا پیروی میکنند اگرچه شیطان می خواندایشان رابسوی عذاب دوزخ (٢١) .

وَمَنْ يُّسْلِمْ وَجْهَهٗٓ اِلَى اللّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى ۗ وَاِلَى اللّٰهِ عَاقِبَةُ الْاُمُوْرِ ﴿٢٢﴾

وهرکه متوجه ساخت روی خودرا بسوی خدا ووی نیکوکارست پس هرآئینه دست زده است بدست آویزی محکم وبسوی خداست بازگشتِ کارها (٢٢) .

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنْكَ كُفْرُهٗ ۗ اِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوْا ۗ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿٢٣﴾

وهرکه کافرشود پس اندوهگین نکند ترا کفرِوَی بسوی ماست رجوع ایشان پس خبردارکنیم ایشان رابآنچه میکردند هرآئینه خدا داناست به خصلتی که درسینه هاباشد (٢٣)

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيْلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ اِلٰى عَذَابٍ غَلِيْظٍ ﴿٢٤﴾

بهره مند می سازیم ایشان رااندکی بازبه بیچارگی برانیم ایشان را بسوی عذابِ سخت (٢٤) .

وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ لَيَقُوْلُنَّ اللّٰهُ ۗ قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ ۗ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٢٥﴾

واگرسوال کنی ازایشان کِه بیافرید آسمان ها وزمین را البته بگویند خدا آفرید بگو ستائش خدای راست بلکه اکثر ایشان نمی دانند (٢٥) .

لِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِىُّ الْحَمِيْدُ ﴿٢٦﴾

خدای راست آنچه درآسمان ها وزمین ست هرآئینه خداهمانست بی نیاز ستوده (٢٦) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُوا۟ رَبَّكُمْ وَٱخْشَوْا۟ يَوْمًا لَّا يَجْزِى وَالِدٌ عَن وَلَدِهِۦ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِۦ شَيْـًٔا ۚ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ ۖ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلْغَرُورُ ﴿٣٣﴾

ای مردمان بترسید از پروردگارِخویش وحذرکنید ازروزی که کفایت نکند هیچ پدر بجای پسر خویش ونه فرزندی کفایت کننده باشَد بجای پدرِخود چیزی را هرآئینه وعدهٔ خدا راست ست پس فریب ندهد شمارا زندگانی دنیا وفریب ندهد شمارا درمقدمهٔ خدا شیطان فریبنده(۳۳) .

إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ ۖ وَيُنَزِّلُ ٱلْغَيْثَ ۖ وَيَعْلَمُ مَا فِى ٱلْأَرْحَامِ ۖ وَمَا تَدْرِى نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا ۖ وَمَا تَدْرِى نَفْسٌۢ بِأَىِّ أَرْضٍ تَمُوتُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿٣٤﴾

هرآئینه خداست که نزدِ اوست علم قیامت وفرود میفرستد باران را و میداند آنچه در بچه دانها باشد ونمیداند هیچ شخصی که چه کار خواهد کرد فردا ونمی داند هیچ شخصی که بکدام زمین خواهد مُرد هرآئینه خدا داناخبردارست (۳٤) .

سُورَةُ السَّجْدَةِ

سوره سجده مکی است وآن سی آیت وسه رکوع است

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓمٓ ﴿١﴾

آلمّ (۱) .

تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٢﴾

فرود آوردنِ کتاب هیچ شبهه نیست درآن ازجانب پروردگار عالمهاست (۲) .

أَمْ يَقُولُونَ ٱفْتَرَىٰهُ ۚ بَلْ هُوَ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣﴾

آیامی گویند بربافته است آنرابلکه وی راست ست آمده ازجانبِ پروردگار توتا ترسانی قومی را که نیامده است بایشان هیچ ترساننده پیش ازتو تا بودکه ایشان راه یابند (۳) .

ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ

خداآن ست که آفریدآسمان ها و زمین را

الَّذِيْ وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ اِلٰى رَبِّكُمْ تُرْجَعُوْنَ ﴿١١﴾

که گماشته شده است برشما بازبسوی پروردگارِ خویش‌گردانیده شوید (١١) .

وَلَوْ تَرٰٓى اِذِ الْمُجْرِمُوْنَ نَاكِسُوْا رُءُوْسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۭ رَبَّنَآ اَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا اِنَّا مُوْقِنُوْنَ ﴿١٢﴾

وتعجب کنی اگردرنگری وقتی که گناهگاران نگونسار کننده سرخویش باشند نزد پروردگارِ خویش‌گویند ای پروردگارما دیدیم وشنیدیم پس بازگردان ماراتابکنیم کارشائسته هرآئینه مایقین کننده ایم (١٢) .

وَلَوْ شِئْنَا لَاٰتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدٰىهَا وَلٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّيْ لَاَمْلَــَٔنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ ﴿١٣﴾

واگرمی خواستیم البته می دادیم هرشخصی را هدایت او ولیکن ثابت شده است وعده ازجانب من که هرآئینه پُرکنم دوزخ را ازجنیان وآدمیان همه یك جا (١٣) .

فَذُوْقُوْا بِمَا نَسِيْتُمْ لِقَاۗءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا ۚ اِنَّا نَسِيْنٰكُمْ ۭ وَذُوْقُوْا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿١٤﴾

پس بچشید این عذاب بسبب آنکه فراموش کردید ملاقاتِ این روزِ خودرا هرآئینه مانیز فراموش کردیم شمارا وبچشید عذابِ دائم بسبب آنچه می کردید (١٤) .

اِنَّمَا يُؤْمِنُ بِاٰيٰتِنَا الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِّرُوْا بِهَا خَرُّوْا سُجَّدًا وَّسَبَّحُوْا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُوْنَ ﴿١٥﴾ ۩

جزاین نیست که ایمان می آرند بآیاتِ ما آنانکه چون پند داده می شوند بآن نگونسار افتندسجده کنان بپاکی یادکنند باستائشِ پروردگار خویش را وایشان تکبرنمی کنند (١٥) .

تَتَجَافٰى جُنُوْبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُوْنَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَّطَمَعًا ۡ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ﴿١٦﴾

دورمی ماندپهلوهای ایشان ازخوابگاهها میخوانند پروردگارخودرا بترس وامیدواری وازآنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج میکنند (١٦) .

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّآ اُخْفِيَ لَهُمْ مِّنْ قُرَّةِ اَعْيُنٍ ۚ

پس نمیداند هیچ نفس چه چیزپنهان داشته شدبرای ایشان ازخنکی چشم

اَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ اَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْقُرُوْنِ يَمْشُوْنَ فِيْ مَسٰكِنِهِمْ ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ ۭ اَفَلَا يَسْمَعُوْنَ ۝۲۶

آیاواضح نه شد ایشان را که چه قدر هلاك کردیم پیش ازایشان ازقرنها میروند ایشان درخانه های آن جماعت هرآئینه درین کارنشانه هاست آیانمی شنوند (۲۶) .

اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا نَسُوْقُ الْمَاۗءَ اِلَى الْاَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهٖ زَرْعًا تَاْكُلُ مِنْهُ اَنْعَامُهُمْ وَاَنْفُسُهُمْ ۭ اَفَلَا يُبْصِرُوْنَ ۝۲۷

آیا نه دیدندکه ما روان می کنیم آب را بسوی زمین بی‌گیاه پس بیرون آریم بسبب آن زراعتَ را که میخورند ازآن زراعت چهار پایانِ ایشان و خودایشان نیزآیانمی بینند (۲۷) .

وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى هٰذَا الْفَتْحُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۝۲۸

ومیگویند کی خواهد بوداین فتح اگر شما راست‌گوئید (۲۸) .

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُوْنَ ۝۲۹

بگو روزفتح سود ندهد کافران را ایمان آوردنِ ایشان ونه ایشان مهلت داده شوند (۲۹) .

فَاَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ اِنَّهُمْ مُّنْتَظِرُوْنَ ۝۳۰

پس روبگردان ازایشان وانتظار بکن هرآئینه ایشان نیز منتظرند (۳۰) .

سُوْرَةُ الْاَحْزَاب

سوره احزاب مدنی است وآن هفتاد وسه آیت ونه رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشائنده مهربان .

يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللّٰهَ وَلَا تُطِعِ الْكٰفِرِيْنَ وَالْمُنٰفِقِيْنَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ۝۱

ای پیغامبر بترس ازخدا وفرمانبرداری مکن کافران را ومنافقان را هرآئینه خدا هست دانای باحکمت (۱) .

وَّاتَّبِعْ مَا يُوْحٰٓى اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا ۝۲

وپیروی کن چیزی راکه وحی فرستاده میشودبسوی توازجانبِ پروردگارِ توهرآئینه خدا هست بآنچه میکنید خبردار (۲) .

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٦﴾

سائر مسلمانان وهجرت كنندگان ليكن آنكه بكنيد بسوى دوستانِ خود رعايتى جائزبود اين حكم هست درلوح محفوط نوشته شده[1] (٦) .

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿٧﴾

ويادكن چون گرفتيم ازپيغامبران عهدِ ايشان را و ازتوبگرفتيم وازنوح وابراهيم وموسىٰ وعيسىٰ پسر مريم وگرفتيم ازايشان عهد محكم (٧) .

لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٨﴾

تاخداى تعالى بپرسدآن راست‌گويان راازراستى ايشان ومهياكرده است براى كافران عذاب درد دهنده[2] (٨) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾

اى مسلمانان يادكنيد نعمت خدارا برخويش وقتى كه آمد برسرشمالشكر ها پس فرستاديم برايشان باد را و لشكرها كه نه ديديد آنهارا وهست خدا بآنچه مى كنيدبينا (٩) .

إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا ﴿١٠﴾

چون آمدند برشما ازجانبِ بالاى شما واز جانبِ پائين شما وچون خيره ماندند ديدها وبرسيد دلها بچنبر گردن وگمان ميكرديد به نسبت خدا گمانهاى مختلف (١٠) .

---

(١) يعنى صلهٔ ارحام واجب است وتوارث هجرت واسلام منسوخ شد به توارث به قرابت و ارحام .

(٢) مترجم‌گويد كفاردر غزوهٔ احزاب بر مدينه هجوم كردند وآن حضرت صلى الله عليه وسلم به خندق متحصن شدند وازمنافقان سخنانِ نفاق سرزدشدو مخلصان استقامت ورزيدند وآخر فتح اسلام واقع شد خداى تعالى درذَمِ آنان ومدحِ آنان ومنت نهادن برايشان نازل ساخت .

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِیْ یَعْصِمُكُمْ مِّنَ اللّٰهِ اِنْ اَرَادَ بِكُمْ سُوْٓءًا اَوْ اَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً ؕ وَلَا یَجِدُوْنَ لَهُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلِیًّا وَّلَا نَصِیْرًا ﴿۱۷﴾

بگوکیست آنکه نگاه دارد شمارا ازتصرفِ خدا اگربخواهد درحق شماسختی یا بخواهد درحق شما نعمتی و نه یابند برای خویش بجز خدا دوستی ونه یاری دهنده (۱۷) .

قَدْ یَعْلَمُ اللّٰهُ الْمُعَوِّقِیْنَ مِنْكُمْ وَالْقَآىِٕلِیْنَ لِاِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ اِلَیْنَا ۚ وَلَا یَاْتُوْنَ الْبَاْسَ اِلَّا قَلِیْلًا ﴿۱۸﴾

هرآئینه خدا میداند بازدارندگان را ازشما وگویندگان را به برادرانِ خویش که بیائید بسوی ما وحاضر نمی شوند بکارزار مگراندکی (۱۸) .

اَشِحَّةً عَلَیْكُمْ ۚ فَاِذَا جَآءَ الْخَوْفُ رَاَیْتَهُمْ یَنْظُرُوْنَ اِلَیْكَ تَدُوْرُ اَعْیُنُهُمْ كَالَّذِیْ یُغْشٰی عَلَیْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۚ فَاِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوْكُمْ بِاَلْسِنَةٍ حِدَادٍ اَشِحَّةً عَلَی الْخَیْرِ ؕ اُولٰٓىِٕكَ لَمْ یُؤْمِنُوْا فَاَحْبَطَ اللّٰهُ اَعْمَالَهُمْ ؕ وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَی اللّٰهِ یَسِیْرًا ﴿۱۹﴾

بخل کنان به نسبت شما[1] پس چون بیایدترس ببینی که ایشان درمی نگرند بسوی تو می‌گردد چشم های ایشان مانند کسی که بیهوش کرده شود ازسختی موت پس چون برود ترس زبان درازی کنند برشما بزبان های تیز بخل کنان برمال این جماعت ایمان نیاوردند پس خدا نابود ساخت کردار های ایشان را وهست این کاربرخدا آسان (۱۹) .

یَحْسَبُوْنَ الْاَحْزَابَ لَمْ یَذْهَبُوْا ۚ وَاِنْ یَّاْتِ الْاَحْزَابُ یَوَدُّوْا لَوْ اَنَّهُمْ بَادُوْنَ فِی الْاَعْرَابِ یَسْاَلُوْنَ عَنْ اَنْۢبَآىِٕكُمْ ؕ وَلَوْ كَانُوْا فِیْكُمْ مَّا قٰتَلُوْۤا اِلَّا قَلِیْلًا ﴿۲۰﴾

می پندارند که لشکرهای کفار نه رفته اند واگربیایند لشکرها تمناکنند کاش ایشان صحرا نشین بودندی درمیانِ اعراب سوال مـی کـردنـداز اخبـارشمـا[2] و اگـر باشنددرمیان شما کارزار نه کنند مگر اندکی (۲۰) .

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِیْ رَسُوْلِ اللّٰهِ اُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَنْ كَانَ یَرْجُوا

هرآئینه هست شمارا به پیغامبرخدا پیروی

---

(۱) یعنی درسوار شما .

(۲) یعنی ازهر آینده و رونده .

خوف طائفه ای را می کشتید واسیرمی گرفتید طائفه ای را (۲۶) .

وَاَوْرَثَكُمْ اَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَاَمْوَالَهُمْ وَاَرْضًا لَّمْ تَطَئُوهَا ۚ وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرًا ﴿٢٧﴾

وعاقبت کار به شما داد زمین ایشان را وخانه های ایشان را و مال های ایشان را ونیز عاقبت کار بشما داد زمینی را که نفرسوده اید آنرا[۱] وهست خدا برهمه چیز توانا(۲۷) .

يَاَيُّهَا النَّبِىُّ قُل لِّاَزْوَاجِكَ اِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ اُمَتِّعْكُنَّ وَاُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٢٨﴾

ای[۲] پیغامبر بگوبزنان خود اگرخواسته باشید زندگانی دنیاوآرائش آن پس بیائید تاچیزی مناسب دهم شمارا ورهاکنم شمارا رهاکردنِ نیك (۲۸) .

وَاِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْاٰخِرَةَ فَاِنَّ اللّٰهَ اَعَدَّ لِلْمُحْسِنٰتِ مِنكُنَّ اَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

واگرمی خواهید خدا وپیغامبراورا وسرای آخرت را پس هرآئینه خدا آماده ساخت برای زنان نیکوکاری کننده ازشمامزد بزرگ (۲۹) .

يٰنِسَآءَ النَّبِىِّ مَن يَاْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضٰعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ۚ وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾

ای زنان پیغامبرهرکه به عمل آرد ازشما بدکاری ظاهر[۳] دوچند کرده شود وی راعذاب دوچندان وهست این مقدمه برخداآسان (۳۰) .

---

(۱) یعنی خیبر .

(۲) مترجم‌گوید ازواج آنحضرت چیزی که نزد آنحضرت نه بود اززینتِ دنیا طلب می کردند خدای تعالی ایشانرا پنداد و زجر فرمود واحکام معاشرت باایشان نازل ساخت وزینب رضی الله تعالیٰ عنها درعقدِ زید بود درمیان ایشان ناسازگاری پدید آمد و رفته رفته بطلاق منجر شدوبعد انقضای عدت خدای تعالی اورا داخل ازواج طاهرات‌گردانید منافقان زبان طعن کشادند که زنِ پسر خودرا بزنی‌گرفت خدای تعالی درمیان آنکه پسر خوانده حکم پسر ندارد نازل ساخت .

(۳) مترجم‌گوید مراد این جا ایذای پیغامبراست بزبان درازی .

محافظت کننده ومردان یاد کننده خدا را به بسیاری وزنان یادکننده مهیا کرده است خدای تعالی برای ایشان آمرزش ومزدِبزرگ (۳۵) .

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَّلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗٓ أَمْرًا أَنْ يَّكُوْنَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَّعْصِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ فَقَدْ ضَلَّ ضَلٰلًا مُّبِيْنًا ﴿٣٦﴾

ونیست هیچ مومن وهیچ مومنه را چون مقررکند خدا ورسولِ اوکاری آنکه باشد ایشان را اختیار درکارِخویش وهرکه نافرمانی کند خدا ورسول اورا پس بدرستیکه گمراه شدگمراهی ظاهر[1](۳۶).

وَإِذْ تَقُوْلُ لِلَّذِيْٓ أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللّٰهَ وَتُخْفِيْ فِيْ نَفْسِكَ مَا اللّٰهُ مُبْدِيْهِ وَتَخْشَى النَّاسَ ۚ وَاللّٰهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشٰهُ ۗ فَلَمَّا قَضٰى زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنٰكَهَا لِكَيْ لَا يَكُوْنَ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ حَرَجٌ فِيْٓ أَزْوَاجِ أَدْعِيَآئِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا ۚ وَكَانَ أَمْرُ اللّٰهِ مَفْعُوْلًا ﴿٣٧﴾

ویادکن چون می گفتی باشخصی که انعام کرده است خدا بروی ونیز انعام کرده ای تو بروی که نگاه دار برخود زن خودرا وبترس ازخدا وپنهان میکردی در ضمیر خویش آنچه خداپدیدآرندهٔ اوست ومی ترسیدی ازمردمان و خدا سزاوار ترست بآنکه بترسی ازوی پس وقتیکه بانجام رسانید زید از زینب حاجتِ خود را یعنی طلاق داد بزنی دادیم ترا زینب تانه باشد برمسلمان هیچ تنگی در نکاح کردنِ زنانِ پسر خواند گان خویش چون بآخررسانند ازایشان حاجت را وهست مراد خدا البته کردنی[2] (۳۷) .

---

(۱) مترجم گوید درین آیت تعریض ست بآن قصه که آنحضرت صلی الله علیه وسلم نخست زینب را برای زید خطبه فرمود و آنرا زینب وبرادرش مکروه داشتند واین معنی مناسب حال ایشان نه بود والله اعلم .

(۲) مترجم گوید درین آیت تعریض است بآن قصه که درخاطر مبارك آنحضرت صلی الله علیه وسلم می گذشت که اگردرمیانِ زید و زینب مفارقت واقع شود آنرا =

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا ﴿٤٦﴾

وخواننده بسوی خدابحکم او وچراغ روشن (٤٦) .

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ﴿٤٧﴾

وبشارت ده مسلمانان را بآنکه ایشانرا باشد ازجانب خدابخشائش بزرگ (٤٧) .

وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٤٨﴾

وفرمان مبرکافران را ومنافقان را وازنظر اعتبار بگذاررنجانیدن ایشانرا وتوکل کن برخدا وبس ست خداکارساز (٤٨) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَا ۖ فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٤٩﴾

ای مسلمانان چون نکاح کنید زنان مومنان را بازطلاق دهیدایشان را پیش ازآنکه دست برسانیدبایشان پس نیست شمارا براین زنان هیچ عدتی که به شمارید آن را پس متعه دهیداین مطلقات را و بگزاریدآن ها راگذاشتن نیک (٤٩) .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ ۖ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا ۖ خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥٠﴾

ای پیغامبر هرآئینه ماحلال کردیم برای توآن زنان توکه داده ای مهرایشان را وکنیز کانی که مالك ایشان شده است دست توازآنچه خدا عائد ساخته است برتو[1] وحلال کردیم دختران عم ترا ودختران عمتهای ترا ودختران خالوی ترا ودختران خاله های ترا آنانکه هجرت کرده اندباتووحلال کردیم برای تو زن مسلمان رااگر به بخشدخود را برای پیغامبر[2] اگر خواهد پیغامبر به زنی گیرد آن را خاص برای تو بجز مسلمانان هرآئینه دانستیم آنچه فرض ساخته ایم برایشان درحق

---

(١) یعنی ازکفار بتورسانیده است .

(٢) یعنی بغیر مهردرنکاح آید .

فَسْـَٔلُوهُنَّ مِن وَّرَآءِ حِجَابٍ ۚ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ ۚ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَآ أَن تَنكِحُوٓا أَزْوَٰجَهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦٓ أَبَدًا ۚ إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِندَ اللَّهِ عَظِيمًا ﴿٥٣﴾

این کار میرنجاند پیغامبررا پس شرم میداشت ازشما وخدا شرم نمیدارد ازسخن راست وچون طلب کنید اززنان پیغامبررختی پس طلب کنید آنراازایشان از پسِ پرده این خصلت پاك ترست برای دلهای شماو دل های ایشان وسزاوارنیست شمارا که برنجانید پیغامبرخدارا ونه آنکه نکاح کنید زنان اورا پس ازوَی هرگز، هرآئینه این کار هست نزدیكِ خداگناه بزرگ (٥٣) .

إِن تُبْدُوا شَيْـًٔا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا ﴿٥٤﴾

اگرآشکاراکنید چیزی را یا پنهان دارید آنرا پس هرآئینه خداهست بهر چیز دانا (٥٤).

لَّا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِىٓ ءَابَآئِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآئِهِنَّ وَلَآ إِخْوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآءِ إِخْوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآءِ أَخَوَٰتِهِنَّ وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُنَّ ۚ وَٱتَّقِينَ ٱللَّهَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدًا ﴿٥٥﴾

نیست هیچ بزه برزنان درپرده نپوشیدن پیش پدران خویش ونه پیش پسران خویش ونه برادران خویش ونه پسران برادران خویش ونه پسران خواهران خویش ونه زنان هم جنس خویش[1] ونه آنچه مالك آن شده دست های ایشان وبترسید ای زنان ازخدا هرآئینه خداهست برهمه چیزگواه (٥٥) .

إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ ۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾

هرآئینه خداوفرشتگانِ او درود میفرستند برپیغامبر ای مسلمانان درود فرستید بروی وسلام‌گوئید سلام‌گفتنی (٥٦) .

إِنَّ ٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْـَٔاخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿٥٧﴾

هرآئینه آنانکه می رنجانند خدا وپیغامبر اورا لعنت کردخدا ایشان رادر دنیا

---

(١) یعنی غیر قواده .

يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿٦٣﴾

بگوجزاین نیست که معرفت آن نزد خداست وچه چیزخبردادترا شایدکه قیامت موجود شود درزمان نزدیك (٦٣).

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ﴿٦٤﴾

هرآئینه خدا لعنت کرده است کافران را وآماده ساخته است برای ایشان آتش (٦٤).

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٦٥﴾

جاویدان آنجاهمیشه نه یابند هیچ دوستی ونه یاری دهنده (٦٥).

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا ﴿٦٦﴾

روزی که گردانیده شود روهای ایشان در آتش گویند ای کاش ماهرآئینه فرمان می بردیم خدارا وفرمان می بردیم پیغامبررا (٦٦).

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا ﴿٦٧﴾

وگویند ای پرورد گار ماهرآئینه فرمانبردیم مهتران خودرا وبزرگان خودرا پس گمراه ساختند ماراازراه (٦٧).

رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿٦٨﴾

ای پرورد گارما بده ایشان را دوچند ازعذاب ولعنت کن ایشان را لعنتی بزرگ (سخت) (٦٨).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ﴿٦٩﴾

ای مسلمانان مباشید مانند آنانکه رنجانیدند موسیٰ را پس پاك ساخت خدا تعالی اورا ازآنچه گفته بودندوبود موسیٰ نزدیك خدا باآبرو[1] (٦٩).

(١) مترجم گوید یعنی موسیٰ وقت غسل ستر میکردجهال بنی اسرائیل گفتند که او آدرست روزی بحسب اتفاق برکنارهٔ آب غسل میکردوجامه های خودبرسنگ نهاده بود بفرمان خدای تعالی آن سنگ روان شد موسیٰ عقب سنگ دوید تاآنکه جماعتی ازبنی اسرائیل عریان دیدندو گفتند ادرت ندارد و ادرت انتفاخِ خصیه را گویند والله اعلم.

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۚ وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾

میداند آنچه درمی آید بزمین وآنچه برمی اید ازوی وآنچه فرود می آید ازآسمان وآنچه بالامیرود در وی واوست مهربان آمرزنده (۲) .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ ۖ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ ۖ عَالِمِ الْغَيْبِ ۚ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَٰلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٣﴾

وگفتند کافران نخواهد آمد پیش ماقیامت بگوآری قسم پروردگارِ من البته خواهد آمدبه شما پروردگاری که دانندهٔ پوشیده است غائب نمی شود ازوی هم وزن ذرّه ای درآسمان ها ونه درزمین و نه خُرد تر ازآن ونه بزرگ تر مگرثبت ست درکتاب ظاهر (۳) .

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾

تاجزا دهد آنان را که ایمان آوردند و عمل های شائسته کردند آن جماعت ایشان راست آمرزش وروزی گرامی (٤) .

وَالَّذِينَ سَعَوْ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ ﴿٥﴾

وآنانکه سعی کردند در ردِّ آیاتِ مامقابله کنان آن جماعت ایشان راست عذاب ازعقوبت درد دهنده (۵) .

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ الْحَقَّ وَيَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾

ومی بینند آنانکه داده شده است ایشانرا علم چیزی را که فرود آورده شد بسوی تو ازجانبِ پروردگارِ توراست ودلالت کننده بسوی راه خدای غالب ستوده کار (٦) .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ ۙ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾

وگفتند کافران بایکدیگرآیا دلالت کنیم شمارا برمردی که خبر میدهدبه شما که چون پاره پاره کرده شوید تمام پاره پاره شدن هرآئینه شما درآفرینش نوباشید (۷) .

أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَم بِهِ جِنَّةٌ ۗ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ﴿٨﴾

آیابربسته است برخدا دروغ را یاباوجنونی هست بلکه آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت در عقوبت باشندودرگمراهی دور (۸) .

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ ۖ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿١٤﴾

پس چون مقرر کردیم بروی مرگ را دلالت نه کرد ایشان را بر موتِ او مگرکرم چوب خواره که میخُورَد عصای سلیمان را پس چون بافتاد واضح شد پیش دیوان که اگرمیدانستند غیب را درنگ نمی کردند درعذاب خوارکننده (١٤) .

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ ۖ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ ۖ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ ۚ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ ﴿١٥﴾

هرآئینه بود قوم سبارا درجای ماندن ایشان نشانهٔ مرایشانرا بود دو بوستان از جانبِ راست وازجانبِ چپ گفتیم بخورید رزق پروردگارخویش وشکر گوئید اوراشمارا شهری هست پاکیزه وپروردگار آمرزنده (١٥) .

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿١٦﴾

پس روگردانیدند[1] پس فرستادیم برایشان سیلی تند [2] وعوض دادیم ایشان را بجای دوبوستانِ ایشان دو بوستانی دیگرخداوند میوه های بدمزه وخداوند درخت گز وچیزی اندك ازدرخت کنار (١٦) .

ذَٰلِكَ جَزَيْنَاهُم بِمَا كَفَرُوا ۖ وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ ﴿١٧﴾

این سزا دادیم ایشان را بسبب ناسپاسی ایشان وسزای بدنمیدهیم مگرناسپاس را (١٧) .

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً

وپیدا کردیم میانِ ایشان ومیانِ آن ده ها که برکت نهاده ایم درآن[3] ده هامتصل

---

(١) یعنی ازشکر .
(٢) یعنی سیلی که به پشت ها بندکرده بودند .
(٣) یعنی شام .

عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٢٣﴾

برای[1] اواهل محشر مضطرب شوند تاآنگاه که اضطراب دور کرده شود ازدلهای ایشان گویند چه چیز فرموده است پروردگارشما (ملأاعلی) گویند که فرموده است سخن راست واوست بلند مرتبه بزرگ قدر (٢٣) .

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٢٤﴾

بگوکه روزی میدهد شمارا ازجانب آسمان هاو زمین (باز) بگو خدامیدهد و هرآئینه مایاشما بر هدایتیم یا درگمراهی ظاهر (٢٤) .

قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾

بگو سوال کرده نخواهید شدشما ازگناه ما وسوال کرده نه خواهیم شد ما ازآنچه شمامی کنید (٢٥) .

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ﴿٢٦﴾

بگو جمع خواهد کرد پروردگارما میان ما بازحکم کند میان ما (یعنی میان ماوشما) براستی واوست حکم کنندهٔ دانا (٢٦) .

قُلْ أَرُونِيَ الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾

بگو بنمائید مراآنانکه ایشان را لاحق کرده اید باخدا شریك ساخته نه چنین ست بلکه خدا اوست غالب باحکمت (٢٧) .

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

ونه فرستادیم ترا الّابرای مردمان همه مژده دهنده وترساننده ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (٢٨) .

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٩﴾

ومی‌گویندکی بوجودآیداین وعده اگر شما راست‌گوئید (٢٩) .

قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٠﴾

بگو شماراست وعدهٔ روزیکه بازپس نمانید ازآن ساعتی ونه پیش دستی کنید (٣٠) .

---

(١) یعنی اذنِ شفاعت داد .

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾

بگو هر آئینه پروردگارمن کشاده میکندروزی رابرای هرکه خواهد وتنگ میکند برای هرکه خواهد ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (٣٦) .

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُم بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ ﴿٣٧﴾

و نیست اموال شما ونه اولادِ شما آن چیز که مقرب گرداندشمارا نزد مابمرتبهٔ قربت لیکن مقرب آنست که ایمان آورد وکرد کردار شائسته پس آن جماعت ایشان راست جزای دوچند به مقابله آنکه عمل کردند و ایشان درکوشك های بلند ایمن باشند(٣٧) .

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿٣٨﴾

وآنانکه سعی میکنند در ردّ آیات مامقابله کنان آن جماعت درعذاب حاضر کرده شوند (٣٨) .

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ ۚ وَمَا أَنفَقْتُم مِّن شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٣٩﴾

بگوهرآئینه پروردگارمن کشاده می کند روزی را برای هرکه خواهد ازبندگانِ خودوتنگ می سازد برای هرکه خواهد و هرچه خرج کنیدازهرجنس که باشد پس خدا عوضِ آن دهد واوبهترین روزی دهندگانست (٣٩) .

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَٰؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٤٠﴾

و روزی که برانگیزد خداایشان را همه یکجا باز بگوید به فرشتگان آیاایشان شمارا عبادت می کردند (٤٠) .

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِم ۖ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ ۖ أَكْثَرُهُم بِهِم مُّؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾

فرشتگان گویند پاکی تراست توکارسازمائی سوای ایشان بلکه ایشان عبادت میکردند دیوان را[1] اکثرایشان به

(١) یعنی عبادتِ ملائکه بجهت وسوسه شیاطین بود پس گویاعبادت شیاطین کردند .

وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ﴿٤٧﴾

مُزد پس آن شماراست نیست مُزدِمن مگربرخدا واو برهمه چیزگواه است (٤٧) .

قُلْ اِنَّ رَبِّيْ يَقْذِفُ بِالْحَقِّ ۚ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ﴿٤٨﴾

بگو هرآئینه پروردگارمن برمی تابد ازعلمِ غیب وحیِ راست راآن پروردگار، دانای پوشیده هاست (٤٨) .

قُلْ جَآءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيْدُ ﴿٤٩﴾

بگوآمدسخنِ راست، وآفرینشِ نونمیکند معبود باطل َونه دیگر بارآفریند (٤٩) .

قُلْ اِنْ ضَلَلْتُ فَاِنَّمَآ اَضِلُّ عَلٰى نَفْسِيْ ۚ وَاِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوْحِيْٓ اِلَيَّ رَبِّيْ ۭ اِنَّهٗ سَمِيْعٌ قَرِيْبٌ ﴿٥٠﴾

بگواگرگمراه شدم پس جزاین نیست که گمراه شوم برنفس خویش واگرراه یابم پس بسبب آنست که وحی فرستد بسوی من پرورد گارمن هرآئینه وی شنوای نزدیك ست (٥٠) .

وَلَوْ تَرٰٓى اِذْ فَزِعُوْا فَلَا فَوْتَ وَاُخِذُوْا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيْبٍ ﴿٥١﴾

وتعجب کنی اگر ببینی چون مضطرب شوند پس نباشد ازعذاب خلاص شدن وگرفته شوند از جائی نزدیك[1] (٥١) .

وَّقَالُوْٓا اٰمَنَّا بِهٖ ۚ وَاَنّٰى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِنْ مَّكَانٍۢ بَعِيْدٍ ﴿٥٢﴾

وگویند آنگاه ایمان آوردیم بقرآن وازکجابُوَد ایشان را بدست آوردنِ ایمان ازجای دور یعنی محال شد (٥٢) .

وَقَدْ كَفَرُوْا بِهٖ مِنْ قَبْلُ ۡ وَيَقْذِفُوْنَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍۢ بَعِيْدٍ ﴿٥٣﴾

وحالانکه کافربودند به قرآن پیش ازین ومی اندازند[2] نادیده از مکان دور (٥٣) .

وَحِيْلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُوْنَ كَمَا فُعِلَ بِاَشْيَاعِهِمْ مِّنْ قَبْلُ ۭ اِنَّهُمْ كَانُوْا فِيْ شَكٍّ مُّرِيْبٍ ﴿٥٤﴾

وجدائی افگنده شده میانِ ایشان ومیانِ آنچه می خواستند چنانچه کرده شد بامثالِ ایشان پیش ازین هرآئینه ایشان بودند درشك قوی (٥٤) .

---

(١) یعنی گرفته شوند بآسانی .

(٢) یعنی حدس میزنند .

مِنْ أَصْحٰبِ السَّعِيرِ ﴿٦﴾

دشمن گیریداورا جزاین نیست که می خواند تابعانِ خودرا تاباشند ازاهل دوزخ (٦) .

اَلَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۖ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾

آنانکه کافرشدند ایشان راست عذاب سخت وآنانکه ایمان آوردند و عمل های شائسته کردند ایشان راست آمرزش و مُزدِبزرگ (٧) .

أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوٓءُ عَمَلِهِ فَرَاٰهُ حَسَنًا ۖ فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَآءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَآءُ ۖ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرٰتٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٨﴾

آیاکسی که آراسته کرده شد برای اوعملِ زشت اوپس نیك دید آنرا (مثل مومنِ صالح باشد) پس هرآئینه خداگمراه می کند هرکرا خواهد وراه می نماید هرکراخواهد پس بایدکه هلاك نه شود نفسِ تو برایشان ازروی دریغ هرآئینه خدادانا ست بآنچه می کنند (٨) .

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيٰحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنٰهُ إِلٰى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ كَذٰلِكَ النُّشُورُ ﴿٩﴾

وخداآنست که فرستاد بادهارا پس برانگیختند آن بادها ابررا پس روان کردیم ابررا بسوی شهر مرده پس زنده ساختیم بآن ابرزمین رابعد مرده بودنِ آن همچنین خواهد بود برانگیختن مردگان (٩) .

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا ۚ إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ ۚ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّاٰتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۖ وَمَكْرُ أُولٰٓئِكَ هُوَ يَبُورُ ﴿١٠﴾

هرکه خواهد ارجمندی پس خدای راست ارجمندی همه یکجا بسوی اوبالامیرود سخنِ پاکیزه وعمل صالح را بلند می گرداندَ خدا وآنانکه می اندیشند فتنه هاایشان راست عذاب سخت و بداندیشی ایشان همون نابود شود (١٠) .

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا ۚ وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثٰى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ۚ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ

وخدا آفریدشمارا ازخاك بازازنطفه باز گردانید شمارا جفت مرد و زن ودرشکم برنمیدارد هیچ ماده ای ونمی زاید مگربه

يَاَيُّهَا النَّاسُ اَنْتُمُ الْفُقَرَآءُ اِلَى اللّٰهِ ۚ وَاللّٰهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيْدُ ﴿١٥﴾

ای مردمان شمائید محتاج بسوی خدا وخدا همونست بی احتیاج ستوده کار (١٥) .

اِنْ يَّشَاْ يُذْهِبْكُمْ وَيَاْتِ بِخَلْقٍ جَدِيْدٍ ﴿١٦﴾

اگرخواهد نابود سازد شمارا وبیارد آفرینش نو (١٦) .

وَمَا ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ بِعَزِيْزٍ ﴿١٧﴾

ونیست این کار برخدا دشوار (١٧) .

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى ۭ وَاِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ اِلٰى حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَّلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى ۭ اِنَّمَا تُنْذِرُ الَّذِيْنَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ ۭ وَمَنْ تَزَكّٰى فَاِنَّمَا يَتَزَكّٰى لِنَفْسِهٖ ۭ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيْرُ ﴿١٨﴾

وبرنمی دارد هیچ بردارنده بار دیگری را وا گربخواند گران بارکسی را بسوی بارخویش برداشته نه شود ازآن بار چیزی اگرچه آن کس خویشاوند باشد جزاین نیست که بیم میکنی آنان را که می ترسند ازپروردگار خویش غائبانه و برپاداشته اند نمازرا وهرکه پاك شد پس جزاین نیست که پاك میشود برای نفع خویش وبسوی خداست بازگشت (١٨).

وَمَا يَسْتَوِي الْاَعْمٰى وَالْبَصِيْرُ ﴿١٩﴾

وبرابرنیستند نابینا وبینا (١٩) .

وَلَا الظُّلُمٰتُ وَلَا النُّوْرُ ﴿٢٠﴾

ونه تاریکی ها ونه روشنی (٢٠) .

وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُوْرُ ﴿٢١﴾

و نه سایه ونه بادِگرم (٢١) .

وَمَا يَسْتَوِي الْاَحْيَاۗءُ وَلَا الْاَمْوَاتُ ۭ اِنَّ اللّٰهَ يُسْمِعُ مَنْ يَّشَاۗءُ ۚ وَمَآ اَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّنْ فِي الْقُبُوْرِ ﴿٢٢﴾

وبرابرنمی‌شوند زندگان ومُردگان هرآئینه خدامی‌شنواند هرکراخواهد ونیستی توشنواننده کسی را که درگور باشد (٢٢).

اِنْ اَنْتَ اِلَّا نَذِيْرٌ ﴿٢٣﴾

ونیستی تو مگرترساننده (٢٣) .

اِنَّآ اَرْسَلْنٰكَ بِالْحَقِّ بَشِيْرًا وَّنَذِيْرًا ۭ وَاِنْ مِّنْ اُمَّةٍ اِلَّا خَلَا فِيْهَا نَذِيْرٌ ﴿٢٤﴾

هرآئینه مافرستاده ایم ترا بدین راست بشارت دهنده وبیم کننده ونیست هیچ امتی مگر گذشته است درآن بیم کننده (٢٤) .

وَاِنْ يُّكَذِّبُوْكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ جَاۗءَتْهُمْ

واگربه دروغ نسبت کنند تراپس هرآئینه بدروغ نسبت کردند آنانکه پیش ازایشان

فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِۦ وَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌۢ بِالْخَيْرَٰتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٣٢﴾

خود[1] پس بعضِ ایشان ستمگارست برنفس خود وبعض ایشان میانه رواست وبعض ایشان سبقت کننده است به نیکی ها بحکم خدا این ست فضل بزرگ (۳۲).

جَنَّٰتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٣٣﴾

به بوستان های همیشه ماندن درآیند آن جا زیور داده شود ایشان را آنجاازقسم النگو های طلاوزیور داده شوند مروارید ولباس آنها جامهٔ ابریشمی باشد (۳۳) .

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِىٓ أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ ۖ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣٤﴾

و گفتندهمهٔ ستائش خدای راست که دورکردازماواندوه راهرآئینه پرورد گار ماآمرزندهٔ قدرشناس ست (۳٤) .

الَّذِىٓ أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِۦ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ﴿٣٥﴾

آنکه فرود آورد مارا به سرای همیشه ماندن از فضلِ خود نه رسد بماآنجاهیچ رنجی ونه رسد بما آنجاهیچ ماندگی (۳۵).

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ ۖ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُم مِّنْ عَذَابِهَا ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِى كُلَّ كَفُورٍ ﴿٣٦﴾

وآنانکه کافرشدند ایشان راست آتشِ دوزخ نـه حکـم کـرده شـود بـرایشـان تابمیرند و نه سبك کرده شود ازایشان چیـزی ازعـذابِ دوزخ همچنین سـزا میدهیم هرناسپاس را (۳٦) .

وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَٰلِحًا غَيْرَ الَّذِى كُنَّا نَعْمَلُ ۚ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ النَّذِيرُ ۖ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ﴿٣٧﴾

و اهل دوزخ فریادکنند درآنجا که ای پروردگار ما بیرون آرمارا تابکنیم کارِ شائسته بجزآن که می کردیم گوئیم آیا زندگانی نه دادیم شمارا آنقدر که پندپذیر شود درآن هرکه پند پذیرفتن خواهد وآمد بشما ترساننده پس بچشید پس نیست ستمگاران را هیچ یاری دهنده (۳۷) .

---

(۱) یعنی ازپیغامبر صلی الله علیه وسلم امت محمدیه رسید والله اعلم .

السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ ۚ فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ ۚ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ﴿٤٣﴾

بداندیشی قبیح را وفرود نمی آید وبال بداندیشی قبیح مگرباهلِ او پس منتظر نیستند مگر آئین عقوبت پیشنیان را پس نخواهی یافت بآئین خدارا تبدیلی ونخواهی یافت بآئین خدا تغییری (٤٣).

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۚ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِن شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۚ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ﴿٤٤﴾

آیا سیرنکرده اند درزمین تابببینند چگونه شدانجام کار آنانکه پیش ازایشان بودند و آنجماعت بودند زیاده ترازایشان درقوت وهرگزنیست که عاجز کند خدارا چیزی درآسمان ها ونه درزمین هرآئینه اوهست داناتوانا (٤٤).

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِن دَابَّةٍ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا ﴿٤٥﴾

و اگرگرفتار کردی خدا مردمان را به سزای آنچه میکردند نگذاشتی برپشتِ زمین هیچ جانوری را ولیکن موقوف میدارد ایشانرا تامیعادی معین پس چون آید میعاد ایشان پس هرآئینه خداهست به بندگان خود بینا (٤٥).

سُورَةُ يٰسٓ

سوره یس مکی است وآن هشتادوسه آیت وپنج رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان.

يٰسٓ ﴿١﴾

یٰسٓ (١).

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾

قسم به قرآنِ باحکمت (٢).

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣﴾

هرآئینه تو ازپیغامبرانی (٣).

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤﴾

برراهِ راستی (مراد دارم) (٤).

تَنزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٥﴾

فروفرستادن غالب مهربان (٥).

لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ﴿٦﴾

تابترسانی قومی را که ترسانیده نه شده اند پدرانِ ایشان پس ایشان غافلان

گفتند هر آئینه مابسوی شما فرستادگانیم (١٤) .

قَالُوا مَآ أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَآ أَنزَلَ الرَّحْمَٰنُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ﴿١٥﴾

اهل دهگفتند نیستید شما مگرآدمی مانندِما وفرونه فرستاده است رحمن هیچ چیز نیستید شما مگر دروغ میگوئید (١٥) .

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّآ إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ﴿١٦﴾

گفتند پرورد گار مامیداند که هرآئینه مابسوی شما فرستادگانیم (١٦) .

وَمَا عَلَيْنَآ إِلَّا الْبَلَٰغُ الْمُبِينُ ﴿١٧﴾

ونیست برما مگر پیغام رسانیدن ظاهر (١٧) .

قَالُوٓا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨﴾

گفتند هرآئینه ماشگون بد گرفتیم به شما اگر بازنآئید البته سنگ سارکنیم شمارا والبته برسد به شما ازجانب ماعقوبتِ درد دهنده (١٨) .

قَالُوا طَٰٓئِرُكُم مَّعَكُمْ أَئِن ذُكِّرْتُم بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿١٩﴾

گفتند شگون بدشما همراه شما ست آیا اگر پندداده شود شمارا برشگون بدحمل کنید بلکه شماگروهی ازحدگذشته اید (١٩) .

وَجَآءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَٰقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٠﴾

وآمد ازدور ترین محل های آن شهر مردی شتابان گفت ای قومِ من پیروی کنید آن پیغامبران را (٢٠) .

اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْـَٔلُكُمْ أَجْرًا وَهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٢١﴾

پیروی کنید کسی را که نمی طلبد ازشما هیچ مزدی وایشان راه یافتگانند (٢١) .

وَمَا لِيَ لَآ أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٢﴾

وچیست مرا که عبادت نه کنم معبودی را که بیافرید مرا وبسوی وی بازگردانیده خواهید شد (٢٢) .

ءَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِ ءَالِهَةً إِن يُرِدْنِ الرَّحْمَٰنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّي شَفَٰعَتُهُمْ شَيْـًٔا وَلَا يُنقِذُونِ ﴿٢٣﴾

آیا بجزوی معبودانی گیرم اگربخواهد خدای تعالی درحق من زیانی دفع نه کندازمن شفاعتِ ایشان چیزی را

الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾

خرما ودرختان انگور وروان ساختیم درآن بوستان چشمه ها (٣٤) .

لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ ۖ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ ۖ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾

تابخورند ازمیوه آنچه مذکورشد ونه ساخته است میوه را دست های ایشان آیا پس شکر نمی کنند (٣٥) .

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾

پاکست آنکه آفرید اجناس راتمام آن ازآنچه میرویاندش زمین وازجنسِ آدمیان وازآنچه ایشان نمی دانند (٣٦) .

وَآيَةٌ لَّهُمُ اللَّيْلُ ۖ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ ﴿٣٧﴾

ونشانه هست ایشانرا شب مانند پوست می کشیم ازوی روز را پس ناگهان ایشان در تاریکی آیندگان باشند (٣٧) .

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ۚ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾

وآفتاب میرود براهی که قرارگاهِ ویست اینست اندازهٔ خدای غالب دانا (٣٨) .

وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾

وماه مقرر کردیم برای او منزل ها تاآن که بازگردد مانند چوبِ کهنه خوشهٔ خرما (٣٩) .

لَا الشَّمْسُ يَنبَغِي لَهَا أَن تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا الَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ۚ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾

نه خورشید می سزدش که دریابد ماه را ونه شب سبقت کننده است بروز[1] وهریکی ازخورشید وماه وستاره هادرآسمانی سیر میکنند (٤٠) .

وَآيَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾

ونشانه هست ایشانرا که مابرداشتیم قوم بنی آدم را درکشتی پُرکرده شده (٤١) .

وَخَلَقْنَا لَهُم مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾

وآفریدیم برای ایشان مانندِ کشتی آنچه سوارمی شوند برآن[2] (٤٢) .

---

(١) یعنی پیش ازانقضای روزنمی آید .

(٢) یعنی شتروفیل .

بشتابند (٥١) .

قَالُوا يٰوَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُوْنَ ﴿٥٢﴾

گویند ای وای برما که برخیزانید مارا ازخواب گاهِ ما آری این هما نست که وعده داده بود خدای تعالی وراست گفتند پیغامبران (٥٢) .

اِنْ كَانَتْ اِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً فَاِذَا هُمْ جَمِيْعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُوْنَ ﴿٥٣﴾

نباشد این واقعه مگرنعرهٔ تندی پس ناگهان ایشان جمع آورده نزد ماحاضر کرده شده باشند (٥٣) .

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَّلَا تُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٥٤﴾

پس امروزستم کرده نخواهد شدبرهیچ کس هیچ ستمی وجزا داده نه خواهید شدالاّبحسب آنچه میکردید (٥٤) .

اِنَّ اَصْحٰبَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِيْ شُغُلٍ فٰكِهُوْنَ ﴿٥٥﴾

هرآئینه اهل بهشت امروز درکاری هستند شادانند (٥٥) .

هُمْ وَاَزْوَاجُهُمْ فِيْ ظِلٰلٍ عَلَى الْاَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔوْنَ ﴿٥٦﴾

ایشان وزنانِ ایشان درسایه ها بر تخت هانشیننده اند (٥٦) .

لَهُمْ فِيْهَا فَاكِهَةٌ وَّلَهُمْ مَّا يَدَّعُوْنَ ﴿٥٧﴾

ایشان راست دربهشت میوه وایشان راست آنچه طلب کنند (٥٧) .

سَلٰمٌ قَوْلًا مِّنْ رَّبٍّ رَّحِيْمٍ ﴿٥٨﴾

گفته شود سلام باد ازجانب پرورد گار مهربان (٥٨) .

وَامْتَازُوا الْيَوْمَ اَيُّهَا الْمُجْرِمُوْنَ ﴿٥٩﴾

وبگوئیم جداشوید امروز ای گناه گاران (٥٩) .

اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يٰبَنِيْٓ اٰدَمَ اَنْ لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطٰنَ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ﴿٦٠﴾

آیاحکم نه فرستاده بودم بسوی شما ای اولادِ آدم که مپرستید شیطان را هرآئینه وی شمارا دشمنِ آشکاراست (٦٠) .

وَّاَنِ اعْبُدُوْنِيْ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ﴿٦١﴾

وآنکه بپرستید مرا این ست راه راست (٦١) .

وَلَقَدْ اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيْرًا اَفَلَمْ تَكُوْنُوْا تَعْقِلُوْنَ ﴿٦٢﴾

وهرآئینه گمراه ساخت شیطان ازقوم

را پس ایشان آنرا مالکا نند (۷۱) .

وَذَلَّلْنٰهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾

ورام ساختیم چهار پایان را برای ایشان پس بعض ازآن سواری ایشانست و بعض ازآن را میخورند (۷۲) .

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾

وایشانراست درچهار پایان منفعت هاوآشامیدنیهاآیاشکرنمی گزارند (۷۳) .

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٧٤﴾

و گرفتند سوای خدا معبودان را تابُودکه ایشان یاری داده شوند (۷٤) .

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ ﴿٧٥﴾

نه توانند یاری کردنِ ایشان واین بتان برای ایشان لشکری حاضر کرده شده اند (۷۵) .

فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾

پس اندوه گین نکند ترا سخن ایشان هرآئینه مامیدانیم آنچه پنهان میکنند وآنچه آشکارمی نمایند (۷٦) .

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٧٧﴾

آیاندانسته است آدمی که ما آفریدیم اورا ازنطفه پس ناگهان وی خصومت کننده آشکار شد (۷۷) .

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾

زد برای ما مثالی وفراموش کرد آفرینش خودرا گفت که زنده کند استخوان هارا درحالتی که آن کهنه شده باشند (۷۸) .

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾

بگوزنده کندش آن که آفریداورا اوّل بار واوبهرقسم آفرینش داناست (۷۹) .

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ ﴿٨٠﴾

آنکه پیداکرد برای شما ازدرخت سبز آتش را پس ناگهان شماازآن درخت آتش می افروزید (۸۰) .

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ بِقٰدِرٍ عَلٰى أَنْ يَخْلُقَ

آیا نیست آنکه آفرید آسمان ها وزمین را

مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾

توانا برآنکه بیآفریند مانند ایشان بلی واوست آفرینندهٔ دانا (٨١) .

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾

جزاین نیست فرمانِ خدا چون بخواهد آفریدن چیزی را که بگویدش بشوپس می شود (٨٢) .

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

پس پاك ست آنکه بدستِ اوست پادشاهی هرچیز وبسوی اوباز گردانیده شوید (٨٣) .

سُورَةُ الصَّافَّات

سوره صفت مکی است وآن یك صد وهشتاد ودو آیت وپنج رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿١﴾

قسم بجماعتی ازملائکه که صف میکشند صف کشیدنی[1] (١) .

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿٢﴾

پس قسم بجماعتی میرانند راندنی[2] (٢) .

فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٣﴾

پس قسم بجماعتی که تلاوت میکنند تلاوت کردنی (٣) .

إِنَّ إِلَٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿٤﴾

هرآئینه معبود شمایکی ست (٤) .

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿٥﴾

اوپرورد گارِ آسمان هاوزمین ست وآنچه درمیان این هاست واوپرورد گارِ مشرق هاست[3] (٥) .

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾

هرآئینه ماآرائش دادیم آسمانِ دنیا را

---

(١) مترجم گوید یعنی نزدیك پروردگارخود .
(٢) مترجم گوید یعنی شیاطین را والله اعلم .
(٣) یعنی و مغرب هانیز .

بزینت ستاره ها (٦) .

وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَٰنٍ مَّارِدٍ ۝٧

ونگاهداشتیم آنراازهرشیطان سرکش (٧) .

لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ وَيُقْذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ ۝٨

مقصد آنکه گوش نه نهند شیاطین بسوی ملاء اعلیٰ وزده میشوند ازهر جانب (٨) .

دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ۝٩

بجهت راندن ایشان وایشان راست عذاب دائم (٩) .

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ۝١٠

مگر کسی که برباید[1] ربودنی پس ازپی اوافتد شعلهٔ سوزنده (١٠) .

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَم مَّنْ خَلَقْنَا ۚ إِنَّا خَلَقْنَٰهُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍ ۝١١

پس استفسارکن ازایشان آیاایشان سخت ترانددرآفرینش یا کسیکه ماآفریده ایم[2] هرآئینه ماآفریدیم ایشانرا ازِ گل چسپنده (١١) .

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ۝١٢

بلکه تعجب کردی[3] وایشان تمسخر میکنند (١٢) .

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ۝١٣

وچون پندداده شودایشان را پندنمی گیرند (١٣) .

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ۝١٤

وچون ببینند نشانه ای را تمسخر کنند (١٤) .

وَقَالُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ۝١٥

و گفتند نیست این قرآن مگرسحرِ ظاهر(١٥) .

---

(١) یعنی کلمهٔ راازکلمات ملاء اعلیٰ یکباررربودن .

(٢) یعنی ملائکه وجن وسماوات وغیرآن .

(٣) یعنی ازحال کافران .

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ ۖ بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ ﴿٣٠﴾

ونه بود مارا برشما هیچ تسلطی بلکه شما بودیدگروهی ازحدگذشته (۳۰) .

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا ۖ إِنَّا لَذَائِقُونَ ﴿٣١﴾

پس لازم شدبرماسخن پروردگارماکه البته ماچشندهٔ عذاب باشیم (۳۱) .

فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ ﴿٣٢﴾

پس گمراه کردیم شمارا هرآئینه ماگمراه بودیم (۳۲) .

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٣﴾

پس تحقیق همه ایشان آن روز درعذاب باهم شریك باشند (۳۳) .

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٤﴾

هرآئینه ماهمچنین می کنیم باگناه گاران (۳٤) .

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾

هرآئینه ایشان چون گفته می شد بدیشان که نیست هیچ معبود برحق مگر خدا سرکشی میکردند (۳۵) .

وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُو آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ ﴿٣٦﴾

ومی گفتند آیاماترك کنندهٔ معبودانِ خود باشیم برای گفتهٔ شاعری دیوانه (۳٦) .

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٧﴾

بلکه آورد پیغامبر سخن درست را وباورداشت سائر پیغامبرانرا (۳۷) .

إِنَّكُمْ لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿٣٨﴾

هرآئینه شما چشندهٔ عذاب درد دهنده باشید (۳۸) .

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٩﴾

وجزا داده نخواهید شد مگربحسب آنچه می کردید (۳۹) .

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾

مگر بندگان خالص ساختهٔ خدا[1] (٤۰) .

أُولَٰئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤١﴾

این جماعت ایشان راست روزی مقرر (٤۱) .

فَوَاكِهُ ۖ وَهُم مُّكْرَمُونَ ﴿٤٢﴾

انواع میوه ها وایشان نواختگانند (٤۲) .

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٤٣﴾

دربهشت های نعمت (٤۳) .

---

(۱) یعنی آنانکه پاك ساخته شدندازشرك وغیره .

	درعذاب (٥٧) .
أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٨﴾	آیاپس مانخواهیم مرد (٥٨).
إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٥٩﴾	مگر مردن اوّل مان ونیستیم ماعذاب کرده شدگان (٥٩) .
إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾	هرآئینه این ست پیروزئ بزرگ (٦٠) .
لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ﴿٦١﴾	برای این چنین نعمت پس باید که عمل کنند عمل کنندگان (٦١) .
أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ﴿٦٢﴾	آیاآنچه مذکور شدنیکوتراست ازنگاه مهمانی یادرخت زقوم (٦٢) .
إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِّلظَّالِمِينَ ﴿٦٣﴾	هرآئینه ماساختیم زقوم را عقوبتی برای ستمگاران (٦٣) .
إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾	هرآئینه وی درختیست که برمی آید در قعردوزخ (٦٤) .
طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ﴿٦٥﴾	خوشهٔ آن مانند سرهای شیاطین است (٦٥) .
فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٦﴾	پس هرآئینه دوزخیان بخورندازآن درخت پس پُرکنند ازآن شکم هارا (٦٦) .
ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾	پس هرآئینه ایشانرا برآن طعام آمیختنی باشدازآب گرم (٦٧) .
ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾	بازهرآئینه بازگشتِ ایشان بسوی دوزخ بود[1] (٦٨) .
إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ﴿٦٩﴾	هرآئینه ایشان گمراه یافتند پدرانِ خودرا (٦٩) .
فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿٧٠﴾	پس ایشان برپی پدرانِ خودبسرعت رانده میشوند(٧٠) .
وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾	و هرآئینه گمراه شده بودند پیش ازایشان اکثر پیشینیان (٧١) .

(١) یعنی بعد خوردن و نوشیدن ایشان را به دوزخ بازبرند .

درستاره ها (٨٨) .

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿٨٩﴾
پس گفت هرآئینه من بیمارم (٨٩) .

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿٩٠﴾
پس بازگشتند ازوی پشت‌گرداننده (٩٠) .

فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٩١﴾
پس پنهان متوجه شد بسوی معبودان ایشان پس گفت آیا نمی خورید (٩١) .

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ﴿٩٢﴾
چیست شمارا که سخن نمی‌گوئید (٩٢) .

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ﴿٩٣﴾
پس متوجه شدبرایشان می زد زدنی به قوت (٩٣) .

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ﴿٩٤﴾
پس روآوردند به ابراهیم شتاب کنان (٩٤) .

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿٩٥﴾
ابراهیم گفت آیامی پرستید چیزی را که خود می تراشید (٩٥) .

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾
وخداپیداکرد شمارا وآنچه می کنید (٩٦) .

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ﴿٩٧﴾
گفتند بایکدیگر بناکنید برای ابراهیم عمارتی پس بافگنید اورا درآتش بسیار (٩٧) .

فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾
پس قصد کردند باوی توطئه را پس ساختیم ایشان را زیرترین (٩٨) .

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٩٩﴾
وگفت ابراهیم که هرآئینه من رونده ام بسوی پروردگارخود راه خواهد نمود مرا (٩٩) .

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٠٠﴾
ای پروردگار من عطاکن مرا ازشائسته کاران (١٠٠) .

فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿١٠١﴾
پس بشارت دادیم اورا به نوجوانی بُردباری (١٠١) .

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ ۚ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ
پس چون رسید آن طفل بآن سن که سعی تواندکرد همراه والد خود ابراهیم گفت ای پسرك من هرآئینه من می بینم درخواب

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١١٤﴾

وهرآئينه مااحسان كرديم برموسىٰ وهارون (١١٤) .

وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿١١٥﴾

ونجات داديم ايشان را وقوم ايشان را ازاندوه بزرگ (١١٥) .

وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٦﴾

ونصرت داديم ايشانرا پس ايشان بودند غالبان (١١٦) .

وَآتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾

وداديم ايشان را كتاب واضح (١١٧) .

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٨﴾

ودلالت كرديم ايشانرا براه راست (١١٨) .

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ ﴿١١٩﴾

وباقى گذاشتيم برايشان ثناى نيك در پس ماندگان (١١٩) .

سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٠﴾

سلام باد برموسىٰ وهارون (١٢٠) .

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾

هرآئينه ماهمچنين جزاميدهيم نيكوكاران را (١٢١) .

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾

هرآئينه ايشان ازبندگان گرويدهٔ مايند (١٢٢) .

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾

وهرآئينه الياس ازفرستادگان بود (١٢٣) .

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾

چون گفت بقوم خود آيا پرهيزگارى نمى كنيد (١٢٤) .

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿١٢٥﴾

اياپرستش مى كنيد بَعل را (وبَعل نام بتى ست) وترك ميكنيد نيكوترين آفرينندگانرا (١٢٥) .

اللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾

ترك مى كنيد خدارا پروردگارشما و پروردگارپدران نخستين شما (١٢٦) .

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾

پس دروغگو پنداشتند اورا پس هرآئينه آنجماعت حاضر كردگانند[1] (١٢٧) .

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٢٨﴾

مگر بندگان خالص كرده خدا (١٢٨) .

---

(١) يعنى دردوزخ .

بیمار بود (١٤٥) .

وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّن يَقْطِينٍ ﴿١٤٦﴾

ورویانیدیم برسراودرختی ازقسمِ کدو (١٤٦) .

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾

وفرستادیم اورابسوی صدهزار یا بیشترازآن باشند (١٤٧) .

فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١٤٨﴾

پس ایمان آوردند پس بهره مند ساختیم ایشان را تامدتی (١٤٨) .

فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ ﴿١٤٩﴾

پس استفسار کن ازمشرکان آیاپرورد گارترا دختر انست وایشان را پسران (١٤٩) .

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿١٥٠﴾

آیاآفریدیم فرشتگان را زنها وایشان حاضر بودند (١٥٠) .

أَلَا إِنَّهُم مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾

آگاه باش هرآئینه ایشان ازدروغ گوئی خودمی گویند (١٥١) .

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٥٢﴾

که بزادخدای تعالی هرآئینه ایشان دروغ گویانند (١٥٢) .

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿١٥٣﴾

آیااختیارکرد دختران را برپسران (١٥٣) .

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾

چیست شمارا چگونه حکم می کنید (١٥٤) .

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾

آیا نمی اندیشید (١٥٥) .

أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ ﴿١٥٦﴾

آیاشماراحجتی واضح است (١٥٦) .

فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٧﴾

پس بیارید کتاب خود را ا گرهستید راست گو (١٥٧) .

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا ۚ وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾

ومقررکردندکافران میان خدای تعالی ومیان جنیان خویشی را وهرآئینه دانسته اندجنیان که ایشان البته حاضر کردگانند[1] (١٥٨) .

---

(١) یعنی برای حساب و عذاب .

وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٥﴾

وبنگر ایشان را پس ایشان نیز خواهند دید (۱۷۵) .

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾

آیااین کافران عذاب مارابشتاب می طلبند (۱۷٦) .

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٧﴾

پس چون فرود آید عذاب بمیدانِ ایشان بدباشد بامدادِ بیم کردگان (۱۷۷) .

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٨﴾

وروبگردان ازایشان تامدتی (۱۷۸) .

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٩﴾

وبنگر پس ایشان نیز خواهند دید (۱۷۹) .

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾

پاکی ست پرورد گار تراخداوندِ غلبه ازآنچه این جماعت بیان می کنند (۱۸۰) .

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾

وسلام بادبرفرستادگانِ خدا (۱۸۱) .

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾

وسپاس خدای راست پرورد گار عالم ها (۱۸۲) .

سُورَةُ صٓ

سوره ص مکی است وآن نودونه آیت وپنج رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

صٓ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ﴿١﴾

قسم بقرآن خداوندِ پند (که آنچه بآن دعوت میکنی راست است) (۱) .

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ﴿٢﴾

بلکه کافران درسرکشی ومخالفت اند (۲) .

كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ فَنَادَوا وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ ﴿٣﴾

چقدر هلاك کردیم پیش ازایشان قرنهارا پس فریاد برآوردند ونبود آن وقت خلاصی (۳) .

وَعَجِبُوا أَن جَاءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَٰذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾

و تعجب کردند ازآنکه بیامد بایشان بیم کننده ازقوم ایشان وگفتند این کافران این شخص جادو گردروغگوئیست (٤) .

أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلَٰهًا وَاحِدًا ۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ﴿٥﴾

آیا گردانید معبودان معتدد را یك معبود

وقوی (١٣) .

إِنْ كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ﴿١٤﴾

نیست هیچ کس ازایشان مگر تکذیب کرد پیغامبران را پس حتمی شد عقوبت من (١٤) .

وَمَا يَنظُرُ هَٰؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِن فَوَاقٍ ﴿١٥﴾

وانتظار نمی برند کفار این عصر مگریك نعرهٔ تند را یعنی نفخه قیامت که نه باشد آنرا هیچ توقف (١٥) .

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٦﴾

وگفتند (بطریق استهزا) ای پرورد گار ماشتاب ده مارا سرنوشت ماازعقوبت پیش از روزِ حساب (١٦) .

اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ ۖ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿١٧﴾

صبر کن برآنچه میگویند ویادکن بنده ماداؤد خداوند قوت را هرآئینه اورجوع کننده بود[1] (١٧) .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴿١٨﴾

هرآئینه رام ساختیم همراه اوکوه هارا تسبیح میگفتند به وقت شام وصباح (١٨) .

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً ۖ كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ ﴿١٩﴾

ورام ساختیم مرغانرا بهم آورده هریکی برای اوفرمانبردار بود (١٩) .

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ ﴿٢٠﴾

ومحکم کردیم پادشاهی اورا ودادیمش حکمت وسخن واضح (٢٠) .

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ﴿٢١﴾

و[2] آیاآمده است پیش توخبرگروهِ خصومت کننده بایکدیگر چون ازدیوار جسته داخل شدند بمسجد (٢١) .

إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ ۖ خَصْمَانِ بَغَىٰ

چون درآمدند برداؤد پس بترسید ازایشان

---

(١) یعنی بسوی خدا .

(٢) مترجم گوید که دأود علیه السلام نودونه زن داشت مع هذازن دیگر که در خطبهٔ شخصی یا درنکاح اوبود درخواست کرد خدای تعالی فرشتگان را بجهت تنبیه داؤد بشکل خصوم متمثل ساخت اشارت باین قصه است درین آیات والله اعلم.

الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَوَيْلٌ لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنَ النَّارِ ﴿۲۷﴾

درمیان این هاست بیهوده این گمان کافران ست پس وای کافران را ازعقوبت آتش (۲۷) .

اَمْ نَجْعَلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ كَالْمُفْسِدِيْنَ فِي الْاَرْضِ اَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِيْنَ كَالْفُجَّارِ ﴿۲۸﴾

آیامیسازیم آنان را که ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند مانند فساد کنندگان درزمین آیامی سازیم پرهیزگاران رامانند بدکاران (۲۸) .

كِتٰبٌ اَنْزَلْنٰهُ اِلَيْكَ مُبٰرَكٌ لِّيَدَّبَّرُوْٓا اٰيٰتِهٖ وَلِيَتَذَكَّرَ اُولُوا الْاَلْبَابِ ﴿۲۹﴾

این قرآن کتابیست بابرکت که فرود آوردیم اورابسوی توتا مردمان تأمل کنند درآیات او تاپند گیرند خداوندان خرد (۲۹) .

وَوَهَبْنَا لِدَاوٗدَ سُلَيْمٰنَ نِعْمَ الْعَبْدُ اِنَّهٗٓ اَوَّابٌ ﴿۳۰﴾

وعطاکردیم داؤد رافرزندی سلیمان نام نیکوبنده بودسلیمان هرآئینه اورجوع کننده بودبخدا (۳۰) .

اِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصّٰفِنٰتُ الْجِيَادُ ﴿۳۱﴾

یادکن چون نموده شداوراوقت شامگاه اسپانِ تیزرو (۳۱) .

فَقَالَ اِنِّيْٓ اَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّيْ حَتّٰى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿۳۲﴾

پس گفت هرآئینه دوست داشتم این اسپان را ازقبیل رغبت بمال اعراض کنان ازذکر پرورد گارخودتاآنکه پنهان شد آفتاب درپرده[1] (۳۲) .

رُدُّوْهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوْقِ وَالْاَعْنَاقِ ﴿۳۳﴾

بازگردانیداین اسپانرا برمن پس شروع کرددست رسانیدن بساقهاوگردن ها[2] (۳۳) .

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمٰنَ وَاَلْقَيْنَا عَلٰى كُرْسِيِّهٖ جَسَدًا ثُمَّ اَنَابَ ﴿۳۴﴾

وهرآئینه آزمودیم سلیمان را وانداختیم برتخت اوکالبدی بازرجوع

---

(۱) یعنی نمازعصر فوت شد .

(۲) یعنی ذبح کرده ساق آنهارابریده ازجهت غیرت برذکر خدای تعالی والله اعلم .

وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ أَهْلَهُۥ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿٤٣﴾

وعطاکردیم اوراهل خانه اوومانند ایشان همراه ایشان بخشائشی ازنزد خود وپندی خداوندانِ خرد را (٤٣) .

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَٱضْرِب بِّهِۦ وَلَا تَحْنَثْ ۗ إِنَّا وَجَدْنَٰهُ صَابِرًا ۚ نِّعْمَ ٱلْعَبْدُ ۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ﴿٤٤﴾

وگفتیم بگیر بدست خود دسته شاخهاپس بزن بآن[1] وخلاف سوگند مکن هرآئینه مااورایافتیم شکیبا نیك بنده بود ایوب هرآئینه اورجوع کننده بخدا بود[2](٤٤).

وَٱذْكُرْ عِبَٰدَنَآ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ أُو۟لِى ٱلْأَيْدِى وَٱلْأَبْصَٰرِ ﴿٤٥﴾

ویادکن بندگان ماابراهیم واسحق ویعقوب را خداوندان دست ها وچشم ها[3] (٤٥) .

إِنَّآ أَخْلَصْنَٰهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى ٱلدَّارِ ﴿٤٦﴾

هرآئینه مایکروساختیم ایشانرا برای خصلتی پاك که یادکردن آخرت ست(٤٦) .

وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ ٱلْمُصْطَفَيْنَ ٱلْأَخْيَارِ ﴿٤٧﴾

وهرآئینه ایشان نزد ماازبرگزید گان نیکان بودند(٤٧) .

وَٱذْكُرْ إِسْمَٰعِيلَ وَٱلْيَسَعَ وَذَا ٱلْكِفْلِ ۖ وَكُلٌّ مِّنَ ٱلْأَخْيَارِ ﴿٤٨﴾

ویادکن اسماعیل والیسع وذوالکفل را وهریکی ازنیکان بودند (٤٨) .

هَٰذَا ذِكْرٌ ۚ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَـَٔابٍ ﴿٤٩﴾

این قرآن پندی هست وهرآئینه پرهیزگاران را نیك بازگشت ست (٤٩) .

جَنَّٰتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ ٱلْأَبْوَٰبُ ﴿٥٠﴾

بوستانهای دائم ست کشاده کرده برای ایشان دروازه ها (٥٠) .

مُتَّكِـِٔينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَٰكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥١﴾

تکیه کنان درآنجا می‌طلبند آنجامیوهٔ بسیار وشراب را (٥١) .

---

(١) یعنی زن خودرا .

(٢) یعنی ایوب علیه السلام سوگند خورده بودکه زن خودراصدضربه بزند خدای تعالیٰ بروی سهل ساخت .

(٣) یعنی علم وعمل هردوبکمال داشتند والله اعلم .

ازبدان[1] (٦٢) .

أَتَّخَذْنَٰهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ ٱلْأَبْصَٰرُ ﴿٦٣﴾

آیا مسخره میگرفتیم ایشان را یابرگشته است ازایشان دیده ها (٦٣) .

إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ ٱلنَّارِ ﴿٦٤﴾

هرآئینه این راست ست مراد ازآن خصومت کردنِ اهل دوزخ ست بایکدیگر (٦٤) .

قُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ مُنذِرٌ ۖ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُ ٱلْوَٰحِدُ ٱلْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾

بگوجزاین نیست که من ترساننده ام ونیست هیچ معبود برحق مگر خدای یگانه زیادقوتمند (٦٥) .

رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفَّارُ ﴿٦٦﴾

پرورد گار آسمان ها وزمین وآنچه میان این هاست غالب آمرزگار (٦٦) .

قُلْ هُوَ نَبَؤٌا عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾

بگواین خبری بزرگ ست (٦٧) .

أَنتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾

شماازوی روگرداننده اید (٦٨) .

مَا كَانَ لِىَ مِنْ عِلْمٍۭ بِٱلْمَلَإِ ٱلْأَعْلَىٰٓ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾

نیست مراهیچ دانش بحال این جماعت بلند قدر ازفرشتگان چون بایکدیگر سوال وجواب میکنند (٦٩) .

إِن يُوحَىٰٓ إِلَىَّ إِلَّآ أَنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾

وحی فرستاده نمی شود بسوی من مگر آنکه من ترسانندهٔ آشکارم (٧٠) .

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّى خَٰلِقٌۢ بَشَرًا مِّن طِينٍ ﴿٧١﴾

ویادکن چون گفت پرورد گارتوبه فرشتگان هرآئینه من آفریننده ام آدمی را ازگِل (٧١) .

فَإِذَا سَوَّيْتُهُۥ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِى فَقَعُوا۟ لَهُۥ سَٰجِدِينَ ﴿٧٢﴾

پس چون راست کنم اورا وبدمم دروی روح خود را پس درافتید اورا سجده کنان (٧٢) .

فَسَجَدَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٧٣﴾

پس سجده کردند فرشتگان تمام ایشان همه یك جا (٧٣) .

---

(١) یعنی فقراء مسلمین .

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿٨٧﴾
وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُۥ بَعْدَ حِينٍۭ ﴿٨٨﴾

نیست قرآن مگرپندی عالم هارا (۸۷) .
والبته خواهید دانست صدق آنرابعد زمانی(۸۸) .

سُورَةُ الزُّمَرِ

سوره زمر مکی است وآن هفتاد پنج آیت و هشت رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشایندهٔ مهربان .

تَنزِيلُ الْكِتَٰبِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾

فروفرستادنِ این کتاب ازجانب خدای غالب باحکمت ست (۱) .

إِنَّآ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ الْكِتَٰبَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّينَ ﴿٢﴾

هرآئینه مافروفرستادیم بسوی تو کتاب را براستی پس عبادت کن خدارا خالص کرده برای اوپرستش را (۲) .

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۚ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰٓ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِى مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِى مَنْ هُوَ كَٰذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾

آگاه باش مرخدارا است[1] پرستش کردن خالص[2] وآنانکه دوستان گرفتند بجز خدا (وگفتند)عبادت نمی کنیم ایشان را مگربرای آنکه نزدیك سازندمارا بخدا درمرتبه قرب هرآئینه خداحکم میکند میان ایشان درآنچه ایشان درآن اختلاف دارند هر آئینه خدا راه نمی نماید کسی را که اودروغگو بسیارناسپاس است (۳) .

لَّوْ أَرَادَ اللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّٱصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ سُبْحَٰنَهُۥ ۖ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٤﴾

ا گرخواستی خدا که فرزند گیرد البته برگزیدی ازآنجمله که خلق کرده ست چیزی را که میخواست پاکی اوراست اوست خدای یگانه باقوت (٤) .

---

(۱) یعنی مقبول نزد اوست .
(۲) یعنی بغیر شرك .

أَنْدَادًا لِّيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا ۖ إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ﴿٨﴾

خود فراموش سازد آنچه دعا میکرد بجهت اوپیش ازین ومقررکند برای خدا همسران راتاگمراه کند ازراهِ خدا بگوبهره مندباش بکفر خود اندك زمانی هرآئینه تو ازاهل دوزخی (٨) .

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ ۗ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٩﴾

(آیاآن ناسپاس مشرك بهترست) یا کسیکه اوعبادت کننده است درساعتهائی ازشب سجده کنان وایستاده شده می ترسد ازآخرت وامیدمیدارد رحمت پروردگار خودرا بگوآیا برابر میشوند آنانکه می دانند وآنانکه نمیدانند جزاین نیست که پندپذیر میشوند خداوندان خرد (٩) .

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ ۚ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۗ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ ۗ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾

بگو(یامحمد) ازطرف من ای بندگان من که ایمان آورده اید بترسید ازپروردگار خودمرآنانراکه نیکوکاری کردند درین دنیا حالت نیك باشد وزمین خدا کشاده است جزاین نیست که تمام داده میشودصابران را مزدایشان بیشمار[1] (١٠) .

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّينَ ﴿١١﴾

بگو هرآئینه فرموده شده مرا که عبادت کنم خدای را خالص ساخته برای اوپرستش (١١) .

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾

وفرموده شد مرابآنکه باشم نخستین مسلمانان (١٢) .

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣﴾

بگو هرآئینه من میترسم اگر نافرمانی پرورد گارخود کنم ازعذاب روزِبزرگ (١٣) .

قُلِ اللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَّهُ دِينِي ﴿١٤﴾

بگوخدارا عبادت میکنم خالص ساخته

---

(١) درین آیت تعریض ست بهجرتِ حبشه .

خلاف نمی کند خدا وعده را (۲۰) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَسَلَكَهٗ يَنَابِيْعَ فِي الْاَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهٖ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا اَلْوَانُهٗ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرٰىهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهٗ حُطَامًا اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَذِكْرٰى لِاُولِي الْاَلْبَابِ ﴿۲۱﴾

آیانه دیدی که خدافروفرستاد ازآسمان آب پس درآورد آن را به چشمه هادرزمین بازبرمی آرد بسبب آن کشت را گونا گون اقسامِ اوباز خشك میشود پس می بینی آنرا زرد شده بازمیکند آنراریزه ریزه هرآئینه دراین مقدمه پندی هست خداوندانِ خردرا (۲۱) .

اَفَمَنْ شَرَحَ اللّٰهُ صَدْرَهٗ لِلْاِسْلَامِ فَهُوَ عَلٰى نُوْرٍ مِّنْ رَّبِّهٖ فَوَيْلٌ لِّلْقٰسِيَةِ قُلُوْبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿۲۲﴾

آیاکسی که کشاده کرده است خدا سینهٔ اورا برای دین اسلام پس او بر روشنی باشدازجانب پروردگارخود (مانند سخت دلان ست) پس وای آنانرا که سخت ست دل ایشان ازیادکردن خداایشانند درگمراهی ظاهر (۲۲) .

اَللّٰهُ نَزَّلَ اَحْسَنَ الْحَدِيْثِ كِتٰبًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُوْدُ الَّذِيْنَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِيْنُ جُلُوْدُهُمْ وَقُلُوْبُهُمْ اِلٰى ذِكْرِ اللّٰهِ ذٰلِكَ هُدَى اللّٰهِ يَهْدِيْ بِهٖ مَنْ يَّشَآءُ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ هَادٍ ﴿۲۳﴾

خدا نازل ساخت بهترین سخن، کتابی که بعض اومانند دیگر ست آیات دوتو[1] موی خیزمیشود ازشنیدن آن پوست های آنانکه میترسنداز‌پروردگار خود بعدازآن نرم میشود پوست های ایشان ودل های ایشان هنگام ذکر خدا این ست هدایت، خدا راه می نمایدبآن هرکرا خواهد وهرکرا گمراه کند خداپس نیست اورا هیچ راه نماینده (۲۳) .

اَفَمَنْ يَّتَّقِيْ بِوَجْهِهٖ سُوْٓءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَقِيْلَ

آیاکسی که احترازمی کند بروی خود ازسختی عذاب روزقیامت[2] وگفته شود

---

(۱) یعنی وعده یاوعید وانذاریا بشارت .

(۲) یعنی بجز روی چیزی نیابد که عذاب را بآن نگه دارد وما نندا‌هل نجات باشد .

فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللّٰهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ اِذْ جَآءَهٗ ؕ اَلَيْسَ فِىْ جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكٰفِرِيْنَ ﴿٣٢﴾

پس کیست ستمگارتر ازکسی که دروغ بربست برخدا ودروغ پنداشت دین راست را چون بیامدباو آیانیست دردوزخ جائی برای کافران (۳۲) .

وَالَّذِىْ جَآءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهٖٓ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُتَّقُوْنَ ﴿٣٣﴾

وآنکه آورد دین راست را وباورداشت آن را آنجماعت ایشانند متقیان (۳۳) .

لَهُمْ مَّا يَشَآءُوْنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ؕ ذٰلِكَ جَزٰٓؤُا الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٣٤﴾

ایشان راست آنچه خواهند نزد پروردگار ایشان اینست جزای نیکو کاران (۳٤) .

لِيُكَفِّرَ اللّٰهُ عَنْهُمْ اَسْوَاَ الَّذِىْ عَمِلُوْا وَيَجْزِيَهُمْ اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ الَّذِىْ كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٣٥﴾

تازائل کند خداازایشان بدترین آنچه کردند وبدهدایشان را مزدایشان بحسب نیکوترین آنچه می کردند (۳۵) .

اَلَيْسَ اللّٰهُ بِكَافٍ عَبْدَهٗ ؕ وَيُخَوِّفُوْنَكَ بِالَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهٖ ؕ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ هَادٍ ﴿٣٦﴾

آیا نیست خدا کارسازبندهٔ خودرا ومی ترسانند ترا بآنانکه غیر خدا یند وهرکرا گمراه کند خدا پس نیست اوراهیچ راه نماینده (۳٦) .

وَمَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ مُّضِلٍّ ؕ اَلَيْسَ اللّٰهُ بِعَزِيْزٍ ذِى انْتِقَامٍ ﴿٣٧﴾

وهرکرا راه نماید خداپس نیست اورا هیچ گمراه کننده آیانیست خداغالب خداوند انتقام (۳۷) .

وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ لَيَقُوْلُنَّ اللّٰهُ ؕ قُلْ اَفَرَءَيْتُمْ مَّا تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ اَرَادَنِىَ اللّٰهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كٰشِفٰتُ ضُرِّهٖٓ اَوْ اَرَادَنِىْ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكٰتُ رَحْمَتِهٖ ؕ قُلْ حَسْبِىَ اللّٰهُ ؕ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُوْنَ ﴿٣٨﴾

وا گربه بپرسی ایشان را کِه آفرید آسمان ها وزمین را البته بگویند خداآفرید بگودیدید آن را که می پرستید بغیراز خدا اگرخواهد درحق من خدای تعالی سختی راآیااین بتان دفع کنندهٔ سختی او هستند یاا گر خواهددرحق من بخشائشی آیااین بتان بازدارندهٔ بخشائشِ اوهستند بگوبس ست مراخدا بروی توکل می کنند توکل کنندگان (۳۸) .

قُلْ يٰقَوْمِ اعْمَلُوْا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنِّىْ عَامِلٌ ۚ فَسَوْفَ

بگوای قوم من عمل کنید بروضعِ

وَالشَّهَادَةِ اَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٤٦﴾

میان بندگان خود در چیزیکه ایشان درآن اختلاف میکردند (٤٦) .

وَلَوْ اَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ﴿٤٧﴾

وا گرباشدآنانراکه ستم کردند آنچه درزمین ست همه یك جا ومانندآن همراه آن البته عوض خود دهندآن را بسبب سختی عذاب روزِ قیامت وظاهر شدبرای ایشان ازجانب خدا آنچه گمان نمی داشتند (٤٧) .

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٤٨﴾

وظاهر شدبرای ایشان جزای بدآنچه کرده بودند ودرگیرد ایشان را آنچه بدان استهزاء میکردند (٤٨) .

فَاِذَا مَسَّ الْاِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ اِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ اِنَّمَا اُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾

پس چون برسد آدمی راسختی بخواندمارا بازچون بدهیم اورا نعمتی ازطرف خود گوید جزاین نیست که داده شده است این نعمت مرا بنابر دانشی که در منست بلکه این نعمت آزمایشی ست ولیکن اکثر ایشان نمی دانند (٤٩) .

قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا اَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾

هرآئینه گفتند این سخن را آنانکه پیش از ایشان بودند پس دفع نه کرد ازایشان بلارا آنچه میکردند (٥٠) .

فَاَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هٰؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٥١﴾

پس رسید بدیشان عقوبت های آنچه کردند آنانکه ستم کردند ازین جماعت خواهد رسید بدیشان عقوبت های آنچه کردند ونیستند ایشان عاجز کننده (٥١) .

اَوَلَمْ يَعْلَمُوا اَنَّ اللهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾

آیانه دانسته اند که خدا کشاده میسازد رزق را برای هرکه میخواهد و تنگ میکند برای هرکه خواهد هرآئینه درین کارنشانه هاست قومی را که ایمان می آرند (٥٢) .

مُسْوَدَّةٌ اَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِيْنَ ﴿٦٠﴾

برخدا چهره های ایشان سیاه شده است آیانیست دردوزخ جای برای متکبران (٦٠) .

وَيُنَجِّي اللّٰهُ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوْٓءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿٦١﴾

ونجات دهد خدا متقیان را قرین رستگاری خویش شده نه رسد بدیشان سختی ونه اندوهگین شوند (٦١) .

اَللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَّهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَّكِيْلٌ ﴿٦٢﴾

خداآفریننده هرچیزست واو برهرچیز خبر گیرنده است (٦٢) .

لَهٗ مَقَالِيْدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿٦٣﴾

مراوراست کلید های آسمان ها و زمین[1] وآنانکه کافرشد ند به آیت های خدا این جماعت ایشانند زیان کاران (٦٣) .

قُلْ اَفَغَيْرَ اللّٰهِ تَاْمُرُوْٓنِّيْٓ اَعْبُدُ اَيُّهَا الْجٰهِلُوْنَ ﴿٦٤﴾

بگوآیا می‌فرمائید بمن که پرستش کنم غیر خدا را ای نادانان (٦٤) .

وَلَقَدْ اُوْحِيَ اِلَيْكَ وَاِلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكَ ۚ لَئِنْ اَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿٦٥﴾

وهرآئینه وحی فرستاده شد (یا محمد) بسوی توو بسوی آنانکه پیش ازتو بودند که اگر شریك خدا مقررکنی البته نابودگردد عمل تو والبته شوی اززیان کاران (٦٥) .

بَلِ اللّٰهَ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِّنَ الشّٰكِرِيْنَ ﴿٦٦﴾

بلکه خدا را فقط عبادت کن وبشو ازسپاسداران (٦٦) .

وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ ۖ وَالْاَرْضُ جَمِيْعًا قَبْضَتُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِيّٰتٌۢ بِيَمِيْنِهٖ ۚ سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٦٧﴾

ونه شناختند خدارا حقِ شناختن او وزمین همه یك جا درمشت اوباشد روزقیامت وآسمان ها پیچیده شوند در دست راست اوپاکی اوراست وبرتراست ازآنکه شریك اومقررمیکنند (٦٧) .

وَنُفِخَ فِي الصُّوْرِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ

ودمیده شود در صورپس بمیرد هرکه در آسمان ها وهرکه درزمین ست

---

(١) یعنی مختار و متصرف اوست .

جاویدان (۷۳) .

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَاَوْرَثَنَا الْاَرْضَ نَتَبَوَّاُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَآءُ فَنِعْمَ اَجْرُ الْعٰمِلِيْنَ ﴿٧٤﴾

وگویند سپاس خدای راست که راست کردباما وعدهٔ خودرا وعطا کردمارا زمین جای میگیریم از بهشت هرجاکه خواهیم پس نیك مزدِ کارکنند گان ست بهشت (۷٤) .

وَتَرَى الْمَلٰٓئِكَةَ حَآفِّيْنَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيْلَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٧٥﴾

وببینی فرشتگان را گردا گردشده حوالی عرش تسبیح میگویند همراه ستائش پروردگار خویش وحکم کرده شود میان ایشان براستی [۱] وگفته شود ستائشِ خدای راست پروردگارعالم ها (۷۵) .

سوره غافر - مؤمن مکی است وآن هشتاد وپنج آیت و نه رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

حٰمٓ ﴿١﴾

حٰمٓ (۱) .

تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ ﴿٢﴾

فروفرستادن کتاب ازجانب خدای غالب داناست (۲) .

غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيْدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اِلَيْهِ الْمَصِيْرُ ﴿٣﴾

آمرزندهٔ گناه وپذیرندهٔ توبه سخت کننده عقوبت خداوندِ توانگری، نیست هیچ معبود برحق مگراوبسوی اوست بازگشت (۳) .

مَا يُجَادِلُ فِيْٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ اِلَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ﴿٤﴾

مکابره نمی کنند درآیت های خدا مگر کافران پس درفریب نیندازد ترا آمدورفت ایشان درشهر ها (٤) .

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوْحٍ وَّالْاَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ

تکذیب کردند پیش ازایشان قوم نوح و

(۱) یعنی دراختصام ملاء اعلی .

مَقْتِكُمْ اَنْفُسَكُمْ اِذْ تُدْعَوْنَ اِلَى الْاِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ﴿١٠﴾

شمارا وقتیکه خوانده می شدید دردنیا بسوی ایمان پس کافر می ماندید زیاده ترست ازدشمن داشتنِ شما خود را (١٠).

قَالُوا رَبَّنَا اَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَاَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ اِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ﴿١١﴾

گویند ای پروردگارما میراندی مارا دوبار زنده گردانیدی مارادوبار پس اعتراف کردیم به گناهان خود پس آیا بسوی بیرون رفتن راهی هست یعنی حیله ای هست[1] (١١).

ذٰلِكُمْ بِاَنَّهُ اِذَا دُعِيَ اللّٰهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَاِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلّٰهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ﴿١٢﴾

این عذاب بسبب آنست که چون یادکرده میشد خداتنهاانکار میکردید وا گرشریك اومقرر کرده میشد باور میداشتید پس فرمان خدای بلند قدر وبزرگوار راست (١٢).

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ اٰيٰتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاۤءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ اِلَّا مَنْ يُنِيبُ ﴿١٣﴾

اوست آنکه مینماید شمارا نشانه های خود وفرو میفرستد برای شما ازآسمان رزق را و پندپذیر نمی شود مگر کسیکه رجوع میکند بخدا (١٣).

فَادْعُوا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكٰفِرُونَ ﴿١٤﴾

پس یادکنید خدا را، یك جهت ساخته برای اوعبادت را اگرچه ناخوش دارند کافران (١٤).

رَفِيعُ الدَّرَجٰتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ اَمْرِهِ عَلٰى مَنْ يَشَاۤءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ﴿١٥﴾

اوست بلند کنندهٔ مرتبه ها خداوندِ عرش، می اندازد روحی راازفرمان خود برهرکه خواهد ازبندگان خودتابترساند آن بنده ازروز ملاقات (١٥).

يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ ۚ لَا يَخْفٰى عَلَى اللّٰهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ۚ لِمَنِ

روزیکه ایشان بیرون آیند[2] پوشیده نباشد

---

(١) یعنی گویند باخداوفرشتگان .

(٢) یعنی ازقبور .

فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ اِنَّهٗ قَوِیٌّ شَدِیْدُ الْعِقَابِ ﴿٢٢﴾

ایشان کافرشدند پس گرفتار کرد ایشانرا خدا، هرآئینه خداتوانا سخت عقوبت ست (٢٢) .

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مُوْسٰی بِاٰیٰتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِیْنٍ ﴿٢٣﴾

وهرآئینه فرستادیم موسیٰ را به نشانه های خویش وحجت ظاهر (٢٣) .

اِلٰی فِرْعَوْنَ وَهَامٰنَ وَقَارُوْنَ فَقَالُوْا سٰحِرٌ کَذَّابٌ ﴿٢٤﴾

بسوی فرعون وهامان وقارون پس گفتند جادوگری دروغگو ست (٢٤) .

فَلَمَّا جَآءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوْٓا اَبْنَآءَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ وَاسْتَحْیُوْا نِسَآءَهُمْ وَمَا کَیْدُ الْکٰفِرِیْنَ اِلَّا فِیْ ضَلٰلٍ ﴿٢٥﴾

پس چون آمد بدیشان به پیغام راست ازنزدیك ما گفتند بکشید فرزندانِ آنانکه ایمان آوردند همراه اووزنده گذاریدزنان ایشان را ونیست حیله سازِی کافران مگر درتباهی (٢٥) .

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُوْنِیْٓ اَقْتُلْ مُوْسٰی وَلْیَدْعُ رَبَّهٗ اِنِّیْٓ اَخَافُ اَنْ یُّبَدِّلَ دِیْنَکُمْ اَوْ اَنْ یُّظْهِرَ فِی الْاَرْضِ الْفَسَادَ ﴿٢٦﴾

وگفت فرعون ای یاران بگذارید مراتابکشم موسیٰ را وباید که دعا کند پروردگار خویش را هرآئینه من می ترسم ازآنکه بدل کند دین شمارا یا پدید آرد در زمین فساد را (٢٦) .

وَقَالَ مُوْسٰٓی اِنِّیْ عُذْتُ بِرَبِّیْ وَرَبِّکُمْ مِّنْ کُلِّ مُتَکَبِّرٍ لَّا یُؤْمِنُ بِیَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٢٧﴾

وگفت موسیٰ هرآئینه من پناه گرفتم به پروردگارخود و پروردگار شما ازشرهرمتکبری که باور نمیدارد روزِحساب را (٢٧) .

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ یَکْتُمُ اِیْمَانَهٗٓ اَتَقْتُلُوْنَ رَجُلًا اَنْ یَّقُوْلَ رَبِّیَ اللّٰهُ وَقَدْ جَآءَکُمْ بِالْبَیِّنٰتِ مِنْ رَّبِّکُمْ وَاِنْ یَّکُ کَاذِبًا فَعَلَیْهِ کَذِبُهٗ وَاِنْ یَّکُ صَادِقًا یُّصِبْکُمْ بَعْضُ الَّذِیْ یَعِدُکُمْ اِنَّ اللّٰهَ لَا یَهْدِیْ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ کَذَّابٌ ﴿٢٨﴾

وگفت مردی مسلمان ازخویشانِ فرعون که پنهان میداشت ایمانِ خود را آیامی کشید مردی را بسبب آنکه میگویدپروردگار من خداست وهرآئینه آورده است پیش شما نشانه ها ازجانب پروردگارشماوا گربفرض دروغگو باشد پس وبالِ دروغگوئی اوبراوست وا گرراست گوباشد البته برسد به شما بعض آنچه

عِنْدَ اللّٰهِ وَعِنْدَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٣٥﴾

حجتی که آمده باشد پیش ایشان سخت ناپسند شداین مکابرهٔ ایشان نزدیك خدا ونزدیك آنانکه ایمان آوردند همچنین مُهرمی نهد خدا برهردل متکبرسرکش (۳۵) .

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يٰهَامٰنُ ابْنِ لِيْ صَرْحًا لَّعَلِّيْٓ اَبْلُغُ الْاَسْبَابَ ﴿٣٦﴾

وگفت فرعون ای هامان بساز برای من کو شکی تاباشد که برسم باین راه ها (۳۶) .

اَسْبَابَ السَّمٰوٰتِ فَاَطَّلِعَ اِلٰٓى اِلٰهِ مُوْسٰى وَاِنِّيْ لَاَظُنُّهٗ كَاذِبًا ۭ وَكَذٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوْۗءُ عَمَلِهٖ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيْلِ ۭ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ اِلَّا فِيْ تَبَابٍ ﴿٣٧﴾

راه های آسمان ها تادرنگرم بسوی پرورد گارِموسیٰ وهرآئینه دروغگو می پندارمش وهمچنین آراسته شددرنظر فرعون عملِ بد او وبازداشته شد از راه صواب ونبودحیله سازی فرعون مگردرتباهی (۳۷) .

وَقَالَ الَّذِيْٓ اٰمَنَ يٰقَوْمِ اتَّبِعُوْنِ اَهْدِكُمْ سَبِيْلَ الرَّشَادِ ﴿٣٨﴾

وگفت آنکه ایمان آورده بود ای قوم من پیروی من کنید تادلالت کنم شمارا براه راست (۳۸) .

يٰقَوْمِ اِنَّمَا هٰذِهِ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ ۡ وَاِنَّ الْاٰخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ﴿٣٩﴾

ای قوم من جزاین نیست که این زندگانی اندك بهره است وهرآئینه آخرت همونست سرای همیشه بودن (۳۹) .

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزٰٓى اِلَّا مِثْلَهَا ۚ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَاُولٰۗىِٕكَ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُوْنَ فِيْهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾

هرکه بعمل آرد کارِ بد جزا داده نخواهد شد الّامانندِ آن وهرکه بجاآرد کارِشائسته خواه از جنس مرد خواه ازجنس زن واومومن بود پس درآیند آنجماعت به بهشت رزق داده شود ایشان را آن جابی شمار (٤٠) .

وَيٰقَوْمِ مَا لِيْٓ اَدْعُوْكُمْ اِلَى النَّجٰوةِ وَتَدْعُوْنَنِيْٓ اِلَى النَّارِ ﴿٤١﴾

و ای قوم من چیست مراکه میخوانم شمارا بسوی نجات وشما میخوانید مرا بسوی دوزخ (٤١) .

يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ﴿٤٩﴾

تاسبك كندازما حصهٔ يك روزى ازعذاب (٤٩) .

قَالُوْٓا اَوَلَمْ تَكُ تَاْتِيْكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنٰتِ ۭ قَالُوْا بَلٰى ۭ قَالُوْا فَادْعُوْا ۚ وَمَا دُعٰٓؤُا الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ ﴿٥٠﴾

گويند نگاهبانان آيا نمى آمدند بشما پيغمبران شمابه معجزه ها گويند آرى، نگاهبانان گويند پس شما دعاكنيد و نيست دعاى كافران مگردرتباهى (٥٠) .

اِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُوْمُ الْاَشْهَادُ ﴿٥١﴾

هرآئينه ما نصرت دهيم پيغامبرانِ خويش را وآنان را كه ايمان آوردند در زندگانى دنيا ونيز روزيكه قائم شوند گواهان[1] (٥١) .

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظّٰلِمِيْنَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوْۗءُ الدَّارِ ﴿٥٢﴾

روزيكه سودنه دهد ستمگاران را عذرآوردنِ ايشان وايشانراست لعنت وايشانراست عقوبتِ آن سراى (٥٢) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْهُدٰى وَاَوْرَثْنَا بَنِيْٓ اِسْرَاۗءِيْلَ الْكِتٰبَ ﴿٥٣﴾

وهرآئينه داديم موسىٰ را هدايت و وارثِ كتاب ساختيم بنى اسرائيل را (٥٣) .

هُدًى وَّذِكْرٰى لِاُولِي الْاَلْبَابِ ﴿٥٤﴾

برای راه نمودن وپنددادن خداوندانِ خِرَدرا (٥٤) .

فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَّاسْتَغْفِرْ لِذَنْۢبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْاِبْكَارِ ﴿٥٥﴾

پس صبر كن هرآئينه وعدهٔ خداراست است وآمرزش طلب كن براى گناهِ خود وتسبيح گو باستائش پرورد گارخود به شام وبامداد (٥٥) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ بِغَيْرِ سُلْطٰنٍ اَتٰىهُمْ ۙ اِنْ فِيْ صُدُوْرِهِمْ اِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيْهِ ۚ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ ۭ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ ﴿٥٦﴾

هرآئينه آنانكه مكابره ميكنند درآيت هاى خدا بغير حجتى كه آمده باشد بايشان نيست درسينه هاى ايشان مگر ارادهٔ غلبه كه نيستند ايشان رسنده بآن پس پناه طلب كن از خداهرآئينه خدا اوست

---

(١) يعنى فرشتگان گواهى دهند .

وَصَوَّرَكُمْ فَاَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ فَتَبٰرَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٦٤﴾

بست شمارا پس نیکوساخت صورت های شما وروزی داد شمارا ازپاکیزه ها این ست خدا پرورد گارشما پس بسیار بابرکت ست خدای پرورد گارعالمها (٦٤) .

هُوَ الْحَيُّ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَادْعُوْهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٦٥﴾

اوست زنده نیست هیچ معبود برحقی مگراو پس عبادت کنید اورایك جهت ساخته برای اوعبادت ستائش خدای پرورد گارعالمها راست (٦٥) .

قُلْ اِنِّيْ نُهِيْتُ اَنْ اَعْبُدَ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ لَمَّا جَآءَنِيَ الْبَيِّنٰتُ مِنْ رَّبِّيْ وَاُمِرْتُ اَنْ اُسْلِمَ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٦٦﴾

بگوهرآئینه من منع کرده شدم ازآنکه عبادت کنم آنان را که شمامی پرستید بجز خداوقتیکه آمدبمن نشانه ها ازجانب پروردگار من وفرموده شد مراکه منقادشوم پروردگار عالمهارا (٦٦) .

هُوَ الَّذِيْ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوْٓا اَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُوْنُوْا شُيُوْخًا وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّتَوَفّٰى مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوْٓا اَجَلًا مُّسَمًّى وَّلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿٦٧﴾

اوست آنکه آفریدشمارا ازخاك باز ازنطفهٔ منی بازازخون بسته بازبیرون می آردشمارا کودك شده باز باقی میگذارد تابرسید به نهایت قوت خودباز باقی میگذارد تا شوید پیرکلان سال وبعض ازشماکسی هست که قبض روح اوکرده شود پیش ازین وباقی میگذارد تا برسید بمدتی معین وتابُودکه بفهمید (٦٧) .

هُوَ الَّذِيْ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ فَاِذَا قَضٰٓى اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُوْلُ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ ﴿٦٨﴾

اوست آنکه زنده می کند ومی میراند پس چون بخواهد (پیداکردن) چیزی را پس جزاین نیست که می گویدش بشوپس می شود (٦٨) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ اَنّٰى يُصْرَفُوْنَ ﴿٦٩﴾

آیا نه دیدی بسوی آنانکه مکابره میکنند درآیاتِ خدا چگونه گردانیده می شوند (٦٩) .

كرده شود براستى وزيان كارشدند آنجابيهوده گويان (٧٨) .

اَللّٰهُ الَّذِىْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَنْعَامَ لِتَرْكَبُوْا مِنْهَا وَمِنْهَا تَاْكُلُوْنَ ﴿٧٩﴾

خداآنست كه بيافريد براى شما حيوانات را تاسوارشويد بربعض آنهاوبعض آنهارا ميخوريد (٧٩) .

وَلَكُمْ فِيْهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوْا عَلَيْهَا حَاجَةً فِىْ صُدُوْرِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُوْنَ ﴿٨٠﴾

وشمارا درچهارپايان منفعت هاست وتابرسيد سوارشده برآنهابه مقصدى كه درسينه هاى شما مستقر شده است وبرچهارپايان ونيز بركشتى ها برداشته ميشويد (٨٠) .

وَيُرِيْكُمْ اٰيٰتِهٖ فَاَىَّ اٰيٰتِ اللّٰهِ تُنْكِرُوْنَ ﴿٨١﴾

وخدامينمايد شمارا نشانه هاى خود پس كدام يك ازنشانه هاى خدارا انكار ميكنيد (٨١) .

اَفَلَمْ يَسِيْرُوْا فِى الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوْٓا اَكْثَرَ مِنْهُمْ وَاَشَدَّ قُوَّةً وَّاٰثَارًا فِى الْاَرْضِ فَمَآ اَغْنٰى عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٨٢﴾

آياسيرنكرده اند درزمين تابنگرند چگونه بودآخركار آنانكه پيش ازايشان بودند بودند بيشتر ازايشان وزياده تر به قوت وبه نشانه ها درزمين پس دفع نكرد ازايشان آنچه ميكردند (٨٢) .

فَلَمَّا جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَرِحُوْا بِمَا عِنْدَهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٨٣﴾

پس وقتى كه آمدند بسوى ايشان پيغامبرانِ ايشان بامعجزه ها شادمان شدند بآنچه نزديك ايشان بود از دانش[1] ودرگرفت ايشان را آنچه بآن استهزاء مى كردند (٨٣) .

فَلَمَّا رَاَوْا بَاْسَنَا قَالُوْٓا اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَحْدَهٗ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهٖ مُشْرِكِيْنَ ﴿٨٤﴾

پس وقتيكه ديدند عقوبت مارا گفتند باورداشتيم خداى را تنها و منكرشديم بآنچه كه آنرا شريك مى كرديم (٨٤) .

---

(١) يعنى علمِ معاش .

متوجه شوید بسوی اووطلبِ آمرزش کنیدازو، و وای آن مشرکان را (٦) .

الَّذِيْنَ لَا يُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ كٰفِرُوْنَ ۝٧

آنانکه نمیدهند زکوٰة را وایشان بآخرت نامعتقدند (٧) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُوْنٍ ۝٨

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند ایشانراست مزدِ غیر مقطوع (٨) .

قُلْ اَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُوْنَ بِالَّذِيْ خَلَقَ الْاَرْضَ فِيْ يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُوْنَ لَهٗٓ اَنْدَادًا ۭ ذٰلِكَ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ۝٩

بگوآیاشمانا معتقد می شوید به کسی که آفرید زمین را دردو روز ومقرر میکنید برای اوهمسران را، اینست پرورد گارعالمها (٩) .

وَجَعَلَ فِيْهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبٰرَكَ فِيْهَا وَقَدَّرَ فِيْهَآ اَقْوَاتَهَا فِيْٓ اَرْبَعَةِ اَيَّامٍ ۭ سَوَاۗءً لِّلسَّاۗىِٕلِيْنَ ۝١٠

وپیداکرد درزمین کوه ها بالای آن و برکت نهاد درآن واندازه کرده اندرآن قُوتِ اهلِ آن رادرتتمه چهار روز بیان واضح کرده شدبرای سوال کنند گان (١٠) .

ثُمَّ اسْتَوٰٓى اِلَى السَّمَاۗءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْاَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا قَالَتَآ اَتَيْنَا طَاۗىِٕعِيْنَ ۝١١

بازمتوجه شد بسوی آسمان واومانند دود بود گفت اورا و زمین را نیز بیائید بخوشی یا ناخوشی[1] گفتند هردوآمدیم بخوشی (١١) .

فَقَضٰىهُنَّ سَبْعَ سَمٰوَاتٍ فِيْ يَوْمَيْنِ وَاَوْحٰى فِيْ كُلِّ سَمَاۗءٍ اَمْرَهَا ۭ وَزَيَّنَّا السَّمَاۗءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيْحَ ڰ وَحِفْظًا ۭ ذٰلِكَ تَقْدِيْرُ الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ ۝١٢

پس ساخت آنها را هفت آسمان در دو روزدیگر ووحی فرستاد درهرآسمانی تدبیر آن را و بیاراستیم آسمانِ دنیا را به چراغ ها[2] ونگاهداشتیم[3] این ست

---

(١) یعنی منقادحکم من شوید والله اعلم .
(٢) یعنی ستاره ها .
(٣) یعنی ازشیاطین .

حال باشند[1] که بعض را تابرسیدن بعض ایستاده کرده میشود (۱۹) .

حَتّٰٓى اِذَا مَا جَآءُوْهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَاَبْصَارُهُمْ وَجُلُوْدُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٢٠﴾

تاوقتیکه چون بیایند نزدیك دوزخ گواهی دهدبرایشان گوش ایشان وچشمهای ایشان وپوست های ایشان بآنچه می‌کردند (۲۰) .

وَقَالُوْا لِجُلُوْدِهِمْ لِمَ شَهِدْتُّمْ عَلَيْنَا ۭ قَالُوْٓا اَنْطَقَنَا اللّٰهُ الَّذِيْٓ اَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَّهُوَ خَلَقَكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿٢١﴾

وگفتند پوست های خودرا چرا گواهی دادیدبرما گویند گویاکردماراآن خدای که گویاکرده است هر چیزرا واوبیافریدشمارا اوّل بار وبسوی اوباز گردانیده شوید (۲۱) .

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُوْنَ اَنْ يَّشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَآ اَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُوْدُكُمْ وَلٰكِنْ ظَنَنْتُمْ اَنَّ اللّٰهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيْرًا مِّمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿٢٢﴾

وپنهان نمی شدید (هنگام ارتکاب معاصی ازخوف)[2] آنکه گواهی دهد برشما گوش شما و چشم های شما وپوست های شما ولیکن پنداشتید که خدا نمیداند بسیاری ازآنچه می کنید (۲۲) .

وَذٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِيْ ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ اَرْدٰىكُمْ فَاَصْبَحْتُمْ مِّنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿٢٣﴾

واین گمانِ شما که به غلط اندیشه کردید درحق پرورد گار خویش هلاك کرد شمارا پس زیان کارگشتید (۲۳) .

فَاِنْ يَّصْبِرُوْا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ ۚ وَاِنْ يَّسْتَعْتِبُوْا فَمَا هُمْ مِّنَ الْمُعْتَبِيْنَ ﴿٢٤﴾

پس ا گرصبر کنند پس آتش خوابگاه ایشان ست وا گرعفوطلبند پس نیستند ایشان عفو کرده شدگان (۲٤) .

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُوْا لَهُمْ مَّا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا

و برگماشتیم برای ایشان همنشینان [3] پس آراسته کردند آن همنشینان برای

---

(۱) که بعض راتابرسیدن بعض اشاره کرده می شود .

(۲) یعنی درین دارخوف آنکه .

(۳) یعنی ازشیاطین والله اعلم .

تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾

مخوریدوخوش حال شوید به بهشتی که وعده داده می شدید (۳۰) .

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ۖ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ﴿٣١﴾

ما دوستان شمائیم در زند گانی دنیا ودرآخرت نیز وشماراست درینجا آنچه بطلبد نفس های شما وشمارا ست آنجاآنچه درخواست کنید (۳۱) .

نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ﴿٣٢﴾

بطریق مهمانی ازجانب خدای آمرزگارمهربان (۳۲) .

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾

و کیست نیکوتر باعتبار سخن ازشخصی که دعوت کرد مردمان را بسوی خدا وکار شائسته کردو گفت هرآئینه من ازمسلمانانم(۳۳) .

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ۚ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾

وبرابرنیست نیکی وبدی جواب بازده بخصلتی که آن بهترست پس نا گاه آن کس که میان تومیان وی دشمنی ست گویاوی دوست قریب است (۳٤) .

وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾

ونایل نمی شوند باین خصلت مگر آنانکه صبر کردند ونایل نمی شود باین خصلت مگر صاحبِ نصیب بزرگ (۳۵) .

وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾

وا گر باز گرداند تراوسوسه بازگردانندهٔ آمده ازجانبِ شیطان پس پناه طلب کن بخداهرآئینه خدا اوست شنوا دانا (۳٦).

وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ۚ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾

وازنشانه های اوست شب و روز وخورشید وماه سجده مکنید خورشید را ونه ماه را وسجده کنید برای خدا که آفریداین چیز هاراا گرشماهستید فقط اورا عبادت می کنید (۳۷) .

فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ

پس ا گرتکبر کنند کافران (چه باك) پس آنانکه نزدیك پرورد گارتواند به پاکی یاد

وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِيٓ اٰذَانِهِمْ وَقْرٌ وَّهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ۭ
اُولٰٓئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَّكَانٍۢ بَعِيدٍ ﴿٤٤﴾

ایمان نمی آرند درگوش های ایشان گرانی ست وقرآن برایشان کوریست این جماعت (بمثلِ چنانند) که آواز داده میشوندازجای دور (٤٤) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوسَى الْكِتٰبَ فَاخْتُلِفَ فِيْهِ ۭ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَاِنَّهُمْ لَفِيْ شَكٍّ
مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿٤٥﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ را کتاب پس اختلاف کرده شددرآن واگرنه بودی کلمهٔ تقدیر سابق صادر شده از پرورد گارِتو البته فیصله کرده شدی درمیان ایشان وهرآئینه ایشان درشك قوی اند ازطرفِ قرآن (٤٥) .

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ اَسَاۗءَ فَعَلَيْهَا ۭ وَمَا رَبُّكَ
بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٤٦﴾

هرکه بکند کارنیك پس نفع اوراست وهرکه بدکاری کند پس وبال برویست ونیست پرورد گارتو ستم کننده بربند گان (٤٦) .

اِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ ۭ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرٰتٍ مِّنْ
اَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ اُنْثٰى وَلَا تَضَعُ اِلَّا بِعِلْمِهٖ ۭ وَيَوْمَ
يُنَادِيهِمْ اَيْنَ شُرَكَاۗءِيْ ۙ قَالُوْٓا اٰذَنّٰكَ ۙ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ ﴿٤٧﴾

بسوی خدا حواله کرده میشود معرفتِ قیامت وبیرون نمی آید اجناس میوه ازغلاف های خود ودرشکم بارنمی گیرد هیچ ماده ونمی نهد بارشکم را مگر بدانستِ خدا وروزیکه خداآواز دهد ایشان را که کجایند شریکان من گویند خبردادیم ترا که نیست ازماهیچ کس اثبات کننده شریکان (٤٧) .

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَدْعُوْنَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوْا مَا لَهُمْ مِّنْ
مَّحِيصٍ ﴿٤٨﴾

وگم شد ازنظر ایشان آنچه می پرستید ند پیش ازین ودانستند که نیست ایشان را هیچ مخلصی (٤٨) .

لَا يَسْـَٔمُ الْاِنْسَانُ مِنْ دُعَاۗءِ الْخَيْرِ ۡ وَاِنْ مَّسَّهُ الشَّرُّ
فَيَـُٔوْسٌ قَنُوْطٌ ﴿٤٩﴾

مانده نمی شود آدمی از طلبِ خیرو اگر برسدش سختی پس ناامید طمع برنده است (٤٩) .

سُوْرَةُ الشُّوْرىٰ

سوره شوری مکی است وآن پنجاه وسه آیت و پنج رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

حٰمٓ ①

حٰمٓ (١) .

عٓسٓقٓ ②

عَسَقَ (٢) .

كَذٰلِكَ يُوْحِيْٓ اِلَيْكَ وَاِلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكَ اللّٰهُ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ③

همچنین وحی میفرستد بسوی تو وبسوی آنانکه پیش ازتوبودند خدای غالب باحکمت (٣) .

لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۭ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ ④

اوراست آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمین ست واوست بلند مرتبه بزرگ قدر (٤) .

تَكَادُ السَّمٰوٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلٰۗىِٕكَةُ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُوْنَ لِمَنْ فِي الْاَرْضِ ۭ اَلَآ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ⑤

نزدیك ست که آسمان هابشگافندازجانب بالای خود[1] وفرشتگان تسبیح میگویند همراه حمد پرورد گارخویش وآمرزش طلب می کنند برای آنانکه درزمین اند آگاه شوهرآئینه خدااوست آمرزگار مهربان (٥) .

وَالَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اَوْلِيَاۗءَ اللّٰهُ حَفِيْظٌ عَلَيْهِمْ ۡ وَمَآ اَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيْلٍ ⑥

وآنانکه دوستان گرفتند بجزخدا، خدا نگهبان ست برایشان ونیستی توبرایشان متعهد (٦) .

وَكَذٰلِكَ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لِّتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرٰى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيْهِ ۭ فَرِيْقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيْقٌ فِي السَّعِيْرِ ⑦

وهمچنین وحی فرستادیم بسوی توقرآن عربی تابترسانی اهل مکه را وآنان را که گردا گردآن هستند وبترسانی ازروزقیامت هیچ شبهه نیست درآن گروهی در بهشت باشند وگروهی دردوزخ (٧) .

---

(١) یعنی ازهیبتِ الهی والله اعلم .

خواهد وراه مينماید بسوی خود هر که رجوع میکند[1] (۱۳) .

وَمَا تَفَرَّقُوٓا۟ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِىَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُورِثُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ مِنۢ بَعْدِهِمْ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿١٤﴾

و پراگنده نه شدند امتها مگربعدازآن که آمد بدیشان دانش ازروی حسد درمیان خود و اگر نبودی سخنی که سابقًا صادر شدازپروردگارتو که مهلت داده شوند تا زمانی معین البته فیصله کرده میشد میانِ ایشان وهرآئینه آنانکه داده شد ایشان را کتاب بعدازانبیاء درشبهه قوی اند ازدین (۱٤) .

فَلِذَٰلِكَ فَٱدْعُ ۖ وَٱسْتَقِمْ كَمَآ أُمِرْتَ ۖ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَهُمْ ۖ وَقُلْ ءَامَنتُ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِن كِتَٰبٍ ۖ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ ۖ ٱللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۖ لَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ ۖ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ ۖ ٱللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا ۖ وَإِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٥﴾

پس بسوی دین دعوت کن و قائم باش بحسب آنکه فرموده شدترا وپیروی مکن خواهش این کافران را وبگوایمان آوردم بآنچه فرود آورد خدا هرکتاب که هست و فرموده شد مراکه انصاف کنم میانِ شما خدا پرورد گارماست وپرورد گار شماست ماراعملهای ماست وشمارا عملهای شماست گفتگو نیست میانِ ماومیانِ شما خدا جمع کند میان ماو میان شما[2] وبسوی اوست بازگشت (۱۵) .

وَٱلَّذِينَ يُحَآجُّونَ فِى ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مَا ٱسْتُجِيبَ لَهُۥ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمْ ۖ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿١٦﴾

وآنانکه مکابره می کنند دردین خدا بعد ازآنکه قبول کرده شدفرمان او[3] مکابرهٔ ایشان باطل ست نزدیك پرورد گارایشان

---

(۱) یعنی بسوی حق حاصل آن ست که انبیاء علیهم السلام دراصولِ دین متفق اندواختلافِ شرائع در فروع است وبس والله اعلم .

(۲) یعنی روزقیامت .

(۳) یعنی جمعی دراسلام داخل شدند والله اعلم .

هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٢٢﴾

ها باشند، ایشان را باشد آنچه درخواست کنند نزدیك پروردگار خویش این ست فضلِ بزرگ (٢٢) .

ذٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللّٰهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ قُلْ لَا أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبٰى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾

این آن ثواب ست که مژده میدهد خدابآن بندگان خود را که ایمان آورده اند وکارهای شائسته کرده اند بگونمی طلبم ازشما برتبلیغ قرآن هیچ مزدی لیکن باید که پیش گیرید دوستی درمیان خویشاوندان[1] وهرکه بکند نیکی بیفزائیم برای اودرآن نیکی حُسن را هرآئینه خدا آمرزگار قدرشناس است (٢٣) .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَإِ اللّٰهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللّٰهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمٰتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٤﴾

آیا میگویند پیغامبرافترا کرده است برخدا دروغ را پس ا گرخواهد خدا مُهرنهد بردلِ تو ونابود می سازد خدا بیهوده را واثبات می کند دین درست را به سخن های خود هرآئینه خدا داناست بآنچه درسینه هاست(٢٤) .

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُوا عَنِ السَّيِّاٰتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾

واوست آنکه قبول میکند توبه را از بند گان خود و درمی گذرد از جرمها ومیداند آنچه می کنید (٢٥) .

وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكٰفِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾

وقبول می کند دعای آنانکه ایمان آورده اند وکارهای شائسته کرده اند وزیاده میدهدایشان را ازفضل خود وکافران ایشان راست عذاب سخت (٢٦) .

وَلَوْ بَسَطَ اللّٰهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلٰكِنْ يُنَزِّلُ

واگرفراخ کردی خدا رزق را بر بند گان خود البته فساد میکردند درزمین

---

(١) یعنی بامن صلهٔ رحمی کنید وایذانرسانید .

فَمَآ اُوْتِيْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ وَّاَبْقٰى لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ ۝٣٦

پس آنچه داده شد شما رااز هر جنس که باشد اندك بهره ایست از زند گانی دنیا وآنچه نزدیك خداست بهترست وپائنده ترست برای آنانکه ایمان آورده اند و بر پروردگار خود توکل می کنند (٣٦) .

وَالَّذِيْنَ يَجْتَنِبُوْنَ كَبٰٓئِرَ الْاِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَاِذَا مَا غَضِبُوْا هُمْ يَغْفِرُوْنَ ۝٣٧

وآنانکه پرهیزمی کنند ازگناهان کبیره واز بی حیائی ها وچون بخشم می آیند ایشان می آمرزند (٣٧) .

وَالَّذِيْنَ اسْتَجَابُوْا لِرَبِّهِمْ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ ۪ وَاَمْرُهُمْ شُوْرٰى بَيْنَهُمْ ۪ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ۝٣٨

وآنانکه قبول کردند فرمان پرورد گارخود را وبرپاداشتند نماز را وکارایشان ازسرِ مشورت باشد بایکدیگر وازآنچه روزی دادیم ایشان را خرچ می کنند (٣٨) .

وَالَّذِيْنَ اِذَآ اَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُوْنَ ۝٣٩

وآنانکه چون برسد بدیشان تعدی، ایشان انتقام می کشند[1] (٣٩) .

وَجَزٰٓؤُا سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا ۚ فَمَنْ عَفَا وَاَصْلَحَ فَاَجْرُهٗ عَلَى اللّٰهِ ۚ اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الظّٰلِمِيْنَ ۝٤٠

وسزای بدی بدی ست مانندِآن پس هرکه درگـذرد وقضیـه رابـاصـلاح آرد پـس مزدِاوبرخداست هرآئینه خدا دوست نمی دارد ظالمان را (٤٠) .

وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهٖ فَاُولٰٓئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيْلٍ ۝٤١

وهرآئینه کسی که انتقام کشد بعد مظلوم شدنِ خود پس آنجماعت نیست برایشان هیچ راه ملامت (٤١) .

اِنَّمَا السَّبِيْلُ عَلَى الَّذِيْنَ يَظْلِمُوْنَ النَّاسَ وَيَبْغُوْنَ فِى الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۭ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝٤٢

جزاین نیست که راه ملامت برآن جماعت است که ظلم می کنند برمردمان وفساد می طلبند درزمین به ناحق آن جماعت ایشان راست عذاب درد دهنده (٤٢) .

---

(١) مترجم گوید یعنی اگربرضعیفی ظالم تعدی کند بزرگانِ قبیله متفق شوند وانتقام کشند والله اعلم .

واگر برسد بآدمیان مصیبتی بسبب آنچه فرستاده است دست های ایشان پس هرآئینه آدمی ناسپاس است (٤٨) .

لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ يَخْلُقُ مَا يَشَاۗءُ ۭ يَهَبُ لِمَنْ يَّشَاۗءُ اِنَاثًا وَّيَهَبُ لِمَنْ يَّشَاۗءُ الذُّكُوْرَ ۝٤٩

خدای راست پادشاهی آسمان هاوزمین می آفریند هرچه خواهد عطا می کند دختران هرکرا خواهد وعطامی کند پسران هرکرا خواهد (٤٩) .

اَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَّاِنَاثًا ۚ وَيَجْعَلُ مَنْ يَّشَاۗءُ عَقِيْمًا ۭ اِنَّهٗ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ ۝٥٠

یا جمع کند برای ایشان پسران ودختران ومیسازد هرکرا خواهد نزائنده هرآئینه اودانا است (٥٠) .

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُّكَلِّمَهُ اللّٰهُ اِلَّا وَحْيًا اَوْ مِنْ وَّرَاۗيِٕ حِجَابٍ اَوْ يُرْسِلَ رَسُوْلًا فَيُوْحِيَ بِاِذْنِهٖ مَا يَشَاۗءُ ۭ اِنَّهٗ عَلِيٌّ حَكِيْمٌ ۝٥١

وممکن نیست هیچ آدمی را که سخن گوید با اوخدا مگر باشارت یااز پس پرده یا بفرستد فرشته را پس نازل کند بحکم خدا آنچه خدا خواسته است هرآئینه خدابلند مرتبه باحکمت ست[1] (٥١) .

وَكَذٰلِكَ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ رُوْحًا مِّنْ اَمْرِنَا ۭ مَا كُنْتَ تَدْرِيْ مَا الْكِتٰبُ وَلَا الْاِيْمَانُ وَلٰكِنْ جَعَلْنٰهُ نُوْرًا نَّهْدِيْ بِهٖ مَنْ نَّشَاۗءُ مِنْ عِبَادِنَا ۭ وَاِنَّكَ لَتَهْدِيْٓ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ۝٥٢

وهمچنین وحی فرستادیم بسوی تو قرآن را ازکلام خود نمیدانستی توکه چیست کتاب و نمیدانستی که چیست ایمان و لیکن ساخته ایم وحی را روشنی راه مینائیم بآن هرکرا میخواهیم از بند گانِ خویش وهرآئینه تو هدایت کنی بسوی راه راست (٥٢) .

صِرَاطِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۭ اَلَآ اِلَى اللّٰهِ تَصِيْرُ الْاُمُوْرُ ۝٥٣

راهِ خدا که اوراست آنچه در آسمان هاست وآنچه درزمین است آ گاه شو بسوی خدا بازمیروند کارها (٥٣) .

---

(١) مترجم گوید اشارت عبارت از دیدن خواب است وازالقای علم درخاطر بطریق الهام وازپسِ پرده عبارت ازآن ست که آواز شنود وکسی را نه بیند و قسم ثالث آنست که فرشته بصورت آدمی متمثل شود وسخن گوید والله اعلم .

تَهْتَدُونَ ﴿١٠﴾

بساط وساخت برای شما درزمین راه ها تابُوَد که شماراه یابید (۱۰) .

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿١١﴾

ووی آنست که فرودآورد ازآسمان آب باندازه پس زنده کردیم بآن شهر مُرده را همچنین برآورده خواهید شد[1] (۱۱) .

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾

ووی آنست که بیافرید اقسام حیوانات تمام آن وساخت برای شما ازکشتی ها وازچهارپایان چیزی را که برآن سوار شوید (۱۲) .

لِتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾

تاراست بنشینید برپشت های مرکوب بازیاد کنید نعمتِ پروردگارخود را وقتی که راست نشستیدبرآن وبگوئید پاکست آن ذاتی که مسخرساخت برای مااین مرکوب را وما نه بودیم برآن توانا (۱۳).

وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ ﴿١٤﴾

وهرآئینه مابسوی پروردگارخویش رجوع کنندگانیم (١٤) .

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾

ومقررکردند برای خدا ازبندگان اواولاد را هرآئینه آدمی ناسپاس ظاهرست (۱۵).

أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ ﴿١٦﴾

آیافرا گرفت خدااازمخلوقاتِ خود دختران را وبرگزیده است شمارا به پسران (١٦).

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَٰنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾

وچون مژده داده شود یکی ازایشان بتولد آنچه مثل ساخته است برای رحمن[2] روی اوسیاه گردد واوپُرازغم باشد (۱۷).

---

(۱) یعنی ازقبور .

(۲) یعنی به تولد دختری والله اعلم .

وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦٓ إِنَّنِى بَرَآءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾

ویادکن چون گفت ابراهیم پدرخود را وقوم خود راهرآئینه من بیزارم ازآنچه شما پرستش می کنید (٢٦) .

إِلَّا ٱلَّذِى فَطَرَنِى فَإِنَّهُۥ سَيَهْدِينِ ﴿٢٧﴾

الاّ آن کسی که بیافرید مرا پس هرآئینه اوهدایت خواهد کرد مرا (٢٧) .

وَجَعَلَهَا كَلِمَةًۢ بَاقِيَةً فِى عَقِبِهِۦ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾

وقرارداد خدای تعالی کلمهٔ توحید را سخنی باقی مانده درفرزندانِ اوتابُوَدکه کافران رجوع کنند[1] (٢٨) .

بَلْ مَتَّعْتُ هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمْ حَتَّىٰ جَآءَهُمُ ٱلْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿٢٩﴾

بلکه بهره مند ساختیم ایشان را و پدران ایشان را تاوقتیکه آمد بدیشان دین راست وپیغامبر ظاهر (٢٩) .

وَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلْحَقُّ قَالُوا۟ هَٰذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿٣٠﴾

وآنگاه که آمد بدیشان دین راست گفتند این جادوست وهرآئینه مابدان نامعتقدانیم (٣٠) .

وَقَالُوا۟ لَوْلَا نُزِّلَ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ ٱلْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ﴿٣١﴾

و گفتند چرا فروفرستاده نه شد این قرآن برمردی بزرگ ازاهل این دودِه[2] (٣١) .

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ ۚ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۚ وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَٰتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا ۗ وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾

آیاایشان قسمت می کنند رحمتِ پروردگار ترا ماقسمت کرده ایم میانِ ایشان گزرانِ ایشان را درزند گانی دنیا وبلند مرتبه ساختیم بعض ایشان را بر بعض تاکه خدمتگذار گیرد بعض ایشان بعضی را[3] ورحمتِ پرورد گارتو بهترست ازآنچه جمع میکنند (٣٢) .

وَلَوْلَآ أَن يَكُونَ ٱلنَّاسُ أُمَّةً وَٰحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن

واگر احتمال آن نه می بود که میشوند

---

(١) یعنی انبیاء واولیا در اولاد حضرت ابراهیم علیه السلام پیداشدند .

(٢) یعنی یکی ازمتموّلانِ مکه وطائف والله اعلم .

(٣) یعنی بچشم حقارت نگرد والله اعلم .

أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾

یا اینست که بنمائیم ترا آنچه وعده دادیم بایشان پس هرآئینه ما برایشان تواناایم (٤٢) .

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾

پس چنگ زن بآنچه وحی فرستاده شد بسوی توهرآئینه تو برراه راستی (٤٣) .

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿٤٤﴾

وهرآئینه قرآن پندست ترا وقوم ترا وشماسوال کرده خواهید شد (٤٤) .

وَسْئَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَٰنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ ﴿٤٥﴾

وبپرس احوال آنانکه فرستاده بودیم پیش ازتو ازپیغامبرانِ خود آیا قرارداده بودیم بجز خدا معبودان دیگر که پرستش کرده شود آنهارا (٤٥) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٦﴾

وهرآئینه فرستادیم موسیٰ را به نشانه های خود بسوی فرعون واشرافِ قومِ او پس گفت هرآئینه من پیغامبر پرورد گارِ عالمهایم (٤٦) .

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿٤٧﴾

پس آن هنگام که آمد به ایشان بانشانه های ما نا گهان بآن نشانه هامی خندیدند (٤٧) .

وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾

و نه می نمودیم بایشان هیچ نشانه مگروی بزرگ تربود ازقرین خود وگرفتار کردیم ایشانرا به عقوبت بُوَد که ایشان رجوع کنند (٤٨) .

وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾

وگفتند ای جادوگردعا کن برای ماپروردگار خود را به عهدی که با تودارد هرآئینه ماراه یافتگانیم[1] (٤٩) .

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ﴿٥٠﴾

پس آنهنگام که دورکردیم ازایشان عقوبت را نا گهان ایشان عهدمی شکنند (٥٠) .

---

(١) یعنی مسلمان شویم .

هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾

حرف نزدند باتومگربمکابره بلکه ایشان قومی خصومت کننده اند(۵۸) .

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾

نیست عیسیٰ مگربنده ای که انعام کرده ایم بروی وساختیم اورا نشانه برای بنی اسرائیل (۵۹) .

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ﴿٦٠﴾

واگرمیخواستیم البته قرارمی دادیم بدل شما فرشتگان را که درزمین خلیفه شوند (٦٠) .

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ ۚ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾

وهرآئینه عیسیٰ نشانه است قیامت را پس شبهه مکنید درقیامت (بگو یا محمد) پیروی من کنید اینست راه راست (٦١).

وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ ۖ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٦٢﴾

وبازندارد شمارا شیطان هرآئینه اودرحق شمادشمن ظاهرست (٦٢) .

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿٦٣﴾

وآنگاه که آمد عیسی بامعجزه ها گفت آورده ام بـه شمـا حکمـت را وآمـده ام تابیان کنم برای شما بعض آنچه اختلاف می کنید درآن پس بترسید ازخدا وفرمان من برید (٦٣) .

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۗ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦٤﴾

هرآئینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس بپرستید اورااین ست راه راست (٦٤) .

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ۖ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿٦٥﴾

پس اختلاف کردند جماعت ها درمیان خویش پس وای آنان را که ستم کردند ازعقوبتِ روزِ درد دهنده (٦٥) .

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾

انتظار نمی کنند مگرقیامت را که بیاید بدیشان ناگهان وایشان خبردارنه باشند (٦٦) .

الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾

دوستان آنروز بعض ایشان بابعض دشمن باشند مگر پرهیزگاران (٦٧) .

أَمْ أَبْرَمُوٓا۟ أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ﴿٧٩﴾

آياعزم مصمم كرده اندبركارى پس هرآئينه مانيز عزم مصمم كنند گانيم (٧٩).

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُم ۚ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿٨٠﴾

آيامى پندارند كه مانمى شنويم راز گو سرگوشى ايشانرا آرى مى شنويم وفرستادگانِ ما نزديك ايشان مى نويسند (٨٠).

قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدٌ ۖ فَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْعَٰبِدِينَ ﴿٨١﴾

بگو اگربفرض باشد رحمٰن را فرزندى پس من نخستين عبادت كنندگان باشم (٨١).

سُبْحَٰنَ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٨٢﴾

پاكست پروردگارآسمان ها وزمين خداوندِعرش ازآنچه بيان مى كنند (٨٢).

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا۟ وَيَلْعَبُوا۟ حَتَّىٰ يُلَٰقُوا۟ يَوْمَهُمُ ٱلَّذِى يُوعَدُونَ ﴿٨٣﴾

پس بگذارايشان را تا درباطل بحث كنند وبازى پيش‌گيرندتاآنكه ملاقات كنند بآن روزخود كه وعده داده ميشود ايشان را (٨٣).

وَهُوَ ٱلَّذِى فِى ٱلسَّمَآءِ إِلَٰهٌ وَفِى ٱلْأَرْضِ إِلَٰهٌ ۚ وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾

واوست آنكه درآسمان فرمان رواست ودر زمين فرمان روا واوست باحكمت دانا (٨٤).

وَتَبَارَكَ ٱلَّذِى لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ وَعِندَهُۥ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ ۚ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٥﴾

وبسياربابركت ست آنكه اوراست پاشاهى آسمان هاوزمين وآنچه درميان هردواست ونزد اوست علم قيامت وبسوى او بازگردانيده شويد (٨٥).

وَلَا يَمْلِكُ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِٱلْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾

ونمى توانند آنانكه كفارپرستش مى كنند ايشان را شفاعت كردن بغير ازخدا ليكن كسى كه‌گواهى راست داده باشد وايشان ميدانند[1] (٨٦).

---

(١) يعنى اهل توحيد را شفاعت كنند.

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِۦ وَيُمِيتُ ۖ رَبُّكُمْ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٨﴾

نیست هیچ معبود برحق مگر اوزنده میکند ومی میراند پرورد گارشماست وپروردگار پدران پیشین شماست (۸) .

بَلْ هُمْ فِى شَكٍّ يَلْعَبُونَ ﴿٩﴾

بلکه کافران درشبهه ای بازی می کنند (۹) .

فَٱرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِى ٱلسَّمَآءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾

پس منتظر باش روزی را که بیارد آسمان دودی ظاهر (۱۰) .

يَغْشَى ٱلنَّاسَ ۖ هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١﴾

که فروگیرد مردمان را این عذاب درد دهنده است (۱۱) .

رَبَّنَا ٱكْشِفْ عَنَّا ٱلْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾

(گویند) ای پروردگار ما دورکن ازماعذاب هرآئینه مسلمان میشویم (۱۲) .

أَنَّىٰ لَهُمُ ٱلذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَآءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾

چگونه بُودایشان را پند گرفتن و بتحقیق آمده بودبدیشان پیغامبر ظاهر (۱۳) .

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ ﴿١٤﴾

بازروگردانیدند ازو وگفتند این شخص آموخته شدهٔ دیوانه است (۱٤) .

إِنَّا كَاشِفُوا ٱلْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَآئِدُونَ ﴿١٥﴾

هرآئینه مادورکنندهٔ عذابیم اندکی هرآئینه شما عود کننده ایددرکفر (۱۵) .

يَوْمَ نَبْطِشُ ٱلْبَطْشَةَ ٱلْكُبْرَىٰ ۚ إِنَّا مُنتَقِمُونَ ﴿١٦﴾

روزی که درگرفت کنیم آن درگرفت کردن بزرگ هرآئینه ماانتقام کشنده ایم [1] (۱٦) .

---

(۱) مترجم گوید این وعده متحقق شد خدای تعالی درقریش قحط انداخت تاآنکه ازشدتِ جوع یاازکثرت بخار جَوّ چون دودی محسوس می شدوایشان بخدای تعالی رجوع کردند خدای تعالی قحط را دور فرمود بازبرکفر اصرار کردند خدای تعالی روزبدر ازایشان انتقام کشید که هفتادکس را از رؤساء ایشان کُشت وهفتاد کس را اسیر ساخت والله اعلم .

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَآءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ ﴿٢٩﴾

پس نگریست برین قوم (فرعون) آسمان وزمین ونه شدند مهلت داده شده (٢٩).

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿٣٠﴾

وهرآئینه ماخلاص کردیم بنی اسرائیل رااز عذاب خوارکننده (٣٠).

مِن فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾

که ازجانب فرعون بود هرآئینه فرعون بود سرکشی ازتعدی کنندگان (٣١).

وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٢﴾

وهرآئینه برگزیدیم بنی اسرائیل را دانسته برعالم ها (٣٢).

وَآتَيْنَاهُم مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ ﴿٣٣﴾

ودادیم ایشان رااز قسم معجزات آنچه درآن امتحانِ ظاهر بود (٣٣).

إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾

هرآئینه این جماعت می گویند (٣٤).

إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ ﴿٣٥﴾

که نیست عاقبت کارمگرهمین موت نخستینِ ما ونیستیم ما برانگیخته شده (٣٥).

فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٦﴾

پس بیارید پدران مارا اگرهستید راست گویان (٣٦).

أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾

آیااین جماعت بهتراند یاقوم تبع (حمیری) وآنانکه پیش ازایشان بودند هلاك ساختیم آنهارا هر آئینه آنها گنه گار بودند (٣٧).

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ﴿٣٨﴾

ونیافریدیم آسمان ها وزمین را وآنچه درمیان هردواست بازی کنان (٣٨).

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾

نیافریدیم این هردو را مگربتدبیرِ درست ولیکن اکثرایشان نمیدانند (٣٩).

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾

هرآئینه روزقیامت میعادِ ایشانست همه یك جا (٤٠).

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَن مَّوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾

روزی که دفع نه کند هیچ دوستی ازدوستِ دیگر چیزی را ونه ایشان را نصرت داده شود (٤١).

فَبِاَيِّ حَدِيْثٍ بَعْدَ اللّٰهِ وَاٰيٰتِهٖ يُؤْمِنُوْنَ ۝٦

ست پیروزی بزرگ (۵۷) .

فَاِنَّمَا يَسَّرْنٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ۝٥٨

جزاین نیست که آسان ساختیم قرآنرابزبان توتابُوَد که ایشان پندپذیرشوند (۵۸) .

فَارْتَقِبْ اِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُوْنَ ۝٥٩

پس منتظر باش هرآئینه ایشان نیز منتظر انند (۵۹) .

سُوْرَةُ الْجَاثِيَة

سوره جاثیه مکی است وآن سی و هفت آیت وچهار رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

حٰمٓ ۝١

حٰمٓ (۱) .

تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ۝٢

فروفرستادن این کتاب ازجانب خدای غالب باحکمت ست (۲) .

اِنَّ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَاٰيٰتٍ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ۝٣

هرآئینه درآسمانها وزمین نشانه هاست باوردارندگان را (۳) .

وَفِيْ خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَآبَّةٍ اٰيٰتٌ لِّقَوْمٍ يُّوْقِنُوْنَ ۝٤

ودرآفرینشِ شماودرآفرینشِ آنچه پراگنده میسازد از جانوران نشانه هاست قومی را که یقین میکنند (٤) .

وَاخْتِلَافِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ رِّزْقٍ فَاَحْيَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيْفِ الرِّيٰحِ اٰيٰتٌ لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ۝٥

ودرآمد ورفت شب و روز ودرآنکه فرودآورد خدا ازآسمان روزی [1] پس زنده کرد بسبب باران زمین را بعد مرده بودنِ آن ودگردانیدن بادها نشانه هاست قومی را که درمی یابند (۵) .

تِلْكَ اٰيٰتُ اللّٰهِ نَتْلُوْهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِاَيِّ حَدِيْثٍ بَعْدَ اللّٰهِ وَاٰيٰتِهٖ يُؤْمِنُوْنَ ۝٦

این نشانه های خداست میخوانیم آن را برتو براستی پس بکدام سخن بعد پند خدا وآیت های اوایمان آرند (٦) .

وَيْلٌ لِّكُلِّ اَفَّاكٍ اَثِيْمٍ ۝٧

وای هردروغ‌گوی‌گنهگاررا (۷) .

---

(۱) یعنی باران .

آنچه میکردند (١٤) .

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ اَسَآءَ فَعَلَيْهَا ۚ ثُمَّ اِلٰى رَبِّكُمْ تُرْجَعُوْنَ ﴿١٥﴾

هرکه بکند کارشائسته پس نفع اوراست وهرکه بدکاری کند پس وبال براوست باز بسوی پرورد گارخویش بازگردانیده خواهید شد (١٥) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ الْكِتٰبَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنٰهُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ وَفَضَّلْنٰهُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٦﴾

وهرآئینه دادیم بنی اسرائیل راکتاب ودانش مندی وپیغامبری و روزی دادیم ایشان راازنعمت های پاکیزه وفضیلت دادیم ایشان را برعالم ها (١٦) .

وَاٰتَيْنٰهُمْ بَيِّنٰتٍ مِّنَ الْاَمْرِ ۚ فَمَا اخْتَلَفُوْٓا اِلَّا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ ۚ اِنَّ رَبَّكَ يَقْضِيْ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿١٧﴾

ودادیم ایشان را نشانه های واضح دربابِ دین پس اختلاف نکردند مگر بعدازآنکه آمد بدیشان دانش ازروی تعدّی بایکدیگر هرآئینه پرورد گارتو فیصله کند میان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می کردند درآن (١٧) .

ثُمَّ جَعَلْنٰكَ عَلٰى شَرِيْعَةٍ مِّنَ الْاَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآءَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٨﴾

بازساختیم ترا برراه ظاهر ازدین پس پیروی کن آنرا وپیروی مکن خواهشات آنانرا که نمیدانند (١٨) .

اِنَّهُمْ لَنْ يُّغْنُوْا عَنْكَ مِنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا ۭ وَاِنَّ الظّٰلِمِيْنَ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۚ وَاللّٰهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِيْنَ ﴿١٩﴾

هرآئینه ایشان دفع نخواهند کرداز توچیزی ازعقوبتِ خدا وهرآئینه ستمگاران بعض ایشان کارسازان بعض اند وخدا کارساز متقیانست (١٩) .

هٰذَا بَصَآئِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَّرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُّوْقِنُوْنَ ﴿٢٠﴾

این قرآن دلیل های واضح ست مردمان راوهدایت ست وبخشائش گروهی را که یقین می کنند (٢٠) .

اَمْ حَسِبَ الَّذِيْنَ اجْتَرَحُوا السَّيِّاٰتِ اَنْ نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَوَآءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ ۭ سَآءَ مَا يَحْكُمُوْنَ ﴿٢١﴾

آیا پنداشتند آنانکه کردند جرمها که قراردهیم ایشان را مانند آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند، یکسان

اعمال او (یعنی برای سوال وجواب مهیاشده گوئیم) امروز جزا داده شود شمارا بحسب آنچه میکردید (۲۸).

هٰذَا كِتٰبُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ ۚ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾

گوئیم این نامهٔ ماست که اظهار حقیقت میکند برشما براستی هرآئینه ما می نوشتیم آنچه شماعمل می کردید (۲۹).

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ۚ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿٣٠﴾

پس اما آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند پس در آرد ایشان را پروردگارایشان دررحمت خود این ست پیروزی ظاهر (۳۰).

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا ۖ أَفَلَمْ تَكُنْ آيٰتِي تُتْلىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُجْرِمِينَ ﴿٣١﴾

واما آنانکه کافرشدند (ایشانرا گوئیم) آیاخوانده نمی شد برشماآیاتِ من پس تکبر کردید وقومِ گنهگار بودید (۳۱).

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ ﴿٣٢﴾

وچون گفته شد که وعدهٔ خداراست است وقیامت هیچ شبهه نیست درآن گفتید نمیدانیم چیست قیامت تصور نمی کنیم آن را مگر باحتمالِ ضعیف ونیستیم ما یقین کنندگان (۳۲).

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٣﴾

وظاهر شدایشانرا عقوبت های آنچه بآن عمل کرده بودند ودرگرفت ایشان را آنچه بآن استهزامی کردند (۳۳).

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسٰكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا وَمَأْوٰكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نّٰصِرِينَ ﴿٣٤﴾

وگفته شود امروز فراموش کنیم شمارا چنانکه فراموش کردید ملاقات این روزخودرا وجای شما دوزخ ست و نیست شمارا هیچ نصرت دهنده (۳٤).

ذٰلِكُمْ بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيٰتِ اللّٰهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا ۚ فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٣٥﴾

این عذاب بسبب آنست که شمابه تمسخر گرفتید آیات خدارا وفریفته کرد شمارا زندگانی دنیا پس امروز بیرون کرده نشوند ازدوزخ ونه ازایشان رضامندی خدا طلب کرده شود (۳۵).

لَمَّا جَآءَهُمْ هٰذَا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ۝٧

درست را چون بیامد بدیشان این سحر ظاهرست (۷) .

اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُ ۭ قُلْ اِنِ افْتَرَيْتُهٗ فَلَا تَمْلِكُوْنَ لِيْ مِنَ اللّٰهِ شَيْـــًٔا ۭ هُوَ اَعْلَمُ بِمَا تُفِيْضُوْنَ فِيْهِ ۭ كَفٰى بِهٖ شَهِيْدًۢا بَيْنِيْ وَبَيْنَكُمْ ۭ وَهُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ۝٨

بلکه میگویند بربسته است آنراپیغامبربگو اگر بربسته ام آنراپس نمی توانید شما برای من ازخدا چیزی خدا دانا ترست بـه گفتگـوی شمـادرقـرآن بـس سـت خدااظهار حق کننده درمیان من ودرمیان شما واوست آمرزگار مهربان (۸) .

قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَآ اَدْرِيْ مَا يُفْعَلُ بِيْ وَلَا بِكُمْ ۭ اِنْ اَتَّبِعُ اِلَّا مَا يُوْحٰٓى اِلَيَّ وَمَآ اَنَا اِلَّا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ۝٩

بگونیستم من نوآمده ازپیغامبران ونمی دانـم چـه کـرده خـواهـد شـد بـامـن وباشما(یعنی دردنیا)پیروی نمی کنم الّا آنچه وحی فرستاده میشود بسوی من ونیستم من مگرترسانندهٔ آشکار (۹) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَكَفَرْتُمْ بِهٖ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِيْٓ اِسْرَاۗءِيْلَ عَلٰي مِثْلِهٖ فَاٰمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ۝١٠

بگوآیا دیدید ا گرباشد قرآن ازنزد خدا ومنکر شدید بآن وگواهی داده باشد گواهی ازبنی اسرائیل برقرآن پس وی ایمان آورد وسرکشی کردید شما البته ستمگار باشید هرآئینه خداراه نمی نماید گروه ستمگاران را (۱۰) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُوْنَآ اِلَيْهِ ۭ وَاِذْ لَمْ يَهْتَدُوْا بِهٖ فَسَيَقُوْلُوْنَ هٰذَآ اِفْكٌ قَدِيْمٌ ۝١١

وگفتند کافران درحق مسلمانان ا گردین بهتر بودی سبقت نکردند برمابسوی آن وچون راه نیافتند بآن پس خواهند گفت این دروغی ست قدیم (۱۱) .

وَمِنْ قَبْلِهٖ كِتٰبُ مُوْسٰٓى اِمَامًا وَّرَحْمَةً ۭ وَهٰذَا كِتٰبٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنْذِرَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا ۠ وَبُشْرٰى لِلْمُحْسِنِيْنَ ۝١٢

وپیـش ازقـرآن کتـاب مـوسـیٰ بـود پیشواوبخشائش و این کتابیست باوردارنده به زبان عربی آمده برای آنکه بترساند ستمگاران را وبرای مژده دادن نیکوکاران را (۱۲) .

اِنَّ الَّذِيْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

هرآئینه آنانکه گفتند پرورد گار ماخداست

الْقُرُوْنُ مِنْ قَبْلِيْ وَهُمَا يَسْتَغِيْثٰنِ اللّٰهَ وَيْلَكَ اٰمِنْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ ۚ فَيَقُوْلُ مَا هٰذَآ اِلَّآ اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿١٧﴾

طبقه های مردم پیش ازمن[1] وآن هردوفریاد میکنند بجناب خدا میگویندوای برتومسلمان شوهرآئینه وعدهٔ خداراست ست پس گوید نیست این وعده مگرافسانه های پیشینیان (۱۷).

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِيْٓ اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ ۭ اِنَّهُمْ كَانُوْا خٰسِرِيْنَ ﴿١٨﴾

این جماعت آنانند که ثابت شدبرایشان وعدهٔ عذاب ازجملهٔ امت ها که گذشته اند پیش ازایشان از جنیان وآدمیان هرآئینه ایشان بودند زیان کاران (۱۸) .

وَلِكُلٍّ دَرَجٰتٌ مِّمَّا عَمِلُوْا ۚ وَلِيُوَفِّيَهُمْ اَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿١٩﴾

وهریکی را مرتبه هاست بحسب آنچه عمل کردند وتابتمام دهدخداایشان را جزای اعمال ایشان و ایشان ستم کرده نه شوند (۱۹) .

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَلَى النَّارِ ۭ اَذْهَبْتُمْ طَيِّبٰتِكُمْ فِيْ حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا ۚ فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُوْنِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُوْنَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُوْنَ ﴿٢٠﴾

وروزیکه پیش آورده شوند کافران برآتش (گفته شود) ضائع کردید نعمت های خودرا درزندگانی دنیاوی خویش و بهره مند شدید بآن پس امروز جزا داده شودشمارا عذابِ خواری بسبب آنکه تکبرمی کردید در زمین ناحق وبسبب آنکه بدکاری میکردید[2] (۲۰) .

وَاذْكُرْ اَخَا عَادٍ ۭ اِذْ اَنْذَرَ قَوْمَهٗ بِالْاَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ

ویادکن برادر قوم عاد را چون بترسانید قوم خودرا بسرزمین احقاف وهرآئینه

---

(۱) یعنی هیچکس ازایشان باززنده نه شد والله اعلم .

(۲) مترجم گوید این تصویراست حال سعید وشقی را پس سعید حق خدای تعالی و حق ابوین بجامی آورد وبانواع نعم محظوظ میشود درجمیع امور بحق تعالی رجوع میکند وشقی جمع می کند میان کفرو بحقوق والدین وانکار معاد وصورتِ سعید منطبق است برحضرت ابوبکر صدیق وغیرایشان نیز والله اعلم .

يَجْحَدُونَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوا بِهٖ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٢٦﴾

گوش ایشان ونه چشمهای ایشان ونه دلهای ایشان چیزی را ازبسکه انکارمی کردند به نشانه های خدا و فرا گرفت بایشان آنچه بآن استهزامی کردند (٢٦) .

وَلَقَدْ اَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِّنَ الْقُرٰى وَصَرَّفْنَا الْاٰيٰتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٧﴾

وهرآئینه هلاك کردیم آنچه دوروبر شماست ازدیه ها وگونا گون پدید آوردیم نشانه هابُوَد که ایشان بازگردند (٢٧) .

فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ قُرْبَانًا اٰلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذٰلِكَ اِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٨﴾

پس چرا نصرت نه دادند ایشان راآنانکه معبودان گرفتند بغیرازخدا قرب خداجویان بلکه گم شدند ازنظرِ ایشان وهمین ست دروغِ ایشان وآنچه برمی بافتند (٢٨) .

وَاِذْ صَرَفْنَا اِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْاٰنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا اَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا اِلٰى قَوْمِهِمْ مُّنْذِرِينَ ﴿٢٩﴾

ویادکن چون متوجه ساختیم بسوی توجماعتی راازجن می شنیدند قرآن را پس چون حاضر شدند پیش پیغمبربایکدیگر گفتند خاموش باشید پس چون تمام کرده شدبازگشتند بسوی قوم خود بیم کنان[1] (٢٩) .

قَالُوا يٰقَوْمَنَا اِنَّا سَمِعْنَا كِتٰبًا اُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسٰى مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي اِلَى الْحَقِّ وَاِلٰى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٣٠﴾

گفتند ای قوم ماهرآئینه ما شنیدیم کتابی را که فرود آورده شد بعدازموسیٰ باور دارندهٔ آنچه پیش ازوبود راه می نماید بسوی دین راست وبسوی راه راست (٣٠) .

يٰقَوْمَنَا اَجِيبُوا دَاعِيَ اللّٰهِ وَاٰمِنُوا بِهٖ يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابٍ اَلِيمٍ ﴿٣١﴾

ای قومِ ماقبول کنید سخنِ دعوت کننده را بسوی خداوایمان آرید بوی تا بیامرزد خدا برای شما بعض گناهان شمارا وپناه

---

(١) مترجم گوید چند کس از جن پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمدند وآنحضرت صلی الله علیه وسلم درآن حالت نماز فجر می گذارد دربطنِ نخله قرآن استماع کردند چون بازگشتند قوم خودرا انذار نمودند اشارت باین قصه استَ درین آیات .

راه خدا تباه وبرباد کرد خدا اعمالِ ایشانرا (۱) .

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ﴿٢﴾

وآنانکه ایمان آوردند و کارهای شائسته کردندومعتقد شدند بآنچه فرودآورده شدبرمحمد صلی الله علیه وسلم وآن راستست آمده ازپروردگار ایشان دور ساخت ازایشان جرمهای ایشانرا وبصلاح آورد حال ایشان را (۲) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِن رَّبِّهِمْ ۚ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ﴿٣﴾

ایـن بسبـب آنسـت کـه کـافـران پیروی ازباطل کردند ومومنان پیروی دین راست کردند که ازجانب پروردگار ایشانست همچنین بیان میکند خدا برای مردمان داستانهای ایشان را (۳) .

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ۚ ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُم بِبَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿٤﴾

پس چون مصاف کنید باکافران پس بزنید گردن هارا تاوقتیکه چون خونریزی بسیار کردید درایشان پس محکم کنید قید را پس باحسان خلاص کردن است بعد ازین ویامالی بعوض گرفتن تاآنکه بنهد جنگ سـلاح خـودرا(۱) اینسـت حکـم واگـر خواستی خداخود انتقام کشیدی ازایشان ولیکن میخواهد که امتحان کند بعض شمارا با بعضی وآنانکه کشته شدند درراهِ خدا پس برباد نخواهد کرد عمل ایشان را (٤) .

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ﴿٥﴾

راه خواهد نمودایشانرا ونیك خواهد کردحال ایشانرا (٥) .

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ﴿٦﴾

ودرخواهدآورد ایشان را به بهشتی که

---

(۱) یعنی جنگ موقوف شود و احتیاج سلاح نماند والله اعلم .

آراسته کرده شددرنظرِ اوبدکاری و پیروی کردند خواهش های خودرا (١٤).

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ۖ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ ۖ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ ۚ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ ۚ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى ۖ وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ ۖ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ﴿١٥﴾

صفتِ بهشتی که وعده داده شد متقیانرا اینست درآن بهشت جویها ست ازآب که بدیرماندگی متغیر نشده وجویهاست ازشیر که مزهٔ اوبرنه گشته وجویهاست ازمَی لذت دهنده آشامند گان را وجویهاست ازعسلِ صاف کرده شده وایشانرا ست آن جا ازهر جنس میوه ها وایشان راست آمرزش ازپروردگار ایشان (آیااینجماعت) مانند آنست که همیشه باشددر آتش ونوشانیده شوند آب گرم پس پاره پاره ساخت روده های ایشانرا (١٥) .

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۖ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٦﴾

و[1] ازمردمان کسی هست که گوش می نهد بسوی توتاوقتیکه چون بیرون روندازنزد توگویند بآنانکه عطاکرده شد ایشانرا علم چه چیز گفت پیغامبرالحال آنجماعت آنانند که مُهر نهاده است خدابردل های ایشان و پیروی کردند خواهش نفسِ خود را(١٦) .

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ﴿١٧﴾

آنانکه راه یاب شدند زیاده کردخدا ایشانراهدایت وعطاکرد بدیشان تقوای ایشانرا (١٧) .

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً ۖ فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا ۖ فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ ﴿١٨﴾

پس منتظر نیستند مگر قیامت را که بیاید بدیشان نا گهان پس هرآئینه آمده است علاماتِ قیامت پس ازکجاباشدبرای

---

(١) مترجم گوید ازاین جاتاآخرسوره درباب تهدید مردم ضعیف الایمان نازل شد .

خدا پس کرساخت ایشانرا وکورکرد چشمهای ایشانرا (٢٣) .

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ﴿٢٤﴾

آیاتأمل نمی کنند درقرآن یابردل هاقفل های آن دل هاست (٢٤) .

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى ۙ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ ﴿٢٥﴾

هرآئینه آنانکه برگشتند برجانب پشت های خویش پس ازآنکه ظاهر شد ایشان را راه هدایت شیطان آراسته کرده است برای ایشان ومهلت داده است ایشانرا (٢٥) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ﴿٢٦﴾

این همه بسبب آنست که ایشان گفتند باآنانکه ناپسند کرده اند چیزی راکه خدافرستاده است[1] فرمانبرداری شما خواهیم کرد دربعض کارها وخدامیداند سخنِ پنهان گفتن ایشانرا (٢٦) .

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ﴿٢٧﴾

پس چگونه باشد حال وقتی که قبضِ روح ایشان کنند فرشتگان میزنندروی های ایشانرا و پشتهای ایشانرا (٢٧) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿٢٨﴾

این عقوبت بسبب آنست که ایشان پیروی چیزی کردند که بخشم آورد خدا را وناپسند کردند خوشنودی اورا پس ضائع ساخت خدا اعمال ایشانرا (٢٨) .

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ ﴿٢٩﴾

آیا پنداشته اند آنانکه دردلهای ایشان بیماریست که ظاهر نخواهد کردخدا کینه های ایشانرا (٢٩) .

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ

وا گرمیخواستیم می نمودیم ایشان را بتوپس می شناختی ایشانرا به قیافهٔ ایشان[2]

---

(١) یعنی منافقان یایهود .

(٢) یعنی ظلمت نفاق برروی ایشان هویدا می شد والله اعلم .

إِنْ يَسْـَٔلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا۟ وَيُخْرِجْ أَضْغَٰنَكُمْ ﴿٣٧﴾

اگر بطلبد ازشمامال های شمارا پس مبالغه کند درسوال آنگاه بخل کنید وبرروی کارآرد آن بخل کینه های شمارا (۳۷) .

هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ۖ فَمِنكُم مَّن يَبْخَلُ ۖ وَمَن يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَن نَّفْسِهِۦ ۚ وَٱللَّهُ ٱلْغَنِىُّ وَأَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ ۚ وَإِن تَتَوَلَّوْا۟ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوٓا۟ أَمْثَٰلَكُم ﴿٣٨﴾

آ گاه شوید شما ای جماعت که خوانده میشود شمارا تاخرج کنید درراه خدا پس ازشماکسی هست که بخل میکند وهرکه بخل کند جزاین نیست که بخل میکند ازخویش[1] وخداتوانگر ست وشما محتاج اید و اگرروگردان شوید بَدَل آرد گروهی دیگر را غیر شما بازنبا شند آنجماعت مانند شما (۳۸) .

سوره فتح مدنی است وآن بیست ونه آیت وچهار رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ﴿١﴾

هرآئینه ماحکم کردیم برای توبفتح ظاهر[2] (۱) .

---

(۱) یعنی منفعت انفاق ازخود بازمیدارد .

(۲) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند گویاآنحضرت با اصحاب درمکه داخل شدند و باطمینانِ خاطر بحلق وقصر مشغول اند پس آن سال بقصد عمره متوجه کعبه شدند وچون بحدیبیه رسیدندکفار قریش ازوصول بکعبه مانع آمدند وبعد تشویش بسیار باکفار صلح کرده بغیر ازوصول بکعبه بازگشتند خدای تعالی آن عمل راازایشان قبول فرمود ازآن بیعت که در اثنای تشویش بجهت تاکید عزم بآنحضرت صلی الله علیه وسلم کرده بودند راضی شده بثواب آن عمل فتوح بسیار نصیب ایشان گردانید تخصیص فتح خیبر که بعد ازین سفر بلاتراخی واقع شده غنایم خیبر را مخصوص بحاضران بیعت گردانید وغیرایشانرا ازآن غزوه منع نمود ومضمون رؤیاسال آینده بظهور رسید پس درباب=

وزمین وهست خدا غالبِ باحکمت (۷) .

إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ شَٰهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۝٨

هرآئینه مافرستادیم ترااظهارِ حق کننده وبشارت دهنده وترساننده (۸) .

لِّتُؤْمِنُوا بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۝٩

تاایمان آرید ای مسلمانان بخداورسول اووتانصرت دهید دین خدارا وبه بزرگی اعتقاد کنید اورا وبپاکی یاد کنید اورا بامدادوشامگاه (۹) .

إِنَّ ٱلَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ ٱللَّهَ يَدُ ٱللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ۚ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِۦ ۖ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَٰهَدَ عَلَيْهُ ٱللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝١٠

هرآئینه آنانکه بیعت میکنند باتوجزاین نیست که بیعت میکنندباخدا دستِ خداست بالای دستِ ایشان پس هرکه بشکند عهد پس جزاین نیست که می شکند بضررِ نفس خود وهرکه تمام کند آنچه برآن باخدا عهد کرده است پس خواهد داد اورا مزدِ بزرگ (۱۰) .

سَيَقُولُ لَكَ ٱلْمُخَلَّفُونَ مِنَ ٱلْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَآ أَمْوَٰلُنَا وَأَهْلُونَا فَٱسْتَغْفِرْ لَنَا ۚ يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِم مَّا لَيْسَ فِى قُلُوبِهِمْ ۚ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا ۚ بَلْ كَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝١١

خواهند گفت باتوپس ماندگان ازاعراب[1] مشغول کرد مارا اموالِ ماوفرزندان ماپس طلب آمرزش کن برای ما میگویند به زبان های خود آنچه نیست دردل های ایشان بگوکِه می تواند برای شما ازخدا چیزی اگرخواهدزیان رسانیدن بشما یاخواهد درحق شما سود دادن بلکه هست خدابآنچه می کنید خبردار (۱۱) .

بَلْ ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَنقَلِبَ ٱلرَّسُولُ وَٱلْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰٓ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِى قُلُوبِكُمْ وَظَنَنتُمْ ظَنَّ ٱلسَّوْءِ ۖ

نی بلکه گمان کردید که بازنخواهد گشت پیغامبر ومسلمانان بسوی اهل خانهٔ خویش هرگزوآراسته کرده شداین گمان

---

(۱) یعنی آنانکه درسفر حدیبیه موافقت نه کردند والله اعلم .

خدا عقوبتِ درد دهنده (١٦) .

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمٰى حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْمَرِيْضِ حَرَجٌ وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ يُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ وَمَنْ يَّتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيْمًا ﴿١٧﴾

نیست برنابینا گناهی ونه برلنگ گناهی ونه بربیمار گناهی[1] وهرکه فرمان بُرد خدا ورسولِ اورا درآردش به بوستانهائی که میرود زیرِ آن ها جویها وهرکه روگردان شود عقوبت کندش بعقوبتِ درد دهنده (١٧) .

لَقَدْ رَضِيَ اللّٰهُ عَنِ الْمُؤْمِنِيْنَ إِذْ يُبَايِعُوْنَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِيْ قُلُوْبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِيْنَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيْبًا ﴿١٨﴾

هرآئینه خوشنود شدخدا از مسلمانان وقتیکه بیعت میکردند باتوزیرِ درخت پس دانست آنچه دردل های ایشانست پس فرودآورداطمینانِ دل برایشان وثواب دادایشان را فتحی نزدیك (١٨) .

وَمَغَانِمَ كَثِيْرَةً يَّأْخُذُوْنَهَا وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ﴿١٩﴾

وغنیمت های بسیارکه بدست آرندآنرا[2] وهست خدا غالب باحکمت (١٩) .

وَعَدَكُمُ اللّٰهُ مَغَانِمَ كَثِيْرَةً تَأْخُذُوْنَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هٰذِهٖ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُوْنَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِيْنَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا ﴿٢٠﴾

وعده داده است شمارا خداغنیمت های بسیار که بدست آریدآنهارا پس زودعطاکردبرای شمااین غنیمت[3] وبازداشت دست های مردمان راازشما[4] تاباشد این مقدمه نشانه مسلمانان را وتابنماید خدا شمارا راه راست[5] (٢٠) .

وَّأُخْرٰى لَمْ تَقْدِرُوْا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللّٰهُ بِهَا وَكَانَ اللّٰهُ

ووعده داد خداغنیمت های دیگرنیز که

---

(١) یعنی درتخلف ازمثل این سفر والله اعلم .
(٢) یعنی غنایم خیبر وغیره .
(٣) یعنی غنایم خیبر .
(٤) یعنی درحدیبیه .
(٥) یعنی کفار قریش جمع شدند که آنحضرت صلی الله علیه وسلم را تشویشی رسانند خدای تعالی دست ایشان را ازقتال باز داشت وقضیه بصلح انجامید .

لِيُدْخِلَ اللّٰهُ فِيْ رَحْمَتِهٖ مَنْ يَّشَآءُ ۚ لَوْ تَزَيَّلُوْا لَعَذَّبْنَا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿٢٥﴾

آرد هرکراخواهد برحمتِ خود اگر ازهم جدامی بودند (این هردو فریق) البته عقوبت میکردیم کافران را عقوبت درد دهنده (٢٥) .

اِذْ جَعَلَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فِيْ قُلُوْبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَاَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِيْنَتَهٗ عَلٰى رَسُوْلِهٖ وَعَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوٰى وَكَانُوْٓا اَحَقَّ بِهَا وَاَهْلَهَا ۭ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ﴿٢٦﴾

آنگاه که مصمم کردند کافران دردل های خویش غیرت را ازجنس غیرتِ جاهلیت پس فرودآوردخدا اطمینان خودرا برپیغامبرخود وبرمسلمانان وثابت کرد برایشان سخن پرهیزگاری وبودند سزاواربآن واهل آن وهست خدا بهر چیزدانا[1] (٢٦) .

لَقَدْ صَدَقَ اللّٰهُ رَسُوْلَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ ۚ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ اِنْ شَآءَ اللّٰهُ اٰمِنِيْنَ ۙ مُحَلِّقِيْنَ رُءُوْسَكُمْ وَمُقَصِّرِيْنَ ۙ لَا تَخَافُوْنَ ۭ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوْا فَجَعَلَ مِنْ دُوْنِ ذٰلِكَ فَتْحًا قَرِيْبًا ﴿٢٧﴾

هر آئینه تحقق بخشید خداخواب پیغامبرخودرا مطابق واقع باین مضمون که البته داخل خواهید شد بمسجدِ حرام اگر خدابخواهد ایمن شده وتراشیده موی سرهای خودرا وکوتاه کرده بدون ترس پس دانست آنچه ندانستید شما پس میسر کرد پیش ازین فتحی نزدیك را (٢٧) .

هُوَ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ بِالْهُدٰى وَدِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهٗ عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهٖ ۭ وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا ﴿٢٨﴾

اوست آنکه فرستاد پیغامبرخودرا به هدایت ودین راست تاغالب کندش برادیان همه وبس ست خدا اظهار حق کننده (٢٨) .

مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ ۭ وَالَّذِيْنَ مَعَهٗٓ اَشِدَّآءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ

محمد (صلی الله علیه وسلم) پیغامبرخداست وآنانکه همراه اویند

---

(١) یعنی جماعتی ازمسلمانان این صلح را کاره بودند آخرالامرخدای تعالی اطمینان رابدل ایشان انداخت تابمرضی آنحضرت صلی الله علیه وسلم رضادادند والله اعلم .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُقَدِّمُوْا بَيْنَ يَدَيِ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ①

ای مسلمانان پیش دستی مکنید روبروی خداورسولِ اووبترسید ازخداهرآئینه خدا شنواداناست (۱) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَرْفَعُوْٓا اَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوْا لَهٗ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ اَنْ تَحْبَطَ اَعْمَالُكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تَشْعُرُوْنَ ②

ای مسلمانان بلند مکنید آوازهای خودرا بالای آواز پیغامبر وبلند مگوئید بااو سخن را مانند بلند گفتن بعض شما بابعضی برای احتراز ازآنکه نابود شود عمل های شما وشما خبردار نه باشید (۲).

اِنَّ الَّذِيْنَ يَغُضُّوْنَ اَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ امْتَحَنَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ لِلتَّقْوٰى لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ عَظِيْمٌ ③

هرآئینه آنانکه پست میکنند آوازهای خودرا نزدیك پیغامبرخدا آنجماعت آنانند که آزموده است خدادل های ایشانرا برای ظهور تقویٰ ایشانراست آمرزش ومُزدِ بزرگ (۳) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يُنَادُوْنَكَ مِنْ وَّرَآءِ الْحُجُرٰتِ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُوْنَ ④

هرآئینه آنانکه آوازمیدهند ترا ازپسِ حجرها اکثرایشان نمی فهمند (٤) .

وَلَوْ اَنَّهُمْ صَبَرُوْا حَتّٰى تَخْرُجَ اِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ⑤

واگرایشان صبر کردندی تاوقتی که بیرون آئی بسوی ایشان بهتر بودی برای ایشان وخدا آمرزگار مهربانست[1] (٥) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنْ جَآءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَاٍ فَتَبَيَّنُوْٓا اَنْ تُصِيْبُوْا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوْا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نٰدِمِيْنَ ⑥

ای مسلمانان اگربیارد پیش شما فاسق خبری را پس تحقیق کنید برای احتراز ازآنکه ضرررسانید قومی را بنادانی پس پشیمان شوید برآنچه عمل کردید (٦) .

وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ فِيْكُمْ رَسُوْلَ اللّٰهِ لَوْ يُطِيْعُكُمْ فِيْ كَثِيْرٍ مِّنَ الْاَمْرِ

وبدانید که درمیانِ شمارسولِ خداست اگر فرمانبرد شمارا دربسیاری

---

(۱) مترجم گوید این تعریض است بحال قومی ازبنی تمیم که بجهت مهمی پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمدند وچون در مسجد نیافتند ونمیدانستند که درکدام حجره تشریف دارند نزدیك حجره هابآواز بلند کردن شروع کردند والله اعلم .

ایشانند ستمگاران[1] (۱۱).

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجْتَنِبُواْ كَثِيرًا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ ٱلظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾

ای مسلمانان احتراز کنید ازبسیاری گمانِ بد هرآئینه بعض بد گمانی گناه است وجاسوسی مکنید وغیبت نکند بعض شما بعضی را آیا دوست میدارد کسی ازشما که بخورد گوشت برادر خود که مرده باشدپس متنفرشوید ازوی وبترسیدازخدا هرآئینه خداتوبه پذیرندهٔ مهربانست (۱۲).

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَٰكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَٰكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ ٱللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾

ای مردمان هرآئینه آفریدیم شمارا ازیك مرد ویك زن وساختیم شمارا جماعت هاوقبیله ها تابایکدیگر شناسا شویدهرآئینه گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگار ترینِ شماست هرآئینه خدا دانای خبردارست (۱۳).

قَالَتِ ٱلْأَعْرَابُ ءَامَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُواْ وَلَٰكِن قُولُوٓاْ أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ ٱلْإِيمَٰنُ فِى قُلُوبِكُمْ وَإِن تُطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَٰلِكُمْ شَيْـًٔا إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾

گفتند اعراب ایمان آوردیم بگوایمان بحقیقت نیاوردیدولیکن بگوئید منقادشده ایم وهنوز درنیامده است ایمان به دل های شما وا گرفرمانبرداری خداورسول اوکنید کم نه دهد شمارا ازجزای اعمالِ شما چیزی هرآئینه خداآمرزگار مهربانست (۱٤).

إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ ﴿١٥﴾

جزاین نیست که مومنان بحقیقت آنانند که ایمان آوردند بخداوپیغامبراو بازشبهه نه کردند وجهاد نمودند باموالِ خود وجان های خود درراه خدا آنجماعت

(۱) یعنی بگناهی که درجاهلیت کرده باشند بعدازاسلام نشانِ سندنباید ساخت.

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ فَهُمْ فِيٓ أَمْرٍ مَّرِيجٍ ۝٥

بلکه به دروغ نسبت دادند سخن راست را وقتیکه بیامد بدیشان پس ایشان درکاری شوریده اند (٥) .

أَفَلَمْ يَنظُرُوٓا إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَٰهَا وَزَيَّنَّٰهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٍ ۝٦

آیاندیده اندبسوی آسمان بالای خود چگونه بناکرده ایم آن را و آراسته کرده ایم آنراونیست درآن هیچ شگافی (٦) .

وَٱلْأَرْضَ مَدَدْنَٰهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍۭ بَهِيجٍ ۝٧

وزمین را گستردیم وافگندیم درآن کوه ها و رویانیدیم درآن ازهر نوع خوش آینده (٧) .

تَبْصِرَةً وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ۝٨

برای راه نمودن وپنددادن هربندهٔ رجوع کننده (٨) .

وَنَزَّلْنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً مُّبَٰرَكًا فَأَنۢبَتْنَا بِهِۦ جَنَّٰتٍ وَحَبَّ ٱلْحَصِيدِ ۝٩

وفرودآوردیم ازآسمان آب بابرکت پس رویانیدیم بسبب آن بوستانهاودانه که درَو میکنند آن را (٩) .

وَٱلنَّخْلَ بَاسِقَٰتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ ۝١٠

ودرختانِ خرما بلند بالابرآمده آنرامیوه است تودرتو (١٠) .

رِّزْقًا لِّلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِۦ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَٰلِكَ ٱلْخُرُوجُ ۝١١

روزی برای بندگان وزنده ساختیم بآن شهر مرده را همچنین باشد برآمدن ازگور (١١) .

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَٰبُ ٱلرَّسِّ وَثَمُودُ ۝١٢

بدروغ نسبت کردند پیش ازایشان قوم نوح واهل رَسّ وثمود (١٢) .

وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَٰنُ لُوطٍ ۝١٣

وعاد وفرعون وبرادرانِ لوط (١٣) .

وَأَصْحَٰبُ ٱلْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ ۚ كُلٌّ كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ ۝١٤

واهل اَیکه وقوم تُبَّع هریکی بدروغ نسبت کردند پیغامبران را پس ثابت شد وعدهٔ عذاب من(١٤) .

أَفَعَيِينَا بِٱلْخَلْقِ ٱلْأَوَّلِ ۚ بَلْ هُمْ فِى لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝١٥

آیاعاجزشده بودیم درآفرینش نخستین بلکه ایشان درشبهه اند از آفرینشِ نو (١٥).

وَلَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِۦ نَفْسُهُۥ ۖ وَنَحْنُ أَقْرَبُ

وهرآئینه آفریدیم آدمی را ومیدانیم چیزی

مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ ﴿٢٥﴾

منع کنندهٔ مال درگذرندهٔ ازحدشك آرنده را (٢٥) .

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ﴿٢٦﴾

آنکه مقرر کرد باخدا معبودی دیگرپس بافگنید او رادر عذاب سخت (٢٦) .

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَٰكِن كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿٢٧﴾

گفت همنشین او[1] ای پروردگارمن گمراه نکردم این شخص را ولیکن وی بود در گمراهیِ دور (٢٧) .

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ ﴿٢٨﴾

فرمودخصومت مکنید پیش من حالانکه پیش ازین فرستاده بودم بسوی شما وعدهٔ عذاب (٢٨) .

مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٢٩﴾

تغیر داده نمی شود وعده نزد من ونیستم من ستم کننده بربندگان (٢٩) .

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ ﴿٣٠﴾

روزی که بگوئیم دوزخ را آیا پرشدی ودوزخ گوید آیا هیچ زیاده ازین هست[2] (٣٠) .

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ﴿٣١﴾

ونزدیك گردانیده شود بهشت برای متقیان نه دورمانده (٣١) .

هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ﴿٣٢﴾

(گوئیم) این ست آنچه وعده داده میشد شمارا نزدیك کرده شده برای هر رجوع کنندهٔ ادب نگاهد ارنده (٣٢) .

مَّنْ خَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ ﴿٣٣﴾

برای هرکسیکه بترسد ازخدا نادیده وپیش آمدبدل متوجه شده (٣٣) .

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ﴿٣٤﴾

(گوئیم) داخل شوید دربهشت همراه سلامتی اینست روزهمیشه جاویدان (٣٤) .

لَهُم مَّا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴿٣٥﴾

ایشانراست آنچه خواهند دربهشت و

---

(١) یعنی شیاطین ازانس وجن والله اعلم .

(٢) یعنی هر چند درواندازند زیاده طلب کند والله اعلم .

بِالْقُرْاٰنِ مَنْ يَّخَافُ وَعِيْدِ ﴿٤٥﴾

برایشان قهر کننده پس پنده به قرآن هرکرا میترسد از وعدهٔ عذابِ من (٤٥).

سُوْرَةُ الذّٰرِيٰتِ

سوره ذاریات مکی است وآن شصت آیت وسه رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالذّٰرِيٰتِ ذَرْوًا ﴿١﴾

قسم به بادهای پراکنده کنندهٔ خاك وجزآن پراگنده کردنی (١) .

فَالْحٰمِلٰتِ وِقْرًا ﴿٢﴾

پس قسم به ابرهای بردارندهٔ بارِ آب (٢).

فَالْجٰرِيٰتِ يُسْرًا ﴿٣﴾

پس قسم بکشتی های روان شونده بسهولت (٣) .

فَالْمُقَسِّمٰتِ اَمْرًا ﴿٤﴾

پس قسم بفرشتگانِ تقسیم کنندهٔ کار[1] (٤) .

اِنَّمَا تُوْعَدُوْنَ لَصَادِقٌ ﴿٥﴾

هرآئینه وعده که کرده میشود بشما راست (٥) .

وَّاِنَّ الدِّيْنَ لَوَاقِعٌ ﴿٦﴾

وهرآئینه جزای اعمال بودنیست (٦) .

وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ﴿٧﴾

قسم بآسمان دارای راه ها[2] (٧) .

اِنَّكُمْ لَفِيْ قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ ﴿٨﴾

هرآئینه شمادرسخنی باهم اختلاف دارنده هستید (٨) .

يُّؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ اُفِكَ ﴿٩﴾

بازگردانیده میشود ازقرآن هرکه درعلم الهی ازخیر مطرود است (٩) .

قُتِلَ الْخَرّٰصُوْنَ ﴿١٠﴾

لعنت کرده شد دروغگویانرا (١٠) .

الَّذِيْنَ هُمْ فِيْ غَمْرَةٍ سَاهُوْنَ ﴿١١﴾

آنانکه ایشان دربی خبری اندفراموش کننده اند(١١) .

يَسْـَٔلُوْنَ اَيَّانَ يَوْمُ الدِّيْنِ ﴿١٢﴾

می پرسند کَی خواهد بود روزجزا (١٢).

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُوْنَ ﴿١٣﴾

(آری) آنروزکه ایشانرا درآتش عذاب داده

---

(١) یعنی ارزاق وبلادهارا .

(٢) یعنی صورتهای مختلف دارند مانند شکل شیر وشکل بره وشکل عقرب والله اعلم.

هَلْ أَتٰىكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرٰهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٤﴾

آیا آمده است پیش توخبر مهمانان گرامیِ ابراهیم (٢٤) .

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلٰمًا قَالَ سَلٰمٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٢٥﴾

چون درآمدندبرابراهیم پس سلام گفتند جـواب سـلام داد (بـه دل گفـت) ایشـان گروهی هستند ناشناخته (٢٥) .

فَرَاغَ إِلٰىٓ أَهْلِهِ فَجَآءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿٢٦﴾

پس متوجه شد بسوی اهل خانهٔ خود پس آورد کباب گوساله فربه (٢٦) .

فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٢٧﴾

پس نزدیك ساخت آنرابایشان گفت آیا نه میخورید (٢٧) .

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلٰمٍ عَلِيمٍ ﴿٢٨﴾

پس (چون نخوردند) درخاطر خود یافت ازایشـان تـرسـی گفتنـد مترس وبشـارت دادندش بفرزندی دانا (٢٨) .

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ﴿٢٩﴾

پس پیش آمد زن ابراهیم بآوازی وطپانچه زد روی خودرا (یعنی به تعجب) وگفت (آیابزاید) پیرزنی نازاینده (٢٩) .

قَالُوا كَذٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٣٠﴾

فرشتگان گفتند همچنین فرمودپرورد گارتو هرآئینه اوست باحکمت دانا (٣٠) .

---

(١) یعنی چنانکه در گفتن خود یقین دارید که ماالبته میگوئیم همچنین باین خبریقین باید آورد والله اعلم .

برایشان بادی بی منفعت (٤١) .

مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ﴿٤٢﴾

نه‌گذارد هیچ چیزرا که برسدبوی مگرسازد آن را مانندِ استخوان پوسیده (٤٢) .

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٤٣﴾

ودرقصّهٔ ثمود نشانه است چون گفته شدایشانرا بهره مند باشید تامدتی (٤٣) .

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٤٤﴾

پس سرکشیدند ازفرمانِ پروردگارخویش پس درگرفت ایشان را نعرهٔ تندوایشان میدیدند (٤٤) .

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ ﴿٤٥﴾

پس نتوانستند برخاستن ونه بودند انتقام کشندگان (٤٥) .

وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٤٦﴾

وهلاك ساختیم قوم نوح را پیش ازین هرآئینه ایشان بودندگروهی بدکار (٤٦) .

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾

وآسمان را بناکردیم به قوت وهرآئینه ما توانائیم (٤٧) .

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ ﴿٤٨﴾

وزمین را گسترانیدیم پس نیکوگستراننده ایم (٤٨) .

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٤٩﴾

واز هرچیزی آفریدیم دوقسم تاشماپندپذیر شوید[1] (٤٩) .

فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٥٠﴾

(پیغامبر گوید) پس بگریزید بسوی خدا هر آئینه من برای شما ازجانب اوترسانندهٔ آشکارم (٥٠) .

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٥١﴾

ومقرر مکنید باخدا معبودی دیگررا هرآئینه من برای شماازجانب اوترسانندهٔ آشکارم (٥١) .

كَذَٰلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا

همچنین نیامده است نزدیك آنانکه پیش ازایشان بودند هیچ پیغامبری مگرگفتند

---

(١) یعنی اعلی وادنی .

فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ ﴿٣﴾
درکاغذ کشاده[1] (٣) .

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ﴿٤﴾
وقسم بخانهٔ معمور[2] (٤) .

وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ﴿٥﴾
وقسم به سقف برا فراشته شده[3] (٥) .

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ﴿٦﴾
وقسم به دریا پرکرده شده (٦) .

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾
هرآئینه عذاب پروردگارتو بودنیست (٧).

مَّا لَهُ مِن دَافِعٍ ﴿٨﴾
نیست اوراهیچ دفع کننده (٨) .

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ﴿٩﴾
روزیکه جنبش کند آسمان جنبش کردنی (٩) .

وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿١٠﴾
وروان شود کوه ها روان شدنی (١٠) .

فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾
پس وای آنروزدروغ شمارندگان را (١١).

الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ﴿١٢﴾
آنانکه ایشان به بیهوده گوئی بازی می کنند (١٢) .

يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا ﴿١٣﴾
روزیکه به سختی روان کرده شوند بسوی آتش دوزخ روان کردنی (١٣) .

هَٰذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٤﴾
اینست آتشی که شماآن رادروغ می شمردید (١٤) .

أَفَسِحْرٌ هَٰذَا أَمْ أَنتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٥﴾
آیاسحرست این یاشما درنمی نگرید(١٥).

اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾
درآئید باین آتش پس صبر کنید یا نه کنید برابرست برشما جزاین نیست که جزا داده خواهید شد بحسب آنچه می کردید (١٦).

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿١٧﴾
هرآئینه متقیان دربوستانها ونعمت هاباشند خوشحال شده(١٧) .

فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿١٨﴾
بسبب آنکه نعمت داد ایشانرا پروردگار

---

(١) یعنی تورات یا قرآن .
(٢) یعنی آنکه درآسمان است .
(٣) یعنی آسمان .

فَذَكِّرْ فَمَآ أَنتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ﴿٢٩﴾

(یامحمد) پس پنده پس نیستی توبفضل پروردگارخودکاهن ونه دیوانه (۲۹) .

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِۦ رَيْبَ ٱلْمَنُونِ ﴿٣٠﴾

بلکه آیامیگویند شاعرست انتظار کشیم درحقِ او حوادثِ زمانه را (۳۰) .

قُلْ تَرَبَّصُوا۟ فَإِنِّى مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُتَرَبِّصِينَ ﴿٣١﴾

بگو انتظار بکشید هرآئینه من باشما ازانتظار کشندگانم (۳۱) .

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَٰمُهُم بِهَٰذَآ أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٣٢﴾

آیا میفرماید باین عقیده عقل های ایشان یاایشان گروهی سرکش اند (۳۲) .

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُۥ ۚ بَل لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾

آیامیگویند بربسته است قرآن را نی بلکه ایمان نمی آرند (۳۳) .

فَلْيَأْتُوا۟ بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِۦٓ إِن كَانُوا۟ صَٰدِقِينَ ﴿٣٤﴾

پس بایدکه بیارندسخنی مانندراین ا گر راست گوهستند (۳٤) .

أَمْ خُلِقُوا۟ مِنْ غَيْرِ شَىْءٍ أَمْ هُمُ ٱلْخَٰلِقُونَ ﴿٣٥﴾

آیا ایشان آفریده شدند بغیر آفرینندهٔ یاایشان خود آفریدگاراند (۳۵) .

أَمْ خَلَقُوا۟ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ ۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ ﴿٣٦﴾

آیاآفریده اند آسمان هاوزمین را بلکه ایشان باورنمی کنند (۳٦) .

أَمْ عِندَهُمْ خَزَآئِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ ٱلْمُصَيْطِرُونَ ﴿٣٧﴾

آیانزدیك ایشان خزانهای پروردگارتست یا ایشانند چیره دست (۳۷) .

أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ ۖ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُم بِسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾

آیا ایشان رانردبانی هست که برآن بالا رفته می شنوند پس بایدکه بیارد شنوندهٔ ایشان دلیل ظاهر را (۳۸) .

أَمْ لَهُ ٱلْبَنَٰتُ وَلَكُمُ ٱلْبَنُونَ ﴿٣٩﴾

آیا خدا را دختران پیدامی شوند وشمارا پسران (۳۹) .

أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ ﴿٤٠﴾

آیاسوال میکنی ازایشان مزدی بررسالت پس ایشان ازغرامت گرانبار شده اند (٤۰) .

أَمْ عِندَهُمُ ٱلْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤١﴾

آیانزدیك ایشان علمِ غیب است پس ایشان مینویسند (٤۱) .

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا ۖ فَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ هُمُ ٱلْمَكِيدُونَ ﴿٤٢﴾

آیامی خواهند بداندیشی پس کافران ایشانند

است راه را (٢) .

وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٣﴾
وسخن نمی گویداز خواهش نفس (٣) .

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴿٤﴾
نیست قرآن مگروحی که بسوئ اوفرستاده میشود (٤) .

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ﴿٥﴾
آموخته است اورافرشتهٔ بسیار باقوت (٥) .

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ﴿٦﴾
صاحب حسن پس راست ایستادآن فرشته (٦) .

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ﴿٧﴾
واو بکنارهٔ بلند آسمان بود (٧) .

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ﴿٨﴾
بازنزدیك شدوفرودآمد (٨) .

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ﴿٩﴾
پس رسید بمسافتِ دوکمان یا نزدیك ترازآن (٩) .

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ﴿١٠﴾
پس پیغام رسانید بسوی بندهٔ خداآنچه رسانید (١٠) .

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ﴿١١﴾
دروغ داخل نکرد دل پیغامبر درآنچه معائنه کرد (١١) .

أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ﴿١٢﴾
آیاشما گفتگو میکنید باپیغامبردرآنچه می بیند (١٢) .

وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ﴿١٣﴾
وهرآئینه دیده بوداو را(این فرشته را) یك باردیگر (١٣) .

عِندَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَىٰ ﴿١٤﴾
نزدیك سدرة المنتهیٰ (١٤) .

عِندَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ﴿١٥﴾
نزدیك آن سِدرَه است بهشت آرامگاه (١٥) .

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ﴿١٦﴾
فرشته رادید وقتی که می پوشید سِدرَه راآنچه می پوشید[1] (١٦) .

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ﴿١٧﴾
کجروی نکرد چشم پیغامبروازمقصد

(١) یعنی وقتیکه انوار الهی ازهر جانب سِدرَه را احاطه کردواین درشب معراج بود والله اعلم .

فَأَعْرِضْ عَنْ مَّنْ تَوَلّٰى ۙ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ اِلَّا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ﴿٢٩﴾

پس اعراض کن ازکسیکه روگردان شد ازیادکردن ماوطلب نه کردمگر زندگانیٔ این جهانی را (۲۹) .

ذٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ ۭ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيْلِهٖ وَهُوَ اَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدٰى ﴿٣٠﴾

اینست نهایت ایشان ازروی دانش[1] هرآئینه پروردگارتو داناست بهرکه غلط کرد راه خدا واوست دانا بهرکه راه یافت (۳۰) .

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۙ لِيَجْزِيَ الَّذِيْنَ اَسَاۗءُوْا بِمَا عَمِلُوْا وَيَجْزِيَ الَّذِيْنَ اَحْسَنُوْا بِالْحُسْنٰى ﴿٣١﴾

وخدائراست آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین ست عاقبت کار جزادهد آنانرا که بدکاری کردند بحسب آنچه عمل نمودند جزا دهد آنان را که نیکوکاری کردند بخصلت نیك (۳۱) .

اَلَّذِيْنَ يَجْتَنِبُوْنَ كَبٰۗىِٕرَ الْاِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ اِلَّا اللَّمَمَ ۭ اِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ ۭ هُوَ اَعْلَمُ بِكُمْ اِذْ اَنْشَاَكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ وَاِذْ اَنْتُمْ اَجِنَّةٌ فِيْ بُطُوْنِ اُمَّهٰتِكُمْ ۚ فَلَا تُزَكُّوْٓا اَنْفُسَكُمْ ۭ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقٰى ﴿٣٢﴾

آنانکه پرهیزگاری می کنندازکبائر گناهان وبی حیائی هاسوای گناهان صغیره هرآئینه پروردگار تو بسیارآمرزش است اوست داناباحوال شما وقتی که پیداکرد شمارااز زمین ووقتیکه شما بچه های بودید درشکم های مادرانِ خویش پس ستائش مکنید خویشتن را خدا داناترست بکسیکه پرهیزگاری کرد (۳۲) .

اَفَرَءَيْتَ الَّذِيْ تَوَلّٰى ﴿٣٣﴾

آیادیدی کسی را که روگردان شد (۳۳) .

وَاَعْطٰى قَلِيْلًا وَّاَكْدٰى ﴿٣٤﴾

وداد اندکی ازمال و سخت دل شد (۳٤) .

اَعِنْدَهٗ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرٰى ﴿٣٥﴾

آیانزدیكِ اوست علم غیب پس گویا اوهر چیز را بچشم می بیند (۳۵) .

اَمْ لَمْ يُنَبَّاْ بِمَا فِيْ صُحُفِ مُوْسٰى ﴿٣٦﴾

آیا خبرداده نشد بآنچه در صحیفهای موسیٰ (۳٦) .

---

(۱) یعنی این است نهایتِ علمِ ایشان .

پوشانید[1] (٥٤).

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ ﴿٥٥﴾

پس درکدام یك ازنعمت های پروردگار خود ای آدمی شبهة میکنی (٥٥) .

هَٰذَا نَذِيرٌ مِّنَ النُّذُرِ الْأُولَىٰ ﴿٥٦﴾

این پیغامبرترساننده است ازجنس ترسانندگان پیشین (٥٦) .

أَزِفَتِ الْآزِفَةُ ﴿٥٧﴾

نزدیك آمد قیامت(٥٧) .

لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ﴿٥٨﴾

نیست اورا سوای خداهیچ ظاهر کننده (٥٨) .

أَفَمِنْ هَٰذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ﴿٥٩﴾

آیا ازین سخن تعجب می کنید (٥٩) .

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ﴿٦٠﴾

وخنده می نمائیدو نه می‌گریید (٦٠) .

وَأَنتُمْ سَامِدُونَ ﴿٦١﴾

وشمابازی کننده هستید (٦١) .

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ﴿٦٢﴾

پس سجده کنید خداراوپرستش نمائید (٦٢) .

سُورَةُ الْقَمَرِ

سوره قمر مکی است وآن پنجاه وپنج آیت وسه رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانشَقَّ الْقَمَرُ ﴿١﴾

نزدیك آمد قیامت وبشگافت ماه[2] (١).

وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ﴿٢﴾

واگرکافران به بینند نشانه ای اعراض کنند وگویند سحریست قوی (٢) .

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۚ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ ﴿٣﴾

ودروغ شمردند وپیروی خواهش خودکردند وهرچیزی دروقت خود قرار گرفته است (٣) .

---

(١) یعنی سنگباران کرد .

(٢) اشارتست بآن قصّه که کافران ازحضرت پیغامبرصلی الله علیه وسلم معجزه طلب کردند خدای تعالی ماه رادو قطعه ساخت یکی برکوه ابوقبیس ودیگر برکوهی قیقعان والله اعلم .

اورا[1] (١٤) .

وَلَقَد تَّرَكْنَٰهَآ ءَايَةً فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ﴿١٥﴾

وهرآئینه‌گذاشتیم این عقوبت رانشانه پس هیچ پندگیرنده است (١٥) .

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِى وَنُذُرِ ﴿١٦﴾

پس چگونه بُودعقوبتِ من وترسانیدن های من (١٦) .

وَلَقَد يَسَّرْنَا ٱلْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ﴿١٧﴾

وهرآئینه آسان کردیم قرآن راتاپندگیرند پس آیاهیچ پندپذیرنده هست (١٧) .

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِى وَنُذُرِ ﴿١٨﴾

دروغ شمردند قوم عاد پس چگو نه بود عذابِ من وترسانیدن های من(١٨) .

إِنَّآ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِى يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾

هرآئینه مافرستادیم برایشان بادِتندرا درروز شوم بغایت سخت (١٩) .

تَنزِعُ ٱلنَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنقَعِرٍ ﴿٢٠﴾

برمیکندمردمان راگویاایشان تنهای درختانِ خرمای ازبیخ برکنده اند (٢٠) .

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِى وَنُذُرِ ﴿٢١﴾

پس چگو نه بود عقوبت من وترسانیدن های من (٢١) .

وَلَقَد يَسَّرْنَا ٱلْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ﴿٢٢﴾

و هرآئینه آسان کرده ایم قرآن را تاپندبگیرند پس آیاهیچ پندپذیرنده است (٢٢) .

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِٱلنُّذُرِ ﴿٢٣﴾

دروغ شمر دند قوم ثمود ترساننگانرا (٢٣) .

فَقَالُوٓا۟ أَبَشَرًا مِّنَّا وَٰحِدًا نَّتَّبِعُهُۥٓ إِنَّآ إِذًا لَّفِى ضَلَٰلٍ وَسُعُرٍ ﴿٢٤﴾

پس گفتند آیایك آدمی راازقوم خویش پیروی کنیم هرآئینه ماآنگاه در گمراهی ودیوانگی باشیم (٢٤) .

ءَأُلْقِىَ ٱلذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنۢ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ ﴿٢٥﴾

آیا نازل کرده شد بمردی وحی ازمیانِ ما نی بلکه او دروغگوئی خود پسنداست (٢٥) .

---

(١) یعنی برای انتقام خصومت کنان .

جزامیدهیم هرکراشکرگذاری کرد (۳۵) .

وَلَقَدْ أَنذَرَهُم بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ ﴿٣٦﴾ وهرآئینه لوط ترسانیده بود ایشانرا ازعقوبت ماپس مکابره کردند درآن ترسانید نها (۳۶) .

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٧﴾ وهر آئینه سخن گفتند تاغفلت دهندلوط راازحفظ مهمانانِ اوپس محوکردیم چشم های ایشانرا پس (گفتیم) بچشید عذاب مرا وترسانید نهای مرا (۳۷) .

وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ ﴿٣٨﴾ وهرآئینه غارت کردایشانرا بامداد عقوبتی جائی‌گیرنده (۳۸) .

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٩﴾ پس(گفتیم) بچشیدعذاب مراو ترسانیدنهای مرا (۳۹) .

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ﴿٤٠﴾ وهرآئینه آسان ساختیم قرآن رابرای آنکه پندگیرند پس آیا هیچ پندگیرنده هست (٤٠) .

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ﴿٤١﴾ وهرآئینه آمدند خویشاوندان فرعون راترسانندگان (٤١) .

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٤٢﴾ دروغ شمردند نشانه های مارا همه آنرا پس گرفتیم ایشانرا مانند درگرفتن غالب قوی (٤٢) .

أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أُولَٰئِكُمْ أَمْ لَكُم بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ﴿٤٣﴾ آیاکافران شما ای قریش بهتراند ازین جماعت ها آیا شمارا حکم خلاصی ست درکتابهای پیشین (٤٣) .

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ ﴿٤٤﴾ آیامی گویند ماجماعتی انتقام گیرنده ایم (٤٤) .

سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ﴿٤٥﴾ شکست داده خواهد شد اینجماعت را وبگردانند ایشان پشت (٤٥) .

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ ﴿٤٦﴾ بلکه قیامت وعده‌گاهِ ایشانست وقیامت

خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿٣﴾
آفرید آدمی را (۳) .

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾
آموختش سخن‌گفتن (٤) .

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ﴿٥﴾
خورشید وماه بحساب مقرر میروند (٥).

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ﴿٦﴾
وگیاه ودرخت سجده میکنند (٦) .

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴿٧﴾
وآسمان را برافراشت وفرودآورد ترازو را (۷) .

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ﴿٨﴾
بمقصد آنکه ازحد تجاوز مکنید درترازو (۸) .

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿٩﴾
وراست سنجید بانصاف ونقصان مکنید درترازو (۹) .

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ﴿١٠﴾
وزمین راگستردبرای آدمیان (۱۰) .

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ﴿١١﴾
درآن زمین میوه است ودرختان خرماست خداوندِ غلاف ها (۱۱) .

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ﴿١٢﴾
ودرآن زمین دانه خداوند برگ ست وگل خوشبوئیست [1] (۱۲) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٣﴾
پس کدام یك راازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید [2] (۱۳) .

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ﴿١٤﴾
آفریدآدمی را ازگِل خشك مانند سفال (١٤).

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ ﴿١٥﴾
وآفریدجن را ازشعلهٔ آتش (١٥) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٦﴾
پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (١٦) .

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿١٧﴾
پروردگار دومشرق ست وپروردگار دو

---

(۱) مترجم‌گوید اشاره بآنست که برگ حبوب غازیه علف دواب ایشان میشود پس این علاوه نعمت است .

(۲) جن وانس .

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ ﴿٣١﴾

ازهمه فارغ شده برای شما متوجه شویم ای جن وانس (٣١) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٢﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٣٢) .

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ﴿٣٣﴾

ای قوم جن وانس اگرمی توانید که بیرون روید ازکناره های آسمان هاوزمین پس بیرون روید بیرون نخواهد رفتن مگر بقوتی[1] (٣٣) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٤﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٣٤) .

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾

فرستاده خواهد شدبرشما شعلهٔ ازآتش ودود نیز پس مقابله نتوانید کرد (٣٥) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾

پس کدام یك را ازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٣٦) .

فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿٣٧﴾

پس چون بشگافدآسمان پس شود مثل گِل سرخ مانندِادیم سرخ (٣٧) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٨﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٣٨) .

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ ﴿٣٩﴾

پس آن روزسوال کرده نه شود ازگناه خود هیچ آدمی ونه جنی (٣٩) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٠﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٤٠) .

يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ﴿٤١﴾

شناخته شوندگنهگاران به قیافهٔ خود پس گرفته شودبه موی پیشانی های وبه پای هانیز (٤١) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٢﴾

پس کدام یك راازنعمتهای پروردگار

---

(١) یعنی وآن قوت کجا است .

خویش دروغ می شمرید (٥٥) .

فِيهِنَّ قٰصِرٰتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٥٦﴾

درآن کوشکهاحوران باشند فروانداز نده چشم جماع نکرده است بآنهاهیچ آدمی پیش ازایشان ونه هیچ جنی (٥٦) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٧﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٥٧) .

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾

گویاآن حوران یاقوت ومرجان اند (٥٨) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٩﴾

پس کدام راازنعمتهای پروردگارخویش دروغ می شمرید (٥٩) .

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ﴿٦٠﴾

نیست جزای نیکوکاری مگر انعام بسیار (٦٠) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٦١) .

وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾

وغیرازاین دوبوستان دوبوستان دیگرباشند (٦٢) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٦٣) .

مُدْهَامَّتَانِ ﴿٦٤﴾

دوبوستان سبزکه ازغایتِ سبزی بسیاهی میزنند (٦٤) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٥﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٦٥) .

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾

درآن دوبوستان دوچشمه جوشنده باشند (٦٦) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٦٧) .

فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿٦٨﴾

درآن دوبوستان میوه ودرختان خرما وانار باشند (٦٨) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾

پس کدام یك راازنعمتهای پروردگار

است طائفه ای را(۳) .

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا ﴿٤﴾ آنگاه که جنبانیده شود زمین را جنبانیدنِ سخت (٤) .

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ﴿٥﴾ وریزه ریزه کرده شود کوه هارا ریزه ریزه کردن بسیار (٥) .

فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا ﴿٦﴾ پس شود مانند غبار پراگنده (٦) .

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ﴿٧﴾ وشوید شما سه قسم (٧) .

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿٨﴾ پس اهل سعادت چه حال دارند اهل سعادت (٨) .

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿٩﴾ واهل شقاوت چه حال دارنداهل شقاوت (٩) .

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿١٠﴾ وپیش روندگان خود ایشانندپیش روندگان (١٠) .

أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾ آن پیش روندگان ایشانند نزدیك کردگان (١١) .

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿١٢﴾ دربوستانهای نعمت باشند (١٢) .

ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ سابقان جمعی بسیاراند ازپیشینیان(۱) (١٣).

وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ ﴿١٤﴾ واندکی انداز پسینیان(۲) (١٤) .

عَلَىٰ سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾ برتخت های زربافته نشسته باشند (١٥) .

مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ ﴿١٦﴾ تکیه زده برآن روبروی یکدیگر شده (١٦).

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾ آمدورفت میکنند برایشان نوجوانان جاویدان (١٧) .

بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ﴿١٨﴾ باآب خوره ها وابریق ها وپیالها ازشراب جاری (١٨) .

---

(۱) یعنی ازامم سابقه .

(۲) یعنی ازامت محمدیه .

بایکدیگر (۳۷) .

لِأَصْحَٰبِ ٱلْيَمِينِ ﴿٣٨﴾ برای اصحاب یمین (۳۸) .

ثُلَّةٌ مِّنَ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٣٩﴾ جماعتی بسیارند از پیشینیان (۳۹) .

وَثُلَّةٌ مِّنَ ٱلْءَاخِرِينَ ﴿٤٠﴾ وجماعتی بسیارنداز پسینیان (٤٠) .

وَأَصْحَٰبُ ٱلشِّمَالِ ۙ مَآ أَصْحَٰبُ ٱلشِّمَالِ ﴿٤١﴾ واهل شقاوت چه حال دارند اهل شقاوت (٤١) .

فِى سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٢﴾ دربادگرم وآب‌گرم باشند (٤٢) .

وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ ﴿٤٣﴾ ودرسایه دود سیاه (٤٣) .

لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾ که نه خنك باشد ونه باعزت بُوَد (٤٤) .

إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٥﴾ هرآئینه ایشان بودند پیش ازین بنازپرورده (٤٥) .

وَكَانُوا۟ يُصِرُّونَ عَلَى ٱلْحِنثِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٤٦﴾ ومداومت میکردند برگناه بزرگ (یعنی شرك) (٤٦) .

وَكَانُوا۟ يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٧﴾ ومی‌گفتند آیا چون بمیریم وخاك شویم واستخوانی چند باشیم آیاما برانگیخته شویم (٤٧) .

أَوَءَابَآؤُنَا ٱلْأَوَّلُونَ ﴿٤٨﴾ آیاپدران نخستین مابرانگیخته شوند (٤٨) .

قُلْ إِنَّ ٱلْأَوَّلِينَ وَٱلْءَاخِرِينَ ﴿٤٩﴾ بگوهرآئینه پیشینیان وپسینیان (٤٩) .

لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَٰتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٥٠﴾ البته جمع کرده شوند درمیعاد روزمقرر (٥٠) .

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا ٱلضَّآلُّونَ ٱلْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾ بازهرآئینه شماای گمراهان دروغ شمارندگان (٥١) .

لَءَاكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ ﴿٥٢﴾ خواهید خورد ازدرختان زقوم (٥٢) .

فَمَالِـُٔونَ مِنْهَا ٱلْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ پس پرخواهید کرد ازآن شکم هارا (٥٣) .

فَشَٰرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ پس خواهید آشامیدبرآن طعام ازآب‌گرم (٥٤) .

فَشَٰرِبُونَ شُرْبَ ٱلْهِيمِ ﴿٥٥﴾ پس خواهید آشامید مانند آشامیدن شتران مبتلا به بیماری تشنگی (٥٥) .

لَوْنَشَآءُ جَعَلْنَٰهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾

اگرخواهیم شوربگردانیم آنرا پس چرا شکر نمی‌گوئید (۷۰) .

أَفَرَءَيْتُمُ ٱلنَّارَ ٱلَّتِى تُورُونَ ﴿٧١﴾

آیاپس دیدید آن آتش را که روشن می کنید ازمیان شاخ درخت برمی آرید (۷۱) .

ءَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَآ أَمْ نَحْنُ ٱلْمُنشِـُٔونَ ﴿٧٢﴾

آیاشما آفریده ایددرخت آن را یاماآفریننده ایم (۷۲) .

نَحْنُ جَعَلْنَٰهَا تَذْكِرَةً وَمَتَٰعًا لِّلْمُقْوِينَ ﴿٧٣﴾

ماساختیم آن درخت رابرای پند ومنفعت برای مسافران (۷۳) .

فَسَبِّحْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾

پس به پاکی یادکن پروردگاربزرگ خودرا (۷٤) .

فَلَآ أُقْسِمُ بِمَوَٰقِعِ ٱلنُّجُومِ ﴿٧٥﴾

پس سوگند میخورم بافتادن ستارها[1] (۷۵) .

وَإِنَّهُۥ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾

وهرآئینه این قسمی ست بزرگ اگر بدانید (۷٦) .

إِنَّهُۥ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾

هرآئینه این کتاب قرآنی است گرامیقدر (۷۷) .

فِى كِتَٰبٍ مَّكْنُونٍ ﴿٧٨﴾

نوشته شده است درکتاب پوشیده (۷۸) .

لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾

که دست نمی رسانندبآن مگر پاك کردگان[2] (۷۹) .

تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٨٠﴾

فرستاده شده است از جانب پروردگار عالمها (۸۰) .

أَفَبِهَٰذَا ٱلْحَدِيثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ ﴿٨١﴾

آیاباین سخن شما انکار کننده اید (۸۱) .

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ ﴿٨٢﴾

ومی سازید نصیبه خودآنکه شمابه دروغ نسبت می کنید (۸۲) .

فَلَوْلَآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلْحُلْقُومَ ﴿٨٣﴾

پس آنگاه که رسد روح شخصی نزد

---

(۱) یعنی شهب والله اعلم .

(۲) یعنی درلوح محفوظ .

وزمین ست واوست غالب دانا (۱) .

لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ ۚ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝٢

اوراست پادشاهی آسمانها وزمین زنده میکند ومی میراند واوبرهرچیز تواناست (۲) .

هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ۚ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ۝٣

اوست نخستین همه واوست آخرین همه واوست آشکارَاواوست پنهان واوبهرچیز داناست (۳) .

هُوَ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ ۭ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاۗءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيْهَا ۭ وَهُوَ مَعَكُمْ اَيْنَ مَا كُنْتُمْ ۭ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ۝٤

اوست آنکه آفریدآسمان ها وزمین را درشش روز بازمستقرشد برعرش می داند آنچه درمی آید به زمین وآنچه برمی آیدازآن وآنچه فرودمی آید ازآسمان وآنچه بالامیرود اندرآن واوباشماست هرجاکه باشید وخدا بآنچه میکنید بیناست (٤) .

لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ ۝٥

اوراست پادشاهیٔ آسمان هاوزمین وبسوی خدابازگردانیده میشودکار ها (٥) .

يُوْلِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوْلِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ ۭ وَهُوَ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ۝٦

درمی آردشب را درروز ودرمی آرد روزرا درشب واو داناست بمکنون سینها (٦) .

اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَاَنْفِقُوْا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُّسْتَخْلَفِيْنَ فِيْهِ ۭ فَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَاَنْفَقُوْا لَهُمْ اَجْرٌ كَبِيْرٌ ۝٧

ایمان آرید بخداورسول او وخرج کنید ازجملهٔ آن مال که قرار داده است شمارا جانشین دیگران دروی پس آنانکه ایمان آوردند و خرج کردند ازشما ایشانراست مزدِ بزرگ (۷) .

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ ۙ وَالرَّسُوْلُ يَدْعُوْكُمْ لِتُؤْمِنُوْا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ اَخَذَ مِيْثَاقَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ۝٨

وچیست شمارا که ایمان نمی آرید بخدا ورسول درحالیکه دعوت می کند شمارا که ایمان آرید بپروردگارخویش وهرآئینه عهدگرفته است ازشما[1] اگرهستید باوردارنده (۸) .

---

(۱) یعنی روزألست بربکم .

نَقْتَبِسْ مِنْ نُّوْرِكُمْ قِيْلَ ارْجِعُوْا وَرَآءَكُمْ فَالْتَمِسُوْا نُوْرًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُوْرٍ لَّهٗ بَابٌ بَاطِنُهٗ فِيْهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهٗ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿١٣﴾

بامسلمانان بنظر شفقت نگرید بسوی ماتاروشنی گیریم ازنور شماگفته شودباگردید پس پشت خویش پس بجوئیدروشنی را[1] پس بناکرده شود درمیانِ ایشان دیواری که اورا دروازه باشد اندرونِ آن دیوار درآنجارحمت ست وبیرون آن دیوار بجانب پیش اوعذاب ست (١٣) .

يُنَادُوْنَهُمْ اَلَمْ نَكُنْ مَّعَكُمْ قَالُوْا بَلٰى وَلٰكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ اَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْاَمَانِيُّ حَتّٰى جَآءَ اَمْرُ اللّٰهِ وَغَرَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُوْرُ ﴿١٤﴾

آوازدهند منافقان مسلمانان راآیامانبودیم همراه شماگفتند آری ولیکن شما دربلا افگندید خویشتن را وانتظار کردید[2] وشك آوردید وفریفته کرد شمارا آرزوها تاآنکه برسید فرمان خدا[3] وفریب دادشمارادر فرمانبرداری خداشیطان فریبنده (١٤) .

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَّلَا مِنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مَاْوٰىكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلٰىكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ﴿١٥﴾

پس امروز فراگرفته نه شود ازشمافدیهٔ ونه ازکافران گرفته شود جای شماآتش ست همان آتش لائقِ شماست و بد باز گشت ست وی (١٥) .

اَلَمْ يَاْنِ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوْبُهُمْ لِذِكْرِ اللّٰهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ

آیاوقت نرسیده است مسلمانان را که نیایش کند دل های ایشان آن وقت یاد کردن خداووقت یادآوردن آنچه آمده ست ازوحی الهی ونباشند مانند آنانکه

---

(١) مترجوگوید یعنی دردنیا روید تحصیل نورکنید که این جاتحصیل نور نیست والله اعلم .

(٢) یعنی هزیمت مسلمانان را .

(٣) یعنی اجل .

وَالْاَرْضُ ۙ اُعِدَّتْ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ ۭ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَاۗءُ ۭ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ ﴿٢١﴾

اومانند پهنائی آسمان وزمین باشد آماده کرده شد برای آنانکه ایمان می آرند بخداو پیغامبران او اینست فضل خدا میدهدش بهرکه خواهد وخداوند صاحب فضل بزرگ ست (٢١) .

مَآ اَصَابَ مِنْ مُّصِيْبَةٍ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِيْٓ اَنْفُسِكُمْ اِلَّا فِيْ كِتٰبٍ مِّنْ قَبْلِ اَنْ نَّبْرَاَهَا ۭ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَي اللّٰهِ يَسِيْرٌ ﴿٢٢﴾

نه رسید هیچ مصیبتی در زمین ونه در جان های شما مگر نوشته شده است درکتابی پیش ازآنکه بیافرینیم آن مصیبت را هرآئینه این کار بر خداآسان ست (٢٢) .

لِّكَيْلَا تَاْسَوْا عَلٰي مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوْا بِمَآ اٰتٰىكُمْ ۭ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُوْرِۨ ﴿٢٣﴾

(خبرداده ایم) تااندوه نخورید برآنچه رفت ازدست شماوتاشادمان نه شویدبآنچه عطا کرد شمارا و خدای‌تعالی دوست نمیداردهرتکبر کننده خودستاینده را (٢٣) .

الَّذِيْنَ يَبْخَلُوْنَ وَيَاْمُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۭ وَمَنْ يَّتَوَلَّ فَاِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيْدُ ﴿٢٤﴾

(دوست نمیدارد) آنانراکه بخل میکنند ومردمان را به بخل می فرمایند وهرکه روگردان شود هرآئینه خدا اوست بی نیاز ستوده (٢٤) .

لَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنٰتِ وَاَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتٰبَ وَالْمِيْزَانَ لِيَقُوْمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ۚ وَاَنْزَلْنَا الْحَدِيْدَ فِيْهِ بَاْسٌ شَدِيْدٌ وَّمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللّٰهُ مَنْ يَّنْصُرُهٗ وَرُسُلَهٗ بِالْغَيْبِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيْزٌ ﴿٢٥﴾

هرآئینه فرستادیم پیغامبران خودرا به نشانه های واضح وفرودآوردیم همراه ایشان کتاب وترازو راتاعمل کنندمردمان بانصاف وفرودآوردیم آهن را درآن جنگ سخت ست ومنفعت های دیگر برای مردمان وتابداند خدا کسی راکه نصرت دهد خداوپیغمبران اورا غائبانه هرآئینه خداتوانای غالب ست (٢٥) .

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوْحًا وَّاِبْرٰهِيْمَ وَجَعَلْنَا فِيْ ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ

وهرآئینه فرستادیم نوح را وابراهیم را ونهادیم در اولاد ایشان پیغامبری وکتاب

سوره مجادله مدنی است وآن بیست ودوآیت وسه رکوع است

سُورَةُ الْمُجَادَلَة

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قَدْ سَمِعَ اللهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَ تَشْتَكِي إِلَى اللهِ وَاللهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ①

(۱)هرآئینه شنید خدای‌تعالی سخن آن زن که گفتگو میکردبا تو درباره شوهر خود وشکایت میکرد پیش خدا وخدامی شنود گفتگو کردن شمارا هرآئینه خداشنوابیناست (۱) .

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَ إِنَّ اللهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ②

آنانکه ازشما ظهار میکنند بازنان خود(۲) نیستند آن زنان مادران ایشان نیستند مادران ایشان، الّاآنانکه زاده اند ایشان را هرآئینه این ظهار کنندگان می گویند سخن نامعقول ومیگویند دروغ وهرآئینه خدا عفوکنندهٔ آمرزگارست (۲) .

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ذٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ③

وآنانکه ظهارمی کنند بازنان خود بازرجوع میکنند درمخالفت آنچه گفتند پس واجب ست آزاد کردنِ برده ای پیش ازآنکه زن ومردبایکدیگردست رسانند(۳) این حکم پندداده میشود شمارا بآن وخدا بآنچه میکنید خبردارست (۳) .

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا

پس هرکه نه یابدبرده را پس بروی واجب

---

(۱) زنی را شوهراوگفت "انتِ علی کظهر امی" توبر من مانند پشت مادرمنی آن زن پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم این ماجراعرض کرد فرمودند که حرام شدی آن زن کثرت عیال وقلت مال عرض کرد خدای تعالی این آیت فرستاد .

(۲) یعنی تشبیه می دهند زنان خودرا به پشت مادر .

(۳) یعنی جماع کنند .

وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ ۖ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ ۙ وَيَقُولُونَ فِي أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ ۚ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ ۖ يَصْلَوْنَهَا ۖ فَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٨﴾

رازابایکدیگر رازگفتن[1] بازعَود میکنند درآنچه ازآن منع کرده شد ایشان را وبیکدیگررازمیگویند درباب گناه وتعدی ونافرمانی پیغامبر وچون بیایند پیش تودعاکنند ترا بآن کلمه که دعانکرده است تراخدابآن[2]ومیگویند دردل های خویش چرا عذاب نه میکند مارا خدابسبب آنچه میگوئیم[3] بس ست ایشانرا دوزخ درآیند آن جا پس بدجائیست دوزخ (۸).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩﴾

ای مسلمانان چون بایکدیگر رازگوئید پس بایدکه رازمگوئید درباب گناه وتعدی نافرمانیِ پیغامبر ورازگوئید درباب نیکوکاری وپرهیزگاری وبترسید ازخدائی که بسوی اوحشر کرده خواهید شد (۹).

إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾

جزاین نیست که رازگفتن بدازکارشیطان ست تااندوهگین کندَ مسلمانان را ونیست هیچ زیان رساننده بایشان مگر بارادهٔ خدا، وبرخدا بایدکه توکل کنند مسلمانان (۱۰) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ ۖ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١﴾

ای مسلمانان چون گفته شود شمارا که گشاده بنشینیددر مجلس ها پس گشاده کنید جای را تابگشاید خدا برای شما (هرمشکلی را) وچون گفته شودبرخیزید پس برخیزید تابلند کند خدامرتبه هابرای

---

(۱) یعنی یهود که رازایشان درایذای مسلمین بود والله اعلم .

(۲) یعنی بجای السلام علیك السام علیك گویند یعنی مرگ برتوباد .

(۳) یعنی ا گر پیغامبرراست است بایستی که مارا عذاب رسیدی والله اعلم .

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَآ أَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللهِ شَيْـًٔا ۚ أُولَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿١٧﴾

دفع نخواهد کردازایشان اموال ایشان واولاد ایشان ازعذابِ خداچیزی را این جماعت اهل دوزخ اند، ایشان آنجاجاویدان باشند (۱۷) .

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُۥ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَىْءٍ ۚ أَلَآ إِنَّهُمْ هُمُ الْكَٰذِبُونَ ﴿١٨﴾

روزیکه برانگیزد ایشانرا خداهمه یك جا پس سوگند خورند بحضور اوچنانکه سوگند میخورند بحضور شما و می پندارند که ایشان بر چیزی هستند آگاه شوهرآئینه ایشانند دروغگو (۱۸) .

اِسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَٰنُ فَأَنسَىٰهُمْ ذِكْرَ اللهِ ۚ أُولَٰٓئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَٰنِ ۚ أَلَآ إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَٰنِ هُمُ الْخَٰسِرُونَ ﴿١٩﴾

غالب آمده است برایشان شیطان پس فراموش ساخت ازخاطر ایشان یادکردن خدارا این جماعت لشکر شیطان اند آگاه شو هرآئینه لشکر شیطان ایشانند زیان کاران (۱۹) .

إِنَّ الَّذِينَ يُحَآدُّونَ اللهَ وَرَسُولَهُۥٓ أُولَٰٓئِكَ فِى الْأَذَلِّينَ ﴿٢٠﴾

هرآئینه آنانکه مخالفت میکنند باخداورسول او این جماعت درجملهٔ خوارترین مردم اند (۲۰) .

كَتَبَ اللهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا۠ وَرُسُلِىٓ ۚ إِنَّ اللهَ قَوِىٌّ عَزِيزٌ ﴿٢١﴾

حکم کردخدااالبته غالب شوم من و پیغامبران من هرآئینه خدا توانای غالب ست (۲۱) .

لَّا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْءَاخِرِ يُوَآدُّونَ مَنْ حَآدَّ اللهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوْ كَانُوٓا۟ ءَابَآءَهُمْ أَوْ أَبْنَآءَهُمْ أَوْ إِخْوَٰنَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ۚ أُولَٰٓئِكَ كَتَبَ فِى قُلُوبِهِمُ الْإِيمَٰنَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ ۖ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ رَضِىَ اللهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ ۚ أُولَٰٓئِكَ حِزْبُ اللهِ ۚ أَلَآ إِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾

نخواهی یافت قومی را که ایمان دارند بخدا وروز آخر باین صفت که دوستی کنند باکسیکه خلاف کرده است باخداورسول او واگرچه آن جماعت باشند پدران ایشان یاپسرانِ ایشان یابرادرانِ ایشان یا خویشاوندانِ ایشان آن مومنان که باکافران دوستی ندارند نوشته است خدادردل های ایشان ایمان را وقوت داده است ایشان را بفیضِ غیبی

خدا پس بیامد بایشان عقوبتِ خداازآن جاکه گمان نمی کردند وافگند دردل های ایشان ترس را خراب میکردند خانه های خودرا بدست های خویش وبدست های مسلمانان پس عبرت گیرید ای خداوندانِ بصیرت (٢) .

وَلَوْلَآ اَنْ كَتَبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَآءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ٣

وا گرنه آن بود که نوشت خدا برایشان جلاوطنی را هرآئینه عقوبت میکردایشانرا دردنیا[1] وایشان راست درآخرت عذابِ آتش (٣) .

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ شَآقُّوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَمَنْ يُّشَآقِّ اللّٰهَ فَاِنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ٤

این عذاب بسبب آنست که ایشان مخالفت کردند باخداورسول اووهر که مخالفت کند باخداپس هرآئینه خداسخت عقوبت ست (٤) .

مَا قَطَعْتُمْ مِّنْ لِّيْنَةٍ اَوْ تَرَكْتُمُوْهَا قَآئِمَةً عَلٰٓى اُصُوْلِهَا فَبِاِذْنِ اللّٰهِ وَلِيُخْزِيَ الْفٰسِقِيْنَ ٥

آنچه بریدید ازدرختِ خرما یا گذاشتیدآن را ایستاده بربیخ و ریشه های آن پس به فرمان خدابود وتاخوار کند بدکاران را[2] (٥) .

وَمَآ اَفَآءَ اللّٰهُ عَلٰى رَسُوْلِهٖ مِنْهُمْ فَمَآ اَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَّلَا رِكَابٍ وَّلٰكِنَّ اللّٰهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهٗ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ٦

وآنچه عائد گردانید خدابرپیغامبر خوداز اموال (بنی نضیر) پس نتاخته بودید برآن اسپان را ونه شتران را ولیکن خدا غالب میگرداند پیغامبران خودرا برهرکه خواهد وخدا برهرچیز تواناست (٦) .

مَآ اَفَآءَ اللّٰهُ عَلٰى رَسُوْلِهٖ مِنْ اَهْلِ الْقُرٰى فَلِلّٰهِ وَلِلرَّسُوْلِ وَلِذِي الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ وَابْنِ السَّبِيْلِ ۙ كَيْ لَا

آنچه عائد گردانید خدا برپیغامبر خود ازاموال ساکنان ده ها خدای راست و

---

(١) بنوعی دیگر والله اعلم .

(٢) یعنی قطع درخت میوه دار وقت جهاد جائز است وترك آن نیز جائز والله اعلم .

الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِّلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠﴾

انصار می‌گویند ای پروردگار ما بیامرز مارا و برادران مارا که سبقت کر دند برما به ایمان آوردن وپیدامکن دردل های ما هیچ کینه نسبت به آنانکه ایمان آوردند ای پروردگار ماهرآئینه تو بخشایندهٔ مهربانی[1] (۱۰) .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١١﴾

آیاندیدی بسوی آنانکه منافق شدند میگویند آن برادرانِ خودرا که کافرند ازاهل کتاب ا گر جلاوطن کرده شود شمارا البته بیرون شویم نیز همراه شما وفرمان قبول نه کنیم در مقدمهٔ شما هیچکس را هرگزو ا گرجنگ کرده شودبا شما البته نصرت دهیم شمارا وخداگواهی میدهد که ایشانند دروغگویان (۱۱) .

لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَّصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ﴿١٢﴾

ا گرجلاوطن کرده شوند جلاوطن نه شوند همراه ایشان (منافقان) و ا گرجنگ کرده شود با ایشان نصرت ندهند ایشانرا و ا گر بفرض نصرت دهند ایشانرا راالبته بازگردانند پشت های خودرا بعد ازآن مدد کرده نشود ایشانرا (۱۲) .

لَأَنتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِم مِّنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ ﴿١٣﴾

هرآئینه شماای مسلمانان بارعب ترید درخاطر های ایشان ازخدا این بسبب آنست که ایشان قومی هستند که نمی فهمند[2] (۱۳) .

---

(۱) مترجم گوید ازین آیت معلوم شد که درفَیء هر مسلمان را حق ست پس احوج فالاحوج رابابد دادتاآنکه مال فَیء کفایت کند والله اعلم .

(۲) یعنی ازعذاب خدا که موٴجل ست پرواندارند والله اعلم .

هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿١٩﴾

خدارا پس خدافراموش گردانید ازخاطرِ ایشان تدبیر حالِ ایشانرا این جماعت ایشانند بدکاران (١٩) .

لَا يَسْتَوِيْٓ اَصْحٰبُ النَّارِ وَاَصْحٰبُ الْجَنَّةِ ۭ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَاۗىِٕزُوْنَ ﴿٢٠﴾

برابرنیستند اهل دوزخ واهل بهشت، اهل بهشت ایشانند بمطلب رسندگان (٢٠) .

لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰي جَبَلٍ لَّرَاَيْتَهٗ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ ۭ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُوْنَ ﴿٢١﴾

ا گرفرود میآوردیم این قرآن را برکوهی هرآئینه میدیدی آنرانیایش کرده پاره پاره شده ازخوف خداواین داستان هارا بیان می کنیم برای مردمان تاایشان تأمل کنند (٢١) .

هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۚ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ﴿٢٢﴾

اوست آن خدا که نیست هیچ معبود برحق مگراو دانندهٔ نهان وآشکاراوست بخشایندهٔ مهربان (٢٢) .

هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ اَلْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلٰمُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ۭ سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٢٣﴾

اوست آن خداکه نیست هیچ معبود برحق مگراو پادشاه نهایت پاك سلامت ازهمه عیب امن دهنده نگاهبان غالب خود اختیار بزرگوار پاکی خدای راست ازشریك مقرر کردن ایشان (٢٣) .

هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاۗءُ الْحُسْنٰى ۭ يُسَبِّحُ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٢٤﴾

اوست خدا آفریدگار نوپدید آرندهٔ نگارنده، اوراست نامهای نیك به پاکی یاد میکند اوراهرچه درآسمان ها وزمین ست واوست غالب باحکمت (٢٤) .

سُوْرَةُ الْمُمْتَحِنَة

سوره ممتحنه مکی است وآن سیزده آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا عَدُوِّيْ وَعَدُوَّكُمْ اَوْلِيَاۗءَ تُلْقُوْنَ

(١) ای مسلمانان دوستان مگیرید دشمنانِ

---

(١) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم خواستند که بفتح مکه متوجه شوند =

بِاللهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرٰهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَآ أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللهِ مِن شَيْءٍ رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٤﴾

چه می پرستید بجزخدا نامعتقد شدیم بشما وپدیدآمد میانِ ماومیانِ شما دشمنی وناخوشی همیشه تاوقتیکه ایمان آرند بخدای تنها (شمارا الگوی نیك ست باابراهیم) مگر درقول ابراهیم پدر خودرا کـه آمـرزش طلـب خـواهـم کـرد بـرای تووتمی توانم برای تو ازخدا چیزی[1] گفت ابراهیم ای پروردگار مابرتوتوکل کردیم وبسوی تورجوع نمودیم وبسوی تست بازگشت (٤) .

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَآ إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٥﴾

ای پروردگارما قرارمَدِه مارا زیردستِ کافران وبیامرزبرای ما ای پروردگارما هرآئینه توئی غالب باحکمت (٥) .

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦﴾

هرآئینه هست شمارا بجماعت مذکوره اقتداء نیك کسی راازشماکه امید دارد مـلاقـات خـدا وروزآخـرت را وهـرکـه روگردان شود پس هرآئینه خدا بی نیاز ستوده کارست (٦) .

عَسَى اللهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُم مَّوَدَّةً وَاللهُ قَدِيرٌ وَاللهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٧﴾

نزدیك ست خدا ازآنکه پیداکند درمیان شماودرمیان آنانکه دشمنی داشته ایدبآنها دوستی را[2] وخداتواناست وخداآمرزگار مهربانست (٧) .

لَّا يَنْهَاكُمُ اللهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوٓا

منع نمی کند خداشمارا ازمواصلتِ آنانکه جنگ نه کرده اند باشمادرمقدمهٔ

---

(١) یعنی درین قول اقتداء باابراهیم نه شاید کردن واستغفار برای کافر درست نیست والله اعلم .

(٢) یعنی ایشان را توفیق اسلام دهد .

ایشان را مهرایشان ونگاه ندارید دست آویز زنانِ نامسلمان را[١]وطلب کنید آنچه شما خرج کردید وباید که مشرکان طلب کنند آنچه خرج کرده اند[٢]اینست حکم خدا فیصله میکند میان شما وخدا دانای باحکمت ست (١٠) .

وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَآتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُم مِّثْلَ مَا أَنفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنتُم بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾

وا گراز دست شما برود کسی اززنان شما بسوی کافران پس غنیمت بدست آوردید[٣] پس بدهید آنان را که رفته باشند زنان ایشان مانند آنچه خرج کرده باشند بترسید ازخدائی که شمااورا باور دارنده اید[٤] (١١) .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾

ای پیغمبر چون بیایند نزدِ توزنانِ مسلمان که بیعت کنند باتو باین شرط که شریك مقرر نکنند باخدا چیزی را ودزدی نکنند وزنانکنند ونه کشند اولاد خودرا وپیش نیارند سخن دروغ که بربسته باشند آن را درمیان دستهای خویش ودرمیانِ پاهای

---

(١) یعنی برنکاح کافره اقامت نباید کرد والله اعلم .

(٢) یعنی ا گرزنی مرتد شده بامشرکان ملحق شود مهرِ اوباید طلبید و ا گرزنی مسلمان شده هجرت کند مهراوباید داد والله اعلم .

(٣) یعنی غنیمت ستانید ازایشان .

(٤) مترجم گوید که ا گرکفار معاهد باشندوزنی مرتده بایشان ملحق گرددازیشان مهر باید طلبید چنانچه درآیت سابقه معلوم شده ا گرکفار حربیان باشنداز غنائمِ اموالِ ایشان شوهران مرتده را مهر باید داد بعد فتح مکه این همه احکام مرتفع شدند نزدیك این فقیر نسخ این احکام ثابت نشده است پس ا گرمثل حالتیکه درصلح حدیبیه بودباز رودهد تحقیق که برهمین احکام عمل کرده شود والله اعلم .

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَد تَّعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾

ویادکن چون گفت موسیٰ قوم خودرا ای قوم من چرامیرنجانید مرا وهرآئینه می دانید که من فرستادهٔ خدایم بسوی شما پس وقتیکه کجروی کردند کج ساخت خدادل های ایشان را خدا راه نمی نماید قوم بدکاران را (۵) .

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُم مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِن بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٦﴾

ویادکن چون گفت عیسیٰ پسر مریم ای بنی اسرائیل هرآئینه من پیغمبر خدایم بسوی شما باور دارندهٔ آنچه پیش دستان من است ازتورات وبشارت دهنده به پیغامبری که بیاید بعد ازمن نام او احمد باشد پس چون آمد احمد (صلی الله علیه وسلم) پیش ایشان با معجزه ها گفتند این سحر ظاهرست (٦) .

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٧﴾

وکیست ستمگارتر ازکسیکه بربست برخدا دروغ را واوخوانده می شود بسوی اسلام وخداراه نمی نماید گروه ستمگاران را (۷) .

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٨﴾

میخواهند این کافران که فرونشانند نورخدارا به دهن های خویش وخداتمام کنندهٔ نور خودست ا گرچه ناخوش دارند کافران (۸) .

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٩﴾

اوست آنکه فرستاد پیغامبر خودرا به هدایت ودین راست تاغالب کندش برهمهٔ ادیان ا گرچه ناخوش دارند مشرکان (۹) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنجِيكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿١٠﴾

ای مسلمانان آیادلالت کنم شمارا به تجارتی که برهاند شمارا ازعذابِ درد دهنده (۱۰) .

پاك، غالب باحكمت (١) .

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ②

اوست آنكه برانگيخت درنا خواندگان[1] پيغامبرى ازقوم ايشان ميخواند برايشان آيات اورا وپاك مى كند ايشان را ومى آموزدايشان را كتاب و دانش و هرآئينه ايشان بودند پيش ازين درگمراهيِ ظاهر (٢) .

وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ③

ونيز مبعوث كرد آن پيغامبررادرقومى ديگرازبنى آدم كه هنوز نه پيوسته اندبامسلمانان[2] و اوست غالب باحكمت (٣) .

ذَٰلِكَ فَضْلُ اللهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ④

اينست فضل خدا ميدهدش بهركه خواهد وخدا صاحب فضل بزرگ ست (٤) .

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللهِ وَاللهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ⑤

مثال آنانكه نهاده شد برايشان تورات باز برنداشتندآن را[3] مانندِ مثال خرست كه بردارد‌كتاب هارا بداست داستان قومى كه دروغ مى شمردند آيات خدارا وخداراه نمى نمايد گروه ستمگاران را (٥) .

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ⑥

بگواى يهود ا گرگمان داريد كه شما دوستان خدائيد بجز سائر مردمان پس آرزو كنيد مرگ را ا گر هستيد راست گويان (٦) .

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ⑦

وآرزو نخواهند كردآنرا هرگزبسبب آنچه پيش فرستاده است دست هاى ايشان

---

(١) يعنى عرب .
(٢) فارس يعنى سائرِ عجم .
(٣) يعنى به وفق آن عمل نه كردند .

سُوْرَةُ الْمُنَافِقُوْنَ

سوره منافقون مدنی است وآن یازده آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ○

بنام خدای بخشاینده مهربان .

إِذَا جَآءَكَ الْمُنٰفِقُوْنَ قَالُوْا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُوْلُ اللّٰهِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُوْلُهٗ وَاللّٰهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ لَكٰذِبُوْنَ ①

(۱) چون بیایند پیش تومنافقان گویند گواهی میدهیم که تو پیغامبر خدائی وخدا میداند که تو پیغامبر اوئی وخدا گواهی میدهد که منافقان دروغ گواند (۱) .

إِتَّخَذُوْٓا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ إِنَّهُمْ سَآءَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ②

سپر گرفته اند قسم های خودرا پس بازماندند ازراه خدا هرآئینه ایشان بداست آنچه می کردند (۲) .

ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا فَطُبِعَ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُوْنَ ③

این بسبب آنست که ایشان ایمان آوردند بازکافرشدند پس مهر نهاده شد بردل های ایشان نمی فهمند (۳) .

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَّقُوْلُوْا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُّسَنَّدَةٌ يَحْسَبُوْنَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قٰتَلَهُمُ اللّٰهُ أَنّٰى يُؤْفَكُوْنَ ④

وچون ببینی ایشان را متعجب کند ترااندانِ ایشان و ا گربگویند گوش نهی برسخن ایشان گویاایشان چوبهای به دیوار تکیه داده اند، می پندارند هرآواز تند را هلاکی برخود ایشانند دشمنان پس بترس ازایشان لعنت کرد ایشانرا خداازکجا گردانیده میشوند(٤) .

وَإِذَا قِيْلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُوْلُ اللّٰهِ لَوَّوْا رُءُوْسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّوْنَ وَهُمْ مُّسْتَكْبِرُوْنَ ⑤

وچون گفته شود منافقان را بیائید تاطلب آمرزش کند برای شما پیغامبر خدا می پیچانند سرهای خودرا وببینی ایشان را که رو می

---

(۱) مترجم گوید رئیس منافقان در سفری سخنان نفاق انگیزبرزبان آوردآن را شخصی ازانصار به عرض آنحضرت صلی الله علیه وسلم رسانید منافقان بمجلس شریف آمده قسم خوردندکه مرتکب آن کلمات نشده انداین سوره درحکایت آن اقوال وتهدید وتکذیب ایشان نازل شد .

بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١١﴾

بیایداجل او وخداخبردارست بآنچه میکنید (۱۱) .

سُورَةُ التَّغَابُنِ

سوره تغابن مدنی است وآن هیجده آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ۖ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾

به پاکی یادمیکند خدارا آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین ست، اوراست پادشاهی و اوراست ستائش واوبرهمه چیز تواناست (۱) .

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ ۚ وَاللهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢﴾

اوست آنکه آفرید شمارا پس بعض ازشما کافراست وبعض ازشما ومومن وخدابآنچه می کنید بیناست (۲) .

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ ۖ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿٣﴾

آفریدآسمان ها وزمین رابه تدبیرِ درست وصورت بست شمارا پس نیك ساخت صورتهای شمارا وبسوی اوست باز گشت (۳) .

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۚ وَاللهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٤﴾

میداند آنچه درآسمان ها وزمین ست ومیداند آنچه پنهان میدارید وآنچه آشکارمی کنید وخداداناست بمکنون سینه ها (٤) .

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٥﴾

آیانیامده است بشما خبرآنانکه کافربودند پیش ازین پس چشیدند وبال کار خودرا وایشانراست عذاب درد دهنده (۵) .

ذٰلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللهُ ۚ وَاللهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٦﴾

این عذاب بسبب آنست که می آمدند پیش ایشان پیغامبران ایشان بامعجزه ها پس گفتند آیا آدمیان راه نمایند مارا پس کافر شدندو روگردانیدند وبی نیازاست

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ﴿١٣﴾

خداآنست که هیچ معبود برحق نیست مگراو وبرخدا بایدکه توکل کنند مومنان (۱۳) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنَّ مِنْ اَزْوَاجِكُمْ وَاَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَاحْذَرُوْهُمْ ۚ وَاِنْ تَعْفُوْا وَتَصْفَحُوْا وَتَغْفِرُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٤﴾

ای مسلمانان هرآئینه بعض ازواج شما وبعض اولادِ شما دشمنان اندرحقِ شما پس بترسید ازایشان[1] وا گر درگذر کنید وروبگردانید وبیامرزید پس هرآئینه خدا آمرزگار مهربانست (۱٤) .

اِنَّمَآ اَمْوَالُكُمْ وَاَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۭ وَاللّٰهُ عِنْدَهٗٓ اَجْرٌ عَظِيْمٌ ﴿١٥﴾

جزاین نیست که اموال شماواولاد شما امتحان ست وخدا نزدِ اوست مزد بزرگ (۱۵) .

فَاتَّقُوا اللّٰهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوْا وَاَطِيْعُوْا وَاَنْفِقُوْا خَيْرًا لِّاَنْفُسِكُمْ ۭ وَمَنْ يُّوْقَ شُحَّ نَفْسِهٖ فَاُولٰۗىِٕكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿١٦﴾

پس بترسیدازخدا آن قدرکه توانید وسخن شنوید وفرمانبرداری کنید وخرج کنید بهتر باشد برای جان های شماوهرکه نگاهداشته شود ازبخلِ نفسِ خود پس آنجماعت ایشانند رستگاران (۱٦) .

اِنْ تُقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضٰعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۭ وَاللّٰهُ شَكُوْرٌ حَلِيْمٌ ﴿١٧﴾

ا گرقرض دهید خدارا قرض نیکودوچند دهدش شمارا وبیامرزدشمارا وخدا قدرشناس بردبارست (۱۷) .

عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿١٨﴾

دانندهٔ پنهان وآشکارا غالب باحکمت (۱۸) .

سُوْرَةُ الطَّلَاقِ

سوره طلاق مدنی است وآن دوازده آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ اِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاۗءَ فَطَلِّقُوْهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَاَحْصُوا الْعِدَّةَ ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ رَبَّكُمْ ۚ لَا تُخْرِجُوْهُنَّ مِنْۢ بُيُوْتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ

ای پیغامبر (بگوامت خودرا) چون اراده کنید طلاق دادن زنان را پس طلاق دهیدایشانرا دراول عدت

---

(۱) یعنی آنکه بربخل حمل کنند .

حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ۝٤

ایشان سه ماه است وآنانکه بسن حیض نرسیده اند نیز عدت ایشان سه ماه است وخداوندانِ حمل عدت ایشان آن است که بنهند حمل خودرا وهرکه بترسدازخدا پدید آرد برای او درکاراو آسانی را (٤).

ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ۝٥

این حکمِ خداست که فرود آوردآن را بسوی شما وهرکه بترسد ازخدادور کند ازوی بدیهای اووزیاده دهداورامزد (٥).

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَىٰ ۝٦

ساکن کنید زنان مطلقه را جائی که شماسکونت دارید قدر طاقت خود وایذامرسانید ایشان را تاتنگ گیرید برایشان و ا گرباشند خداوندانِ حمل پس خرج کنید برایشان تاآنکه بنهند حمل خودرا پس ا گرشیردهند بفرمان شما پس بدهید ایشان را مزدایشان وبایکدیگر کارفرمائی کنید درمیان خویش بوجه پسندیده ا گرمضائقه کردید شیر خواهد داد بفرمودهٔ اوزنی دیگر (٦).

لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ۝٧

بایدکه خرج کند صاحب وسعت ازوسعتِ خود وآنکه تنگ کرده شد بروی رزق اورا پس باید که خرج کند ازآنچه عطا کرده است اوراخدا، تکلیف نمی کند خدا هیچ کس را مگر بحسب آنچه داده است اورا پدید خواهد آوردخدابعد ازتنگ دستی آسائش را (٧).

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا ۝٨

وبَسادِه که تجاوزکردازفرمان پروردگار خویش وازفرمان پیغامبران اوپس حساب کردیم باو حسابی سخت وعقوبت کردیم اورا عقوبتی دشوار (٨).

اَزْوَاجِكَ ۚ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ①

را که حلال ساخته است خدابرای تومی طلبی خوشنودیِ زنان خودرا وخدا آمرزگار مهربان ست (۱) .

قَدْ فَرَضَ اللّٰهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ اَيْمَانِكُمْ ۚ وَاللّٰهُ مَوْلٰىكُمْ ۚ وَهُوَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ②

هرآئینه مشروع ساخته است خدابرای شما گشادن سوگند شمارا[1] وخداکارساز شماست واوست دانای باحکمت (۲) .

وَاِذْ اَسَرَّ النَّبِيُّ اِلٰى بَعْضِ اَزْوَاجِهٖ حَدِيْثًا ۚ فَلَمَّا نَبَّاَتْ بِهٖ وَاَظْهَرَهُ اللّٰهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهٗ وَاَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ ۚ فَلَمَّا نَبَّاَهَا بِهٖ قَالَتْ مَنْ اَنْۢبَاَكَ هٰذَا ۚ قَالَ نَبَّاَنِيَ الْعَلِيْمُ الْخَبِيْرُ ③

ویادکن چون پنهان گفت پیغامبر بابعض ازواج خود سخنی را پس چون افشاء کرد آن سخن را ومطلع ساخت خدای‌تعالی پیغامبررا برافشای آن سخن، شناسا کرد پیغامبر به بعض آن سخن واعراض کرداز بعض پس وقتیکه خبردار کرد آن را بافشای راز آن زن گفت که خبردادترابراین افشای راز پیغامبر فرمود خبرداد مرا خدای‌دانای خبردار (۳) .

اِنْ تَتُوْبَاۤ اِلَى اللّٰهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوْبُكُمَا ۚ وَاِنْ تَظٰهَرَا عَلَيْهِ فَاِنَّ اللّٰهَ هُوَ مَوْلٰىهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِيْنَ ۚ وَالْمَلٰٓئِكَةُ بَعْدَ ذٰلِكَ ظَهِيْرٌ ④

ای دوزن پیغامبر[2] ا گررجوع کنید بسوی خداخوش باشدهرآئینه کج شده ست دل های شماو ا گرباهم متفق شوید براو (برنجانیدن پیغامبر) پس هرآئینه

= وازواج آنحضرت غیرت کردند آنحضرت صلی الله علیه وسلم برای خاطر داشتِ ایشان ماریه را برخود حرام گردانید وآنحضرت سِرّی ازاسرارِ خودبابعض ازواج اظهار فرموده درکتمانِ آن مبالغه کردآن زوجه بدیگری اظهار نمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بطریق وحی برافشای آن سرمطلع شدند وبنوعی ازرمزآن قصه درمیان نهادند وعتاب فرمودند خدای تعالی درباب پند ازواج طاهرات وتهدید ایشان نازل ساخت والله اعلم .

(۱) یعنی بادای کفاره .

(۲) یعنی حفصه وعائشه رضی الله عنهما والله اعلم .

وبیامرزمارا، هرآئینه تو برهرچیز توانائی (٨) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلْكُفَّارَ وَٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱغْلُظْ عَلَيْهِمْ ۚ وَمَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿٩﴾

ای پیغامبر جهاد کن باکافران وبامنافقان نیز ودرشت شوبر ایشان وجای ایشان دوزخ ست ووی بدجائی ست (٩) .

ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱمْرَأَتَ نُوحٍ وَٱمْرَأَتَ لُوطٍ ۖ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَٰلِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا وَقِيلَ ٱدْخُلَا ٱلنَّارَ مَعَ ٱلدَّٰخِلِينَ ﴿١٠﴾

اورد خدامثالی را برای آنانکه کافرشدند زن نوح را و زن لوط را بودند زیر نکاح دوبندهٔ شایسته از بندگان ما پس خیانت کردند بآن دوبنده پس دفع نکردند ایشان ازآن دوزن چیزی را ازعذاب خدا وگفته شد درآئید هردوتا درآتش دوزخ با در آیندگان (١٠) .

وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱمْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ٱبْنِ لِى عِندَكَ بَيْتًا فِى ٱلْجَنَّةِ وَنَجِّنِى مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِۦ وَنَجِّنِى مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١١﴾

وآوردخدا مثالی را برای آنانکه ایمان آوردند زن فرعون را چون گفت ای پروردگار من بناکن برای من نزدِ خودخانه ای دربهشت وخلاص کن مرا ازفرعون وکاراو وخلاصی دِه مرا ازقوم ستمگاران (١١) .

وَمَرْيَمَ ٱبْنَتَ عِمْرَٰنَ ٱلَّتِىٓ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَٰتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِۦ وَكَانَتْ مِنَ ٱلْقَٰنِتِينَ ﴿١٢﴾

ومریم دخترِ عمران را آنکه نگاهداشت فرج خودرا پس دمیدیم درفرج او روحِ خودراوباورداشت سخنان پروردگار خودرا وکتاب های اورا وبود از فرمانبردارندگان[1] (١٢) .

سُورَةُ الْمُلْك

سوره ملك مكى است وآن سى آيت ودوركوع است

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

تَبَٰرَكَ ٱلَّذِى بِيَدِهِ ٱلْمُلْكُ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ

بسیار بابرکت ست آنخدا که بدست

(١) یعنی روح حضرت عیسیٰ دررحم مریم درآمد وفرج کنایت است ازرحم .

درگمراهی بزرگ (۹) .

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١٠﴾

وگویند ا گرما می شنیدیم یامامی فهمیدیم نمی شدیم داخل درزمرهٔ اهل دوزخ (۱۰).

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِّأَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١١﴾

پس اقرار کردند بگناه خویش پس لعنت باد اهل دوزخ را (۱۱) .

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١٢﴾

هرآئینه آنانکه می ترسند ازپروردگار خویش غائبانه ایشانراست آمرزش ومزدبزرگ (۱۲) .

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٣﴾

وپنهان کنید سخن خودرا یاآشکارا گوئید آن راهرآئینه خداداناست بآنچه درسینه ها باشد (۱۳) .

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٤﴾

آیاندانند کسی که آفرید واوست باریك بین خبردار (۱٤) .

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ﴿١٥﴾

اوست آنکه رام ساخت برای شمازمین را پس راه روید درنواحی آن وبخورید اززرق خدا وسوی اوست برانگیختن (۱۵) .

ءَأَمِنتُم مَّن فِي السَّمَاءِ أَن يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ﴿١٦﴾

آیا ایمن شده ایدازکسی که درآسمان ست ازآنکه فروبرد شمارا به زمین پس نا گهان زمین می‌جنبد (۱٦) .

أَمْ أَمِنتُم مَّن فِي السَّمَاءِ أَن يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ ﴿١٧﴾

آیا ایمن شده ایدازکسی که درآسمان ست ازآنکه بفرستد برشما بادِ سنگبار پس خواهید دانست چگو نه است ترسانیدن من (۱۷) .

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿١٨﴾

وهرآئینه دروغ پنداشتند آنانکه پیش ازایشان بودند پس چگو نه شد عقوبت من (۱۸) .

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ

آیاندیده اند بسوی مرغان بالای خود

كافرشدند وگفته شوداين ست آنچه اورا
می طلبيديد (٢٧) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ اَهْلَكَنِيَ اللّٰهُ وَمَنْ مَّعِيَ اَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ
يُّجِيرُ الْكٰفِرِينَ مِنْ عَذَابٍ اَلِيمٍ ﴿٢٨﴾

بگوآياديديد ا گرهلاك كند مراخدا وآنان
راكه همراه من اند يارحمت كند برما
(بهرحال) كه خلاصی دهدكافران را
ازعذاب درد دهنده (٢٨) .

قُلْ هُوَ الرَّحْمٰنُ اٰمَنَّا بِهٖ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ
مَنْ هُوَ فِي ضَلٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٢٩﴾

بگواوست بخشاينده باوايمان آورديم
وبروی توكل نموديم پس خواهيد دانست
كه كيست درگمراهی ظاهر (٢٩) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ اَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَّاْتِيكُمْ بِمَآءٍ
مَّعِينٍ ﴿٣٠﴾

بگو آياديديد ا گرشود آب شمافرورفته
پس كه بياردبه شما آب روان را (٣٠) .

سُوْرَةُ الْقَلَمِ

سوره قلم مكی است وآن پنجاه ودوآيت ودوركوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاينده مهربان .

نٓ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿١﴾

نٓ ، قسم بقلم اعلی وبآنچه می نويسند
فرشتگان (١) .

مَآ اَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿٢﴾

نيستی تو به فضل پروردگارتو ديوانه
(٢) .

وَاِنَّ لَكَ لَاَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ﴿٣﴾

وهرآئينه تُراست مزدبی نهايت (٣) .

وَاِنَّكَ لَعَلٰى خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾

وهرآئينه تو برخوی بزرگی (٤) .

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ ﴿٥﴾

پس خواهی ديدوايشان نيز خواهند ديد
(٥) .

بِاَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ ﴿٦﴾

كه بكدام يك ازشما ديوانگی ست (٦) .

اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهٖ
وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٧﴾

هرآئينه پروردگار توداناترست به كسيكه
خطا كرد راه او را و اونيز داناترست به
راه يافتگان (٧) .

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٨﴾

پس فرمان مبر دروغ دارندگان را (٨) .

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ﴿٩﴾

آرزوكردند كه ملائمت كنی تاايشان نيز

أَنِ اغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰرِمِينَ ﴿٢٢﴾

که بامداد روید بکشت خود اگر دروکننده اید (۲۲) .

فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ ﴿٢٣﴾

پس رفتند بایکدیگر سخن پنهان گویان (۲۳) .

أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ ﴿٢٤﴾

باید که داخل نه شود دربوستان امروز برشما هیچ فقیری (۲٤) .

وَغَدَوْا عَلَىٰ حَرْدٍ قَٰدِرِينَ ﴿٢٥﴾

وبامداد رسیدند برنیت بخل توانا بزعم خود (۲۵) .

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ ﴿٢٦﴾

پس آنگاه که دیدندآن بوستانرا گفتند هرآئینه ما خطا کننده راهیم[1] (۲٦) .

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٢٧﴾

نه بلکه محروم کردگانیم (۲۷) .

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ﴿٢٨﴾

گفت بهترین ایشان آیانه گفته بودم شمارا که چراتسبیح نمی گوئید[2] (۲۸) .

قَالُوا سُبْحَٰنَ رَبِّنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿٢٩﴾

گفتند به پاکی یادمی کنیم پروردگار خودرا هرآئینه ماستمگاربودیم (۲۹) .

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَٰوَمُونَ ﴿٣٠﴾

پس روآوردند بعض ایشان بربعض بایکدیگر ملامت کنان (۳۰) .

قَالُوا يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا طَٰغِينَ ﴿٣١﴾

گفتند ای وای ماراهرآئینه ما بودیم از حدگذشته (۳۱) .

عَسَىٰ رَبُّنَآ أَن يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِّنْهَآ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا رَٰغِبُونَ ﴿٣٢﴾

امیدست که پروردگارما عوض دهد مارا بوستانی بهترازین هرآئینه مابسوی پروردگار خود توقع دارندگانیم (۳۲) .

كَذَٰلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾

همچنین ست عذاب وهرآئینه عذاب آخرت بزرگ ترست کاش می دانستند (۳۳) .

---

(۱) یعنی این بوستان دیگراست بوستان ما نیست .

(۲) یعنی رجوع بخدا کنید .

إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سٰلِمُونَ ﴿٤٣﴾

فروگیردایشان را خواری وهرآئینه خوانده می شد ایشان را بسوی سجده حالانکه ایشان بی علت بودند (٤٣) .

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهٰذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٤﴾

پس بگذارمرا باکسیکه دروغ می شمرد این سخن را پایه پایه خواهیم کشید این جماعت راازآن راه که نمیدانند (٤٤) .

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾

ومهلت خواهم دادایشان راهرآئینه حیله من محکم ست (٤٥) .

أَمْ تَسْئَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿٤٦﴾

آیامی طلبی ازین جماعت مزدپس ایشان ازتاوان گرانبارند (٤٦) .

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤٧﴾

آیانزدِ این جماعت علم غیب ست پس ایشان مینویسند (٤٧) .

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادٰى وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾

پس صبر کن بانتظار حکم پروردگار خود و مباش مانند صاحب ماهی[1] چون دعا کرد واوپُرازغم شده بود (٤٨).

لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾

ا گرنه آنست که دریافت اورارحمتی ازجانب پروردگار اوالبته افگنده میشد برزمین بی‌گیاه واو بدحال بودی[2] (٤٩).

فَاجْتَبٰهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصّٰلِحِينَ ﴿٥٠﴾

پس برگزیدش پروردگار اوپس ساخت اورا ازجملهٔ صالحان (٥٠) .

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ

وهرآئینه نزدیك اند کافران که بلغزانند ترا به چشم های تیز خود چون شنید ندقرآن

= میکردپس کوشش می کند که سجده کند ولی بآن قادر نمیشود زیرا که پشت اویك طبق مثل تخته راست میشود .

(١) یعنی یونس علیه السلام .

(٢) لیکن رحمت دررسید وبدحال نه شد .

فَهَلْ تَرٰى لَهُمْ مِّنْۢ بَاقِيَةٍ ۝٨
پس آیامی بینی ازایشان هیچ اثری (۸) .

وَجَآءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهٗ وَالْمُؤْتَفِكٰتُ بِالْخَاطِئَةِ ۝٩
وبعمل آورد فرعون وآنانکه پیش ازوی بودند واهل موتفکات نیزگناه را (۹) .

فَعَصَوْا رَسُوْلَ رَبِّهِمْ فَاَخَذَهُمْ اَخْذَةً رَّابِيَةً ۝١٠
پس نافرمانی کردند فرستادهٔ پروردگار خودراپس درگرفت خدا آنجماعت را درگرفتن عظیم (۱۰) .

اِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَآءُ حَمَلْنٰكُمْ فِي الْجَارِيَةِ ۝١١
هرآئینه ماوقتیکه ازحد گذشت آب سوارکردیم شمارا برکشتی روان (۱۱) .

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَّتَعِيَهَآ اُذُنٌ وَّاعِيَةٌ ۝١٢
تابکنیم این مقدمه رابرای شماپندی ویاد داردآن راگوش یاد دارنده (۱۲) .

فَاِذَا نُفِخَ فِي الصُّوْرِ نَفْخَةٌ وَّاحِدَةٌ ۝١٣
پس چون دمیده شود درصوریك بار دمیدن (۱۳) .

وَّحُمِلَتِ الْاَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَّاحِدَةً ۝١٤
وبرداشته شود زمین و کوه هارا پس کوفته شود ایشان رایکبار کوفتن (۱٤) .

فَيَوْمَئِذٍ وَّقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝١٥
پس آنروز متحقق شود قیامت (۱۵) .

وَانْشَقَّتِ السَّمَآءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَّاهِيَةٌ ۝١٦
وبشگافد پس آسمان آنروز سست شده باشد (۱٦) .

وَالْمَلَكُ عَلٰٓى اَرْجَآئِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمٰنِيَةٌ ۝١٧
وفرشتگان برکناره های آسمان باشند وبردارند تخت پروردگارترا بالای خویش آنروز هشت کس (۱۷) .

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُوْنَ لَا تَخْفٰى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ۝١٨
آنروز پیش آورده شود شمارا پنهان نماندازحال شما هیچ سِرّی (۱۸) .

فَاَمَّا مَنْ اُوْتِيَ كِتٰبَهٗ بِيَمِيْنِهٖ فَيَقُوْلُ هَآؤُمُ اقْرَءُوْا كِتٰبِيَهْ ۝١٩
اماآنکه پس داده شدش نامهٔ اعمال او به دست راست اوپس گوید بگیرید بخوانید نامهٔ اعمال مرا (۱۹) .

اِنِّيْ ظَنَنْتُ اَنِّيْ مُلٰقٍ حِسَابِيَهْ ۝٢٠
هرآئینه من معتقد بودم که من بهم خواهم رسید بحساب خود (۲۰) .

فَهُوَ فِيْ عِيْشَةٍ رَّاضِيَةٍ ۝٢١
پس آن شخص درزندگانی پسندیده

فَلَآ أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٨﴾
پس قسم میخورم بآنچه می بینید (۳۸) .

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٩﴾
وآنچه نمی بینید (۳۹) .

إِنَّهُۥ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾
هرآئینه این (قرآن) گفتار فرشتهٔ بزرگوار ست (٤٠) .

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ ۖ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾
ونیست آن گفتار شاعر، اندکی ایمان می‌آرید (٤١) .

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ ۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾
ونیست گفتارکاهن، اندکی پندمی پذیرید (٤٢) .

تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَٰلَمِينَ ﴿٤٣﴾
فرودآورده شده است ازجانب پروردگار عالمها (٤٣) .

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾
واگر می بست پیغامبربرما بعض سخن هارا (٤٤) .

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿٤٥﴾
هرآئینه می گرفتیم ازدست راست اورا (٤٥) .

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿٤٦﴾
بازمی بریدیم رگ دل اورا[1] (٤٦) .

فَمَا مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَٰجِزِينَ ﴿٤٧﴾
پس نیست ازشما هیچکس ازو بازدارنده[2] (٤٧) .

وَإِنَّهُۥ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾
وهرآئینه قرآن پندی ست پرهیزگاران را (٤٨) .

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾
وهرآئینه مامیدانیم که بعض شمادروغ پندارنده اید (٤٩) .

وَإِنَّهُۥ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَٰفِرِينَ ﴿٥٠﴾
وهرآئینه قرآن حسرت ست برکافران (٥٠) .

وَإِنَّهُۥ لَحَقُّ الْيَقِينِ ﴿٥١﴾
وهرآئینه قرآن حقیقت درست ست (٥١) .

---

(١) مترجم گوید عادت سیاف آنست که دست راست اسیر رابد ست چپ خود بگیردوشمشیر بگردن اوحواله کند لهذا باین اسلوب گفته شد .

(٢) یعنی عقوبت مارا .

بِبَنِيهِ ﴿١١﴾
كند گنهگار كه عوض دهد از عذاب آنروز فرزندان خودرا (١١) .

وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ ﴿١٢﴾
ونيززن خودرا وبرادر خودرا (١٢) .

وَفَصِيلَتِهِ الَّتِى تُـْٔوِيهِ ﴿١٣﴾
ونيز قبيله اش را كه جاى ميدهداورا (١٣) .

وَمَن فِى الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنجِيهِ ﴿١٤﴾
ونيزهركه درزمين ست همه يك جاپس برهانداين عوض دادن خودش را (١٤).

كَلَّآ إِنَّهَا لَظَىٰ ﴿١٥﴾
هرگز، هرآئينه دوزخ آتشى ست (١٥) .

نَزَّاعَةً لِّلشَّوَىٰ ﴿١٦﴾
شعله زننده پوست سررابركشنده (١٦) .

تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٧﴾
ميخواهد كسى را كه اعراض كرد و روگردان شد (١٧) .

وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ ﴿١٨﴾
وجمع مال نمودپس نگاهداشت (١٨) .

إِنَّ الْإِنسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ﴿١٩﴾
هرآئينه آدمى آفريده شده است ناشكيبنده (١٩) .

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ﴿٢٠﴾
چون برسدش مصيبت اضطراب كننده (٢٠) .

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ﴿٢١﴾
وچون برسدش رفاهيت بخل نماينده (٢١) .

إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿٢٢﴾
مگر نمازگذاران (٢٢) .

الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَآئِمُونَ ﴿٢٣﴾
آنانكه ايشان برنمازخويش هميشه پايبندند (٢٣) .

وَالَّذِينَ فِىٓ أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ﴿٢٤﴾
وآنانكه دراموال ايشان حصه هست مقرر (٢٤) .

لِّلسَّآئِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿٢٥﴾
براى سائل و محروم (٢٥) .

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٢٦﴾
وآنانكه باورميدارند روز جزاء را (٢٦) .

وَالَّذِينَ هُم مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ ﴿٢٧﴾
وآنانكه ايشان ازعذاب پروردگارخود ترسندگانند (٢٧) .

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ﴿٢٨﴾
هرآئينه عذاب پروردگارايشان چنان ست

ومغرب ها كه هرآئينه ماتوانائيم (٤٠) .

عَلٰٓى اَنْ نُّبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوْقِيْنَ ﴿٤٠﴾

برآنكه عوض آريم بهترازايشان ونيستيم ما عاجز (٤١) .

فَذَرْهُمْ يَخُوْضُوْا وَيَلْعَبُوْا حَتّٰى يُلٰقُوْا يَوْمَهُمُ الَّذِيْ يُوْعَدُوْنَ ﴿٤٢﴾

پس بگذار(يا محمد) ايشان را به بيهودگى درآيند وبازى كنند تاآنكه برخورند بآنروز خود كه وعده داده ميشود ايشان را (٤٢) .

يَوْمَ يَخْرُجُوْنَ مِنَ الْاَجْدَاثِ سِرَاعًا كَاَنَّهُمْ اِلٰى نُصُبٍ يُّوْفِضُوْنَ ﴿٤٣﴾

روزيكه برآيند ازقبور شتابان گويا ايشان بسوى نشانه ميدوند (٤٣) .

خَاشِعَةً اَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِيْ كَانُوْا يُوْعَدُوْنَ ﴿٤٤﴾

ترس ظاهر شده باشد برديده هاى ايشان درگيرد ايشانرا خوارى اينست آن روزكه وعده داده ميشد ايشان را (٤٤) .

سوره نوح مكى است وآن بيست وهشت آيت ودوركوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

اِنَّآ اَرْسَلْنَا نُوْحًا اِلٰى قَوْمِهٖٓ اَنْ اَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١﴾

هرآئينه مافرستاديم نوح را بسوى قوم او كه بترسان قوم خودرا پيش ازآنكه بيايد بديشان عقوبتى درد دهنده (١) .

قَالَ يٰقَوْمِ اِنِّيْ لَكُمْ نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿٢﴾

گفت اى قوم من هرآئينه من براى شماترساننده ظاهرام (٢) .

اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَاتَّقُوْهُ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿٣﴾

(باين مضمون) كه عبادت كنيد خدارا وبترسيد ازووفرمان من بريد (٣) .

يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوْبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى اِنَّ اَجَلَ اللّٰهِ اِذَا جَآءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٤﴾

تابيامرزدبراى شما گناهان شمارا وموقوف دارد شمارا تاوقتى مقرر هرآئينه وقتِ مقرر كردهٔ خداچون بيايد هرگز موقوف داشته نه شود آنرا اگر ميدانيد (٤) .

قَالَ رَبِّ اِنِّيْ دَعَوْتُ قَوْمِيْ لَيْلًا وَّنَهَارًا ﴿٥﴾

گفت اى پروردگار من هرآئينه من خواندم قوم خودرا شب وروز (٥) .

ازرویانیدن (۱۷) .

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿١٨﴾

سپس بازدرآرد شمارا به زمین وبیرون آردنیز طوری از بیرون آوردن (۱۸) .

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٩﴾

و خداساخت برای شما زمین را فراش (۱۹) .

لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ﴿٢٠﴾

تابِرَوید درآن زمین براه های کشاده (۲۰).

قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا ﴿٢١﴾

گفت نوح ای پروردگار من هرآئینه اینجماعت نافرمانی من کردند وپیروی نمودند کسی راکه زیاده نکرده است در حق وی مال وی وفرزندوی مگر زیانرا[1] (۲۱) .

وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا ﴿٢٢﴾

وحیله کردند رئیسان حیله ای عظیم (۲۲) .

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ﴿٢٣﴾

وگفتند هرگزترك مکنید معبودان خودرا وهرگز ترك مکنید وَدّوسواع ویغوث ویعوق و نسررا[2] (۲۳) .

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ﴿٢٤﴾

وهرآئینه گمراه کردند بسیاری را وزیاده مَدِه خدایا ستمگاران را مگرگمراهی (۲٤).

مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ﴿٢٥﴾

بسبب گناهان خود غرق کرده شدایشان را پس آورده شد ایشان را بآتش پس نیافتند برای خویش بجز خدا هیچ نصرت دهنده (۲۵) .

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٦﴾

وگفت نوح ای پروردگارمن مگذار برزمین ازکافران هیچ ساکن شونده (۲٦) .

---

(۱) یعنی برؤسائی کفار .

(۲) واین پنج بت بودند .

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿٦﴾

آنکه مردان بنی آدم پناه میگرفتند بمردان جن پس زیاده کردند درحق آن جنیان سرکشی را[1] (٦) .

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ﴿٧﴾

و آنکه آدمیان گمان کردند چنانکه شما گمان کرد یدکه هرگز نفرستد خدا هیچکس را[2] (٧) .

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا ﴿٨﴾

وآنکه مادست رسانیدیم بآسمان پس یافتیم که آسمان پرکرده شده ست به پاسبانان محکم وبستاره های فرودآینده (٨) .

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ ۖ فَمَن يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا ﴿٩﴾

وآنکه مامی نشستیم پیش ازین به جاي هائی ازآسمان برای شنیدن[3] پس هرکه گوش بنهد الآن بیابد برای خودستاره ای مهیا ساخته (٩) .

وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ﴿١٠﴾

وآنکه مانمی دانیم آیابلائی اراده کرده شد درحق آنانکه درزمین اند یااراده کرده است درحق ایشان پروردگار ایشان خیررا (١٠) .

وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَ ۖ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا ﴿١١﴾

وآنکه ازماجمعی شایسته کاران اند و جمعی ازماسوای اینند بودیم فرقه های مختلف (١١) .

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن نُّعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَن نُّعْجِزَهُ هَرَبًا ﴿١٢﴾

وآنکه مادانستیم که هرگز عاجزنه توانیم کرد خدارا درزمین وعاجز نه توانیم کرد او راازجهت گریختن (١٢) .

---

(١) اشارت است بآنکه در جاهلیت چون بجائی فرودمی آمدند میگفتند اعوذ بسید هذاالوادی من سفهاء قومه .

(٢) یعنی پیغامبرنفرستد .

(٣) یعنی برای شنیدن کلام ملائکه .

باوهیچ کَس را (۲۰) .

قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿٢١﴾

بگوهرآئینه من نمی توانم درحق شماضرر رسانیدن ونه لازم کردن طریق راستی (۲۱) .

قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٢﴾

بگو هرآئینه پناه نه دهد مراازعقوبت خداهیچکس وهرگزنیابم بجزوی پناهی (۲۲) .

إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ ۚ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ﴿٢٣﴾

ولیکن (بجاآرم) خبر رسانیدن ازجانب خداوتبلیغ پیغامهای او وهرکه نافرمانی کند خدارا وپیغامبر اورا پس هرآئینه اوراست آتش دوزخ جاویدان درآنجا همیشه (۲۳) .

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ﴿٢٤﴾

(درغفلت خودباشند) تاوقتیکه چون ببینند آنچه وعده داده میشود ایشانرا پس خواهند دانست کیست ناتوان تربااعتبار نصرت دهنده وکمتر ازروی شمار (۲٤).

قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ﴿٢٥﴾

بگونمیدانم آیا نزدیك ست آنچه وعده داده میشودشمارا یا مقرر کندبرای اوپروردگارمن میعادی (۲۵) .

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾

دانندهٔ پنهان ست پس مطلع نمی سازدبرعلم غیب خود هیچکس را (۲٦).

إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ﴿٢٧﴾

مگر کسی که پسند کرداورا از پیغامبری پس هرآئینه خدا روان میکند پیش دست های وی وپس پشت وی فرشتگان نگاهبان را (۲۷) .

لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ

تابداند خدا که بتحقیق رسانیده اند پیغامهای پروردگار خودرا[1] وخدا

---

(۱) یعنی تاتبلیغ درخارج متحقق گردد زیرا که آن علم ست والله اعلم .

جهت گسسته شومتوجه شده بسوی اونوعی گسسته شدن (٨) .

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَآ إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ﴿٩﴾

پروردگارمشرق ومغرب ست نیست هیچ معبود برحق مگر اوپس کارساز گیراورا (٩) .

وَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ﴿١٠﴾

وصبر کن برآنچه می گویند وترك کن ایشان را ترك کردن نیکو (١٠) .

وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ﴿١١﴾

وبگذارمرا بادروغ شمارندگان خداوندان رفاهیت ومهلت ده ایشانرا اندکی (١١) .

إِنَّ لَدَيْنَآ أَنكَالًا وَجَحِيمًا ﴿١٢﴾

هرآئینه هست نزدِ ماقیدهای گران وآتش افروخته (١٢) .

وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣﴾

وطعام گلوگیر وعذاب درد دهنده (١٣) .

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا ﴿١٤﴾

روزیکه بجنبد زمین وکوه ها وشود کوه هامانند تلِ ریگِ ازهم پاشیده شده (١٤) .

إِنَّآ أَرْسَلْنَآ إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَآ أَرْسَلْنَآ إِلٰى فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿١٥﴾

هرآئینه مافرستادیم بسوی شما پیغامبری گواهی دهنده برشما چنانکه فرستاده بودیم بسوی فرعون پیغامبری را (١٥) .

فَعَصٰى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنٰهُ أَخْذًا وَبِيلًا ﴿١٦﴾

پس نافرمانی کرد فرعون آن پیغامبررا پس درگرفتیم اورا درگرفتن سخت (١٦) .

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ﴿١٧﴾

پس ا گر کافرشوید چگونه درپناه شوید ازروزی که اطفال را پیرگرداند (١٧) .

السَّمَآءُ مُنفَطِرٌ بِهِۦ كَانَ وَعْدُهُۥ مَفْعُولًا ﴿١٨﴾

آسمان شگافته باشد درآن روزهست وعدهٔ خداالبته شدنی (١٨) .

إِنَّ هٰذِهِۦ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَآءَ اتَّخَذَ إِلٰى رَبِّهِۦ سَبِيلًا ﴿١٩﴾

هرآئینه این پندست پس هرکه خواهد راه بگیرد بسوی پروردگارخویش (١٩) .

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنٰى مِن ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ وَطَآئِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ ۚ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۚ عَلِمَ أَن لَّن تُحْصُوهُ فَتَابَ

هرآئینه پروردگارتو میداند که توبرمیخیزی نزدیك به دوثلث شب ونیم شب وثلث شب ونیز میخیزند جماعتی

وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ﴿٣﴾
و پس پروردگار خودرا به بزرگی یادکن (۳) .

وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ﴿٤﴾
وجامهای خودراپاك ساز (٤) .

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿٥﴾
وپلیدی را دورکن (٥) .

وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ﴿٦﴾
ونباید که چیزی بدهی زیاده طلب کنی[1] (٦) .

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿٧﴾
وبرای حکم پروردگارخویش پس شکیبائی ورز (۷) .

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ﴿٨﴾
پس وقتیکه دمیده شوددر صور(دشوار شودحال) (۸) .

فَذَٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿٩﴾
پس آنوقت آنروز روز دشواراباشد (۹) .

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴿١٠﴾
بر کافران نه وقت آسان (۱۰) .

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿١١﴾
بگذارمرا باکسیکه آفریدم تنها (۱۱) .

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَّمْدُودًا ﴿١٢﴾
ودادم اورا مال فراوان (۱۲) .

وَبَنِينَ شُهُودًا ﴿١٣﴾
وفرزندان حاضر شونده بمجالس (۱۳).

وَمَهَّدتُّ لَهُ تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾
ووسعت دادم اوراوسعت دادنی (١٤) .

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿١٥﴾
بازطمع می کند که زیاده دهم (۱۵) .

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ﴿١٦﴾
هرگز، هرآئینه اوهست بآیات ماستیزنده (١٦) .

سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا ﴿١٧﴾
تکلیف خواهم داد او را مشقت غیر قابل تحمّل (۱۷) .

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾
هرآئینه وی تأمل کرد واندازه مقرر نمود (۱۸) .

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿١٩﴾
پس لعنت باداورا چگونه اندازه کرد (۱۹).

---

(۱) یعنی هدیه بردن به رئیسی تاوی زیاده ازقیمت هدیه رعایت کند، ازاخلاق رذیله است .

اللَّهُ مَنْ يَّشَآءُ وَيَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ ۭ وَمَا يَعْلَمُ جُنُوْدَ رَبِّكَ اِلَّا هُوَ ۭ وَمَا هِيَ اِلَّا ذِكْرٰى لِلْبَشَرِ ۝٣١

بیماریست وکافران چه چیزاراده کرده است خدابااین داستان همچنین گمراه می کند خدا هرکرا خواهد وراه می نماید هرکراخواهدونمی داندلشکر های پروردگار ترا مگراوتبارك و تعالی ونیست این مگرپندی برای بنی آدم (٣١) .

كَلَّا وَالْقَمَرِ ۝٣٢

هرگز، و قسم بماه (٣٢) .

وَالَّيْلِ اِذْ اَدْبَرَ ۝٣٣

وقسم به شب چون پشت برگرداند (٣٣).

وَالصُّبْحِ اِذَآ اَسْفَرَ ۝٣٤

وقسم به صبح چون روشن شود (٣٤) .

اِنَّهَا لَاِحْدَى الْكُبَرِ ۝٣٥

هرآئینه دوزخ یکی از چیز های بزرگ ست (٣٥) .

نَذِيْرًا لِّلْبَشَرِ ۝٣٦

ترساننده بنی آدم (٣٦) .

لِمَنْ شَاۗءَ مِنْكُمْ اَنْ يَّتَقَدَّمَ اَوْ يَتَاَخَّرَ ۝٣٧

(ترساننده است) برای هرکه خواهد ازشما پیشتر آید یابازپس ماند (٣٧) .

كُلُّ نَفْسٍۢ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ ۝٣٨

هر شخصی بآنچه کرددرگروست (٣٨) .

اِلَّآ اَصْحٰبَ الْيَمِيْنِ ۝٣٩

مگر اهل (سعادت و) راست (٣٩) .

فِيْ جَنّٰتٍ ۛ يَتَسَاۗءَلُوْنَ ۝٤٠

دربوستانهاباشند سوال کنند (٤٠) .

عَنِ الْمُجْرِمِيْنَ ۝٤١

ازگنهگاران (٤١) .

مَا سَلَكَكُمْ فِيْ سَقَرَ ۝٤٢

چه چیز درآورد شمارا دردوزخ (٤٢) .

قَالُوْا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّيْنَ ۝٤٣

گویند نه بودیم ازنمازگذاران (٤٣) .

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِيْنَ ۝٤٤

ونمی دادیم طعام فقیررا (٤٤) .

وَكُنَّا نَخُوْضُ مَعَ الْخَاۗىِٕضِيْنَ ۝٤٥

وبانکاردرمی آمدیم بادرآیندگان (٤٥) .

وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّيْنِ ۝٤٦

ودروغ میشمردیم روزجزاء را (٤٦) .

حَتّٰٓى اَتٰىنَا الْيَقِيْنُ ۝٤٧

تاوقتیکه آمدبماموت (٤٧) .

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشّٰفِعِيْنَ ۝٤٨

پس سودنه دهد ایشانرا شفاعت شفاعت کنندگان (٤٨) .

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِيْنَ ۝٤٩

پس چیست ایشان را ازپندروگردان شده گان (٤٩) .

يَسْـَٔلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ ﴿٦﴾
می پرسد کی خواهد بود روزقیامت (٦).

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ ﴿٧﴾
پس وقتیکه خیره شود چشم (٧) .

وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿٨﴾
وتیره گرددماه (٨) .

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾
ویکجاجمع کرده شود خورشید وماه (٩) .

يَقُولُ الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ ﴿١٠﴾
بگوید آدمی آنروز که کجاست گریز گاه (١٠) .

كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١١﴾
هرگز، نیست هیچ پناه (١١) .

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿١٢﴾
بسوی پروردگار تست امروز قرارگاه (١٢) .

يُنَبَّؤُا الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾
خبرداده شود آدمی را آن روزبه حقیقت حال آنچه پیش فرستاده بود وپس گذاشته[1] (١٣) .

بَلِ الْإِنسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾
بلکه هست آدمی برای الزام خود حجتی (١٤) .

وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ ﴿١٥﴾
اگرچه درمیان آرد عذرهای خودرا (١٥) .

لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ﴿١٦﴾
[2]مجنبان (یا محمد) به تکرار قرآن زبان خودرا تازودبدست آری یادکردن آنرا (١٦) .

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ﴿١٧﴾
هرآئینه وعده است برما در سینهٔ توجمع کردن وآسان کردنِ خواندنِ اورا (١٧) .

---

(١) مثل صدقه جاریه وعلم باقی .

(٢) مترجم گوید چون جبرئیل پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم وحی آوردی آنحضرت صلی الله علیه وسلم بحفظ آن اهتمام تمام فرمودی وهم بحضور جبرئیل قبل انقضاء وحی تکرار نمودی تاازخاطر مبارك نرود خدای تعالی باین معنی اشارت فرمود .

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿٣٠﴾

بسوی پروردگارتست آن روز روان کردن (۳۰) .

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ ﴿٣١﴾

پس نه باور داشت آدمی ونه نماز گذارد (۳۱) .

وَلَٰكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٣٢﴾

ولیکن دروغ شمرد و روگردان گشت (۳۲) .

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ ﴿٣٣﴾

بازبرفت بسوی اهل خانه خود خرامان شده (۳۳) .

أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿٣٤﴾

وای برتوپس وای برتو (۳٤) .

ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿٣٥﴾

باز (دیگرمیگوئیم) وای برتو پس وای برتو (۳۵) .

أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَن يُتْرَكَ سُدًى ﴿٣٦﴾

آیامی پندارد آدمی که مهمل گذاشته شود (۳٦) .

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ ﴿٣٧﴾

آیانه بود نطفه ازمنی که ریخته میشد دررحم (۳۷) .

ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٣٨﴾

بازبود خون بسته پس بیافریدخدا پس درست اندام کرد (۳۸) .

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿٣٩﴾

پس ساخت ازآن منی دوقسم را مردرا وزن را (۳۹) .

أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَن يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ﴿٤٠﴾

آیانیست این خداتوانا برآنکه زنده کند مُردگان را (٤۰) .

سورة الانسان

سوره دهر مکی است وآن سی ویك آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا ﴿١﴾

هرآئینه آمده است برآدمی مدتی اززمان که نبود چیزی ذکر کرده شده (۱) .

وَجَزٰىهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ﴿١٢﴾

وجزاداد ایشان را بمقابله صبر ایشان بوستان وجامهٔ ابریشمی (١٢) .

مُتَّكِـِٔينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَآئِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ﴿١٣﴾

تکیه زده باشند آنجا برتخت ها نه بینند آنجا گرمی خورشید ونه سرمای تندرا (١٣) .

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلٰلُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ﴿١٤﴾

ونزدیك شده باشد برایشان سایه های آن بوستان وسهل الحصول کرده شود میوهای آن سهل کردنی (١٤) .

وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِـَٔانِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا ﴿١٥﴾

گردانده شود برایشان بآوند هائی ازنقره وباجامهای که باشند بلورین (١٥) .

قَوَارِيرَا مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ﴿١٦﴾

(مراد میدارم) بلورین ازنقره اندازه کرده باشند ساقیان آنرا اندازه کردنی (١٦) .

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا ﴿١٧﴾

ونوشانیده شود ایشانرا آنجاجام شرابی که هست آمیزش آن آب چشمه زنجبیل (١٧) .

عَيْنًا فِيهَا تُسَمّٰى سَلْسَبِيلًا ﴿١٨﴾

چشمه ایست در بهشت که نام آن نهاده میشود سلسبیل (١٨) .

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنْثُورًا ﴿١٩﴾

وآمد وشدکنند برایشان نوجوانان جاویدان چون بینی ایشان را پنداری که ایشان مرواریدند ازرشته افشانده شده (١٩) .

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا ﴿٢٠﴾

وچون نگاه کنی آنجا ببینی نعمت فراوان وپادشاهی بزرگ (٢٠) .

عَالِيَهُمْ ثِيَابُ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقٰىهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ﴿٢١﴾

برایشان باشد جامه های سبز ازدیبای نازك و نیز برایشان باشد دیبای ضخیم وزیور پوشانیده شود ایشان را دست بندها از نقره و بنوشاند ایشانرا پروردگار ایشان شراب نهایت پاك (٢١) .

إِنَّ هٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَآءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا ﴿٢٢﴾

هر آئینه این نعمت هست شمارا جزای

سورة مرسلات مکی است وآن پنجاه آیت ودو رکوع است

سُورَةُ المُرسَلات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالْمُرْسَلٰتِ عُرْفًا ①

قسم ببادهای فرستاده شده بوجه نیك (۱) .

فَالْعٰصِفٰتِ عَصْفًا ②

پس قسم به بادهای تند وَزَنِدِه به شدت (۲) .

وَّالنّٰشِرٰتِ نَشْرًا ③

وقسم ببادهای منتشر کنندهٔ ابربه پراگنده کردن (۳) .

فَالْفٰرِقٰتِ فَرْقًا ④

پس قسم ببادهای ازهم جدا کنندهٔ ابربپاره پاره نمودن (٤) .

فَالْمُلْقِيٰتِ ذِكْرًا ⑤

پس قسم بجماعات فرشتگان فرودآرنده وحی (٥) .

عُذْرًا اَوْ نُذْرًا ⑥

برای دفع عذر یابرای ترسانیدن (٦) .

اِنَّمَا تُوْعَدُوْنَ لَوَاقِعٌ ⑦

هرآئینه آنچه وعده داده میشودشمارا البته بودنی ست (۷) .

فَاِذَا النُّجُوْمُ طُمِسَتْ ⑧

پس وقتیکه ستارها بی نورکرده شوند (۸) .

وَاِذَا السَّمَآءُ فُرِجَتْ ⑨

و وقتیکه آسمان شگافته شود (۹) .

وَاِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ⑩

ووقتیکه کوه ها پاره پاره کرده شود (۱۰) .

وَاِذَا الرُّسُلُ اُقِّتَتْ ⑪

ووقتیکه پیغامبران را به میعادی معین جمع کرده شود[1] (۱۱) .

لِاَيِّ يَوْمٍ اُجِّلَتْ ⑫

برای کدام روز پیغامبرانرا موقوف داشته شد(۱۲) .

لِيَوْمِ الْفَصْلِ ⑬

برای روز فیصله کردن (۱۳) .

وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ⑭

وچه چیز خبردادترا که چیست روز

(۱) متحقق گرددآنچه متحقق شدنی است .

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٤﴾
هٰذَا يَوْمُ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٣٥﴾

وای آن روز دروغ شمارندگان را (٣٤).
این روزروز یست که سخن نه گویند (٣٥).

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ﴿٣٦﴾

ونه اجازه داده شود ایشان را تاعذر پیش نمایند (٣٦).

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٧﴾
هٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۖ جَمَعْنٰكُمْ وَالْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾

وای آن روز دروغ شمارندگان را (٣٧).
این روز روز فیصله کردن ست جمع کردیم شمارا باپیشینیان (٣٨).

فَإِن كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ ﴿٣٩﴾

پس ا گرشمارا حیله هست پس‌حیله کُنید درحق من (٣٩).

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٠﴾
إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ﴿٤١﴾

وای آن روز دروغ شمارندگان را (٤٠).
هرآئینه متقیان درسایه هاباشند ودرچشمه ها (٤١).

وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٤٢﴾
كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾

ودرمیوه ها ازجنسی که رغبت کنند (٤٢).
(بگوئیم) بخورید وبنوشید خوردن ونوشیدنِ‌گوارابسبب آنچه میکردید (٤٣).

إِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٤٤﴾

هرآئینه ما همچنین جزامیدهیم نیکوکاران را (٤٤).

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٥﴾
كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُم مُّجْرِمُونَ ﴿٤٦﴾

وای آن روز دروغ شمارندگان را (٤٥).
(ای دروغ شمارندگان) بخوریدوبهره مند باشید اندکی هرآئینه شما گنهگارید (٤٦).

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٧﴾
وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ ﴿٤٨﴾

وای آن روز دروغ شمارندگانرا (٤٧).
وچون گفته شود ایشانرا نمازگذارید نمازنمی گذارند (٤٨).

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾
فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٠﴾

وای آن روز دروغ شمارندگان را (٤٩).
پس بکدام سخن بعد ازقرآن ایمان خواهند آورد (٥٠).

معین (۱۷) .

يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿١٨﴾ روزی که دمیده شوددرصور پس می آئید گروه‌گروه شده (۱۸) .

وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿١٩﴾ وشگافته شود آسمان پس باشد دروازه ها (۱۹) .

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿٢٠﴾ وروان کرده شوند کوه هاپس باشند مانند سراب (۲۰) .

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢١﴾ هرآئینه دوزخ ست انتظار کننده (۲۱) .

لِّلطَّاغِينَ مَآبًا ﴿٢٢﴾ سرکَشَانراهست مرجع ایشان (۲۲) .

لَّابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا ﴿٢٣﴾ درآیند به دوزخ اقامت کنندگان درآنجامدت های دراز (۲۳) .

لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾ نه چشندآنجاخنکی راونه آشامیدنی را(۲٤) .

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٢٥﴾ مگر آب گرم وخون وچرك را (۲۵) .

جَزَاءً وِفَاقًا ﴿٢٦﴾ جزاداده شد جزاء موافق (۲٦) .

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿٢٧﴾ هرآئینه ایشان توقع نمیداشتند حساب را (۲۷) .

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا ﴿٢٨﴾ وتکذیب می کردند آیاتِ مارابه دروغ پنداشتن (۲۸) .

وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿٢٩﴾ وهرچیزی را ضبط کردیم بطریق نوشتن (۲۹) .

فَذُوقُوا فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾ پس بچشید پس زیاده نخواهیم دادشمارا مگر عقوبت (۳۰) .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾ هرآئینه متقیان را مطلب یابی باشد (۳۱) .

حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿٣٢﴾ بوستانهاباشد ودرختان انگور (۳۲) .

وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿٣٣﴾ وزنان دوشیزه هم عمر بایکدیگر (۳۳) .

وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴿٣٤﴾ وپیالهٔ شرابِ پرکرده شده (۳٤) .

لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا ﴿٣٥﴾ نشنوند آنجاسخن بیهوده را ونه دروغ

وَّالسّٰبِحٰتِ سَبْحًا ﴿۳﴾
قسم بفرشتگان که شنامی کنند شناکردنی[۱](۳) .

فَالسّٰبِقٰتِ سَبْقًا ﴿۴﴾
پس قسم بفرشتگان که سبقت میکنند سبقت کردنی[۲] (٤) .

فَالْمُدَبِّرٰتِ اَمْرًا ﴿۵﴾
قسم بجماعات فرشتگان که تدبیر میکنند هرکاریرا (آنچه گفته میشود بود نیست) (٥) .

یَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ﴿۶﴾
روزی که بجنبد جنبنده (٦) .

تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ ﴿۷﴾
ازپس وی درآیداز پس درآینده[۳] (۷) .

قُلُوْبٌ یَّوْمَئِذٍ وَّاجِفَةٌ ﴿۸﴾
یك جمع دلهاآنروزترسان باشد (۸) .

اَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ ﴿۹﴾
بردیده های آنجماعت خواری هویدا شده باشد (۹) .

یَقُوْلُوْنَ ءَاِنَّا لَمَرْدُوْدُوْنَ فِی الْحَافِرَةِ ﴿۱۰﴾
میگویند کافران آیامابازگردانیده شویم بحالت نخستین (۱۰) .

ءَاِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً ﴿۱۱﴾
آیا چون شویم استخوانهای پوسیده باززنده شویم (۱۱) .

قَالُوْا تِلْكَ اِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿۱۲﴾
گفتند آن رجوعِ ماآنگاه رجوع زیان دهنده باشد(۱۲) .

فَاِنَّمَا هِیَ زَجْرَةٌ وَّاحِدَةٌ ﴿۱۳﴾
پس جزاین نیست که آن واقعه یك آواز تندست (۱۳) .

فَاِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ﴿۱۴﴾
پس نا گهان ایشان برروی زمین آمده باشند (١٤) .

هَلْ اَتٰىكَ حَدِیْثُ مُوْسٰى ﴿۱۵﴾
آیاآمده است پیش توخبر موسیٰ (١٥) .

اِذْ نَادٰىهُ رَبُّهٗ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿۱۶﴾
چون آواز دادش پروردگاراو بوادی پاك

---

(۱) یعنی در هوا شنا کردنی .
(۲) یعنی ازیکدیگر سبقت کردنی .
(۳) یعنی نفخهٔ اولی وپس نفخهٔ ثانیه بوجود آید .

كرد[1] (۳۰) .

أَخْرَجَ مِنْهَا مَآءَهَا وَمَرْعٰهَا ﴿۳۱﴾

بیرون آورد از زمین آب اوراو چراگاه اورا (۳۱) .

وَالْجِبَالَ أَرْسٰهَا ﴿۳۲﴾

وکوه هارا استوارنمود (۳۲) .

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴿۳۳﴾

برای منفعت شما وچهار پایان شما (۳۳) .

فَإِذَا جَآءَتِ الطَّآمَّةُ الْكُبْرٰى ﴿۳۴﴾

پس وقتیکه بیاید حادثهٔ بزرگ (یعنی قیامت) (۳٤) .

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ مَا سَعٰى ﴿۳۵﴾

روزیکه یادکند آدمی آنچه عمل کرده بود (۳۵) .

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرٰى ﴿۳۶﴾

وظاهر کرده شود دوزخ برای هرکه دیدنش خواهد (ثواب یا عقاب متحقق گردد) (۳٦) .

فَأَمَّا مَن طَغٰى ﴿۳۷﴾

اماکسیکه ازحد گذشته باشد (۳۷) .

وَءَاثَرَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ﴿۳۸﴾

وبرگزیده باشد زندگانی این جهانی را(۳۸) .

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوٰى ﴿۳۹﴾

پس هرآئینه دوزخ همانست جای او (۳۹) .

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوٰى ﴿۴۰﴾

واماکسیکه ترسیده باشد ازایستادن بحضور پروردگارخویش وبازداشته باشد نفس را از شهوات (٤۰) .

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوٰى ﴿۴۱﴾

پس هرآئینه بهشت همانست جای او (٤۱) .

يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسٰهَا ﴿۴۲﴾

می پرسند تراازقیامت کَی باشد تحقق آن (٤۲) .

فِيمَ أَنتَ مِن ذِكْرٰهَا ﴿۴۳﴾

درچه منزلی تو ازعلم آن (٤۳) .

إِلٰى رَبِّكَ مُنتَهٰهَا ﴿۴۴﴾

بسوی پروردگارتست منتهای علم آن (٤٤) .

---

(۱) مترجم گوید معنی هموار کردن همین ست که میفر ماید .

كَلَّآ إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ﴿١١﴾
نَی نَی، هرآئینه این آیاتِ قرآن پندست (۱۱) .

فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ﴿١٢﴾
پس هرکه خواهد یاد کند قرآن را (۱۲).

فِى صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ﴿١٣﴾
هرآئینه آیاتِ قرآن ثبت است درنامه های گرامی (۱۳) .

مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ﴿١٤﴾
بلند قدرپاك كرده شده (۱٤) .

بِأَيْدِى سَفَرَةٍ ﴿١٥﴾
به دست های نویسندگان (۱۵) .

كِرَامٍۭ بَرَرَةٍ ﴿١٦﴾
بزرگ منش نیکوکردار[1] (۱٦) .

قُتِلَ ٱلْإِنسَٰنُ مَآ أَكْفَرَهُۥ ﴿١٧﴾
لعنت کرده شدآدمی را چقدر ناسپاس ست (۱۷) .

مِنْ أَىِّ شَىْءٍ خَلَقَهُۥ ﴿١٨﴾
خداازچه چیز آفریدش (۱۸).

مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ ﴿١٩﴾
ازنطفهٔ منی آفریدش پس اندازهٔ معین کردش (۱۹) .

ثُمَّ ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ ﴿٢٠﴾
بازراه برآمد آسان نمودش (۲۰) .

ثُمَّ أَمَاتَهُۥ فَأَقْبَرَهُۥ ﴿٢١﴾
بازبمیراندش پس درگور کردش (۲۱) .

ثُمَّ إِذَا شَآءَ أَنشَرَهُۥ ﴿٢٢﴾
بازوقتیکه خواست زنده ساختش (۲۲).

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَآ أَمَرَهُۥ ﴿٢٣﴾
نی نی، بعمل نیاورد آنچه فرمودش (۲۳) .

فَلْيَنظُرِ ٱلْإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ ﴿٢٤﴾
پس باید که درنگرد آدمی بسوی طعام خود (۲٤) .

أَنَّا صَبَبْنَا ٱلْمَآءَ صَبًّا ﴿٢٥﴾
بسوی آنکه ماریختیم آب را ریختنی (۲۵) .

ثُمَّ شَقَقْنَا ٱلْأَرْضَ شَقًّا ﴿٢٦﴾
بازشگافتیم زمین را شگافتنی (۲٦) .

فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ﴿٢٧﴾
پس رویانیدیم درآن زمین دانه را (۲۷) .

وَعِنَبًا وَقَضْبًا ﴿٢٨﴾
وانگورو سبزی هارا (۲۸) .

---

(۱) یعنی فرشتگان ازلوح نقل می کنند .

شود (۵) .

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾ و وقتیکه دریاهارا مثل آتش افروخته شود (٦) .

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿٧﴾ ووقتیکه ارواح راباجسادجمع کرده شود (۷) .

وَإِذَا الْمَوْءُدَةُ سُئِلَتْ ﴿٨﴾ ووقتیکه دختری را که زنده درگور کرده بودند پرسیده شود (۸) .

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾ بکدام گناه کشته شد (۹) .

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ﴿١٠﴾ ووقتیکه نامه های اعمال کشاده شوند (۱۰) .

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿١١﴾ ووقتیکه آسمان را پوست برکنده شود[۱] (۱۱) .

وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ﴿١٢﴾ ووقتیکه دوزخ برافروخته شود (۱۲) .

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ﴿١٣﴾ ووقتیکه بهشت رانزدیك ساخته شود (۱۳) .

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ﴿١٤﴾ بداند هرشخص آنچه حاضر ساخته است (۱٤) .

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ﴿١٥﴾ پس قسم میخورم بستاره های بازگردنده (۱۵) .

الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ﴿١٦﴾ سیر نماینده غائب شونده[۲] (۱٦) .

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ﴿١٧﴾ وقسم به شب چون باز گردد (۱۷) .

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿١٨﴾ وقسم به صبح چون بدمد (۱۸) .

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾ هرآئینه این قرآن گفتار فرستاده ای است

---

(۱) یعنی سرخ شودمانند برّه که پوست اوسلخ کرده باشند .

(۲) مترجم گوید زحل و مشتری و مریخ وزهره وعطارد پنج ستاره متحیره اند چون سیر کرده بمقامی رسند ازآن بازمی گردند و بمقامی که طی کرده بودند اقبال نمایند چون وقت قران آید غائب شوند والله اعلم .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلْإِنسَٰنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ ٱلْكَرِيمِ ۝٦

ای آدمی چه چیز فریفت ترا به پروردگار بزرگوارتو (٦) .

ٱلَّذِى خَلَقَكَ فَسَوَّىٰكَ فَعَدَلَكَ ۝٧

آنخدای که بیافرید تراپس درست اندام کرد ترا پس معتدل قامت کردترا (٧) .

فِىٓ أَىِّ صُورَةٍ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ ۝٨

درهرصورتی که خواست ترکیب دادترا (٨) .

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِٱلدِّينِ ۝٩

نَی نَی، بلکه دروغ می شمریدجزای اعمال را (٩) .

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَٰفِظِينَ ۝١٠

وهرآئینه برشما گماشته شده اندنگاهبانان (١٠) .

كِرَامًا كَٰتِبِينَ ۝١١

نویسندگان گرامی قدر(١١) .

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ۝١٢

میدانند آنچه می کنید (١٢) .

إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ ۝١٣

هرآئینه نیکوکاران درنعمت باشند (١٣) .

وَإِنَّ ٱلْفُجَّارَ لَفِى جَحِيمٍ ۝١٤

وهرآئینه گناهگاران دردوزخ باشند (١٤) .

يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ ٱلدِّينِ ۝١٥

درآیند به دوزخ روزجزای اعمال (١٥) .

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَآئِبِينَ ۝١٦

ونباشند ازآن جا غائب شده (١٦) .

وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا يَوْمُ ٱلدِّينِ ۝١٧

وچه چیز مطلع ساخت ترااى آدمی که چیست روزجزا (١٧) .

ثُمَّ مَآ أَدْرَىٰكَ مَا يَوْمُ ٱلدِّينِ ۝١٨

باز (میگوئیم) چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست روزجزا (١٨) .

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْـًٔا ۖ وَٱلْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ ۝١٩

روز یست که نتواند هیچکس برای هیچکس هیچ فائده رسانیدن وفرمان آن روز خدارا باشد (١٩) .

سُوْرَةُ الْمُطَفِّفِيْن

سوره مطففین مکی است وآن سی وشش آیت است

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ۝١

وای برحقوق مردم کاهندگان (١) .

ثُمَّ يُقَالُ هٰذَا الَّذِيْ كُنْتُمْ بِهٖ تُكَذِّبُوْنَ ﴿١٧﴾

باز گفته شود ایشان را اینست آنچه شما آنرا دروغ شمردید (۱۷) .

كَلَّآ اِنَّ كِتٰبَ الْاَبْرَارِ لَفِيْ عِلِّيِّيْنَ ﴿١٨﴾

حقا هرآئینه نامهٔ اعمال نیکوکاران داخل شود درعلّیین (۱۸) .

وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا عِلِّيُّوْنَ ﴿١٩﴾

و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست علیون (۱۹) .

كِتٰبٌ مَّرْقُوْمٌ ﴿٢٠﴾

کتابیست نوشته شده (۲۰) .

يَّشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُوْنَ ﴿٢١﴾

که حاضر شوند نزدیك آن مقربین بارگاه الهی (۲۱) .

اِنَّ الْاَبْرَارَ لَفِيْ نَعِيْمٍ ﴿٢٢﴾

هرآئینه نیکوکاران درنعمت باشند (۲۲) .

عَلَى الْاَرَآئِكِ يَنْظُرُوْنَ ﴿٢٣﴾

بر تختهانشسته نظر میکنند بهر جانب (۲۳) .

تَعْرِفُ فِيْ وُجُوْهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيْمِ ﴿٢٤﴾

بشناسی در چهره های ایشان تازگی نعمت (۲٤) .

يُسْقَوْنَ مِنْ رَّحِيْقٍ مَّخْتُوْمٍ ﴿٢٥﴾

نوشانیده شود ایشان راازشراب خالص (۲۵) .

خِتٰمُهٗ مِسْكٌ ۭ وَفِيْ ذٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُوْنَ ﴿٢٦﴾

سربمهرمگر بجای موم مهراومُشك باشد وبهمین شراب پاك باید که رغبت کنند رغبت کنندگان (۲٦) .

وَمِزَاجُهٗ مِنْ تَسْنِيْمٍ ﴿٢٧﴾

وآمیختنی آن از آب تسنیم باشد (۲۷) .

عَيْنًا يَّشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُوْنَ ﴿٢٨﴾

(مراد میدارم) چشمه ای که می نوشند ازآن مقربین خدا (۲۸) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اَجْرَمُوْا كَانُوْا مِنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يَضْحَكُوْنَ ﴿٢٩﴾

هرآئینه گنه گاران به مسلمانان می‌خندیدند (۲۹) .

وَاِذَا مَرُّوْا بِهِمْ يَتَغَامَزُوْنَ ﴿٣٠﴾

وچون میگذشتند بمسلمانان بایکدیگر چشم میزدند حقارت کرده (۳۰) .

وَاِذَا انْقَلَبُوْٓا اِلٰٓى اَهْلِهِمُ انْقَلَبُوْا فَكِهِيْنَ ﴿٣١﴾

وچون بازمی گشتند باهل خانهٔ خود بازمی گشتند شادمان شده (۳۱) .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ ۝٧

پس اما هركه داده شد اورانامهٔ اعمال اوبدست راستش (۷) .

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ۝٨

پس باوحساب كرده شود حساب آسان (۸) .

وَيَنقَلِبُ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا ۝٩

وبازگردد بسوى اهل خانهٔ خود شادمان شده (۹) .

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ وَرَآءَ ظَهْرِهِۦ ۝١٠

واماهركه داده شداورانامهٔ اعمال اواز پس پشتش (۱۰) .

فَسَوْفَ يَدْعُوا۟ ثُبُورًا ۝١١

پس ياد خواهد كردهلاك را (۱۱) .

وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ۝١٢

ودرخواهدآمد به دوزخ (۱۲) .

إِنَّهُۥ كَانَ فِىٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا ۝١٣

هرآئينه اوبود به دنيا دراهل خانهٔ خود شادمان (۱۳) .

إِنَّهُۥ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ ۝١٤

هرآئينه گمان كرده بود كه رجوع نه كند بسوى خدايتعالى (۱٤) .

بَلَىٰٓ ۚ إِنَّ رَبَّهُۥ كَانَ بِهِۦ بَصِيرًا ۝١٥

آرى (رجوع كردن متحقق ست) هرآئينه پروردگاراوبود باحوال اوبينا (۱۵) .

فَلَآ أُقْسِمُ بِٱلشَّفَقِ ۝١٦

پس سوگند ميخورم بسرخى كنارهٔ آسمان اوّل شب (۱٦) .

وَٱلَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ۝١٧

وقسم ميخورم بشب وآنچه شب آنراجمع كرده است (۱۷) .

وَٱلْقَمَرِ إِذَا ٱتَّسَقَ ۝١٨

وقسم ميخورم بماه چون تمام شود (۱۸) .

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ۝١٩

خواهيد رسيدبحالى بعد حالى[1] (۱۹) .

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝٢٠

پس چيست اين كافران را كه ايمان نمى آرند (۲۰) .

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ ٱلْقُرْءَانُ لَا يَسْجُدُونَ ۝٢١ ۩

وچون خوانده شود برايشان قرآن سجده

---

(۱) يعنى هول موت بعد ازآن سوالِ منكرونكير بعد ازآن حشر و حساب و مروربر صراط بعد ازآن دوزخ يا بهشت والله اعلم .

را که ایمان آرند بخدا غالب ستوده کار (۸) .

الَّذِیْ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَیْءٍ شَهِیْدٌ ۝۹

آنکه اوراست پادشاهی آسمان هاوزمین وخدا برهمه چیز مطلع ست[1] (۹) .

اِنَّ الَّذِیْنَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ ثُمَّ لَمْ یَتُوْبُوْا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِیْقِ ۝۱۰

هرآئینه آنانکه عقوبت کردند مردان مسلمانان را وزنان مسلمانان را بازتوبه نه نمودند پس ایشان راست عذاب دوزخ وایشان راست عذاب سوختن (۱۰)

اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ جَنّٰتٌ تَجْرِیْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ؕ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِیْرُ ۝۱۱

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند و کردار های شائسته کردند ایشانراست بوستانها میرودزیر آن جویها اینست پیروزی بزرگ (۱۱) .

اِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِیْدٌ ۝۱۲

هر آئینه گرفتِ پروردگارتو سخت ست (۱۲) .

اِنَّهٗ هُوَ یُبْدِئُ وَیُعِیْدُ ۝۱۳

هرآئینه اوآفرینش نومیکند و آفرینش دوباره میکند (۱۳) .

وَهُوَ الْغَفُوْرُ الْوَدُوْدُ ۝۱۴

واوست آمرزگاردوستدار (۱٤) .

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِیْدُ ۝۱۵

اوخداوند عرش گرامیقدرست (۱۵) .

فَعَّالٌ لِّمَا یُرِیْدُ ۝۱۶

بسیار کننده است هرچیزی را که خواهد (۱٦) .

هَلْ اَتٰىكَ حَدِیْثُ الْجُنُوْدِ ۝۱۷

آیاآمده است به توخبر لشکر ها (۱۷) .

فِرْعَوْنَ وَثَمُوْدَ ۝۱۸

که فرعون وثمودباشند (۱۸) .

بَلِ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا فِیْ تَكْذِیْبٍ ۝۱۹

بلکه کافران دردروغ شمردن اند (۱۹) .

وَّاللّٰهُ مِنْ وَّرَآئِهِمْ مُّحِیْطٌ ۝۲۰

و خدا از گردا گرد ایشان گیرنده

---

(۱) مترجم گوید پادشاهی جباری رعیت خودرا تکلیف کفر کرد و چون کافر نشدند خندقهارا بآتش پر کرد و ایشانرا بآتش افگند خدای تعالی آن آتش رابر پادشاه وهم نشینان او مسلط ساخت تااز خندق پریده همه را پاك بسوخت والله اعلم .

است (٢٠) .

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ ﴿٢١﴾

بلکه این قرآن گرامیقدرست (٢١) .

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

نوشته شده درلوح محفوظ (٢٢) .

سُورَةُ الطَّارِقِ

سوره طارق مکی است وآن هفده آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾

قسم بآسمان وقسم بچیزیکه وقت شب پدیدمی آید (١) .

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾

وچه چیز مطلع ساخت ترا که چه چیزبوقت شب پدید آینده است(٢) .

النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾

آن ستاره درخشنده است(٣) .

إِن كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾

نیست هیچ شخص مگر بروی فرشته نگهبانی کننده است (٤) .

فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾

پس باید که ببیند آدمی ازچه چیز آفریده شده (٥) .

خُلِقَ مِن مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾

آفریده شده است ازآب جهنده (٦) .

يَخْرُجُ مِن بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾

که برمی آید ازمیان پشت (مرد) واستخوان های سینه (زن) (٧) .

إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾

هرآئینه خدا بردیگر بار آفریدن آدمی تواناست (٨) .

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾

روزیکه امتحان کرده شود ضمیر های مردمانرا (٩) .

فَمَا لَهُ مِن قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾

پس نباشد آدمی را طاقتی ونباشد نصرت دهنده (١٠) .

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾

قسم بآسمان خداوندِ باران (١١) .

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾

وقسم بزمین صاحب شگافتن[1] (١٢).

---

(١) یعنی تادانه بیرون آید .

إِنَّهُۥ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ﴿١٣﴾
هرآئینه قرآن سخن واضح ست (۱۳) .

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿١٤﴾
ونیست قرآن سخن بیهوده (۱٤) .

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾
هرآئینه کافران بداندیشی میکنند یکطور بداند یشی کردنی (۱۵) .

وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾
ومن نیز تدبیر میکنم یکطور تدبیر کردنی[1] (۱٦) .

فَمَهِّلِ الْكَٰفِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا ﴿١٧﴾
پس مهلت ده کافران را فروگذار ایشان رااندکی (۱۷) .

سورة الأعلى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان .

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿١﴾
بپاکی یادکن نام پروردگار بزرگوار خودرا (۱) .

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٢﴾
آنکه بیافریدپس درست اندام کرد (۲) .

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ ﴿٣﴾
وآنکه اندازه کرد پس راه نمود[2] (۳) .

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ ﴿٤﴾
وآنکه برآورده گیاه تازه را (٤) .

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ ﴿٥﴾
بازساخت آنرا خشك شده سیاه گشته (۵) .

سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَىٰ ﴿٦﴾
قرآن تعلیم خواهیم کرد تراپس فراموش نخواهی کرد (٦) .

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۚ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ ﴿٧﴾
مگر آنچه خداخواسته است هرآئینه خدا میداند آشکار وپنهان را[3] (۷) .

---

(۱) واین وعده روز بدرمتحقق شد .

(۲) یعنی جمیع مخلوقات را اندازه کرده بحسب آن اندازه در مخلوقات تصرف فرمودتاهمان صورت بر روی کارآمد پس این تصرف را بهدایت تعبیر فرمود والله اعلم.

(۳) مترجم گوید فراموش گردانیدن این آیت از خاطر مبارك آن حضرت صلی الله علیه وسلم نوعی ازنسخ ست والله اعلم .

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ۝٧

که فربه نکند ودفع گرسنگی نه نماید[1] (۷) .

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ ۝٨

یك عدهٔ چهره ها آنروز تازه باشند (۸) .

لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ۝٩

به سعی خودرضا مند شده باشند (۹) .

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝١٠

دربهشت عالی (۱۰) .

لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً ۝١١

نه شنوی آنجاهیچ سخن بیهوده (۱۱) .

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۝١٢

درآن جاچشمهٔ روان باشد (۱۲) .

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ۝١٣

درآن جاتخت های بلند باشد (۱۳) .

وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ ۝١٤

وکوزه های نهاده شده (۱٤) .

وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ۝١٥

وبالشهای برابر یکدیگر گذاشته (۱۵) .

وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ۝١٦

وفرش های نفیس پهن کرده (۱٦) .

أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ۝١٧

آیانه می نگرند بسوی شتران چگو نه آفریده شدند (۱۷) .

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ۝١٨

وبسوی آسمان چگونه برداشته شد (۱۸) .

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ۝١٩

وبسوی کوه ها چگونه برافراشته شد (۱۹) .

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ۝٢٠

وبسوی زمین چگونه پهن کرده شد (۲۰) .

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنتَ مُذَكِّرٌ ۝٢١

پس پنده جزاین نیست که توپند دهنده ای (۲۱) .

لَّسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ ۝٢٢

نیستی برایشان گماشته شده (۲۲) .

إِلَّا مَن تَوَلَّى وَكَفَرَ ۝٢٣

لیکن هرکه روبگرداند وکافرشود (۲۳) .

فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ۝٢٤

پس عذاب کندش خدا به عقوبت بزرگ (۲٤) .

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ۝٢٥

هرآئینه بسوی ماست رجوع ایشان (۲۵) .

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُم ۝٢٦

بازهرآئینه برماست حساب ایشان (۲٦) .

---

(۱) ضریع نام گیاه خاردارست .

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿١٣﴾

پس بریخت برسرایشان پروردگار تویك دفعه عذاب (۱۳) .

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾

هرآئینه پروردگار توبه کمین‌گاه است (۱٤) .

فَأَمَّا الْإِنسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ ۙ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾

پس اما آدمی چون امتحان کندش پروردگار اوپس گرامی کندش ونعمت دهدش پس گوید پروردگار من گرامی ساخت مرا (۱۵) .

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ ۙ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ﴿١٦﴾

واما چون امتحان کندش پس تنگ سازد بروی رزق وی را گوید پروردگار من حقارت کرد مرا (۱٦) .

كَلَّا بَل لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾

هرگز، بلکه‌گرامی نمیدارید یتیم را (۱۷) .

وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿١٨﴾

ویکدیگررا رغبت نمیدهید برطعام دادن فقیر (۱۸) .

وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ﴿١٩﴾

ومیخورید مال میراث را خوردن بسیار[1] (۱۹) .

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾

ودوست میدارید مال رادوست داشتن بسیار[2] (۲۰) .

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾

نَی نَی، چون پست کرده شود بلندی زمین را پست کردن بعد پست کردن[3] (۲۱) .

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾

وبیاید پروردگار تو وبیایند فرشتگان صف صف شده (۲۲) .

---

(۱) یعنی زنان و یتیما نراحق ایشان نمید هید وحق ایشان را بمال خود جمع می کنید.

(۲) یعنی اسباب اکرام الهی در اکرام یتیم واطعام مسکین ست آنرامی باید کردوشما باین صفت هستید که یتیمان راحق ایشان نمی دهید وحق ایشانرا بمال خود جمع میکنید .

(۳) یعنی جبال واتلال را باسائر ارض برابر کرده شود .

أَيَحْسَبُ أَن لَّن يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾
آیا گمان می کند آدمی که قادرنه شود بروی هیچکس (۵) .

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُّبَدًا ﴿٦﴾
میگوید خرج کردم مال توبرتو (٦) .

أَيَحْسَبُ أَن لَّمْ يَرَهُ أَحَدٌ ﴿٧﴾
آیامی پندارد که ندیده است اورا هیچکس (۷) .

أَلَمْ نَجْعَل لَّهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾
آیانیا فریده ایم برای اودوچشم را (۸) .

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾
وزبان را ودولب را (۹) .

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾
ودلالت کردیم اورا بردوراه[1] (۱۰) .

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿١١﴾
پس درنیامد گزرگاه سخت (۱۱) .

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾
وچه چیز مطلع ساخت ترا که چیست گزرگاه سخت[2] (۱۲) .

فَكُّ رَقَبَةٍ ﴿١٣﴾
خلاص کردن برده (۱۳) .

أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾
یاطعام دادن بروز گرسنگی (١٤) .

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾
یتیم صاحب قرابت را (۱۵) .

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾
یافقیر صاحب خاکساری را (١٦) .

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾
بعدازآن باشد ازآنانکه ایمان آوردند وبایکدیگر وصیت کردند به شکیبائی وبایکدیگر وصیت کردند به شفقت برخلق خدا (۱۷) .

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿١٨﴾
این جماعت ایشانند اهل نیك بختی (۱۸) .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾
وآنانکه کافرشدند بآیاتِ ماایشانند اهل بدبختی (۱۹) .

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤْصَدَةٌ ﴿٢٠﴾
برایشان آتشی گماشته شود ازهرجهت گردآورده شده (۲۰) .

= میکشد و نیز ببذل مال فخر کندونمی داندکه خدا اورامی بیند که بغایت حقیر و بخیل ست .

(۱) یعنی خیر و شر .

(۲) یعنی بحقیقت قوت آنست که این اعمال بجاآرد .

فَسَوّٰىهَا ﴿١٤﴾

بكشتند ماده شتر را پس عقوبت فرودآوردبرايشان پروردگار ايشان بسبب معصيت ايشان پس هموار كرد عقوبت را برسرايشان[1] (١٤) .

وَلَا يَخَافُ عُقْبٰهَا ﴿١٥﴾

وخدا نمى‌ترسد ازآنجام آن عقوبت (١٥).

سوره ليل مكى است وآن بيست ويك آيت است

سُورَةُ اللَّيْلِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

وَالَّيْلِ إِذَا يَغْشٰى ﴿١﴾

قسم به شب چون بپوشاند (١) .

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلّٰى ﴿٢﴾

وقسم بروز چون ظاهر شود (٢) .

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثٰى ﴿٣﴾

وقسم بذاتيكه آفريد نر وماده را (٣) .

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتّٰى ﴿٤﴾

كه هرآئينه سعى شمامختلف ست (٤) .

فَأَمَّا مَنْ أَعْطٰى وَاتَّقٰى ﴿٥﴾

پس اماهر كه عطا كرد وپرهيزگارى نمود (٥) .

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنٰى ﴿٦﴾

وباورداشت پاداش نيك را (٦) .

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرٰى ﴿٧﴾

پس توفيق دهيم اورابراى رسيدن به سراى آسائش (٧) .

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنٰى ﴿٨﴾

واماهركه بخل كردو خودرا بى نياز شمرد (٨) .

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنٰى ﴿٩﴾

وبه دروغ نسبت كرد پاداش نيك را (٩) .

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرٰى ﴿١٠﴾

پس توفيق دهيم اورا براى رسيدن به سراى دشوارى (١٠) .

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدّٰى ﴿١١﴾

وهيچ دفع نكند ازوى مال او وقتيكه نگونسار افتد (١١) .

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدٰى ﴿١٢﴾

هرآئينه برمالازم ست راه نمودن او (١٢).

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولٰى ﴿١٣﴾

وهرآئينه براى ماست آن جهان واين

---

(١) يعنى به همه رسانيد .

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ﴿٦﴾
وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ﴿٧﴾
وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ﴿٨﴾
فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿٩﴾
وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾
وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿١١﴾

آیا یتیم نیافت ترا پس جای داد (٦) .
ویافت تراراه گم کرده[1] پس راه نمود (٧) .
و یافت تراتنگدست پس توانگر ساخت (٨) .
پس امایتیم را پس ستم مکن (٩) .
واما سائل را پس بسختی مران (١٠) .
وامابه نعمت پروردگارخود پس خبرده (١١) .

سُورَةُ الشَّرْحِ

سوره انشراح مکی است وآن هشت آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾
وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾
الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾
وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾
فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾
فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ﴿٧﴾
وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿٨﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان .
آیا کشاده نه کرده ایم برای توسینه ترا (١) .
ودورکردیم ازتو بارترا (٢) .
آن بارکه گران کرده بود پشت ترا (٣) .
وبلند ساختیم برای توثنای ترا (٤) .
پس هرآئینه پس از دشواری آسانی ست (٥) .
البته پس از دشواری آسانی ست (٦) .
پس وقتیکه ازکاروبارفارغ شوی درعبادت خدا کوشش کن (٧) .
وبسوی پروردگارخود تفرغ نما (٨) .

سُورَةُ التِّينِ

سوره تین مکی است وآن هشت آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ﴿١﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان .
قسم بانجیر وزیتون (١) .

---

(١) یعنی شریعت نمیدانستی تو والله اعلم .

كَلَّآ إِنَّ الْإِنسَانَ لَيَطْغَىٰٓ ۝٦
حقاهرآئینه آدمی ازحد میگذرد (٦) .

أَن رَّآهُ اسْتَغْنَىٰٓ ۝٧
وقتیکه می بیند خودرا توانگرشده (٧) .

إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰٓ ۝٨
هرآئینه بسوی پروردگارتست رجوع (٨) .

أَرَءَيْتَ الَّذِى يَنْهَىٰ ۝٩
آیادیدی شخصی که منع میکند (٩) .

عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰٓ ۝١٠
بنده راچون نماز می گذارد (١٠) .

أَرَءَيْتَ إِن كَانَ عَلَى الْهُدَىٰٓ ۝١١
آیادیدی که چه میشد ا گر براه راست بودی (١١) .

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰٓ ۝١٢
یابه پرهیز گاری فرمودی (١٢) .

أَرَءَيْتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰٓ ۝١٣
آیادیدی که چه میشد ا گر دروغ شمرد وروگردان گشت (١٣) .

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ۝١٤
آیا ندانست این روگرداننده که خدا می‌بیند[1] (١٤) .

كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعًۢا بِالنَّاصِيَةِ ۝١٥
نَی نَی، ا گرباز نه ایستد خواهیم کشید اورا به موی پیشانی (١٥) .

نَاصِيَةٍ كَـٰذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ۝١٦
بآن موی پیشانی دروغ زن خطاکار (١٦) .

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُۥ ۝١٧
پس باید که فریاد کند اهل مجلس خودرا (١٧) .

سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ۝١٨
مانیز خواهیم طلبید پیاده هارا[2] (١٨) .

كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِب ۩ ۝١٩
نی نی فرمان اوقبول مکن ونماز گذار و قرب خدا طلب نما (١٩) .

سورة القدر

سوره قدر مکی است وآن پنج آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَـٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان .

---

(١) یعنی بایددانست که عاقبت اهتداوهدایت بهشت ست وعاقبت ضلال حلال دوزخ ست پس این مدعارا بنوعی ازبلاغت اداکرده شده .

(٢) یعنی فرشتگان سخت عقوبت کننده را .

وَمَآ أُمِرُوٓا۟ إِلَّا لِيَعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلْقَيِّمَةِ ﴿٥﴾

وفرموده نشدایشان را مگر آنکه عبادت کنند خدای را خالص ساخته برای اوپرستش را متدین بدین ابراهیم شده وبرپادارند نمازرا وبدهند زکوٰة را واین ست احکام دین درست (۵) .

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ وَٱلْمُشْرِكِينَ فِى نَارِ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ شَرُّ ٱلْبَرِيَّةِ ﴿٦﴾

هرآئینه آنانکه کافرشدند از اهل کتاب ومشرکان درآتش دوزخ باشند جاویدان آنجا آنجماعت ایشانند بدترین خلق (٦) .

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ خَيْرُ ٱلْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند آنجماعت ایشانند بهترین خلق (۷) .

جَزَآؤُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۖ رَّضِىَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِىَ رَبَّهُۥ ﴿٨﴾

جزای ایشان نزد پروردگارایشان بوستانهای همیشه باقی است می رود زیر آن جویها جاویدان آنجا همیشه، خوشنود شد خداازایشان وخوشنود ند ایشان ازخدا این وعده کسی راست که بترسد ازپروردگار خود (۸) .

سوره زلزال مدنی است وآن هشت آیت است

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

إِذَا زُلْزِلَتِ ٱلْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾

وقتیکه جنبانیده شودزمین بآن جنبش خودش (۱) .

وَأَخْرَجَتِ ٱلْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾

وبیرون آوردزمین بار های خودش[1] (۲) .

وَقَالَ ٱلْإِنسَٰنُ مَا لَهَا ﴿٣﴾

وگوید انسان چه حالتست زمین را (۳) .

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾

آنروزبازگو کند زمین قصه های خودرا (٤) .

---

(۱) یعنی گنجهارا .

بِاَنَّ رَبَّكَ اَوْحٰى لَهَا ۝٥

بسبب آنکه پروردگارتو حکم فرستاده است بسوی زمین (٥) .

يَوْمَئِذٍ يَّصْدُرُ النَّاسُ اَشْتَاتًا ۙ لِّيُرَوْا اَعْمَالَهُمْ ۝٦

آنروز بازگردند مردمان براحوال مختلف[1] تانموده شود بایشان جزای اعمال ایشان (٦) .

فَمَنْ يَّعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَّرَهٗ ۝٧

پس هرکه کرده باشد هم وزنِ یك ذره عمل نیك ببیند آن را (٧) .

وَمَنْ يَّعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَّرَهٗ ۝٨

وهرکه کرده باشد هم وزنِ یك ذره عمل بد ببیند آن را (٨) .

سُوْرَةُ الْعٰدِيٰتِ

سوره عادیات مکی است وآن یازده آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالْعٰدِيٰتِ ضَبْحًا ۝١

قسم به اسپان تیزدونده بوجهی که ازدَم پر شوند (١) .

فَالْمُوْرِيٰتِ قَدْحًا ۝٢

پس قسم به اسپان آتش برآرنده به آنکه بنعل خود سنگ رابزنند (٢) .

فَالْمُغِيْرٰتِ صُبْحًا ۝٣

پس قسم به اسپان غارت کننده چون دروقت صبح درآیند (٣) .

فَاَثَرْنَ بِهٖ نَقْعًا ۝٤

پس برانگیزندبه آنوقت غباررا[2] (٤) .

فَوَسَطْنَ بِهٖ جَمْعًا ۝٥

پس درآیند به آنوقت درمیان جماعتی[3] (٥) .

اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهٖ لَكَنُوْدٌ ۝٦

هرآئینه آدمی به نسبت پروردگارخود ناشکرست (٦) .

---

(١) یعنی ازجای حساب .

(٢) یعنی بسبب دویدن .

(٣) یعنی ازاعداء مترجم گوید این قَسَم اشارت ست بآنکه جهاد مشروع خواهد شدورضای الهی باسپان غازیان متعلق خواهد شد والله اعلم .

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ﴿٧﴾

وهرآئینه آدمی برناسپاسی خود مطلع ست (۷) .

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ﴿٨﴾

وهرآئینه آدمی دردوست داشتن مال مبالغه کننده است (۸) .

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ﴿٩﴾

آیا پس نمیداند که چون برانگیخته شودهرآنچه درگور هاباشد (۹) .

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ﴿١٠﴾

وظاهر ساخته شود هر آنچه درسینه هاباشد (۱۰) .

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ﴿١١﴾

هرآئینه پروردگارایشان باحوال ایشان آن روز خبردارست (۱۱) .

سوره قارعه مکی است وآن یازده آیت است

سُورَةُ القَارِعَة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الْقَارِعَةُ ﴿١﴾

قیامت (۱) .

مَا الْقَارِعَةُ ﴿٢﴾

چیست آن قیامت (۲) .

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٣﴾

وچه چیز مطلع ساخت تراکه چیست آن قیامت (قیامت متحقق شود) (۳) .

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ﴿٤﴾

روزی که باشند مردمان مانند پروانه های پرا گنده ساخته (٤) .

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنفُوشِ ﴿٥﴾

وباشند کوه ها مانند پشم رنگین محلوج نموده (٥) .

فَأَمَّا مَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿٦﴾

پس اماهر که گران شد پلّه های حسناتِ او (٦) .

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ﴿٧﴾

پس آن شخص درمعِیشتی پسندیده باشد (۷) .

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿٨﴾

واماهرکه سبك شد پلّه های او (۸) .

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ﴿٩﴾

پس جای ماندن آنشخص هاویه باشد (۹) .

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهْ ﴿١٠﴾

وچه چیز مطلع ساخت ترا که چیست

وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿۳﴾

سُورَةُ الْهُمَزَة

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿۱﴾

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ﴿۲﴾

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ﴿۳﴾

كَلَّا لَيُنۢبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿۴﴾

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿۵﴾

نَارُ اللهِ الْمُوقَدَةُ ﴿۶﴾

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْـِٔدَةِ ﴿۷﴾

إِنَّهَا عَلَيْهِم مُّؤْصَدَةٌ ﴿۸﴾

فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ ﴿۹﴾

سُورَةُ الْفِيل

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحٰبِ الْفِيلِ ﴿۱﴾

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ﴿۲﴾

به دین درست ویکدیگر را وصیت کردند به شکیبائی (۳) .

سوره همزه مکی است وآن نه آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وای هر عیب کننده غیبت‌گوینده را (۱) .

آنکه فراهم آوردمال را ونگاهداشت آن را (۲) .

می پندارد که مال اوزندگی جاوید دهدش (۳) .

نی نی، البته انداخته خواهد شد به حطمه (٤) .

و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست حطمه (٥) .

آتش افروخته شدهٔ خدا (٦) .

که غالب شود بر دلها (۷) .

هرآئینه آن آتش برایشان گماشته شده است (۸) .

درستون های درازدرآورده شده است (۹) .

سوره فیل مکی است وآن پنج آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

(۱) آیانه دیدی چگو نه معامله کرد پروردگار تو بااهل فیل (۱) .

آیا نه ساخت بداندیشی ایشان را در

---

(۱) مترجم گویدابرهه پادشاه یمن عزم هدم کعبه کرد وفیلان بسیار ولشکر بیشمار بهم آورد چون نزدیك کعبه رسید خدای تعالی ابابیل را حکم فرمود تاهلاك کند .

وَيَمْنَعُوْنَ الْمَاعُوْنَ ۝٧

وعاریت نمید هند ماعون را[1] (۷) .

سُوْرَةُ الْكَوْثَرِ

سوره کوثر مکی است وآن سه آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

اِنَّآ اَعْطَيْنٰكَ الْكَوْثَرَ ۝١

(یا محمد) هرآئینه ماعطا کردیم تراکوثر[2] (۱) .

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۝٢

پس نماز گذار برای پروردگار خودو (شتر را) نحر کن (۲) .

اِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْاَبْتَرُ ۝٣

هرآئینه دشمن توهمانست دُم بریده (۳).

سُوْرَةُ الْكٰفِرُوْنَ

سوره کافرون مکی است وآن شش آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قُلْ يٰٓاَيُّهَا الْكٰفِرُوْنَ ۝١

بگو ای کافران (۱) .

لَآ اَعْبُدُ مَا تَعْبُدُوْنَ ۝٢

پرستش نمی کنم آنچه شمامی پرستید (۲).

وَلَآ اَنْتُمْ عٰبِدُوْنَ مَآ اَعْبُدُ ۝٣

ونه شما پرستنده اید آنچه من می پرستم (۳) .

وَلَآ اَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُّمْ ۝٤

ونه من پرستنده ام آنچه شما پرستیدید (٤) .

وَلَآ اَنْتُمْ عٰبِدُوْنَ مَآ اَعْبُدُ ۝٥

ونه شما پرستنده اید آنچه من می پرستم (۵) .

لَكُمْ دِيْنُكُمْ وَلِيَ دِيْنِ ۝٦

شمارادین شماست ومرادین من است (٦) .

---

(۱) یعنی سوزن ودیگ وپیاله ودلومانند آن مترجم گوید نصف این سوره تصویر حال کافرست و نصف تصویر حال منافق والله اعلم .

(۲) کوثر نام حوضی ست که دراخرت خواهد بود امت آنحضرت صلی الله علیه وسلم ازآن خواهند آشامید .

سُوْرَةُ الْاِخْلَاصِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ①

اَللّٰهُ الصَّمَدُ ②

لَمْ يَلِدْ ۙ وَلَمْ يُوْلَدْ ③

وَلَمْ يَكُنْ لَّهٗ كُفُوًا اَحَدٌ ④

سوره اخلاص مکی است وآن چهار آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

بگو خدا یگانه است (۱) .

خدابی نیازست (۲) .

نه زاد ونه زاده شده (۳) .

ونیست هیچکس اوراهمانند (٤) .

سُوْرَةُ الْفَلَقِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ①

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ②

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ ③

وَمِنْ شَرِّ النَّفّٰثٰتِ فِى الْعُقَدِ ④

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ ⑤

سوره فلق مدنی است وآن پنج آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

بگوپناه می برم به پروردگار صبح (۱) .

ازشر هرچه آفریده ست (۲) .

وازشر شب تاریك چون تاریکیِ اومنتشر شود (۳) .

وازشرزنـان سحـر کننـده در گرهها دم زننده (٤) .

و ازشر حاسد چون حسد کند (٥) .

سُوْرَةُ النَّاسِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ ①

مَلِكِ النَّاسِ ②

اِلٰهِ النَّاسِ ③

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ ۙ الْخَنَّاسِ ④

الَّذِىْ يُوَسْوِسُ فِىْ صُدُوْرِ النَّاسِ ⑤

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ⑥

سوره ناس مدنی است وآن شش آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

بگوپناه می برم به پروردگار مردمان (۱) .

پادشاهِ مردمان (۲) .

معبودِ مردمان (۳) .

ازشر وسوسه اندازنده چون ذکر گفته شد بازپس رونده (٤) .

آنکه وسوسه می افگند در سینه های مردمان (٥) .

ازجنسِ جن باشد یاازجنسِ مردمان (٦) .

فهرست سوره های قرآن کریم

شماره سوره	نـــام ســـوره	شماره صفحـه	شماره جزء
١	سورة الفاتِحة	١	١
٢	سورة البَقَرة	٢	١
٣	سورة آل عِمرَان	٧١	٣
٤	سورة النِّسَاء	١١٠	٤
٥	سورة المائدة	١٥٣	٦
٦	سورة الأَنْعَام	١٨٦	٧
٧	سورة الأَعرَاف	٢٢٢	٨
٨	سورة الأَنفَال	٢٥٩	٩
٩	سورة التَّوْبَة	٢٧٥	١٠
١٠	سورة يُونس	٣٠٤	١١
١١	سورة هُود	٣٢٢	١١
١٢	سورة يُوسُف	٣٤٣	١٢
١٣	سورة الرّعد	٣٦٢	١٣
١٤	سورة إبراهيم	٣٧١	١٣
١٥	سورة الحِجر	٣٨٠	١٣
١٦	سورة النّحل	٣٨٩	١٤
١٧	سورة الإسرَاء (بنـي اسرائيل)	٤٠٩	١٥
١٨	سورة الكهف	٤٢٦	١٥
١٩	سورة مَريَم	٤٤٣	١٦
٢٠	سورة طـه	٤٥٤	١٦
٢١	سورة الأنبيَاء	٤٧٠	١٧
٢٢	سورة الحَجّ	٤٨٤	١٧
٢٣	سورة المؤمنون	٤٩٨	١٨

فهرست سوره های قرآن کریم

شماره سوره	نـــام ســـوره	شماره صفحه	شماره جزء
٤٧	سورة مُحمَّد	٧٤٠	٢٦
٤٨	سورة الفَتْح	٧٤٧	٢٦
٤٩	سورة الحُجُرَات	٧٥٤	٢٦
٥٠	سورة قَ	٧٥٨	٢٦
٥١	سورة الذّاريَات	٧٦٣	٢٦
٥٢	سورة الطُّور	٧٦٨	٢٧
٥٣	سورة النَّجم	٧٧٢	٢٧
٥٤	سورة القَمَر	٧٧٧	٢٧
٥٥	سورة الرَّحمن	٧٨٢	٢٧
٥٦	سورة الواقعَة	٧٨٨	٢٧
٥٧	سورة الحَديد	٧٩٤	٢٧
٥٨	سورة المجَادلة	٨٠١	٢٨
٥٩	سورة الحشر	٨٠٦	٢٨
٦٠	سورة المُمتَحنَة	٨١١	٢٨
٦١	سورة الصَّف	٨١٦	٢٨
٦٢	سورة الجمُعَة	٨١٨	٢٨
٦٣	سورة المَنافِقون	٨٢١	٢٨
٦٤	سورة التَّغَابُن	٨٢٣	٢٨
٦٥	سورة الطَّلاَق	٨٢٥	٢٨
٦٦	سورة التَّحْرِيم	٨٢٨	٢٨
٦٧	سورة المُلْك	٨٣١	٢٩
٦٨	سورة القَلَـم	٨٣٥	٢٩
٦٩	سورة الحَاقَّة	٨٤٠	٢٩

فهرست سوره های قرآن کریم

شماره سوره	نـــام ســـوره	شماره صفحه	شماره جزء
٩٣	سورة الضُّحى	٨٩٨	٣٠
٩٤	سورة الانشراح	٨٩٩	٣٠
٩٥	سورة التِّيـن	٨٩٩	٣٠
٩٦	سورة العَلَق	٩٠٠	٣٠
٩٧	سورة القَدر	٩٠١	٣٠
٩٨	سورة البَيِّنة	٩٠٢	٣٠
٩٩	سورة الزلزلة	٩٠٣	٣٠
١٠٠	سورة العاديات	٩٠٤	٣٠
١٠١	سورة القَارعَة	٩٠٥	٣٠
١٠٢	سورة التّكاثُر	٩٠٦	٣٠
١٠٣	سورة العَصر	٩٠٦	٣٠
١٠٤	سورة الهُمَزة	٩٠٧	٣٠
١٠٥	سورة الفِيل	٩٠٧	٣٠
١٠٦	سورة قُرَيش	٩٠٨	٣٠
١٠٧	سورة المَاعون	٩٠٨	٣٠
١٠٨	سورة الكَوثَر	٩٠٩	٣٠
١٠٩	سورة الكافِرون	٩٠٩	٣٠
١١٠	سورة النصر	٩٠٩	٣٠
١١١	سورة المسَد (اللّهب)	٩١٠	٣٠
١١٢	سورة الإخلاص	٩١١	٣٠
١١٣	سورة الفَلق	٩١١	٣٠
١١٤	سورة النّاس	٩١١	٣٠

وزارت شئون إسلامی و أوقاف و تبلیغ وارشادِ
کشورِ عربستان سعودی
و مسئول و ناظر برمجمع ملك فهد برای چاپ قرآن کریم درمدینه منوره
باکمال مسرّت این چاپ قرآن کریم
و ترجمة معانی آنرا بزبان فارسی از مجمع منتشرمی کند

وازدر گاه خداوند مسئلت داردکه آنرا باعث منفعت عموم مسلمانان قرار داده
وبه خادم حرمین شریفین ملك فهد بن عبدالعزیز آل سعود
مقابل مساعی فراوان ایشان درنشر کتاب خداوندکریم بهترین جزای خیر عطا
فرماید . والله ولي التوفیق.

حق چاپ مختص چاپخانه مجمع ملك فهد است

ص.ب 6262 مدینه منوره

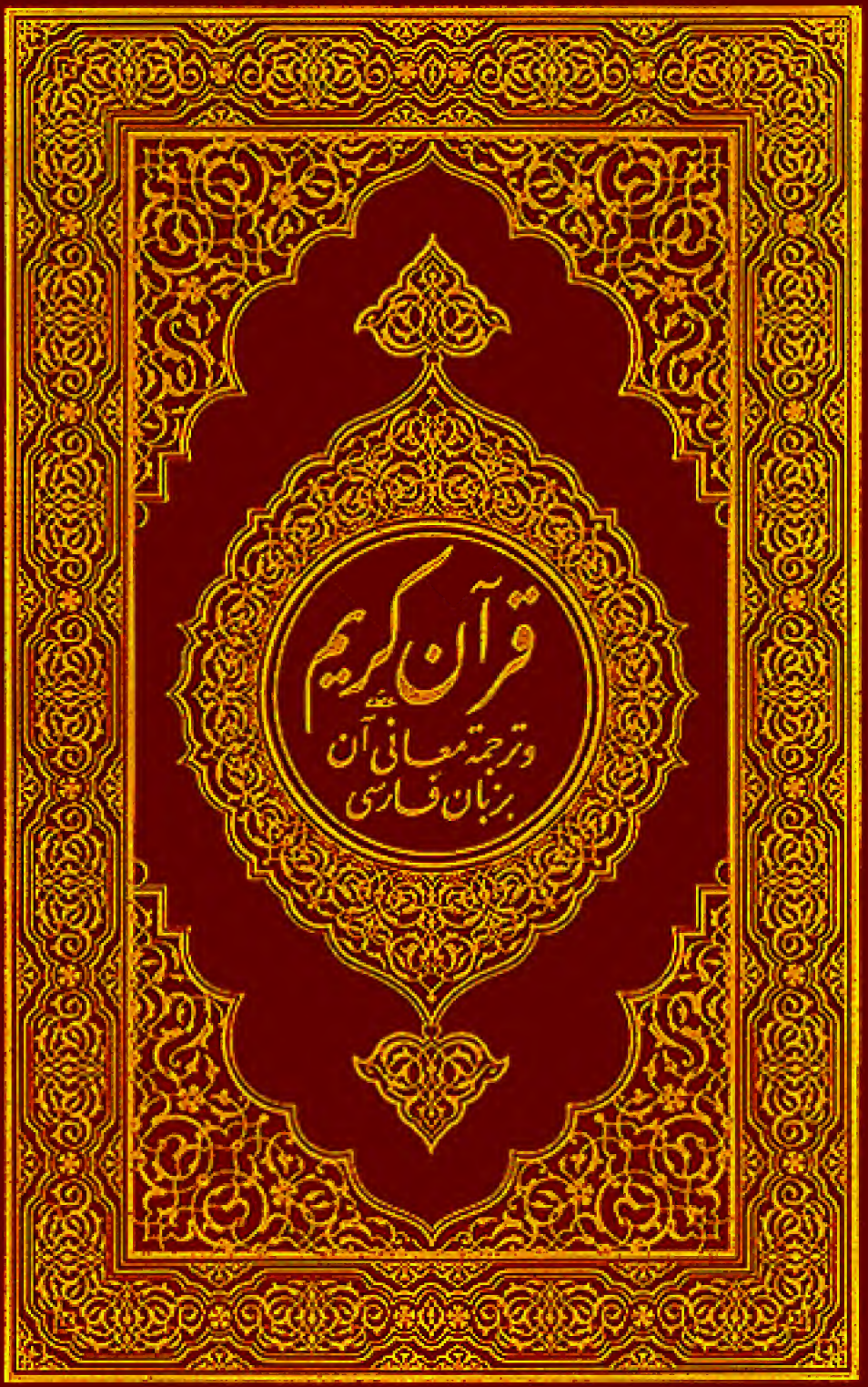
قرآن کریم
و ترجمه معانی آن
بزبان فارسی